تصوير ابو عبد الرحمن الكردي

پدنجه کافی یا کتری ندشکندین دیوی ناووی روداورکافی کردیستانی عیاق ۱۹۸۳،۱۹۷۹ این ناووی روداورکافی کردیستانی عیاق ۱۹۸۳،۱۹۷۹ ندرشهار از مستدف ندمین

> توقه، برای توقه، بالابعوره، دوشترمزه، تسییتگورد، یفنج برا برون، توته وتی: بابچن بو دوی ا برای توقه: له کوی! بالا بعوره وتی : له مالی خوا! دوشارمزد: معراصه. تصییلگرزه وتی: له دیتی تیستا هیچ شش عنوام نیم. له نار خوبان دا بو به شدیان، جراربان بشد کمون بو رازبانی پشتم

ناومرؤك

١ . تپردی پدکننی ۷۹ (ل ۷ – ۳٤)

ینکس نارزشگا. گنزستاد و کساری فسیکری. کسوستاد و کساریباری ریکخترادیی. گزیرنعوی کومیشنی سعرکردایشی. تیران له دوا قزناغی ثبنتهبالاب دا. گنواننوی حدکا. گنوانغوی تیسام خومنینی. پادگانی متحایاد. نمورزی سند. شعری تعقیدد. حشع: تاردی نام درک، جبایرنموی بزوتنود. سیروان و زیرنتیز.

۲. په پزندی مردنی مغلا مستنطاوه: مغلایی و جغلالی له تعرازود!.(ل ۳۵ – ۱۹۱۹)

٣. نيرس دوسي ٧٩ (ل ١١٧ -- ١٤٥)

خزدزیندوه، کرچهی معرمی، تعلیهی تیرانی، بزردوسان، ریگای حمشیشه. سفتری مامیعلال پژ تاران، فاتی صددام، دومحده ی سریا و عیران، کملکی پاریکی، شموی ۳ مانگلی کردستان، دادگاکانی خاعالی، تاریزی مامیعلال، هبینتی نرمایندگی خلکلی کرده، خواستهانی کرده، پیکیبنانی حسک، گلتوگزی حسک – پمصر، شغیق و قبرمیرازه، کیستانی سینین، کزنگری نزهمی پارتی، دبیلیند هبرست له ناروننگ، کاری پدریی،

٤. سالي . ٨ (١٤٧ ل ١٨٠ – ١٨٨)

له تیرمیتالی فرزکنوه یز چاپری ستدود. کزنگردی چراوسی حدک ا. کزیرندوی سعرکردایش پهکیتی، یهکیتی و حدکا، سطعری مامجملال یز دوبود، وعلاکاتی امی». دامنزراندنی رادیو، تعفرشخانه، یزودوسان، زیندان، دروستکردنی خانری تازد، گرتنی پیگاند، گروهی حدوث تعفیر، جمتگی عیراق – ثیران، شعری راگنیاندن، هاتنی لشکری پارتی بز دولدتر، جوقد و جود، جمعیل رطهیمو و پیرانه وش، ستاری سمعید خطط. پدرونوه له چلهمین قرین دا.

ه. سالي ۸۱ (ل ۱۸۱ – ۲۳۲)

بزچی چوم و توشی چی برم. کاروباری کزمناه. یدکسین کزنفرنسی کزمناه. حدک و پدک. لاک. گفا، تیکچرنی یدکپتی و تیران، پیشیراتی هالومترجی کوردستان. یدکسین شعری جود – یدکپتی، پاسزک و، یدکپتی، حسک و یدکپتی، حشع و بیدکپتی، لشکرکیشیدکنی سدید کاکه، گفاه کزمهکی ی چواز ازائی جود، تاکزینتی، هندی وشعی جوگرافی، ووژن،

٦. سالي ٨٢ (٢٣٧ - ٢٢٧)

شیر کو و چلورهار قدکان. دورن به تاش. میتمرازنی. هعولی تاشیرنمو. تغیر محصد محملی تاشیرنمو. تغیر محصد و قداران. به کیدا حسک. معیدانی تازاد. خزیبشاندانی شارهان. قاسطو و تاریخی. خواسته کانی به گیدا حسک. میدانی تازاد. خزیبشاندانی بنک – پدی. دوسین کزنفرخسی کزمفاد. پیکهینانی به کپتی شرشهال شورشگیران. هیزی پشتیران. پیکهینانی مطبخدگان. به کپتی و حکومت. سؤشهال دیموگران. تیزی پهیرمدی پیتل تقلسیری قرزان.

۷. سالي ۸۳ (ل ۲۷۹ – ۳۳۵)

ریککتوتنی ۱۹ قزانی، سعید صادق و بالاتشعران، کممینیکی کدور، داردکتی حسک، شمال و باداوان، شعر له شاربازیر، شعری پدکسی جود، تطسیسری جود پز روداودکان، تهتیهامدکاتی حشع، فزشناوشی، سماقرلیدکان، حسمن مارگر، وقی تافرمت، تاژاوی ناو تعدیبان، شیرکز پیکس، حسز له جاسرسان، عاتنی مامجعلال پز خزشناوشی، جمعال تایعر، شمری دومی جود، همنگاواتی، شعره جنیس به هرکی ترکی، حمسنز له کوندکزار، گیرانی بارزانیدکان، یعرفر تاسزس، بعری معرکه، مطبعتدی یدک له نار شعری، عیران و ثیران دا، شعر له ۳ مهیان دا، تازادکردنی بیتراند، مفاوضه له گذا بعصن.

۸. بندگه (ل ۲۳۷ –)

كورتكراوهكان

پاسزک: پارتی درسرالیستی کوره

پدک: پارتی درسرگراتی کوردستان

ترج: النجمه الوطنی الدراقی

جود: الجبهه الوطنیه الدیشراطیه

جولا: الجبهه الرطنیه والقرمیه الدیشراطه

حاج: الحرکه الاشتراکیه الدیسه

حدکا: حیزی درسرگراتی کوردستانی ثیران

حدک: حیزی درسرالیستی کوردستان، سعرها ناوی:

حیزی درسالیستی یهکگرتری کوردستان بور.

حشع: حیزی شهرهی عیراق

حشان کوردستان

تردی کارشکی نازدی و ریاندو، و یهکگرتنی کوردستان

سازکا: سازمان انقلابی زحستکشان کوردستانی به کوردی:

کوردستانی خوردستانی تیران

کوردستانی کوردستانی نیران

کوردستانی کوردستانی نیران

کزردک: کرمطنی رهایدوانی کوردستان

لاک: لشکری ٹیسلامی کورہ م: مطینند

م س: مدکنتین سیاسی م ع: مدکنتین هضکتری م ق ث: مجلس قیاده الثوره ه: هنریم

ینگ: یهکیتیی نیشتمانیی کوردستان

نیروی پدکسی ۱۹۷۹

بنکسی نارزمنگ

ناوزمنگ تا تعمات تاوهدانتر و قعرمها تحتر تعبو. زملی و قولمعمرمی باره گایان تی دا

داترا.

له تارزشگ، یگد که مامیدالا که تعناماتی سعرکردایش، سالار، معلایختیار، هرمدی حاجی عبیدللا، قاضیل کنوی، هدردها د. محصود عملی عبوسان و قادر جهاری و، ژمارویدک که گادرکانی گرمناه ردگر سبید کنوی، تپیراهم جدالاً، ریباز کر پررنترد، رسول ماصندیش هات بره زطی، یعلام بششاری کیورنتردکاتی سبرکردایش نتکرد، ریستسان کارکان ریک پخیندو، من کاریاری کرمنام معاشسرداند. سالار و جمعفد له گله مامیدالا کاریاری مدکتیمی سیاسیهان تدکرد، د، محصودیش له زؤری کرپرنتردکان دا بخشداری تدکرد. که میژ بر مدکتیمی سیاسی نرینتری پزوتندوی تی دا نسایر، قدادر عسازیان داتا بر به نرینتروه لای م مر، یعلام قداد نه تنظامی سرکردایشی پزرتدو، بد نعی سرکردایشی پذرکتره لای کربرندوکان دا بعشداری تدکرد، یعام که عمریان دا ودکو پی بان وت بر کیشش دورست تدکرد و، زورجار له گها مدیبولاگ قدیان که یک نگرا.

کاروباری پیشمنوگه به ملازم عرمنو و راگهاندن به فاضیل سهیردرا.

نارزدنگ تارهانی تی دا نبور هصوصان له خیبوت دا برین. خیبودتکان زلز قبریالغ پرن. له پدر تبوه هم میشوری خیبودتی زلزترصان تعقیراد و، هم هی خباتر دروست کردن. پیشسرگه لادپیمکان شارنزاتر و گروجوگراتتر برن له خاتو دروست کردن دا. هتر زر تبوان هندی توایان بز خزبان ساز کرد.

من و، ملازم عوصر، حصصحید، هاری جهار.. خیره یکی گفورهان هفله و، له تایلزفان گرت، تایلزنیکی تصحیرصان راخست بر له صعری تعنوستین یعکی یه ک پدتانهان ههیر، برای غازمان له تهرانتره بز تمعات. خیرهتدکسان له پال شاخدکدا هفله پدر نزری پی نمچر اوردکسدی بد به تارمزی، کسانیسهکی تی دا تعقی بد، به جسنرگ

له تاوزندگ چند جبیگایه کسان دیاری کرد خاتره کانیان تی دا یکری. سالار و فاضیل ما در اسپاد بر خشترک دو دوستگردش خاتر بان خاتره کان تمکیری دوستگردش خاتر بان خاتره کان تمکیری ده هممان تاییجدا برن، یکام له ۳ لای جهارازدا درست تمکران. دستمهمکیان فاضیل بنز خزی با مصمد و ، دستمهمک سالار، بز خزی و عرصد و من در دستمهمک عملی تامیخان کنید بادرگانان معندی له فعرماندی کمرتمکاتی هدریی پاریژگان له معرفی کمرتمکاتی هدریی پاریژگان له بسالار تارا برن: بمیمفیر از مانیان با برن ایکان سالام سالار تارا برن: بمعفقرتاوا، عملهاران، تم ناوانعمان بز خزشیی فی تابرن، بلام سالار که کمل

خاتری تفک ر تاریک ر دراکنوتری جرتیاردگان دا هیچ جیارازیدکییان نیر، به هسان کعرصته و هندمنه دروستگرا پرن.

من تمو مساوجه کساوم ز<u>لا</u>د یو: نوسسین و سسمپهترشتنی چاپ و بلار کسردندوی پلازگسراونکناز، به تاپیمنتی ومرزناصدی وکشومشاده ، ولامساتموی زیری تمو ناصانمی له ریکخراو : نهینهکان ر، له همریم و لقدکانمو، تمگیشان، بیتین و گفتوگز له گف تمو کادر و پیششمنرگه و طاورلامیهانمی یز تیشوکار تعفاین، تاپی و رونیرکمیشی حصمه سعمید و طوری جهار تبیار کرد.

یه لامتوه گرنگ نمبر له کری بم. گرنگ ثموه پر ترایدکم همی سعاری تی دا بگرم و تیستاری تی دا بگرم و تیستاری تی دا بگرم نمبر کام به تر توطندیکانی به تر توطندیکانی بازدگا و تم توطند گرفت نمبرکانی بیارد به ترای اردگا و . پیشمندگانی بهر راستیدکانی بازدگا و . پیشمندگانی بهر راستیدکانی بازدگا و . پیشمند تیرکی بازدگا افزایش خان تیرکی بازدگا افزایش میردان من حضرت تفکرد . بز تمری لمو تولیدی بازدردی بازدگان به تعالی در به خاتری به گرضافان همی پیمکره بازن، بعلام سمیر تمره بو زاری بازدردی این تعالی همی بیمکره بازدردی توانی به گرضافان همی پیمکره بازد، بعلام سمیر تمره بو زاری ماندو کبر داشته های در توسین و چاپیان به تعالی ماندوکمر دانشتاد الایان داید تعیش سمرگفرمیدکه بز خزخلافاتدن دوکمر داشد و تارایا

که خانروکممان: ژوریکی درو و دالاتیک، سنری گیبرا، هیشتنا تعریر چرینه ناریهمود. شریندکممان تعنگ و میبوافان زور بو. ثمو زستنانه یعفر زور یناری، من له یعر دمرگای دالاندکندا تعنرستم.

ساواک له ثیران دهسفاتی تصا پر، خدیک پر هطنعوشا. په تاسانی به ثیران دا هاترچز تدکرا، تیمه تعدرسی هفتی له دوسته کاتی ناو تیرافان نارد پر بیز هفالاتی ددرده پر تدرس به ریگای تعران دا، پر بخشناری له کئیونترس گردسیستدی سنوکردایشی دا، پیگئرینده کرودستان، سالار په هنمان ریگادا گفرا بردرد. زستانی ۷۸ – ۷۹ عرسمر شیخمرس، عرمم دستفا، د. فرتاد منعصوره د. کمال خزشنار، عادل مرواد گهشتنه تارزشگ، کمال و هادل هاته لای تیمه، تعرانی تریش چرنه لای مامیدلال.

گزمنله و کاری قبکری

شو مساومیمی له السندیل یوین چند وارایکم نوسی یه تاری گسزمسطعوه چاپ و پلارمان کردنموه لعرانه:

- دویاردی پینویستی بونی ریکخراوی تایینتی چینی کریکار و رواهشدوانی کروستان (۱۹ ک)

- مسطعی تعدامتی (۹ ل)
- ریکخستنی بنگ بعیز یکنزا

ریکشتش گیلگ بهتیز یکین و، یهکیتی بیرورا، ویست، ریکشتان و کردوه له ریزهانی دا، یه دی بهبانهٔ - فرمانه کاتی قزناغی ئیستای خیاقان

نم زغیره وتاره، که هم یه کمیان نامیلکیدک بو. له ماربیدکی کروت دا به دوای
یه ک دا بلاو کرانموه، کارنگی باش به کادردکان در تیکرای ریکخستان کرد. بوژاندوبیدگی
نی دا به دی هیتان و، ریزدگانی یه ک و پمکرگر کردن، بهلام نمسانه بحس نمین نمیر
پلاوگراوبهدگی دموری دم پکتین، بز تمومی دکترسمله باشتر بناسری له نار خملک دا
پیارصان دا پلاوگراودکمیشسان ودکر ریکخراودکمسان ناوی دکرممله یمی و، همر وموزه
ژماربهدگی لی دم پکتین.

وعمرالتامه یکه یز دنگریاس تعرضان کرا بر ، من رتاردکنانیم شاماده تدکیرد و . سمویمزشتی له چاپتاتیم تدکرد ، یز تعوی دهستم یز گزمنقله پنتال یی ، تیستر دهستم لفو مفاگرت و ، خزم یز دمرکردنی گزمتله تعرفان کرد .

-ژمــاردی یهکـممـی کــزمــطه له ومرزی پایزی ۱۹۷۸ دا دمرچر. یاس و یابهتـهکــانی

بریشی بر له:

سروتار: به پزنس وجرزنامدی گزمطنو، (ل ۱ - ۷) فاشیستدکان سرهاکنیان بز

گری تغییرن، بز (جیهیس شیسالی و باتی جرلان) باخرد بز چهاکانی کرردستان (ال ۳
گری تغییرن، نیز(ادجیری تارام با گرمی خوبن(ال ۱ - ۱۷) بابدتی جزرارجیر،

به سنر تاری معدامیشدو، پهارش وها ناکری، خرمینی دورندکدن و پیشرازی له شابانر

تفکین، رایمی عبران چهند مراف دارسته، دخرگاگانی تؤونزمیه دراوزندکه تمر دسمالاتانمی

دراوشی کسه تین،(ل ۱۵ - ۱۵) له دهشت می سسترویری دا: چستمساله رطن، بهلگیی

قارماندتی(ل ۱۱ - ۲۳) پاسیکی تیروی: چزن مارکسیزم - لینینیزم قبر بین! (ل ۱۶ کا

قارماندتی(ل ۱۷ - ۲۳) باسیکی تیروی: چزن مارکسیزم - لینینباغ، قبر بین! (ل ۱۶ کا

۱۹۲۰ بازادی بز تیکوشعرانی کوردستان، بنینباغ، سترابیس، بزنباغ، بعصر (ل

_ '

بر شارنزا برن له ریبازی گزفـاردک و ، منیست له دمرکردنی لیسردا سنورتاری پهکمین ژماردی واکر خزی تغربستوه:

په پزنس ومرزنامس کزمطعوه

له رؤزهملاتی ناودراست دا نعقومیدگ تنژی که نیسشتنسیانهکندی له دوای یدکسم جمنگی جبیهانیبنده به پس ی فازاغیه سفرانیجی، سیاسی، تابروی و پعزرلیسیدکانی تیمیریالپزرمی جبیهانی و گزئیپورستی تروک، عمرت، فارس و کورد، بی گری دانه تاروزوی دانیشتواتی ناوچهکه، یه سعر دولمتدکاتی تروکیا، تیران، عیراق و سرویا دایش کرد،

ته گعربی لم نهتدویه هسری به سعر یهکنود، به ژساره، له هندیک میللهت ر نمتوی تری رؤاهلات زورتره و نیشتماندگی له کون دا مطبعتی شارستانینی بره د، خساکیهگی به پهت و قساری همیه و خسونهی له زؤر کسزنوده له پیناوی رزگساری دا له خمیاتهگی بی رجاتی خریبتاوی دایه به جسزریکی تعوتز کمه بهشیمگی گسوری میسوری جدیگری ناویهکه یمک دبت له پیکاداتی ثم و میلاناتی درارسی و لمشکردکاری پیگانه و داگیرکدر، بی تعری سبرکدو تنهکی تعوتزی به دمس عینا بیت و گمیشتیهیته یهکیک له

ئامانچە ئەتەرەپيەكانى.

یعلام سترورای چنوساندندوی سمختی نتانوایتی و دایشگردن و پچرپچر کردنی سیساس و تابوری و زمان و فنوهنگ، سترورای سیاسمتی فنرامزش کردنی تابوری و کرفسهٔ لایش، سیساستی راگروزان و جی پی گزرین و دویندور کردن و جنسیمه لی سندندوه، پرسی کردن و هنژار خسان و سلک و مال زوت کردن، به نیازی له ناو بردن و تشکرون و کرانندوی، و هشتا:

- له سمر زدویهه کی پیکدو، بصتراودا تنژی که مطیعندی کزنیتی و به دریژایی میاو تیا جبگیر بود و گفشدی کردود و بی گفیشترد.
- جگه له جیاوازیدکی کسی نیوان له هجدگانی، پنچینس زمانیکی پهکگرتری
 - ناخافان و له یدک گلیشتنی همید، که ندشی بیپته زمانی نهتمویی نوسین و ناخافان. - میتویدکی شارستانی و جفنگی و سیاسی ناوکزیی همید.
- خاودنی خویردوشتی گؤمنلایتی، نعریت و دایی له یدکچنوی شینوی ژیان،
- فزلکارر و بیرورا... که خزی له پیکهاتش مایکزلزجی له یهکچردا تعزینیتموه. - سدورای ستری سیساسی و له یمک دایرینی تایری و پسسیراتدوی په چمند
- سخودای سنوری سیاسی و له پدت دابریش ایوری و بستسراندوی به چند رژیمی جیا جیاره پنچیندی تابریمکی یمگرتری همیه که تا تیستاش خزی له بازرگانی غاچاخی سیار ستروکان و هاتوچزی خیل و هزژه رمونندگان و هاتوچزی کریکارانی لادی دا تغزیفیت.
- تم میللمتدی که رهنگه له دنیای تصرودا، تغییا نمتعوی گموره پیت که هیشت! زمی به مالی سمومستی چاری خزنوسین و رژگاری نمتعویی نمگمیشترد، بطکر له نیششمانهکدی خزشی دا به پیگانه و ناحمز تمومیدریت و مالی مان و خمصلاندن و گشترکونی نیه، میللند بخش بخش و دیلدگی نیمیه که ناری: گورده.
- گلی کرود له خاکدگدی خری دا پیگانیه، بی بعثه له همتر مافینکی تعلیریی و دیسترکراتی، یگره له همتر سافینکی میروثی تنم سعودسه، ولاتیکی به پیت و جوان و دورلمستدی هدیه که شریتیکی جوگرافی گرنگی هدیه و دایمشکراره و له چند سعوده تجهوسیترنتوه:
- چنوسیندوکانی هاوندندو: دوربدگ، پورجوازی کنوسموپولیت و کومیبرادوری کدد.
- چینه کسونهپارست و چنوسسپنوروکسانی نمتموه دمسملاندارهکسان، به تابیسهتی مدجوازی مبردگرانی.
 - تيمپرياليزم و كۆلۈنياليزمى نوى.
- له پدر تبودی گنا. و تیستساندکسان هنرودکر له ریزی راکنه هنره دراکنوتردکانی دنیادایه، همروها له نار هنر پیکیک لفر دبولمتاندی به سعریشیان دا داینش گراره له ریزی نارچه هنره دراکنوتردکانی تنیز ولانفش دایه.
- آییده گاروکیبانه و خنیات تدکین یز گزرینی ثم دوخه نالهاره. خنیات تدکنین یز نمهشتنی چنوسانده به همبر شیروکاتیدو: هی روگنزی، نمتعوایمی، چیتایمی، دینیی، معزمی،.
- خمات تدکمین بز گزرین و تعمیشتنی پدیرهندی زالماندی نیران کورد و کورد، هی

نهران کوره و حکومه ته داگهرگلاوکانی کوردستان، هی نیبران کوره و تهمهریالهزمی جههانی.

ثیسته تصانعی به خنوشی و تیری ودکر صروق، به ستریستی و تازادی دور له چمرسانمو و تازار و زفرلیکران له سعر خاکی یاوویاپیراقان به تاشتی یژین.

خنهای کومنلمسان له پیتاوی ثم تاصافهه دورا و پیروزانداید. که تامساخی کلهکماند.

ختیاتی ویرزنامتی دکترمناله » پش که کنهرندوی فراراتی کادراتی کرمناله له تشیینی درسی ۱۹۷۸ دا پریاری دیرکردنی دارد، پخشینکه لم ختیاته دیوا و پیرپززی کزملسان درگلدکسان.

ومرزنامین کنرمناه له قوزناغیکا دیشه کوزی خیااتوه که خیاتی گنادکنمان گنیشتنونه بغزارین و بالاگرین پاهی، واته پاین خیاتی چکنارانه، واته لایملا کردنی ناکوکی سروشت دوزمانه و سنودگی نیوان بورجرازی بهروکراتی ردگنزپدرست و شرفینی عندرجین هیسراق و نفتاری کنورد له ریگای یه کنار هیناتی زجروزنگی شسورشگیراندر چکادوه.

کرمطعمان، لم طراغه گرنگ و بایمخداری میدوی کرودستانی عیراق دا که رویعری فرمانه میژویهدکاتی سعرشانی بود، له معیدانه جهاجهاکاتی خیبات و تیکوشانی سیاسی، تاپدولوجی، پیشسمترگنجی، ریکخبراومی، . دا همول تعدات پر تعواکردنی تم تمرکانه له ریگنی دوکردنی رویزنامدی کرمطعوه که تبیت نویتعروبی ریبازی سیاسی، فیکری، پیشمترگنبی کزمطه و هلاگری منشخطی بیروراکاتی تعریب و همول تعدات له پرکتوره و بیشفار بیبت له گلیاندنی معرجهکاتی سترکموتنی خنیاتی گطهکممان روشن

دمرکردنی ومزناستان گنزمیله سپیهنمین تنقیقلای گزمیلایه بنز دمرکردنی بلار گزارمیدگی دموری ریکزپیک، که ببیشه زمانی حالی کسلک و بیرورا و هطویسشه کانی تمو دم پیرت له روداودگانی گوردستان و هیراق و دنیادا.-

تفقالای یدکم – دو کردتی ثالای سور پر له سالی ۱۹۷۳ دا که شنخیدی نصر عاوری شبخاب شیخ توری دعوری سعودکی گهرا و له دوایی دا په هزی هطومسترجی تبر کاتنوه هم ۳ زماردی لی بلار کرایدو،

تطبطلای دوم - در کردن تالای شروش بر کنه له تبلولی ۱۹۷۷ دا ژساری پهکسی به دمس پیشکاری و رمایی شعیدی نصر هاوری شاسرار جدلال (تارام) چاپ و پلاوگرایتوه، بعلام شعید برتی هاری تارام پهکی دمرچرنی بلاوگراودگیشی خست.

تطبقائی سههم - دوکردتی وورزناستی کزسفایی که تعده ژماردی یدکسه ر. ترسیدسان واید به عول و خنهائی همسو لایدکستان بشوانین هیچ نهی عدر وورزدی ژماریدکی لی دوریکنین.

ژماری دوسی گزمنفه له ومزی زستبانی ۱۹۷۹ دا دمرچو. باس و پایهتهگانی بریش بر له:

سفروتار: له یادی قارمنانیکی تصردا (ل ۲۱) چنند روالهتیکی نوی ی پیلانه کانی

ژماردی سپیشی کژمطه له ومزی زستانی ۱۹۷۹ دا دموچر. پاس و پایهتهکانی بریش بو له:

سعودبار: گفاتی قارسانی تیران؛ یدکسین سعرکمونتنان پیروز و همدر رؤایکنان هدر سعرکمونی بی (او ۱۹) بهتری بهترکیبنانی حیزی پیشبرعدی کریکاران و روخیددرانی کوردستان (ل ۲۱ - ۱۹۱۷) بایعتی جزوارجوز: تازار و بعدار (شیعر). تحی تازادیخواراتی دنیا ومن به دشگ تازادیخواراتی کوردستاندو. روله قارماندگانی کوردستان به خیاب خزیان میزوی توی ی گفلکنیان تغریستود. سعودی بو هاروی د. بهخیار خالید. خریش شعیفان خانص مرحبتی و محمد حسین کورسی به قبیر ناچیت (ل ۱۱۷ – ۱۱۸)

ژماردی چراردمی کرزمناله له ومززی یتفاری ۱۹۷۹ دا دمرچر. یاس و یابدتهکاتی بریش بر لد:

ساوردار: تاشیدتالی ۱۹۷۵ – پیروروپیدکی تال بلام پر تجریبی هیژا (ل ۱۱۹ ۱۳۱) له سالرؤژی شدهید برتی هاوری صحمهاند تدسین پژلا (ل ۱۳۱ – ۱۴۷) فیرفیلدکائی شیروشی پهراشه شاروزا پن (ل ۱۳۵ – ۱۵۰) هندی له گییردگرفتدکائی تیستای جندگی پارتیزانی (ل ۱۶۱ – ۱۶۱) له دهقندی سارودی دا: هیزی پیریباردر له پهرامیدر باروت و فیرلوشم و پژلادا (ل ۱۶۷ – ۱۵۵) شدهید برتی ماموستا عنزیز معصوری قارمان (ل ۱۵۵)

یشی زیری بایندگانی تم چرار ژمارید (به ناری جرامیس یان به بی ناد) من نرسیرمه با من تامادم کردوه. د. جعفدی شخیمی (به ناری پرشر) له ژمارس یدکسی و دومی دا در رتاری دریژی له سدر رایمزشکسی تیران و، صاحبحمثال (به ناری ترانا) همندی پاسی تیروی و د. د. معصود ابه ناری خیرا) همندی کورد تعطیفی نرسی. تیشر کزمله بدردوام درتیچر. همندی له هاریکانی تریش، لدراند: فاضیل کمرم (به ناری ج. صادق) ، مالا بمختیار (به ناوی بارکی تاراره)، درایستر فعربیدن عمیدرالهادریش بخشاری نرسن برن.

به کنارهیتانی وشینی دومرزنامیدی شیشیکی تازه بر. تعمانویست هفتنی وشیه و

تهگفیشندنی دیاریکراو روکسو: دریژنامسه به بالاکسراردی رژژاند، وحسفسندمامسه به بز پلارگراوی حفظناند و هانگنامشه بزر پلارگراوی مانگاند، دومزنامشه بز پلارگراوی ۳ مانگه و ، وسالنامه بر پلارگراوی سالانه له رژژنامتوانی کوردی دا پچمپینین. نهاردکان دروزنامتکهان تار نابوین: دوستاند.

کومطه و کاروباري ريکخراوهيي

دوای تعرف تارام هات بره شاخ معتبر ریکخستنهان یدک خست بد له ژیر ناوی و کرمیتش معلماته دا. چند خاش در و کسی کمش به جها لعمان معین. جسال تایمر (سعرکمرت) دینامیزی کرمیتمی معلمت بر. پاش ماردیدک ثم کرمیتمیسان کرد به و گزیمتنی سعرکردایش ریکخستین نارخزه.

جگه لم کزمیشمید در ریکخستنی گهورهی ترمان همیر یه کیکهان و کومیشدی راپدرین» بر که حسمن کویستاتی لیهرسراویان و، ثنوی تریان خنتیک بو د. خسرمو خال (زلزاب) لیمرسراویان بو.

کومپیتمی راپدین تژپکی فراوانی ریکخستنی له پیزمان، قیمسری، گملاله، رواندز، شغلاره، هولیر.. همیر.

کرمیسته کمین زوراییش تزییکی ریکخسستنی فراوانی له تعندازبار و پزیشک و مامزستا و تطسعر و مرجه نوری گدوره له سلیمانی و هدولیر و یعقداد دامهزراند پو.

ریگمان دایر به هصر کادره سهاسی و پیشسترگییدگاتی یهگیتی همر کسید له لای خزیمره، چنندی له توانای دا پین، کمساتی دلسیز ریک پشا و به بعرب روی نارهند یا دنرگا ریکخبراوییدکاتی یکالتوه. تمو ریکخسسته تازانه سازمیدک له ژیر سمپهنرشتی خزمان دا نسایموه، تمگیر به تعراوی دلنیا برینایه له خارینی ریزدکاتی ثینجا پعرمر روی پدکی له ریکخباردگانی شار تمکرلتوه.

به دبیان سالای ۷۹ - ۷۹ هنزاران تیکزشیری تازه هاتند برزی ریکخراوه کانی کرمیلموه
به دبیان شاند، شانص سعودگی و ریکخراری تازبیان له سعرانستیی کرورستان دا دامنزران،
سعرکرداینتی بزرتندو و ، لفکانی یدکیتی پش هم یهکنییان له لای خزیجه چهندین تزری
ریکخستنیان پیکنوه تا بود ، یهکیتی ریکخراویکی سیاسی بو زیاتر لموجی پیشمبدگیی
ری و ، خیاتدکمیتی تاماهی سیاسی همیر ندک عصکتری، هم له ستردناوه باورمان وایر
که تمین خیاتی چهدکداری بشتیبدانی بی له خیاتی سیاسی، چرنکه خنباتی سیاسی
تدگفر پشتیبرانیکی چهکداری تمین بعض به تاسانی ورد و خاشی تدکات. همر له بهر تدره
ترسی داروده کا سیرکوتکردکانی بعضی له ریکخراره نهینیمکانی شار ززارتر بو و دوک به
دریکخراره تاشکراکانی پیششسسوگه، بدر پدری درندایتیموه سنزراخی تدا له ردگوریشموه
همرجیبیه کسوستی یکردایه به گران و تشکدهیه و کرشتن هنولی تدا له ردگوریشموه
همربان بهینی.

.

سائل ۲۱ ریکفراریک له سلیسائی گیرا ۲۲ کمسینان لی تیمنام کردن لعزاند: پاسپن محافظ حاسان، تیسناعیل قاسم عالی، محافظ قاسم عللی، خضرتو عنیدوللا، نصرهاین تجهمادین، مستنافا قادر، صفلاح مجید، غارویدرن عنیدولقادر.. تصاند پیرمندییان له گلآ فعرهادی مثلا ریزا کرد بر، فعرهاد زمانی لی دایون. سعرمتای ۷۷ معینوللا حمسان گیرا و به تعشکهٔه کرژرا.

سالی ۷۷ ریکخراویک له هنولیر گیرا چنند کسیپکیان لی تیمنام کردن لنواند: هرسان گیکه که به تشکیفه کرژرا. پهیرمندییان له گنا، مرختاری یهکی له گدوکهکاتی هنولیر کرد بر، مرختار زمانی لی دابین.

سالی ۷۸ ریکخراوی دهازی سوره له یعفدا گیرا و چنند کمبیکیان لی تبعدام کردن لغواته: جوامهر سهامهر، سفان داود، هغندالسفلام هغدالردزاق، سفلام، شهرق. پغیرفنییان له گفاد کاوه فاتیح کرد یو. کاوه زمانی لی دایون.

سالی . ۸ ریکخراریگ که معرلیر گیرا لعرائه: کمیم رسیول، طعما فعقی بوسف، تیسساهیل حسسن. کمریسیان به تشکیفهه کوشت و تعرانی تریان تیسعدام کرد. تعسانه پمیرمندییان کرد بر به جلال کاکر. جلال زمانی لی دایرن.

جگه له مساندی که به کومنال تدگیران. به سندان کسس تر به بیباتری هارکاری که کال ریکخستان و هارکاری له کال پیشسترگه تدگیران و زور جار له سیفاره تندران.

درای لیکولینمودی هصبو ثعو روداوانه یؤمان دمرکنموت کنه هزی ثم ثاشکرایونانه چند شتیکه:

۱. پدیروندی کردن به نزکتوانی دارودمزگا سدرکرتکدروکانی بعصی.

۲. تیکنلارکردنی کاری ریکخراوهی و کاری پیشیمرگیی.

۲. شیری هنرمین ریکخسان.

بز تعوی ثبتر ریکخراردگان که لیشانی دوژمن و قویبانی دانی بی هوده بپاریزین، ریوشویش نویسان دانا بز کارکردن.

جپاکردندوی کاری پیشمبرگدیی له کاری ریکیراودیی

ریکخباره کانی گزمنگه بر کاری سیاسی تعرضان کرا آبون. تعرکی سنده کیسیان پلارکردننوی بیرویاوبری کزمنگ و پروپاگاننه بو بز یدکیش و جولاندوکه و ، راکیشانی کسانی تازه بز ریزی تیکزشان، بز تعوی توشی لیفان نمین، تصانه تیکلار نخدکران به پیشمترکای ناو شار.

ریکخراودکانی ناوشار سوچاویه کی گرنگی پیگیاندنی کادر و پیشمدگه بون. همورهها سمرچاویه کی گرنگی تاگاداری جوزارجوز و زانیاری به ترخ بون له سمر همارمدرجی سیاسی، تاپیری، کزملایهتر، سیایی هیراق.

پیشمنرگدی ناوشار که مطریزهی تاپیدتی دا ریکخرا برن. راستموخر بمسترا برن به لپیرسراری سفرکردایشی ناوخز یان به ناوشدی کزمطعود.

> . گردینی شیوای هارامی به تازییم و هیشو

ریکخستنی گزمتانش روکر ریکخستنی حیزی شبیرهی له سعر پنچمینی دایهشیرنی تهذاری و ریکخستنی هنرمی له سعوده یو خواردو دامنزرا یو. ثم جزره ریکخسته که یعر لیدانی داوردنزگا سعرکرتکورکانی بعص تهکنوتن، تازاری زاریان پی تمکنیشت به تاییمتی تمکنر یمکی له گیبراوکنان یا زباتر خزی له بعر تمشکهاییدا پی تمکیرایه و قسمی بکرهایه. له سزنگای تامموه زور له ریکخراوه تازدگنانی کوممله، به تاییمتی له هولیر، بعر لیفان کاوت.

ریکشتنی وهرسی» مان گزری به ریکشتنی دهشریی» و دنتزییجی» له ریکشتنی هشرین دا بز قرته:

أ له سليماتي دائمنيشت چند كسيكي ريك خست يو يهكيكيان ب يو.

ب له هنولیر چنند کسیکی ریکشت بر پهکیکیان ج بر. مراد در کاکار کار دارد درد وارد کارد این این

ج له توردوگاکانی گنرمیان چفند شانهیدکیان دامنزراند بو.

آنسجزره ریکخستنه چند هیشری جهاوازی فی تمکمرتبره بی تبری هیچهان تبرانی تر بناس، لم ریکخستنده اوکر گری نشدرایه شرین و شار، گری نشدرایه کار د پیشه و، ران د پیاد. لیکنلاد بر له پیشدی جهاواز د تصنئی جهاواز د دانیشترانی نابومی جهاواز.

له ریکخستنی تنزییجی دا چزن دندگدگانی تنزییجدکه یدک به یدکتره بسترارن، لمیش دا شانه ر کزمیته نیه و ، زدلامی تنیا له گدا در کس پیرمدی هدیه یدکیبک له سفرد خزی و یدکی له خواروی خزی.

هندی جبار له ناو هیشندوکنانی ریکخنستان دا یز نسملامیدتی زیاتر پیسردری ریکخنستنی تعزیبجیش تدکرا و ، همردرگیان تیکملاو تدکران.

هبرچننده پهپرخدی گسردن دژوار ر زوری ثبخسایاند بهلام له چار هدمسر شسیسره ریکخراورپیدکانی اترا سفلامت اتر بور. گفتتر دوژمن زدفعری پی کمرد.

كزيرندوى كوميتنى سنركردايهتي

درای کارساتی هنگاری سعرکردایش ترشی جوری له عطرشان بریو، پیریستی
په ریکخستنده هنیر. له صهرژ بر گریرندوی سنرکردایهتی یمکیشی تمکیرا بو. دارا له
تغذامکانی دروره کرا به تیران دا بگاریندو، بز گریرندو، تیران بی سفرد پنری تی کموت
بر به تاسانی عاترچوی پی دا تمکرا، دوستدگافان له تیران هندی تادریسیان بز نارد برین
بز تمر جوزره هاترچونانه بمکاریان بهستین، بعر رنگایددا عسرسمر مستدف ، عسرسمر
شیخنوس، کسانا خرشان، هادل مرواد، فرناد معصور، گهشتند نارزمنگ،

یار و دوخی یدکیتی پیاچرندویدکی هسه لایننهٔ و قرلی گدرک بر، کاریباردکانی یدکسیتی لقبویری زوریان لی کنوت بربوه و، تدرکدکنان زور و جدرواوجدر بین، دنزگا سترکرداینتیبدکان پیوستیان به پر کردنده و بنتیزکردن هنیر.

له ناو سعرگرداینتی یمکیشی دا دو قنیان یعفشاین: هنهداربزاق میبرزا هنزیز، عبادل میورادی.. تی دایو. هنهداربزاق تعات پردوه، عبادلیش لام کنزیرندراندا زیز پر رویشته تاران.

100

گنزدگتی یهگر پهرؤت شا ردکر درا چاره، مکرمندکتی جنفرال تیزهاری ای خست، له ۹ ی کنانرنی درمی ۷۹ دا شایری پهنتیاری کرد به سترؤکی رنزیران. شاپور، تصنفی ۱۳ سال و، سنوزکی حیزیی تیران بو، که یدکی له حبریدکانی درجههیمی مبللی، بدر له وظارهدگانی موسعدوی دا جبیگری دونری کار و، به توهسی سکرایتی به درخهای موسعدوی داد به توهسی سکرایتی به درخهای مسکلیات ۱۳ به توهسی داد چرنکه له لایمن شاوه دانرا بو خرمهینی داری در داوای کرد دریاه به قبام شدی. حیزی نیران و جمهیمی مبللی حاشایان لی کرد. دلیام تا تعان نیاز تشخیص تمکد در اگیشت بره تم کتر تعان نیاز بشخیص مبللی حاشایان لی کرد. دلیام تا تعان نیاز بشخیص تمروش در وکر مسلمی تعرف دا کسمیسرندی درجیانی نبوت و مانگلاتی کارکمانی بادان دارگلاتی و دراوستانی دارای تیران، مانگرتی کارکمانی بادان دارکمانی دارای تا دراوستانی داری در دراوستانی دارد. سندروای

لع سددسداد اولاخ بز راپعواندنی کار و پیریستی باره گاکانی پیشیمرگه و رمییه و سندگذرکانی چیزدکانی حکومت هزیدگی بعرضی گیرزانبویی کملویط پر . بارهاکدی به کردوکدی پیروات له نزیک گزوشیر و به بروزاییدکانی گزرشیر هزی نیرانی بازی کردوکدی به کر پیروت بعلسه بویر عملی تیزان بر بز گروشیر سعیازه تیزان بکان کدوکدیان دوگر دسکوتیکی به نزید دسکوتیکی به نزید دسکوتیکی به نزید و دسکوتیکی به نندوه. گریبان نداوید، که سعر تعود چوه سعریان سعیازدگانی گرت و کعردکدی لی سمندنمود.

بختیار بمیاتیکی دوکرد مامیعلالی تاواتبار کرد به دسوردانه کاریباری ناوخزی تیران، حکرمتنی عیران جولاتمونکسانی له و نعتیم اعلامی» بمهیزدا خنکاند بور، له میز بر دونگاکاتی راگیباندن هیچ یاسیکی جولاتمودی کوردیان نمکرد بور. همرچزی باسپان پکردینایه همر پیسان خزش بور تفاتمت تمکمر به هزی ریکموتیکی ومعایشمو، بوایه. له پنهنهگی ومعا دا شیخ رفزا وتریتن:

یز کنری تیمالتی حدری کرد له سدرمان شیخ حسین

سمیری کمن یاران؛ ج گزیمندیکی گیرا تعم کفره؟

ئيران له دوا قزناغي ئينقيلاب دا

له کالی قبیام دا، شار و نارچهٔکانی کوردستان، هندیکیان ثارام و هندیکهان جسرجرلیکی کنمی تی دا بور. له کانیک دا له سبرانسینری تیمان دا ساواک کرا برنه کسرنده در له هندی جی داوردهزگاکاتیان پی پسچها برنجوه کمچی له زور شعرینی کوردستان ساواک هغرودگر جاوان حوکمرانی تذکرد.

کوردستانی تیران پزشایی سیاسی و ریکخراویی تی دا بو. کادرکانی حدکا هیشتا له عبراق و ولاتانی تری تعریها بین. گزمنادی شیرشگری زدهمنگیشانی کوردستانی تیران (سازمان اتفاقیی زدستگشان کردستان ایران، سازگا) (ماردیدی کم کادری هایو، نیشتویست خزی تاشکرا یکات و هندی بیبرورای سامیان هایو دمیاری کاری جنساورین و سیاسی و ریکخراویی. ریکخراوه تیرانیکاتی ودکو حیزی توده، چهدی میللی، وریکی فیسایی و مرجاهیدین خطک له کرردستان نامون، چند مملایهک له متیداتی سیباسی دا چالاک برن و ، ختلک لبران کرز پیورتبود، و،کن شیخ عیزدینی خرستینی له متغایاد، مثلاً شیخ جملالی برای له بانه، تعصندی مرفتی زاده له سنه، ، کاتی غانی یاوریان و هنتنی له گیراوه سیاسیهکان، دوای بهررازیان، گفرانمو، معفایاد، مفلا شیخ عیزدین ریمری گوربتبوی پیشرازین کدوکانی کرد.

یه مطرصآندنی ساراک و رویشتنی شا و، دانانی شاپیری بمختیار به سعرویزیران و، گلوانندی خرمهینی و تیکویزی وزارتدکدی بمخیار، به کرده له کرردستانی تیران دا دمسلاتی حکومت نصا بر. له زوری شاردگانی کرردستانی تیران دا دشه را یا یان له پیاره نسراوکاتی شاردکه یک تصها بر بعربوردزر کارویاری شاردکهیار.

گدراندوهی حدکا

کادرهکانی حدکا دستیان کرد به گنرانبوه یز کوردستان. د. تموردحیاتی قاسیلو، سکرتیری حیزب، گغرایموه، زؤریان له قبلادزهره تعمان و، به نزیک تیسندا تی تمهمرین، بی تموی خزیان له تیسه یگهیفن.

تنها کسیان که له گدواندودا له ناوزهنگ سدردانیکی کورتی کردین دهبینه بر.

تنوه بمکصین جار و دواجار بو من حیسن پینید له گساد ساسیمالال و هاویکانی تر

پیشرازیهدی گراجان کرد. حیسن لعو سعردانه کروندا له گساد من لبرتی نراند، له نار

پیشرازیهدی دوشتیا پاس کرد: یمکیکهان پاسی تنو وتاری کرد که له ۱۹۷۷ درباری

زاراورکانی کوری زانیاری کورد له گییمنتاره بز حفتتنامی هاوکاریم نارد بر. وای پیشان

دا که پیچوندگانی به دل بون. حیس تنو کانه له کوری زانباری کاری نکرد. پیگرمان تسه

نیشان زیردگی بر تعو مصر ساله تصمی له بیر سایر. دومیان وتی: دشیمیکم بن

نیشان در دربی پر تعو مصر ساله تصمی له بیر سایر. دومیان وتی: دشیمیکم بن

تبهطکیش بر له گفا تیوه پیچیکی نالی که تملی: دشستیردکانی راددگیین وک شعمایی

تبری تعربی بز لمیلاشی دانا بر، چوارینیمک بو. نازاتم بز مسرجساسساهای تیسسسه

دربریتالیه دای نابرن، یان پیشتر دای نابون و له بدر مطرمترس سیاسی عبرای بلاری

دوترجالیه دای نابرن، یان پیشتر دای نابون و له بدر مطرمترس سیاسی عبرای بلای

لعر رتاره! که له سیر وزاراودکانی کوزه نوسی بوم، پیشتیهارم کرد بر بعر له دانشهنی و شمی تازه کسید و بر بعر له دانشهنی و شمی تازه کسوره و ، بعر له دانشهنی و شمی بیگانه، و شد خروسالهیسه کان کونگرینوه و ریز بگیان زاراره زانستیه کانی زمانه کانی کعدا. تعرف هبیر له جمی دایش و ، تعرف نبیر تینجا و شمی بز دابشاشری یا بخوازی، و و کو فرندیک له جهیسه یک کردنی تم میشوه بز کزکردنموی و شمی کردری لیره! به یادی ماموستا هبسن هندی زاراوی جوتهاری که تمهیشه خانمی زاستی کشتوکالعوه تومار

گفتم له داچاندنموه تا هارین

گفتم، به میآددیدگی ستیراتیجی دائمتری بز ژبانی مروث و، همیرنی له ولات دا به تمندازدی کافی ژبانی دانیشتیران، یهکیکه له معرجه سعردکیهدکانی دابینکردنی و تاسایشی خوراک » که تعریش کزلدکمیدکی پنعردتین و تاسایشی نمتعردیی » د.

بیش نبری میه کمینی جبوت و دروینه و ناشی ناگر دایی، پیرهم هینانی گمنم

کاریکی سنخت ہو۔

. زوی بز تاماده تمکرا، تعزز تمکم چنند سالی بی تمکیلرا بی پینی تطین: «بدیار» خالصی به شیخ محمود نظی:

بدیار کیالان و گای لعر، پیر و کچ خواسان، ژن و تعدبیر،

سهگ و جزء نصب و نیسقان، جرج و ناو کانی

تەگىم يەك سال بى نەكىپلا بى: «بېرە» د، ئەگىم يەكىجىار كىپلاا بى دشىيف» پىشىنان دىريانە: دىئىر لەشىف و ئاشتى لەخمرمان»

ئەگەر دو جار كىلرا يى: دومرد».

تمرز به در گناجرت بان به در تبسستر تدکیبارا. دنزگای جبرت پیک هات بر له وگناسن و که له تاسن دروست تدکر ا بز کسینان در به دهنوستاره تهسسترا به دسزان و مزانیش به دورازایشر کهستنرا به دنیبره درد. زمیبر (دنیبار، نیله) و کملاسده ی ملی گاگافتی به یمکود تبست. جونبار به دنظیرده گابوتدکاتی لی تعفوری و بز هاندانیان هز هزی لی تمکردن. پیشینان وتریانه: دهز هز حساب نید، کز کلز مسابد

داچاندنی گفتم پشت به یاران تعبصدین، پیشمینان وتویانه: دچی پچینی، تعره تغزویشوده، درای دوخشانتنی تؤده چاودورانی باراتی پلهٔ تعین، تینجا گفتم وجککرده تفکا و سیر درد تعینی، پیش تعربی گدرا بکا پی بی تعلین: دفلدرسیل ه. هندی جار کسارژاله و بیرخیزانهی بز لعربر تی تکسین، گفتم دینچه ی له خساک دایه و وسسروته رئیر تار تعنواتیره، سنری همدر دشکیکی دداسر» یمکی پیریه.

تدگیر بازان به تعنفازی پسریست بیباری و خاکمکنی دریژدن» و به دپیت» بیر، تعرساله وهات تغیی و گفتم به دپرشته تغیر، پرشت له پرین داناشراو، گفتم یمکروده یا زیاتری پریود، تمگیر بازان له تنفازی پسریست زیاتر بیباری دژنشگ» له پنجمکمی تعدا. تمگیر له تعنفازی پیریست کمعتر بیاری، یا تافتتی یز بی دوکر سرن و کیسطه دشیره» کمی تمون تغیر به دکرفرو و ریان کولله که همیری تعنوا، تعرساله ونعفات» تغیر.

تمکنر زو داچیترا بی و، زو کنوره بربی دهدراش، و و، تمکنر درضگ داچیترا بی و، درخک کنوره بربی دکزره، یه.

یز تعومی له چاروزار به دور و. له زمرمری ناحمز و نمیار پاریزراو یم قورتان له ناو پطمی گنطهکنده هنشندواسترا و. یز تعومی چزلهکه و صطفی زیانمضروی لی دور بخستموه وداهزار یان دائینا. داهزار زلامیکه له یمور دروست تمکری.

که پی شکامی دورینه نمکرا. بر دروینه خاونی گختم هفتدی کسی به کری تمکرت پیبان تعرف: دپاله و بان دعزوره پیشینان درتراند: دله بی کسی دا رجعب سعریالمیدا و. یان له کمال یمکیکا ریک تمکسوت تا له هلگرتنی خسوسان نمیندو کداری تی دا یکا پدرامیندر به بشیبکی پدرهندمیکمی پیبان تعرف: دستیان و. پیشینان درتریاند: وشا به سمینانی خرای راتاکری»، هدروها: دواس له سمیان تنشاریشمردا و، هدرودها: وخرری سمیانی طری راتاکری و، هدرودها: دواس له سمیان تشاریشمردا و، هدرودها: دخرری سیانی لفتکه هدرمی: ی مالی شیخه: و

گرله گفتم که تازه پی تدکات و هیشتا فندریکه، هفندیکی لی تعدرون و به تاکر هلی تعیروزیان، تعیی به دگرفتیروزه (فعرمفنرمان). دورینده به کزمنا و گفته دروه یان به تعنیا تمکرا. دروه ید دمی و به دداس د تمکرا. دریندکسر بز تصوی دستی برشدار نمی دقیبشانه ی له دمی تمکرد و ، بز تمویی خنیز تمویی خنیز تمویی خنیز تمویی درست تمکران. له کانی درینداد استهان به سر تمکرد. قمینشان له تالمن و کدار قرنوی له لیساد روست تمکران. له کانی درینندا سهان عمر قرنی گفتم که به داس تموی به شدیش خیا له سعر تمزر دانشی. پیهان تموت: وگزامه بان دسواله و درای تموری چمند گزارشی کنن تمکردود تمیر به دشاراه . گزاره یکی کنن تمکردود تمیر به دشاراه . گزاره یکی کنن تمکردود تمیر به دشارای به کزار دهشده کیس.ی. له شاراک اندود به کزار داشده کمری، له شاراک اندود به کزار داشده کمری، له شاراک اندود به کزار

جمهگای خعرمان له سمر تعرزیکی رمق ثاماده تعکرا و خارین تعکرایموه هکرشه. مکان به خرمی هطنمجذران.

وگیره به گا بان به تیستر بان به جعامیر تکرا. جعامیر به تیستر راتهکیشرا. تذکیر گیزه به گا بکرایه سی تا چرار گابان به تغیشتی بهکدو، تعیستدو، ر وگیروانه به تطبیره لی تدخیرین، تمو گاباه له ناودراستی خسرسانهکندایه به کنزلهکمیهکندو، بستر اودتوره بر ی تطوید: وگای بده.

حاجي قادر له پاسي سولتان عنيدو غميدا تطي:

حاکس ریگری معصوردیه، قازی دزی رؤاز،

رزمرا ر رکنلا گررگن رمعهیات گطبیه

یز رمعیهات تعمه، تم گیره و دمرهکای داناره

زمیر و تعوییش مدکه، چونکی خدای وگای پنده یدا

گای بند تدگیر راهاتو بی باش گیره تُدکا و، تدگیر خراب بی گیره که تعشیرینی. وگیره شهریزی لعمور داکموتره.

شرکری قعزلی په شیخ معصود تعلی:

گیرمدینونی که کای کونی به بادا له کنت

چاکه همر لئ ی خوړی، سمیری ددم و کاویژی تدکعی!

یه زیلامی زورطور و پنمیز، بیلام بی پدرهام ثبلین: وثبلی ی گای گیرمدکاره!» کیشه و گیره دو کاری سمخت و تالزز و ماندوکمن، بزیه تدگیر کاری دورار بی

تعلین: وگیره و کیشمی زورها و

دوای تعرص خمرصان کرترا و، دان و پرشسکسی له یه ک جیها بردوه، تهکری یه وتارم تیواران به فیتکی که دیای شعمالی عطی کرد دشتان تفکرا. پیشینان بز پیاری دهلیرست وتیوانت: داد عیز که بایی شده با یین، تنوشتن تفکای، شدن دوکن پهنهمکانی مصی له شولی دار یان له تاسن دروست تفکرا و، دسکیکی دریژی معیر، کرتراود که تعربایه بدر یا، داندکس قررسه له شورین ختی دا بعز تبدوره و خبرماندکه دسرین تغییر و، وگای یهکس سرکه با تبیره و دور تکورترد، ویشینان وتواند: داد سری داراندوه، تبدیری له لاپای مطبقیتیدوه، ولایا و تعربی له لاپای

گفتم به جها و کا به جها خبرمان تدکرا. گفته که یز تعربی تدکمر دزی لی یکری دیار بی تا تدکرورایده به تعظیمیکی لرسی یان دشتالی تدکرا.

هدر له سدر خدرماندکه له پیش دا په وکدو، (:کلگیر، سدون) کیواویانه کلمتک

ر تمکوتراودکنتی لی جمها تمکرایدر، تینجما جداریکی تریش به دیازنگ» («اسلمههر) تهیروایدو وز تعرض دسترکزارد، دکتی بگرد. پیشهنان دربانه: داسته بیگرد، بیمبود، تهشجه بیمپرودای، کلگیر شاشتره له بیزنگ، پیشهنان ردیانه: دیدری روژ به بیزنگ تاکلیسته

> حدرین له ستایشی شیخی بورهان دا تطی: بز کفتاری سعرزمی دمری گرلی روت شین ددکم خاکی کزی عیشقت به بیژنگی سعرم بیژایعره

دوای پاکگردنی تعیسررا. گفتم به دریده و دو تعقاره تعیسررا. یز تعوی به چاومره تغیی له کاتی پیران دا [صارکاتینان له گلبا تاریکی پیریزوا لیک تعدا. یز غرته له ریمی پدکستم دا تعیانرت: دیدک همر خسسرایه و را له ریمی چرارم دا تبیاترت: دچوار یاری پشکستره تیتر به مجرور.

گستم به دنیزه و دهزه و دجستوان تمکیریزایه بز مسأل و، کسا به درشکه ه تمگیریزایدو بز حکادان و تعرفان تمکیرا بز تالیکی تاژیل و رلاخ. پیشسینان دریانه: ونتوی به معوان تعرفان به ترکی هموانندهی معوانتهی تعرفانه: ونگفتر کاکه هی خزت به کدانمکه هی خزنهاه. بز کاری بی هرده تعلین: وکسا له پرش تعرفیاه، بز مطالح سینتری شد و فیکنی به نظار سینتری شد و فیکنی تمکی که به خزرایی بینفش تعلق: دختهای نکه به خزرایی بینفش تعلق: دختهای نکه که به خزرایی بینفش تعلق: دختهای که به

گستم همندیکی هناشدگسیرا بز وینمتزو» ی رمزی داهاتو و . همندیکی تعکسرا به وسیاوم» و همندیکی بز خواردنی خزبان تعکسرایه «کسنده» یا «چال» و همندیکیسشی تشویشرا .

یز هاپین تمبرا یز تاش. تاش به ناو تمکسرا. تاشستران له نرخی هاپنی دا پارمی نشسسند، بلکر دستره ی ورژنگرت. مزد پخسیکی دیاریکراری دیاراش، دکم بر گلی تعدایده. پیشینان رتریاند: و تاش له خنیالیک و تاشمران له خنیالی، معرودها: و تاشی ننداز خرا نمکشین، معروها: و ناش به ناوه تکارینای.

تارد به وهیلهک تنهیزراینوه و وکنیهک (اسزس) ی لی تهگیرا.

نالی تعلی: دورانید، ووک هیلدکی سعودا، سعری گذرم

بقید یه دخیتی مخطه عبریس دمیژم

ثاره بز تان ر کمپدک تعرضان تعکراً بز ولاخ. له ثارهی دیه پینزه نائی یاش و له تارهی دیی بیزه نانی خراب دروست تعکرا.

گەراندودى ئىمام خومەينى

خرصینی له پارسمو^۱ تارائی هنژاند بر ، گرنگی دنزگای راگیباندنی تنزانی ، ویکن همیکنا نظی: تین کانمی له نزقیل لا شاتر بر ، زیری کاتی له بدر مدسمی تطعیزیین دا به سمر تغیرد ، روژی ۵ تا پیشتج گفتسرگلزی روژنامسوائی تدکسر د ، لدر ۳ سانگدا تا گغرایدره تاران زباتر له چوار سعد گفتسرگلزی روژنامسوائی له گمال هزکانی راکمیباندن رادیر: تطفارین، روژنامد. کرد بر ، بن بی سی سی ، یکنی بر له گرنگتریش تند دنزگایانی رای گشتی تیرانی دای شا و، به قازالجی شورش تعویه از.

نمو تاکتیکنی خوممینی بز یهکخستنی عدمو خلک دژی شا و. بز پیلایمنکردنی نیرتمش به کاری هینا، تا تعندازمیدکی زور سعرکموتر بور. دهسملانی شا و داوودنزگاکانی بدرم هطرشان نمچرن. خوممینی خزی ناماده کرد بز گدرانده.

که و وختی گدراندوی هات، خرممینی له گفا، چند کسی له دسترپسردند،کانی لعزاند: نموغمستی بختی صدور، تپیراهیم پنزوی، فرطزاده، . و زیکانس . ۱ روزاناموان په فروکهیکی دائیر فرانس، پدود تاران په سک دین فروکهکنهان پدر تعدیمتوره، یان په سکلاستی له تاران نمشیشیمتموره خرممینی له نهرمی سعودری فروکهکه دوای تعوی نروی کرد، دوشهگیان پز رافست، ثبتر نرست و، تا گلیشتنه تاسانی تاران هانستا، چند ملهن کس چر بین بز پیشرازی.

هندی شتی سمیر لم سطمره تدگیرنموه، ودکر:

– لعر کناتها کنه لهٔ طبرکنه داینژی و پس ی تایمزه سندر تمززی تیسران یمکی له روژنامنوانمکان لی ی پرسی: ودوای تنو هضتر ساله دورپینه کنه تیسنت هاتیننبوه پر تیشتمانکانی خزت و بمعجوره پیشرازیت لی تمکنن، هستت چیدا یه له ودلام دا وت بری: دخیواه

— مرحسینی رطیقدوست، که درایی بر به ونزیری پاسفاران، ترترمیپله کنی تیسام خرمتینی لی خریره بو تعوی له فروکستانده بیبا بز شرینی خری. له ریگا زمبللاحیک تریی فری هی خری های در تعوی اله فروکستانده بیبار خری هانند جاری دست تسالی به جامی پیشتوی ترترمیپله کنی خرمتین دا و ، یه خیر هانندوی تبسام تدکا و جنید به ایک و ایک ترییبادی تعداد به نام تدکا و جنید جامد کنی لای خری دانندانده و و ، یز تعوی دوری بخانده به ترویباده پایی به کامراوه تمنی در دیز و وی وی بخانده به ترویباده پایی به کامراوه تمنی و بیر و ای لی تمکنی ای و میسام تمنی دیر وی بعد بی تدهیی تدکا ی تیسام تمنی: ویی ی با نسمی خری یکا ، فیسام تمنی دوری عیداده تمکا ی

له پدر قسدرجاکی ریگا نمیاتسـوانی به نزتزمسـویبیل دربود به رؤشتن بدن. یه مالیکزپسـد چو به رؤشتن بدن. یه مالیکزپسـد چو بز دیدهدشتی زدهرا و را دوای تمریش یز حصرسمینیسه ه یمکی تاران. لعربره کاریماری شروشمکس بمربره تعربود به گخراندوی پیشسرای شورش حکرستدکمی بمتیار همرصی هیتا را معددی بازگان دوارارتیکی تازهی له سعر دارای تعر دامنوراند. سعردانی وقدی یمکیتی له خرمهیتی

درای سندرگندوتنی شیورش به چاند روژی، له کنزتایی شیریاتی ۹۸ دا دستیمی نریندرایاتی باکیتی که پیک هات بر له: عرصتر مستخفا، د. فرزاد معمصرم، فاضل کاریم له نارزشگاره چان بر تاران بز ساردانی تیمام خرمیتی، د. جعفدی شطیعی یش به ترجرحه له گلیان چر

پیشتریش له پاریس وطفیکی یدکیتی که پیک هات پر له: د. فرتاد معصرم، عادل مرواد، تعصمه بامترتی له تشرینی عرصی ۷۸ دا سعرداتیان کرد بر. تعصمارییان عادل تمترا بره تم وطفعوه، لعمه تارمحت پر.

وطهدگد. له دیداره کعدا بشتیرانی به کیتی نیشتمانی له شورشی تیران دورتمین،

دیداردکانی پارسسی به پیر تعنیتنوه، دارای لی تدکمن که پشتیرانی بکا له خمیاتی گلی عیران به گشتی ر خبیاتی گلی کورد به تاییمتی و، پیریستیدکانی جولانتودکمی تمضنه پیش جاو.

ا خرمدینی نطی: ومن کایرایه کی روحانیم پاش چنند روژیکی تر تعیستوه بز قرم، ندر شتانس نیوه دارای تدکمن کاری دمولهته!»

نعوانیش تکای لی تعکمن دستور به دعولعت بدا کارهکانیان بو جیهجی بکا.

حسوسسین نموی خسومسینی، تعو زمسانه زور نزیکی باپیسری بو، تعویش له دانپشتندکندا نمین، تیسام به حسین نظر: تاگاداری دختمری بازرگان یکا کاردگانیان جیبجی بکنن. لمر کاندا مومندیس معمدی بازرگان سفرونزیری تیران بو.

روژی درایی تاگاداریان تمکنن، که دطنعری یازرگان کاردکانی بنودو روی داریوشی فروهتر کردوترد سعردانی ثنو یکنن. فروهتر دوتری کار و ستیوکی حیزیی میللنتی تیران پو. وطفحکه ستردانی فروهتریان کرد. پهیونندی له نیران حکرمتتی تیران و یمکیتی دا دروست بو.

قسمکانی خرصینی ودکر وفترا و حساب تکران، له پدر ثبره نتئیر قسه له قسکانی دا یکری د، مرتاقشتی قسمکانی یکری، بزیه تعوی تیچر بر یاکی د، بهرستایه باسیکی به باری سفرقی خزیموه بز رون یکانوه، تیجر دص پهشکدی یکردایه له قسم کردن دا، بهروراکانی و خراستمکانی باس یکردایه، دوای تعو که خرمعینی قسمی تدکرد، باسکک کرتایی چی تعمات و دائمترا، زار کس تعمیان نتمزانی.

جولاندوی کورد له عیراق دا لمو کانده دایش پرود. لایدکی پنصالدی بارزانی و . لایدکدی تری یدکیتی پر . پنصالدی بارزانی و ، سنرانی پارتی، تاوانیار بون بعوی دوستی شا و مارکاری ساواک بورد . له نار تیسان دا یعناو بورد . صلا میستندها له تعمین کاره بروسکتیدکی پیروزیای و چشتیسانی بزخصیتی تارد . یعلام میچ رزژنامیدکی تیسانی پلاری ندکردور : تاییار خزیان به پاره ودکر دئیملانه له هعندی رژژنامدی تاران دا پلاریان تیران دوستایتیپان تازه کردوره .

تازه کارمساتی هدکاری قدرما بره یدکیتی و پارتی به خریتی سعری یدگتری تینر برن. هدردلایان له لای کارمدمستانی تیران هعولیان تعدا، تیران به لای خزی دا رایکیشی و لایکنی تر له لای تیران بعدنای بگا، زوزی نخایاند لایشی سیبهمیش، که حسک بو، پنینا بر، تعرانیش، به هزی محمهد رحمیم (خاله حاجی) دو، گمیشتنه لای سعرانی شرزش و، دریخییان ندکرد له هدلدان بز بعدناو کردنی هعردولای ناکزک، به دوای تعوان دا هندی کس و تاقمی ترش مانته کایدو،

له نار ریکخبراره کرردیههگاتی عبیراق ۱۰ یهکینتی در نرقشندی لاوازی هبره. نهارهگانی به ناساتی نمیانترانی لای تران بر دژایش یهگیشی به کاری بههان: بهکمهان، هارکاری پیشمبرگهگانی یهکینتی بر له گفا مدخان کرنستان دژی دارودنژگاکانی تبران. لم باریبود هنر تاگاداریهگیان هبرایه، دوای لی زیاد کردن رز از کردن، نبان گهاند کانهدستانی تهرانی. دوسهان، یهکینی چنب بود له نار نموش دا ریکخراویکی مارکسی - لینینی تی دا بو، تاوانبار کردنی یهگیشی به کزمزنیزم، که سعراتی شزرش له تیران دا یه دوژمنی دین و تیسلامیان دانشا، کاریکی ثاسان بو.

تدگیر ریکخراره کرردیدگانی هیراق، له لای تهرانبه کان دژی یه کشری قسمیان نکردایه و ، بغشتری قسمیان نکردایه و ، بغشگیکی به دشگیکی به کمگرتر داداکتر خزان به بدشگیکی به کمگرتر داداکتر خزان بغیره انداز نمبود با در نمبودی به نمبودی به بخش به نمبودی به نمبودی به نمبودی به نمازدی کاربه دستانی تهران به دس مهینی، بو ژباندادوی ریکخراردگان و هودکانی، خزی خدمه خرمتی تیراندو.

خطکی کوردستانی تیران، پر یهکمین جار پر، هست به تازادی یکدن. چندین
تاقی میاسی له شاردگانی گوردستان دا کمونه همرانی پیکموستانی ریکفستان، گادردگانی
صدگ که تازد گیرا پرندو، ضعیعکی کیزکیردنمود و سازدانی ضباک ر پیکمود تانی
صدگارای تاشکرا بین. گادردگانی گزیملین شروشگیری زومستگیشتانی کوردستانی تیران (سازک) پش خدیکی پیکمومتانی دریکخراری چنزه برن به ناوی جها جباره، چریکی فیمایی در حیزیی ترده در دهان ریکخراری تری ودکر: سازمانی مرجاهیمین، پینکار، درمدتی کرمرنیست، خدیکی خز ریکخسان بون، تعمش ردنگاندوی علومدرجی

له نار تم ریکخراواتدا، سازگا، له چاو تموانی تردا له هممیان زیاتر کادری خزشنار و ناسراری همیر، همر له نار تهران دا مایرنبود، ناوکیکی پچوکی ریکخراومییان همیر، و نام شارتنود، ناوکیکی پچوکی ریکخراومییان همیر زیسیندی گذشتگردد و پومسندنی تعمان له همیرینان لم افزین همیزی جنزی پسرکردنمویان و شمیرود کارکردنیاندو نمیانتگرده که له مسعردهمی قازی کرودستایتی تیران له کاتیک دا حدکا یه هری تمو ناویاتگرده که له مسعردهمی قازی محمدهد و جمعیورات یزیان به جی مایود له ماویهگی گروت دا همزاران کهمیان ریکخست و در توانیهان بین به حرکمرانی راستطینس زیر شار و ناویه. تم زلیونه کتورد معزاری حدکای غمرا کرد بود.

قازی و مدلا

حدک آد لایمن قازی مجنعه و پ د ک له لایمن مملا مستخاره دامنزریترارد. قازی مجنعه درای تیمدام کرانی تیر خیزیه کنی ماویه ک کز برد تا سعرکموتنی شروشی تیران خزی بز ریک نخرایبود، یعلام کنس له کادردکانی حدکا خبرگینز بیریان لعره نمکرد بروده که پهکیک له بنمالیس قازی یکن به سعرفی حیزیه کنیان تمکیریی زور کسی ناسراویان تی دا برد، به پیچهراتس پارتی که همر له سعردتاره صفلا مستخفا و، دوای مردنی تعریش کردوکهان کرد، به سعرفی خزیان، بیگرمان تمده نیشانمی پیشکنوتنی شیکری حدک ی تیران بر له چار یوک ی هیراق دا.

.

لعر زسانده پیشنهارمان بز سازگا و بر حکا کرد که:

رؤژناسمیدکی کوردی - ضارسی رؤژانه له تاران دهریکدن. بطینسان بی دان بز

كاريكى ردها ثيمش هاركارييان يكفين.

ً - يەكىپتى پېشبەيى بۇ خويندكاران، لاران، ئافىرەتان، مامۇسىقايان.. دروست كەن

 له ناو خزیان دا تیها و گرخهاو پن و، له گنال کاریندستانی تازی ثیران هنول بنین په زمانی ندر پدوین و، په گفترگز کیشهکانیان چارستر یکنن.

هرودلایان گالتیان به پستیاردگانی تیمه ندهات. لایان رابو، چرنکه تیمه له پاش چندین سال خیات میع سترکدوتیکمان به دمن تعیناوه، تبجرویس کوردستانی عیراز بر تاوه ناشی چاری تی یکری یا سودی لی وویگیری و، تدگییردگانیشسان به کلکی کوردستانی تیران نایدن

.

سبازک به پیباتری تمومی کنادردگانی تاشگرا نمین، له باتی تموری ریکخستنیکی سبرانسبوی، به تاوی خزیمود، له همبر شاردگانی گوردستان دا داهبازیشی، له همر شارد به ناریکی جیادازدرد، ریکخراویکی دامنزاند له گفار ریکخراری شاردگانی تر پمیردندی نمیر. ناروکان دریز در الد ژبانی سیاسی دا بطگفتی ترندروی بیزد. ودکر:

- ~ جمعيت دفام از حقيق خلق كرد، له ورمي.
- جمعیت دفاع از حقرق زحمتكشان و حقرق ملى خلق كرد، له سعاز.
 - جمعیت مبارزه برای ازادی و حقرق ملی خلق کرد، له بزگان.
 - جمعیت دفاع از ازادی و طرق زصتکشان، له تعقده.
 - جمعیت راه رهائی زحتگشان در کردستان ایران، له معایاد. - جمعیت دفاع از ازادی و انقلاب، له سنه.
 - الحاديه دهقانان ميدان.

.

کندال فرتاد ددرباری ثم همن ناره دریژ و جهارازانه قسیمکی خزشی گیرایدره: کابرایکی ریبوار لد ریگایک ترشی کابرایکی سنینی تعین، لی ی تعیسی: دیرا ناوت چهده تافی: دید تطفازگف همچنو و تناشارگفا شهریندوه منزخرم جغنایی باوکم نامی نیاگم موللا محکمت نصیمی شدگاهی!» کابرا به ترزجیندره تی ی تعفوری: دئیرم نامت چمار ی بکستر نشر، وحدده

میکننت آه جنباوازی ناودگنان و ، لم ناوه دریژانه چی پر ۶ تدگیر یز تعربی که خطک نم کرمیتانه په سعرمخر له سازگا و ، کاری جنماوهر یزانی، سعرانی سازگا لعرد! په هفله چرین، هنمو کس تنو کرمیتاندی په دسکردی سازگا تنزانی.

بادكاني معقاباه

رُوژی ۱٬۹۷/۳ ی تیرانی، سترکرداینتی حدکا پلاتیکی دانا یه هارکاری چند تطسعیکی کرود دهنتی یه ستر پادگانی متعایدا گرت. ۱۹ تانک و ۳۱ تویم سنگین و هنزاران پارچه پهدکی تی دا بر. حدکا هیشتنا زور لاواز بر نمیسرانی به ریکرییکی دهنت به ستر کطریفان ناز پادگانتکده یگری، خلنک وژانه ناری تالانیان کرد و ر تعری بز حدکا مایدر تنظیا تش شتاند بر که خلک پیپان نشدگریزبایده. حدکا، ودکر حیزب، کطکیکی تعوتزی له چهک و دصکموتهکانی نار پادگان دورندگرت، یملام تمم کاره که تنیا ۸ ریز دوای سعرکموتنی شورفی روی دا ، دهاهمیدگی گمورمی کرده نیوان سعرانی شورش و کورددوه . به تاییدنی حدکا که، ودکو کاریددستانی تیران تمیانوت، هیچ دهوریکی نمیر دید ادهام دا دژی شا، کنیمی دوای سعرکموتنی دقیام و راستعوشز کموته دو(منایعتی دیدتهبلاب».

تعودازى سته

تصعدی مرفتی زاده که لایمنگردگانی خزی به وعطلامه و ناریان تعیرد، له سنه بنجرترین کصابیاتی گری لی گیراد برد. دژی ریکخراره چنیدگان بر به گشتی، به تاییدتی دری ریکخراره چنیدگان بر به گشتی، به تاییدتی دری ریکخراره میکخراره مارکسیه کان به زلتر نعزانی، تاییدرستی نعید با لازه گرنگ نجیر، له دوای سندرکسوتش شدرش بر بر بر به تاوهندیگی دهستلات له نار شساری سنه و دموریشتی دا. ژماریدگی زور تاینپدرستی له دموری خری به ناری و ممکندی قررتان» موه گز کرد برموه. کاربعدستانی شروشی تیرانش معندی تاخرتدی شیمیان به نریندرایشی خیران ناره بر بز کاربید که سرمورد هعسر دهسدر دسملاتیکنیه برد. کاراید مدر دهسر دهسر دسملاتیکنیه برد.

حدگا، سازگا، چریکی فیشایی، پهیکار، توده و زور ریکخراوی تریش له سته بارهگایان داتا بر چالاکیبان تغزاند.

داید، بر بر به حزی تیکهاهرتنی جاده و لاینگرانی صطفعری دا هندی کیشه روی داید، بر بر به حزی تیکهاهرتنی چادگار. تسه تطنعی کرد. خلک عطیان کرتایه سعر دارودنرگاکانی حکومت. دشعربانی بان چهک کرد و، چونه سعر ه پادگان به ی سنه تعریش یکن. پادگانی سنه گلوره و قعربالغ پر، چیزی پلاماردورکانیش ناریکرییک ر تیکند و پیکنا بوب: زوری بز تلان چو برد. پادگانیکه خوبی نندا به دهستموه بهرگری کرد و، له کرماشانده به هالیکرپتمر هیزی پشتیرانیهان بز هات و، نمگیرا. بهلام شار کلوت بود دس خطک و ، خوبشاندگ نه نیشت پردود. له تاراندو دهستمهایی نویندایهی پایمپرز که پیک هات بد ان بازیرللا سعید صحصردی طالقانی، تهرشسستی بخی صعدر، طاسی رطسنجانی، چون بز سنه بز لیکرلینده له هوی شعردکه و، گفتوگز له گلا دریندازی ریکخراه سیاسیکان.

نریندوانی ریکخراره سیاسیدکان له ناو خریان دا یدگر تر نیین، یعزناسیدکی سیاسی هاریشیان نمور، هنر یدکیان شتیکی تنوت و شتیکی داوا ندکرد، همسرشیان دای سارگرایانتی دیشی شورش بود. تعیان سبت سار نموری که دائیشترانی سنه خریان شورایدک هطوایرن بز بعربودردنی شاردگایان را له ماراندو کصیان به سدوا نمسیهان.

لدر روزانده چندین کیزبرندص جمعیارمری فیراران کرا برد ترینمزانی ریکخیاره سیاسیدکان قسمه بان دوکر خزیان تعیارت دسرخنزانی دیان تی داشترد، له یکنی لدر کزیرندرانده که دبیان هنزار کمیی تی دا تاماده برد، غینی بلریان قسمی کرد برد. غینی بلریان زیار له . ۲۰ سال له زیندانی شادا بر برد، له روزانی قیما دا تازاد برید، تدکیرین له سعرکردایمتی حدکا پر بعلام به پیروباومر ترومی پرد. به هری سالاتی دریژی زیندانموه له دنیا دایراو و بی تاگا پر له گوراندگانی دهلومترین گوردستان. قسمکانی پیچینوانتی چاومروانههمکانی خفک و خراستمکانیان تغیر. هنازان کمس به یمک دهنگ قسمکانی پی تغیر و داوار نکفون: وحامد فضی بلویتان، بهترومو باز زیندازاه

شدرى تعقده

حدگا ریستی به خزیستاندانیکی سیاس - چدکدار باردگاکمی له نمفده یکاندو.
پز ثمر مجسسته له همسر شاردگانی کوردستانی ثیراندو چدکداردگانی خزی بانگ کرد بز
گزیرندو له شاری نمفده، زورایش دانیشترانی نمفده تازمرین و، گورد کمایمته له ناو
شساردکسده! تم ضرفیسشساتمانی حدکسا بر به هزی ترس و روزآننی تازمریسهکسان.
چهکداردگانی نموانیش دامنزوان. خزیسشاندانکه بر به شمری کورد و تازمری. شدر چعند
روزایکی خایاند و، سعدان کمسی تی دا کورژا و، سعدان سال و دوکانی تی دا تالان کرا.
ززری کورددگانی نمفده تاراره بون.

ثم روداره ستوغی متی راکیشنا. کنوقه لیکرلیتنونی پنیونندی کورد و تازنری. کنرستنیدگی ز<u>اد</u>م له لا کو یونوه، کتیبی «کورد و عجم» ی لی پنیدا یو.

گسرتنی پادگسانی مستعاباد له ۳۷/۱۲/۱۸ و، گستمسارزدانی پادگسانی سته له ۳۷/۱۲/۲۷ و ، هلگیرسانی شتری نمفنده ۳۱ فروردین ۵۸ (۷۹/٤/۲۸) تم روداواند به درای یمک دا که هیشتا حکومتی شزرش خزی نمگرت بر ، بیرورایمکی زفر خرایی له لای سعرانی شزرش و کاربعدستانی تیران دروست کرد.

بمشداراتی قبام، سعودای جیاداری بیروبارد و پایدی کزملایشهبان، تعنیا له سعر
یدک مسسطه ریک بیون، تعویش: دورضایش شا بو، تدگینا بعرتامدیدکی پیششدگی یا
ناماددکراویان نعیر بو قرناغی دوای شا، تعنیا کسی که بهرجاوی ورث و تعوزانی چی تعوی
خرمدینی بر، خرمدینی یش له همدریان به دوسالاتتر بر، ملسلاتی له سعر دسملات له نار
پالی دینیی دا، ملسلاتی له تیسوان بالی دینیی و بالی تعدینی، له ناو سعرکدوایمتی
پروشدگدا هیشتا یه لادا ندگوت بر، جروی رؤیمی داماتری تیران و، جزوی دارشتنی
پیموندیدکانی له گفا دنیای دورود، گزشگریتی کیشهکانی ناو سعرکردایمتی بو، تعوی
خرمدینی و سعرانی تری شورشکه بیریان لی تعکرد بورود؛ همسطعی نعتموایمتی بو،

شمرهکانی معایاه و سنه و نعقبده، خواسته سیاسیسیه*گانی کو*رد که دران به نرینمرانی حکومهتی شورش و خرمینی، کاریدوستانی تیرانی عزشیار کرددوه.

حشم: ناردی ناو درک

له ۵۰ آی نیسانی ۱۹۷۳ دا حکرماتی بعص دپیسانی دوستاینتی و هارکاری» له کمل پدکیش سزلیت تیسزا کرد. تیم هنگاردی بعص به لای سنزانی حشمنوه نبودند. گرنگ پر، تیر هامر جزره هاوکاریندگی بز حالال تمکردن. بعص بز چنترکردنی ریزدکانی تارخونشی ریستی وجههای یک له گفا پارتی و حشع تینزا بکا. لم جمههندا:

۱. بعص له برباردانی سیناسی نار جمهه و دولات دا، وحینهی قنانسده و،

مهزیدگانی تر حیزیی دوم تیون. همر رمخنیدک له دارودنزگاگانی حکومت و حیزیی دستلاندار تمیر له نار چرارچیوری جمهمدا نمیرته دمرده.

 ریکشستنی سیاسی له ناو میزه چهکدارهکان دا: جنیش، جنیشی شمعیی، شررطه، ثمن.. یه تعنیا پاوانی یعمس ثنیر، هیچ جزییکی که بزی نمبر جیزیایهتیبان ای دا یکا.

 ریکخراره پیشتی و دیسوگراتیدگانی کریگاران، جوتیباران، قوتاییبان، مامزستایان.. تغیر یدک بخرین.

. ٤. حوكس عيراق له ريگاي ومجلس قياده الثوره ۽ وه په تائيا له دس خوي دا

که تار سنرگرداینتن پارتی دا هیو، به تابیستی هندی لیزاتنی درنور بون، بعشدار برتی لم جنههبند! به چاک تواتی، بلام مثلا مستنفا بی سیردر ردتی گردمو، حشع بنو معرجه قررسانه به تعنیا له گلگ بنتس پوه جنهبنده، بلام دیدربهکی سیناسی تابترامیشری

حشع له سعودتادا هیبرای زوریان له سعر هاوکباری خریان و بعص هعلیتی بو .
و پهیسانی دوستایتنی و هاوکباری و له گفا، یدکیتن سؤلیت و . دریگای ناسفرماینداری ه
یعمی و دروشسه بیرنفداودکانی، به چزری سعوی له سغوانی حشع شیواند بو ، کمسیکی
خاوان تعزمرنی دروتی و دکر عمترز محمدهدی سکرتیسری یدکیمی کسرمیستمی ناوهندی
حیزیدکه، چاوادوراتی تدوه بر صعددام حسین بیبته و کاسترزه ی عبراق و ، سفرهام حیزیی
شیرهای و حزیی بعمی تیکنان چاو و ، باز، به یدیک حیزب.

له طبیلاتی ی یعمس و کوردا سال ۱۹۷۷، حشم همسر قررسایی خری خست بره لای یعمس، له ستر تاستی دنیا، هنولیکی زرزی دا، شررشی کرده یعدتار یکا ر، له همس حییزیه کرمرنیستی و سرسیالیستیهکاتی دنیای دابیری، له سعر تاستی ناوخزش، هنرچهکی پی کرا که بواری سیاسی، واگفیاتدن، چهکفار، تعاتمت کوکردنفوی دندگریاس د مقوال بز حرتی یعمس و دنوگا کمنیهکاتی کردی.

حشع سالی ۱۹۳۵ دامنزوارد. له ۱۹۳۵ دوه تا سالی ۱۹۷۹، کاتی جهاپرتدوی له بعص، تغیا ۳ جار کزتگری گرتره. کزنگرین سیدهبین حیزب، له تصنفی ٤٢ سالین حیزب دا، له ژیر دروشنی: ودمن له نار دمن بز پیشنوه بهرم دامنزرانتنی سزشیالیزم له عیراق دا و له نارواستی ناپاری ۷۷ دا له باردگری خیزب له گورکی مصیح له بطفاد به ناماده برنی . . ۳ تغنام بمسترا، بلخکنامهکانی کزنگردکه به زیری تعرفان کرا بر بز پها عطفانی دسکوتهکانی حک در در در

عسفزیز سحمهد لعر تعقربردها کنه به تازی کنزسیستمی ناومدییستره له بمودمی کزنگردها خریندییمره له چمند جیگایهکی دا بمعجزره باسی جولانموس کوردی کرد:

– دويقف في مقدمة متجزات الجهيهة وضع قنانون الحكم القاتي للطقة كردستنان وتصفية التمرد الهميني الرجعي فيها »

- وان انههار التمرد الرجعي المسلع خلق امكانية موضوعية افضل لتطبيق الحل السلس - الديمقراطي للمسألة الكردية »

د. مسوکستورم تالهبانی، کسه تبرسا یدکی بر له در روزبردکسی حست له نار روزاردتکسی بعشع له نار روزاردتکسی بعص دا، له سستایش نبر عبفرودا که بعص بز بعشبارانی جرلانبردکسی دورکرد، سعر رتانیکی به عمرصی له زیر نارنیشانی: واشنا علی الکفار رصا، بینهم، بزگرگاری دوؤی کروستان - شس کردستان، نرس. له وتاریکی کما که به کرودی بز معمان گزفاری نرسی بو به پؤنس گرتنی در کزنگری جیاوازی کرملسی خریندکارانبره به بین ناگرگی یدکستی و پارتیموه، تم دو لایمنس شریهاند بر به سدگدگانی لمیلان و بینورد.

پسخوشحالی تاشکرای حشع به تیشکانی بزرتندوی کررد و، پشتیبرانی له ریککوتنی جغزاتیر، له لایه ک بز رازی کردنی سعرکردایهتی بعص، به تاییعتی صعددام حسین و، له لایه کی تروره له بعر تموه بو وای تغزانی تعو بزشاییه گعروبهای له تعلیامی ناشیدیتالی سرکردایتی بارزانی دا درست بوه، بعدان پر تحکریتوره، تصد خنبالیکی بعدال درچر، بهصب تعبیالی حتزای بشایدی پر یکاتبوه، که له مصطفی کوردا یمک چاد بروه و، تعیش تعبیالی میسرب و، بازاردانی تعلیاتی به یککدکانی حسرب و،

كرميستمين تأوضفي له تازاري ۱۹۷۸ دا كنيرتعوي تعوادي تعنداسكاني كرد و . راپورتيكي دريژي له سمتر عطرممارچي جيسهاني و ، عمريي و ، تاوختر بلار كردمود. ماشيتي راپررتيكه تعمه ير: وصيانة التحالف الوطني وتعبيق المسيرة الثورية مهمة كل قوي شمنا العقدمة

سنردتا راپورتدکه بنمجوره دمس پی تُدکا:

وشهد العالم خلال السنة المتصرمة - منذ انعقاد الاجتماع الكامل الاعتهادي للجنة المركزية في ۱۸/ شياط ۱۹۷۷ - استعرارا لعملية تغير مهزان القوي لصالح القوي الثورية العالمة، وفر طلبعتها المنظمة الاشتراكية.

لقد المقلقت في يلدان للنظرمة الاشتراكية، وفي مقدمتها الاتحاد السرفينيي، الحايازات كبيرة في تنفيذ خطط تطوير الاكتمساد الوطني ملي طريق تمزيز اسس المجتمع الاستراد للعطور، ويناء القاملة القادية والتكليكية للشيوعية، واحراز منجزات ضخبة في مهادين العلم والتكليك، وتمزيز القدرة الفقاعية، ولوطذ التلاحم والعمارين الويتي بين الاحزاب الشيوعية في بلدان المنظرمة الاشتراكية، ويتعزز التكامل الاقتصادي فيما بينها. و

له ياسى هطومسترجى ناوخرادا دواي تعوى ستمايشي سيماسستري هيبراق تدكيا له دوامنايعتي پيالاتكاني تيمينياليزم و محضيونيزم د گرنتهورستي دا، ياسي خرش بوزي گوفرواني زور له محوتدكاني گفار ، بعديهيناني مافي شارستانيي تافردبان، تدكا، تينجا تخوري: دوراصل العراق سياسته العادية للاميمالية، على الصعيد الدولي، دوسالد سياسة التعايش السلسي والاتفراج الدولي دزيج السلاح، در صارض بحزم سهاق التسلح وانتاج القنيله الهيرترينيه. وقدم العمم السياسي والملاي غركات التحرير الوطني في اسها وافريقها وامريكا اللاتينيه. دران موقف العراق في منظمه الام المتحدد روكالاتها والشطات العالمية بارزا في اللاتينيه. دران موقف العراق في منظمه الام المتحدد روكالاتها والشطسات العالمية بارزا في

ان مسيرة العراق التقنعية علد تثير حقد الدواتر الامريالية والصهيونية والرجعية، التي واحت تخطط، ضمن الهجمة الشرسة على حركة التحمر الوطني العربية للتامر على العراق، واصبع العراق عنفا مباشرا فهذا التعامر، خاصة بعد التطورات الاخيرة، في اوضاع المنطقة، اثر زياره السادات لللفس المحله وتزايد المساعي لاحياء الاحلال العسكيمة الرجعية - الاعربية، وتوريد السلاح الامريكي يكميات هاتله وترعيات متطوره الى الانطحة الرجعية - الدعائية.

وعا له دلالته الخاصه، يهلنا الصند، اتساع الحداد الفكريه والاعلامية الامبريائية - الرجمية ضد العراق، أذ دابت وسائل الاعلام، بشكل ملحوظ مرخرا، في يعض الدول الرجمية في المنطقة والقرئ الرجمية والبينية في الداخل، على السحى لشق الصف الوظنى، واثاره الحلاقات بين اطرافه، ومهاجمة الجهية الوظنية والقرمية التقديم، والتحالف بين حزب البحث العربي والحزب الشيرهي العراقي، وتسعير العداء المشيرية، والتشكيات بعلاقات الصدافة والتعاون مع الاحادة السرفيتي، ومهاجمة تعزيز القدرات العدامية للعراق، والتهديد باثاره المناحب الداخلية وتقديم المناحدة المنادية للسلطة الوطنية، ع

همرکس به چاری پدوارد و روختوه لم راپورته ورد بیبتوه بنزیبی به جساومری حشع دا دیتوه، چ سرگرداینتیمگی هیوه و ، چزنی سدرگرداینتی کردوه، دمهاری حیزیی بعض همو بزچرندگان پیچموانه دموجرن:

عیراق له چرارچینرس سیاستی تمساریکی دا پدیمانی جنزاتیری له گفا شا مرر
 کرد برر یز تفری کیشندی کنوردی له کول بیپشنده و ، دستی بطال بی یز درزمنایاتی
 سرویا ، چرنکه سرویا لفز کاتدا دژی ریککنوتنی دفیصل القبرات » ی تیسسراتیلی - عفرین بر.

۔ عبیراق خدریکی دروستگردتی چدکی کنوشیٹنی به کنزمنڈ ہو: چدکی ناوکی، کیمیایی، باپولوجی،

- هیراق سیاستن پیکنوه ژبان به تاشین ندگرت بر، له گلهٔ دراوسیکانی: سوریا و تیران ناکرک بو، زوری نمخایاند هیرشی کرده سنر تیران جنگیکی خویناری دریژی هفگیرساند له هدردر میللفت سعدان هنزار کمس کروژرا و، سعدان ملیسار دولار زبانی ماددیهان لی کموت.

استایش په کیدی به راست در استایش په کتاروی و تهکترلوجی به راست در است در در کتاروجی به راست در نموری در نموری هینا و، که حشع بدر لهدان کدوت نه سؤلیت و، نمویج

ولاتیکی قری دمخطومه و ی ولاتانی سرسیبالیستی له ستوی هط ندایه و ، له ستوی نکاردوره

یعصن لتر کاتموه هات پونه سعر کار دمستی به سمر همتر روژنامدگانی عیراق دا گرت پر:

ألتوره، رؤژنامدی سدرکردایدتی حیزیی بدعس بو.

- الجمهوريه، رؤزنامدي ومزاروتي تيملام، واله روزنامدي حكرمنت يو.

- الشاخی، روژنامنی پارتی یو، دوای دمس پی کردندری شمر یعصی خریان به ناری حیزیه کارتزنیمکانی کرددوه دمیان تهکره. دواییتر ناودکنیان گذری به العراق.

طریق الشعب، رؤژنامنی حیزیی شیرعی یو.

– صفتینامه و ماتگنامی عمرمی، نینگلیزی، کوردی، تورکبانی که له عبراق دبرتمچون، همویان مولکی دبولعت یون، ریزنامه و گزفاری تازاد یا مولکی تاییمتی نما بو.

- الراصد، کزلکه رؤژنامهیاکی عنرمی بر له پاشماری رؤژنامهکانی سعردسی عارف، کابرایه کی قعاصفروش به ناری: مصطفی عبداللطیف الفکیکی، ناو به ناو به فعرمانی بعص، بز باسی پاینتیکی تایه تی، بلاری تدکردود.

دوای بلاوکردندوی راپورتدکنی حشم، دالراصده عدر چرار لاپدوکنی ژمباردی ۲۷ ی روژی ۲۹ ی نیسسسان – ۱۲ تاباری ۱۹۷۸ ی بز بعرپدرچداندوی تم راپزرته تعرضان کرد بر. به مانشهتیکی گفرود نوسی بری: دنهج غییر موضوعی علی حساب المقیقه: مناقشه تقدیه للتقریر السهاسی للجنه المرکزیه للحزب الشیرعی العراقی ۵. دیار به بعمس نیتتر تیشی به حشم تعمایر، گعری پی تمکرد، حشم تعیر له فیمکنی خزی تی بگیشتایه.

هعمو تم معدم و سعنایه، حیزی بعسس رازی ندکرد، له مانگی مایس دا ۳۱ تغنامی حیزیی شیدوی، به تارانی تبوی له ناو ریزی هیره پخداردگانی عیبرای دا روخانی تغنامه کانی، سعرکردایتی حیزب چارمروانی هیرشی رهای نشکرد له پدر تبو بر تغنامه کانی، سعرکردایتی حیزب چارمروانی هیرشی رهای نشکرد له پدر تبو هیچ پالٹیکی نبو بؤ خوارسان، هندر هیولدیبان تبوه بو عیزی حمصتعد چو بؤ بینیی معددام بز تبویی تکای لی پکات تمکر هیر تبدامیان تمکات، له رؤی دامنز اندنی حشم دا تبدهامیان نمکات، بطکر جیبیمی کردنه کدی چند رؤی درا پخات، پز تبوی تبر پادیان لی تبک نبوی و سرکایاتیهان به سعردا نبیت، تنظاماتی سعرکردایتی به دوای پدی دا چونه دروس عیراق، به واکاتی سرشالیستی و یعمن و ایسن و سیرادا پلار پرنیل نکرد، نبیان گزیر و پاکانی تبریران و، تبداران مین شیرون و، تبداران بی نشویین.

لعر مطرمترچه سخته که شهرمیه کانی تی کعوت پر، ملاً تصیدی پانه خپائی: نتنامی کرمیستدی ناومندی حشع، له شربانی ۱۹۷۹ دا گذیشته ناوزننگ، مامیده لالی پینی، مهلا تمصند نمیشزانی حیزه کمیان به تصای چید و چی تمکا، لغر کاندا دسمه لاتی حکرمتی ناومندی له کوردستانی تهران دا نصا پر، حدکا خدیک پر دسمه *لاتی* پدیدا ندکرد. چر بز تیران لعری سعرداتی حدکای کرد. به تعدای تعره بر کادر و تعندامه راونراو و لهندامه راونراو و لهندماه راونراو و لهندماه راونراو و الهندماه رکانیس ساسی رون تعهدمو و ، درترکتابی که پیمرشنیه کاتی تیران تعرف بر حدکا به دسترکتابی تیران تیران تعران نوان که بیمرشنیه کاتی پیسرکرد اینا به حدثی پیسرکرد اینا به مسلم تعدان به تعدی پیمرکن اندا به مسلم روانگان تی به دیگی ماید دارد و خدری زبانی باردگاکهایاتی و دکر خوان و به مسلم بازدگان تیران بازدگاکهایاتی و دکر خوان اینا به مسلم کرد اینا به مسلم کرد اینا به مسلم در کشراودکاتی و پیشسمرگانگانی له همر کری پیمرکن به کند و دروان و دروان و دروان و دروان که دو در اساس کرد به تاریخی بز دروان به دارد در گانوان که دارد در گانوده ناسراودکاتی کرستین ناودندی حشود خاص در سرل و دروان تروان و به بیگی دارد در گانهای به نامی دروان ان دروان که بیشتند نارزدنگ، به مجوره سدان شهرهی دروان و دروان و دروان کهایشد چند سند کسی.

مامجنلال و هارویکاتی تر به خزشیبه کی زورده جهابرنموی بعص و حشع یان وترگزت، یمکم، چرنکه لایان وایو به هانش حشع بز شاخ، یشتبراتی یمکیش سزقیت و عصر حرزیه شهرهیبه کاتی دنیا له گلا خزی تعینی بز شاخدکاتی کوردستان. درمیان، پزچرنکانیان سهارت به حیزیی بعص و سروشتن رفیسه کنی و باشعروای هاویمیسانیتی شهردی – بعص، به راست دمویر بر.

له مانگی تیسان دا بدهاندین نیری و کبریم تعصد به دوای یدک دا گایشتنه ناوزشگ. هوروگیان له سوریاوه به ریگای ناران دا هات بون. تموان هاریکانی خزیان و تیمیان ناگادار کرد که حشع برباری داره خیاتی بهکدار یکا بز روخانتین رقبی بدعس در نهانتوی بعربه کی سیاسی فراران له هسر هیزه عیراقیدکانی تیباری بعمس پیک پهیان. بدهاندیش رکبری مزور نصانوه گغرانوه بز تیران لدیوه چرنوه بز سوریا. مملا تعصدیش زوری و مخدکه له قبران بود به زوری فاتیع رصول له ناوزشگ بو

تا ثمو کاته جگه له تاوزهنگ له هیچ جمهگآیه کی تر پنکمیان نمبر و، همسشت. مطرعزی چهکداریشهان دروست نهکرد بو.

سفراتی حشع به یه ک چار سعیری به کیشی و پارتیبیان ته کرد. له ناکترکی نیران
یه کیش و قر دا، تهانویست دعویی ریش سپی بهبیان، کترنته عبولدان بیز تعری له گلد قم
یش درستایهتی دامیزریان، قم تعر کاته میزیکی سیاسی بعدناری دابرار بر له میزدگان
در بهرستی به درستهایش حشم عبود، بیز تعری ناریانگی خزی چاک یکا له نار کزره
پهشکدرتخرازدگان دا، حشم یش چرتکه له گمل بهص هارکاری کرد بر دژی شروشی
گیرد و پارتی، تعریست تم رابروره ناشیسینمی خزی له گمل پارتی یاک بکاندو،
در استیمکمیشی حشم پسریستیمکی زوران به پارتی عبور، چرنکه تعران له بادینان
در استیمکمیشی حشم پسریستیمکی زوران به پارتی عبور، چرنکه تعران له بادینان
در استیمکمیشی در طاویونی حریا، «یکابان نمین با ریگایان لی بگرن،

سفرانی حشع بترامیمر بعضی باودریان رایر: بعض لعو روزدره خبراپ بره که له مانی داده.

. که همسری سمیرتر تعربور، حشع تعرسا و تیسستایش خزی به نرینعری (تیار) ی دیسرکراتی دائمنا. که خیزدکانی مرهارجنص عبراقی یزل پزل تدکران بز (تیار) ی قعرس هغوهی، دینی، کوردی.. ثعو خزی به نریندی تعیباری دیمرکزاتی دائننا. له کاتیک دا کزمزنهزم، به تاییمتی لغو زمماندا، باوبری به دیکتاتوریمتی پرولیشاریا همیر نهک به دیموکراس،

من خرَم پیششتر هیچ تیکلاریب کم له گنا سنرانی حشع نیو. کسم له
مستردی دافتای از تریکتره نندی بو و تنتناسی، بلام له مستردمی دافعاد الشمیه و
و تازادی به و تا سنردیمی و طریق الشمیه و و دافکر ایندیه و بر استفاده ایندیه بدر درا
و تازادی برای کراره تاکیز از نهیشه کانم خریند برندی و به بادیبری روتی سیاسی
ناکوکیسه کانی ناو ریزدگانیاتم کرد بر. زار له داوریکاتم که پیششتر نادی هعندی له
سنرکرده کانی حشمی بیست بر، که ددیان سال تغذامی کزدیشتمی ناودندی و ممکنیمی
سیاسی بون و له سؤلت خریند بریان و بسردانی چهندین کزنگری جیهانیهان کرد برد،
و ایان تعزان تمامته سیاسی زاتا و بالیست و به نیاسرش مطکوتون، تین و تعزامیکی
دده نگی دموزل له دور خوشماه و درکموت زوری تمانه کسانی بی تاکا بون له روداو کانی
کردستان و عیران و نازیه که و دنیا. سعیهاری سعردگی راشتیبریهان معندی له نامیلکه
و کتیمه کانی دوار التقدم و و سعرچاری ساخرگی راشتیبریهان معندی له نامیلکه
و کتیمه کانی دوار التقدم و و سعرچاری تاکاداری و زانهای بیدکانیشیان بعشی عمرمی

جيابوندوءى بزوتندوه

ثیمه له خزشین روخانی شا و سترکموتنی گذاتی تیران دا یوین، هنزار و یهک هیرای ستوز و سورمان له ستر هتلیتی بو، له یر یهکیتی دداکلیهکی تی کموت.

د. منحمد هنای ۱۳ رسول مامنید پارهگاکس ختی که زطی وه گریزایهوه بز گزدشیر و . د. منحمد هنای عربستاتیش که ناوزشگده چر بز لای پنمجرد پزوتنده جهایرنده ی ختی که پهکسیسی راگهیاند و ، د. منحصدویش دورکموتندوس ختی ناشکرا کسر د ر-دیردتنده و رو کرمیستی تاماده کردن پیکنوه کموتنه هنولی دررستکردتی حیزیپکن زاد: چند ریژی بر حازم که سرویاوه هات بر . حازم تمو زماند و امین سره ی و ههادی قطری » ی حیزیی بعصبی سفر به سرویا و ، لههرسراری دمکتب شوین المراق به بر که وقیادی تفویری که شام . هنولیکی زوری که گفا دابون چیایرتبودکمیان دوا بخش و ، تمو یکنونته ناویزی بز چارستوکردتی ناکرکیههانی نیوان یمکیس و تموان. همولهکمی سمری

ثمر تاقمه لمر جیابرتعومیه به تعمای چنند شتی بون:

⁻ لایان وایر آمکار له یدکیش جبا بیننوه را سنریمخربی سیاسی و ریکخراوهین ر پیشسترکاییان همین، زورتر گفته تمکنن و زیاد تمکنن را بعنیز تعین.

[–] لایان وایر ثنتراتن خنفی سپهنم له نیوان جنلالی و مملایی دا دروست بکنن و. هارسندگی نیموان تم دو حییزیه تیک بدنن. زوری پیشمسمرگدگدانی همردولا و، تعنام و کادردکانیان که له ناگزگی تم دولایه و. شعری براگوژی بیزار بیزن، له مان کز تعیندو.

– لایان رایر حکومتش عیران تاسادیه به ریگای گفترگزی سیناسی پدارسدری کیشنای کورد بکا ، بقلام یهکیش بز رازی کردنی سرویا و ترج دروه به شار تندا ، تهگار تامان ساریمتر بن به جیا له یهکیش تعترانن له گلا یعنس ریک یکتون.

يز جيابرندودكميشيان چند بيانيدكيان تعينايدوه:

– منامجمالال تاکروره، گری نادانه سفرگردایشی به کومنل، پیروراکنانی خوی اممینیش، اوره انجی و ریزی شعروی هاوریکانی ناگری.

- مامیدلال به لای گزماندا دانشکینی، گرماند نه ستر حسابی بزرتنده به هیز ندک، له داینشکردنی چدک و پارده! زیرتر بعثی کسرمنده نده، گسرسالیش ومساوی، و ومتطرف» ن، دژی دین و مفلان و، دژی تاغا و سعروک همشیردنن.

هیچ هنول ر تعقیلایه کی پزشیسان کرونتویان لیم هنگاره سیری نهگرت. سور بین له ستر طفیستی خزیان. هنگایش، به تاییش و. قاسطر، که ثمو کاته بیرین به هیسزیکی گسرنگ له تاویهکستوا، هاتی دابین و بطیشی دابرتی بارسستیسیسان بهات و کارانسانیان بز یکات.

لعت کرد و ، پشیری و تاژاوی قران خسته نار ریزدگانی پیشمدگرده . پاش چند رویل هندی له فدرساندگانی پیشمدوگلیش جهارزدوی خزیان راگنیاند . به کردوه بنشی هدرزاری سترکرددکانی پیشمدوگلیان جها برندو، هرمدر مستفاه مابردو، تعریش کامی له پزرتنده به دهرردو نمیر.

صابحیالاً معزی نفتگره ثمر راستیه بسملینی کد: پزوتنده له یکنین جها پزتمره، پدکر تمپرت تمه بالیکی پزوتندومه ر پزوتندوم واستطینه له گفل یکینی مارد. له کساک صمرصدر قسسستی کمرد پز تعروی پزوتندوه دررست یکنندو، تاسمیان پز هندی له کفروکانی شار ترسی که له برای پزوتندوه کامایان تفکره و ، زورهان گزنه جداگی بین پینه دورود، به درای یهک دا هاتن، له راستی دا پزوتندوکنی تممان له چار تعری روسول دا لاواز و تا رادمیک دروسستگراه بر، تبهنسوانی کسادر و فسترصاندهانی پزوتندوه رایکشیندود و بز لای خزی، معرکیز نمیترانی تنو بزشاییه له تاو یهکینی دا پر یکانبره که به چاریتروی روسراد و خاوریکانی دروست برور.

سیروان و زیرینجز

شعوی ۲۹ - ۲۰ ی تیسانی ۷۹ جاشکانی زرایین، به سترکردایدتی حصه خانی حلیم دارا، پزستهدی گفرومان له تزیک تارایی زیریجر له دهتنی شارفزور دانا، سپروان (اسیمسلا رطبید تاثلهاتی) و و تالسی له پستسسلرگدگانی همرس کدرگرد ک که له سترکرداینتینور تدکیراندو، یز بنری قدرداخ کفرتنه ناری، پیشسترگدگان له نار منزماندی تراکترریک دا سرار بردن. له پزستکندا و پیشسترگد، سپروان (فنیصل تالیانی)، صدیل تیبراهیم (حاجی چارشین)، حصیت تحصید خاری بی، عطی چاهیی نتیجات رمجم کنیم و، دو دواوالای: کولوان و، تعرانی تریان زیاد به زحمت معراز بون.

حسمخان روکو دوایس دمرکتوت جناش – پیشسمبرگتی پارتی یو، که قم لتو تاریخیندا جاند یوی.

سپیروان، هاروی ی کومطه و، یه کی بر له پیشسترگه کانی مطروزه کانی سعره تای دهسپیرد نتوجی خیباتی چه کندار به پیشسترگه کیه تیبود دهستی پی کرد بر، به بوبر به فیرمانندی مطروز و، کنوت و، تینجا فیرمانندی عدیمی کنرکری، یه بی بری بر له باشتین ام فیرمانندگانی پیشسترگد، شاروزایمتی دبیان چالاتی کرد بر، دارود زرگ سترکردکانی درژمن دا پیدا کرد بر، سترکردایمتی دبیان چالاتی کرد بر، دارود زرگ سترکردکاری روزم به تاییسمتی جستیش زور به داخ برن لی ی. له مسایسی ۷۹ دا هاتم تارزشگ. مدارمیک مدایود، چند روزیکی میرانی من بر، لدو بی سعر و بدیریدا که تیبرانی تی کنوت بر، زوری پادگان و پاسگاکان تالان کرا بین، چهک و تضائی جمنگ له بازاری مان بز عدریمه کری و ، گذرایده بز نارچهن قدرداخ.

سیروان له ناو پیشمنوگه و خطک دا خزشتویست بو، کوژرانی زمردیکی گدوره به له کامله و بهکشر.

. نَمْ خَهِرَانُهُ لِيَكُوْشِنُوهُ لهُ شَوْرَشُ وا وَمَوْمِقِ زَقِرِيانَ لِي كَنُوتِ. جَكُهُ له سِيروان، براكانی تری: تعیرب و غویب و عومور عویهكتیان له معیناتیكی تیكوشان وا كروران.

په پزتنی مردنی معلا مستطاوه:

مهلایی و جهلالی له تغرازودا

ریژی ۱ ی مسارتی ۱۹۷۹ تاژانسه کسانی دنگریاس بلازیان کسردوره کسه مسلا
مستخفای بارزائی له نمفرزشد شانیه کی داشتسین کسزیی درایی کسردوره. تم هنراله
چاوروزاتکرار بر، چونکه له میپو بر مملا مستخفا ترشی سعردانی سی بهری، هار بید
پیانوشده له تیرانوره چو بره تصنی یک او لعزی صابروره، رازناستی و دییلی تطاگراف ی
لفتندنی له ژصاری رؤژی ۳ ی صارت دا ترسی بری که بارزائی له سمر حسیایی دسیاه
تیسمار کساره، یکام تی تم هموالی به درز خسستموه در، ترسی که شزیان شعرجی
نمفرشد شانکه یان داره، دارایان له رؤزاسه که کرد به درز خسستمودکمیان بلاز بکاتبوه،

گزیمی مملا مستخل له کوردسشان و. له ناوچهکه و، له نبار حیزیه کوردیدکانی کوردستان دا، به جزری جیا جیا دشکی دایدو.

ناویاتگی مملا مستعفا و پارتی له تیران دا پاش نعیر. به توکعری شا و ساواک ناسرا بود. له ناو گیرودا به بمویس خوینی سلیستانی سوعینی و چندین کسس له کوردهکانی نیران ناسرا بور. عدو لهمر تعوش له خزپیشاندانی شاردکانی کوردستانی تیران دا. یکر لو هر نافانیو، دییارمیان تکردوه:

قيادى مواقعته - كوركه له ناو ميللمتا.

کی ہو گاک سولعیمائی گوشت؟ یارزانی ہو ہارزانی

له کنزبرنموی نریتمراتی شبورای شبارهگیاتی کبوردستیان دا له منمعایاد پهکی له داراکاتیان له نریتمراتی حکومتی تیران دمرکردنی سعراتی قیادی مرهامته یو.

مردنی معلا مستخفا له تاو تیران دا به جزری جیاواز دهنگی دایدود. رؤزنامدکاتی تاران، به تاییدی تعوانی لای چمپ یون، به خرابی له سعریان نوسی، قسدکمریکی حدکا
له رؤزنامدکاتی تاران دا داری قسمی کرد و د کزمطاس وحصدتکیشان بمیانیکی دریاری له
سعر دمرکرد کردودکاتی مطل مستخفای بعرامیدر گرودکاتی ثیران به بیر جینا بوردر، یعلام
مطل بیستی دکرمستی تیران جیاراز بدر، ریگمیان دا تعرصدکمی له تعسمریکاود
بیشنود بو تاران و د حکرمتی تیران خزی به طالبکزیشر گروزایانوه بز شنز و د ریگمیان
دا به پارتی تصد یکا به موناستیتیک یز خزیشاندانی سیاسی و بهدادار.

ینصالمی بارزانی و سعوانی پارتی دوستینان نُم وردآوه یکنن به پزنس کریندوی تابردی طزبان. سال ۱۹۶۵ که بارزانهکان چرنمته ثیران به طری تعظرشی تیفرستره چنند سعد کمسیکیان نی مرد بور له شنز نیورا بود. تعرمی معلا مستطابان به فروکه هینابهوه تاران در مکرمستی تیران به هالیکزیشتر گروزابوده شدر. پارتی هم دوستسیکیان له گرودستانی تیران دا هیر نامسیان بز همسریان نرسی، همروها همسر بارزانیدگان در تعرمدگیان بارتی و چنگدارگانیان بالگ گرد له شنر کر بینتود، معراسیسی ناششتی تعرمدگیهان به چی هینا، چند کمسی بم بزنبهود شیخریان خینشدد و مسحدویش له

پاتی بنصاله کمیان سپاسی بعشداره کانی کرد.

یگرمان مثلاً مستفا یمکی بر له گدودترین سبرکرددکانی کرود لم قدرندا. له ناو خلکی کرومستان و که همس سبرکرددکانی که زیالا پشتیوانی لی کراود، له همسریان زیرتر سبرکردایشی جولانبودکنی کردود و د له همسریان زیائر له سیاستنی ناوبودی عهران و، له سیساسمتی کیرودین دولهانی ناویهینی تیسران و تیرکسیا و ، دولمتانی گسورد: پریتانیا، پهکیتی سزلیت، تنمنیکادا دیری هیود.

به زور زمانی جهاواز، رقار و نامهاکه و کتیب له سعر معلا مستطا و پارزانیدگان نرسراو، زوری نام کتیهانه پیلایهن نین، یا دعرویشدگانی پارزانی نرسیریانه پز ستایش و پیا هلفال:، یا دوراهنگانی نوسیسیانه پز شکاندن و سرگایانتی پی گردن، هنا تیستما پیرگرافی معلا مستطا و لیکولیندویهکی پیلایهن، پشت تستور به پطلگانانی کورد خزی و، یه پلگتی نار تاریسهفانی عیبرای، نیران، تورکیا، یدکیتی سؤلیت، بدریتانها و تصمیمکا، له ستر خزی و جولاندرکانی نمزسراوه، پیگرمان تعمد نافعراویهدکی گادرویه له رفتیبری کرودی دا.

تواندی هاوچدخ و هاوکاری مفلا مستخفا پین، کسیبان شتیکی تعرفزیان له سعر نفنوسیدو، هنفیکیان صرورن و هغفیکیشیسان به ریگاوین پعرفر صرون، رونگه زلز مصطفی گرنگ که رونکردندوری بز میاوری کورد پیویست بی، به مردنی تصانه پچیته ژیر گل، گل،

به صردتی معلا مستعقا دوری پنصالی بارزانی له ناو جولاتوری کرودا تعراو نبو. ناکزگی نیوان پدکیشی و پارتی هعرما. بز تیگییشان له پیشیندی میبؤویی نم ناکزکیپیه لیرودا به پیریستی نمزانم ناگادارییهانی خرم، که معندیکیم له کتیب و سعیهاری جزارجزر دورگرتره و ، هعندیکیم له هاوگاردگانی پیستره و ، هغندیکشی خزم ته آزارم، بم بزنبیره یگیرمنود، خززگم تعری ثم پاسدی من تحضییشتوه، باسدگدی معرفزاری مرکزبانی یشی تعفینعموه که کردریمتی به پاشکی چاپی تارانی دشعرهانامه به تعری تیگیشتیکی باشتری له لا درست بیس، هیدرادارم له پاشعریزدا کسسانی که لیکولینموس زانستی له سعر لایفته جیارازدگانی ژبانی معلا مستغلا بنرسن.

شيخ محدعدى بارزانى

نارقی بنمسالمی بارزانی له میسو نیسه کسورتری نار میسوری سیساسی کسوردود. ریچهلدکیشیان یز دور ناچی، هنرچیننده دهندی ترسیری تازمی کیورد، ریچهلدگیان تیمنشره بر سعر میپردکانی تامیدی و، لموانیشموه یز سعر خطیدگذانی عنیهاسی، بدلام جگد از تهدیمایدگی بی بناهمی مدلا مستخل خری، که له سالاتی درایی تصمتی دا کردریدی، هیچ بدلگیدیکی میدوری پشتیدرانی لم چیروکه ناکا، پیکرسان مدلا مستخل نعری

ناوی لم بنصالیه، یز یهگنمین جنار له سنودمی شبیغ صعیدرلسندلام (۱ – ۱۹۱۵) دا کموترته ناو ناوان.

شیخ عیدرلسلام برا گارردی شیخ لمعبد، ملا مستبقا، شیخ محاعد صدیق، شیخ بایز پرد ر. کرری شیخ محاعد برد. شیخ محاعدیش کرری شیخ عیدرلسلام. نمانه شیخی تیرشادی تعریقتی نطشی بون له بارزان. لو سعردصعدا سعدان خانطا ر
تکهه له کردستان دا هیود. شیخانی بارزان تعریقتیان له شیخانی نعوی درگرتر و
خانقای بارزان سبر به خانطای نحوی برود. درای رودارکانی . ۱۸۸ که خانطای نعوی
تیکهبر، شیخ عربهبوللای نعوی و گرودکانی دور خرانده بر حیجاز، خانطاکی بارزان
تیبتر تازادیدگی زروزی هیوه: بطگیدگی ترسرار له سعر شیخانی بارزان و خانطاکهیان،
که بگریشتوه بو سعردهی پیش شیخ عمیدولسملام، ژبانی گورملایدتی، سیساس،
فدرهنگیهان روز بکاتوه، له بدر دس دا آیه. هروسمان صعیری، تدیب و سکرتیری
پارتی دیمرکرانی کرد له سرویا، چیردیکی له سعر مردنی شیخ محمده نرسیوه، تعی
پارتی دیمرکرانی کرد له سرویا، چیردیکی له سعر مردنی شیخ محمده نرسیوه، تعی

عرستان صغیری له ژماری ۱۷ ی دوسین سالی گزفاری دوزناهی، ریکنوتی ۱ ی نابی ۱۹۵۳ که له شام له لایتن ومیر جملادت پندرخان، دره چاپ و یلار کراوشتود، نم چهروکنی بلار کردزندو.

شبخي بارزانيان جون عطفراندا

تمسیر آنه تار گرودگاتی خوارده کاتی باس شیخی بارزان تمکمن، پیبار شیخ تمصمدی پیر تمکمیتمود که به خودانی بارزان ناسراده. تم شیخمی که مطفینراوه، شیخ تمصمدی خودانی بارزان نیم، بطکر شیخ صمعمدی بازکیتی. دعرهن خودانی بارزانیش، به توارخانی ترداء من زانینی خوم تخویم.

تم چیروکس که تصنوی بیگیرمتره، شتیکی خیالی نیمه یطکر شتیکی قعرمار و راست. له پیشنوه من تم چیروکم له دهی شیخی گارس شیخ تعربحسان بیست، پاشان دورودرن پرسیم و دوایی که چرمه پنجریناوانی، قسکانی شیخی گارسی رمصمتی به تعراوی راست دویجر.

شیخ معدادی بارزان یکی بر له شیخه کانی تبریقمت، لو شیخاندی که نازانن شیخایش و مریطایشی چید، به نشیا له نرازیی میللمت کملک و ورتدگی و ، خیان له ای ناری شیخایشی دا به سبر کبروی منزاروره تکسن به گسوره و ریگای درباریکی شاهانه بز خزبان و ریگای منزایشی بز کرودکانیان خزش تدکین. سمورای تعمل شیخ مداکد مروشکی بدرادایی تعبر له زور شیخ چاکتر و باشتر برد ودک شیختانی ترمان ری بی ضعرمانیی خرای تدکرتره، تدکیر گرناحیکیشی همیری، تموه بر بی تعرف همیزیکی معددی همین، خزی به خاون معددیوست پیشان دایر و له قمزای زیبار ها زار کمسی به مرید له دوری خزی کو کرد برود، هدر شم گرناحش بر که بر به هزی طلا اندن.

له سنودتای سنددی بیسستم دا له قسازای زیبدار شیخ صحمهدی بارزان له تار عمشهردتدکانی مزوری، شیروان و بعرفتیهان دا تاریاتگیکی باشی پنیفا کرد بو، خفلکی تعری تبودندیان خبرش تعویست، له پیناوی شبیغ و داخبرازیسدکانی دا، صردنیسان به پنختیبارییدگی گنوره دانشا، سنورای دلهاکی خفلکی، دلهباکی و روخوشی شبخ تم خوشعریستی رزلا به رفلا زماد تکاود، هنس وفلک درای نبرای تبراری، شیخ تامزدگایی دبیس موریدکانی تنکرد و، درواریی روزی قیامت و تاگری دارتنی به بین تعیناندو. شیخ، رؤژی له رؤژان له نار تامرژگاریکانی دا پاسی رایرنی جننایی منعنی نمکا، لعری دا یدکی له موریده به سالاچودکان نار و سیشهتدکانی منعنی و چونیستی و دمی رابرنی له شیخ تمپرسی، شیخ یم جزره وطلامی موریددکنی تعداتموه:

سال میشود، ملی له درای پیشهٔ نمبر چاکترین پیاری خراید، ناری محمهدد، ملی له هی هسر کس درباژد، گزاش رومنتی نرزی لی تماری، هدردک شمشیر ناییری تلفنگیش کاری تی ناکا، کاری مطاباتی زلز تریکه. رمنگه تصرر هاتبیته دنیاد، تعر رؤزی که خرا قلرمانی پی تدا درتکاموی..

موریدیکی تر مطاعمتی و تاپرسی:

- قرریار) بدر شیوریتی که ثبسه له شیخمان پیست، جنجالیش ردک منحدی عاشمستی و کندرکمیشی زفر خیراید، تاترانی به رفزی ریگای سالیک بیری. گناز، جنابی منحدی چزن لم زاله رزگار تمی()

پیگرمان تمر کاندی شیخ باسی جمعیال و کمره خیراکدی بز موریددکانی کرد بر، شیپیردی رزگار بوتی متعدی به بهردا نعمات بر، بدلام وا یدکی له موریدکان تنهرسی و پرسپارهکیش تمیی ودلامی بدربتموه. نغزانین له لای شیخان نیما کاتی شیخ بینی همسر گریگردکان چاریان تی برود و چاومورانی ودلامیکن، شیخ بی وامان تبلی:

- تعقری، تعقری کورم تعقری...

له هیچ کتیبیک دا حیکایتی فرینی معدی نید. یعلام بز تعویی شیخ خزی به نیزان پیشنان تعدا تصدیق وت صوریداکنانیش یاوبریان پی کنرد ، یعلام نازانم خرایش تم درایدی له شیخ قربیول تدکرد یا ند.. تصد له سعرهٔهامی شیخ دا تبیتین. دوای تعوی شیخ نامزژگاریدکاتی تعوار تدکا له مزگلوت دهرتبهی و تعهی یز دیرمغان.

کاتی شیخ له مزگدوتوه تهی یژ دیرمخان، مرویدهکان له ناو خزبان دا له سعر نامزژگاریککانی تمو روژهی شیخ (سیفندتکانی معطدی تعدین، تعبانریست برانن که تم سیفناته له کی دا همید له بمو تعرض نمو سیفنتاندی شیخ باسی کرد هیری همعری له خزی دا همیون، هنندی له مرویدهکان تعلین: همیی در نمی شبیخی تیسمه خزی معددیسه هندیکی تربان تعلین: کدی شیخ راستین له تبعه شاروزتوه تا تعدل لیسان بشاریشدود، تدگیر تمو معدی بواید خزی پی ی تعوین، له سعر تم قسمیه برای گدوده تعلی:

– تعی ناینته پیسرتان گسه شبیخ ولی: ودمس رایرتی زلد نزیکه، لعرانیه تعمیر: هاتپیته دنیاره و تعو روژهی که خوا فنرمانی پی تعدا دنر تهکعوی و، یعلی شبیخ، صعدی خزیفتی، یعلام به فدرمانی خوا دنرتهکعوی.

یرای درم له سمر قسمکنی سوره که شیخ معطنی نیمه. نام گفترگزینیان درود تدکیشی و له هدود لا کسیان نالوانی ثنوی تر بهیتیته سعر قسمی خزی. نعوسا ریش سپیدک له موریدکان به هدود برا ناطی:

 که مطل همی پیریست ناکا بام شهره به اگر یدکتری دا بچن، نایاده بیرتان شیخ رتی: ثلفتگ کار له محدی ناکا. ومن بچین بز دیرمغان بیده یند تلفتگ، تدکیر محدی بی گرفد نابیری. ثم تاقلبی بارزان بیری لعزه نمکرد برود که تمکیر شیخ منطنی تجی، یعند تسری. تُعند به بیری هنرود برایش دا تنعات. قسمی هنمیان له سفر تم تمکیبره تعی به یمک. شمش پینار قصادگاماتیسان هلسگرین ر تمچند دیرمخیان. له پر هنر شمشیبان لرلمی نششگافانیان له شیخ تمکن ر یانجه تمخند سعر یالمییتک.

له دمنگی تقسنگان و راچاکستی دوای نبر، شبیخ تیگیشت که تمسانه به پی بهختی نهکرژن، بویه یهکسبر مطلبستی و را تمکا، مریددگان له پیر دمرگا تیپگرن، سیر تمکین مصر گرللمکان به جلمکانی کنوترن و به لعثی تمکمرترن، دوای ثم تمبرویمه تیتر گرمانیان نامینی که شیخ مطفیه.

یعلام هندیک له میریندگان دیستان نایاتموی باودر بعت بهبیان، یزیه له نیسوان تصان در توانی تر اتبواندی باوجهان به متعدیش شیخ هیدارد؛ تمیی به دستقالی، تعرسا تعر ناقلدی که ریگای تفتیگ به شیختره ناتی پیشانی مریندگان دایر تدکتریته پمینیان در تطر:

- تایا ثم قساندی ثیره پیریست یم دصنقالیه تدکا ۱ ناینته بیرتان شیخ رتی: معدی تعرّانی بفری: ومن یا تالی یکنینده.

تم قسمیه تنجی به میشکی همریان دا ر پیکنوه تنجته لای شیخ و بنم شیرهبه داراکمیانی پی تغلین:

– فرریان: زورمان پاومرمان وایه که شیخ معدیه، یهلام هندی یی تیسان له نار تیمدا هنن پاومر بعده تاهیان. تصانعری شیخ تم گرمانمان له دل دمرکا)

- من چوّن تِعتواتِم تُم گسومسائنيّان لَه ولَّد دريكم و كي پي ي وتون كسه من معديم1

- قریبان دلی ثیمه همو تلی تز معدیت. نبی شیخ نمیرتره دلی چل مرسولان له سعر همر شتیک بین به یدک ثبر شته راسته و درز نید؟ همر گرمانی له دلی هندی له مریددکان دا همی تعوانی تز یم فرینه له دلیان دریکدی.

- كوره ثيره چين تعصيقن، من چون تعتواتم يقرم!

تبوسا تاقلدکتی یارزان، تعر مرویدی که پیششر ریگای تعجرویتی تفننگدکتی پیشانی هاریکانی دایر، تطی:

 گطی مرریهان؛ له بدر تموی دسی رابرتی صحدی هیشت! نعادر، بزیه شیخ خزی تاشکرا تاکا، بعلام تیسه تعرانین تاقی بکمینور. رورن یا دست و قاچی شیخ بگرین ر له سر خانطار، بدری بدیندر خراری! ثعر کانه ناچار ثمی بغری!

هیشتنا ناقله کمی یارزان قسه کمی تنوار نه کرد بر میزیده کان دست ر اننگی شیخ ته گسرن ر بی تمودی گسری پشته داد و هاراری ثمو رمینه له سمر خانعاساره ثمیها ریزن بز خراری.

شیخ محداد که زوانمیکی کماه پر به سملاماتی تاگانه حدوشه. هدرد دست ر قاچیکی ر ملی د پشتری له شمش جهگاره تعکی و شسخ به راستی تمی به معدی ا درای تعرص رقان پشت مل ملی شیخ شکا بر، تیتر پیویست تاکا بلین روژی درایی گیانی به گیانکیش سپارد و و لفضی به گورا تعر کانه تم شیخ تعصیدی که به خوداتی بارزان نظراره تصفی شش سال بر. هرسان صغری

تعرجه و و معنوی لایش باووی بارزانسه کان و شب خه کانسان رون ته کاتموه. هوسمان صعیری ودکر به لینی دا بو له ژماره کانی ترا زانیاریهه کانی خزی له سعر خودانی بارزان بترسی، بطیته کمی به جی تعمیتاوه. هزگمی چی بره، دیار تیه.

تعر چیروگه راست بی بان هولیمسترار ، تربالهکدی له تستری هوسیان صعری داید ،

که به دریژایی ژبانی و همتا مردیش دلسوزی مملا مستعقا بو.

شيخ عنيدولسدلاء

له درای مردنی شیخ محدعه ، شیخ عمیدرلسهلامی کوری له جیگای دانیشت. عديدولسيملام برا گنوردي شيخ تعصيده محددد صديق، شيخ بايز، مستبطا يو. يارزان گرندیکه کنوترته نیبران رمواندز و تاکری و سنوری تورکینا و آله پنینی هدردو روباری زی ی بادینان و روکرچک داید.

شهدخه کانی نعوی توانی بویان همندی له هدههدره تکانی دعوی خویان لعوانه: شیروانی، دولممیری، مزوری، بدروژی، نزاری و، بعشیکی گدردی و هدرکی بندجی، بهیننه سسار باودری خیزیان. تعوانعی جویونه سسار ری و رموشیتی شبیسخی بارزان، خیریان به دمیللمت، یک دانمنا که دلسوزی ر گویرایطی بر شیخی بارزان پیکمودی تعبسان، لعنار خربان دا هاوکاری پهکتريهان تهکرد. بعدمنگ پهکفوه تمچين و ژن و ژنخوازيهان تعنيا لعنار خربان دا تهکرد. به شبخی وبارزان، پشیان تعرت وخودان، که بعرزترین دسملاتی دینی و دنیایی تعوان بور. وخودان، واقعی خاوهن و، جوریکه له وصاحب الزمان، ی شیعه.

شيخ عميدولسملام يهاويكي هلكموتو بود. له سمردسي تعودا بارزان تعصيمتي پەيداكرد، نقرزى زيادى كرد، وخردان، يو نەھىشتنى زولى كرمەلايەتى لەنار مېللەتەكدى خوی دا هندیک ریفورمی تابرری، کومهلایهتی کرد، مولکیهنی زورواری هلوشاندوه کردیه خارشینی گشتی هسوان، ژن و ژنخوازی تاسان کردو مارمیی هطگرت، هنولی دا عشیره ته کانی ژیر دستی خربان چه کدار کنن، بارزان بوبوه پمناگای زورلیکراوان.

شيخ عميدولسدلام ليواني لدگامل مەسيىجيدكان خوش يو ، خورمانى ئەگرتن و ، له گل مهسیونیره کانی تینگلیزیش برایان: وویگرام، دوستایتی خوش بو. له کتبیه کمیان دا: وكوردستان: بيشكمى شارستانيتى، ياسى نم دوستايمتيه تمكمن.

شيخ عبيدولسهلام يعيونني لدكف ريكخراوه سياسيه كررديدكاتي تستعمول هيره، که درای تینلیلای عرستانی (۱۹.۸) دامتزرایون، به تاییتی له گل شیخ عبدولقادری شعمزینی، که تاشنایه تهه کی دیریندی بندهالدیهان همود. بلاو کراوه کانی نَم ریکخراوانه ئەگەيشتە خانىقاكىيان لە بارزان.

یدکی له عموله نیشتمانیهه کاتی شیخ عمیدولسملام تعله گرافیکه که بو کاربعدستانی عوسمانی تاردوه دمهاری هندی مانی روشنهیری و پارپومیرایش و دینیی کورد، پی تنهی تصنی به هاندان و بز پشتیبراتی له شیخ معبدرلقادری شعنزینی بربی، که تعرسا پیشنوای بزرتنوس نهنوهی کورد بره له ناستامرل.

دالدهدانی زورلیکراوان له پارزان و رهستساری خسودان لهگسه مسیلله ته کسعی و ، ریفررمه کانی که بربون به هری به ارس سروکی عشیرت و شیخه کانی دورویشتی و، گازاندی بدردوامی تواند لوطناری خردانی بارزان له لای کاربددستانی تورک، هرویط ناردنی نم تطاگرافه و کمپیرتبروی دسمانی عرسانی ناردنی نم تطاگرافه و کمپیرتبروی دسمانی عرسانی له درسل توره نمکاری دسمانی در شدندو و ثیر فی مسلمانی به این تعلق بیکنان دازویدکه بهینیندو و ثیر دسمانی دسمانی حکومت، فیریکی دسمانی حکومت، فیریکی دسمانی عرسانی به باززان نمک تورمی موسسانی نمکنانی دراوسیی باززان نمک باززان میکنانی موسسانی نمکنانی دراوسیی باززان میکنانی موسسانی نمکنانی دراوسیی باززان نمک باززان نمک باززان نمکنانی به باززان میکنانی در داخیر کردنی ناریمک، باززان نمکانی بردانگاری دسیخ عیدولسفلام خری تمکنانی تعلق ناردادی موسسانی باززان داکسرتبینی و دهبر در همر تعلق در دایکی کمس تایین در دهبر در همر کمس بازدان داکسرتبینی در دهبر کمس بازدان داکستها در دایکی کمس بازدان کمکنان دا مملا مستعفا در دایکی کمس بازدان کمکنان دا مملا مستعفا در دایکی کمس بازدان کمکنان دا مملا مستعفا در دایکنان کمکنان دا مملا مستعفا در دایکنان کمکنان دا مملا مستعفا در دایکنان کمکنان کمکنان

شیخ میدولسیلام به نهبینی گیراینوه بارزان چهکداردگیاتی لنههای شیسرین کوکردوره کنونه پلاساردانی هوزدگانی عورستانی، ناچاری کردن له ناویهاکه پکشیندو. والی نری بی مرسل به نمرمی لهگلی جوالیدو، کنونه گفترگر لهگلی، دیلدکانی بدردان، هندی ترمزی بر واردن، ژبانی ناسایی گوایهو، بر ناویهاک.

له ۱۹۱۳ دا والی موسل سولیمان نطیقه، که روشنیمریکی کوردی وثیتیماد یا یه برخیزیگری گوردی وثیتیماد یا یه برخیزیگری گوردی وثیتیماد یا یه برخیزیگری گوردی نازده سعر باززان بر گرتنی شبخ عبدولسملام، سعرخیله کانی کورد، به تاییش فارس نظری شری م داورای لشخری ترویکان کرد. شیخ تعمیارمش خری نعاد به دمستمره و سعرفتری خری شارده وه، به به بر بر روازان بر لای سعید فعلای شمنریلی و در سعرفتی جنشینی قمیمری روسیا، بر تعربی دادای پشتیرانی لی یکنن، کاربدهستانی تورک خلالیکیان قمیمری روسیا، بر تعربی دادای پشتیرانی لی یکنن، کاربدهستانی تورک خلالیکیان گرازادی شرکاکود لاکلی ۳ گرازادیکی ناویهی سرضا برادوست له لایان کارایان کی شرکاکود اکمال ۳ گرازادیکی ناویهی سرضا برادوست له لایان کارایان کی سرکاکود اکمال ۳ گرازادیکی ناویهی شعیر ای تعمیلری تعمیلیمی کاربدهستانی عربستانی کردن، لدوره به گیرازی برانه زینتانی مرسان، پاش محاکمتهای کاربدهش له ۱۹ دا به کارداد دار دران،

. شيخ تىجىند

لهاش هلواسینی شیخ عبدولسفلام، شیخ تعصدی برای جهگای گردیوه.

شیخ لمسه دومین گوری محتفد را براگاوردی محمد صدیق و شیخ بایز ر ملا مستغل پر

مع مستعل پر.

شبیخ تحسست سبالی ۱۹۹۶ له یارزان له دایک پرد، سبالی ۱۹۹۶ کینه عنبدرلسکلامی برای له موسل عطواسرا ، شیخ تعصید له جیگدی تتو یو یه و غیردانی میللتی یارزاده ،

شیخ تعصمت خریندواری نبور، بعلام له بدربوبردی کارزباری پارزانهـکان دا شارفزا بور، جیگس بروای همویان بور، گربرایطی بی چنن و چونیان ندکرد، تعناتت معلا مستخفار براکانهشی که تبهین بر زیارشی نبور لیبودمی دا به وجزک» دا بین. بعلام



رؤشنهبرین گشتی نمود شارنزای کاروباری سهاسی کوردستان و عهدای و دنها نمود. معروها شارنزای کناروباری جمنگی نمود با پایشهبشی پی نمتندا. معرلی تعدا ضری و ممشهردندکمن له کاروباری سهاسهدو تمکلین، به گوشهگیری دور له کارپکردنی دعرود پخت بون.

اسدردهی عرستانی دا به هری عطراسینی براکس و لشکرکیشی عرستانیدگانده بر ستر ناویهکنیان، عطریستی له عکرمت سطیی برد، بردای پی نشکردن و دوای عالتی ٹینگلیش ۱۹۱۸ دیسان عطریستی له پدرستختنی دستانی حکرمت سطیی بر، به کافاداری تم هندی له پارزانیدگان بشناری دانانی تحر برسمه برن که له ۱۶ م تشریخ درسی ۱۹۱۹ له وییره کنیده به ر حاکمی سیاسی مرسل کولوئیل پیل و حاکمی سیاسی ناکری کاپان سکرت دائرار عمرورکیان کوروان، لعدس بسمراگرتنی شاری تاکری پش دا پششار ترییست له تاریمکائی تعران دا نیشتنجی بان یکن. درای تعرد ئیسر له پارزان گرشگیری عطوارد، خری له کاروباری سیاسی و حکرمتی عطاشتقررتاند.

شیخ تصده هدولی دا تعربته کاتی شیخه کاتی باززان دایان مینا بر بچمهپینی،
هارکاری یک شیخ داسترانفتی پهیوطنی استین دادپریزی و روکههای کردیدگی در داشید کی در اگلید کی در اگلید کردید ک

شبیخ تعصیمه تورو و صمیمی آنه سمر پارزاتیسهگان هطگرت. ثعصیش له لایمن درارسیکاتیمود یه له دین دعرچرن دانمترا .

نارجنی ژبانی بارزانهدگان مطبختیکی شاخداریه، تعربی کشد ترکالی کعمه. بدربومی زدین نیسه. سازچنین و کرنزگردندوی تزری کنگر و، تاژطداری، به بایسختی راگزنتی بزن، یدکیک بو له سمیهاردگانی ژبانهان، لعبد تعود له سعر مصطفی لعردگا و پاران همیشه لکلگ هشیردهدگانی درارسی یاندا: برادوست، زیباری، سورچی، هعرکی، ریکانی کیشمیان بود.

شررشی بارزان ۱۹۳۱ – ۱۹۳۲

له هارش ۱۹۳۱ دا برادرستیه کان هیرشیکیان کرده سعر گرندگانی: کرکال، کولهک، پایکی، له تاریخی شیرواتیه کان، هندی خاتریان سرتاندن، تازط و گار گرتالیان په تالان بردن. هیزیکی پارزانیه کان بهسیرکایتنی معلا مستسفا چرن به دریان دا. له دشتی هیرتی پفتاریان دان تاکیکانیان لی گرانده.

 گرد، شیخ قصمه بهرتکه له گزنده له حکرمت پدگرمان بر. معرومها گرمانی تمکرد که قالهنگام بنائی دوارمتکالیان دا طبخگیش، خری تنجر، بناگر یه کی له براکانی له جیگس خیری نارد. له بنهایی ۹ ی کنانرنی یهکنمی ۱۹۷۱ دا هینتیکی جدیشی هیدراتی کنه پارهگاکتی له و بله به بر به سنرگردایشی هلید برقی المسکری دعری گزندی بارزانی گرت و دارای له شیخ تصف کرد خری بدهستده بنا، شیخ تصف تانده نمیر خری بدهستده بایا بارزائیکان مشاتکرتایه سر میزدگانی میران و شکاندیان.

جموجرانی سپایی به حری زستانبوه راوستا. له ۱۲ ی کانرنی درسی ۱۹۳۲ دا تعلیرمشی ونویران به بعمانس یاش برتی شیخ تصمید و پهلاماردانی تعر معشیرونانس سعریان پز دستالای حکومت دانشواندوه و، به بعنانس نعانی باجعود، بر داسترانشی و آداره منتبه منظمه ی که متیمتی معظمی پولیس و دوزگای مدیری تاحیه بر بریاری دا جمیش بتیریته سدر بارزان، جیمهمی کردنیشی سپارد به وفزاردتمکانی دیفاع و کاروباری بایش بتیریته سدر بارزان، جیمهمی کردنیشی سپارد به وفزاردتمکانی دیفاع و کاروباری

له . ۱ ی مارتی ۱۹۳۷ دا وهزاره تی داخلییه تینزاری شیخ تعجمدی کرد که له صاوی ٤ روژدا يو داريريني گريرايطي و دلسوزي يو حكومت له يعردسي قائيسقامي زيباردا ناماده يي، هدروها حاكمي سياسي تينگليزيش همان داراي-لي كرد. بعلام شيخ تهجمه تاماده تعبر بچی چرنکه تعترسا بیگرن، بطکر خری بر بعرگری تاماده کرد. له ٦٥٪ ی مارتی ۱۹۳۲ هیزی زهینی عیراق به یارمهتی فروکهکانی بعربتانیا هطیان کوتایه سعر بارزان، ثارایهه کان زمروی زوریان لی کموت، بعلام نعیانترانی شیخ تعصید بگرن، وه نهانتیرانی بهتمراری دمیت بصیدر ناوجه کندا بگرن. در فروکهی پدرتانی کهوتنه خواری، یه کیکیان فروکتوانه کاتی تی دا مرد و، تنوی کمیان دو فروکتوانی په پمرمشوت لی داینزی ر گیران. کایان هولت یو پنردانی فروکتوانه کان چو یو دیدهنی شیخ تعصید، لتیتوامیتو تازادکسردنی ۲۰ بارزانی گسیسراودا بدودران. دوای تعو شسیخ نوره بنی بریفکانی به نريندراياتي حكرماتي عيراق چر يز گفتركز له گال شيخ تاحماد. شيخ تاحماد هيچ خراستی سیاسی یا تعتویی له حکومت نبور، بطکر تعیریست: وعفوه بکری و وازیان لى بهيئن له شريني خويان پژين، حكوميت دست وورنداته كاروياري نارچهكيهانيوه، له ناکوکی تعوان و عمشیره تدکانی تردا بهلای دوژهنه کانی دا دانمشکینی. بهلام حکومت هیچ پهکی له خراسته کاتی قربول نهکرد و ، دارای خزبه دست و دانی یی معرج و ، ریگه نه کرتن له دامعزراندنی دونگاکانی پولیس و تیدارمیان لی کرد.

درای چمند پیکادآنیک جمیش له ۸۱ی مایسی ۱۹۳۷ دا به بی شدر بارزانی گرت و پیشرهری کرد بز چمند شرینهگی تر. شیخ تعصده برباری دا خاکی عبراق بنجی بهبلی و بچبته تورکبا، نامنهکی مافتارایی بز قاتهالماس زیبار نرسی، لفتل . . ٤ خیزان رلای ۲۷ می حرزبرانی ۱۹۳۲ پسرمنده گرندی گرانه لفار تورکها که سعیازگیمدی تورکی لی بر، لدی حرکمانیان از کارمدهستانی تورک شیخ تعصدهان برده تعقیره چین میگه دا مالیکیان گریزانوه تعرزرم، پاش ماویهک معلا مستعفار بارزانهکانی کعیان ریگه دا مالیکیان نارچین شعریان.

لشکرگیشی جنیشی عیراق دژی شورشی بارزان ۳ مانگ و ۵ روژی خایاند. ۹ فعرجی پیاده و ۲ بعطعریمی چهایی و کمتیهیمک سواره بعثمار برن که هصوی تمیکرده: ۲.۵ نظستر و ۲۵۳۷ ستریاز. به همری ۶۵ کمپیان لی کرژرا (لعرائه ۳ تطبیع) و ۷۸ کمپیان بریندار بر. له شورشگیرانی بارزانیش ۱۹ کمس کرژراوه.

لیبرردنی گشتی و دور خراندوی شیخهکانیان

تورکیما و میمیراق و پدریشانها کموننه گفتسوگو بو دیاریکردنی چارمترسی بارزانهیمکان، سعرهاما عیبراق له ۱۲ ی نیمسانی ۱۹۲۳ دا ولیمیرودنی گششی» بز دوکردن، مثلا مستملا و شیخ محدعد صدیق و ترلیدگ له گلا . . ۲ کسی که له ۲۹ ی صوردران ۱۹۳۳ دا له شهیروانی معزن خزیان به دمستمود دا. دوای تعوانیش شیخ تعمد گذابده.

هیدان قبیخ تحصددی له صوسل ده بیستر دانا و پاش صاربیدک ریگیان دا یگویتندو باززار. تاقیبک له باززانیدگان بسترکردایشی خلیل خرشوی به بهخداری له نازچیکان بسترکردایشی خلیل خرشوی به بهخداری له سرکردایش نانچیک به بیشتر بین، حیبران ثبترسا سعرلینی راپدرنیکی چهکدار بقدومی. شیخ تحصد و ریراکانیان بانگ کردنه مرسل لعری دسیستر کل دراندو، بر دایشترکرنی ژبانیان حکومیت مربهبدگی کعمی بر بریندو، له کرتایی ۱۹۳۳ دا گریزراندو، بر بهفداد و له دیره برانه ناحریید. که جینگی جیهانی درم مطالبرسا، بدرشانیا تعییست کوره نازام بمکانوه و له کلیلر نام به بریشانی درم مطالبرسا، بدرشانیا تعییست کوره نازام بمکانوه و لهگلی ندرم بی، شیخ تحصد و برانه نالی له سازی خرودی بر (۱۹۳۹)، نعرسا درخرادگان به ژن و پیار و، گهروه و سالبانی، که شاریکی کرودی بر (۱۹۳۹)، نعرسا درخرادگان به ژن و پیار و، گهروه و

بارزانییه کان له سلیمانی

ملا مستغا به مثال تعقرا بره بعر خریندن. هنرگیز خریندنی مثلایدتی تحقیند بر و، لای هیچ کمی و له هیچ مرکونهگیش دا وتیجازه ی صدلایتی دورتدگرت بو. مثلایتیکمی له تازناریک زیاتر تعیر. تعر ماریهی له سلیسانی بر هفتی ددرس لای مثلا مهیدللان چروستان و هفتی دوسیشی لای مثلا مستغلی صغلومت خریند.

معلاً مستمناً تاترمید بر لعرص ریگای بدن یکامریتموه سعر جیگاردیگای خری له پارزان، خیزیان تعصیر کرد بر به دافترلهمی شابات و هندی له خنرستک انبیشی به وحسمسی شعره، تعر صرچمین بریان بری برنعوه بشی ژبانی نشکردن، بیری لعرب گردوه به می موافقتش حکرمت به نهینی یکوریتموه بارزان و، زیر بز حکرمت بهیشی ریگای شیخ تعصد و بارزانیدگان بنا یکاریتموه نارچدگانی خییان، شیخ لتیفی حفید له معدا بارمنتی دا. چند کلسیکی بز هاردنگی و شارزایی له گله نارد، امراته محمی ساله سرد، صحیدی قالدی حصامیی، تا یه لای پینجرین دا، به نهینی بیگنینته بانه له دیری شرد،

مملا مستخل رؤی ۱۷ ی تخوزی ۱۹۵۳ سلیساتی پنجی هیشت پنردر یائه ر مسخایاد و به لای تغلیدها بز تاریخی شنز و، له ریزه چردره تاریخی پرادزست له دیری عیران و رؤی ۲۸ ی تفور گایشتوه بارزان.

معلا مستعقا له ریگای گهراندری دا یو بارزان، چعند کعسیکی لعر بارزانیاندی له

گرندگانی نزیک نعفیده و شنز دانیشت برن. له گیا، خزی برد برمو، ر، له برادزستیش تاقمی بارزانی له حکرمت قاچاخ برن نموانیشی دوزیبدو. نصانه همر یهکیان گرنمو.

ملا مستعفا ، به هوی تأمیر معظماری شینتده خزی هدرالی یز حکرمت نارد کنوا: کمیشتزنده تاریحکد و ، له پیر خزایی عظیمتری زیانیان و ، رطناری کاربدستان هملازه ، نیازی شدر و خزایدی نبه و ، نامادیه به گذشرگز همر گیروگرفتدکان چارمسد یکا، حکرمت خراصت کانی مطلا مستقطای پشت گذی خست و ، شیخ تعصمه و بازانیکانی له ملهانیده دور خستده بز حلک.

نه در برای سانگی تاب و تمپلرل به نارچدکندا گنرا، دا تصات خیردکنی زیادی
تمکرد. به در برای سانگی تاب و تمپلرل به نارچدکندا گنرا، دا تصات خیردی زیادی
تمکرد. به کم مستقط که زانی مخترصت گری بی ناداتی کموته گرشاریدو. له مانگی
تشرینی بهکم دا کموته به کاماردانی مختمردگانی نارچدک. هندی له بازانیدکان بر بیر به
پرلیس، لم مختفراندا پلار بیرزند، تصنیش کاردکس معلا مستقطای ناسان تمکرد.
مختفراد کانی بران، بینیال، شهروان، ریزان، شیشه، بینادون، کانی رهن، گران،
پرازیانه کان پر چهک برن و هیزدگیان گمرد برد. پیلام مختفردگانی، میرگ سرد، بازانید
پرازانی کان پر چهک برن و هیزدگیان گمرد برد. پلام مختفردگانی، میرگ سرد، بازان،
سرد. ثم لیرایه ریزانی ۲ و ۸ و ۱ کی تشرینی دوسی ۲۳ به پشتیرانی فردکه، چهند
پیرشیکی کرد، پلام له همیریان دا شکا، رامتیمکنی چفته تنفسی یکی کردپدیود لم
پرازیدا بین، لعرانه زیری ملا مارف، تعروصان قازی، ترین ملا حدکیم، ترین تصدید

پیوهندی و گفترگر له نیران معلا مستخفا و کاریدهستانی عبراقی و بعریتانی دا دهستی پی کرد. داراکاتی معلا مستفری گیروگرفت و خراستکانی عمشیردتکمی دربنتیور. دارای تمکرد: ریگای شیخ تمصد و بارزانیدکان بدری یگمربندو شریندکانی خریان و، لعر سدودمندا که خرواک به هری جانگی جهیهاتیسو، به و کارتی تعمرین به دایش تمکرا، بخشی تصافیش تازوقعیان یز دایین یکری. فعرمانیمرانی تعمرین لعر کانددا پاریان به قرتی معزاران تمکرد.

حیزیی هیوا و شورشی بارزان

حیرای خیراً ، گغورهارین ریکخراوی سیناسی ثعرسای کبود ، ویستی گفشه به جسرلانمو،کسه بنا له پزوتنمویدکی خیلدکی دایراوره بیگرری بیز پزوتنمویدکی سیساسی نفتویی، پهیرمندی له گلا صلا مسینطا دامغزراند، بز پشتیمزانی له شزرش ر تارانبار کردنی حکومت له بعفداد بهیانی دمرتدکرد و ، پیرخدوری به سفاردی دمرلته گموردکان

جولاتنوری کورد له و زمانده! بن پیشتو! بو. بزشایی سفرکرداینتی تی دا درست بربو. شیخ محصوبه له کوردستان دور خزابردو در دمستی له کاری سیاسی هفلگت بو. رطیق حیلس که بر بو به سفرلای حیزین هیوا، له ناز حیزیدکنای دا جیگای پی لیل بربور: حیزیادکنیشی خدیگه بو مطلعرضا، کمسیکی وا هفلندکنوت بر تم پزشاییم پر یکاتمو. لتو کاتموا کروه پیویستی به یدکی بو، بان ودکر تدو زصاته وتریانه به دزمهیم» همیر، ریمنری بکا. حیزین هیوا و تنظیمو و روشنهیرهکانی کرود تم دزمهاست، بیان به شیاوی مفلا مستخفا تنزانی و، همو تمر زمانه به دزمهیم مفلا مستخفا و ناویان تعیره.

لو کانده هیشتا دومین چننگی جبهانی به لادا ندکترت بو. پشیری و تاتارامی به قادا ندکترت بو. پشیری و تاتارامی به قازاغی بدیتانیا دارای له مفلا مستخا کرد، دمی له شورش هلیگری، هنوشتهی لی کنرد، کنه دروهان به شنورش داری عبیراق، واند دورمناینتی بدریتانیا و دروشاین بدریتانیا و دروشان مارینیسان و، دارای له حکومتی عبرافیش کرد کیشته که به خبرش چارمستر

.

نروی سعید، له ۴0ی کاترنی یدکسی ۵۳ دا دراردتیکی تری ی پیک هینا. ۳ گرده له دواردتدکش دا بود درانیان: تعصد موختار بایان و عرصر تنظیی، پیرمتدیبان به جولاندوی کورددو: نبور، پدلام می پینیان، سیامی ناسراری کورد: ماجید مستغل پر، که ماردیدگی درو هارکاری شیخ محمده بر له شروشدکانی دا و، دواییتر پاش کرتایی شورشدکانی شیخ محصده چر بود نار دوگای بدیرجهزاینتی عبدالعود، کرایه ونزیری دورات. چارمسرگردنی کیشدی گردره یام میپردرا.

ماجید سعرداتی شیخ تحصددی کرد له حیلاد. دارای لی کرد یکی له کوردکانی پنبری یز لای ملا حستفا یز راگزینی شعر و دانانی ریوشرینی گفتیرگر. شیخ تعصید، محمدد خالیدی نارد و، درای موافقاتی ملا حستفا، رایلی ۲۹ی کانونی یکمس ۲۲ گهرابود، به درای تصدا ماچید صستفا رایل لای گانری درس £2 چر یز سعرداتی ملا مستفا له میرگ سور. ماچید درای یک رایل گلی اداری بهفداد.

ماجید مستنفا له دیدش بارزانی دا هانی دایر، که له باتی خراستی نارچنی دارای مانی نمتوربی یکا د. تطبیعردکانی پنیرمندی بش همیان ناموزگاری و دارایان له با کستنفا تکرد د. پطینهان تدایه هارگاری یکنن و. له جمرجرلی جنیش و حکومت ناگذاریان تکرد.

دوای ثمنه ثبتتر، ناوبورکی شبورشی بارزان خدریک بر تاگیردا. تهگیر تا تعوسا شبورشبیکی خیلهٔ کی بر ، دژی زیلی کنوسهٔ لاینتی و ، له پیناوی چنسیساندنی دادی کرملایهتی دا ، بر به شورشیکی کوردی خاربن دارای سیاسی.

.

له سعر داوای ماجید و وزاردتدکس نروی سمعید له دانیشتنی رؤی ۳ ی کانرنی در می کانرنی در این در می کانرنی در این در می کانرنی در تاریخ کان در می کانرنی در می کانرنی در می کانرنی در می کاند می کان در پر پشدو. می کان در کان کانروکس کانروک

تعمرین د. رطفاری کاربعدمتان د. تعمیان فعرمانبدرانی حکومت وطفاری خراپ یکنن. ثم تطمعرانه بمسترا بون به ونزیری دهولت، ماچید مستعقاره.

ر<u>ازی</u> ۱۳ ی شوپانی ۵۶ شیخ تعصید و خیزاندکدی و دستوپهوخندگانی گلراندوه بز بارزان.

روژی ۲۷ ی شریاتی ۵۵ مملا مستخل گایشته یعفداد. لم سخدردا وحی، ترزی سعفید، سخیری بعرفتاتی، ونزری پدیرخدیدار، ستراتی خیرای هیرا و، گعلی کصایعتی کرود و عدویی، پیتی، سعرداندگای معلتیدگی طایاند و گذرایدو بازازد. کسایعتی کرود و عدویی، پیتی، سعرداندگای حدد استاری سایاند و گذرایدو بازازد.

یگرمان تعده سترکعوتیکی سیاسی گفوده بر له ژبانی مفلا مستطادا گزینیکی گفوری به دی هیتا، له گیارایدگی خیادگی تاراره و دس به سعری سرحشاجی سریعی حکومت بر به پهشعوایدکی تعتویی، جینگدی تزمیدی کورد در، جینگدی باینخ پی دانی حکومت این دوروزان و بعربتانیا

نوری سمید گشتیکی بز کوردستان کرد. له کمرکوک له گنا، سمراتی خیلهکاتی کررد کز برمزه، یعلینی سفاندنی ماقه نهتمرایمتیکاتی کرردی پی دان.

روزارمتی سنهارمت په صاف کانی کرود ، له نار خوی دا ناکرک یو . له دورووی ورزارهتیش له نار هندی له کرود فعلومپنوست کانی عمومی دا ناروزایی همیر . له ۳ ی حسوزیبرانی ۵ دا تروی سمعیسد دهستی له ورزارمت مطگرت و ، حسمسلی پاچمچی ورزارمتیکی تری ی پیک هینا .

ثم روزاردتمیش در کنوردی تی دا برد تحصیند صوختبار و توقیق وههی، بهلام ماجیدی لی دور خرایدو. کاری تخسیراتی پنیرمندیش تعرار بر، داوایان لی کرا بگنمیندو، شریندکاتی خزیان له ناو جنیش دا.

همسر لایان وایر کنه حکومندش تازه بطیندگانی حکومندش پینشسر سنجارهت به مالدکانی کورد جیهجی ناکا.

تطسیدرکان چالاگی سیاسی زلدیان دس پی کرد. هندیکیان له بارزان مانده یز هارکاری مغلا مستفا و، مستفا خزشنار د میرحاج چون بز کرومستانی تیران و، عیزت عمارز چر نز سریها بز پیرمندی له گفا حیزیی خریسون، بز به دسهینانی پشتیرانی بز چرلانبودکنیان.

میلا مستبقا له تپیری دومی سالل ۱۹۶۶ دا، له گیله هندی له تنفسسردکانی هارکباری، گشتی سیباسی دهی چی کرد بز سیدوانی هضو سیزاتی تپل و پیباره دمی رئیشتمردکانی زیباری، سیریچی، هبرگی، خرشنار، شنطالاره، دهشتی هبولیس. هبر لم گشتندا سیزداتی سفید قبلاز، موتصنویلی هبولیری کرد.

حکرمتنی میراق له گشتهکنی مثلاً سنتها و، چالاکی تنفستردکان کتوته گرمان و یتزاره، هیزدکاتی چنیش و شروطیق ساز تندا.

... له ۷۷ی تشیرینی په کیمی ۱۹۵۶ دا میلا مستبطیا یادداشتیکی دا به وطیری

کاروپاری ناوخز. کورتدکدی تعمد بو:

۱. پەكخىستنى ئاوچە كوردنشىتەكانى كەركىرگ، سلىسانى، ھەرلىر، دھوگ، خاتقىن.

۷. دانانی وطیریکی کورد که ومزارمت دا که پعریدسی کوردستان می.

۲. له هدر ومزاره تیک دا جیگریکی ومزیر له کورد دابتری.

 کاروباری روشنهبری، تاییزی، گشترکال، جگه له کارباری جدیش ر شررطه، له دسملاتی تم رحه اداریه بی.

یز یهکسین جار خواستهکانی مفلا مستفا له دارای تاییدتی ر خیلدکیمره گررا بر پز خواستی سیاسی و، له یاتی کوره تعوا. کاربعدمستانی حکرمت ثم گزرینهان به فیش تطسعره کرردهکان دائنا.

عیران کنونه راونان و گرتن و دورخستندوی ننفستورکانی گومانی لی تهکردن. پهلام نبوان له چالای ندکنونن و، عینزت عبزیز، مستبطا خزشناو، میبرحاج تعصده، معداده محمود، جلال تعین پهگ.. دایانه پال ملا مستبطا.

له ۱۵ ی کاترنی دوسی 20 دا شخصترهکان ریکخراریکی تازمان به سنورکایتی مدلا مستخل به ناری وهمیشش تازادی، بود دامنزراند. پعرنامدکمیان به کورتی بریتی بو له:

١. پەكخستنى ھەشپرەتەكان.

۲. رزگار کردنی کوردستان به ریگای سیاسی.

۳. دامنزراندتی پدیرمندی له گنل حیزیه سیاسیدکاتی کورد.

دانی خواسته کانی کورد به نویندوانی سیاسی دموله تانی بهگانه.
 کاری راگیباندن و بلاو کراوه.

خیات دژی سیاستی ٹیسٹیعماری عیراق.

۷. ریکخستنی میزی چدکدار.

تمه هیشنده، ودکو له نامهکانی دا بز سدرکرداینتی هیزی هیرا و لقمکانی دا در تمکنایی میرا هیره تا تفسیرانیش در تدکیری هیرا هیره، تم تفسیرانیش در تدکیره کی از این میران تبدنامی هیرا بود، بزچی ریکخراریکی تازبان دامنززاندر، دردگه یمکی لم دو همیری: بان له ترانا و ریستی هیزی هیرا ناترمید بون سمبارهت به پششاری و سرگردایشن شریشنای از تم هیشنایی دامنززاندره باسکی جنگی شریشکه و ، حزیل

ھیرا یاسکی سیاسی جولائٹو،کہ ہی. --

له نامیدک دا که له ۳. ی کاترتی دوسی ۴۵ په تیمزای سدوکی حیرای خیرا پز ملا مستفا نرسراوه، تلقی: و هفتر پزرتندویدگی نفتونیی ندگار به ریگرییگی به پی ی پدرنامدیدکی رود ریک نمشری، پیگرسان تمانهاستکسی سمرگندواتی و مسالهرازی و مستردنگدوتن تمی، هدودکر تیمویش تغزان پزرتندوی نمتونیی تمی سمرگردیدگ و دو دستی پدهیزی همین: دستیکی سیاسی و دستیکی یمکدار، نم تالرگزرانه حیزی عبرایان شلقاند و، ترشی تنگریطمعیدکی تارخزی قرلیان کرد. تاژاردی تی کعوت و یدکیتی برزدگانی تیکجود له سعر دو مسطعی سعره کی له ناو خزیان دا تاکوزکه بیرن: یمکسمیدان، پشتیبوانی له شورش بارزان یکری یا دمستی لی هلیگیری، دوای تعوی دمرکحوت تینگلیز درزمنایعتی تمکات؛ دومییان، کورد له خیاتی نزگاریخوازی دا بشت به تینگلیز بان به یمکنی سؤلیت بهستی.

تعرسا و تیستایش، ین تعرض هیچ بطگایدک به دستنده ین، زلر کس ماجید مستملا تاوانبار تدکن به نزکتوایدتی تینگلیز و، به پیلانگیران بز تینکداتی حیزی هیرا.

تدگارچی هنیشتن تازادی که گفا حیزیی هیرا پیرمندی به هیزی همیر و، دارای لی کرد نامه و بهرخمروه بنا به سخاردتی دهرفته گموردکان، بنالام خزیشی کموته چالاگی: پیرخمروس بز حکومتنی عیران نرسی، دارای لی کرد کرینوس هیزدگانی پلازه یی بکا و، مالمکاتی کرود بسطینی، نامدی بز سخاردتدکان نرسی، بنیانی تاراستمی گفلی عیران کرد دنباری روایی خیاتی کورد: تیشرکاری به ستر تنظامکانی دا دایش کرد.

یه دروزایی ۳ مانگ له مارتده تا حرزدیران چندین یمکترینین له نیوان صفلا میستیفا و تنفسخاری بدریتانی و کاربدهستانی عیبراقی دا و د له نیوان هندی له تنفسخودکان و ، نیرندرانی پدریتانی و میبراقی دا بر د لم دیدخیهانده دارایان له صفلا مستیفا تنکرد: ینگه له موناورد و لشکرکیشهدکانی جدیش ندگری، تنفستره کرددکان پنهریتده سعر کاردکانی خزیان له ناو جدیش دا.

نیشتمانهدوهرانی کرود هیرایهکی زوریان له سدر مهلا مستنفا و جولاندوکهی هلچنی بو.

ودکتر له نامندی روژی ۳ ی صارتی ۱۹۵۰ دا که به تیستزای سمزای همیشتری نازادی بز حیزیی هیوا نوسراوه، همیششی تازادی بمزنامدی بز شورش تاماده تدکرد، کورتدی خاله سعودکیدکاتر:

- مانگی مارت به مانگی شورش داینین.
- حیزیمی هیوا دمسملاتی هنیی نامه و پهیان و یادداشت به ناوی وزمعهم، موه بلاو مکانمه.
 - پەيرەندى لە گەل نوپندرانى دەرلەتانى بېگانە بكەن.
- درای دس پی کردنی جرلانتودکه، په ناری همیتمتی نازادینوه پنیانیک پژ گنلی
 میراق دوریکن نامافیدکانی رون پکاتموه.
 - تعوانس تعیاتموی بحثمار بن له تعلسمر و روشنهیر بینیرن بز لایان.
- له گستگ دمس پی کسردنی شستروش دا تیم کسارانه یمکری: مانگرفتی قرنایینان له شیارهکان: خبزیهشناندان و بهیان دمرکردن له همسر شیارهکانی کمردسستان دا. تیکهانی ریگاریان و برینی تعلی تطارکاس و تنظم له تارمندگانی حکومت. هارکاری نمکردن له گفار حکومت و. له تاربو دنر تعراض هارکاری شکان:

حیزین هبرا به ناوی خزی و زدهیم و یهکیتی لاواندو، بنیاتی یز گفلی هبران و . تطبیعرانی جدیش دمرکرد و ، یادداشتی یز سخاردندگانی تعمیریکا ، فدرنسیا ، یهکیتی سزلیت و چین نارد .

پارزانیدگان به چدکداری هاترچنی داوردنزگاکاتی حکومتیان تدکرد. رؤی ۸ ی تایی ۱۵ له نار معفقیری میرگه سوردا له مشترمریک دا له سعر تازوقمی تعمین والی بهگ کورزا. والی یک خزمی نزیکی خردان و، یکی له پیاوه ناسراودگاتی باززان بو. له نار معقدرکدا بر به شعر و چند پرلیسیک کورژا و، معقدرکه گررا. باززانیهاکان، له نزلمی خربتی والی بهگ دا، له چند جبیگای تر معلیان کسرتایه سعر معقلهری کاری نزیمک، نیوانی باززانیاکان و عبرای تیک چر.

حکومت ثبتزاری ممالا مستخایان کرد تاواتیدار، کان تصلیم یکا و، خویشی له پدرمس کاربدهستانی حکومت دا ثاماده بی، له همان کات دا حرکمی عورفی له ۱۹ ی تاب دا له موسل و عمولیر راگیهندوا و، جهیش خزی ناماده کرد بنز لعشکرکیشی.

روزی ۲۰ ی ثابی ۶۵ پهکسین پیکادان له فزلی رمواندز روی دا.

سدر له نوی شدری بارزانی – عیرانی هلگیرساینوه.

ملا مستخا عصر هپزدگاتی و تطبیعردکانی هارکاری له دهری بارزان کو کرد پرده در جنههدیکی لی دامنززاند بر بز بدرشگاری هیرشی گغوری جنهشی عبرات، پی تنجی تاماغیی سعردگی پاراستی تاریخی بارزان بری، تدگینا تعید: هپزدگانی له منشگردا دانمدنزرینی بز شدی جنههدی له گف جنهشی عبرات، هپزدگانی د هارکارکانی له سعر سیندگان بنریان، سیان میران بدیان، عبرات همدر هپزدگانی و بارزان کرز عبرات همدر هپزدگانی خزی به پششیدرانی هبزی تاسمانیی له سعر بارزان کرز

کردهرد. بیگرمان هیزیکی خیلاکیی تاریکوییکی بی پشتیران و یارمنٹی، چنند تازا و له خز پرودو یی، له پدودم جمهشیکی تیزامی دا، له شعریکی جمهیمیی دا، خزی پی راتاگیری.

کشاندوی بارزانیهکان بز ئیران

دائرستندنی بارزانی – هیبراقی تیکچیر، جنیشی عیبراقی لشکرکیشیی دمی پیکرد (تایی ۱۹۵۰ – تشرینی یکنس ۱۹۵۵)، بارزانی برباری دا پعر له بارینی بطر ر گیبرانی ریگاکان یکشیندود کرودستانی تیران (تشرینی یهکسی ۱۹۵۵) که تعرسا له ژیر دمسملاکی سؤلیشی دا بر. بلژی ۱۹ ی تشرینی یهکسی ۱۹۵۵ له کیلمشین تاوا بود.

آم لشکرکیشیساندی جدیشی عیراق دا ۵ جمعفدا لیرا: لیراکانی ۱ جگه له فدرجکی، لیراکانی ۳ د و ۵ د ۵ و لیرای ۱۵ چگه له فدرجکی، فدرجکی لیرای ۱۵ د ۵ فدرجی شیروطه و، هیزی عبشایری کورد، پشندار برن. به همسری ۳۷۵ کورژراو و پرینداریان هیز، له شزرشگیرانی بارزان ۲۲ کسی کرژراوه. مهلا مستعفا له كوردستاني ثيران

پارزانیدکان پرند ثیران له تاریهکانی شد. نمفنده، تعرکندور و معرکندور بلار پرندو، کاربعدستانی سزایشی تاگذار پرن له تالرگزری نامه و عالویزی نوینترانی بارزائی و پدریتانها باز لای پمکتری، باوریان به مغلا مستخفا نعید، گرمانهان لی تمکره به فیتی نینگلیز چر بیته نیران بز تاژاور ناندو، له پنر تعوه داوایان لی کرد ماویهک خزی ون یکا و، له پدرچاوان نمسینی، قارئی صحفحه و صغرانی دیسوگراتیش گریسان نعدانی، معلا

ملا مستفا خبریک بر تاترمید بی، درنامتی بز تیبراهیم تمحمد نارد یمکیکیان بر خبی و تنموکس به پایتمنلی بین خبی و تروی تریان بز پایتمنلی شیخ محصود. دارای لی کرد بر نامهکتی به پایتمنلی پگینینی. بیبرایم تحصید و داوریکان کرد بر شدی کردستانی عیبرای نامهکتهان کرد بر و بردن. مثلا مستفل کرد بر قسد له گف کابده میبرای عیبرای یکا لیبان خزش بین بز تعربی به کرمان با گلینده عیبرای و بوجه نیشانده. تمکر عمر ایس بردن بینانده به مردیده. تیبراهیم تحصید نامهکه ناگینتی به پایمهش له باتی تعرب به پارمانی تشییر ایس با تیبرایی میبرای کرددهای عیبرای کرددهای عیبرای کرددهای عیبرای داری کردردی داری کرده ستفل نرینم ی کرده کانی عیبرای دوای گلیشتین تم منهمته به تیبرای داری کرده کرده با با با کمان کرده به بایمهش داری کرده با بارتایمکانیان به مدال مستفل تیکنید تیبرای دوای گلیشتین تیم منهمته تینیها قاری محمله لا به مدال مستفل تمکانیده و بارزانیمکانیان

چرار لک له بارزانهدکان پیک هیترا و، تنفسمره کررددکان بون به فعرماندهان و،

پاریزگاری لای سبطتریان پی سپسبردرا. تازایانتو به دلسنوزی تا روخنانی حکومندتی کوردستان ناویهکتیان له هبرشی تعوقشی تیران پاراست.

دامعزراندني يارتي

تمو مارمیس آله معقاره بین به چاولیکتری حیزی دیسرکرای کوردستانی تیران مملا مستخفا و تطبیعان کرد به یک بز مملا مستخفا و تطبیعان کرد به یک بز دامندرانتنی حیزیکی للو پاینته که جیگش هسر ریکتراره کرددیکائی عبران بگریتود. بر کندرانتنی حیران بگریتود بز کردستانی عیرانی رقی عبران بگریتود بر کردستانی عیرانی رقی کی حیران به مسترکردایتی میزانی رقی کی کردستانی عیرانی رقی کی یک کرد بز یک کرتر نوازی به دامنورانی کورد به با ۱۹۵۲ دا له بخشفا پیککسین کونگری دامنورانتین دیستران کی برگرامسی کونگری دامنورانتین هیا بری پستد کرا و دکرسیسینکی تاونشی بز علیوردرا رو سطلا مستخابش به سازدی حیزت دارد اوری سنورده و تنظایش به سازدی حیزت دارد اوری سنورده و تنظایش به سازدی حیزت در برگرای پوته تم حیزی تازیعود تیسرادی کرد به بها له لو کاددا ناماده تیپ ریکتراودی بازد یک بها له لور کاددا ناماده تیپ ریکتراودی بازد ی بهدا لهر

که جمهوریتی معایاد روغا بارزانیه کان خیان نیدا پندستنوه، کنوتنه گفتوگر

له گفاه ئیران، مملا مستخفا چر یز تاران، شا و سعودنیران و، گعروه تفلسبرانی تبرتش و، سطیری تصعیکای بینی، دارای له سطیر کرد یو که خری و همتو عمشیر،تدکمی به پتایار له تصنیریکا ورباگیرین، سطیر داراکش بهینجی تکرد بر، تیران دارای له مملا مستخفا کرد: چدک دانین و، له تزیک عصددان نیشتنجی یکرین، صالا مستخفا به روالت رفزاسندی خری یز دمربری برن، یعلام وت بری درا بریار له دس شبخ تمصسد روالت رفزاسندی خری یز دمربری برن، یعلام وتا بری درا بریار له دس شبخ تمصسد

شیخ تصید رازی نهر پچی بز مصدان برباری دایر بردانده بز عبراق برای پلسخ تصید رازی نهر بیران بیدان بیدان پیلی با بیدان بران برای برای برای برای برای برای بیدان بیدا

= بارزانی تدگیریتموه یز کوردستانی عیراق

تدریشی تیسرانی ویسستی یه زور چنگیسان یکا و بیسانگریزیسدو، بر دوبوری کردستان، چنن تیکهطچیرتی چهکدار له نیسوان هیزدگانی بارزانی – تیرانی دا روی دا. بارزانیسکان برگریستگی تازایانتهان کرد و ، به دام شدوره بدراد ستروی هیران کشاندو (نیسسانی ۱۹۵۷). وکسر جسالای تعسین یهای چنند جسار تیکیسرایدو، هندی له نفستردان زور له گلا مقلا صحنفا خوریک بین بز تعربی قانیمی یکنن ته بیر له خر به دستمودان یکاتبوه و ، نه بیر له پختایردن بز یکیتی سزئیت، یشکر دریژه به شورش بنا. یه قارصانخیسیمگی بی وینه دانتری، کمیمی هیچ کنس نایرسی، بزیمی مملا مستفا بر سزلیت تنمایدو و ، هیزدگانی به تاز کردوستان دا یلان تکردود و ، دریژهی به جفنگی پارتیزانی تنما داد کاتیک دا زیاتر له . . و چهکناری گلیمی گیانتاز و گریرایظی له گما بوه و ،

میران ناماده نمبر لیبرودنی گشتی دعفر عامه یان بر دمیکا، زفزی ای تدکردن می قبید شمیر تسلیم پیشتی دعفر عامه یان بر دمیکا، زفزی ای تدکردن بیمرون بر کموته ربی بیمرون بارزان، شیخ تصمیدیش لدگفا همتر بارزانیدگانی که دا به خاروخیزانمرن تو خوان به دمیران: زماری ثبر بارزانیهانی له روزانی ۱۷ و ۱۸ ی نیسانی ۱۹۵۷ دا به بی قمید و شعرت به در کاروان خربان به دست معرد دا بیمی بی له دو ۱۹۷۸ داشد. دا ۱۳۷۹ داشت به در کاروان بارزانیت بارزانیت بارزانیت بارزانیت بارزانیت بارزان بازگان بارزان بارزان، شیخ تصمیدر مغذیکی ای دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران، شیخ تصمیدر مغذیکی تریان دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران، شیخ تصمیدر مغذیکی تریان دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران، شیخ تصمیدر مغذیکی تریان دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران، شیخ تصمیدر مغذیکی تریان دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران، شیخ تصمیدر مغذیکی تریان دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران، شیخ تصمیدر مغذیکی تریان دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران، شیخ تصمیدر مغذیکی تریان دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران، شیخ تصمیدر مغذیکی تریان دراند دادگار حرکمی جیاجیا دران

میلا میتاناً ۳ ژنی هیو. همریان گیرانوه عیراق. درانیان له گفل کوردکانیان تا ماردیدک گیران و دراتر دس پستر دانران. سی پسیان که کچی محصود تاغای زیباری یر له گنان مصنعودی کنوری چردره مالی یاوکی له موسل. له کناتی شنورشی بارزان دا معصود تاغا جاشی چدکداری حکومتی عیراق یز.

چونی بارزانی بز سزقیت

معلا مستخفا نمیترانی هیراق والی یکا ولیپرردنی گشتی» یان پر دوریکا، پاش تبودی ناترمید بر به تاو ستروی تیرانی – تررکی دا کمرته دی بعرمر یه کیتی سزفیت. تم ری پسرانه درواه ۹۲ روزی خایاندو، کاریندستانی سزفیتی چهاکیان لی دوگرتن د، پنرش دیلاریان کردندو، به تار کزماردکانی سزفیتی دا. دمریارس آیانی مملا مستخفا له سزفیت زند کمه تنزاتی، خریشی زود کمعی یاس کمردو، سعرانی پارتی وایان بلار تمکردوه که جندراله له لفشکری سرودا، یعلام نظین تا صردتی ستالین قسسایی کردوه، درای مردنی تاهر تنبجا گوزوانیان نفشی باشتر برد و، نازادیکی کمیان دراراس.

تيمدامي تخسيروكان

شیخ تعصده تیمنام ندگرا، یدلام یه حرکسدراری له زینداتی بعصرا گلدرایدو، تا شورشی ۱۴ تناموزی ۱۹۵۸، ۵ لمو تطبیعترانمی هاریشی شورشی بارزان برن: هیبزت عیدرامدیزر: خدیروللا عیدولکنریم، صنعفا خزشنار، معماعد معصوره مطوارسان، بعر له هلواسینهان یه چند سعماتی یه کرمال نامدیدگیان یز میللدتی کرود ترسیوه، نامدکمیان ۵ پنده، له یمکیکهان دا دار له گلی کرود تدکین: ددوای جعمالت تدکموری) د. هسر شارنانی شارنزای بیروروچرنی تم ۵ شمهیده بون، تلین: ومجمستیان له – جمعالت سد کردایدی معد

سنروكاينتي پارتى

پارتی دوای تعرفی له کونگری یه کمی دا مملا مستمقای هطهزارد به سمروکی خوی، له دو کرنگری تیشی دا: گرنگری دوم (مارتی . ۱۹۵ له یه فعاد) و کرنگری سپیم را کرنتری دومی ۱۹۵ له کمرکرک)، سروکایتیدکس نری کردور، به دریزایی تیش مساور مسلم سستمقا له یمکیستی سرقیبت پر (۱۹۵۷ – ۱۹۵۸) پر تعرف تعرف سعرکردایش پارتی و مملا مستمقا تاکهایان له پهکسری پی، پارتی پروپاگاندیدکی پیریاگاندیدکی بیدی سرقیبتی، له بهیان در ویارهائی داو به شان در شکوی پارتانی دا هلتمانی کردو و کاردی سددی بارزانی دا هلتماد و بینکائی بلار تمکردور. معدد عبدلالا نامیلکتیدکی به معارص له بارش برازان نوس، هو تیز نومانه پارتی پروپاگاندیدکی به معارص له حدو شروش بارزان نوس، هو تیز نومانه پارتی کردو و معدورم محملت تعین نماتو و را دی باری تفسانیی له شکان سعرکردایدکی تفسانیی له شکان سعرکردایش پارتی کسمایتی بارتی کسایتی در دور دوران سوکایتی پارتی و در دوران سوکایتی پارتی خیان دا رانشپیرمون سوکایتی پارتی خیادکی در دور دوری پارتینی نورانی خیادکی در دور وی پارتی بود، که جیچان به خزیان دا رانشپیرمون ستوکایتی پارتی خیادکی در در وی پارتی پرونشرون بخوارادیان به چی خیشت بود.

۱۴ تدعوز و بارزانی

بز پسرانهایی له شروشی ۱۶ تعوزی ۱۹۵۸ مملا مستنف له رؤانی پهکم دا
تفکرافیکی بز سدرکردایش شروشدکه نارد، لایننگری و پشتیوانی خزی ددریی بو،
دارای کرد بر ریگای بندن یکاریشده بز عبسران بز ضرصدی جسیهیریند. روزناسه
کردیهای ندر کاته بروسکدکمهان بلار کردود، نریتدرکانی پارتی: تیپراهیم تعمدد ر
کردیمانی ندر کاتم بروسکدکمهان بلار کردود، نریتدرکانی پارتی: تیپراویکان و
معلی عنبولالا له ستودانی کاربدهستانی عبداق دا دارای بدردانی بارزانیه گیراودکان و
کمیراندی درودیهان کرد بر.

شروشی ۱۵ تمثیرز لیبیرودنی گشتی بر معمر بارزانیمکان دمرکرد، چ توانی له زینتان بیرن رچ توانی لعمرمره یغاید بین. شیخ تعمید نازاد کرا له نار خطک دا روکی قارصانی نیشتسیسان سمیری تمکرا، روزنامه کیرویدکان لمسعریان تفترسی، دینمها پلازنکردود، گفترگریان لفائله تکرد. شیخ تصعید ضیچ تارمزیی سیاسی نیشان نفتدا.

ما تهستاش را بازه هنیدرلکتریم قاسم مملا مستعفای هیناردندره رد عمیدرلسملام عارف موافیق نمود له سعر گامراندون. هنرز عوقبیلی پش له پیرخمرمودکدی دا را تعلی. پیلام تهسراهیم تصمعد، که تعربا سکرتیری پارتی و، خنری چر یه درای بارزانی دا بز هیاندون روداودکه به جزیکر، تر تمگریندو.

معلا مستخفا دو جار به پروسکه داوای له سعرکردایتی شورشی تدموز کرد بو:
ریگای پدین پگاریشده هیسراق، پدام هیچ ردلامیکیان لی نهگیسرا پرود، تعمانیش به
پایدمیلی شیخ ممحصور تبلین، که تعرسا روزیر تبیی له ویزاردتکمی قناسم دا، دارا له
کاربددستان بکا کارانسانی گوراتیوی پکند، نموش هیچ ددنگیکی تایی، معلا مستخفا
تعدادگرافیک بز تبیراهم تمحمد تمکا، داوای لی تمکا: ۳ پاسپورت، بز خزی و میرجاج
تعمد و تعمد خزشدی پدیدا یکا و، موافقتنی کاربدستانی عبراگیان بز وریگن بز
گراتیویان،

بدررجم تیبراهم تحصده به هزی کمرم قدرهپیمره تعجی بر لای تاهیر بعجیا، که توسا پدیرجمیی گرستسدی پولیس تعین، دارای ای تاکیا لعر دروده بارستنی بدن: تدویش پستین، در درای ای تاکیا لعر و تحییات بدن: تدویش کیا که سمرداتی تعید تعید معبدراسنام عرارت تعین، کم تعربات جبیگی سمرد کی کا، صعبحستی اد تعین توسعه عبدراسنام عرارت تعین، کم توسا جبیگی سمرد کی روزیران ر تنگری و، بطنیان تعالی کاردکیان بر بیک تعالی کاردکیان بر تنگری و، بطنیان تعالی کاردکیان بر تعربی خرارت کاردکیان به تعلمان ای گذارکیان با تعالی کاردکیان برای تعین کاردکیان تعالی کاردکیان تعین تعین داران تحیید به تعید به تعالی کاردکیان تعین بیان بروزای تعربی بید ادارت کیا تعین کاردکیان بیان بیروزای تعربی بید استر کیشمی کورد، تبیراهم تعصد به درای کاردکیان بارتی و، بایبوردکانی باز تعاده تدینداریش کردستی تاومندی پارتی و، شیخ سکردارانی، به فروک تکفت طحا به تریندرایش کردستی تاومندی پارتی و، شیخ سکردارانی، به فروک تکفت براگ باینخوی چیکرسلونایا،

مناً مستفقاً له سعر داوای خزی له روسیآره بعری کرا بو بوز پراگ لدی چاردورانی گغرانبوی تدکرد بز هیسراق. له کوشکیک دا له گورندیکی نزیک شباری پراگ داترا بور تهیپراهیم تعصدد و هارویکاتی له میسرانخاندی پارتی کرمرنیست دانبهزیان. پاش چند روژی به فروکه چرته قاهیره. لتو کاتندا فایتن سامتراتی سطیری هیراق ثنیی له میصر، به هزی تعویه لتوی ستان ک عنیندولناصریان بینی. ناصر رخی وا تایی که شبیردی بدورد بردتی ومحافظات و له میصر یکزی به فرنه یز چارصتری کیشتای کردد له هیراق دا.

له قاهپروره به ری کاوتن، رفتی ۱ ی تشرینی یهکسی ۱۹۵۸ گلیشتنه بعقداد. مالا مستعفا ودکر قارصاتی سترکنوتر پیشوازی کرا.

مملاً مستدفاً له گزشگدگی ترویی سعفید داترا. قاسم ماتگی . . 9 دیناری بز خزی ر . ۱۵ دیناری بز عربیبدوللای کروی و . ۱۵ دیناری بز لوقسان پربیمود، ساتگی نیسانی ۵۹ بارزانیه کان، تعواندی له یمکیتی سزقیت برن، به کششی گلیشتندو، بعسرا. پیشرازی حکومتی و حینیبیان لی کرا. بز تعوانیش مانگی ۳۵ دینار بز سعات و . ۵ دینار بزشراندار مرجهیان بز بررایدو. هدوردها بز شیخ تنصید . ۱۵ دینار و هسر تعواندی له گلیل گیسرا برن له نیسران ۳۰ تا . ۱۵ دیناربان بز بریشدو. زیاتر له . . ۱۹ شنگشیان دائر بز باردگاری خواراد.

گدراندودی بارزانی له شیعری کوردی دا

له ژبر تحسیری تعر پروپاگانده زورددا، که چعندین سال بو سعرانی پارتی بیز مطلا مستطایان کرد بر، که گفرایوه خشک دوکر قارصانی نتندوس کرود پیشرازی کرد. رز آن استران کرد بر، که گفرایوه خشک دوکر قارصانی نتندوس کرود پیشرازی کرد. رز آنامه در گفرایم نتاید با بیشتری از انتقامی نتاید برازانی دا، پلام بیز به کلی کم بیشتری له سعر تعر صاومه پکزلیستسوه کمرستمی به ترخیان تی داید. شاهیره نارداردگان؛ کامغران، دیلان، کاکمی فعلاح، هغزار، کامری جان و شاهره نارداردگان؛ کامری فعلاح، هغزار، باد شدی دریایی بخدان کردی و شاهری دریان له معنی دریان له مناسب بیشتری امریکی بخشداد کم بادی باد دریای بخشداد که ایمانی بادران بر دریای کامریکی بیشتری امریکی دریان کامری فعلاح معنی دریان له بیشتری امریکی بادران دریای بخشداد کامریکی بیشتری امریکی نامدار بر، بلار کردوره له درای معمر بخدیکی شیمدرکمی دا تم دریری دریار تکردوره، شیهره کردی دریان کامریکی دریان در تعربی میگیر و مطانچی هاتبره ای

میرحاج تعصد که یه کی له تعاسمره چالاکه کاتی حیزی هیرا بر و، بعشداری شورشی بارزان بر، له گلیان چر بغشداری شورشی بارزان بر، له گلیان چر بز صعاباه و، لعرش فنجرماتندی یه کی له فنج به کاتی هیزی بارزانیبان بر، له گلا مهلا صمتنغا چر بز یه کیش سزلیت و، هنر له گلا تدریش گنراینو، یز میرای کردیان به تندامی کزمیشدی نارمندی، یهلام میرحاج هدتا مرد ترخشی کارویاری پارتی تمکموت و، تیکلاوی سیاست تعر، وذکر تعاترت له گنرانعوی ترخشی کاری سیاست تعر، وذکر تعاترت له گنرانعوی

دوای شورشی ۱۵ ی تفور به ماویدگی کم ناگزگی له نیران نمتورپدرسته *کانی* عمومب ر شهرمی و دیمرکراتهکان دا له سعر کهشمی وومعده له گفله کوماری معربی پهکگرتر (سروریا ر مهمس) دورمت پر. مشترمریکی ترند دامنزرا که تاخز عهران ورصعده یان دقیمهاده یکا. شهرعهکان به ترندی دی عدودگیان برن. قاسمیش زوارتر هبراقی بر تا معرفید. تم مشتومره پر به کیشنیدگی گدورد. ندانرهپدرستدگان ویستیان له ریگای پهلاگهبراتمود تم کاره یکانن له ۵ ی سارتی ۵۹ دا له سوسل پاخیپدرنیکی سپایی به سنرکردایش مناقید شنراف روی دا. پاخیپدرنکه به ترندی سنرکرت کرا. بارژانیدگان لم سنرکردکردندا بعشدار بین و، هندی چدکیبان له وصفارمه شمیری روگرت، ریکطرای و مشاومه شمیری هیزیکی چدکدار بر له خلک دریست کرا بر یز سعرکرتکردنی تنیاردگانی حکومتی قاسم و، له ژیر نفرز و دستالای حشع دا پر.

كونگردى چوارمى پارتى

له چین و تناهسانیای دیسوگرات له پال پارتی گوسرنیست دا هندی درده پارتی سیاسی تر فعندی درده پارتی سیاسی تر فعندی درده پارتی سیاسی تر فعندی در در میارا پرندو، له پیرانی در بررجوازی پچرک له قرزنافی دامنزاننتی سزشهالیزم دا، عبارا پرندو، له درای شروشی ۱۵ تا برندو، له و گفیره پره نزای شروشی ۱۵ تا برنان دارد دروی حزبه سیاسیهکانی تر نصاره و، تنگیر مایی تمیی بزن به لروایافتانی پنگهانتی درستی شهیرهی، درگر له چین و تعانیای دیسوگراتی کراراد، همسز هسینولات لم پاوردها برن، به کراراد، همسز هسینولات سکرتیسی پارتی و هندی له هاوریکانی لم پاوردها برن، به کراراد، همسز هسینولات سکرتیسی پارتی و هندی له هاوریکانی لم پاوردها برن، به کراراد کار سرخ دا دایان تشکاند.

له روزی ۱ آی تایاری ۹۹ دا وخنیات ی تررگانی پارتی به سانشیستی گفوره نرسی: وسلار له چینی کریکار و پیشرودکنون، منیست له پیشرودکنون چینی کریکار: حشع بور. یهکیتیهکانی: لاوان، لوتاییان، تافرهتان، کریکاران، جرتیارانی کوردستان، هلوشیئراندو و چرنه نار ریکتراوه عیرافیهکاندو، که به دمس حشع دو، برن.

پاسکی نامترین تارسترکردایش پارتن له گفا تم پاسکندا له بدربدرگانی ر ملبلاتی دا برد، بملام توانای پنگلایی گردندودی نمید. مملا مستغفا (لد ۳ ی حرزدبرانی ۱۹۵۸ دا) تالمی چنگذاری نارده سنز باردگای حیزت له شغفامی دمرتخابی له بغضا، دمستیسان به سنز باردگاننده گرت و، همسرد و هاوریکانی: نثراد تحصمت، خمسرب تزفیقیسان. به زور دمرکرد و، تهبراهیم تعصمت و هاوریکانیان له جیگا دانان. تعمش بیکمسین جدار بر زور به گدار بهبیشی بو بعلاداخسستنی ناگدرکسیسیه تایدیرلرمی و ریکشراردیدکانی نادر حیزب.

دوای ثبتر کسرتگردی چرارم (تشسرینی پدکستنی ۱۹۵۹ له پنفستاد)، همسره ر ماریکانی به یکجاری له پارتی دوگرد. سنگردایتیه که هفپریزدار جیگای برنامندی پارژانی بر، معلا مستمله بایمتیکی تابیتی تعدا پنر کساندی گرمانی جاسرس پیکی له دورلند گلوردکانی لی بگرایه، لم کرنگریندا ملا مستملا د، مراد همزر: که کردیکی تیرانی بر، داتا به تخدامی م س چرنکه گرمانی لی تمکرد جاسرس سزفیت ین،

كزنگراي بينجسي يارتي

سالی آآ۱۹ که پارتی تیجازی کاری قاترتی درا کرنگری پینیمس له ه – ۸ مایسی ۲۰ دا له یعقدا به تاشکرا بصت. ملا مستبقا بز تعری بخشداری کرنگره نمی یان خزی قررس رایگری گلوا بردوه بارزان. دستمیدک له تریندرانی کونگره چون به دوی دا بز بارزان و به هغزار تکا و باراندوه تینجا رازیبان کرد بیشه کونگره، که هات بریش و دت بری: وحمز تدکم سه روکی قصیه به او سهروکی تبوه شتمها تعبیست گلورمی خری و به در حفز تاکم پیم باین حویزی به او . تم روژه مالا مشتمها تعبیست گلورمی خری و پچیرکی تعران بسطیتی، سعرانی پارتی تم سرکایایشی پی کردن و جنیرانیهان قریرل کرد در کرنگردی پینچمه به تیکرای دشک معالا مستعفای هغلیزاردوه به سعرکی پارتی، بمعانکسی قبیرالگردنی تم سرکایایتیسیش تعریز: قاسم حیبزی شمیدوی و واطنشی دیمرقراطی لفت کردوه، گلردیتی قاسم ستر بارتی بش لفت یکا، بز تعربی یهکیتی ریزهانی حیزب

پیگرسان تسمه ناتوانری به نیستساندی هسستکردنی سنترکسرده کسانی پارتی به پیپرسراوش جوزیی و نیشتمانی هانبری، بطکو بلاگدی لارازیی کفسایتلیبان بود، تدکفر سنترکده ایمتی پارتی تعوسا تم سرکایهتیدی فیورل تدکردایه، خوری به بی بازازنی ملی ریگای خباتن بگرایه، با حیزییکی پچرکشریش برایه لعربی که همیر، لعرانه بر رمزی دورادرای کرودستانی عیران به باویکی کعا برویشتایه، لغو سفردمدها چند حیزی تر له عیبران دا همیون، به قعواره و تفرز و دمسفلات له پارتی بههیزتر بین، همدرشیبان کمسایتی شارستانی درویشریبان تدکرد نمک شیخی عشیردن، لغزانه: محدمد حسین رمنی (مامرستای سفرتایی) ریبدی حیزی شیرمی عیران و، کامل چادرچی (مهندی) ریبدی حیزی و معدید حسین ریبدی حیزی وطنی دیسوقراطی و، صدیق شدخسله (صحامی) ریبدی حیزی بهنی، تیمتیکالا و، فرداد ریکایی (مهندی) ریبدی حیزی بهنی،

مملا مستبطا لم کوزنگریهدا وتی: من تنیا ۳ (مرشع)م همیه بز کومیشمی ناوبندی: ناهیدی شیخ سدلام، هاشم عظراوی، ئیسماعیل عارف. هبرسیکیان هطرژیردران. لعمش دیسان معیستی سرکایهتی پر به حیزب و کزمیتمی ناوبندی.

رؤزنامدی وااثوره» یعفدادی که سعر به قاسم بو وتاریکی توسی دارای تواندندوی کوردی کرد بر. رؤزنامدی وختیات» تم پاسمی زا کرد و ناردایهباکی زؤری له نار خولفاند. ماددی دوسی ودهستوری کاتی e عیدازایی به بخی له ندتوری عموم دانما، خعیات له رتاریکی دا لم ماددیدی کرلی بودو، نرسی بری عمومی عیبراق بخشیکه له نتیوری عورب و کردی هیراق پیشیکه له ندتوری کرود. له سعر تمه تیبراهیم تمصمه

که سعرنوستری ختیات پر درا په دادگا. --

تیکچونی قاسم و مهلا مستفقا

مملاً مستعفاً له دوای گنوانبویهوه هعولیکی زوری تندا قاسم له خرق رازی یکات و. کاریکی وها نتکات دلی بردهی، له خربیشانتانیکی گدودها که له یدودرکی سدرای سلیستانی بز پیشرازی له هاتنی بارزانی کرا، له شوینی دوتار دانبوه برد بر لعو کمسمی وینمی تعوی بعزز کردیردو. په توره پرنمود داوای له کابراکه کرد ویندگین دایگری و، وتن دون سعیازی زدهیم عفهدولگاویسم. ودکو پدهادین نروی له یادداشتدگانی دا تگیریشتوه له پرنمهگی تردا به قاسمی وتره: ومن قمیتانی فرنندوکانتها ه. نیوانخوشین قاسم و معلا مستعفا دروس کیشا تا تعصع تاغای زیباری کرژرا.

عبیبولکتریم قباسم له کاتی حدوکیاتی بارزان دا له چلدکنان دا سترپه وشتیبکترین چدکناره بدکیگیراودکانی عنقیردند کورددکاتی ستر به حکومت برد. که میلا مستدفا ودکر قبارهمانی نتشویی کورد گذرایدو، بر عبیبران ستردانی قباسیدی کرد. قباسم له نار تامیزگاریددکاتی دا بر بارزانی دارای لی کرد برد: وعقالله هما سلف» واز له دوژمنایتی گون بهینی، به دولی تولندا تدکیری، ستودانی مالی مصر نبو ستورک عشیردانانه یکا کلی خری شعریان له گفا کردر، مصریان تاشت یکاتموه و درستایتیهان له گفا یکا.

شیخ تعصده خوداتی بارزان حنزی تخکرد میلا مستخفا تیکنلاری سیاست بی، بلام میلا مستخفا و طسوح ی زآن و نقری دهبر، میلا مستخفا تیریست و طسرح ه د سیاسیکانی خری (گئیردی کرود بیز) و دو طسرح و دعشیر، تیبیکانی خری (گئیردی بارزان بی) پیکنوه بگرفهبین، بز رازی کردنی شیخ تعصده، مملا مستخفا چند بارزانیکی نارد تعصد تاغای زیباری بان له جادبیکی مرسل دا به تاشکرا کرشت. تعمد پیرونش تامین درزی کرده پیروندی مقلا مستخفا و قاستون کاسم بو بیز میلا مستخفا، تبویش یدکسین درزی کرده

شمری ترامستندنوری بارزانیه کان مکنی مشهردندگانی درارسیبان دستی پی کرد. شعر له گفا ریکانی، نیرومی، برادوست، زیباری،. عظگرسا. ریکخراودگانی پارتی پشتیبراتیبان له بارزانیمگان تکورد، بروسکانیش پشتیبراتیبان به خشک تیسرا تکرد. روزاندی خابری تکودوره. شیرههاکانیش پشتیراتیبان له بارزانیمکان کرد و، خس پیتاباد چرارچیری شعری کوزنهبرستی و دمرههگیمره. همندی لم عشهردانه به کوزمنا پیتابار بر تروکیا و تیران برد، تیشر عظومتوجی کوردستان بعراد گرژی و دهسهیکردنی

.

مملا مستعقا بز بخشفاری له تاهنگادگانی شنوشی تزکشریدر له ۲ ی تشریغی درمی ۱۹۹۱ میلیود. هندی درمی ۱۹۹۱ میلیود. هندی تلین بارزانی له مسئورها بطینی پشتیرانی له سنولیت و برگرتره و ، هندیکیش تطین سازان لم سطیرها بطینی پشتیرانی له سنولیت و برگرتره و ، هندیکیش تطین سنولیت هیچ جرره بطینیکان یی تعاور، بطکر داوایان لی گردره کیشه کانی له اسم بانشدی بکار داوایان لی گردره کیشه کانی امام بانشدی بکار داوایان این بازمید بکار

میلا مستفا که گارایبوره میراق، درای ماویهک به ناری سعردانی شیخ تحصدوره تهستر به یمکسجاری بعقسفادی به جی هیست و گسرایبوره بارزار دانیستت، به روالعت و گزشتگیری، هملوارد بور، بلام له رفستی دا کعوت بره پعیرمندیبهکی قراران له گمل ثاغا و بهگرادهکاری گیروسستان، هانی تعدان خزیان چمکمنار بکان و، به چمکمناری له جماده گلتیمکان دا خزیان پیشان بعن،

ومفدى ثاغاكاني كوردستان

هبرار هریبای شورشی ۱۲ ی تعایز نیشت بودو. شیرهبیدگان دستلامیان کم بهبرورد. له هندی چی کدوت برنه پدر هبرش قباس، ناشا و بهگزاددگیاتی کمروستیان خبریک بو خزیان تدگرتوره و. له ناو خزیان دا کنوت برنه هاترچز و پهکستر بهنین. وخدیکی گەورەپان پیکادو نا بز سەرداتی بەغداد و پینینی مصنفرلدگانی حکرمنت. سایمنتی سدوکی ثام وطدہ دصکاری قانرنی ٹیسلامی زیراعی برد بتلام ثاو خواستمپان له ژیر هندی خراستی سپاسی ودکر مافی نفتوایاتی دا داپزشی بو.

وطنندک چره بعاسداد. سندرانی پارتی ر روزنامسدی و خسبیات و نم و طنند و چالاکپیدکانی پشت گری خست. رؤزنامدی واقعاد النصبه ی عشع هبرشی کرده سریان. تمانیان به کزنیدرست الاکراد - دندگی کورد و رؤزانه ناری تنفاماتی و طداکه و چالاکپیدکانی بلار تمکردمود. رؤزنامدی و دندگی کورد و عرصر جلال معوزی دعوی تمکرد که پارترمیکی گزیی بو.

وطده که شتیکی به شت ندکرد و ، قاسم تاماده نیبو به کزمله پیانبیشی ر ، گری ی له خراسته کانبشهان ندگرت، چزن هات بون بعر جزره گدرانده بز کوردستان. له نار تعراندا تعنیا صدیق بدگی میران توانی به تعنیا دیدعی قاسم یکا.

عطگیرسانی شورشی تعیلول

پیروندی نیرآن مملا مستخفا و قاسم ساردی و گرژی تیکورت بر. مملا مستخفا فر نبریست قاسم ناچار یک کربرنبودیدگی فردیست قاسم ناچار یکا پیسرفندی له گفار چاک یکا. مسالی ۱۹۳۰ له کنورنبودیدگی فرازای کرمیسته و میرواقعیدا.. که مملا مستخفایش و بشندی تعرشی کرده سعر قاسم و، داوای له حیزب کرد خزیان یز بهرشگاری ناماده یکنن و، دهندی کار یکنن، و،کرز، برینی خشی منظفون کارهایکن، و،کرز، برینی خشی منظفون کارهایکن، و،کرز، برینی خشی منظفون کارهایکن، و،کرز، برینی خشی بکا. منطقات یکنان میدیمی کار یکنن، میکنن می وت یویان کاری وبعا نهیسته هوی هفگیرسانی شعر بی تعربی تموی تعربی بدد فردی و بعروش و بعرفگاری ناماده کرد یی.

ملا مستغا له پشتی سعرکردایمتی پارتیده کعرفد هاندانی سعروکی خیلمان بز خهپشاندانی چدکدار، تصاله خریان به هری والانرش تیسلاحی زیراهری و ، هلشماکانش رژیمی دربیمگی له قباسم و شیروشی ۱۶ تشمور به داخ برن، له زور جی مستانیسر به چهکداری کلورتورد، ووکو تلهن: بارزانی له دودله یک و مدکتهی سیاسی، لعر کانده ا له دوران یکی تر بر، تنوان کسویرتوری چدکساری ضیلمکانی کسرد و، همسر جسره پیکادانیکی چکماریان پی کمایکی دانانیمتی به نشیسیان توزانی تم خرسازدان و خزیبشاناناه ما مستغانی له پشتویه، تموانش ویکو شیرعهمدکان وایان تنزانی تصه خزیبشاناناه ما در نوکمروکانیتی، پیلامی تبرانه بر ناتیوی تاژاود، م س مامیمنالی تارد یز هطستگاندنی هطرمدیی کوردستان در خارکردندوی گرژی، که گلیشته گوردستان در گریرندوی پهکداری هزر کوردیکانی دی در بهاری به نامی معلا مستخفا کنوت، که بر معایاس ماسند تأشای تاکوی نرسی بر، دوباردی سازداتی خیلهکانی نارچهک، تعریش تیتر بیرورای خری گرری در پشتیرانی له داراکمی مطلا مستخا کرد در دانه ستر باوری تعری تیتر کانی دمیهیگردنی شروش هاود.

ساویدگ تی پعری سامجملال هوالی تغیر. به درای مامجملال دار م سامبرملال دار م س عرصعر مسبت خانی نارد ، کنه تازه له کناتی گیروزانتری دا ، له گیسراری هفلات پر . تغریش کنه مطرمعرجی شررشگیرانمی کروستانی پینی مایعره ر ، شرین مطلاکه کعرت .

چه کمار له همبر شبینه گرنگدگانی کیرودستان کیرورندو، پارتی دهستی له کمرکردندو د و هاندان در ریکندستنیان دا نمیر، ناریکریهک و بی سمویمتر پون، مملا مستخفا های داوید، دای نیزانی تمه قاسم نظرسیتی و ، سعرطهام ناچاری نمکا ، بز خار کمردنوی عطومستری تالوزاوی کسرودستان داوای یارسمتی لی یکا، تعوسا تعویش معرجه کانی خری به سعردا تصنییتی.

حکومتتی قاسم له ۹ - ۱۱ تعلولی ۱۱ دا فنرمانی دا به کنیتهکانی جدیش له جاده کانی درمیخنیغان و درمیخنی بازباندو، بعرص طبسانی یکشین، فروگنی جنگی پش کنیته فرین به ستر خزیهشاندانی چه کداری عمشاتیددا، پاش تعقرتزفیکی کم هیزی مشاتیر کنوته چولکردنی منشگردکانی و هلالتیکی ناریکچیک، جبیش پهشردی کرد شروعیکی عصمکری ریک تخار بین، تعراضی خربان یه میزی همتاتیر بور، که عشائیر شکا تعراض شکان و بعروازه بین، تعداسانی مدکشتی سیاسی و کترمیشنی نارمدنی باتری و داری ناو درکیان لی فات بر، هم یکمیان کنوت بود شوینیکود: تیمراهم تعصمت و نوری شاردیس له بعشداد، مامیخالاله بعنی ریزان، عنومتر مستخف له دوریتینی پیتران، معلا عمولا له سطین و، مدهندی علی عملیکری، تعصد عبدولا میلی علی شریف له دریفته پیارلد، عمل حددی، عملی عملیکری، تعصد عبدولاد. له باینان بین، هندی تالفی پچرکی ترش به معرانسی کوردستان دا یالار بریزدور.

پارتی شیبرازی له یمر یهک هطرحتا. بازدگناکانی داختران و ژمباریهکی زور له تغنیام و لایمنگردکنانی گیبران و ، له سلیستانی بازدگنای صیرتهکنیان کردن به زیندانی تغنیامکانی.

> ۔ گزری رؤڑنامعوانی قاسم

له ۱۳۳۳ نیملولی ۱۳۹۱ دا گساس لتو کسرنفسردنسته روژنامستوانیسدا کسه به پیرندی
مطکیسسانی شمیرش کموردده به مستی، درتی: در . له زصانی مندو به رولدکنان داران
رایکمیشن، ثم بزدتدیویه جهایرنده خرازه، تهنگلیز له پشتیاندویه و تصریکان دوایان
کموترو، بطکای بهتدیردسان همیه تموه رین تمکانده کی له پشتی تم جراندردبدویه...
جبولانعودکه له ناریرا، هندی تطهر و دست می واکسرده صاور، مستودکنانی تعزایش لشاو
جبولانعودکه له ناریرا، هندی تطهر و دست و لایمنی تر له پشتی تم جبولاندودبدون،..

سعفاره تی بدریتانی دایکاندیه و تعریکاش هاویمشیتی...

گیاسم کنو گاکه او در کیشندن گیزوی که کهآ ولاتانی دایتادا حیو: کیشه له کهل مواتانی دارتادا حیو: کیشه له کهل کوت در کوتانی دارتادا حیو: کیشه له گلا گویت. وای کشاشتوی هیزنگانی بمیعنان قاسم کویتی کردید و گزارش این این میسود و شهیش کوتیشش به قالیسفا دانایر، میزشین نامه کود به بر گزارش: کصفی ناگرکیه گی تری لفیتیان قاسم و میریتانیاد حصود دولدانای معرص و دولدانای معرص و دولدانای دولیانی نامه که ناداند تیران و تروکها دولت کردید... قاسم تعیوست وای دولیش این توقیق کود و میرین له بیشتری نامه کند و دولدان کردید... دا دستی پیسانی به فقط و تاکرکی له گلا کومیانیاکانی نبوت و داواکردنعوی کریت ... دا دستی بر گزود.

ست که در سنودهماه او ایاو بر، پنرویک له تاسسان یکدوتایه خواری، تیسپریالیزمی جیسپریالیزمی چیپیالیزمی چیپیالیزمی کا تابیداری به بدر تموه عطی بر گرمانیان لی یکا، پیلام تسعیریکا فازاهیکی له درستایه تی کرد دارستی گزنگ، تیران از ورکیای، لی تربیالیالی گزنگ، تیران از ورکیای، لی تعربهاند، که همردوکیان تغللمی سنتر و، یمکیکیان به بالیکی گزنگی ناز دانشرا،

تسعیکا و تینگلیز زور زو قاسمهان به درو خستدود.

هطریستی سزقیتی له شورشی کورد

که شورش تهارل دصیتی پی کرد. یه کهیتی سزقیت لپی یه دانگ بر، نه مانگ بر، نه مانگ بر، نه مانگ بر، نه مانگ بر، نه مانگیبتی و در در این برامیانی و در در الم مصاملیدا ته پشتیراتی لی کرد. لم مصاملیدا ته پشتیراتی له قاسم کرد و ندوی راوستا، یفکر گریت خری این خواند، سیاستانی ترندوپیوی کاریدوستانی مهرانی از دامرکانیانیوی شورشی کرد و د، بر سکرکردکردتی چالاکهدکاتی حشد دستی پی کرد بر، لمگل تورش دا پسهوردکانی سرقیت له عبراتی سرقیت به ناوی بیده پهیوشی تاسایی سرقیتی – عبراتی پدردام بر، یککیتی سرقیت به ناوی ینجههانی گفتمکانی خریدو مصر چمک و تفاتی جندوام بر، جمیش عبراتی دانیان تمکرد، چمکی سرقیت دروس به جندگی کرده بر جمیش عبراتی دادین تمکرد،

شیخ تعمد و شؤرش

گفردترین تاواتی شیخ تصمید تدره بر لی ی بگذین بچیتمره نار عشیردندکنی خری در سنربزشتیهان یکا، توبیشی بز لرا بر. حکرمت موجهی ماتگانش بر خری در مسر دست در پسرنددکانی بری بردره له بارزان خاتری بر کرد بردنده، بدیردره سیری تکردن، تکاریم، ملا مستفا سنروکی ب د ک بو، بلاغ شیخ تصمید نبیاشیت نه پ د ک در ته هیچ پارتیمکی تر له نار ومیللمت و ی بارزان دا چالاگی سیاسی پنریان در له میچ بارزانیمکی قبول نشکرد بچیته هیچ جزیکودد، لیمریاری خلک تارفزایی خری له ملا مستفا نفشارددره، که تبهری سر له نری بارزانی در کرده له یکلاد، بگلتی، شیخ تصدد همیشه داسوزی در گوریاطی خری بر کاربدهستانی هبران درتیری،

که شروشی تعیلول دستی یس کرد (۱۹۹۱) شیخ تعجمه له بارزان دانیشتیر،

پششاری هیچ نر تاماده کردتیکی نه کرد بر، یعلام هیزی تاسبانی عیراق پارزاتی بوردومان کرد. دلسری طید از بازناتی بوردومان کرد. دلگف کنوش ها شیخ تصعده پروسکهبدگی بو عیدولکتریم قاسم نارد، دلسری نوی خری در مستبدرتی بازانی بدر میست میسرالی و، نارزایی توندی پدرامیسید مستند از مستند بازانی بدر میست میسرالی و مستبدار در است کنون در پکشناده و دادو این از کشید کرد: و تالیز بالرزه نمکنن، درای معالا مستنفا نمکنون و پکشناده و دعیل و مسابلی خرد و بازانیمکان له جدود این میست کار از میشود و مسابلی خرد و دار تاریخی پیشست کارک در دارانی معالی خرد و بازانیمکان له در دارندوکند ایشد ندار بر و تاریخی پیشست کارک بیشتری پیشست کردنی در نمایش کرد بازانیمکان در در مستکردتی در مسابلی کنونه در در مستکردتی در مسابلی کنونه در در مستکردتی در مسابلی کرد بازانیمکان در مسابلی کرد بازانیمکان در مسابلی کرد بازانیمکان در معده یک بیک بهیان به سعر کایتی شیخ محدادی مرافظ شنی کرد بازانیمکان در معده به که یک بهیان به سعر کایتی شیخ محدادی خالیدی کردی، تام در دومده به که معندی شیخ محدادی

شیخ تعجید جرامیریکی راستگز و سعرراست بود. دلسوزی بارمردکانی خوی بود. حربی بی بندادیه صالی دنیا، تعانفت پارمی کاغینوی له یکتیری جیها نمتکردرد، بر
دمیللمت بی بارزان می تعنفازه دلسیرز و، له رفستار و بریاره کانی بسیر مالیس
بارزانیکان دا پایمیکی پیروزی معیر، سعروای تعربی گلیک کارصائی بسیر مالیر،
بارزانیکان دا پوروزی بیود، بهلام پیاویکی ساویلکه بود روشتییری گشتی نبود،
دمشی رمزنفدایه کاروباری سیاستی گشتیده. دوا سالهکانی تعمنی خوی به گرشمگری
له نام بارزانیدگان دا پیسیر برد و، له سیرهای سالی ۱۹۹۹ دا نشورشی تینی بر هیا،
مکرمت به هالیکزیتمر گرزایده بز نمفزشخانی تین سینا له بعضداد. روژی ۱۱ به
کانزی دوسی ۱۹ له نمفزشخان تریم دوایی کرد و حکرمت تعرمدی به هالیکزیتمر
هنایده بز بارزان و لعری ناشتیان.

بانگدوازدگس شیخ تعصد کاریکی گدوری له بارزانیدکان کرد. زوریان وازیان له مستخا هینا. صفلا مستخا تاریخی بارزانی به جی هیشت. روی کرده چیاکانی باریان استخا تاریخی بارزانی به جی هیشت. روی کرده چیاکانی باریان، لو کاندا علی حسکتری (که هورسیکان تمندامی کرمیتمی ناومندی بوز) له بادینان بون. له گل میلا مستخا یمکیان گرتبود. میلا مستخا علی جانبادرین، به رویرگرد، میلا تروکیا تاماده نبر به پهنابدر ومیان بگری، عبلی حصمتری نم رازی مملا مستخای درکاند، له یعر تروز و رقی مدلا مستخای

شیخ تعصد قریرانی تفادگرد مقلا مستحقا له نارچدی بارزان یی، معلا مستحقا له ژیر گرشاری شیخ تعصمهدی برای و جمیشی هیسران دا یه ناچاری روی کسرد نارچدی پالدگایدتی، دوری محققری رایات گیرا، پاش تایلوقدانیکی دروز گیرا، تصد نارچدیدگی فرازانی نازاد کرد.

*

خامزشی بالی یه ستر نارچدگانی سلیسانی و کمرکرک و هنولیردا کیشنا پو. هیچ چالاکیدگی پیشمبرگایی، سیاسی، ریکخراودین گزنگی تی دا نعما پو. مغلا مستبطا تم خامزشیبهی به ومرتامتربیدگانه دانشا که ستوانی پارتی ریکیان خستوه پژ تعوی جمیش دمستی بدتال پن پز تیکشگاندتی تور تمحسد تزلیق، ریستری حیبزین دیسترکالی کوردستان و داریکاانی، دنیق مثلاً مستمطایان تعدا دری حیبزی، گنونند درکردنی پلارکراردیک به ناری ددیستان بارزانی، تم پلارکراردیه تعرضان کرا بی پزستایشی سعرکردایتش بارزانی در شکاندی سعرکردایعتی پارتی در افراگردنموی ناکزگیههاگانهان هدارای چالاگی پشتمبرگدگانی بادیتانی قعه تکود در ترانج و پلاری له پارتی تدگرت. راستیدکنی مزی نم خامزشیه تیکشگانی ریکخراددگانی پارتی پر، ندک مرتاسموی

كزيرندوى كزميتنى ناوهندى

له مانگی کانرنی یه کسی ۱۹۹۱ دا زورایش تندامانی کرمیشدی ناوهندی پاش چند مسانگ له یه ک دابران له گنرندی هستودالان له نزیک چنسی ریزان کنتر بونموه، لم کذیرندومهدا برباریان دا:

- جولاتنوه که له پاوش پگرن، ریکی بخشود و سنرکردایش یکس.

دروشس دیموگراسی بؤ عیراق و تؤتؤنؤمی بؤ گوردستان بمرز بکمندوه.

- باردگای م س دایتین و . ریگنوشتوینی دمرکتردنتودی ضعیات و بلاوکتراودکانی پارتی دایتین.

مدلا مستنقا بز پاریزگاری عالی عنیدوللا له گاراندویددا تاقمی بارزانی له گلا تغییری دومتو بهانیهدک له نارچهی برادوست ترش پونند جاشیدگی سولهیدگان تمین. تمی به تعقرتازن. عالی عنیدوللایان این داتمیری درای در رزژ تینجا تمی دازندود. مسلا مستنقا له سدر تم برودارد و تا بیک: دارا دارا تمکن حیبان قیادی شنروش بکا اکمه ترشی شدر برن له باتی تموی قیادی شدوکه بگا، خزی پیس کردرداه

پارتی درای تمو کریونمویدی کرمیشنای ناواندی کمارته خزریکخستنده و خز سازدانی پیشمهرگفیی و ریکخبراوایی و راگلهاندن و الق ر ناویهاگانی ریک خستمود. ریکخبرای شاردگانیشی به نهیتی زیندو کرداوه و . له هندی شار پیشممترگانی نارشاری امامترزاند.

پارتی له ناو پزلیسدگانی هنولیر و سلیمانی دا ریکخستنی زوری دامنزراند بو.
له دمورینری نبورتی ۱۹۷۲ دا به پارمنتی تموان دنیان مصفقیی له قنزاتمانی پهرارتا،
پهنجرین، قبرداخ تازاد کرد. سددان پارمیه بهکی دمس کمرت رد دنیان عمریف و سددان
پزلیس د، چندین تفسسر ماتند رنزی جرافتودکسود، نارچیدگی فراران انه هرزدگانی
حکرمت تازاد کرا. تعبه تدگفریمده بز تازایمتی و داسزنری پزلیسدگان، تمگینا کنمالی
شیخ غستریب له پهنجسرین و هستهنولوهاب تفریشی له چرارتا، کسه درایی برن به
دمسافاتداری نارچدک، تاماده تمین به خزشی مصفقدرکان تصلیمی پیشمندگه یکن،
پلکی له زیر گرشاری پزلیستگان دا تعملیم بود.

جولاتمودکه تا تعمات بمهیاتر تمهید. پارتی له سعر شیریی جنیش له دست (۱۰) پیشمسترگه، ریکی خست (۱۰) پیشمسترگه، ریکی خست و بهند جهند خیزیکی کاره خیزی کاره خیزی کاره بیشرکتاری به سرکردایهتی مامیملال له چنمی ریزان، هیزی کاره یه سرکردایهتی مطل مسکدری به سعرکردایهتی عملی مسکدری له پیترازنا، خیزی خیات به سعرکردایهتی عملی مسکدری له چیزارنا، کماری که کماری کشیسترگاند.

معلا مستبطا لمو کاتعا به نارچنگانی بالدکاینتی، خزشناردنی، تاکزیهتی.. دا. تمکنوا. نمینمنیشت ثمر جزره ریکخستنه پیشمبرگمییه بخریته نارچدگانی ژیر دسملاتی نمومو، خبزی به همسر هیسزدکستی نموت لمشکر و، همر لمشکریکی کسرد بر به چنند قراپیکنوه، سفرقزلی بر دانا برن.

تاریزایی مثلا مستنفا له م س

مملاً مستعفا له همر جیگایهٔ ک ر له همر کزر و گزمطیک دا به تاشکرا دژی ممکنشینی سیساسی، به تاپیماتی دژی تهیمراهیم تمصیده، قسسی تدکرو، تمیمی لای روزانسیوانمگانیش باس تفکرد، زور باسی لم پایانهٔ له کشیبین: و گیزانی به نار پهباره تازاکان دا» ی روزانموانی تعمیمگی دانا تادم شبیت و، کتیبین: و شعری کورددکان» ی روزانمواتی بعربتانی ددیقید تادمسین دا هیه، جنبری ناشیریتی پی تعدان و ترهمی

له ناو جرلانتو،کندا په کردنوه دو سترکردايتتی و، دو شپونۍ جپاواز له ريکخستن د پنريوبېردني جولانتو،کندا هېور:

یه کیکهان، سعرگردایش مفلا مستنظا بو، که شرینیکی دیاریگراوی نجر، له نارچهگانی یالدکاینتی، خرشناودتی، تاکنزینتی تهگمرا و، لعویره سمرگرداینتی همسر هزرکانی بادینانی تمکرد.

تُدی تریآن، ممکنتهی سپاسی بو، که پیک هات بر له تپیراهم تعصید، نوری شارمین، عملی همپدرللار. که پاردگاگایی له تشکنوتی مالومه بو، لعربوه سنرکردایشی همتر ریکخستندکاتی پ د ک و پیشمعرگاد*کاتی س*لیمانی و کترکرک و هعولیری تمکرد. کمرت بو، دمرکردنی وخهات و بمیان و بلار کراره.

ملا مستغفا، یم گفرانه، جگه له ناوچهکانی یادینان، چزمان، رمزاندز، شغلاره و تارادیهک قلادزه و رانیدی مینا یوه ژیر دمسلاتی خزی، له شریبتیک دانشمعزیا گلروک بر. له معلی در سیمستی معیر: یککسیان، خزیاراسان له هبرشی تاسمانیی عیبراق. درمیان، تمیریست به شبتمی و متنگار به هنگار تغلگ یه م س هطپچنی و، تاریهکانی گیر دمسانی تعرایش بهینته تر دمسلاتی خزیره.

پزچرنی مملا مستعقا پز حیزب، ودکر پزچرنی بر بز عنشهرمت. چزن تغنامانی عمشهرمت تین بی چین و چین گریزایعلی غنرمان در نامزدگاری و کسمکانی سنورگی عمشهرمت بن، تین تغنامانی حیزیها، به عنمان دلسرزی گریزایعلی غنرمان در نامزدگاری و قسمکانی سنورگی حیزب بین، لموطی گغرابردو بز عیران له چغند کور و کیارتزداد نمیرد: دس شای باریتانیا نیم رهزیکی بی دسملات بد، یا سعورگی حیزب نامگر سمزکی حیزب برم تعیی سمزکیکی راستطهنه بها به له منیش منهستی تعوه پر همر دهسلامکان له دهن خوی دا یی و ، هیچ کاری بی تاکاداری و رئزامندی نتو تدکری. له ولاتیکی دواکموتری ودک کوردستان دا ، هیچ سنریک نبه یز دهسالاندگانی وسمزلکی راستهنه ».

م س لدر مارمیدا تمشکدرتی ماارمتی کرد پر به باردگای خزی. سترکردایتیدکی ناوشدیی سیاسی، پشمسرگلین، ریکخراویی، راکنیاننتی دامغزواند پر، به دوگای پیشا له گما همدر هیزدکانی پیشمسرگد و الدکانی پارتی پسرمندی رازاندی همیر، تهیمراهم تعصده به پیچهرانتی مفلا مستشفا، له شریتی خزی تنتجیرلا، به دریزایی تعر ماویه سعردانی هیچ نارچه و هیز و اللیکی ندکرد.

روژنامدی داشوره ی پعفدادی که سعر به قاسم بر، تصریکا و تطانهای روژنادای تاوانبار کردیر بعری تعیاندی مصطفی شورشی کررد له کوری گشتی نفتود یه نگرتردکان دا باس یکند، روزنامدک سطیری تصریکی کفله بعفداد دمرکراو، تیتیهام تنکرد بعری له کونفرنسی دیپلرماتهکانی تعمیکا له تمثینا خدیکی پعیرهندیه بر تم بعسطیه، سطیری تعصیریکی له صورتیرانی ۲۲ دا معرالحکمی به توندی به دول خمستسعو، وتی: دولانه یه گرتردکان بایمز به شورشدگای معلا مستخلی بارزانی نادا و هیچ نیازیکی نبه تم مصطلعه بخانه بدوسی نمتوه یککرتردکان

بيروندي له گول ثيران

صالح پرسفی له بعضاد له گعا سنفاردتی تیران پنیردندی داستوزاند. به دوای
تمعدا شمستدین مولتی له خانطیندو به تهیتی چره قسری شیرین و گلواینوه بهغداد.
زمیندی دروستگرفتی پنیردندی له گفا برزان ساز رسالی ۱۹۲۳ عرصتر مستعفا و
عملی عصاکتری نامدی مطلا مستعفایان برد بز تیران، تیران به نهیتی پیردندی له گفا
می دامتوزاند و تفلسمیکیان بز پیردندی تاریخ ایران تیمانیش تعورصان رویبان کرد
به بدربرس پیردندیه کاتبان، پیردندیه کاتبان زفر به نهیتی و له گفا ساواک بور تیران
چاویژشی لی تکردن تازوقد و داوودرمان و کدوستین چاپ له بازاری تیران بکرن و له
سنویکی تصک و نیزار اودا عاتویزی در دوره یکنن، بز یه کمین جار کعمال فوتاد لم
مروایکی معران کوردستانی کرد.

مهلا مستبقا تعمی پی خزش تعیر، تعیرست پعیرشنی له ریگیی خزیمره یی.

پهیواندی بدعس و شورش

پدردی حییزیه قبدوسیدگاتی صدرهب له عیبراق دا له ژیر دروشسی: ویا اعتداء الشیدرهبه الحندا و ریک کفوت بین معبدرلکاریم قاسم بروشیان، تدکیری به تاشکرا له پنیان و ریکزرردادکانی خوبان دا هیرشیان تمکرده سنر شیروش کورد و ر به پاخپیرتیکی کوزنهدرست و شمیری دهستگردی قاسسیان دانفا بز دروخستندو و لیمانی تمانست تندوربهرستدگانی عمومی، یکام له همدان کات دا به تهینی بهبودییهان له گفد داستراند یر. تاهیر یمیا به ریگای کاریم قدرشی له گفاء می پیرمندی کرد برد. پیک هات بین له سعر تموی: که بزرتشوی نفتوبورستدکانی عدرب هنر کاریکینان کرد بز روخاندنی قلمی، جراتمری کرود له دژیان رانعوستی و، تعرانیش له یهکمین یمیان دا دان به مافی نفتوبی کرود! بین له سعر بنچینش ترترنوس.

مانگرتنی خربندکارانی زانستگای بعقداد

له دوا حطته کانی ۱۹۹۳ ها هندی گیروگرفت له یمکی له قرتایخانه کانی به عقدادا
روی دا بر، به مسیدکان، که لیر کاندها خبریکی دانانی رپرشرینی روخاننی قاسم بورن،
تصمیان قرستدو، بر ریکخستنی مانگرتیکی گدروردی خریندگرازی زانستگای به فداد،
تصمیرکرداینتی پارتی له پوارپیسری تم پهروندیسیدا که له گدا به بیری نتدویی، به
تاییمتی بعص دایان صغراند بر، دارایان له دیمکیسی قرتاییاتی کوردستان کرد: لم
مانگرتندا داری اللسم به چالای مارکاری له گدا دالاصاد الرطنی لطلبه السراتی بکا،
پدری نعتمرمی عمرمی تم یکستیسیمان بز کرکردندی خریندگاردگانی تران خزیان نام خزیان
دامنزاند پر، حشع داری تم مانگرتنه راوستا و، خریندگاردگانی لایمنگری، لمر شرینانمی
دامنزاند پر، حشع داری تم مانگرتنه راوستا و، خریندگاری پزلی یمکمی بهش زانستی
سیاسی پرم له زانستگای به دوام تعدا، تعدامی ریکخراوی قرتاییاتی پارتی و لوزنمی به هدای
سیاسی پرم له زانستگای به فداه و، تغدامی ریکخراوی قرتاییاتی پارتی و لوزنمی به هدای

مانگرتنه که تا روخانی قاسم به نینقبلایی شهات درودی کیشا.

ئينقيلابي شهات

له A ی شریاتی ۱۳ و اقومپیدگاتی عنرمب به تینقیلاییکی خزیناری هاتنه سدر کار، عبیدولسکلام عارف پو به سوگرفتار و توصید حمسین یکی به سیرونور. بهیاتی پهکممیان خریندود، پهلام پاسی ترونومی تی دا نمبر، له کنا تعویش دا صالع پوسفی لپهرساری پارتی له یعفقا و، تغنامی م من، به ناوی پارتینوه پروسکدیدگی پشتیوانی بند میشرانی تینقیلایک لیفا سعوداکتی به: ولاوحمت ضریات تورتنا بیشیات ترونکم...ه هیشتا چارخرسی تینقیلایهکیان به لادا نمکترت بر.

روخاتی قاسم و هاتنه سعرکاری بعص لهلایین عصر ناحنزانی رثیمی قاسمبوه به خرشیدگی زورود پیشترازی گرا، لعوائد تعمیریگا، کاریدهستانی بعص له روژی یمکسی بیمکسی بیم

شعر له نیران کوردو عیران دا راوستا گفترگری سیاسی بو دوزینمودی چارمستری هیمنانه دستی پی کرد.

تسنیکا به لایدره گزنگ پر دصفلانی بعضی بینی، چرنکه سنوی دانا بر نفرزی سنوی دانا بر نفرزی سنوی دانا بر نفرزی سنوی دانی بر له هر سنویشندی کرورد، یککیک بر له هر کرنگذاش ریختانی صنبدولکتریم قالب است کمیک کنی له هر گرنگذاش ریختانی درخان با خیچ نمی لاوازگردنی همر رئیسیکی له عیبران دا دسمالاندار بی، لیبر تمور وزیری کاروباری دوروی تصریکا دین ریک تامیمکی تاراستمی حکومتی بیمس کرد که عمول بنید پکشته لایکلاگردنی هیستاند، عمورها راسهاردیهگی دسیشی بر بازانی نازد کمتر دمی بی کماکنور، عبول بنا تاکرکیدگانی خری لدگفا، دسیلالداراتی بازانی دادی دادیسات بالادا بخان.

۔ گفترگزی کورہ – ہنمس دستی ہی کرہ۔

به ترینترایاتی مملا مستعفا و سترکردایاتی پارتی منامجملال چر یو بعفیاد. ستراتی تینقلاباکای بینی و ، یز به دسهیاتی پشتیرانی عدوب چر یو قافیره بز بینینی ستروک عبدولنامر ر ، یز جنوالیر یز بینینی ستروک تحمد بن پیلار-معلا مستعفا تم سفتری بی خزش تمو.

روژی ۵ ی مارت وخشی حکرمت که پیک هات پر له: طاهیر یعنیا (سنوکی تمرکانی جیتی) و فیزناد هارف (وزیری دولت) و عنلی عنیدو سلیمان (سنفیبری عبدال له واشینترین) چرن بز تریک رائیه یز دیننی مثلا مستعفا و سعرانی شؤرش. خراستگانیان دائی، گراندو بغفاد.

حکومیت تصبحباره دودهندی شبخصیی» نارد. رژانی ۷ و ۸ ی صبارت روضده شبغیههدکاری حکومت له چوارقررزنه له گامل مفلا مستنطا و سنوانی شورش چند جاری کزیرنبود. له ستر هندی شتی ستوهایی ریک کنوتن.

یمص تمو بطیندی به کسرودیان دایر سسیاردت به مساقی ترتونومی به پیساتری نالهاری مطرمتریم سیاسی و، تارازی برتی ناصر و ناسرپهدگان نعینایه دی. تصغش یدکسیز بهباشکینی بر - جدال الاناسی لنو پیشدکیپندا که بر کتیبدکدی منفر مرصلی: وعبرب و اکبراد به نوسیترینی له زصانی سعراتی بمعسبعود، به تابیعتی عملی مسالع معدیرد، دان بام پنیمانشکینیدا تغنی.

بعصبیدگان، له مارهیدگی کورت دا: شپرهیدگانیان پاکتار گرد و، قنومیدگانی هارختیاتی غزیان له کار دور خستمره، تهانریست تا به تعراری جیگیر تبین و هزرگانی خزیان ریک تعقبندره گلیجیدلی کورد پیلایتن بکدن، به تاییمتی به هیرای تعره برن له سرویاش بعمس کارویار یگرید دس.

له . ١ ى مارت دا والمجلس الوطنى لقياده الثيره بديانيكى دوكرد يز ليبوردنى تنواننى و . . قاموا بالحركه المسلحه الكريه فى المطلق الشساليه.. و و . ورقى ١١ ى مارت يديانيكى درمارى كمستمى كورد يلاو كردموه مافى نتنومى كوردى له ستر پنجيتنى ولامتركنزى مسائند و . . يقر المقرق القرصيه للشعب الكردى على اساس اللاسركزيه، رسول ينخل هذا المبدأ فى المستور المرقت والدائم عند شريعهما. . . مشع جستزرمهیدگی کسوشندی پدوکسوت. سکرتهسرهکستی و وسیارهیدکی زلد له تعقاماتی سدوکردایدتی و کادره تاسراوهکاتی گیران و کوراراد. تعنیا جهگای که تنهانترانی خزیاتی تی دا بگرندو کوردستان بو. زلویان رویان کرده کوردستان. له کوردستان به دو جلار پیشرازییان کردن:

– منهلا مستقبطها به خبزشتیسیشوه پدرد پیسریان چو، دالدی دان و ، مساوی خزریکخستندری دان و ، پیریستیهکاتی دایین کردن

مدلا له متش چند میمستیکی هیر: یدکسیان، له ناکزکی دا له گفل م س حشع به لای خوی دا رایکیشی. درصیبان، لبو ریگایتره پشتیرانی یدکیتی سزقیت و حیزیه شیرمیدگان به دص بهیتی.

- م س کمونه تعنگ پی هطچنین و چهک کردن و گرتنهان و، له چیند جیگایهک که به چهکداری لی ی کو بریونموه چوه سعریان.

كرنگره له كؤيه

معلا مستخفا تعیوست دصفلاتی م س لاواز بکا. بز تم معهمسته وماربیدک له سعرانی خیل و کمسایعتی کوروی بانگ کرد بز گریرندوبهدک له روزانی ۱۷ تا ۱۹ ی مارت له کژیه، عقدی له سعوکرددکاتی پارتی یش بهشفار برن. لمم کزیرندویش دا سفلا مستخفا ناروزایی خزی له سعرانی پارتی دویری. ناکزکیهکه که تا تعوسا شاردراوه بر تهتر ناکبکرا بر

نم کزورندومهدا خواسته کانی کورد باس کرا و، و هدیک له چند کسایمتیه کی ناسراری کورد به سورگایش ماجهالاً پیک هیزا بر گفترگز له گف بعضاد، ثم وظه چرندوه بر بعضاد، یادداشتیکان تاساده کرد و، سافه کانی کوردیان له روانگمی کوردمود رین کردمو،

چنند جاری له گفا وطنی حکرمت دانیشان. باری سفرتجیان جیاواز بو. بعص پرژای لاسترکنزی تیناری تاماده کرد بو، تصانیش پرژایدکیان تاماده کرد بو به ناوی حرکمی زاتینوه که له راستی دا حرکمی فیترالی بو. دیار بو تم دو لایننه ناگنته یهک، به تاینتی دوای تعرص بعص له سوریاش کاریاری گرته دصت.

یعمی خزی تاماده تمکرد یز هپرشیکی فراوان بز سعر کرردستان. هعرالمکاتی تم خزنامادکرونه تمکیپشتموه سترکردایتی شورشی کرود، مامچندلال بز نم معیسته ستردانی تمصند حصنین یمکر و طاهر یعنیا و سترانی بعصبی کرد بر. لای یمکر پنژاری خزی دوبری بر. یمکر تینکاری کرد بر، بز تعوی دلیبای یکا به صاصحبتلالی دت بر: واخون مرضی وما اخزنگاه

بنصن غزی به حیزیبکی وصنعوی دانشا. هدر یتو بیانرمشتره کنوند دژایش قاسم و پیلانگیران و هنولی کوشتش. دوای نتوی کاروباری گرند دست باسی وصندی عیران و میصر و سوریا گدم بو. بز ثنو معیسته چند کزیرندوبیکی ۳ قزلی له قاهیره کرا. لعر کالندا مامیملالیش له قاهیره بو که گذایتوه له گفل چند خریندکاریکی هارویم له بعضا چرین یز سفردانی مامجدالاً، تصانویست بزانین روزتی وحطیی عفرینی یه چی گلیشتره و چارشرس گیرد امو وصفیهدا چی تعیی۱ له مامچمالالان پرسی، مامچملالا رتی: و نه تیستا و نه پاشرازژی نزیک وصفدی عفرجی نابی۱» وقان: دندگام بر۲» ثمو به دلنهایسود سور بر له صفر تعوی تایی.

مامجدلال تیزنی آد بعتسیدگان و رگرت پچی یز سعردانی عبیدرناصر. ریگیان دا. مامجدلال تیزنی آد بعتسیدگان و رگرت پچی یز سعردانی گلرت. خبریکی دا. مامجدلال ناصری پیش و چره پیروت کنزنگرهیدگی و پشتری سازاک، که تاژه له شارچها پیروده له پیروت تعیی. مامجدلال هرشیبار تشکاتوه و ، تاگداداری تشکا که تاژه له نماکیتو، بهفناد چرنکه بعص تیازی گرتنی هید. درای شم ععراله یه چند را بریکی کم بعص له تاگر یک تاریخی کم بعص له تاگری کرشی شدند. درای شم ععراله یه چند را بریکی کم کردی گرت.

تم کاری یاندی مافیا که دولت نشیر، بلکر له کاری یاندی مافیا تیچر. تسم بی یارمزیمکی قولی له لای سیاسیدگانی کورد دورست کرد. رای کرد سبزانی کورد باوبر به بلهندگانی بعض و گفتی ستوکرد،کاتی ندکتن و، گرمان له همدر هنشگار و بریار ر پریککونتیکیان یکن.

هملگیرسانمودی شمر

بدیانیی ۹ ی حزویرانی ۱۹۹۳ به بنیانیکی دروژ دالمبلس الرطنی اقیاده التوره به یه بندید التوره به یه به به بندید کی به مس شدی به التواند من لتر کاتندا عیشت له یشفناد پیرم، له ترسی گرتن له کمل هندی له هارویکاتم پیرم بر هوالمیانی و میکنادی دشتی بعولید بعرور مالوصه. هاویکاتم که له یشفنا مایوتین و الزیان گیران، یه کسیکیان: محمدعد صدیق عمیدوارموسیان، کم پیکتره خویندگذار و، له کسارویاری ریکخرادیی یاتری و فوتاییان دا هاوکار برین، درای گیرانی به تشکیفیه کرشتیان.

کاربدهستانی یعمس له بهبانی روژی ۹ می حرزمیران دا له تاکار، هبرشی زمینی ر تاسبانی کفررمیان پر سبر کرودستان دسی پیکرد، لهر کانده! هبشتا نریندوایش کرده له بفتنا بر در در نسوشی کرده بدشتا نریندوایش کرده له بفتنا بر دانرسدی به در در در در در در در در بادر هبران می بازداری میسان می بازداری بی بازداری کرد، به معزاران می کرد، که معزاران در به سدهانی کرد، به معزاران کرکرک نموند، کرد، کرد، کسربرانه بردروسان کسرکرک به نموند، کرد، کسربرانه بردروسان کسوان گرشاری می کرد به کوردن شدی کرد، کسربرانه بردروسان سدهان گرشاری بدر در به کورتن شعریکی مطلبهرساندون، کدورانکاری ایک کندی تامیکانی لاکمل بردتندوی کردانی بو سعر بهمس نمویا بر دارانی بیشتم کرد، ترکیا ریگاری دا به فردکای کرد و نامی کرد ناکی در کرد ترکیا ریگاری دا به فردکای

70

هدلگیرساندوی شدر و، ترندویری هیرشدکانی بعص ناکرکیدکاتی ناوخزی کرد به ژیروره، مملا مستنفا له عطرمنویعدا، که ناویعن بارزان کموت پره بعر هیرشیکی سفخت، هدر تبیترانی بدرگری بکا، نمیندترانی شعری بعص و، له هممان کات دا شعری م ب بکا.

يعمس و سؤقيت

دمسملاس بعص له تازموه کنوند قنتلوهامی شیدهیدگان. تدگیرهان له کاری پسیهور و شاوناگسانی سترفیستی و و راگرتش ریکلونند تابوری باززگانی، تدکیسکی، روشنهیدکانی سترفیش - هیرانی سالاتی ۱۹۹۹ - ، ۱۹۹۱ و ، هدولدانی کریش چدک و تفاقی جدنگی له بنویتانیا و ، کردننوی دمرگای کار بو کرمپانیاکاتی بدریتانی، تسریکی، نشانی و آیارش،

العدوروش، هرشیکی فراوانی پروپاکنندی داری وتیستیمماری شیرعی، سرقیتی ر ولاتاتی تعروبای روزهلات دهی پی کبرد، هعرفی دا پهیوطنیدگذانی لدگسا، تیسران ر تروکیما و دولتانی تعروبایی روزانار باش بکات، دانی به کویت دا تا و، بعینی لدگسا، معمد ترکیر.

یه کینتی سزقیت خدریک بر هصر تبر جبگه پییناندی له ۱۹۵۸ – ۱۹۹۳ له عیران دا دایمنزاند بر لعص بدا ، عیران له روی هطریستنده بدرامیتر سرقیت پچینبره درخیانی سردمی تروی سعید. مرسکیش کنوند:

- دسپیکردنی فراوانترین هیرشی پروپاگشده دژی رژیمی یدهس.

که بعص جعتگی کوردستانی دست پی کردبود، هانی صنگرلهای دا دارا له
ریکخراری نتدود پدکگرفردگان یکا، بر لیدارانی جینرسایش کورد له ژیر سایس رویسی
پیمسیمبران دا، ند خولی ۱۸ کورپرتجری گشتی دا، یملام پاش چهن روژی داراکمی
خری کشایدو، چرنکه میصر بر تعربی منسلس کورد دوراییدگی ناودبرلدتی پدیدا نمکا،
دارای له سؤلیت کرد بر تم دارایه یکیشیدو.

– کاتیک سوریا دلیرای یدرموک» ی نارد بر بارمنتیداتی جدیشی عبراق له دژی کررد، یدکیشی سزقیت ترتیکی دا به سوریا و تیران و تورکیا دمهاری گطهکومهکیی چرار ترلی دژی گلی کررد له عبراق دا.

- هبروها صامجعالان، سعروکی ترینجراینتی کورد پر دانوسختن له گط رؤسی پیشباد، که لو گاتندا له تعوریا پر بانگ کرد پر گلشترگر پر موسکر. نرینجرایش سؤلیتی له گفترگردا لهگان ماجعالا، پشتیرانی خویان له خنیاتی رجرای کرد له پیناری پیهپیتانی عیرالیکی دهبرگراتی و کوردستاتی ترترنره دا دمیری، دارایان لی کرد کورد دریژه یه خنیاتی شروشگیرانه یعا، تعوانیش بارمتی صادی و صعتنوی تعدین، همورها دستمهدگی ترینجرایمتی ب د ک یان به سغرکایش سکرتبری پارتی تبیراهم تعصید پانگ کرد بو سیدرانی بهکیستی سؤلیت، تاموزگری برونتجری کوردیان کرد، که پیپرندیکانی خری لاگل دنیا فراداتر یکا، یکام پمیرمندی لاگل تیسراتیل دورست نمکا، پدیردندیکانی خری لاگل دنیا فراداتر یکا، یکام پمیرمندی لاگل تیسراتیل دورست نمکا،

دمربیت و سدرلمنوی خری ریک پخاندوه.

ونزیری کاروباری دونوری سزقیتن گرومیکر، لعر ترتده که تماورتی ۱۹۸۳ که دایری به سطیردگانی دوله تاتی تیران و تروکها و سوریا ترسیموی: دیهگیتی سنقیت ناترانی دمستندوستان رایومستی بخرامسیسار بخو روداواندی له لای خسواری سنوریخود تفدمت.

دنراکاکانی راکیانفنی سزقیتی و دورادتانی سرسیالیست و حیزیه کرمزیستدکانی دنیا لستر تم تاوازه معوالکانی جنگی کوروستانیان بلار ندگردموره حیزی بعمسیان به جینرساید دای کلی کورو تاوانیاز تحکود، و تنهانرت جینرساید و پیشیلگردنی مافدکانی مروف بدراسیستر گفتی کسرود له صیسراق دا ناشی به مسمسطی ناوخر داینری، چرنکه کارده صدائی حیراق بهیسانه جیسهانی کانی تداوه یمکرگردوکان و راگمهاندنی جیسهانی ی مانی مروف و . شکاندو .

مارزهبان لدگف بیکچترتی پمیرهندی عبرالی - سرقیتی، پمیرهندی تیرانی دوای چندنین سال گرژی مطهردنگانیک گرنگی تیکنوت، خاریزنبری جندگی ساردی سرقیتی تیرانی دوای و تشکیه ماسیردنگانیک گرنگی تیکنوت، خاریزنبری جندگی ساردی کریاه که تصریکال ساردخدگانی خوی بهبی و وامندی و برامند و برامید او تعریکا به سیاستی خوبان دا پروندانی سرقیتی له به سیاستی خوبان دا پروندانی سرقیتی او تعریک له هارستنگی له نیره نمولی دا جوریک له هارستنگی له نیران پمیرهندیکان لمگف تعریکال لدیگ به کیستی سرقیتی سرقیت یکا، دو کموند نیران پمیرهندیکان تعریکال لدیگ به کیستی سرقیت یکا، دو کموند مدلانی درستکردنی پمیرهندی تامیری، بازرگانی، تدکیکرد، لدیگ به یکیس سرقیت . له درستگردنی پمیدهندی تبسعزا کرا بر درستگردنی بهنداز در در تهمدهای کارا بر درستگردنی بادارد در تهمدهای کارا بر دروستگردنی بادارد در تهمدهای کارها در پروزمهای ناودی.

سامجملال که چوبو یز دیتنی ناصر، دوای سنودانی لوینان و تعوروپا و یهکستی سزلیت، یه ریگای تیران دا گغرایغوه کوردستان.

ژماریدک سپتاتر و کرنگریستان له تعمیکا دارایان له کامنران یعدرخان کرد پر که معلا مستنفا سبردانیکی تعمیکا یکا، تدگیر ثعر نعترانی کاربعدستیکی شررشهکه پچی، ئیسراهم تمحمد و سعید عمترین شعمیتینی به ریگای تیسران دا چونه تعریها، تیبراهیم تعمید به نیازی گشتیکی سیاسی بر له تعریها و تعمیریکا،

پیرامیم تمحمد لم گشتندا، بز یدکمین جار له گفا کاربدهستانی تیرانی، به تاییدتی ساواک، دانیشت. سعوانی مزسکزی کرد و، نویندیکی تیسرائیلی بینی و، معولیکی سونهکورتری سعوانی تعمیکای دا.

 هطومعرجی ناوخوی عیراق سعولمنوی به قازانجی به کیش سؤقیت گوراپدو.

ئينقيلابي عارف

له ۱۸ می تشریتی یه کمی ۱۹۹۳ دا بعص روخا، صرصیر عبیدراستلام مارف ر
تاقیی له جنترالکاتی جهیش دستیان به ستر کاربیاری عیران دا گرت، حکومتنی نری ی
مرشیر عارف همیر لارازی و گیروگرفته کانی حکرمتنی پیشری یعصبی به میرات بز به
مرشیر عارف همیر لارازی و بود. تینهالای یه که دوای یه که روزدگانی جهیشی کلزر کرد
بود، جمتگی کوردستان بیره باریکی گران به سمر تابوری عیراقمود. له هممان کات دا
مطرفعری کوردستان بیره باریکی گران به سمر تابوری بهمستود خزاب بود، تابلوقنی
تابوری و رشبگیر و رشدگوری و روزانگردنی قمارجه کی زار دیهات و سرتاندنی همسر
خلاد و خدماتی گوردستان، خلاکی پادیشان کرد برد.

جبیشی عیراق تدگیریی شعری راندگرت پر له گلا بزرتنوری کورد، پدام یه هزی تالوگزری سعرکرد،کاتی و گیروگرفت،کاتی نارخزیده جاری له هافرمعرجیک دا نبیر به ترندوتهری جاران دورژه به شمند بطا پیرضدی له نیران میسانشی سازشی در مسلا مستخدا بز راگزیت هنر دستی بی کرد. ناصر تامنزگاری صرشید هارش کرد بر گیشتی کرد به تاکتی چارصبر بکا و، یمکیتی سزلیت و تسمیکایش، هم یمکیان لای خزیده، له همردوایان راسیار بیر، کیشانی تردن به تاشتی به لانا بخش، لم کاتدا تیراهیم تحمد و سعید هنریزی شمزینی له گشتی سیاسی بین له تعوریا، دوای تم روداره توانیش گرانعوه کوردستان، تعنیا دولمت، که تاشتی پی ناخزش بور، تیران

•

پیکهاتنی موشیر - بارزانی

له . ۱ ی شریاتی ۱۹۹۶ دا رادیوی یعقداد بنیانیکی مرشیر عارفی خویندود و . بنیانیکی بشتیرانی معلا مستطابشی به دودا خربزاینود.

بنیانیخی پشتیرانی مالا مستعفایشی به دودا خریترایاوه. یمیاندکای مشیر عارف ۹ خال بر تعمه کررتیدکمیش:

 اقرار الحقوق القرصية لاخواتنا الاحراد طسمن الشعب العراقي في وحده وطنية واحده مناخية وتلبيت ذلك في الدستور.

۲. بددان گیراوه کان و دمرکردنی لیبوردنی گشتی.

۳. گیراندوی بدربومهراینتی بز تارچهکانی ژورو.

4. گیرانتودی قفرمانیتوهکان.

ا لایردنی گزارپیوند له سدر گریزاندوی خراردستنی.
 ۱۰. دسکردن به تارمدانکردندوی ناویدی ژورو.

۰ . دهستردن په ناوندانتردنتوی ناویسی زورو. ۷ . پژاردنی زمزم و زیانی تتوانعی زمریسهکسانیسان پره په ژیر تاوی درکسان و

دەرىندىغانىرە.

۸. داناتی ریگنو شوینی گیراننودی تاسایش و تارامی بز ناوچنی ژورو.

۹. ودزاره ته پدیرهدیداره کان ناوم دکی بنیانه که جیه جی یکنن.

معلا مستعلایش له بعیانه کعی دا نوسی بوی:

و .. یز به جههپنانی تارنزی سترکزمار .. سمباره به پاراستنی به کیش ریزی نیشتمبانی و ، ریگرتن له رژانی خوینی بی تاوان و ، یز کوزنایی به شعری براکویتی و ، به هزی سایست برنی پاکی نیازی دسملائی حوکسران ، دیبارمان دا دس پیشکنری یکمین بز راگزین شتر و ، داوا له براکام یکم یکمیندو سفر جیگاویگای خزیان و یکموندو سفر کاری تازاد و سدرمززاندی پیشریان ، به صهش براری دسملائی نیشتمبانی تعدری دمس پیشکنری یکا بز .. گهراندوی ژبانی تاسایی و تاسایش و تارام بز ناریمکه و ، همگستنی هملی داننان به مافه نمتودیهکانی هاورلاتیسیانی کرودا له نار گملی عبدرای دا له یمک

لعر کانده اکه تم پنیانانه خویندراندو من له گفا، نزیکدی ۱۰۰ قرنایی له چوخناخ له کزنگردی و یدکیتین قرناییاتی کوردستانه بوم. عطی حسدی، لهپرسراری ثنوسای لقی ٤ ی سلیمانی، له کردندوی کزنگردکه و هندی له کاردکانی دا یعثمار بود. که پرسپارمان لی کرد دحیاردی راگرتنی شدر و گفتوگزی کورد و حکومت، بی تاگایی خزی پیشان دا. معلا حسستشا بی تاگاداری و پرسی م س شعری راگرت بو و، لم گفتوگزیمیش

چند معممتیکی هیو: ۱. تعیرست دستی بنتال بی بز یه لاداخستنی ناکزکی له گفل م س و، یهکلایی

کردندوی ململا*تی* ی دصملات له ناو پزراندودی کرردا به قازا*غی خزی.* ۲. کرردستان له چنند مانگی هیرشی بهعسی دا کموت پره ژیر گرشاری سمختی

تاپلرقدی ناوریمید و بهتمانی و سرتمینی پستی زور گروان و به زمصمت دمس بهگرونی بین برگروی سای به کرد برد می به تر پمصن خفاه ر خعرمان و پیرش و پاوانی کوردستانی سوتاند برد، زور شرینی بهران کرد بر. خفاک به گشتی له ژبانیکی سمخت و دژواردا بین. تعییست خفاک پشتریه کی پسا پیتمرد، هطرمدرجی ژبان له بارزان زور سمخت بر، لم رودره گرشاری شیخ تمحمدی له سد به

منیستی سدوکی مفلا مستفقا له گفترگز پهکلاییکردندردی مقیلاتی در دسدلات بر له گیفا سکرتیر و سیرکردایایتی جیزی، مفلا مستفقا وای له کاریدوستانی عیرانی گمیاند بر، که تبره هیچی تاوی، امیدی تاسایش بگفرینندوه ولات و، تعویش بگفرینندو، بهزان خدیکی شرانی به، بعلام تیبراهیم تعصمه و تعوان به هیچ رازی ناین، تمکنر تم کزسید لابیری گیروگرفته که چارستر تهکری.

معلا مستغا به همر شیرویدک تیریست، له ملسلای دا له گفار م س حکرمت
به لای خزی دا رایکیشی و ، یاروی مرشیر عارف به دهن بهبنی، معلا مستغا بز به
جبهبنانی مبعب حکالی خزی له میچ السبدیک نشلسلمیهای و در انه جی بطبیدی
نظیرنگایدن زور جبار تم قسمه و بطینانه لان چاردیریکی پیدلایدن به شسی نابتین
دانتران بهلام معیشه هاوکاردکانی بزیان به فطسفه و حیکمت و د تاکتیکی زیردکانه
ژماردود، مفلا مستخا خزی تفسیریکی تری هایر بز تم مسئلید، تیپرسی: وقسه
ژماردود، مفلا مستخا خزی تفسیریکی تری هایر بز تم مسئلید، تیپرسی: وقسه
درتیجی) یه بم تیگیشتنه هیچ دریخی نشدگرد له ستایش کردنی مرشیر هارف و رازی
کردنی دا.

- عبارف دژی ژبانی حبیزیایشی بو، به چاو لیکتری ناصبر والاقحساد الاشـــراکی العربی» دامنزراند بو. تعیش دژایشی خزی بز حیزیایشی راگعیاند.

- صارف تعیوبست دادودترگنای پنوبومبزاینتی و پزلیس بگنریشنوه تازید کراداکان، تنویش ضنومانی یؤ ضومانددکانی پیششندگه دورتدگرد کارتاسانی گنرانتودیان بیکنز.

- عارف ثهیریست پیشسترگه بلاوش لی یکنن و یگفریندوه سعر کاردکانی خزیان. تعیش داوای همان شتی لی تدکردن.

– نریندرگانی حکرمت جاریک باسی نعروزیان کرد بر که بیکان به جنازی رصنی، ملا مستط هتلی دابریه که پیریست به نعروز ناکا چرنکه ردکر به عمرمی وت بری: وانا عیدان، عید رمضان و عید قریبان»

 بز بدرپدوناندوی پروپاگانندی نیبارهکانی که: دیارزانی کنردی به پرتشال فرزشتره بنیاتیکی به کوردی دوکرد بر له چاپخاندی کامدرانی چاپی کرد بر تبی دا نرمیویتی:

رآنه گزیرنبردی پدکسی بعینی ثبسه و نریندرانی میری دا که نریندرافان بریش برن له نریندری پدارتی و معتشاید و مستهدشراتان، حکومتش عبیسراتی دانی ناده هنگی میلامتی کردراه و بر بیاری تعواری حکوماتیش نفویه که هنگی معشروعی کلیلی کررد داکر شمعیهک به تعواری بدات له ناو چرارچهردی کرماری خزشمویستی عبدان دا، وه تهمنگ گفتی سیادش سعوک گزمار به راست تعزایین و لامان وایه که همرگیز له گفتی خزی که داریتی پشیمان نابیتموه چرنکه همرگیز پداریکی پیدا و مرسلمانیکی پاک و جری ی بروایه و اظرفرد و مؤقی اودک له معدیش شدوف دا فعومیاند.

.. تهمدش ثیستنا چاوبروانی تعاجمانی تم داوایدی خزمانین و لیشمدان رونه کند حکرمتقان نینتی باشد و دست دروز ناکانه ستر حقرقی مخروعی میللنتی کرود..

له تعاجهاما یه پهیومستی تعزاتم که پیشان بایم.. که کاروبارتان که سودی گنانی کرود و ا به دهستیکی پاکی تعینبوده هنانا معنایه معاقی میالطان نظریشراوه و نظایرترشری ره له ری کنتر مطلباد بایرزانی له پیش هنصر کنمسیکنوه گیسانی له سفر دهست بره و همیشت خزی فیدا تکاک بز گافی کرودی فارسان.»

یم قسانه تمهیست حکومت لعو ملسلاتیپدها به لای خزی دا دایشکینی. مملا مستمغا له تعظماکش دا سعرکترتر بره حکومتش به لای خزی دا داشکاند و، خزی واکر تاشیخواز و، تپیراهم تعصده و هاوریکانی واکن شعرخواز تعمانته بعریهاو.

ليوا عشرين

له دوای دس پیکردنی شورشنوه لینوای عشرین به سنرکردایش زممیم صندین مستفا هیترا بره سلیسانی، تم لیوایه له درندترین کمزتدکانی جمیشی عبدان بر، زلد کسی به بین تاوان کرشت و زلز کسی بینی تاوان گرت و : چندین گرند و ناوالی دوان کرد. له هنر شعریک دا که تشکا تمگیراییوه تزلین له دانیشترانی سلیسانی تمکردمود. ناو به نار له ناز شاروا یلار تمیزندو و کریرانه تمکیروته گرتن و لیمانی خفک، که تم هیزه پلار تیرمره خلک یز تموس له گیچنا. و شعری پاریزار بی درکانیان دا تعضت و ریبرار دستی تمکرد به راکردن. خطک راهات برن که تست تیر هنرکسن بهپیرسیایه چینه! تمیانرت: و تمرز قلینشباودتموه. تعریش دستین تمکرد به راکبردن و خزشباردنمو له نار کزارمکان دا.

یعیانی ۹ حرزمیران تم لیرایه دمتع التجوله ی راگهیاند. زفر کس نعیانزانی یو واکر بزلژانی تر چیرته بازار، یا له دیهاتمکانی دعری سلیسانیمود هات بین یز ناوشار، زفری تصانه کرثران، عطرمترجی تم رفزانه تموننه سخت بر کمی نهیتموانی کوثراو و مردر بها بز گزرستان به ناچاری لد نفر حدرش مالکانی خزیان دا تعیان شاردو.

له تعلیمامی نتم معنمه تمیمولده همرکسیکهان یمر دمس کمرت گرتیان. چعند هنزار کمسی گیران. زیاتر له سده کمسیان کوشتن و هندیکیشیان زینده یه چال کردن و، نعوانی تریشیان له ناو تعویلدکانی وتاولعی سواری و ۱۵ گرت و ۹۷ سمعات نان و تاویان نعوانی.

سالی ۲۴ ثم لیترایه گریزرایه و شریتیکی دور له سلیسانی. زاحیم صدیقی فعرماندی لیراکه بیست بری له نزیک عمریت کمیتیان بز داناره. معلا مستخا شطیقی تمصد تاغا ر چند پیشمارگدیدگی له گلف تاردن بز تعودی به سعلاماتی راتیان یکنن.

تهبراهیم تعصده و سعید عنونز گدراندر، کوروستان، له گفاد تعدامانی تری م س: نوری شاومیس، عطی عمهدوللا، عرصد مستنطا، جملال تالعبانی، چرنه واتبه بز دیدنس مملا مستنفا و گفترگز له سعر جزری ریککدوتنی له گله حکومتنی عبرات.

م س له مملا مستخفایان پرسی که ناخز جگه لعر در بمیانه هیچ ریککورتنیکی نهینی دوربارس سمفاندنی منافی ندتوریی کورد له پدین دا هدیه؟ مملا مستخفا پی ی دائدگرت که جگه لم در بمیانه تاشکرایه، شتیکی تر له یعن دا نید.

م س لای رابر که تعر پنیاندی عارف خواستهکانی کرود ناهینیته دی. حکرمه نی عارف له مطرمهرچیکی تاووکی و دورکی لاراز دایه، کبرود تدکیری به هزی شمیری ه مانگای بهعینی توانزنزمی بسطیتی، بازرانی یش سور بر له سعر تعربی که وزعی سمر عیبرای بهینی توانزنزمی بسطیتی، بازرانی یش سور بر له سعر تعربی که وزعی شبک خرایه و ماندن، تاتران دیراه به شعر بدن، همرودها تدمتریکا و روس تبیاندی تعر حکرمانه نعروض و له گالی ریک یکنون.

م س تعیریست مملا مستخط قانیم یکا: یادداشتیک دریاری مافی نمتعویی کبررد تاساده یکنن و، وطندیکی خاوش دهسملات دروست یکری ینز گفتسوگنز له گما حکرمت. مملا مستخا نمهره ژیر یاری ثم دارایانعود

لدو هاتریوزیانده که تریتعرانی حکرصت تیهان کرد. تعنداسانی م س محافظی سلیسانی عبدالرزاق محسودیان پیش، بدلام گفترگزگریان بی تعلیم بور، چرنکه بهرروای مملا مستخفا له گفتا تبوان به تعواری جیداواز بر. ناچار خویان له . ۲ی مبارتی ۲۵ دا بدوداشتیکی درویان دهریاری خواستدگانی کرود دا به حکرمتی، ملا مستخفا تامادی نهر تیمزای یکا ، به وطفی حکومتیشی وت که تنو له سعر تنو یادداشته موافیق نید.

-گفتسوگرگانی بعرزانی - عبارف تاریکوپیک و بی سندویند بو. هدردولایان پیوبستیان به کات و، به راگزتنی شعر و، عمر لایدکیشیان معیستی تایینتی خزی همیر. م س له هطستگانفتی یتکنی سیاسی و پیشسفرگایی و ریکخرلویی خزی دا به

هداده چیرد. تا چاند صفاعتیه که لعزم پیش معمو بنیان در بلارکراویکاتیها بیم دیره گزتایی پی تعینا: دیتر بز پیشعره له اگر تالای پارتی مان دا به سعرفایاتی بارزانی » و اله همر شعرفانی ۱۲ دا به شانازیساکی زؤرود باسی قارصانیمتی وکاری سندی پیستم» یان نوسی بود. لایان وابر چرنکه دخویان له سعر هش» ن د، ثمره ثبتر بعسه پز روتگردنموی بارزانی له دصمالادکانی و، سازدانی خطک له دژی.

.

یز چارصندرکردن تاکنزکیههمکانی نیسران سعواک و سکرتیر، چمند کسی له کادره کانی پارتی کفوت بینه ناویتی لدواند: د، معصود عملی عربسیان، حدیب معدداد کلی، در قبلا بینها تن له گدا می کنوری موردکی ملا مستغاه باز پیکهاتن له گدا می تعرب مورد لا بیری و، مامچدال له جهگای دابنری، من تعرب قبراهی معاملات له جهگای دابنری، وی افزای تعرب ما داوایس ملا مستغاه ناکزکیها کانی کمی خار بگردایا بندو و در روداردگان بعر تا الداره خریناویه دا نعروشتنایه که روشاند. بعلام تهیداهم تحصد و را تعداساتی تری م س به لاساریها کی تفدود تم په سیاتی دشتر عبیداتی دهدرد. در کردو، له کاتیک دا زار له مید بر خزیان ریگایان دا بر به سملا مستغاه کاتیک هسزه و هاریکانی له سعر کردایاتی حیزب دیرکرد، تم شعر عبیدته به مستغاه کاتیک هسزه و هاریکانی له سعر کردایاتی حیزب دیرکرد، تم شعر عبیدته به نفستگیانی

كونفرمنسي ماومت

م من (د E - ۹) ی نیستانی ۹۴ دا له ماونت گزنفرونسیکی بمست. نزیکدی . ۷ کسمن له نینشرازی اثر و نارچهگانی پارتی و نوینشرانی ریکخبراودگانی قسرتایستان و ماموستایان ناماده پون. فوتادی مملا معصود و من به نوینغرایشی یهکیتی قرتابیانی گورستان پخشار بیون.

له فترماندگانی پیشمبرگد: مامجدالل، عرمتر مستمغا، حیلتی عطی شعریف، پیشدار نمین، له نار هیزدگانیان دا مایرندو، چرنکه معترسی عطگراندو و یاخی برنیان لی تمکردن سالع بوسفی و، حسین فعیلی، که تازه له زینفان دور چر برن، ثموانیش نمانت برد.

تهپراهیم تمصند، ترزی شاردیس، مثلا عنبدزللا تیسماهیان، له دهطری کاتی تار کرنفرش بدن، ترزی شاردیس له ردادمی بدگینگ دا که تدکیر مثلا مستخفا هیرشی بز مینان پرش تدکنا: درد، داد، سمر پرددکتری قشان رشاشی دانیمستم شمیان له گفار تدکم میکار به سنز لاشکمر دا تی بهتن،

هندی کسس پیشنیداریان کبرد روکسر دوا تطبطلا بز بعلاداخستنی سیساسی ناکوکیهدگان رطفیکی گزنفرخس بچی بز لای ملا مستطا، وعظری کان به نابعدلی و له ای گرفتاری فرایایی فرای و گرفتاری فرایایی میان کرد. رطفدکه که پیک هات بر لد: کمیداری میان خیاری، مطبل متجاری، بچر و گرایدو، هیچ تعلیاسی نامیدر مطالب تعلیاسی میدرد در این میان کرد. رطف تعلیاسی نامیدر دادنا، تمین معلی بیشترد لدو بدا و، سامیمدلال له جسگای دارش، هنر یز نام صعیصت، نامیمکل بز

ساسجمغلال نرسی بو، داوای لی کرد بر پچی بنز لای ثبو، واته بز لای دستان و له گمال دباطلء نمین و تایفتیکی فروتانی بونوسی بو که نوح له کاتی توفانهکده به کورهکمی تبلی: ویا پنی ارکب معنا ولا تکن مع القرم الکافرین».

کونفرنس بهاوی دا مملاً مستخل اد وصیلاتکانی روت یکاتبود: دسیلاتی گفت کرفرنس بهاوی دا مسلاتی گفت کافرد: دسیلاتی گفت گفت کافردنی کورمیتی عیبراق، دسیلاتی لاپردنی قبرساندکانی پیشید گوئی در در نظام کافردنی به بازی به بهتر بازی به بهتر بازی به بهتر بازی بهتر به بهتر بازی بهتر بهتر و دوکیلی میلانته به برباری دا: حوصر مستفا له هیزی کارد و دعلی عسکری له هیزی خیات و د کمال مرفقی له جیزی قبرات و د کمال نموزی نوی در کافردن اد هیزی کافردن کافی نموزی نویات و د کمال نموزی نویات و د کمال نموزی نوی معروف، رشید سندی، نوری معلا حکیم.. دایش. »

ودکر درایی تبیان گیرایمود: تنواندی له نار پیشندرگندا بین، به تایمتی مامیملال ر حیلس د عرمتر مستفاه : تیانزاتی تفری مثلا له نار پیشندرگند! به هیزد، له بعر تمود نمیان تدریست پیروندی پارتی له کلهٔ ممالا مستمفا تیک پچی، بطکر له گما، تدو، بین همرجزن بی له گفل بسازین.

بریاره کنی کزنفرش بری ته کرد و، قدرمانه کنی معلا مستنفا جههجی بو.

یه درای کسزنفسرهٔ می مساوه دا م س له ریژی ۱۹ ی نیسسسان دا ، بمپانیکی دررودروی دمرکرد به ناونیشانی: واتفاقیه الشیر - بارزانی: اصلع ام استسلام ۲ م

لم پیهانده به دروی ناوهوگی بیاندگانی مارشال عارف و ملا مستفا شی کرا پرمو در مطلق فرنهان له پروسکاکانی بز فهرماندگانی پیشمبرگد هیئا پرود و ، هزگانی ناکژکهیدکانی خزیان له گفا تنو به دروی رون کرد پرموه و ، هندیکهشیان له بریاردکانی کزنفرونس دمهاردی روتگردندوی صفلا مستنفا له دهستاندگانی نرسی بردود. همسر کارکهیان به و مؤیمهستموه دان دانا پر تدک به دریککفرتری

سمرتاری بهشیکی بنیاندک تمم پرسهاره برد دخاذا لا نشراجع اصام الهارزانی هذه المرد الله الهارزانی هذه المردی بیناندگی به المردی به شورش بدن. همسر نشر به بینی کزنایی به شورش بدن. همسر نشر جاراندی نشاید له بندوش مطلا مستخادا یکشینده دریاه به شورش بدن. همسر نشر جاراندی نشاید له بندهش مطلا مستخادا یکشینده در کساربان زمردی گستردی دا له جسرلاندوی کسیرد و له باشتخان خواند.

درای تعمیش بنیانیکی تریان دمرکرد دمهارس دستوری تازمی عیراق.

عبارف له ٤ ی تیسباتی ۱۹۹۶ دا دمستبروی کیاتیی ۳۷ ی تدمیزی ۱۹۹۸ ی دمشروی ۱۹۹۸ ی دمشروی دا تعبه دختر شده بازدی پلار کرددود. له سعردهی جمههروی دا تعبه درستبری کیاتی داننا و ، پس پرسی خطک و دمشیران بازد کیاتی تعالی در سعیران به خطک و مطاوردنی نیندازی گذار . دمسترودکمی عبارف له چار تعربی قاسم دا، تکفیری در پواتر بر ، بعلام بنز دواود چرنهکی گمورد بر ، به بیتری بازدی بر اینتی له برای ما تعنویهانی کردا .

دمیاری عفرمیایتی عیراق دمستوردگدی عارف له ساددی یدکسی دا تبلی: و... والشمب المراقی چر دفت الاما المیاییة هفه الرسط امیییة الساملة و تبلترم اشکرمته بالمسل علی قبلیتها فی اگرپ و دفت مکن مهنفته بالرسط مع البامهرریة المریبة المتحدیدی له کاتیک دا مادهی دوسی دفتیری قاسم وت بیزی: والعراق چر» من الامة المریبة،

دیم بارس ماف کاتی کورد ماددی نززده فصی دهشتوردین عارف تشق: «العراقیون لدی الفانین سراء، وهم متساوین فی الفقری والواجبات العامة لا قییز فی ذلك پسبب الجنس از الاصل از الفقا از الدین ریتمان الواطنین کافلة فی المضاط علی مجان ها الوطن یا قیمم العرب والاحواد ویک ها المستور مقرقهم متسن الوحنة العراقیة به لد کماتیک دا مساودی سهیمی دهستوردی ها قلم توسی بوی: دیقرم الکبان العراقی علی اساس من التحادن بین المواطنین کافح باحدام حقرقهم وصیانا حراتیم بوعتیر العرب والاتحراد شرکاء فی طا الوطن ویار طا العسور حقوقهم القرمة حسن الرحنة العراقیة »

هندی له هملهکانی م س

م س له ماودی چند سالی رایرودودا هندی هطفی تاکتیکی کرد بر ، بز چدکدار کردنی هیزدگانی چدگی له خطلک سیند و ، همر کمس چدکی همپایه لی ی ومر تدکرت، تعمش ترومونیکی زیرم خرافاند بر ، له مصر دیهاندگان دا زدکانی له جوتباران تصیند و ، تایرنه در بازممشی له سمر دانا برن ، له همسر گرزندگان دا دارای له خطک کرد بر هزری نزنداره چیک بهبان که تمیر تعرفی پیشتمرگایشی به دی بهبان.

م من له گفا هزدگانی خزشی رفتاری باش نعبر، به پهچعراندی معلا مستخاره که همسیشه له گغران دا پر به نار خفلک و پیشسترگددا، تعران له تشکیرتی مالرمه و درایست له گغران دا پر به نار خفلک و پیشسترگدد دو تشکیرتی مالرمه و درایستر له همیسانی دایان کردا پر و ضعرامانهای نیز پیشسترگد دو تعرفی چارصدیان بدن. و دکو پیوست ریزی فعرماندهانهان نشگرت، به تاییدتی معندی لعر تخسیراندی له نازش پیشسترگددا کنوان بخراند بود له پارمستیدانی پیشسترگددا کشرکردی زور همیر، به چند مانگ جارک پارمشیدگی کم تعدران

نمیاره کانی م س

میلا مستنفا زیرهکانه توانی ناموزایی خطک و پیشستهرگاه و حقدی له تعندامانی پارتی و، ناموزایی حسشع و کسال یک و حبسیتی دیسسوکسرالی کسودمسینسان و مستوایی عمصیرتشکان و، ماندو بیزتی خطک له شعر و تابلوقین تابیوی.. بافزایشتود

ستركرهايدتي تبيراهيم تعصمه جگه له معلا مستعقاء له ناو كوردستاني عيراق دا،

چند دوژمنی تری همور: – نارازیهدکانی نار پیشمبارگه، به تاییمتی هندی له تطممردکان که پیکنره به نهینی ونکتل: یکیان دروست کرد بو.

سی در حشع. ناگزگی پارتی و حشم کرن بور، حشم پارتی به حینیبکی بورجوازی نیتوییی دائنا، پارلی پل چهند جاری دارای هطوشاندنبوی للی کوردستانی حشمی کرد بر. لد دمههکردنی شؤرش دا حشم عطیستی سطیی بو. لایمنگردکانهان له هندی شرینی کیروستان چدکیان بز حکرمت له داری شورش هدلگرت. که تبتقیبلایی شریات فعرصانی قملاچز کردنی بز دمرکردن، ریستیان له کرودستان بنکه داینین و هیزی چهکدار پیکمره بنین، مطارستی مثلا مستطا و ماکنیی سیاسی لم مستلیبدا جیاراز بر: مثلا مستدخل دالدی دان و، کیاراناسانی بز کردن، بهلام تیسراهیم تصمید ریگین ندان، پنکهکانیان داخستی و چهکدارمکانیان چهک کردن. له هندی شرین شعر و پیکادان روی دار، له هنرو لا گرزان،

 کاژیک، لدونتی دامنزوا بو پارتی به حیزپیکی نانتشویی فعریکه سارکسی و.
 پارتی پش نموانی به دکوروکوژه دائمنا. لایان وایو هطیکی له یار هانزنه پیشموه بز زال برنی بالی نمتمویی و تیکشکانمنی بالی مارکسی له جولانموی کوردا.

 - حزیی دیسرگرائی گرودستاتی ثیران، تحسد ترفیق ر کادر ر پیشمبرگدگانیان زور به گرمی پشتیرانییان له مملا مستخف کرد، هنتنی له ناسه و بهاندگانی مملا مستخف تصان تهانشری، له سخگصم ثمان برن به تیشکگری گیراوه سیاسهکانی سعر به تیراهیر تحسید.

به عیراقیش دا حکرمت لدر ملماتهیده پشتیراتی له بالی نمومی مملا مستعفا نمکرد دژی بالی ترتندوری تیمراهیم تمحمند و، له ناستی همومی دا عمیدولناصر و، له ناستی جیهانیی دا یمکیتی سرقیت و تممیریکاش پشتیراتیبان له چارصدوی ثابتی تمکرد رد هنگارکانی بارزانیهان می باش بو.

هاریستی سزایتی له ثینقیلایی عارف

دسهٔ لاتی پیمس تغیآ ۹ مانگ ژیا آله ۱۸ ی تشریتی دومی ۱۹۹۳ دا مارشال عبدالسلام عارف که سنزگرصاری عبدراق پر لدستردمی دهستلاتی بدعس دا ، خری تینظیلایکی ساز کرد ، حیزی پدعسی دور خستدوه، رژیبی نری دستی له دوژمنایاتی سزقیت عشکرت، پدیردندیکاتی عبرالی لماکنا، میصر باش کرددرد، هدوردها پدیردندی عبرالی – سرقینی پردود تاسی سالاس ۱۹۹۵–۱۹۹۳.

ته گروکفنی سزقیت بر پشتیرانی بزرتندوی کرد له عیران دا دستی پی کرد بر به تعراری نیشتمود و تفر پشتیرانی تانگرایس که صفع ی تعکود نمویش سنویکی بر داترا، سرقیب تمیریست رویسی نری بینی و جمینگیر بین، بهکیپک له گردنگسرین داترا، سرقیبانی حرکمی عیران مصلفی کرد بو. سرقیت له بارزانی راسپارد کیششی خوی له گفا میران به خرشی لایملا یکات و، شعر له گفا عیران رایگری، همروبها له ریگای ناصروه له موشیر عراقیان راسپارد که کیششی کرد به ناششی عارصیت یکات و شعر له گفا کرد رایگری، تعانمت تاسردگاری حشع بشیبان کرد و ریکخسسته کانی خری فلایک کیدو و بهیشه ناو والاهاد الاشتراکی العربی، یه که موشیر عارف له سعر شیدری میسمر خدیکی دورستکردتی بود. کدونده چهکهارکردتی جدیشی عبدرانی و ، کدوندو جیسیمی کردنی تم و پردانین تعوان نمویین، چگه له سرقیبت، نمسیکاش له خروشوک بارزد بود شر له گفا عبران بردستین و کیشتی کرد به ناشتی چارصد یک! خروشوک بوردخیکه کی کورنی بو مرشید عارف لهدا سیاردت به راگرتنی شد خروشوک بوردخیکه کی کورنی بو مرشیس دار لهدا سیاردت به راگرتنی شد لدگاه کررد. بر تعرض تای تعرازی ململاتی ی نارخری ثم در بالی نار یدک جرلانده به فازاغی بعرازدخنیدکاتی خری، واته جبگیر بعرتی تارام ر ناسایشی رژیم له عیماق دا. یعلاه بغات، لمیانی تموی عمولی رفکهستنمون عفرد یال بنا، به تاشکرا له دمژگاکاتی واگنهاننتی سنزههیدید پشتیبراتی له کاردکاتی بارزائی کردد دژی بالدکتای تر دوا که به قسای تعوان: دفاییان تمکرده تائین تهیههالونیده،

پشتیبوانی سزقیتی له بارزانی دیاره هم قسه بر، تعریش بر تبود بر پالی پیره پنین بعره بر پالی پیره پنین بعرم ریکمون لدکناه عارات، تم پشتیبوانین بارزانی به دریزایی . ۲ سال تعبیریشی کرد بر هیچی لی سنوز نبیر بر، له هممان سال دا بارزانی له بعرامیم و وارده و و و چدک کرد بر هیچی لی سنوز نبیر بر، له همان سالی فریشت. بارزانی له سنوریکی دیارخاردا ریکنی دادید به برتی سیاسی و چدکناری حقی له لنوی بهتانگانه دستگذی هموشد له تیران و تعمیکا، یکیکی تریان بر تعمیک بیکیکی تریان بیکیکی تریان بیکیکی تریان بیکیکی تریان بیکیکی تریان بارزانی لدگیا و اداره کار (۱۹۹۷) و بر نبیره بیکیکیتی سرقیت، بهتیبارتی پهرمذی بارزانی لدگیا تیران (۱۹۹۷) و تعمیدانی تاشکرای بو دروستگردتی پنیرهندی لدگیف تعمیریکا، سرقیمتی و ایکرد که تیتر بارزانی وکی سالای ۱۹۹۱ – ۱۹۹۵ فعرامرتی نبیرهندی بدودواسی لدگیف همی، جارزبار راسیارده،

کزنگرای شعشم

ملا مستغا بز تفری دشترهیبت ی حیزی به بهاردکانی خزی به پیرستی به پشتیوانی سعرکرهایفیدگی تازه بو ، بز تعر سعرکرهایفیهیفی پیوبستی به گرتش کزنگری حیزب بو . پیروی تارغزی بارتی دمدان پیروی کزنگری تاشکرای پینجم بو له پیفیدا ، که تا توسایش کاری پی تکرا . لور پیروده دهسلامکانی سعرزک ، سکرتیب ، کزمیشی تارفتی، کزنگردس کزنگره ، دیاری کرا بو . بهستنی کونگره پیرسستی به هفتنی دیسیهاین و ریرشویش نیزامین بو ، بلام مغلا مستخا تهرت ، وتدگیر بلدی تمصرض بترانی پیروی نارخز دایش، من که سعراکی حیزم بزچی ناترانم بیگزرم ای

ملا مستنفا بی تعرض گری بداند مدرجه دیاریکراورکانی تار دپیرنوی تارخزی بز پستنی گونگری شمنصص پارتی، له ۷ ی تنفرزی ۱۹۹۵ دا قدرماطیسه کی تیکما و پیکنلی . . ۵ کسی نه قبلادزه کر کردبود، دنندیکیان تعتبامی پارتی بون، بعلام زلایان تنتبام تعیون، یا معرجه کاتی بعشداریرنی کزنگردیان تی دا نعیو. له تاو تعواندا تعتبامی کارک و حضم هیو.

لم کزنگریندا له تغنداماتی کرمیتن ناودندی پیشر تغیاد عاشم عظراوی، صالح
پرسفی، عنبدر فسین اعیلی، نوهسان عیسا بارزانی، تیسساعیل هارف، به شدار بون،
سالع و منبدر فسین تازه له زیندان درج بون، منطوم نیز سالی تنداماتینان ساوه یا
تد ۱۵ کس له سترگردایشی پیشری حیزت به تاوانی خیانت در کران، لعراند: ثیراهم
تمیدن تروی شاردین، معلی معبدرلا، عرصر مستطا، جعلا تالیانی، حیلسی معلی
تمیدن، دری شاردین، معلی معبدرلا، عرصر مستطا، جعلا تالیانی، حیلسی معلی
تمیدن، دری شاردین، معلی معبدرلا، عرصر در معنی معبدرلا که لعر تاریخیدا بین

همردوکیان دمس به سعر دانران. سعرکردایتیمکن تازهی یز حیزیمکه دانا له: حبیب کمریم، د. معمورد عملی عرصمان، صالع پرسفی، تیسساهیل هارف، عبدولی سوّران، صدیق تعمین، عبرمتر شعریف، شیخ محداعدی عدرسین، عنزیز عنقراری، داشم عنقراری، د. فرناد میلان، عملی ستجاری، یعدولاتی فیلی..

هدوردها پرپاریان دا پچته سدر وتیمپراتوریدتی ماردت و دکو مدلا مستبقا پی ی

صبيب سنحستان كساري، له نامسيدك داكسة له ۱/ / 0 / 1/36 و ايز شعبستان مولتي دمياري عظرماري تو رؤزانه ترسيويتي: وقان البارزاني ومن يتهمه من البسطا - والتناخرين عقلها والاتفهائيين في واد واخزب والتناصر المدركة الرامية في واد اخر، وهو يعقليته الفردية العشائية الاتطاعية متفتى على مجسوعة من الإجراءات الملتيئة مع الحكومة، وإن توانه تهاجم مقرات الحزب وقريعه وتعقل الاعضاء البارزين وتجرد الكرادر من المستعهم بشكل في يعض الناطق لجانا معطية - وادد صائفية - وفق خطة تهدف الى تكرين حزب مطبع له طاعة عمياء يكون اداة في يديه يستصلها كما يشاء ويريد..»

حبیب خزی بر به سکرتیری تم حیزیدا

درای تم کوزنگرچه دوسملانکان په تمواری کموته دمی مملا مستخف و ، دنزگا سعرگردبههکانی پارتی، تمگیر لبودو پیش ودکر دا بردنگا (مزسسات) کشی دوسلات و نرخیهان هیرین، تموا بین به قعواردی بزش و کارتزنی، مملا مستخفا به تارمزوی خزی تمهگزین و ، هلی کصوراتدن و ، بز گفتوگزیش تموانمی تمنیدوران ودکو نوینمری مملا مستغل ندوان، دک ودکر نوینمری جیزب یان کلین گورد.

مملا مستعقا به دریوایی سالاتی ۲۵ – ۲۹ له گدران دا بو. نارچه کانی رانیمه. قسفلادزه، درکسان، چرارتا، پهنجسوین گسترا، به روژ تعترست و، به شسعو دانخهسشت بز تماهامدانی کارهکانی.

خزی وا پیشان تعدا پیاریکی خارمن باومری تیسلامه. ریزی زؤری له مغلا تمگرت و، لایمنگری تموه پر شعر ر کیشه ر ناکزکی له سعر پنجینتی وشعره، چارسمر یکری. له همان کات دا یه دزی خملکنوه ومغیریات، یشی تعقرآردم.

ناری هپچکام له کروهکانی، جگه له دلشاه، کوردی نیه. هارسترهکدی تبدریس در کوری پیکتره تمین، تمیانعی مملا مستطا ناریان لی بنی، مملا مستطا دارا تمکا ناریان بنین دوارلکفاری د و تبدریان تبدریس تعربی متالمکانی له پاشمروژه! بین به گالتیپی ساتان. له تاوا پننا پز یمکی له هارکاره نزیمککانی مملا مستطا تمیا که یملکر تکای لی یکا تاریکی تریان بز پفزینمود، دوای رجا و تکا ناردکانیان تمکزرن.

تر کاته هیشتا زور کس نخشارهای مهلاً مستعفا بین، له کاتی گفترگردا که پیاترتایه: ومامزستاه، مثلاً مستعفاً تیرویر جنیوی تورسی به کابرا تعدا و، تینجا تیرت: وین مامزستا نیم، عملی مبدوان مامزستایه، تیهراهیم تسمعه مامزستایهاه زور کس جنیوی پیسیان طراره تا فیر بین له باتی وشدی مامزستا وتنهننی» بان وتعز خولام، به کار بیبان،

له دانیشتنه کانی دا همیشه چنگز و هسان و داری له لا بو. به دم قسه کردنموه

خعریکی تاشینی داردکه تعبر. دارجگدردی لی دروست تدکرد و، ناو یه ناو تمم دارجگدراندی بز یادگار به دیاری تعدا یم و یعر.

زلد شداردزا بر اه آیاتی لادی و، دل و دعورتی دانهشتسرانی دیهیات و کداریباری معشهبردندگان دا. تمیزانی چههان له گمل باس تدکیا و چونهان تعدینی. خفریشی زلار سعرگرفشته و چهرزگ و قسمی پهشینانی نعزانی، حمزی له سراری و، له واگرتی تسهی رصت و معردلری بد. رحوص تمهیه و رانستری گعروی همیر. خوشترین رابراردنی رایی بدارد رایی خدگرو بی، خد گرد گهانداریکی خشوکه دوکر قفری و یزاود، لای همسر بارزانهگان گرشتی دوکر تمرکیکی تاثین را بو.

که پیوبستایه ثانهایه ک یان پهاریکی دسرویشتری نارچه که نابرت یکا، هیزیکی گدوری له کلط خزی ثعرد و، به ناری دوستایهتهوه ثعیر به مهرانی. چند روژی خزی و هیزه کس نانی کابرایان ثمغراره تا نابرتی تهکرد.

حنزی ندکرد هارکاردکانی پشکینی و هسریان کسرکورییان همی و ، چار پدربر ژبی ثنو پن. کسه شکالیسان له لای تنو له یدکی پگردایه له سستر دزی، له پاتی تنویی پیشوری ، پاردر ، کسی تنویی پیشوری بیارد ، کسی بیشتر کشیر در بیشتر کشیر در بیشتر کشیر در در تنکا و پیشر بره تنزی بانگی تمکردن بیز لای خزی، له پاتی تنویی حسابیان له گفل یکا، تغیرت: ونز قسیمیکی وایان به پاد کارد ، دیاره مرحنجی، ه مندی پاردی به خنوی بانگی تمکردن بیز لای خزی، له پاتی تنویی حسابیان له گفل یکا، تغیرت: ونز قسیمیکی وایان به پال داری، دیاره مرحنجی، ه مندی پاردی به خنویی له براندره ندماتری تککردن.

گرمانی له هتر کمی همرایه که جاسوس روس، تینگلیز یا تصمریکایه ریزی زیادی تدکره و نزیکی تمضیعوه له خزی، به تعمای تعومی راپورتی یاشی له سعر ینرسی.

له همر کور و کوسلیک دا یه تاشکرا تعیت: و کورد پیاوی نی دا نیما ی زار جار هبرش تدکرده سبر قازی محدامد ، بز تعربی دستانی خزی بترینی، زورجار باسی نازایشن خزی و شساروزایی و بلیسمدی له دانانی پلاتی جستگی دا ، یه جسزیکی پر ومیاالفت ی له بارم تعالی تعربی دوی خزی دا کسی ناویی بلی وائید. له دائیشتنیکی به دائیشتروکانی پیسفینی له روی خزی دا کسی ناویی بلی وائید. له دائیشتنیکی قدربالغ دا تعلی: و تزییکان که حکرمت گرت پر دارام له هیزت کرد محسکموکمی پی تویماران بکات. توییکی تی گرت سعری کرد ، توییکی تری تی گرت کورتی گرد . گولف پزیکان کم بود. به عیدرتم وت تز لایز خزم تویکم دامعزدان و گولفیدکم گرته محسکموکه له ناویراستی محسکموکمو دا . نروی تصمید طعفا له گزردکه دا تیما میک مستخط روی تی تفکا تعلی: و تری وانجراه کاک تریی تعلی: ویملی نفویشی نیما که ترین تهدی بیرد نان توصیان دایش تدکرد هدر مطهبار و قاچا و بر قاچاخ پر تیمو به تاسیان دای عیزد ، عیزت عمزیز یمکی له تنفستوه هملکموردکانی جدیشی عبران بود

ر، دورس له پدرېتانيا دی يو.

هندی جار به معمناوه هاوکاردکانی خزی تمشکاند. جاریکیان له دانهشتنیکی گورهدا رو ندکاند کزردکه و تطی: ومن و تمم پیاوه همردوکمان ناومان مستخابه و، به هوروکمان به قددر جزلهکمیدک میشکمان همیداه گزنگترین پیوانه لای مفلا مستفقا بز هطستنگاندتی خطک، رادمی دلسرزیی ثعر کست پر پدرامینر یه خزی. تعرص دلسرزیی خری پز بسطاندایه ثبیتر گوی ی نظمهاید رطفار ر، هطسرکترتی. هنرچیدگی بگردایه لی ی نظمرسیده.

داهینانی نبریتی دزیو

سالی ۱۹۹۶ له میبروی پزوتندوی سیساسی کنودستنانی هیبراق دا نوفتندی وجهدخانیکی شرفه، شریندواردکانی ودکو ردگی گرلی له جولانتوی کوردا جیگیر بود، ناکژکی نیوان میبرگی حیزب و سکرتینی حیزب شور برده ناو ناخی ریکخراوه سیاسی و چیستمرگهیدکانی پارتی و. له تفاهام دا ناو خفک و جولاندوی کورد و، پو به سعردالی شعریکی ناوخزی له پراندو ننجاتو.

ملا مستنفا چند تعریتیکی دزیری له جرلانبردی کرردا داهینا، درکر: پنتا بردن بز چدک بؤ به لاداخستانی تاکنزگی سیساسی، پنتا بردن بز دوؤسن بز به یعلاداخستانی ماسالاری دوسملات له گفا نهاردگذاری، گوشتانی تعیاری سیساسی، له بالی گفتمرگزی میاسایی شدر جنیری ناشیرین،

١. شعري تارخزي له براتموه نمعاتو.

معلا مستعفاً هپریکی گدورس کو کردور له بارزانی و، عشائیس نارچه که و، پشسمرگاکانی پارٹی و و له مانگی تعیزی ۱۹۹۱ و چوه سدو باردگای م س له مارمت. لرفسانی کردی سرپرمزشی راستوخزی لعشکرکیشهدگلاس نمورد. دوای تعلوترفیکی که میزدگلی م س شگا، گشایهوه تیران، تیران چهگی کردن و پیشمرگاکانی برد له همسدان له تیردوگی یمکی کردن و، پیمند کمسی له کاریده ستمکانیش، تهیراهم تحصند، عرصد مستعفان حیلی عملی شعریف، چعلال تالهائی، تیری تحصند طعای برد بز تاران، تیری شاویس که له سعر پری قشان رشاشی دارد. له رنگای مستعفاد موسید تالهائی، در در تاران، تیری شاویس که له سعر پری قشان رشاشی دانیست، لهر کاندا له سلیسانی برد، له رنگای میگذادود بز تعدادی جر بز تعریریا.

٢. يننا يردن بز دوڙمن بز بهلاداخستني ململاتي ي ناوخز.

لتو هیرشده! که ستورکی پارتی ریکی خست، هیزدگانی به ثانوقتی حکومت تیر و، به تطعمتنی حکومت پزشته کردو ، به تاگاداری و به ناو حکومت دا گواستنوه یز سع ماه ت.

سکرتیری پارتی و هاوریکانیشی که بنرگدی هیرشدکنیان ندگرت پنتایان برده بنر تیران.

. پمنابردن بز عبراق ر پمنا بردن بز ثیران، له نیران ثم دو لایندا دژی یهکتری بر به نمیتیکی حملال له لای همردرکیان.

۳. تیکچونی بعدا بعرز و پیروزدکانی کوردایدتی.

چند یاتنی" به تاری داروزنی پیشسترگی تارشار به له کانی ماسی دروست کرا، و کانی صامی کاریزیک کهوترفه خواردی سلیسانی تریک گرندی قدوتزشان، تارشاری سلیساتی به تار له ثیر دمسالاتی حکوماتی عارف دا بر، یعلام کانی ماسی شویتیکی تازاد ر له ثیر دمسالاتی خبرش دا بر.

بدررسه كأنى تعم ليازنديد بريتى بون له: حبصرمتى تمجد شاند، صحصودى شا

محماعه ، ومستما گنرورتی کنهایچی.. تصانیش چند باندیکیان له سموسم به هره. پهناورکانی ملیماتی دورمت کرد ، لعزاند؛ عرصی نامه، ساله میکد، عصمه عالی دادرج. حسیتی فارس، تممیشی فارس، سفلاحی فانه قصمور، نمحه می سبز، به کری خانم. عرمنی مارف،. تامیزاگاری و فعرمانی راستجزفیان له بارهگای بارزانی، با راستتر له ملا صفاها ورشگرت، دسالایگی می سنویان دابرتی، تفری سفردگیبان بلاز کردنبویی ترس و تؤقاندن و سعرکرتکردتی تمیاره سیاسهگاتی بارزانی بو.

چالاکیپنگاتی ثنم یاتنانه بریتی بر له:

- پملامباردآن و پشکتینی سندان سال، لعوانس تعدامی پارتی برن و، گرتن و قراندن و رازنانی سدان تعدامی پارتی له لایمنگرانی م س و، گوشتنی همندیکیان.

- سنواته سنندن و راویروت و برینی شنوانش به تاشکرای مبالی کسسانی بی دسیلات.

- پهلاماردانی ثمنعامه ناسراودکانی حشع و گرون و فیراندنی هنندی له کـادر ر نمندامکانیان و، کرشتنی همندیکیان بعرپدری درندایمتیمو، لعوانه: تعورمحسانی ساغی خله پنجر، که به زمندریمتر، سوناند بریان.

- له صانعیش سمیرتر تاشینی برای هندی لعر گنامیاندی قریان دروز کرد بر، یا پانتولی جرانیان له یعر کره یو، رشگ کردنی قاچ و تعانزی نعو کچاندی کراسی کورتیان له یعر کرد یو.

گاردگانی باندی گانی ملمی له همد لایه که دشگی هایرود. زور کس هاراریان بز مدلا مستفا بر پاکردندوی خزی لم تارانانه بر مدلا مستفا بر پاکردندوی خزی لم تارانانه بینانیکی دمرکرد بی تاگیایی خزی دمریی و، به ناو چنند کسمسیکی کسمی له همر به بینازیکانیان درکرد، بیاندگهیان به شرینه گشتیه کان ها هلرایی، بهلام بیهانکه بز خارگردندوی ترومین و تارازایی خطک بر، تمکینا هیچ کسمی لممانه نه به راستی له پیشمبرگایش درکران و، نه لیگرلینوویان له تمل کرا، خزیشیان به شاتازیموه نمیانرت تعرفران جگه له سورک بارزانی کسی که نااسن و، کافعزی کس ناخرینندو.

3. دامیناتر دافتیاله ی سیاسی

معلا مستنقا تصعد ناهای زیباری و صدیق میرانی خزشناری به عزی ناکزکی عشساتریستوه کرشت. له سالاتی شیروش دا به عزی ناکزکی سیاسیسوه تاقسیکی له کابردکانی پارتی کرشت. عبلی حدیدی، تندامی گزییشتری ناوطنی و لیپرسراوی للی سلیمانی و معصوری حاجی ترفیق، تندامی لایی سلیمانی، دراییش به معید شواتی له زیندان دا گرشت و سالکانی دواییش به قدرمانی تعر تحصید عیدوللا، تدنیامی گزییشت ناونشی و، تحصید وشواتی تندامی لیزشی ناوچه له نار شاری مدولیر و، قالیش حاجی فدرجی گزائیی له نار هلیجه دا کرژران.

وثیفتیاله پرینیکی قرلی کرده تار کزمنلی کرددود، سنرمرای تعوی درزمنایمتی له نار حیبزیمکان دا قبرافتر تفکره ، دوژمنایدتی خریناوی له تیبران هندی صنصیبرمت ر بنمالدا دروست کرد. لبردا در فرنمیان باس تفکم:

- ملا مستفا، موسنان عرزیری کوشت، موسنان کادری راگیاندن بر، تعدامی پارتی بور. له رادیری یعفداد کاری کرد بور شامیر و توسع و روناکیبر بور چو بره ریزی پیشسه رکعره له رادپری کوردستان به دلسرزی کاری تمکرد. له سعر تعربی برازای حاجی
برایسی چوممکا بر گرتبان و له زیندان دا کوشتبان، سال دورگدرا باسکی می ده مستبان
به سعر چند تاریخیه ک اگرت و ، چند کمسیکهان له کادردکانی باسکی میلا مستبقا
گرت، لعرائد: سیامنند و ملکتر که بارزانی و ، عرصر شعریف کرکرکی بر . ثمانه له کرؤه
لا به زیندان دا بین ، خزمه کانی مرسمان چیزه سعر زینداندکه و به زیل دمیان هینان و له
تزلمی خرینی عرسمان دا معرسیکهان کوشان، میلا مستبقا ثم داختی له دل گرت، دوای
لا ای تازار همسر خیلی چنومیگای بر صوبانی بانگ کرد بز باردگاهی خزی له تاریدان.
له سلیانیدو به ری کعرت بهن بهن بزلای، له ریگای خدلدکان بزسمیدگی بز دانان. همیریان
له تزرمیوبیل دابدزاند و ، له همان شرین دا همیریان کرشان.

- چنزای عظی کاتب له حلبچه خالیدی حاجی قعربیی گرشت. له تزلدی تصده! کزکزیهدکان له سلیمانی تازادی برای جنزایان کرشتور.

ه. داهینانی موهانموان له گفتوگنی سیاسی و حینهایهتی دا

منلا مستغا پیاریکی جنیرفروش و دم پیس بره وشنی وقرندره ی له قسدکانی دا به زوری به کسار شعینا، لای وا بره له ناو کسروها توهمسنی دزی و دارین پیسسی کاریگارتره له ترهمینی سیاسی، بز شکاننش دوژمندکاتی شم ریگایتی یه کار شعینا.

که پاسی ناکزکیپمکانی خزی تمکرد له گفا، تیبراهیم تعمدد ر هارویکانی له نار خفلک تا تازانباری تمکردن بغودی: دسراری ژنی خفلک تمین، سراری پیشممرگه تمین و. سراری بدکتری تمین . - یا با داده کاتیک دا پیشممرگه و خیزانمکانیان نان تیه بیخترن. تموان دزیمان له مالی میللند و شروش کردو . - »

تم قسانه شیاری سعرکرددی جولاندویهک نمیون، هندی کسی نزیکی که پی ی تعلین تم قسانه تمکا، مملا مستخفا نظر: وکورو لدو، تی ناگات که بلهم من ناکوگی سیاسیم له کمال تمیراهیم تحصیده همیه، یملام لدو، تی تمکا که بلهم دزیهان کردور و. خلکهان کلار و کاتبان دارد.. من دوزشنگانی ختر بعر برنگایه تشکینم.»

همرولا کبوتند داهینانی تاروتانزو له پهکتری، له نرسیندکانیان دا پهکتریبان په خیانحت و جاشایش تارانیار تفکرد، زاراوی وجملالی و ر دملایی، و و تاقسدکدی جلد – یله و روایشر وجاشکانی شصترشش، و ر دملا چزمین، یون به رتبی سعزار، هنزاری مرکزانی، شیخ معتمدی معرسین، سعید ناکام له دامینان و خزشکردنی تاگری نم شده جنیرددا دموری سنرکیبان معیر. سعیر تمریه تصانه معرسیکیان یه ریچملدی تیرانین، له کرورستانی عبران دا جنگه له خیزاندگانی خزیان کسرکاری تر و خرسیان تعیور دلیان بر کروانیان بسرتی، ثم تعربته تاشیرته بر به بعشی له چالاکی حیزدگان.

همردولا که یککتریهان به جاشایعتی تاوانهار تمکرد، همردوکهان در حیزیی خاوین بعرنامه و ریسازی سیماسی و ریکختان و بنکنی جنساردری بین. هتر یککنهان هتاران رؤشنید و جوتهار و کریکاری ای کنز بهرمود، همیمکنهان بحاله و بینانری خزی عبیر. شعری نابرخزی نیران تم دو بالعی پارتی ردکر شعری تارخزی نیران دو عشیره تی بارزانی زیباری، یا تمنانت همسر جولانتو،که و همشیره که کرددکاتی ستر به حکومت نیبر تمکنریمی بارزانی و لاینگرکاتی هدایگی زویان داوه بز سوک کردنی مسادکه بهخشه تالیمی ناکزگی شوزش و جاشی ۱۹ دو و، جاشی ۱۹ یش ویکم همسر جاشدکانی تری کوردستانی عبراق له قطعه بدن. بملام تعده شویهاندنیکی تامده قرل یو، هنر له لای لاینگره کطه رفته*گانی خری*ان تعیخرارد.

معلا مستخا دوای تعوی م س ی دمرکره یز تیران ریگای یز تعفت بر. خزی به تغیباً بر به دهسملاتفاری یهکنم له برباردانی شمتر و تاشیعی دا، له داممنزاندن و بریخی پهیرمنفی سیاسی دا، له دانان و لایردنی کاربعدستانی شزرش دا. هنشی دارودمزگای به ناری: ممیلیسی لهادی اوره، ممکنیس سیاسی، ممکنیس تنظیزی، ممکنیس عمسکتری، دریست کرد. ممکنیمکان شتی کارترنی و روالمت برن. دهسملاتمکان همسر له دمس خوی دریست کرد.

سروی حکومتایی هیدان همتنای هناگاری هاریشت: گیدرادرکانی پدرا، مرجه خوردکانی گیدراید حکومتایی میدرا، مرجه خوردکانی گیدرایدو سر کاردگانیان، خویدنگارکانی گیدرایدو، زاستگا، زورد و زبانی هندی له زورد ی کمرورد کان و درویدی کاروباری سعرو، بعلام هیچ همتگاریکی له معیدانی سطره اماله نمتوییدکانی کردرد ایند نامههای له نیدران مسلا مستبطا و حکومت دا تالوگنو کبرا، یز په درا خسستندوی روخه سیاسیکانی م می باداشتیمی درباری مالدکانی کردد دا به حکومتی مارف، چیچی کمتنای مارف، چیچی کمتنای مارف، چیچی شدر نمیر لو یادداشته صالع پرسفی و شدرکات معتارای و همگد صدیق بردیان یز بعفها، بعلام معلا مستطا به همگدی و در در دارو به کاربودهانی هرویان یز بعفها، بعلام معلا مستطا به همگدی و در در دارو به کاربودهانی هروان یلی معلا مستطا به همگدی و در در در دروی کردورد یک به بادری به یو یادداشت به، بعلکر له

همپدولسدلام هنوهیکی سوئندی نهتدوپارستی بارچاوتنگ بر، رقی له کررد ر شهمه بر. به تمسای سمااندنی هیچ سالمیکی کبرود نهبر، بفلکر هدودکبر صبریحی همپنولمعید، یدکی له ونزیره تزیکدکاتی له بیرودرییدکاتی غزی دا توسیریتی: عارف به هیچ جزری باودری به مافی کرود نمبره.

ریکتراره سیاسیدکاتی پارتی به زوری له گفل م س بون. دوای کشاندوی نموان بز ثیران، چند کسیکی کزمیتمی ناونندی که له کرردستانی عیراق ما بون، لعوانه: عملی عمیدوللا، نوری شاویس، زمیسمی له بعضنا ممکشمی سیاسیسیان پیک هینایده و، گزشاریکیان به ناوی ویسشروه به کروری و، لقی بهشمایش به عمومی دیاموزه ی درتدکرد، تصمید عمیدوللا له باویتان و، محمددی حابی تابعر له سلیسانی و، معلا عمیدوللا نیستاعیل له عدولیر، دروزمان ندگر و، هدودرکان خزمان به کرورستانی عبراتی دا در ریکتراو به ناوی پارتیدی کاریان تدکر و، هدودرکان خزمان به دشتوعی، امزانی،

درای شکانتنی م س، مملا مستعضا دستی کراینوه یز دامنزراندتی پمیرهندی له کنا دنیای دوروددا

له گلا تسبریکا

ملا مستفا لای وایر دنیا به پهغین تمدیکا و روسیا تدکیری و، بز داینکردنی سمرکدردن، تهی پشتیرانی یکی لام در زاهیپزانه به دمی بهیپزی، لبر کاتوه که له سرقیتی گرفتی نصا بر، هدرای تعدا پشتیرانی سرقیتی نصا بر، هدرای تعدا پشتیرانی تشدین به شده نمای بر، هدرای دمی کمردنی برداری به سامردان دمی کمردنی جرداری دمی کمردنی برداری به تعلقها در این به تعلقها می برداری به تعلقها بگیبتی، تصمیع توقیقی واسپارد تم کارو به تعلقها بگیبتی، تصمیع توقیقی داری به یعر بز پیروت و بگیبتی، تاران، هم تعدالی داد مدرانی جاریک بز تاران، هم تعدالی داد مدرانی داد مدرانی کاروستان بکار و باد که خود های بیای.

ملا مستغا له گفترگزگانی دا له گفا شیت (۱۹۹۳) چند جار دارای پارمتی تصدیکی کرد. شیبت له گغرانیوی وا به زاچیره چند رتاریکی له روزنامی و دپریردک تایسی ی تصدیرکی دا بلار کردوره. نوسی بری صفلا مستخفا دارای پارستنی له تسمیکا نمکا. هیسرای تعصی کرد به کنیرسی پریهاگانده داری جوالاموی کردو و، روزناممکانی بهفدا خیرشیان کرده سنوی. ممکتبی سیاسی له وخهات دا تعمیان به درز خستموه و، گفتوگزیمکی کورتهان بلار کردوه که گوایه بارزانی لعود زباتر هیچی تری نوتره و، نموی تری دهلهستراری روزنامموانکه خزیمتی. مملا مستخفا تم به درز خستندویهی پی ناخزش بو، چرنکه خزی نمه دارایدی پی شخرم نمیر، حاشایشی لی نشکرد.

تا سالاتیکی زار تعمیکا هیچ بایشیکی به جولاتبری کورد و به معلا مستطا نشدا و، تاماده نمیر هیچ جزره پمیرمندپیدگی له گله دایمزریان، بعلام همر کزلی تعدا و، له ریگای شای تیران، کناریدهسشانی تیسسراتیال و، شنای توردوندو هدولی تعدا دمرگای تعمیریکای لی یکریتدو.

له کمل تیران

تیبران له ۱۹۲۵ به دواره پدیرمندی راستموخزیان له گما صفلا مستمخا، ودکیر دهسملاکی تعمری واقسیم، دامسترزاند. دوای تعمه پدیرمندیسان تا تحمات به هیستر تر نمیر. شعمسعدین مرفتی له تاران بر به نریندی مملا مستملاً، بز یمکمسین بهار سالی ۱۹۲۵ سعرمای تعوی بینند عنزار دانه تفتگی برنمهان دایه، هندی چدکی قروسیشهان دایه له شروکاتی دا به کاران بهیشی، تعمه عبراقی ترساند و، تعنگریملممدیدگی دیپلرماسی له نیران همرد دولعت دا دروست کرد.

ئیران همیشه یز جولاندوی کورد له میران دا گرنگیبه کی تاییدتی هیرد. لدر کاند ا کست کانده تاییدتی هیرد. لدر کانده که مدری و دریگی تاییدتی هیرد کاند اکارکی سروک یز نیران یز دری دریزی دریز کاند که له ناکرکی سروک یز نیرانی و دریز به ناکرکی سروک کرد بر، کمرته بدر گرشار و تعذی یی مطرفیدی. مطابعت مستحف نامیدتدانی هاوسنگی له نیران شا و دیسرکرات دا رایگری. این لا یکویان مطرفیدی. دیسرکرات تا رایگری. نیر لا یکویان مطرفیارد.

له گهل تیسراتیل

تسراتیل له گفا حکومته کانی معرف له شعرها بر، کرودیش له میران دا له گفل محرستیکی معرفی دا له شخرها بر تیسراتیل تعیرفت تعر دخورشنی دورشنه یکا به دونی خوبی معرفی داد تعیرفتی خوبی ایک به دونی خوبی به ایک ایک معرفی معرفی ایک به دونی تعیرفت بر در سالی معرفی که دونی معرفی کرد بر، سالی ۱۹۷۸ تیسراتیل چند نریندیکی تازه بز کرودستان بز دیدنی مملا مستخفا، تیسر بهرفته نفوذیکی گفردیان به بهرفته نفوذیکی گفردیان معید له معرفی در نیادی در در کان دوستایدی در در سالی معید له معرفی در ایک دارستایدی در کاندیدی که کلا تصنفیکا بز پرکاندید

مبلک ساندوی شد

ورده پیکادان لم لاو تعولا دستی پی کرددوه و، شنوی کورد – حکومنتی عیراق له ۱ ی نیسانی ۱۹۹۵ دا عطگیرساینوه.

یه هو آن تقاملای تازخز و، ناریوی تیران، معلا مستخفا له حرزیرانی ۲۵ دا ریگیی دا به لایندگرانی م س - چگه له تیپراهیم تعصف و سعید عمتریزی شمنرینی - همیان یکرورستانی عیران، پیشمترگانگانیان نارد بر میداندگانی شعری رواندز و مستخوابیان عربی مستخوری در سعرکردکانیان: عربی مستخوری در سعرکردکانیان: عربی در دوله در، پاش ماردیمک توری شاردیس، عملی عمیدرللا، نوری تصدیر یک سعر نارد یز دوله رونه در، پاش ماردیمک توری شاردیس، عملی عمیدرللا، نوری تصدیر تیرند لایان.

.

مملا مستطا ثاماده نعور عبج نعرمی و لیبوردنینکی راستطیته بعرامیعر یاسکی م س بدرینی:

- نعی تعمیشت به ناری بارتیمره کار بکمن.
- ندی تعیشت پارتیدگی تازه دایمزریان و دریوه به کاری سیاسی بددن.
 - له نار حیزیه کس خزی و داروده زگاکاتیشی دا جیگهی نعته کردندوه.

تمماندی له دوله رطه دمی بصدر بی تیشترکار دانا بود. ریگای نخددان بی تیجازه پنم لار تعولاد! برون. له پاتی تعوی سعر له نری له داوردنزگانگانی شسورش دا کسار و فعرماتیان پی بیسپیری هنولی تعدا سرک و ریسرایان یکا، شیخ مصفدی همرسین له وتاردکانی دا به وگیجم و گلرجماره ناوی تعرفن، هطویستی مملا مستنبخا لم دمی بسترانه بم گفترگزیده! هرتدکاری: جنان دیشه پیشنده. تعربحسان روته، که دوستی تعمان و تریکی منالا مستخفا تمیر، تغییری بز لای منلا مستشفا تیجازیان بز دوبرگری، به بزنمی جنزنده بچن بز بهتینی ژندکتیان. تعربحمان تمیی پز لای و به ناترمیدی تدگیریندو، بز لایان. هنر له بروده که روته دمرتهکمری، منطق همیدوللا لی ی تمیرس: دها روتها شیسرت یان ربوری؟» روته روت ندا به یکار و قسه تاکا. ساری تدکف سنز نظیر: دیس رت؟»

> روته تطی: دونی تیجازمهان نادم. » تطین: دنمیوت پزچی تیجازسان نادا ۲»

روته تطی: وقسعیدگی ناشیرینی کرد بز گیراندو ناشی اه

زیری لی تفکمن روته تاچار ثعبی پزیان بگیریشموه، ثالی: «وتی ثیجازهان نادم بز تعرف ژندکانیان میز بین!»

معلی معیدوللا لمو کاتمدا پیاسه تدکا له بعر خزیموه تعلی: دپدکر که پیاریکی بی تعدیداء

تروی شاودیس پدکستر هالی دایریه رت یوی: «گابراده خزی تمیرویدی هدید. پاتره سال له سزقیت برده م

ثعر کناته ترزی شارییس، عفلی صیدوللا، عفلی عصکدری، تروی ثمصند طفعا ژنیان میر، تعرانی کنیان میشتا اژنیان تعینا بر.

یز تعودی نوری شاوییس بشکیتی ناردی آند تارشاری سلیماتی تنظیهان له ناهیندی شیخ سملام کرد. تاهیند له گفا دمزگا تعتبههاکاتی حکرمنت تیکنلاوی پنینا کرد بو. ناهیند بریننار بو تعمرد. پهلام مملا مستمغا له کزره گشتیههاکاتی خزی دا تعیرت: ومن ناردرمه تعلد لد. یکن کمیمی بعر قولی کعوترده.

سال ۱۹۹۰ میش روکر خویندگاردگانی تری زانکزی پدهداد گیراممو پدهداد پز کنوی درود به خویند پدیر شده در ناکز برای درود به خویند بدر حصر بندگاراندی چرویده بروی شروشوه به کرمیت دو کراردگان، ملا استفا لیستیدگی داور به حکرمت اثاری آن از آن با نازی زاتر له ۲۰ خسریندگساوی تی با پر. مغنیکیسان به پیشمرگایتیدو، نمیر، خزیان له پدر تصلی یا هزی تر له خویند په جی مایون، کمچی نازی من و چند خویندگاریگی تری، که له شروش دا برین پدام له گیا مملا مستیطا نبهرن، تی نمخرا پر. نمو کاته د. عمیدلدمنزز دوری سدودگی زانگز پر. مدرلیکی تری، که له شروش دا برین پدام له گیا مملا مستیطا نبهرن، تی نمخرا پر. نمو کاته د. عمیدلدمنزز دوری سدودگی زانگز پر. مدرلیکی ترین دا و درگرایتون.

به ۱۹ ی تبیارای ۱۹۹۱ ها جنترال عارف میتواردزاق هنرای تبتلیلایی دا بلام سنرای فرد تراند این از ۱۹۷۸ هام بهلام سنرای فرد که هندات با در میشد. لعر کاندا من له وتعنی عام به له بعثماد گیرا بور. در شید موصین، که تدرسا هادکاری عارف میدرلردزاق و ، دوای بر به بیکی له دامنزیتجردای ترج «التجمع الرطنی العراقی) بدر بودبودی گشتی دونمرنه بور. دوای تم برداده موشیر هاوف، تمورمسان بنزازی راسپارد و بزارمت پیک بهینی، له دوای کام تموزود ندو یکمین جار بر کمییکی دمندش، بین به سعرکی درنیاز، بهزاز مساسسای شانون و باوری به رژیمی پارلمسانی همیر. لای واید کاتی تدوه هاتره مساسسای شانون و باوری به رژیمی پارلمسانی همیر. لای واید کاتی تدوه هاتره

وتمنزه مصطابکشی حنوالدی وصحکت امن الدرله یکرد پر. لبوانه پر حرکسیکی گراتم به سنودا یلخن، هاتنی بخزاز باز من خیری پیره پو، پرتکه به پزندی جمزتی ۱۸ ی تشریفره چند رمیدیدک گیراری سیاسی بعردا، یدکیکیان من برم که به کطالبتیکی زفاد قریری بخوره،

يدربونتوري موشير عارف

روژی ۱۲» نیسانی ۲۱ موشیر هارف له هالیکزیتدردا سوتا. چندرالدکانی جهیش گزیرنده بز دانانی یدکیکی تر له جبگای ثنو. تتورمصانی برایان هطیوارد به سمر کزمار و، تعریش تعرومصان بعزاری دانایتوه به سمرکی روزران.

جولاتوری کوره سارمرای گیروگرفته کاتی ناوخزی به ید فاکتمریکی گرنگ له سیاستی ناوکی کرد بر به بسیستین ناوکی کرد بر به بسیستین ناوکی کرد بر به به شدی ناوکی کرد بر به به شدی ناوکی کرد بر به شدی در ناوکی کرد بر ناوکی که کردرگرفتی کرد به شدر چارستی ناوکی و ، له گزنفرضیکی روزنامدوانی دا رکن ناگر چل پهاچا کرد به شاخره بهان گیروگرفت که هنر تصینی، چند جار باسی ریگنی گفترگری کرد بز چارصدی گیشی کورد. له عمان کات دا پهیوندی و تالوگزری بیرودا له نیسان مدرکردایش بازاز و ، له نیسان مدرکردایش بازازش و حکومتی بنزاز و ، له نیسان مدکستهی سیساسی و حکومتی بازاز و ، له نیسان مدکستهی سیساسی و

له تاستی لاساری و رطی مقلا مستمفادا ثمیر تاقسهکنی م س نمرمی بنریان و، بز تعوی مملا مستمفا له خزیان نموروژیان و، ناچاری نمکمن له سمر حسایی مافهکانی کوره (تنازل) بز دوژمن یکا، قازافهی خزیان ر جرلانمودکه ر کورد لمودا بر: چالاکی سیاسی حزیدکمیان رایگرن. یعلام تصانیش تاماده نمین معیدان بز معلا مستمفا چزل یکنن.

ریکخراردکانی تصان له شارکان و له ناو پیشمبرگددا درپژدی تُندا به کار کردن. صلا مستنفا گرمانی لی تکردن و ، به منترسی داننان، خصی بر له گلا حکرمیت هارکاری یکنن و دژی تم راپرستن، له ناو لقدکانی تم حیزیندا تیستیفتایه ک کرا بر که تنوانه یعو جزوه می تازادی و بی کبار پیشنوه، بان عقلین بز لای حیسزیه کنی خیزیان. ترایعتی دمگی دایر نگلار مفترسیان هانه سعر هلین.

سلام سید سفط روژیک صفر رزیدگی بارزانی نارد پر یز دولعرفسه به دوای: مامچندالا، حیلس، عرصد مستطا، عطی عصکری دا یز تروی بها گورندو بز لای تهدرسی کرری، بارزانهکان له پیش دا سعردانی هیاس ناشا تمکن و تاگاداری تمکن که تمکن بر میبستیکی ردها هاتی، هیاس ناشا تی تمک تمیانیش له ناو خزیان دا قسه تمکن و ، هاریکانی له میبستی هاتندکتیان تاگادار تمکا، تعرانیش له ناوخریان دا قسه تمکن و، وا یک تمکنین جاری تعرانی معفرسیهان له سعره عطین د، تعرانی ترش له نزیکترین عمل دا خزیان دمیاز یکن، ساسهمالا، عرصت، عملی، حیلسی به ٤ قران له ۸۲ کارتی ترش له نزیکترین کارتری دوسی ۹۱ دا عملان د، له پیشمود له ناز سلیمانی دا، له چند جنگیایک که بر

يز کنرکوک چون.

تمواندی له دوله دهشه مسایدندو» نوری شساویس، نوری تمحسیسه طعطا ، عسطی صفیدوللا له ژیر معترسی ژبان دا تاممیدکیسان یز مملا مستسخفا نرسی، تاروزایسان له راکردنی هاوریکانیان دربرزی و ، تامادیی خزیانیان دموری یز طاکاری له گلهان. ناممکد زورتر له باکانه تعید ، له گله لعدانیکر دورده اله خصات دا بلار کرایبود.

دوای تعمه ملا مستخفا کعرته راونان و گرتنی حصر تعواندی گرمانی تی تمکردن. هغندی له پیشسترگنگان و فنرماندگانیان که سنر به مامچهالا برن و مملا مستخفا ففرمانی گرتنی بز دورتکردن، خزیان نظاه به دمستاری، یاخی برن له ناو پیشسمرگاه! دستی بی کرد.

راکردودکانیش کموننه چالاگی: سعرگردایتنی هسر ریکخراره نهینیدکانیان گرنه دست. دستیبان کرد به دورگردنی وختیات به عمریی و ، وختیاتی کرده ستان که تروستان که تروکانی حبزب و دوزگاری» که گرفاری پیشمرگد و و پیشروه که گرفاری تیرین بر به کمرویید تعربهید تعربهید انتیاران و ، له گما تعربهسمان بعزاری سروری اداری میران عبران پیرفندییان دامغزاند. دوای چند مانگی تهیمراهیم تعصده ، که لمو کاندا له تاران بور، گرایادو بهنداد.

له ۱۹۹۱ دوه تامنافی پهکشی سفلا مستنخف له هصر گفتبرگزگانی له گناد حکرمدتی عیدراق له ناویردتی نهیاردگانی پر. ثعبه په جزری په سمر پیرکردندردی دا زال پریره پهدیهیتانی ماله نفتردیهگانی له لا پریر به مصطفی درم.

چند جار و له چند کور و کومل دا که نامززگاری فیرماندکانی تمکرد نمیرت: ندگتر کمترتیشه بدر پلاماری دورمین، ده سنمیازی هیداقی له لایدگیره و، یه که جاشی جملال له لایدگی تروه هیرشیان بزنیات، تزیش تنها یه ک گوللفت پی بر، ندگتر بعر گوللهیه به مسئرگتری پترانی هنر ده سنمیازکه پخرژی، بعلام به مسئرگتری نمتوانی جاشدگی جلال پکرژی، تنوا تمی بیتری به جاشدگانی جلالود.

پدیانی ۲۹ ی حوزدیران

جنیشی عیران له ۲ ی مایسی ۲۱ دا پهلاماری چیای منتدریتی دا در کرتی. بهلام له ۲۵ ی همسان صانگ دا هیزیکی تیکهلار له پیشمندرگندی پارتی و حشع، همیشی پیچنوانیان بز کرد و گرتیاندود. شیرعهدکان لهم شعرددا، بز یدکسین جار و دوایین جار، دوری سبردگیان هیر.

لم کاتدا له نار هیزدگانی قسردان، رژگاری، کاردا هندی له فسرساندگانی: کعمال مرفتی، نبوشیروانی فرتاد مستی، تعصیدی حصددمین دزجی ر، هندی لو پیشمبرگانس مدر به م س بون له مالا مستدفا هلگتراندر، مالا مستدفا ترمیکی زؤری لی نیشت و ، تعدی به بیلان دانا.

له ۱۳ ی حوزهران دا حنیب محتمد کتریم، عبلی عنهنوللا، سالع پوستی، نافیند جملال حموری بز گفتبرگز له گنا حکومتی بنزاز تارد بز بعضناد. له ۲۹ ی حرزمراتی ۲۹ دا در یتیان خویندراینوه: یهکیکیان تعورممان بنزاز، سیرونررانی عبراق، به ناری حکومتنود و، تعری تریان حنیب محدمد کتریم، سکرتیری تازی پارتی، بز بشتيراني له يعيانه كني يعزاز به ناوي معلا مستعفاره.

پیهاندکسی پناز پیک هات پر له ۱۳ ساده. تدگیرچی پنیاتدکند دان به مسافی نتوریمی پنیاتدکند دان به مسافی نتوریمی کروز انتیاب بدلا به اسافی نتوریمی کروز انتیاب بدلا به است کرده بیاند دا باسی چیندین کرشدی کردگی کردگی خویندن و را ترکیردکان و به بشتر کرده این باید به برزدگانی حکومت دا. ورگراتی تورایی کرد بر خویندن لا دربود. فترمانیمان له ناویدکندا کرود بن. هطیزاردنی گشتی ر ریگد دان به حیزب و رازانمی سیاسی، لیمیردنی گشتی، گفراندی کرکیار و فقرمانیمی درکرار بر سافی کردارکانیسان، تعرفانکردنی باره بز تارددانکردندی کسورانموی کسرودستسان، گسرانموی بر سوتیارکان بز شیندکان نظرمینکان، خویان، خویان

یاسهٔکانی به شیرههاکی وحا لاستینکی داروژوا برن، هنر لایه تعیترانی بنو جوزه لیکی بداتوه که خوی تعیوست.

هندی کسی تطین، حکوستی هسپسراق له تعاپسامی تمو شکانده اتم پیاندی خیبندو، که له هندین توشی هادن رمنگه تعده جنری له خو هلکیشانی هندی تالم بی به تاییخی شده به تاییخی شده به تاییخی شده تاییخی شده به تاییخی شده به تاییخی شده به تاییخی نمودی تاییخی نمودی تاییخی نبوه کار له مینادی سیاسی حکومت یکا، به تاییخی شده شاویکی نمودی و کردی دو در و داراری و دکر مود، بهزاز پدکسمین سعوروپرانی سدهنی بو، تا تعو کانه هنر له جمنعرالدی از میمیش هاشت و در و داراری و دکر مدارای و کار میکندین مدن سعوروپرانی سدهنی بو، تا تعو کانه هنر له جمنعرالدی این جمیش مطلب وزیر داران بهزاز رویعری ۳ تعرفی شورس بروود: دورشسستوس جمیش فی آبازی سیاسی ناموری کرده تی داری و داری و بازدی دارو کیشمی تاییزی در داری به تاییزی به چارسمترکردان کیشمی کردوده، بداز اگل وارم کیشمی عمر به به تعافیری بیان کیشمی هم تعین به میکندی به تعافیری بیان کیشمی هم تعین در نمینی، میکندی میدن به بیش له هندرین چشیه کی مدر نمینی، میکنی بیش له هندرین چشیهای

پیزاز له ژیر گسرشساری جستنبراله کسانی جستیش دا له تایی ۲۹ دا داری هینا. و دواره تیکی نبوی به سیوزگاییش جنفرال ناجی طالب دامنزدا. حکومتش تازه خنزی به پیهانی محروریدارنده نبهستسود، بنزازیش درش تعره بدرنامسدی حکومستدگسدی تعریوه. حکومتش درای تعر تعرانی جیسی ی یکا در تعرانی دستی لی مطل یگری.

هپیراق ریگدی دا به پارتی له بعضداد روژنامنیدکی عمرجی به ناوی: والشاخی» دریکات. تصد درصین جار پر له سعردسی جسهرری دا ریگا به پارتی بدری له بعضداد روژنامه پلار یکاتبود بز روتکردندوی بیرویزچرندگانی خزی بز رای گشتی عبراق.

والشاخی، له چار همدر رؤزنامه تاشکراکانی تردا، زؤرتر دارای ژبانی دیسرکراتی و، دابین گردتی تازادی حیزبایش، رؤژنامهرانی، دمس پی گردش ژبانی پارلمسانی تنکرد، عمروها پایشنی به میزور و تعدم و شعرصنگی کرودی تعدا، دوای ماومیه ک پاشکزیه کی مطالبهشی به کروری پلار کردود، ونزاردیکان چند جاری گزراد. تصمیش نیشاندی ناکزکی تار جنعرالدکاتی جمیش پر له سغر باسه سیاسیدکاتی عبراق. تعروصیان عارف، به پیچهزاشی کاکیمره کارایادگی در ترنتریت نعیر، نزوی حزید بسیسیدکان له سعرصی ثم ها برزایرندو و خوبان ریک شت برجره، بز زور گزیرندوی گزیگ کسایمتیم چنگییدکاتی ثمو زصانه، درکور: تصمه حصمتن یدکر، حمیدرلمدترز عرامیلی، طاهیر یمحیا، ناجی طالبید، ی بانگ تدکرد و، پرسی پی تدکریدن و، رطی وورندگرفن، عضیی له صانه، به تاییدتی بعصی، به تعسای پشتیلاب بین، له بیر تعور حنوبان تدکرد کیشه و گیردگرفتدکاتی جندرال عارف، لدوانه

له ۲۹ ی حوزبیرانی ۲۹ دو، معلا مستطا شدی له گط عیراق راگرت بو، بعلام شدی له گط عیراق راگرت بو، بعلام شدی له گط باسکی م س راگلیاند بو. له همر جهگایهکی بزی بارایه هبرشی تدکرده سعر بندی و باردگا و هیزدکانهان، حگومتی عیران زویر تصاشای نام شعردی تدکرد می نمودی ریگای بی یه گری. حالمتی دند شدی و نه تاشیری بالی به سعر عظومترجی کوردستان دا کیشا بو، معلا مستطا له روی پیشمعرگلیبدو خبریکی خو بعدیز کردن و، له معیدانی پهیوندی دودکی دا خبریکی دادشتر النان بهیوندی از بور

دوای ثمویی تیستریس سنبرداتی بعضنهای کسرد و ، سنبرکسترسار و هندی له کمسایهتهکاتی کررد و معرفی بهفدادی پیتی، سفرکزماری عیراق، جننعرال عارف له ۲۹ ی تشرینی بهکمی ۱۹۹۳ دا داته کرودستان و، چر یز سنردانی مملا مستنظا، لم کزیرندویش دا چهکگردتی جاشهکاتی ۳۹ (۱) یهکم دارای پو.

شعر ر ثاشتی و، کلیلی چاوستهرگردنی کیشتای ناوخزی جولاتتوای کورد له داس مملا مستخا دا بر، تنویش به هیچ شتی رازی نشهر به تصلیم برتی بی قعید و شمرتی تمان نعی، تمانیش ناماده تمین تصلیمی بن.

پاسکی م س له ۸/۷۸ – ۱۹/۹/۷ دا کنوزفدردنسینکی پیست. راکسردودکسان پیاتردکاتی خزیان و ناکزکیدکاتیان له گفل معلا مستفا رون کرددرد. کونفرینس پشتیراتی له پیپاتی ۴۹ ی صورتیران دوریری و سنسایشی حکومستری کرد. یکلام له پاتی تعوی معرف دوزینتوری ریکنی په لاداخستنی هیستاندی ناکزکیهدکان بدا، ناکزکیهدکاتی قراشر کرد و ، بیانوی سیباسی و تایدپرلرجی بز تاشی و ، سعرکردایتش بارزائی په خیباندت و

له پدراصیستر تصنعه کنونگری صنوته له ۱۵ - . ۱۹/۱۱/۲۰ دا پیستسرا، ثم کسترنگردیشش له باتی تنویی هنولی دارزیندری ریگنی به لاداخسسستنی هیسستاننی ناکژیمیکان بدا، تاکژیمیکانی قراش کرد د، بیانری سیاسی و تایدبرلومی بز تاشی د، لایندکسی تری به خیانند و جاشایتی صیسرات تارانیار کرد. هندی له دمرکرادیکانی کرزنگردی شخشه، لعرانه: نوری شاویس و صنای عسیدوللا هلیوبردرانبره به تغذامی

94

کزنگری شعش

یاسکی جملالی خوی به حیزیبکی تازه دانشنشنا، یطکو خزی به خاوش میزدین و شمرمی پارتی دانشا. له کنوتهای سارتی ۱۹۹۷ دا کنونگردی له کسلار بست. رهکس نیشتامه دروهان به کزنگرهکانی پیشری ناوی نا کزنگردی شعقم، تیبراهیم تعصید که له کزنگردی پینجمعدوه سکرتیری حیبزیه که بود هدر به سکرتیرش سایردود، کزنگردکشی کردود.

به کزنگرهه بریارکانی کونفرنسی ماومت، که ثبو همتر کیشه و گیروگرفتانهی له نام چرلانتروی کنوردا خبولفاند بود، به باش ترخاند در پشتمیسوانی که هطریستی ستوگردایتش نهبراهید انتصده در معدد هنگاردکانی کرد. معلا مستعفای له میپزیهکه دوکرد، بز خنز جینا کرونفره له حیزیهکمن معلا مستعفا پروگرامیکی تازمی دانا، دامترزاندنی سرشالیزمی که عیراق دا کرد به تاباهی سترایجی خزی.

یه گرددود دو حیزی دوژمن به یهک به ناوی پارتی دیشرکراتی کردسستانیوه که تروکنانی معردکیمیان دختیات بو، له نار کرددسستانی عیسراق دا کناری ریکخبرادیم، سیبلس، پیشسفرکیمی، راکنهانفنیان تهکرد و، هنر یهکنیان خزی به خاونن و میبراتگری میزویی حیزیکه دانشا.

•

کورد و

له روژانی جنگی شخل روژهی عدرهب – ٹیسرائیل (حوزمرانی ۱۹۹۷) دا معلا مستخا، به تاشکرا، یمیاتی دهرکرد بز پشتیرانی له عدرهب ر، تامادمی ددریری بز ناردنی چند هنزاری پیشمدرگه بز بخشاری لعو شدرها دژی تیسرائیل.

درای شکاتی عدره به چند ریش له ریگای تارانده، به نهینی، چر بز تیسرائیل بز پسرفنهایی له سنرگسوتندگنهان. گرلدا صائیر و صوش دابان و، چنند کسس تر له کاربعدسته گمورهکاتی تیسرائیل به گمرس پیشرازیهان کرد. لو سمرداندا و بری: و کروه و جر تامززان، عدردگهان نعری حضزدتی تیبراهیس، له بعر نعره تمی عادکاری پهکتر یکنن، شرینی شعردکاتهان له سینا پیشان دا و، عندی لمو چهکه روسیهانمی لمر شراندا له جیشکانی عدیهان گرت بر به دیاری پیشکش کرد.

حالفتی دند تاشتی و ته شدر» بالی به سنر پیرمندی کورد – محرمعت دا کیشیا. بعلام شعری کورد و حکومعتی عیراق تینگر بر به شعری کورد – کورد، به تاییندگی دوآی جعنگی شمش راژمی عمرمب – تیسراتیل، که عیراق . ٤ هنزار سعربازی نارد بز توردون.

یکستی سزقیت بایننی به جرلاتوری کرره نشدا له هیچ بمشیکی دا جگه له عیراق، یفکر خدیگی دامنزراندن و قراکردندوی پعیرشدی تایوری – بازرگانی بر لماکمله تیران د تررکها و خدیگی قرانگردندوی پتیرشدی تایوری– سیبایی بر لماکمل عیبراق و سر با د

له عبراق جگه له پهیرمندی تابیری، بازرگانی، روشنیبری ... نزیکنی هنمر چهک ر تقافی جننگی هیزه چهکداردکاتی عبراق له یمکیتی سزفیت تشبین تمکرا، که همر بر جنگی کوردستان به کاری تعینا. نعوتی عیدان که گرنگیدکی جیهانیی عدیه، له کانرنی یه کسی ۱۹۹۷ها عیداق و سرقیت ریکنوتنیکی سعردتاییان تیسزا کرد بر یارمستیدانی و کرمپانهای تعرفی هیراق» بر دعرمینانی نعوتی پعتریهاری رومهاد. جنگی شش روازمی صدرت – تیسسراتیل ۱۹۷۷ بر یه هری برینی پهیردندی عیداقی – تعسریکی و صیداق ناچار بر بر خر پرچه ک کردن زباتر بشت به یه کرفین مزقیت بیستی.

له ئیران ٔ جگه له ریکنوتش نابروی ۱۹۶۳ ، سالی ۱۹۹۲ نیران و سوقیت لعسیر دروستکردنی دامنوراوی تراننتیوی تاستی تنصفعان و ، راکیشانی لولنی گزیزاننوی گازی سروشتی تیرانی بو بهکیتی سزقیت ریکنوتن ، یاش ۵ سال تیران کنوته ناردنی گاز.

له تورکیهای، ناکنوکی پرتانی- تورکی لمسند قبیرس پیرمندی تعسریکی -تورکی گزا کردیو. تورکیا بعرم چاکردنی پنیرمندی خری لدگنا، یدکیتی سزفیت تعیر.

سفردانی جنتبرال عارف له ثیران

پشتیرانی تیران له مملا مستخا دژی هیراق گنیشت بره رادهیدگی خدتمرناک. کناریدهستانی هیراق گنیشت برند نتو باوبردی و کرلدکتی روح ی جرلانتری کرورد له تیرانه. سوزکی هیراقی، تعروحمان هارف، سندانی روسیی له تیران کرد و، شای بیش. عارف، پیشتر سمردانی بارزانی کرد بو، بارزانی پی رازی نمکرا بو، لم سنوداندا ریستی بلیزان رازی یکا و، تعر کرلکتید بشکیتی که روحکتی تیاید.

هشتا ثم سعردانه به تعلجام ندگهیشت بر، عارف روخا.

ئینقیلایی بحس ۱۸

حیزین بعص پر جازی درم له تدکیزی ۱۹۹۸ دا به تینقیدلاییکی در قدرناغی دسدلاتی گردتود دست. واقد واتیکی زوریان به دوراه پر که به هارکاری تصمیکی - پهریتاتی هانون، پهلام رقیمی بهمی کملکی له تجهرویه کانی ۱۹۳۳ و درگرتیر، له پیهانی پهکمش تینقسالاب دا بطینی بعضوت کردنی پهیوشدی دارد کملا بهکسیتی سؤقیت، راستهدکمش دسملاتی بهمیش له سهاستان ددروی دا هنرای بعضوت کردنی پهیوشدی تابوری، سیاسی، دیپلوماسی، جنگی لماکنه یمکیشی سؤقیت و والاتانی سزسیالهستی دا، دانی پهنمانیای در دانی به جمهوریهای دانی پهنمانیای دیشتایان ی شکاند، دانی به جمهوریهای موردفاتی فرستایان ی شکاند، دانی به جمهوریهای معروفاتی فرستایان دا له تاردوش عنول سعوداکردنی دا لماکند حشع و قدومهایانی عمرب و عدای چاردی کانی

یعصی ویستی عادور پاسکی جولانتوری کورد: جنلالی و متلایی در ارزی یکا و په لای خزی دا رایانیکشی. له ونزارتفکنیان دا در ونزییان بز معلایی در و ونزیکیان بز جمالای تعرضان کنرد بر، ونزیردکندی له یاتی جمالای داترا پر، طعما صحبیسدین بر، راستیکای طعفا زیاتر لعوی جلالی یی، دلسز در گزیرایشل بعمی بر،

تم کناری بغض ممالاً مستنظای وروژاند. مفرجی پیشماکی مدلاً مستنظا چه کارونی جافی ۲۱ (۱) پر. معلاً مستنظا له نفز ریککوتیک دا له گفار مکرمت، ته گفر کروژاننفوری کصایعتی و جیزیه کانی تری کرود و، ناسینی خزی و کر پیشنوای تاقانه دایین ندکردایه، تاماده نمبر قریرلی یکا. لو کاتندا یمس تاماده نمبر پویسته ژیر پاری تم معرجانموه به تایینتی خزیان لاواز برن ره له تار خزیان دا ململاتی ی دهملات له تیمران پادکساتی بعص داء هیسشتها به لادا تمکست بر، بارزانی روزیردگساتی خبزی چشایدو در پودختی له گفاه بعص گرژی تی کموت در سعرمایم گیشتموه شعر.

یمس هیشتا بمشیکی گدوری هیزدگانی له ترودون بو. هیشتا خزی چیگیر نفکره بر، تهلمترانی، یا تمهدیست هیزدگانی خزی به شعری گرودستاندو خدیک یکا، خزی تنمشای تدکره و، یارمنفی جغلاییی تندا بز شعری یارزانی. شعری کبورد و کورد گیشت بده تدیمی ترندونتی.

هیزدگانی معلا مستخا له زور جبگا شکان و راوتران. پارمتنی تهران بز بارزانی لم فزنافندا زور زیادی کرد، تغانت گدیشته تعربی هیزدگانی خزی به جلی پیشمبرگاره انتخاره بر مهیانه کانی شعر. له گدانه بود معندی له هارگاره این مرحمها بارزانی پیششهاریان کرد بر سال و باردگاکس بگریزیشمره دیری تهران، معلا مستخالی لم چورقه وزگار تمکرد تعربی راگرتنی شعر و گفتروگا و ریککترون بود له گل بعصی.

بسکی م س چارخرسی خزی به بعصسوه بست برد. خزی به هارپیسانی ژبان و مردنی بهسک در بخردا به بعض له ملیاترین تم در هزدها، به چک و پاره و هزد، بارمدنی می تعدا داشته با بعض له ملیاترین تم در هزدها، به چک و پاره و هزد، بارمدنی می تعدا دستنی و پاره یابی به بعربی دو بهکرین له شارکتانی کوردستان دا بنکه و بارگایان دامنزراند برد اد منتدی شوین تسانیش له پال دونگاکاتی حکرمت دا حرکسرانیهان تمکرد. و کرد در سینکردتی سلطه دروست بهرد. له نیزاری مالمکاتی کوردا هندی هنگاوی تا بود، و کرد در در سینکردتی سلسانی و کردی زانباری کورد و بهکیتی نوسرانی کورد. کردنی نوروز به به بهتری نوسرانی کورد. کردنی نوروز به بهتری نوسرانی کورد. کردنی بربرمبرایش و روشنههای بهیان در مطلعاتناهی هاوکاری. بهلام تم بربرازانه، که زورتر و پارسترکردنی کیشگامی بهیان در مطلعاتناهی هاوکاری. بهلام تم گلی کورد و چارسترکردنی کیشگره، که پیرستی به چارستری سیاسی برد سعروای گلی خوسر و بارسترکردنی کیشگره، که پیرستی به چارستری سیاسی برد سعروای تند میدر داسترییسی با بناکی م س یز رؤیسی تازه له شزیان تیشنان داید، بعصس هیابی در دسترییسی بهاسی برد سعورای به به برده بین فعید در استریاب به بادر داید داید، بعصس هیابی در دیگریتیکی سیاسی بین بعدس هیابی در دیگریکی سیاسی برد سعورای نعدانی، له بهردستی کهلی کورد میگریتیکی سیاسی و نعدانی، له بهردسی کفل کردا سعیدیز و السیان سوار بی

کزفاری بزگاری

ومجلیس قیاده اثاثوره و مواقعاتتی کرد له سعر دمزکردنی هفتنخامدی ورزگاری». ناودکنی منامیدالا عظی بوارد بر ، من خارش تیستیاز و شاراد صالیب سترتیسدی بود. تبرسا عیدوللا مطالب مامراتی ویزیری تیملام و حسن عطابری مدیر الصحافه بو. لتر کاندا هیچ گزارد یا ورزنامیدک له عیران دا به گرودی دمزنشیو.

توسا تعرانس ورزگاری مان دورتکرد و، آنه رزگاری کز بیریندو، صبحتیکی دپاریکراومان هیر. تعمان ویست وتیاره یکی تازه له جولاتنوس نمتنوسی کوردستانی عبراق دا دایهپنین جباراز یی له ریبازی عدرد بالی: جدلالی ر مملایی پارتی و، عدرد بالی قیادی معرکتزی و لرجندی معرکتزی حیزیی شیرعی. له کاردکنمان دا سعرکتوتر پرین: بیری دامتر[تنتی وکزملله مان گفلاله کرد و زمینمان بز خزش کرد.

عبع کنس له ثبته کادری پیشتین و مرجهنزری مهکتین سیاسی نیور. مدکتین سیساسی نه پز ژبانی خزمان و نه بز چاپ و پلارکنردندری رزگناری هیچ پارمطیسه کی مادهبیان نداین. بز ژبانی خزمان و ژبانی گزفارهکه پشتمان به خزمان بست بو.

چاپخاندی وژونه ی یادگاری پیرسپردمان به هسر دنزگا و کعرصته کزندکانیموه کریسنو، تماناست زماری تعلقزتکیشی که ژوسازه ۱ ی سلیسمانی بود. له بعضدادیش دنزگایه کل پنتیدوایی سان کری، تعرسا نازدترین دنزگای دارشتین رستین بود. پاری کرینی هسر تماینه خزمان پدیدامان کرد. م س فلسیکی ندا، بدلام چرنکه له تیسه دلیا تعربن مرلکیهانی رصبین چاپخانکهان خسته سعر ناری کاک هرمتر مستفا،

ژمارهیدکی زور نوستری گدفتی لی کار بربردوه، ژمارهیدگیش له ترسمره ناسرادهکان وتاریان بر تعنوسی، لعواند: تیمواهم تصمیده به زغیرده واژنی گدانه و ، زمیسمی، هندی وتار لعواند: وسرسهالپزم به زمانی ساده و ، شاکیر فعتاح، به زغیره چنند بعشیکی لم داکنیسی بعزیدهکان پلار کرددو، معمقعه مستما کروردی، به زغیره شهیریکی سالی لیک داکنیس بعزیده شرایده، هندی ورده پایتنی بز نوسین، محمقد سالع دیلان، وتاریکی له سعر نیزامی گدفیموی و، چند شهریک و، جعدال شاریاژیری، چنند شهریکی بز ناردین.

جگه لعوان تهمهیش خومان پندمالدی گزفاره که چندین وتارمان بو تعنوسی.

من به ناوی خوصتوه و ، به ناوی خواستراووه زورم پاس و پایت تنوسی . یمکی لبو و تازانه: دهنژاری سرکریانی شایتری دهیاری بارزانی به ره که لیکولیندویمک بو له سعر چاپی یمکمس دیرانی: دینز کرودستانه ی هنژار . هنژار به و تازه زز نارمحت بو . وای زانی بو لیسراهیم تحصید ترسیریتی. له سعر تعوه چند شیمریکی دهنجره » ی بز دازود . له سعر پیشمی خزی شیمریکانی همری جنبری سرک و قسمی ناشیریند.

تهمه قواته برین له سیاستی سعرکردایندی پارتی رازی نمیرین، به تاییمتی شمر له کمل پارزانی رازی نمیرین، به تاییمتی شمر له کمل پارزانی رازی نمیرین، به تاییمتی شمر سعرکرددکافان به دان نمیر، خوزمان له نازخران له (تکنال) مان دورست کرد بر. تصمرکردایانی کمیکنو به استرکردایانیک با کمیکنو به استرکردایانیک کمیکنو به استرکردایانیک پاکتیکنو به داد کرزفرست نارجهیهکان دا کرا، پز هلپارادنی تشخاصائی لینوندی نارجه و نریندرانی کنزنگری حینزب، (صاربهکی زفریان لموانه برن، کمد له کرنسانی لی تدکردین بعلام هیچ به بیسانری به نارای به میسانری به بیسانری دوسانری به دان نمو. به بیسانری جزورده کزنگردیان دواخت و نمیان هیشت بیستری تا ریککنوننی تازاری به سعردا مادات.

٠

سبارگدرایانتی یعنی له نار خزیان دا له ملسلائی ی دهستلات دا پرن. له سبر جزری رطفار گردن له گفا جزائدوی گررد ناکزگ پرن. صنددام حسین، تازه خاریک پر له نار یمفس دا جبگه یه هارریکانی لهو یکا و دهستلات یگریشه دص، تعیرست کارتی کورد او به میزکردنی شوینی خزی بهکار بهیشی.

بعص مسرئت مصمری بعست. یمکی له پاست کسانی مسرئت مصبر کسورد و ، جسزری چارسترکردنی کیشهکتی بور. داوایان له باسکی م س کرد بو پرؤژدیدگیان به نوسراری بز تاماده یکا له سعر بزیورنی خزبان دمهاری چارستری کیشنی کررد.

لنم برزودیدا نرسی بریان جاری بندرشی کیشین کورد بدره تدکری دان به ساقی تعتريني كوردا بنين له سعر ينجينس تازادي بريارداني چارموس، كه له قيزناغي نسستادا کورد په شیردی تزلزنزمی پهکاری تعینی.

یه کی له پنصسهه کان که پروژه کنی دی بر، رت بری: وتعمانه به چه ک ر پاره ر تازوقىدى ئىسىدە شىدر تەكسىن داواي مىافى چارىنىرس ئەكسىن، ئەگسىر سىدرچارەپەكى ترى بارمدتیدانیان همراید، تعیر دارای چیهان بکرداید؛ و لعو ماوديعوا:

- باسكى جدلالى نديتوانى به شدر كيشدكه له گدل سدركردايدتى بارزانى بدكلايى بكاتموه، هيزه كاني بارزاني له معيدان دا مانموه و، يمرهنگاري سمختيان كرد.

- ثیران به تاشکرا هانه ناو شعره کعوه یز پارمعتی دانی پارزانی و، سنوره کانی پز کردموه و هیزی دایه و، عیراق توانای رویعروبونمومی راستموخزی تیرانی نمیو.

- صعددام تعیریست کارتی کسرودی له دمس تیسران دمریهستی و، له ملمالاتهی دمسهلاتي تار باله جهارازه کاني خزيان و، نيوان يعصي و نعياره کاني دا به کاري بهيني.

موتتهموی بعص بریاری گفتوگزی دا له گیل سوکردایعتی بارزانی و، درای نبوه به مارمیدکی کورت کتولته پیومندی و ثالوگزری نوینم و نیردراو.

په هس يز تاواي زمسيتاي ريككاوتن له گامل مسالا مسست قسا خوش بكات، له معرتسین مرتبسیری قرطری دا برباری لی دا و، له گزاری والشوره العربیده ی دا وتاریکیان نوسی بو، هیزه کوردیه کانیان عطب نگاند بو، باسی جدلالیهان کرد بو که له گل همر حکرمتهکان دا هارکارییان کردوه، پاسی بارزانیشیان کرد پر که هیزی سعرهکیه له بزواندوی کوردا و، بیاتویان بز پدیرهدیه کانی له کمل نیران و تیسرانیل دوزی برموه. له رؤژنامنی والدروه ی تروگانی بعص دا سعروتاریکیان به ناونیشانی: وکیف السبیل الى حل المشكلة الكردية وا بلاو كردوه. ثيرية ثيريش له كمل مبه مستعفيا كموتنه پیراندی و هاتوجو.

پدکهتی سؤقیت تعیرست دسملاتی بعص و بزرتندوی کررد و حشع بگدینیت یدی، قررسایی خری خستیره سبار بارزانی. له کرتایی ۱۹۹۹ و سبارتای ۱۹۹۰ دا دانوستندن له پنینی سعرکردایتی بعص و سعرکردایعتی بآرزانی دا له ناویردانعوه دستی یی کرد و، گفتنرگو برایه پنشداد. دوای همنو کریوندویدکی گرنگ سخینری سؤفیشی تعنداماتي هدود نويندرايدي تعدي، هنولي ثندا بيرو برجونه كانبان له يدك نزيك بخاندوه، حاره بر ناک کیان بدوزیدوه، تمنانت کالی که نویندرایش کوده پیس داگرت لعسور بنشداریونی نوینمری حشع له گفتوگودا وه نوینموایدتی بعصسی تعمدی رفت کردموه به بهانری نبردی حشم حیزیبیکی کوردی نیه و حیزیبکی عبرالیه، کاربعدمستانی سؤلیش

دارایان له نرینمرایعتی کورد کرد دمن لعو خواسته هطیگرن یو تعوی نعیبیته کوسپی بر پیشعوه چرتی رموتی دانوستندن.

بارزانی پیپرستی به پشبردانی بر بز تعرص تمیارکنانی، که بوبون به هیبزیکی سیاسی ر چهکداری گفوره، پاکتبار یکا، تعجاریش له گلتبرگزدا له گفا حکومنت چهک کردنی جاشدگانی ۱۲ (۱) کفوت بره پیش سفاندنی مافتکانی کرردمره.

دستمی نویندرایتری بمص ر سعرکردایتری بارزانی له بعشداد چندین کزیرندریان کرد، بز دیاریکردنی مافدکانی کررد له سعر پنچینمی حرکمی زاتی و، که رمزی دانرستان تمکنردی تی کنوت، صنددام خزی چر یز سعردانی مملا مستعفا ر، پعوجزری ثنو دارای کرد، داراکانی قرول و، تینزایان کرد.

بهصن همستو تمصندی له پشستی باسکی م س دوه تدکیرد ، یگره بز تعظیردان ر چاریستدگی نشان، همسیشه بزیان دوباره تدکیانیان همرقیز دسی له دوستگانیان همان، همسیشه بزیان دوباره تدکیانیان معلناگرین و تعیارتی دا ضمیک بود همانگرین و تعیارتی دا ضمیک بود تحقیری ده مناگرین دا ضمیک بود تحقیری تعیارتی تعیارتی تعیارتی تعیارتی سعز تحقیرتی به بازائی سعز تحقیرتی به بازائی سعز تحقیرتی به بازائی کاریکاتی معلا صستهایان و یوککوتنی بعض – بازائیهان بلار تحکیردو . له بی دوباگری تازانیهان بلار کردوه و ، بیانی تازایان را تعیارتی بیشتوی جولانوی کردوه و ، بیانی تازایان و بازائیهان بازائیهان بازائیهان بازائیهان بازائیهان بازائیهان بازائیهان بازائیهان بازائیهان تازایان بازائیهان تازایان تازایان بازائیهان تازایان تازایان دوبار مستهایان و بازائیهان کردوه و سینهای تازایان سعر پنچینی ترتزنزمی سماند. لا کردیزگره بزنانامی داستهای دادی به بیکسر وایی: و همسر هسترنا شمیره نیسزامیسیسه کسان

انصه سمرکناواتیکی گناوره پر پز صالا مستخف، یالام خیبانه تیکی ناشگرا و غندریکی گفروه پر له پاستناواتی و جیزیانکای، انسه دوم جار پر له پاستناوه خفهبری غندری لی بندن جاری یدکلم: سالی ۱۹۹۳ و جاری دوم: سالی ۱۹۷۰، نصد کاریکی له مامجدالا کرد تا مثایه پاوبری به صددام حسین و حیزیی بعص تعمینی و، هنرگیز لیبان تعین نمی.

گداریدهستانی عیدراق له بهانی تازاری . ۷ دا سافی ندتبردین کدوردیان لهستر پنچیندی ترتونرمی سفاند. پ د ک له عیدان گرنگیدکی گدوردی پدیدا کرد و، به تاشکرا کدوه بهالاکی، روزنامدی والنوره داخراد له باتی تعر والناطی، کتوتبره دربیون، ۵ کردر خرانه روزارتفوه و چهن کوردی تر کرانه دوکیلی روزارت، چهندین فعرسانیمری کدوره له متنداماتی پارتی داترا لعوانه ۳ حسافظی سلیساتی، هنولیر، دهرک، هنورها ۳ ضویمی وهمورس صدود له پیشسمارگه پیک هنوار، چهندی ترویای کدورد له کدللیمکانی عسکتری و شورطه ومرگیران، چهند کسیک به سفیر دانران،

یدگیتی سزقیت و هممر حیزیه کومونیستیدکانی دنیا تم همرالدیان به خرشیدو وفرگسرت و، هغذیکیسان بروسکه یا تاصدی پهبروزیاییسان بر تاردن سندروکی دمستسدی سورکایتن تعاجرمنتی بعزی سزایت تیکولای پردگورتی و سعروکی تعاجرمنتی وبزیرانی . ۱۹۷۸ ی تازاری از ترسی بویان: دنمن واقعدون ان تنفیسلا هفه الاتفاقیه الهامه سیساهد علی تحزیز الرحده الرطنیه والصداقه بین شمین الجسهوریه الاتفاقیه الشد تبدیر العرب والاکراد، علی تجاع قسقین العرب الاتفاقیه ی الاتفاقیه الاتفاقی الاتفاقیه الاتفاقی الات

بدیانی نازاری . ۱۹۷ تین و تعور سیسکی زیری دا به پروتنمودی کسیود له سمارستان نازاری . ۱۹۷ تین و تعور سیسکی زیری دا به پروتنمودی کسیود له سمارستان دا. پاش تینقیبازی ترکیا (۱۹۷۱) ومارمیدی زیر تیکرشمری کردد، ترکیش سرقیت ندان لغیر تبره له رلانانی ندوریای خورتارا بود پنایدر بدکویس سرقیت پمرخدی له کسل پارتی بعید کردی، به دو در از تیسان تحدید به کردنیا به ترکید به کردنیستکان، درناله بان تعد به خوینکاردانیان تمکرد، درگانی رادیانیان سار تمیردی عیران تمیانیان سردانی باردانیان تمکرد،

پدیوندی تابوری و بازرگانی و روشنهبری له نیوان عبراق و ولاتانی سرسهالیستی
دا له ژیر سایس دمسالای بعصی دا له جاران زیاتر گشتی کرد. ریکموتیک بر هارکاری
راده مساس (کسانونی درسی ۱۹۹۹)، ریکموتیک بر هارکساری تأبرری و تکنیکی
(نموزی ۱۹۹۹) بر بارمشیدانی کومهانسای نیشتیمسانی نموت بر درمیسانی نموت بر
اکارونی میانی قساو بر پیششوازی نموتکیستی قدموره، پردتوکولیک بر هاوکساری له
پهکارههانی تعزی بر صبحستی تاشتیسخرازانه، ریکموتیک بر هاوکساری له وادیر و
تنظیزین (۱۹۹۹)، له نیسانی ، ۱۹۷۷ دا ریکموتیک بیرهای سوانیتی نری تیسزا
کرا بر بر ماوکاری اد تیسانی ، ۱۹۷۷ دا ریکموتیکی عبراقی - سولیتی نری تیسزا
نیا بر بر ماوکاری تابیک علیون برونگی عبراتی - سولیتی نری تیسزا
نیا نیسانی ۱۹۷۷ گیرونها و دولانانی تری تعرودها پدیردندی بازگانی عبرای له گذانای در موادی یارگانی عبرای اد گفانای دیسرکرانی، پدرونها دیرودهادی دیرودهای بردی صند.

پیپانی تازار دانی یه مافی نعتمویی کوردا نا بو، بعلام چعند کعموکوریی بنعوش تی دا بو:

زفر له میژ بر پارتی تزنزنزمی بز کردهستان و دیسرکراسی بز عیراقی کرد بر به دروشمی سبزدکی خزی. لم گفترگایاندا وطفی کرودی له هدود مصطفدا: تزنزنزمی و دیسرکراسی دا بازی به سفر چند سعردتایه کی پندونی دا دایر.

له پاسی دپسرکراسی دا بعصسیه کان به راشکاوی وت بریان: دئیسه حیزیهکی شورشگیرین به شزرتی هاتریندند حرکم، باورمان به دیسرکراسی رافزاوایی و دپسرکراسی لیبراان نیم، هطیراردنی گشتی واقه تصلیم کردنی حرکم به کوزنیپورسته کان و دامدی کروری یز تیروی گفتسرگر تک بیان له سعر ثمره نمچسری وازی له پاسی دیسرکراسی و مطیلواردنی گشتی و فرانی پارلصنانی هنا بو. بز پاساودانی تصدیش وت بریان تیسمش

له ياسي تزيزنزمي دا يعص داتي نابو به ماني كوردا له سعر ينجينه تزيزنزمي

یلام منسطه گرتگدگاتی هلگیرا بین بز سالاتی درایی، لمر گفترگزیدا باسی قانونی نژاونزمی و ناریعی نژاونزمی نمکرا بود. دسملاندکانی حکرمتی نژاونزم له کرودستان دا چهه و مصلاندکانی حکرمتی ناوشنی له ناریعی نژاونزم و کاماناین گرودستانی عبرای کسی به و له کسری دا تعوار نبین، بهاریکردانی ناویعی نژاونزم دانرا بو یکمویشه دوای سعرامیری گشتی تا بعر پی به زارایهانی هدر جیگایهک کرود بر بخریشه ناری. دیاری کردنی چارفومی ناریهادانی کدرگری، خانقین، سنجار و زایر شرینی تر هلگرا بین بز درای دمرکارانی نامهامی سعرامیداکه، گیشی فعیلیستان اگد بعض به نیرانی دانمان در این برا

مملا مستعفا فتر کاتندا تعنگار بر. پیریستی به پشردان هبور. دیسرگراسی ر نزفزنزسی و شستی فتر باینکاند فتر کسانندا نعوبیان نشنمینا شسدریان له سسدر یکات، به تابیختی چرنکه ریککفوتندکه دوژمندگانی تعری تعراد تدکرد و، دستکنوتی زلدی بز دابین نکود.

.

کزنگری هشتنم

كزنگرى مشتمى پارتى له تنفوزى ١٩٧٠ دا بسترا.

تم کزنگریمش ودکر گزنگردگانی تر قدرمالغ و و جنزی له خزپیشاندانی سیاسی بر بز تازه گردندری گریرایش گریرانه بز سعروک، هطومترین سیاسی نم گزنگردیه له چار حصر کرنگردگانی کندا جهاواز بر . سعرکردایش بارزانی و سعرانی پارتی به هری بمیاتی تازار و ، پشتمیوانی قراوانی ناوده و دعوده هستسیان به سعرکعرتنیکی گمورد تکرد و ، له خزیان بایی بویون.

ترینتری زور له حیبتریه تعیارهکاتی یمعس، لعوانه حشم، یانگ کرا بون، ثعوانه کزنگرهکیان کرد به دوانگه داری یعصر.

پارتی بز تعوی پیشانی بعصی بنا که هیشتا پشتیوانی تیرانی ماوه، کامعوان بعدخان که له بعقداد پیشوازی رصمیی لی کرابر و، ودکر میوانیکی بعریز رهوانعی لای مملا مستفا کرا بر، بی تعوی سعوی بعقداد بداتمره له ریگای تارانعره گعرابعره تعورویا،

ثم کزنگرهید یی باومری له نهوان بمص - بارزانی دا قولتر کرد.

یز گزمیتنی تاوشنی هندی تندامی تازه داتران. گروانی معلا مستخا: تیدریس ر مسمعرد، بین به تندامی گزمیتمی تاوندی و، دارا برفیق که هنتا چند رفتی پیش کزنگره تندامی پارتی نهیو، له سبر دارای ملا مستخا تعیش کرا به تندامی گزمیتمی تاوندی: چرنکه به جاسیس سزفیتی تنزاتی، سعردرای چند کمسی له ضعرسانده کاری چند کک هفتنیکان نخونیندوار بین.

یمس دارایان له مملا مستخفا کرد یمکن له کوردکانی بنیری بز یمفداد بین به جبگری ممکرتمار، یز تم معبسته هنزیز شنیطیان نارده لای، مملا مستخفا بز تموی روش بکاتموه رت بری: دتم شعر خبردانی بارزان هاته خندم وتی ناین هیچ بارزانیسک کاروباری حکرمت وریگریاه پاش پی داگرتیکی زفری حکرمت، پیشنباری حبیب محفظتی کرد، بغض رفرای کرد چرنگ معبیب به رچملک تبراتی بر، صلا مستخفا تعمی تعزانی، به تعقصت تعوی پیشنهار کرد بو، بز تعوی رطزی یکعن.

به مس جاریکی تر فرناد عارفی نارد بز لای بز نموس یه کیبکی که دابنی. فرناد عارف زوری بز وت بر که دانانی جیگری سترکزمار چند گرنگه. مفلا مستعفا پی ی وت بر: و کمراند خزت بیکنا له تز باشترمان دسی ناکمری.

همدر ریککدرتیکی راستطینه له گفا هدر حکرمدیکی هیراق پرایه، له تعلیام دا نهر معلا صستفا پهیرفتنی له گفاد دورادتانی دعروه بیری و د لهشگردکس بلاره بی بکا یا پیخانه بدر فعرمانی دوگایدکی حکرمددو و ، پاره له هیچ لایه ک وردندگری و ، زیندان نغیی و هیچ کس نگری و نفکریتی و ، خزیشی ونکر هسر هارولایدک له جهگایدک دا دانیشی.. تمانعش له گفاد تیگیشان و بیرکردندو و قازانهی مثلا مستفا نشگرانهان. منا صستفا خزی به پوزار دانشا له دولفت و دارودوژگا قانزشهانی. له پدر تدود له گفاد هیچ حکرمستیک، به راسستین، ریک تشهکدوت و ، هداری تده بارودوزش تااسایی بدر خودی خزری نمیوست پهینیدو.

ئىستىماب يان تىكەلاوپونەود؟

ریککترتنی تازاری یعص – بارزانی سمزکندوتییکی گنموره یو بز بارزانی و بز کورد ، بلام پیشگانیکی سیاسی گوشته بو بز جلالی، دردی هیزدگانی داینزی و له پدر یدک هطرشا ، ریکخراو، سیاسیمهکانی مایر تدریش کموت بوه ژیر گوشاری مدلایی و خلک،

تصان تعیاتریست قنواردی حیزیه کعیان بیداریزد، ناودکدی یگزرن و له گفل پارتی دوست و ماوکار بین و ، سعوکردایش حیزیه کتابان این معلا جیگیر بهی و ، سعوکایدش بارزانی قریبان یکنرد، بملام بارزانی قریبارای نفته کرد تعسان دوکدر حیدن یکی جیساواز و سعریه ختر تیمان، چرنکه گرمسانی تمکوره جاریکی تریش لی ی هطیگاریتمود، له پدر تعوه نشیا یک ریگیی بر دانان تعویش تیکنالا برناده بر به پارتی،

نم ببرورایاند له نار ریزدگانی جملانی دا باس ندکرا. در رخی همیر: یدکیکیان، لای وایر که همولی تاشتیرنمود بدری له گنل بارزانی، بعلام پاریزگاری سعی مغزیه که یکری: تعزی تریان، لای وایر که همود و حیزب له روی پیریاورد و پیکهانتی چینایدتی ر ریبازی سیاسیمو له گنل یدک جیاواز نین و، مانعری حیزیدکه له دواروژدا تعیشعره به فری شسعی نارختر و، پالفانموه به حکوستدو، له یعر تموه هملومشاندتموی حییزیدکه و تیکملاد برنعری به چاک نفزانی.

تعرانی رش درسیان هیو، به زاری لعرانه بین که به تسای دامتزراندنی کزمیله

یون، جگه لعودیش ثعوانه لایان وایر تا تم حیــزیه بزشــاییــدکی ســیــاسی یه جی نعمیلی. یواری گشه کردنی ریکخراویکی تازه نایی.

نادر کرنگردیدی که پیش ۱۱ ی تازاری ۷۰ به سالیک تیار بیمستری بر ، تعمیماره تابیر کتر بیمیشنره بز لیندرانی چارفرسی حییزبهکه، چرنکه تیمتر گرریش ساوکردایشن ر راستکردندوی ریبازی سیاسی، هیچ یایمفیکی تعمایی

گزنگره بسترا، تعنامه کاتی توانه برن که آه کزنفرضه ناویه بیدگان دا پیش ۱۱ تازار حطرفردرا برن. زوریان له تارازیه کاتی نار حیزب و، لایننگرانی (بیار) همی تیمه برن. تیمیش پیشتر همو الد کافی که له نرخی تاتیز نوده اله گف ملا مستخف تم حیزبه عطیرهینیندوه و تیکدلاری حیزبه کمی بکتیندو، کونگره به زوریش ناوی حیزبه که و، حفاوشاندنعری و یه کگرتندوی دا له کله حیادی بازانی.

سعرکردایش بارزانی بطینی دایر به سعرکردایش جفلانی که سیدکی تندامانی لُن و ناوچهگان له کیلدودکاتی تصدان دایتری و، له مطیکی نزیک دا کرزنگری نزدممی پارتی بهستری و، تنداماتی سترکردایش کاریان پی بسپیردری، بهلام نه کزنگری نزدمم بهسترا و ، نه تنداماتی کومیتمی ناوطدی کاریان پی سیدردا، بطکر بز می نرخکردنی تعر هنگاره گرنگد، سترکردایش بارزانی ناری لم چیکلار بورندویه تا: دئیستیماب، له زار جیگاش له لیزندی ناوچه و لقدکان دا جیگیان نهکردندو.

یکی له مدرجه کانی مقلا مستفا نده برد، که تیبراهیم تمصده و حندیکی تر له سرکرده کانیان لای تو جیگیر بین. مانگی شرباتی ۱۹۷۱ تیبراهیم تمصده مامجدالان، عرص مستفا، علی تو جیگیر بین. مانگی شرباتی بارزانی، تمانه چند کسیکی کمیشیان، لعرانه برانه بارزانی، له گفا خزبان برد بر تعربی کمیشیان، لعرانه بارزانی، له گفا خزبان برد بر تعربی الوائه هاسید قاور، حدیثی قدیرج، مام طعط خزشناد، قاد کرکزی، کمسال معرارد... منیش که قدرمانی گرتن و حرکمی و محکمه الفوره ی عبراقم به دواره بر له گفا نعوان رویشیم. مال و خزاندگای مقال مستفال له دیامان در شریشی گارگردنی رازانش نیدریس و مشکرسان برد تبخشیان له خانههای دا له قدسر و ماکزسان برد تبخشیان له خانههای دا له قدسر و ماکزسان دانا، تا

یز یه کتم جار که له گلهٔ معلی عصبکتری چوم یو سعودانی تیدریس. کاک عملی منی پی ناسباند، تیسدریس به پهیکتنیندوه وتی: وئای چنند هدرفان دا تیسعیدام یکری ی بدردس تهکدوتی:» و درد: دوا به پی ی خزم طائرمنته بدردستان»

له رؤزانی ۱۱ ی تازارد! شرکری حدیش صرحافیظی سلیستانی بر. شرکری پدستی بود له ستردیسی حکومتش هارف دا گیرا بود بعرگای تشکیفینی ندگری بود، هاوریکانی خزی به گرت دایر، له بعر تعواد تاز بعدسیدکان دا به چاری سرک ستیریان ندگرد ر خزیشی تبری لی بیرر به دهقدی. یکم گنرای بحسی له سلیستانی دا تعر دای زنا در منشی کسی کرد به بعصی، تبسعه به ترزشی وزی تم هنگاردی راوستاین، من رنا را نشادی کسی کرد به بعصی، تبسعه به ترزشی فزی تم هنگاردی راوستاین، من

من يو.

تعر روژهی پنیاتی ۱۹ ی تازار خریندرایعوه من یو تیبشرکناری گزشاردکستان له پمففاه برم. پاش تعوه به چند روژی گفرامعوه سلیمنانی. لعو صاربیددا نارامپرکیک خرا بره حعوشی سانعری کنچانی سلیمنانیدو.

که سفر تدوه حکومت کوریکی گرت پر به ناری: جنمال تحصید و ، فنومانی گزنتی چند کمسیکیان دمزکرد پوء پهکیکیان من پرم. جنمال و تعواندی فنومانی گزنتیان پژ دنویو پو حنوصی بازدگای گزفاری دوذگاری» بون.

روداودکه یم جوزه بربرد: مالی جمسال به تغیشت سانعری کچانعره پر. جمسال لمر کالرگزرانس به هزی کالزارود بربود، نقر تارحمت تمین، له گفا چفد هارویبدگی دا بز سمر گمر کردن له داخ و خطفت دا تچون بز خواردنمرد، به مسمرخبرش تعرواندره بز مسال گمرم کردن له داخ و خطفت دا تچون بز خواردنمرد، به مسمرخبرش تعرین کچنان دا بز میسیازی دارستا بون، پرلیستهکان مفرض یکیان له گفا تمی به ناری جمسال چارشین برازای به کری ماهری فصوح بود به کرد لهپرمسراری پیشتسترگدگای پاتری بر له سلیسانی، کابرایهگی مقبوح بود به کرد لهپرمسراری پیشتسترگدگای پاتری بر له سلیسانی، کابرایهگی مقبوح به مسال چارشین و پزلیستگان، جمسال تصمد کشورس بازاری بعدن و دستشدری بز یکن، بزدگی تکنین پند پیشتود، جمال تصمد کشرس قازلری بعدن و دستشدری بزدیکس زادگیشکی له خسن در ترشیدی، یز تعربی به نگرفت در دست در تنظیان، بز تعربی به نگرفت در کمی به نگرفت در کمی به ریندار نمکرد برد.

هسان تاقع پزلیس پیش تم بعزمه جورونه سعر دچاپخاندی ژین، که گزلماری رزگای لی چاپ ندگرا، هندی دعزگایان شکاند بر در در هنرچی روده و پردیدکیان بدودس کموت بر برد بریان له ناز تعواندا: وکلیشه ی نم روزاناماندی له سودهی دپیشکعرتن، در قم چاپخانیدا چاپ کرا برن، کلیشهکان له داری گریز هلکنرا بین در تا تعوسا روگر یادگاری چاپخانکه هلگرا بوز. دعوردها چیرنه باردگای گزفاردکش کمییخاندکه و فایلدگانیان تالان کرد بر. سعدان کلیبی به نرخ و وتاری دسختی نرسترانگانیان برد بر.

پرلیسدکان تم رودارمیان به ستر جمال تنصده ا هینا. شوکری حدیثی روداردکدی قرستموه و زلتری کرد. بعص تعییست تعد یکا به مرتانبیمتیک بز چاوشکاندنی جعلالی و، پارتی تعییست پیکا به صرتاسمیمتیک بو نزله کسردندود. صدردولایان تمیانییست روداروکه به سعر من دا بهیبان، شوکری حدیثی تزلمی لیدانی بمعسیدکانی سلیسانی و پارتی نزلمی وتاردکانی زدگاری له من بکشتود.

تنو زمدانه تیگیشتم ترخی قسدگردن چند گدرانه. تم روداره رمزی ژبانی له پندوندره بروداره رمزی ژبانی له پندوندره بخت پندوندره تیک دام و، پر په سدودای دریدوری هنتا هنتایم. لدو ساوه تیتر نمترانی له پریه پرسهی خیج خزمیکم و له شایی هیچ یکی له کمسرکارم دا پشتار بم و، نمترانی له هیچ چهان د خزنیک و، له هیچ لیقومان و ناخزشهک دا له گلبان بم.

جسال کیرا و، قدرمانی گرتن بز تعرانهیش دمرجو که تعو رؤوه له کمل جمعال

خراردپریانموه، فعومانی گرتن پژ منیش، به توهمتی دروستکردنی دشپکاتی تخریب» درچور. همو دراین به دمحکمه الفرود» له بعقداد.

جنمسال حرکسی تیمستام درا و ، هیتایانتوه له پدر درگی سنزای سلیسساتی له سیفاریان دا و ، هاریکاتی تعر و متیشیان به وضیایی و په ۱۰ سال زیندانی حرکم دا . من خزیم ندا به دستموه، له یفغذاد خزمر شاردمرد .

من له ایاتی سیاسی و پیشمدرگذیی خزم دا سدان کار و کردورم داری حکومه تی عیراق و داردوره داری حکومه تی عیراق و داردورگا سمرکرتککردگانی و سمرکردایش بارزانی کردوره ای هنشی به کاری شورشگیرانه و الای عطلی به جاشایتی و الای حکومت به خیانشی نیشتمانی دانشری. له بر تعوی بیریستم به پاکانه نید، بهلام له دور و له نزیکنوه دهستی من لم مصطفیعدا نیو.

ناكزكى نار بنسالس بارزانى

ثعر ماویین ثیمه له قصری پرین تاکزکیهکانی تاو پنصالی بارزانی تعقیهمو، چند روداریان لی قعرما:

- مملا مستخل ماویدک پر له ناو کوروکانی دا تیدریس و مصیودی پیش خست پر ، همدودکی پیش خست پر ، همدودکیسان راتهپدراند. پر ، همدودکیسانی کرد پر یه نقطامی م س و کناروباری بارداشان و تیمنوسان راتهپدراند. مستورای تبویش مصسعدوی داتا بو به لیپدرسراوی دوگدای پاراسانی و تیمنوسی به هی ممکنیی عصدکتری. هریید و لوقسان که به تصدن گلوردتر و ، له مسردمی پاشایتی دا دمینوس و تیمنوسیسان دی بود میمنوارش بر اید گرفتی و داری له هسان یا پیشان دی بود ماردیش می بالدی. لمر ماردیدا هریید دمی به سفر پر له گرفتی و داری له هسان ناویدی بالدی. لمر ماردیدا هریید و بود تا و حکومت.

نمنش رینگفانبودی ناکزکی تاو ژندگانی پر. معلا مستنفا ۳ ژنی هیر. دوانیان پارزانی و یهکیکیان زیباری پر. له ژنی یهکمس: هریید و لوقسان و صابیس و، له ژنی در دوری در افزانی در مصحود، درمی: تبدیس و، له ژنی سیبیشی، که کچی متحصود ناغای زیباری پر: مصحود، دلشاد، وجیهیی هیر: تم ژنهان له لای معلا مستنف له همسهان له پیشتر پر. ناکرکی ناو ژندگانی کاری له پاشمرژنی کرودکانی کرد. له پدر نموی له گفل ژنی یهکسی ناریک پر، عربید و لوقسان و صابیری پشت گری خست و، له پدر نموی له گفل ژن زیاریهکسی ناریک پر، عمومی و شخت.

- شیخ محتفد خالید و شیخ عرسیان، که هدردکهان کوری شیخ تحصد برن، له نار خزیان دا له سعر تعربی کامیان جیگای وخردان» بگریتمرد تیک چر برن، مملا مستفا پشتیرانی له محتمد خالید تدکرد و دژی عرسیان بر، حکرمت ریستی دمس پخانه نار تم ناکزکیبور، کتونه لفشکرکیشی له یدکتری، سعردهام محتمد خالید زال بر به سعر عرسیان دار، عرسیان لیخرا پلام خزی و کوردکانی دایانه یال حکومت.

- عدر لدر ماویده! پاردگای پارزانی یه کی له پراکانی فاخیر میرگسری کرشت. نیوانیش په کیکیان له سنر کوشتموه. فاخیر گیرا و هغندی له پراکانی هلاتن پز ناو حکومت: دوای ساویدک فناخیر پدر دوا. له گنا منامجنلال چوین پز سندرانی پهشینانیدکی زلزی دوبری لو ناوژیدی کرد بری پز تاشتکردنودی پاسکی م س و معلا مستفا، فاخیر تم تاکزکیدی به ناکزکی بارزانی و زیباری لیک تدایبود. له قسمکانی دا رقی: دس چند عطبیدکم کردوه یدکیکهان تعوه پر مصمود داوای لی کردم له گفی پچم بز پچشوازی زبیبر تاخان خالی و جانته زیباریهاکان که تمیانویست پچن بو سعودانی مملا مستفا، من نمچرم و لومی مصمودیشم کرد، که تنوانه دوژمنی تیسنن نابی بچی به پیشوازجهانعوده واکعر خوای تعیرت له صدر تصده منالا مستشاطا غماری لی گرت و تاکزکیهاکانیان لدوده دستی بی کرد بو.

زلزی نمنایاند تاکزگی تیوان فاخیر و یاردگای یارزانی هطی دایعود. کزتاییدکمی پیوه هات هسریان گرتن و له تاشیعتال دا هسریان کوشان. فاخیر خالززای مملا مستعلما

.

صنددام لتو (تتازل) ، گنورمیش پر مثلا مستطای کرد پر یه تصا پر:

 ۱. کارتی کوردی له دمس شای تیران و دوزمندکانی دمیهینی و، یه قازالهی خزی له دئی تیران و، دوزمنانی ناوبوه و دمووی یه کاری پهیئی. لعو کاتمدا تاکوکی تیران و عبران له جاران توندوتیوتر بویو.

 اد بر بزرتنبره چهکداری نزیکس . ۱ سال بر، شاخ و لادیکانی کوردستانی کرد بر به مطبختی خزی و، بربر به کیشنی سیاسی، تابوری، سپایی گنوره، چهک دایش و، یگنرینمو ستر ژباتی تاسایی ناوشار.

صنعدام زور آور تی گنیشت له معردو تصاکسی دا به هداد دا چرد. میلا مستطا مدر له سبردتاره بز چیهنجی کردنی هندی منیستی تاییمتی غزی له گدا، بعص پیک مات بر، ندک بز ریککمرتنی تعراو و راستطیند. میلا مستطا دعولمتیکی له نار دعولمت دا دروست کرد بر، ناماده نمیر دمستی لی عطیگری له بعر تعره:

۱. میلا مستنفا ندک هتر پهیرمدی له گناد تپران نهری، یفکر پنیانی تازاری ودکر دسکترتیکی گرنگ فروشتدره به ثیران، بز بنهیزکردنی پنیرمدییدکنانی له گناد تیران، تپسرائیل و تعمیریکا و ، هسر دوزمندکانی بعصن.

 معلا مستعقا تدک تیبازی بلاوه پی کردنی هیزدکانی و، گفرانبوه بو ژبانی ثاسایی شاری نبور، بطکر هیزدگانی به ژماره زؤرتر و به چدک پزشتماتر کرد. وهنزگای باراسانه ی زباتر بخیز کرد.

سعددام به تاشکرا دروژی به سیاستان دارستایش بارزانی دا، بهلام به نهیتی کنبرد صنددانی، کشور بین بر سعردانی، کشورد چنین به سعردانی، کشوردانی، پهلکهکان ریکزردمرکی معاقدم له سکن قایم کرا بر، له کاتی دانیشتندکندا به ریمزت کوزردان بهلام مالا مستعفا به ریکزت به ریمزت کرزدان بهلام مالا مستعفا به ریکزت بهر تمکورت بدر تمکورت با کنرداندر،

دمركردني فعيليعكان

بعض، بی تعربی گری بدانه ناریزایی سعرکرداینتی بارزانی، ۱۸۵ عنزار کرردی قمیلی درکرد بز تیران د، منال و دارایی زوت کردن به بعناندی تعربی تبرانه تیرانین. روزنامندی دانشناخی، له سمری توسین، بعلام یارتی هیچ هنگاویکی جیسندی نخا بز ریگرتن لم تاوانه و . ریگرتن له دریاره یوندوس.

پرکردنمودی بزشایی خطیج

عبراق و تبران لصعر پرکردامودی تعو برشاییدی کشاندودی هیزدگانی بعریتانی له روزهلاتی سربی، به تاییدش له خلاج دا دورستی تمکرد، له طلعاتی دا بود. تصدیکا نیرانی راسپارد بر تمرکی پاراستی ناسایش خلاج بکینده نستر، شا به پاهه تبرانی پر چهک تمکرد در پیپرهندیکانی خری لانگله ددرامتانی همرمی در شیخ نشیندگانی خلاج باش تمکرد، هولی تعدا له ریگانی زیاد کسونی قسواری دسمکونی تابوری و بازرگنانی سزقیستیسود له تبدران دا، پشتسیراتی با هیچ نبی بی لایش تعریش به دس بهبین. عیدراقیش تمهیست دعری ستردگی هایی له خطاج دا، به تابیدی که دولمات و شیخ نشیندگانی خطاج جگه له تبران همویان عورمن، عیراق ترسی له خو چمکدار کردنی به پاه در قایدی تبران های تعریفی موارات بکالاده، روی کرد بره به تابیدی

له ۹ ی نیستانی ۱۹۷۲ دا عیبراق و یهکیتی سؤقیت دپنیسانی دوستایهنی و هاوکاری و یان بر ماوی ۱۵ سال تیمزا کرد. کرسپگن بر تیمزا کردنی هانه بغشاد. تا تمو کامه یهکیتی سؤقیت پهیساتیکی لمو باینتمی له ناو ولاتانی عمومی دا تنیا لمگل میمسر بر ماوی ۱۵ سال (۱۹۷۱)، وو له دنیادا تنیا لمگله هیند بر ماوی . ۲ سال (۱۹۷۱) تیمزا کرد بو.

یمکیتی سوقیت به وابودندی تابوری، بازرگانی، ستراتیجی گرنگی له عبراق دا
پیدا کرد بر، دستی له پهترولی عبراق گیر کرد بر، کنلکی گیردی لی ودر تهگرت،
معروها نریکای هسر چهک و تقاقی جننگی عبراق له تمکردا، آرمارههای زور پهرائی
تابردی له عبراق دا دس کنوت بر، پاپرو، جننگیهکانی سوقیتی داوگای ضلیجیان بر
کرابروه، تمیانترانی سودانی مبنای ام القصر بکان، لیعر توه پشیری له تار عبراق دا
خازائی تعیر، گزی تیرانی کرود – بعص بهروهرندیهکانی تعوانیشی تعضمه مترسیدو.
حشم و بمعس بعره پیکهاتن تهچون، بمص ریگی کاری قانرنی تعدان و بهشداری
تمکردن له روزارت و لعر وجعههه یمه ایدا که خورکی پیکهبنانی بود. بعص تمیر بود و
که پش بهشداری جمههه یم، باری سعرغی همرولا لسم ماندگانی گلی کرود جوری
بدیرمردنی ولات و جمههه یم، باری سعرغی همرولا لسم ماندگانی گلی کرود جوری
بدیرمردن ولات و جمههه یم، باری سعرغی حدوده المدر تعرب در و بود ک

چنند جاری له تهران روژنامنی والتناخیه و روژنامدکانی بعصی دا: دالشوره و والجمهوریه مشترمری توندوترو دروست ثهور، پارتی و بعصی له در نامنی تالرگزر کراردا هندی له گازانددکانی خزیان له یدکشری و هندی له ناکزکیپیدکانیان رون کردوتموه، ثعر دم له کتبیبکی تاییتی دا یلار کرایتوه.

. بدر له تیسترا کردنی پمیمائی ۱۹۷۳ نیبراتی بنفس – پارزاتی گرژ برپور. هاردولا گرمالیان له یهکفری پمیدا کردیور. یهکیشی سنزگیت بر شوری بارزانی قاتم یکا: نیبراتی خری لدگتا هیراق یاش یکاتموه، تاکرکیدکانی چارستر یکا ، یعشداری جمهمی خراسترار می، انهیش تیمزا کردنی پمیمانی دوستایتانی و هارکاری دا نریندرایتانیکی بعسیریکایتانی نیچکن، لیپرسراوی کاروباری روزهالاتی ناروداست له درناردش دهردودی سؤلیستی، لدگتا، هفتنی کاریده سفارت له یعفقا نارده لای بارزانی.

نویندرایش سؤقیتی پر بارزانیان رون کردوره که تعران نالین بعص باشه بعلام ریگس دلد یک گفیشتن که گل بعضی باشته بعلام ریگس دارکان لدگان تیران، هورها پی باد راگیباندن که تعران پیورشنی بن بان راگیباندن که تعران پیورشنی به تاسایی دانشین چرنکه سزری هاویشیان لدگیل کوردستانی عبدال هنیه، بعلام زور رویشان له پنیرمندی دا باش نید، عبدال به باش نازانین... نریتمرایستی سزفیستی تعربست را له بادل نازانی یکا، کشمالی خری لدگلا عبراق به تاخالان چارستر یکا و، بعشداری جمههه بی ادار به شانی حشور مشانی حشهه بی

نریندرایدتی سزقیمی گرشاری پر کبرد تحینا لدگنا، بعس ریک یکدری، بلام گرشاری پر بعس نشیرد خواستدگانی کرود پسلینی، تسفل تبدی تدکلیاند که تبی کرود به مجرعدگانی بعص رازی بی، بی تعری بعص سعرجدگانی کبرد بعبی بهیش، بارزانی خری به پشت تسترر تعزانی به بطیندگانی شای تیران، لیمر تعره گری ی تعداید تسکانی نیچگن، نیچگن

له کاتی تیمزا کردنی پنیساندگدا له بعفداد کاربدهستانی سخفارتی سزقیتی که نریندرانی پارتیبان دی پر، همورها کرسیجین ر گرشکر که روزوره کورددکانیان دی پر، دارایان لی کردبرن: پارتی یش بعشماری جمعهمه یی و پشتمیسرانی خری له پنیساندکه. دمیری،

دوا به دوای تیسمزا کدونی پهیسانه کمش سمر له نوی هفتی له قسرسانیسترانی سفلان برای تیسمزا کسور به بازدگاهی خوی در سفلان ترکید این در این ارتفاقات به بازدانیان کرد له بازدگاهی خوی در دارایان لیکرد بررسکس پشتیبراتی بر کاربه مستانی عبراتی لی بعا، به بلام بازدانی تمک ناماده نمید پستیبراتی این به بلام بازدانی تمکی دربری، چونکه لای وابر سمزمان تم پهیسانه دوی کشان کورد به کار تمهیش، له سوقیت چه کی پی دورته کدی و کردوی پر لغاز تمهیش با بازدانی بیشتیبراتی تمام بازدانی بهیش شما و دربری کردو کردوی کی بازدانی تمام بیشتیبراتی تصدیراتی تصدیراتی پشتیبراتی تصدیراتی تصدیراتی بازمتی له نام بردارایش تیستراتی بیشتیبراتی تمام بیشانه کمی در درارد کردنوی دادای ترمین کار دمورد کردنوی دادای

و کس راپرتی پایک تهیگسریت و تیکسیون و کیستگفر لو سخوانداد که له ماست که در ایرانها و کید به اید ۱۹۷۱ دا پر تارانهان کرد بطینهان دا به شا ، لنگرانبوده به تیجایی له مصطفی پارستینیت بازرانی بگرلندو . له راستی پش دا که گعراندو بر تصدیری له تاستیکی بعزوا به توان ۲۱ می صوره برانی ۲۷ بریاری پارستیسنانی بازرانیان دا به تاپستی درای تعوی عبران له ۱۲ می صوره بران دا بریاری و تأسیم می نعوتی دا بر . پارستیمکش به تابیدی بریاری دا نیز بریاری و تأسیم می نعوتی دا بر . پارستیمکش یا زیر بریاری بازرانی بود کرنالی یان زیر بر توری دا بریاره به شا رایگییتن . دیاره شایش به یارزانی راگییاندو . لهبر ثعود

پارزانی هستی یه پشتیکی تستور تهکرد له زورانپازی دا لهگلگ یمصی، له هطویستهکانی دا نعرمی نشتراند.

شب هیچ جسوره دسکتوتیکی له ریکتوتنی کسورد – ینفص دا نبیر، یملکر پیرستی به کرده بر له ململاتی دا لدگان عبراق بر تبوی خواسته تبزی و سیاسیکانی خری بمنبرد! پسیپتر، لنیور توه عبرای تندا هاتی بارزانی و بزرتندوی کرده بدا بهگز پنهسسی د! بیچن و، بر تموی زاتی بمرشگاری بان بضائه بعر دریخی نمهکرد له گفتی نوری بارستیدای دار توجهکه و و بیاره و کسه به لای بارزانیستود له ریزی پیسشستودی

پهیرمندی کنوره و بعضی تا شعات تینوتر تغیر، پهیرمندی پارتی و حشع یش تا تعنات خراپتسر تهیر تا گنهیشت. وادهی پیکادانی چهکندار و، پیلغبازیس کنواری نینوان روژنامنکانی والتاخی» و وطریق الشعب».

سالی ۱۹۷۳ نینترایشه کی سزقیتی به سعردکایتن رومان سیف سعردانیکی تاییدتی مقلا مستطایان کرد له باردگاگدی خری، سکرتیری صفیع عنزیز محدغد در روزیری دولت عمنزیز شعریف پشی له گسل چر بون. رومان سیف لم سعردانده ا به راشکاری تاگذاری بارزائی کرد که که تمکر له گلا بعص شعر بکاتوه، یمکیتی سزقیتی ناترانی پشتیوانی لو یکا چرنکه له گفا عیران ویسیانی عادکاری و دوستایتی به ان همیه، یملکر تمی پشتیسوانی له عیراق یکا، لهیر تموه چاکتر وایه لهگما عیران شعر نمکانوه، بشماری جمهیه یی، نیوانی خوی لهگما حشع چاک یکا، تاکرکیمکانی خری لدگما بعص به گفترگری حینانه چارصد یکا، باززانی تذکیر جاردکانی پشو به تنها به گفتن شای تیران پشت تصنور بور، تصحباره به بلینی تصریکاش زیاتر معفرور بربور، لمیتر تموه قسکانی رومان سیف یه عند نمکرت.

معلا مستخفا لای تریتنری دورلدتاتی جیاواز قسمی جیاوازی تدکرد. به تعمیمکای تعرت: وتدگفر بارمدتیم بفتن کوردستان تدکیم به رلایشی پخچار دری تصدیرکای و ر. به سرقهیتی تعرت: وتدکفر بارمدتیم بفتن کوردستان تدکم به قملای کزمزنیزم. به تهرانی تعرت: دکیست همسرصان له ردگفری تانوین و ر. به عیسراتی تعرت: دمن صفیهاسیم و . به تعربی تعرت: دمن مرسرفاته تامادم پهشمنوکه بنیم بر شعری جرو و . به جرلدکیشی تعرب: دکررد و جر نفتوری حزرتی تبهراهیس تعیی پیکنود هاوکاری یکنن و .

گرایه پنم قسانه تعقرهان ثعدا. سعرههام هیچ لایدکیشیانی پی تعقره نعدرا.

یز بعهزگردنی پدیرهدیهگانی خزی له گفله آیران و تیسرائیل و تصدیکا، خزی سطعری کرد بر تاران یو بینینی شا و، یز تعاقبیب یز بینینی گاریددستانی تیسرائیل، تهدیری کرد به بازی بازی این له گفا ریشارد میلدز، تهدرگانی بازیانی له گفا ریشارد میلدز، سعورکی سیا دانیشتن. لم دانیشتنده عیلدز به راشکاری پی ی وت برن که ثعر له بعر خاری شای تیران له گفایان کرد تعییتبرد، تدگینا تعمیریکا نایعری پدیردندی راستدوخز و انگرایان له گفار داینزرینی.

مطیک حسین که تَنچی یز ثیران، معلا ستخاش تعچی یز تعوی بیبینی، دارا له شا ته کا که دیداریکی له گفل مطیک حسین یز ریک بخا، شا تعلی: وچ تیشیکت به شا

حسين هديه سوال له سوالكدر ناكريء

منیمستی تاره بود حسین خزی هاتره دارای بارمنتی له ثیران تدکا ، تز تبچی دارای بارمنتی ای تدکاری، هیچی نبه بتناتی. مالا مستنفا ریست بری حسین بیبنی بز تعرف دارای لی یکا لای تعماریکا قستی بز یکا بارمنی بنان.

یدکیتی سرقیت له ملسلاتی ی کرردی – عیرالی دا تیتر قررسایی خسته پال حکومتی میران و، له تازاری ۱۹۷۴ دا کاتیک جمنگی کرردستان هلگیرسایدو، پشتیراتی میبانی جمنگی کرردستان هلگیرسایدو، پشتیراتی سیاسی و جمنگی تاشکرای له حکومتی هیران کرد داری بزرتندوی کررد، معولی دا تاکرکی میرالی – تیرانی به تشتی بارسسر یکری، بهتاییتی سرقیت لاگیا، همورد دولت پمروشتی باشی هیر، قسمی له لای همورد لا تعریشت، دیارد ریککنرتنی عیران – تیران له کاتندا که بزرتندوی کرده گرویکی چارشرسیی لسمر ناکرکیدکنیان میزان به جنزیمیکی کرشندی فی تعدا.

لدگترمندی شعردگناتی ۱۹۷۴ ی نیبران جمهشی هبیبراتی و شیروشی کنورد لدر سعردانندا که شای تهیان له سانگی تشمیش دوم با پر مترسکری کبرد ، پدکتیک له بایدتکانی گفترگری سؤلیتی – تهرانی دا معبطتی ناکرکری عبراآی – تیرانی پر، که لایش سؤلیتی هیئانه پیشنود. پردگررنی دارای له شا کرد به ثالتین کیشدکانی له گفا، هبران بارصدر بکا.

قسادی مالی و تیداری له ناو دیزگاکانی حیزب و پیشسدرگد دا پدری سنند. واسیطه و خزمایش، ندک تراتا و لیبرشاردیی، گرنگسرین پیبراندی دامنزراندن برن له داتیردگان دا. بازرگانی قاچاخ له گفا تیبران بو به سموچاردیکی گرنگی دیرلمسن پرنی کارپدهستدگانی پیشموگه، داورتدان به نکانی دیزاردتی کاریاری سعور و ، فرتنراتدگانی تر کارپدهستدگانی پارتی و پیشموگه تیان گرت، پاردگانیان دورتدگرت پرزدگان، که بر تاوا کسردنیری کسردسستان برد، با هر نشکسران، با تمکسر بگرانایه زیر خسراب و پر کمسرکری بین، زیر جار خطک نم گلهیانهان ندگیانده ماه سستخا، تعیش نهیرت:

وتعرانه ماندر برن یا کسی تیستیفاده یکنناه

مانگی تازاری ۷۴ گفتیوگزی تیران بعصی – بارزانی چوه کولاتیکی داخرادم.
پیرویزچرنی همردولا سنجارت به تازمزگ و سنوری ناویهای ترترنزمی جیهاواز برد. همر
لایهکیهان پرلژویهگی تاساده کرد بر . هیچ لایهکیهان به پرلژوی لایهگیی تر رازی نییر.
تیسمریس و دارا ترقیی چون یز بطلسفاه یز تعرص قسسته له کمل کساسمنده بمکن و .
پلاوگردندری پرلژوکه دوا یخا. صنددام سرر بر له سنر تعرص له کاتی دیاریگراودا، ودگر
له بیاتی تازاری . ۱۹۷۷ دا نوسرا بو ، پرلژوکه بلار یکریشنوه، هنرشندی لی کنردن که
تککر شدر یکتندرد به شعر دموقتهان نمیت له گفاش تا نسازی.

سانگی تازار دمیان هنزار کسی چرنه ریزی شیزرشدکنود. دنزگای پاراسان مانی خطکیان تعدا شاردکان به جی بهیلن. بعض ربگای لی نشدگرتن. لای وابر لیشاری خطک تبی یه پاریکی قررس به سعر جرلانتودکنود. تعرش هندیکی دنرکرد.

شتر هطگیرسایدو. لیرهدا به زماره له ستر دارودترگاکانی شوزش و تراناکانی، که له کاتی خزی دا به یارمنتی دبیان کشمی ثاگادار کزکراودتموه و، له پینجنمین زماردی کزملعدا بلار کراودتموه، تغریسموه:

داوود بزگاکانی شورش
 بارهگای بارزانی

پیک هات پر له صَلا مستغفا خزی و، تهدریس و منسعود. سنرکردایهنی و سنرپنوشتی همدر کارویاردگانی شورش تُدکرد: کارویاری پیشسنترگنی، سیناسی، راگهاندن، پارتر پرآ، پهیرندیهکانی دعرده، کزکردنبری زانیاری و دنگریاس..

مملاً مستخفاً سفوزگ و حمیه محتمد کنوم سکرتیر و، سفرگردایاتی پارلی پیکهات بو له ۲۱ تندامی گرمیتدی ناوشتی، لبرانه مترتیان مکتمی سیاسی برن: د. محصوره، نوری شاویس، عملی عمدوللا، سامی سنجاری، صالع پوستی و، تیدرس و مصعوره،

لپزندگانی للی ۱ ی مرصل، للی ۲ ی هدرلیر، للی ۳ ی کدرکرک، للی ۶ ی سلیمانی، للی ۵ ی پعفدا، للی ۹ ی تعریریا، للی ۷ ی ریکخستنی نار پیشمعرگد. همر فنزایدک ۱ لپوتس ناوچه ر، همر هیزیک ۱ لپوتس ناوچه و، همر ناهیمهدک

۱ ریکخراری تی دا بر. ریکخستنی اق و نارچه و ریکخراو په پی ی دابشینرنی ثینداری محافظه کانی عبران ریکخرا بر.

۷ کارگیری لیژندی لق وه . . ٤ کارگیری لیژندی نارچه و ، سدان کارگیری لیژندی ریکخراو : کبه به دهشتم ٤٥ هنزار ثندامی ریکخراو و . ۷ هنزار پالیوراو ر لایمنگری ریکخراری همیر

- سوپای شورشگیری کوردستان (س ش ک)

مهکتین همسکتری (۷ ثبتدام) راستموخز پسترا بو به پاردگای پارزانیتود. س ش ک پیک هات پر له ۱۸ هیسز. لتواند: هیسزدکسانی پالدک (هینترین و زوزک)، شیخان، زاخز، ٹاگری، سطین، دشتی هدولیر، کدرکوک، خیات، زمناکز. کاره، پیتراته، حصرین، لدزم، هلگرود، رزگاری.

هدر هیزیک پیک، هات پر له چند به تالیمزیک و، هنر به تالیمزیک له ۳ - ٤ ای، هنر اقیک له ۳ - ٤ پلل و، هنر پنلیک له ۳ - ٤ دسته و، هنر دستمیدک له ۹ - ۱۲ مشمرگد.

جگه لعر 6 یمتالیبرندی به ناری زوزک کنه له سدر شیبردی جمیشی هیبراقی له سازیاز و تخسیر پیک هیزا بر و، جگه لغو چند قرمتدی که به ناری تطعیفیر و سنجار و کنوسردت پیکهبینرا بر وه له این زورتر و له یمتالیبون کسمیتسر بو، له سندرانسساری کردستانی صداره ۱۹ مه بمتالیدن همین

ستوبرای پیشمبترگندی دائیسی که ودکتر جنیشینکی نیبزامی ریکخرا یو ، پز پشتیراتی لدم سرپایه دهیزی بنرگزی میللی ه دامدزربارا بر .

و مارمیدکی زلیق فیرماندی میزدکان ر بتالیرندکان بعرزانی برن. وماردیدکی زلر لدر فیرماندانه تعفیضدوار یا عمیقی شروطه ر جایش برن.

- دنزگای پاراسان پاراسان دنزگایهکی جاسوسی یو. کادردکانی له لایعن ساواک: صوساد ، سیماره

منش دا درا بون. تترکه کانی تعمیش ودکو تترکه کانی هدر دنزگایه کی مرخایدرات بو. بعثی جیاجیای هیو بو کزکردندری دنگریاس و هنوالی جزراوجرو و، کوشان و تیکدان. لیپرسراوی یه کمی تم دنزگایه مصعود بو.

پاراسان چگه له خنمت و تزره نهینهه کسانی، نویتم یکی تاشکرای به رمسمی له پارهکای همدر هیز، بیتالیون، این لیوتنی این، لیزندی نایجه، تمانتیک دا همیر، که نمیر چادیکای روداره کانی دمور پشتی خزیان و جدرجرلی خلک و پیشمبرگه و لیپرسراده کان پکند ره رایز بیان له سعر بنوس:

باراسان دوزگایه کی نهینی بد ژمادی راستطینی نازانری.

- ئسانىتەكان

پدرامیدر بدو معطیسه تعلیزییدی بعض دروستی کرد بو سدرکرداینتی شورش چند تعدانتیکی داتا پر، ودکره تعدانتی مالید، کشترکال، نارخز، اشفال و اسکان، تعدرستی، عدلید، اعلام، تربید.

هدر يدكي لم تصانعتانه سعدان فعرمانيدري همير.

۲. تواناکانی شندش

- توانای مرفص

. ٩ هنزار - پشمارگای دائیس

۵۲ هنزار خیزی بهگری میللی
 ۲۵ تنفستری جدیش و شروطه به یلدی جیاواز

۹۸ بزشک

۱ یزیشکی دان

۱ دورمانگور

. ۲۲ مهتلس

. ۹ ماموستای زانگو

. ۲۱۲ ماموستای سفرهتایی و سانعوی

. . ۷ خویندکاری زانکز و معهد

. . 10 قرتایی ناوشتی و دوانارشتی مداران میرشد و در در در کارمنده

هنزاران عنیف و پریتهیچ و کارمندی حکرمنتی - دارایی

سرچاره کانی دارایی شورشه که بریتی بر له:

مرجاورات الى مارايى سروسانية يريدي يو لد:

۱. پارمتی تیرانی و تصعریکی و تیسراتیلی و هنتنی دولفتی تر. ۲. تایرنتی تعندامان. تنو پارمینی له سعرانسیری کوردستان دا به ناوی مانگاندو.

۳. داهاتی فروشگاکانی شورش.

۱۰ داهانی فروشخا قابی شورش. چهک ر تقائی شفر و داوردمرمان له دمرمره ثمغات و به یاره نخدگردرا.

پردجمی شروش له . ۱۹۷۰ - ۱۹۷۵ نزیکس ۵۸ ملیون دیناری عیبراقی بر. له کاتی تاشیعتال دا ۲۵ ملیون دینار له خنزیندی یاردگای یارزانی دا مایر.

- راگەياندن

دوزگایدی ۸ کیبلوراتی رادیر له صمی ضلان بر، در دنزگای بعیبزکردنی له خانفین و سعرستگ دانرا بور. بدرنامهکاتی به کوردی، عمرمی، تورکساتی، تینگلیزی و فعرضی و جاروبار به عفتی زمانی تریش بلار تدکردود.

پاردگای هممر اق و یعالپون و هیزدکانی پیشمموگه دنزگایندکی پیشنای همبر بز یمبرمندی راستموخز له گله دنزگاکانی سمرو خزی.

پهومین واستوخو که خده درخوانی مسروحی. دورگای چاپی تیتند تایم و هایللیبرگ و ، دورگای چنینی تیم و ، سدان تایم و رؤنیر ، سدان نرسو و رژازنامعوان له دورگای راگایاندن دا کاریان تمکرد و ، دمیان رؤزنامه و گرفار و چاپکراو دورتیمی.

- چدک

جگه لعو تفتکاتمی به دس پیشمهرگه و بدرگری میللیده بو دبیان هنزار برنمو و کلاشینکرف و ۱۵ ملیون فیشدک و ۵ هنزار گرلله تزیی تبحثیات له دبیر دا بو.

ية سنادان هاوش كلرى ٧، ٨٢ ملم. ١٢٠ ملم و، تؤين ٧٠ واتل، ١٢٢ ملم،

۱۳۷ ملم، ۱۷۰ ملم. په سندان ۱٤٥ ملم، ۳۰ ملم، ۳۳ ملم، ۷۰ ملم ی دژی فرؤکه.

به سندان رشاشی دوشکا، برنبو، گریتوف و دیکتاربوف. به سندان ساروخی ستریلای دژی فروکه و ساگلری دژی تانک.

یه هنزاران تاربی جی ۲ و ۷ و لوغس جزرارجور.

له دوانزه سانگی شدود (تازاری ۱۹۷۵ - تازاری ۱۹۷۵) صدلا مستبط تم دارودنرگ و چیز و ترانایس له پدر دمی دا پر. ریککبرتنی شدا - صددام له جمزائیس کزتایی په شعراکه چینا. مملا مستخلا تعیترانی پدکی لم ریگایانه خطیوری

- دريوه په شررش بدا.

 واز له سعرگرداینتی شورش بهینی بز به کی له گورهکانی یا بز کسپکی تر له سعرگرداینتی یارتی، خزی پچیته تعویویا یا تصعیکا داینیشی.

چیگنی دآخه معلا مستخفا آمیج کام لم دو ریگایتی نه کرت، ریگیدکی تری مطبوارد که خفک تاریان لی تا تاشیعتالد ریگای به هیچ کسیکش نددا دریژه به شروش بدا و مغرفتی لیکنی به هیچ کسیکش نددا دریژه به شروش بدا و مغرفتی به سعر کرود هینا. سعرها نریکنی ۱۷ هنزار کمس پرنه تیزان، میزان، میزان، میزان، میزان به تاریخ کرودی میبرای له گفلی بچن بنز تیزان، چرنکه وای تفزانی تیزان و تممیریکا ناچار، تمین شتیکی در بانگلادیش له کرودستان دویاره یکندو، تعوه جاری چرارم بر صفلا مستشفا

سران بنصالهی بارزانی و هندی له هارگداره نزیکدگدانی صفلا مستنطبای له معظینیدی کدرج له نزیک تاران نیشتمیی کرد. نهانی تری به نار تیران دا پلارگردبود. هندیکیشیان چرنه و لاکانی تعویمی و تعمیریکی برنه پنتایمری سیاسی. بعشیکیشیان گرانبود هران و به نارههاکانی جنوب دا پلار گرانبود.

ق م له پیش دا رایان تیدیما تمکرد که مقلا مستخفا تیتر دهری له سعروکایتی پارتی دا تصاره، سعرکردایتی به کوصلا حیزیه که یعربره تنهات و، تعر تیتر رستریکی نفتودیی کرد تغیی، بعلام زاری نخفایاند به ناری سعروکی پارتیخوه له تعمیریا دستی کرده رد به چالاکی و، به ترتنی کموته دورمنایهتی به کمیتی، به تابستی صامبعدالا، رایزرتی پایک و نامه کانی مقلا مستخفا بز سعروک کارتم و سیناتزرهکان، نهینی زار گرزگیان له پمیرمندی ژیر به ژیری کورد و تعمیریکادا تاشکرا کرد، که تا تعرسا کمس

معلا مستخفا وای تنزانی یدگیشی جبگه بدو و به بنصاله کنی لین تدکا و بز دوژمنایاتی تعو دامسعزواره، له بعر تدو تا خسزی زیندو بر نعیهسیست هیچ جسزه ریککوترتیکی سیاسی یا معیانی له گله یدگیشی سعر یکری، تدو ریککوتنه معیانیسی له شام له تیران مامیدالا و مصعودا به شاینتی سوریهاکان تیرا کرا بر هلوشاندود و، له رؤازی کارساتی هدکاری دا فیرمانی دا به سعرانی قیاده مورطعته، عملی عصکعری و خالف سعید و شیخ حسین، به گدورترین چهک یکوژن، جنگی له ناویردنی یدگیتی به میرات بز کردکانی به جی هیشت.

115

تیستا که به رابرردودا تنجسره پیم رایه، تمین تعوسا تیسد: سعرکردایعتی بهکتی، هلوستیکی ترمان همبرایه، سعرفرای همبر دوزمایهتی که تالی بهکتینی و، سعرفرای همبر کارد همبرایی، سعرفرای که تعورای در سعرفرای در در در در در استانی به تعویل به بازی به بازی برسمه و سعرفضوشی صان بز لیمسالمی بارزانی و تعلقم و لایهتگردگانی بازتی بنارهایه و تمکساندو نشخساندو نشخسان به به برنمیه که دارایان لی یکمین لاپدریه کی تازه بز پنجمهای دارایان لی یکمین لاپدریه کی تازه بز پنجمهای به برنمیه که دارایان می یکمین در بازگی بازی پنجمهای درداردگانی همکاری دا کاس و تاسبری برداردگانی همکاری دا کاس و تاسبری بردی در دانشان الهی دانشان لیم صردنمیان لیم و انتظام کاندا به دانتشان الهی دانشان کور

نیردی دردمی ۱۹۷۹

خزدزيتموه

کمشی کرزمنالایمتی پمیروندیسدگانی ناو خیزماتم به دل نبود. ملسنالایی له گمل حسک، باردکانی دویتی میان و تعیاردگانی تازهمان. سعرفرای تعوش، ملسالایی ی نار روزدگانی کرزمناد و ، اد شرقهایی بوزی هنتنی له سعرگرددگانی، تا تعمات ترندتر تعییر. به تعراوی ودرس بهبرم، همتمستم تحکیره خعرفکه تعیرم، به تابیمترم "کاسال زیاتر بر به بی رویان و پشردان به شاخوم بهرم و، همعر کات و قابله به مسلماکه تعرخان کرد بر. ویستم مادویدگ لع کشف ناسازه میباسیمه دور یکتومنود، بریارم دا مسلمویکی دریای دوردو، یکم، تیزتم له مامچملال و هاویکانم خواست.

تاران

له گط تازاد جمده غمیه بهری کعرتین بدود تاران، ناو ثیران چیشتها شلوا بره ملسلاتی ی دسملات له تیران ناوشده کانی هیز دا له تیران بالی معزهبی و بالی تعدیتی در له تیران بالی معزهبی و بالی تعدیتی در له ناز داختراوی دیتی دا هیشتا به لادا نمکوت بیر. سعدان ریکخراوی سیاسی گدره و پهرکی جیراوجود دامنزوا بود، به سعدان روزنامه و حفقتمنامه دور تیجو. تنهو. تار در روزمی کید گیشتینه تاران سودتای مانگی تایار بیر، تازه در طعمیری کروزا بود. مرطعمیری به توانای بیری شیمه بر.
یمکی له نیزمگانی تیمام خرمهیتی و، بیرکمود و نرستریکی به توانای بیری شیمه بر.
بادان برنی خسویی لی تعدادی سیدان هنزاز تایی بیرکمود و نرستریکی به توانای بیری شیمه بر.
باددکان، هرتالیان دری تعدویکا، تیسراتیل، شوردی، کرمزنیزم.. تمکیشا.

میشت! پهکیتی له تاران دتریندو و ددختره ی تبیر. سامجمالا هندی نامی نرسی بر بو فامستینهگان و سرویکان، درای سرکدونتی شروشی تهران، سفاردی تهراتیل له تاران کرا بر به سفاردتی ریکخراری رزگاری فلمستین. هانی الحسن نریندری فلمستین بر، دن سعنی سفاراتی سوری و سعفاردتی فلمستین دا، خطرصرجی کردستان و عبراتم یز باس کردن و، هطرستی بهکیتی م بز رون کردنده له رودادکانی تهراد، به تابیمتی له ریسازی خرسینی، تهکید، بقام نمیتیوانیمکی بهرک و نفاسراد و بی تازه به تابیمتی له ریسازی خرسینی، تهکید، بقام نمیتیکی پچبرک و نفاسراد و بی دسکالات بوز.

.

كرجنى عدراب

کورده فیهایکاتی هیراق له پنجیندا له پشتگز ره عانون. خانطین و مندنی ر پندره و جمسیان کنوترنفته دامیش چهاکاتی پشتگز ره له کوننوه ثم نارچانه له روی چرگرافیای پنشبری و تعیمینوه به یدکنوه بنستراون، یعلام ریککنوتنی زهار نارچهکمی دایش کردره و، کردویش به سنروی عوسانی و تیرانی.

لعر كانموه كه يعقداد كاوهان كراوهموه و، يزته پايتمخت، دانيشتراني لورستان،

به تایینتی کورده فعیلیدکان، یز زیاردتی پیروزگاکانی شیمه، یز بازرگانی و، کریکاری.. هاترچریان کردوه و، لر ی جیگیر بون. تغنانت جاریکیبان دمسشیبان به سنو بعضفادا گرتره.

يمصن كورده قميليهكائى به دوڙمن دائمقا و ، خست برنيه خاتمن وتهدينات الامن الفاظريه دوه له يمر تعوي:

- له روی دینهدوه، معزمی دصملاتی سیاسی له عبراق دا سوئته یو، تعوان شیعه .

بون.

 له روی سیاسیدو، گرماتیان لی تهکردن، که دلسززیبان بز تیران بههرتر بی ردک له دلسززیبان بز هیراق، به تاییدی چرتکه هندیکیان بز تعربی نمچن بز سعربازی، جنسیدی تیرانیبان مابر.

 له روی تاپرویموه، دستیان گرت پر به سمر «شرویجه» دا که گرنگترین بازاری بمغداد بر. بمعسیدکان تعیانیست تم بازاره پر قازافیه بدن به پیاردکانی خزیان.

یمص به چنند رمیمه فنیلی که عیبراق دور کرد. رمیمهای یدکتمیبان که کنانرتی درمی ۱۹۷۱ دا دولی ریککفوتتی تازار دورکسرا بیزد. تیم دورگسردنه دریوی همیر تا سالای دولی به تاپیمتی دولی مطگرساتی جنگی عیبراق – قبران، که تاران و تیلام ر کرفائان، تیشتمین بویدن. وداروبان که ۲۰۰ عزار کمس تی تعیبری.

یمعس بز راستگردندوی هارسمنگی و تمرازری مستزییی شبیسمه - سسرننه ه فسیلیسکبانی به پیسانری و تیسرانی برنه دو دبرکبرد ، بغلام زورایعتی فسیلیسکنان هیچ پغیرمندیدکیان به تیراندو، نغیر، خزبان و چنند پشتیان له عیراق له دایک بربون.

شعیلیندگنان به راستی لیکنتومباو بیرن. حکرمنتی عیبراق هعمر مثال و دارایی ر کطرپهلی زهرت و ، به مناتش و روترگرفی دوری کرد بین بز سعر منزری تیران، تیرانیش ودگر هارولاکی طری تصافیای نشکردن، نادی تا بیرن دمرحاویدین دوگر عیبالی رهشاری لا گذار تکرون، لا تاران له گاردیک کریورتیون تاریان تا برد ، دگریتون عنوم».

له ناو دمستمی دامنزریتمری یه کپتی دا در قمیلی تی دا بر: عمیداربزاق میرزا، عادل مرزاد. عادل زیز بر رویشته تاران. شعری ساری سالی ۷۴ تزترمزیبلیکی وتمعن، له یاوکی دایر گرشت بوی. کمسرکاری له یمقداد دمرکرا برز، دایکی له تاران تشیا.

یز تاشینکردنبردی له تاران چرم بز مالهکسیان. عادل، ردگر خزی تعیرت دلی له مامجملال و د. فرتاد ردهها بر، ثراتیشی له ناوزهگ پی خزش نبیر. چنندی له گناش خبریک برم سردی نبور. چره بهیرت ساومیدک تجرعمدی عمرمی - فارس بز روژنامدی دالسفیره دی بیروتی تدکرد. له مایسی ۲۹ دا له پدکسین کزنگردی حسک دا عطیزیردرا به تنظامی کرمینمی نارشدی و، بر به تریندریان له لرینان و سریا.

تطريعي ثيراني

تیراتیدکان تعقریسیکیان داهیناوه، تدکیرچی خزیان به هیجری دائمتین، بهلام ته له میلادی بار تعچی، ته له هیجری باو.

– تطنیزینی سبیسلادی یه گنریردی خنولانتودی ثنوز یه دنوری خنوردا داتراوه و ، تطرینی هیجری به گزیردی خولانتودی مانگ به دنوری تنوزدا داتراوه. – تطویمی میلادی له دایکورنی مصیح و، تطویمی هیجری کژچی محدعدی له مذکفره یز مدینه کردوه په سترهای دمن پی کردنی.

تهرانیسیدگان هدودرگیبان تیکدلاو گردود. خولاندری تعزیان به دمیری خزر دا کردود به پنچمیندی تطریحهکتبان بیلام پز تطریحهکتبان له باتی سبال له دایکبرنی منسبع، سبالی کرنجی محملهدیان کردود به سنونتای دسن پی کردنی و، له پاتی بلزی کرنجی محملهد ریازی نعریذیان کردود به سنونتای نری برنعوی سال. ۹ سانگی پدکتم معمری ۳۱ روز و، ۲ مانگی دوم هسری ۳۰ روزد، له پنر تعود به تظریمهکتری خویان نظیر: دهبیری تفسیی یا هیچری خرشیادی و ریادی که دهبیری قسمیری.

معافد روزا شآ تقویمی میلادی و هیجری مطرشاندو در، تطویمیکی کنی دانا، جلوسی کوزش گاهوردی کرد بر به سالی دس پی کردن. له کناتی وقیهامه دا دیستان کردبود به دهیجی خرشیدی».

ثم تعقیمه جیاوازانه، یژ یه کی که شارهزا نمی، تعییته هری سعر لی تیکچرن.

سخاردتی سوری دپاسپورت یکی نری یان دامی بز تعوی سخفیری پی بکم،
پهلام له پدر تعوی نصترانی ددخولیه ی تیرانی بخصه سعر نصترانی به کاری بهیتم و
سخفیری پی پکم، گوامنوه بز سنه امری چاوری پکم تا چاری بز کیشهکم تعدوزمنوه،
لعری نامنی یکی له هاوریکاتم پی گیشت دادای لی کرد برم پگفریستوه بز کوردستان،
چرنکه نیران مامیدلال له گفا سعرکردایتی کومفاد یکیوره و پیرشدییدکان خعربکه
له یک تعرازین، بیگرمان تصد هنوالیکی ناخرش بو، زار نبو پزوتنوه له یکیتی جیا
برموره، تعمشی به سفرا بی، یکیش تکانویته ماترسیکی گفروده،

گرامور، یز باردگاگانی سعرگردایش له ترؤهاد. هارویکانی خزم و، صامیحالا ر
سعرانی پروتشوه - تنواندی له گمال یدکیشی ما برن - پیشی، کمیشدکه له سعر جوری
دوستکردنروی مدختی سیاسی بور تنواندی پیشنیبار کرا برن پز تندامش م س له
دوستکردنروی مدختیان له هیلی گشتی: د. فرزاد معصوم و د. کمدال خوشناد، له
پروتشوش: جمعال تاشا و عملی عدیرز. نویتورکانی کومفاه رت پریان: دئیسه عملی
مدیرز تاناسین. نازه هاترته دوبود، له پدر تعوه قریول ناکمین دابنری به تغنامی م س ه.
مامیعالیش پزی پاس کرد برن که تعوه تجوشیکی دیریته و، فهرسازی ریکخواردکانی
مامیعالیش پزی پاس کرد برن که تعوه تجوشیکی دیریته و، فهرسازی ریکخواردکانی
غزیران بکن، نریتردکانی کرمفاه سرو پرن له سعر عملیستی خزیان، گزتاییدکی پدو
هات پر کزیرندوکه تیک پور بر، مامیعالا سرمندی خوارد بر که تدگیر عملی نکری په
نشان می تعو له ناز یمکیشی دا نامینی و، کوردستان به چی تعیلی و، پمیانیکیان
نه سر دورتدان کشیدی به بالرحی لی تدکین، مامیعالا به عمان ناودرد
نه نامیدیکی بور سترکردایش کرمطاه نرسی بر.

مولیکی زیرم ۱۵ گرژیدکه خار بکسمود. له گفگ سمزکردایدتی کزمطه کزیرمموه. له سفر کییشمکه زیر دواین، هموانه دا چارهیکی ناوتجی بدزیندود، ساسجملال به هیچ جریی ناماده نیر له براردکوی خری بکشیندو. له تفایام دا کمرتینه مطسنگانندن تعری مامیعلال بز یمکیتی پیریسته و صعرچه نارعزاکس له بینادی بازاستنی ریزدگانی یمکیتی دا قریرل پکتین، یان معرجدکنی قریرل ندکتین و پنیرمندی خرمانی له گفل تیک بدمین؟ مامجدلال گرمزدکنی بردمور: معرجدکنی قریرل کرا.

سددهما

وردومان

نیست له تارزهنگاره گیراستیسرماناره بهز تعضیاییدگی روت له نزیک ترواله. چادریکسان هغا، دا بر له ژیری دا دانیشت برین ر، هندی له پیشسسرگدگان خمریکی دارهبنان ر چیشت لینان برن، در فرزکمی عبراقی به بعززی به تاسمانی نارچهکندا چند جاری هاتن، دیار بر فروکمی نزرین (استطلاع) برن.

یز روژی دوم ٤ ی حسرزمبرانی ٧٩ آټسسه په ربگاوه پوین په لای کسانی زمردا تهچین یز مالیسرس له دهمتو نهودوودا پزلی فروکه پمیدا یون، له پمرزاییدکتره چارسان لی بر چند یزمیایدکی بدواینوه و دوکله پنرز بردو.

تُناجِمامی بوردوسانهکه چند سالیکی له گرندی گزرشیهر ویران کرد بو. چند کسیکی کرشت بو. هندی داری گلورویشی له کانی زدرد شکاندیو.

معیستی عیراق لم پوردومانه ترساندنی تاواییدکانی ثیران بو، که تیبیان بگهیمنی همرکرییدک دالدی پیشمدرگای کوردستانی عیراق بدا بعر هیرش تهکموی.

ریگای حشیشه

تعو ماریه نمجز (تنجمندین بیرک قنبا) گایشته نارزهنگ. وجیمیدک چهگی به نار ترکهادا هینا بر یز گرندیکی سفر سنور له ورمی. لغویشمره گایاندیانه کوردستانی عمال.

" نجوز تدگنرایدو تورکییا، پیکنوه پدری کموتین بدود ودمی و لعویره یز شاپور و چینه ناویدی شکاک، نتیج له گفاه مغندیگیان ناسیاری پنینا کرد پر. سبری گرندکمی سنتاری ماسعتی مان دا، خزی له مال نبیر، کوردکمی لدوی پر، گرندک تدریهاغیهه کی نزدی لی بود، به ریکنوت توشی وهیجان جندی برم. وستم خزمی لی همله یکمر، بهلا پیجان منی ناسمی نامی میله پیجان منی ناسمی کمی پهلام بهلام بهلامی نامی نامی کمی بهلام بهلامی نامی نامی کمی بهلامی نامی کمی بهلامی نامی میکنه اید و دری: دباشه ه. تا ناویهکمان به جی خیشت کمی نمیزان شریخ دری نومیک تیرم، ومختی خری بز کوردایتی شریخ، ومختی شریخ، نیزانی کموتم یز مؤلفت و، له گفل تعویش گفرامدو، یز عیران، شیختا دارمندوه نار کمیران، خرم.

چرینه گرندیکی تریک ستری تررکها، له مالی کابرایه که پرین به میسوان تاری نمین زنار پر، دورنمین ر دمسلالر پر، رینهه کی معلا مستخاشی هطراسی پر، تعران نمینهان یه سهاسی نشتناسی، به تایهاشچی چهکهان تعزانی، تعین پیشتر جاریکی تریش میرانی حاجی زنار بریر، حاجی کابرایه کی چارد داد قراران بر، بعرضیکی بز سعریرین، تا ریگاکتهان تالی کردمره ۳ یقلی چی چر، همر ۳ یقل میرانی تعریبین خرصعی زیریان کردین،

ر نیزانی، ترزاد تیمنی به باتدیکی گرنگی قاچاخچینی، تیکنلار آد میرالی ر تررکی و نیزانی، تیزانی، تیزانی به گرندگان به میدالی ر ترزکی در نیزانی، تیزانی نوانی میدان از گرندگان خوان، شرید کنید، اور ایر از از می بدان اند در ترزار می ندا، به بهجدارانده نیز تیمیست تیمه قانیم که بازدگانی مختیشت اد گله یکنین، زیرمان له گدا رت و تصامی زیرمان خسته بدردسی، کلکی نمیر، وتی: وثیره تمهن به ادرینانده به قاچاخ دادی میداد تا تیمیست بر ترزان ایران تیمیست بر ترزان اند سریادا تیمیست بر ترزان به قاچاخ به ناز سریادا تیمیست براریه تر ترزان به تابعات تیمیست براریه تم دستر زمست تیمیست بیمیاری دادی کنیمیست بیمیاری دادی کنیمیست بیمیاریزی دادی کنیمیست بیمیاریزی، تمییست بیمیاریزی، تمیست بیمیاریز شدیره تمیست بیمیاریز شدیره تمیست بیمیاریز شدیره تمیست بیمیست بیمیاریز شدیره تمیست بیمیست بیمیست

ندر نارچیه یمکی له شبا ریگاگانی تیهیمراندنی حبشینیه پیر بر تعوریها. له تطفانستان و پاکستان و تیراندوه مختیشهان لم نارچیدوه تدگیریایدو، بز تیرکها و، لعریشدو، بز تعوریها و سعرانسعری دنیا. لم نارچیهش دا حشیشتهان تعوراند. ریژیکهان بردینی بز ستیری یمکی له کیهانگا گهوردگانی خویان. تازه گولی کرد بو، دیسمنیکی بردینی بز ستیری میمر.

گرندکعمان به روژ به چی هیشت و شارطزا پیشمنان کعرت له منرور پهریندو بر تار ترکیا. چینه گرندیک ترترمیلیکنان به کری گرت بر باشدگاد. شعو له ترتیلیک دارتری گرت بر باشدگاد. شعو له ترتیلیک دارترین، بز رواید بر استرمزه که مالی باوکی دارترین، بر روژی برد. موسولگان برد برد موسولات گاران برد له نیوان سیروری برد. موسولات از موسولات برد. به شعر سریا و تروکیادا قاچانجیستی تمکره و شارطای ریگاریان برد. چرمه لای ثمر، به شعر تیهای موان میبان پمرانمود، له تیموسول پومه مالی دری کموتم بدرد دارس استری خوان میبان پمرانمود، له دیموسول پومه شاری سعری کانی دراس الصین». همسان شعر به ری کموتم بدرد معلی تیکرد، پاداند له سروریا شعال کاریاری باکیتی تیکرد، تیکران اداد له سروریا شعال کاریاری باکیتی تیکرد.

هنتی له سترکرد،کاتی حشع له دیستش برن. چنند جاری کنریم تعصیدم بیتی. حازم تعندامی قیادهی قعومی حیزیی یعصن و سکرتیری قطری عیراق بر. اترج باردگاکهی مایر.

اغرکه الدریبه الاشتراکیه له ستر پاره له ناو خزیان دا تیک چریون. تیو شنوقی ر تیو صرصر به دو قرایی، عبدولتیبالاد تحسراویهان دمرکره بو. همر به هانداتی تعسان سوریهکان ویست بریان بیگرن، هلات پر پز لوینان. عومتر مستخفا فلاتهکدی لی به کری گرت بر، سودی له کری کدی و ورتهگرت و ، بریشی تبهاراست.

سنقدری مامجنلال بز تاران

مامیدلال یه دمعردتی تیران سختری تاراتی کرد. سفتردکتی ۲۷ روژ، له ۷۷۲۳ - ۲۰(۸/۱۹ ی شایاند، لم سفتردها تیسام خومنیتی، حسینصلی موتنطیری و. کاریددستانی حکرمت: مستملاً پعمران، تیرخستنی یننی صندر، صادقی قرطیزاده، داریوشی فروهان موصیتی وطیللومت، ی بیش،

له نیدران یه کیستی و گیرانی تیسسلامی دا چهند جیساوازی بندودی همود: تیسران دولفتیکی دیشی به با معفرا برد. دولفتیکی دیشی به معفلمی، دامغزا برد. فسر حینهایمی و فسره نمتمولیمی دار به دری فسر حینهایمی و دفسره و تأثیر به دری تیسرکراسی دا، به دری تیسلام و، به مایمی فیشد و تأثیرت دانشد. کورتیکمی، تعوان دیشی و یمکیشی تعدینیم، تیانان شهد و یمکیشی سونتی، تعوان همجمم و یمکیشی کوردد. کاریکی تاسان تمهر له یمکیشی کوردد. کاریکی تاسان تمهر له یمکیشی کوردد. کاریکی تاسان تمهر له

کشتری کورد خدریک پر ثبیر به کیشتیدکی تالززاری ثبران، دمنگریاسی هارکاری پیشمبرگدکاتی یهکیتی له گفا، حدکا و سازگایان پی تدگیپشتنوه، نریندرانی حیزیهکانی تر، بز تعرص دلی کاریددستمانی تیران له یهکیبتی راش یکدن، ثم هوالاتمیان به قمیه کراری پی تدگیپاندن، یهکی له یاسهکانی تعو کزیرندرانه تم گلمیپانه بر.

لو کاندا بر پشتیرانی له جولانوری کرردی هیراق، در مصعله گرنگی ژبانیبان هایر، نیانمرانی کار له روداوکانی نار هیراق یکان: پاکسیان پاکخستنی جولانوری کرود، به تاشتکردانریان یان به زال کردن لایمکیان دا به ستر لاکانی تردا. درهیان تیر کردن له چاک و تفاقی جانگ و پهرستیکانی تری.

سطسروکنی صامجمالال هندی تناجهایی روالتی به دمستمود دا، ودکر صانعویی نرینس یکی به کسیستی یز پمپرشش له تاران و ریگدان به هاترچنز کبردن له سنرریکی درباریکاردا ، بهلام هیچ پارسمتیسکی درباریکاردا ، بهلام هیچ پارسمتیسکی درباریکاردا ، در نه هیشتیان ام سریا و لیربیاد هیچ یکاته کرردستان، بطکر ناراستعرفز هانی پارچه پارچه برنی بزرتندوکهیان تندا: چگفی هندر برکتراده کردیستانی عبرالهان ودکر بهک کردود و د کارتاساتهان بز تمکرکندان در درک بهک کردود و د کارتاساتهان بز تمکرکند در در درک بیک کردود و د کارتاساتهان بز تمکرکند و درک رواده به چدک و تازوقه بارمتیهان تندان، خزیشهان کنونته درلی دروستکرد در دانافیتی ریکخراوی تازو به چدک و تازوقه بارمتیهان تندان، خزیشهان کنونته درلی دروستکرد در دانافیتی ریکخراوی تازون به درک در تازوقه برامتیهان تندان، خزیشهان کنونته

هاتئی صددام

۱۹ ی تنفرزی ۱۹ ثمصند حصن ینکر وازی هینا، صعدام حسین له جیگنی تنو پر په سترکزمار، فترمانندی گشتی هیزه چهکفارهکانی هیراق، ستروکی م ق ث و، تعیین سری قیادی قطری میران.

> لعر كاتمدا من له شام يرم. حازم هغرالهكمي يؤ ياس كردم. ۱۷ ي تمكيزي ۷۹ يز يمكنمين جار صبعددار له رادب و تر

۱۷ ی تعارض هپراقعود په په کمین جار صنددام له رادین و تطعفریونی هپراقعود په تاری سفرکزمار وتاری دا

صعددام سعردتای حرکتی به رشتنی خریتی تاقیی له هاوریکاتی دس پی کرد. روژی ۲۷ ی تدفیرز له حرفی خبراد له بهفیداد له کتربرندومیکی فراواتی سعرکبردایمتی بعض و کادرکاتی دا صنددام پهفیدی تاوانیار کردنی بز محی حسین مشهیدی و چند کسیسیکی تر ده هاوریکاتی دیرو کبرد. تاوانیباری کبردن به پساترگیسزان و، لیزنیهدی لیکرلیندوبان بز پیک هیئان. دران به دادگایدک که له سعراتی بعض پیک هات بر.

له ۷ ی ثاب دا حوکس تیمنامی محی مشهدی و ، خاتم عنیدر آبطیل، عندنان حضنانی، محمدعه عایش و ، پزلیک کادری پیشکدوتری بعس له رادیری بخشفاره خوینترایود. له سنر شیوری کرتنی عنومی، بز تعربی هصویان بعشدار بن له خویش کرزراوکان دا، صددام تیندرانی هدد شرعیه و قبراهکاتی جزیی بعصبی یانگ کرد و ، پیکوه تعقیان له حرکندراودکان کرد. وطید محصود سیرمت که قاتبدی فعیلفلی یه ک

روکر تعیانوت تمم پیلانس دژی صعددام چنرا بر بعمجوره تاشکرا بوه:

بعصبیدکانی عیراق، هندی له بعصبیدکانی رلاکانی عفومی تریان له عیراق کر کرد بروه و ، کاری گرنگشیان به هندیکیان سپارد بر لعرانه: عبدالگریم کراسته که خلکی ترودون و تندامی قیادی قدومین حزبی بعض بر

عیدالکرم گراسته، حکومهتی عیبراق کرد بری به سغفیری خوی له معفریه. تاگاهاری هنولی تم بهمسیهاندی عیراق تمین بز گزیرفی صددام. گابرای سغیر، تدکیری پدمسی و مرچمغوری عیبران تمین، یدلام پدینشن له گفا، مثلیک حدیث تمین، هنوالدک تمکنینی به معلیک، معلیک، صددام دعومت تمکا بز ترودون. صددام به فردکه تمچی بز مدغان، معلیک حسین باسکتی بز تمکیریتنو، صددام تیش له باش فردکه به نزونومیهل تمکنریتنو، بز بعفداد. کزیرتنوبهک ساز تمکار، پیلانگیردکانی بعد دعره برد،

یلام هندی سرچارمی تر تنیانرت: هیچ پیلاتیک له گزری نبود. تم شانزگعرییه صنددام خزی ریکی خست بر بز تعرض ماری نارازیهکانی پاکتار یکا، چرنکه تعرانه له لاچرنی پدکر ر هاننی صنددام رازی تعرن. صنددام تعریست همس دننگیکی نارنزایی له ناز حزیدکتور دا بیندنگ یکا.

دردمددی ی سرریا و عیران

چیند مانگی بر گلفترگزیدگی ژیر به ژیر اه نیران نویندرانی سوریا و عیران دا. بز به کخستنی حیزب و جمیش و دولت. دهشی پی کرد بو. نویندرانی هنردولا چیندین جار له دیدمشق و بعفدا دانیشتان و، به کر و صددام و تصند و خددامیش له بشیکی تم کنیرنواندا بهشدار بون. ودکس سعرتا پیک هاتن له سعر تعربی: حسیری بعص و، دارودرآگاکانی جدیش و دولت، یک یغنی: یلام له سعر هندی مصطله ریک تدکیری، یدکیکهان: جزری پیکهبانی دهستمی سعرکزساری هیرانی رسترکزماری سرویا، لابخی هیرانی رابر دو کس بی، پیک می له سعرکزساری هیرانی رسترکزماری سرویا، لابخی هیرانی رش را بر: که تعیی له ۳ کس پیک بی، دراتی هیران و یدکیکی سروی، له معیش دیاره منبعت تعرب بر: چگه له یکن صعدام حسین بخی تی دا بی، سریمکان نشمیان قربران تدکرد، له بعر تعرب هیرای تدکیره یکی تی ها ست. سرویمکان رشان رابر، که فراسش هعردالا تیکلا یکی و: بودجسیدی هایش دارید. اداری کرد درادتی پدراسش هعردالا تیکلا یکی و: بودجسیدی هایش دارید. دارای کرد درادتی پدراسش هوردان تدکردنی سعرکایه تی ۳ قرانی دا تعمی قریران تدکرد، داوای کرد درادتی پدرگرد بودجیدیکی هارانی داد سریا و مرعارضدی سروی له هیران برن، کمی تم لعر کاندا مرعارضدی خوالی ترکزا،

هدرد ددرلت خزبان لی ی بیدنگ برن. یکلام حفتنفادهی دالرطن المربی» سر به عیبراق که له پارس دورتیو، گزشتیهگی تام گفتبرگزیانهی تاشکرا کرد در مندی روزنامدی عدوبی باسیبان کرد. توسعری تعمدریکی، به ریچمفدک عیبراتی، منجید خددرری گفترگرگان در بیروریویژدکاتی هدردلای به دریژی له کتیبه تینگلزیبدگدی دا درباردی ناکزگر نیزان – عیرای ترسیوه.

گفترگزگان بعرده رام بدن تا یمکر کشایعره و صددام چیگدی گرتموه، تعرب صددام گفترگزگانی بری به بیانوی تعرض سوریا بخشدار بوه لاز پیلاتندا که بز لابردنی تم کراوه. معولدگانی روصده یک چر، زصینیی تأشیبیرنوه گذرا به دورشایتیسکی له جاران توتنوتیوتر. له ودلامی پرسیاریک دا که بزچی تم گفتدگزیانه سنری تمکرت! طاریق متیازز بر پاساودانی وتی: دنعمنی جهایونعوی تم دو حیدیه دروتره له تعمنی یمک

كنلكي باريكي

دوای رزخانی شآ و، نصائی پاسگا و پادگاندکانی تیران له ناویعی شنز هندی له چهکدارکان قرم له ترویعی شنز هندی له چهکدارکان قرم له تروکیاو گراستیریاندو ناو دیهانکانی کرودستانی نیران. گیراردکانی نیسیش: نازاه همرانی، محصوم همیشراوسمان (شنخ عملی)، هملی تبصید (میشی شیمه)، ماسیدی حاجی غالی، که له ریزانی کارسانی متکاریسوه به گیراری له لابان میرنزدو، در تا پیانی بر زادیعی مشنز، له ژوریک دا له دیسه که حمیسیسان کرد بین، ژورکت ددالاسیمکی بی دا تیمی دوانیانی پی دا تا پی له پیر نبودی ناترانی عدر چراریان هملین، واریک تدکیدن نیرانی به دانایک خربی نیران بی داریکتر واریک تدکیدن نیرانی به دانایک علین بر مالی ساید همازی شعدینی له گرندی شیمانی، سه معلی در دوستی مامیملال شیمینان. ساید همیزی کردستی مامیملال شیمینان. ساید همیزی کوستی مامیملال

یاش ماوه یدک خطکی سمودشت تاقمی چدکداری ق م یان گرت و ، بد گهراری

تصلیمی ثبسمیان کرون. له دزلی پش چند کشمیکیان لی گیبرا. ق م رازی پو به گورینریان له گلا حامید و عطی و، گیراودگان گزردراندو، حامید و عطی پاش پاتره مانگ ثبتها ثاراد کران.

شدی ۳ مانگه له کوردستانی ثیران

له ناو کارمدهستانی تازهی تیران دا زل کشی تی دا بود. بادریان به کیشعی تعدایدی نمودیان به کیشعی تعدایدی نمودیان به کیشعی تعدایدی نمودیان به کیشه با تعدایدی نمودیان به نمودیان به نمودیان و درزشانی نمودیان از درزشانی نمودیان از درزشانی نمودیان نمود دانهشترانی نمودیان نمود دانهشترانی کردهان نمودیان نمودیان نمودیان نمود دانهشترانی کردهان نمود دانهشترانی نمودیان نمود دانهشترانی نمودیان نمودیان

روداویکی لم پاینته له پاره قانوسا. مستنطا چمبران، ونزیری دیشاعی تعوسایی تیبران خزری چر بز پاره، لنوی دعوری گیبرا، ترندوردکانی دعورونایی تیبسام خرصایتی تعمیان به هلد زاتی، یز تعربی تنزیش تیکلاری تم کیشندیه یکنن و، همسر دارودنزگا دینی و دعرلتیکانی تیران یکنن به گل کوردا، تیسام خرمینی تم فعرماندی دعرکرد:

يسم الله الرحمن الرحيم

از اطراف ایران گروههای مختلف آرتش و پاسداران و مردان غیرفند تقاضا کردهاند که من مستور دهم بسوی پاوه و فته و غاتلمرا غتم کنند، من از آنان تشکر مهکتم و به درات، ارتش و آزاندارمری اخطار میکتم اگر با نویها و قرای مجهز تا ۲۵ ساعت دیگر حرکت بسوی پاوه نشره من هسترا مسلول میهاتم. من بعنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش و آزاندارمری دستور میدهم که فورا با تجهیز کامل هازم منطقت شوند و بتسام پادگانهای ارتش و آزاندارمری دستور میدهم که فورا با تجهیز کامل هازم منطقت شوند و و بتسام پادگانهای ارتش و آزاندارمری دستور میدهم که بی انتظار مستور دیگر و بدن فوت وقت با قام تجهیزات بسوی پاره حرکت کنند و به دولت دستور میدهم رساتل حرکت پاسداران را در صورتس که تخلف از این دستور فایند با آنان عمل انقلامی میکنم مکرد از منطقه داطلاع میدهند که دولت و ارتش کاری انجام نداداست من اگر تا ۲۶ ساعت دیگر صمل مثبت انجام نگود موان ارتش و زاندارمری را صدره میدانم و دالسلام

خرمهینی فدرمانی دا به هصر هیزه چهکداردکانی تیران یدرم کوردستان بچسین. شعر له سعراتستری کوردستانی تیران دا گدرم بر. ۱۸ ی نامی ۷۹ هیزهکانی تیران شاری پارمیان گرت. مستعقا پعمران له تایلرقه رزگاری پو. قاسطو دارای پارمدتی له هسو حینهگانی کوردستانی عبیرای کرد بارصتی صدکا بدن لو شعرددا. چند جاری له پنرخلط له گفا مامجلال و ترینوازی حشع و حسک دانیشت. قاسطو دارای له پارکی پنی کرد که بارمنتیسان بدن و، بز تم مجسته خزی پو بز سعردانیان، لمر کاندا مصحود له تاران نمی، سامی سنجاری و جعوهتر نامیق تعینی، به قاسطو تعلین که باتواخی توران، به خزی تعرفی (صاربیکی زور خیبزانیسان له کمرج و شاردکانی تری پاردوخی تعران، به خزی تعرفی (صاربیکی زور خیبزانیسان له کمرج و شاردکانی تری پاردوخی تعران، به کارکی بوزان حکومتی تیران و کرودا تعران بیلاین تعرفان.

لم شدرانده ا هیزی حقع، حسک، یه کیتی چرن بز پشتیرانی حدکا و ، پهکنوه له ع ک تعلیلی ۷۹ دا راگدیاندنیکی هاریشیان دمرکرد و ، به تاشکرا لایمنگیرییان له حدکا و ، دارایتییان له هیرشمکانی تیران کرد. هیزدگانی قبر، ودکر سامی بطیتی دایو ، بهلایمن راندرسمتان بلکر هاویشی هیزدگانی ثیران بین له پهلاماردانی شاردکانی کرودستان در هیزدگانی حدکا دا، به تایمنی له پاوه، معریران بین له پهلاماردانی شاردکانی کرودستان در

هزدگانی تیران همو شاردگانی کردد.بتانی تیرانیان گرتده و ، هیزدگانی حدکا ر ریکخراردگانی تر که تنجیرویدی جنگلیسان کنم و ، بی دیسهپلین و ناریکرپیک بون بدگاهی هیرشدکیان ندگرت. چرنی پیشسبرگنگانی عیرالیش شبیکی تعزیق له ربوتی شعر ندگزری. هندی لام هیزانه بز شرمترری و حدوانعوه چربود، ندک پز شعر، هیزدگانی مندگا و سازگا شکان و سعرگرددگانیان کشانعوه پدرو نارچدگانی نزیک باردگاکانی سعرگردایدتی یکیتی له ترزده - شیتی.

مدلا شیخ عیززهدین داشتری له شینی و، حدکا داشتمری سیاسی له پیش دا له ترژبله و، دراتر له تاشی پشکاری له نیوان شینی و گزرشیردا دانا.

دادگاکانی خاتحالی

صادقی خاگالی یدی ر له تاخرنده شیسمه کانی زیک تیسمام خرصه ینی. سعو کایشی هندی له دوادگالتی تینگیالاب ی تدکرد. زیری تجرانی تیبراند دادگالی تیم است حرکمی تیمنام تعدران و همعان رول بان هنمان شعر گرلهاران تدکران. له کانی شعری ۳ مانگلاه ایز چارترساندنی خاک تعییان تارده گوروستان. خاگالی له چند چیگایدک دادگای دانا و زماره یدی له دانیستتوانی کوروستانی تیمنام کرد. ودکر تبیان گیرایوه جاریکیان له متعاباه یمکیکی حرکمی تیمنام دایر. کایرای حرکسنراو رت بری: و از منت به تیمنام معکرم کریوه، بلام یه راستی من بی تارائم، خازی خاگالی له ودام دا رت بری: وتدگر تارائیار بی توا سزای خزت و درگرتوه خز تمکم بی تارائیش بی، چ باشتر،

تو کاته کاربدهستانی تیران ثبیان هیشت روزنامواندگان ویندی دیمنی جیبنجی کردنی حرکمی تیمنام یکی. تصعیان بز چادترساندنی خطک بو، بان هیشت اخیری شاردنموی تاراندگانی، هیشیال کردن مالی مروک نمویون، نمو، بانکیکی تره، ویندی در دیمننی دتیمنامی به کومله بالا برجوه له دنبادا دندگیان دایموه، بهکیکیان تیمنامی گرملی گفتج له سته و، تعری تریان هی کرمطیکی تر له پارد، دیمنی حرکمنداردکان به راوستاوی و چاو و دمس یستراوی و، تینجا گرللنیاران و، دراییتر یه کموتریی، له دل و دمرین دا هستیکی قولی منزلومیی تعزواند.

محوصهتی بعص هتر له مسعودتاره کموته دورشایدتی رؤیسی تازدی تیسران، تم رؤیسای به معترسی دانشنا بز سعر خزی و ناویه که. تعرب شمیزلی تیسسلامی سیساسی میسران قدل خزی رایالی و ، شیعه کاریهاری بعقدادیش بگریده دسی. کاربعدستانی میسران پارشیسان کردوه بز هلاتره کانی نیسران و کموتند پارمشی دانی دورشناتی رؤیس رؤی، له نار دورشدگاتی رؤیس نوی دا، کوردستان یمکی بو له مطبقنده هوه گزشگانی. کاربعدستانی هیسران، لعر کاتعدا دمولمسین بون، دودلاری پعتروله ی مشمه و ، چهک و جیسفاندی زوری مهر، جگه له حدکا پارستانی؛ پاره، چهک، کارتاسانی،، پیشکمش یم

 دهشتاری مالا شیخ عیزددین، که بربر به عیزیکی سیاسی و، له چند جیگا باردگای هنیر.

- بنصالدی شیخ صوسسانی نطشیسندی، له ناوچه کانی هدوراسان و سدریوان. وسریای رزگاری و ان یک هینا

- پنمیالین دارد بهگی جاف، که برایهکیبان له تاران تیبعنام کرا پو، تعمانیش هزیکی چهکداریان له ناوچهکانی جوانرو و رموانستر دامتزران.

- معلا شهغ جعلال، له ناوچدی بانه، که دواتر وسازمانی خدات و ی پیک هینا.

- سمکو عقبار، له نارچدی بزگان.

- عطى قازى، كورى قازى محدمد، له ناوچدى سدردشت - مدهاباد.

عیبراق هنزاران پارچه چهکی جیرارجور ر، پاردی زیری پی دان، هاترچرکردنی تاسان کردن.

سازکا هیشتا هیچ پدیرمندیدکی له گل حکرمدتی عبراق داندمعزراند بو.

ناويزي مامجهلال

مامجهلال دلیری سدید منجید و مرشیر حصه غنرینی ناره بز تاران. چند نامنیدگی نوسی بر بز چند کشی له پیشمارگانی تیران، لعزانه، تیسام خرمدینی و حسیتی نبودی، نابدترللای حسین عملی مرتندگیری و محدعدی کبری، داربرشی فرردمر، دارای لی کدره برن که شعر له کبردستان دا رابگزن و، به ریگای گفترگز فررکشکان چارصدر یکن. نامادهی خزی دوری بر بز ناویزی،

مامجملال که روژانی ۳ - ۷ ی تشرینی یدکنمی ۷۹ له نیشنگرلان دستمیدکی ثیرانی به سدردگایتتی فروهدر دی بود. پیش تعرض تعمان پیینی، د. قاسملر و هندی له سدرانی حدکا و، مثلا شیخ عیززدین و، سعرانی کزمطاعی دی بر.

لم کزیرتبریبدا در مصله یاس کرا پر: جرری چارصبری کیشمی کورد له تیران با ر، جزری یارمتیدانی کوردی عیران له خیات دا دژی رژیسی بنمس.

فروهمر حدکای تاوانهار کرد بو یه نانعومی ناژاوه و شعر له کوردستان دا، وهرگزننی چهک و یاره له عبیران و، ناردنی خیزاندگانهان بز عبیران. بز نعومی حکومدتی تهران شعر رایگری داوای کرد بر صملاً شیخ عینززدین بنیانیک دمیکا داوای راگرتنی شنعر یکا له پیشنبرگرگان گرودستان در به هی جیری هیرش بر سنز تیمام خومینی ندگان، وای دمرخست بر که تیران تامادیه گیشتری کردر بر گفترگز (مرزاکفرات) چارسعر یکا، له معر بتیچنفی سفاننش مافدکانیان، یعلام به ناریکی جیاراز له ناری خردموخناری.

ددرباری پدکیتی پش تامادیی تیرانی ددربری بو بز بارمعی دانی.

مامجدلال دیفاهی له حدکا کرد بر، هزی تالوزانی هطرمنرجی کرودستانی دابره پال رطنتازی پاستاران رد، کرهنتنی به کرمطی خلک ردگر پرداردگتی قارته و، دادگاگانی خانقالی د، بردردسانی دیهات و، ، یزی رون کرد بردره کنه : حدکا، میزی میزدکیمه ر تنترانی شعر رایگری، تدک شیخ میززدین و، چارمسترکردتی کیشندی کرود له تیران دا تبهید مزی بمعیز کردتی خهاتی کرودی عبراق رد، خراستدکانی حدکا بریشید لد:

- ریگندانی قانونین چالاکی سیاسی حیزب.
 - بدردانی گیراو و دیلهکانی عبردولا
- کیشاتعودی پاسدار و، گیرانعودی هیمنی بز کوردستان.
- دمربارس بارمه تبدانی به کیتی یش، داوای لی کرد بر ریگمی بددن:
 - له تاران ومدكتمي، يكاتموه.
 - ئازوقىو پېرېستېدكانى له يازاردكانى ئېران يكرى.
- نهخزش و برینداره کانی له نهخزه خانه کانی ثیران دا تعداوی یکرین.
- سافاراته کانیان قیزای هاتوجزی ثیران به تعندام و دوسته کانی پدکیتی بدمن.
- ریگمی یدکیتی بدن له سوریار لیبیاره . به نار تیران دا چدک یگریزشدوه بز کردستان.
- هندی لعر چدکاندی له کاتی تاشیمتال دا له کوردی عیراقیان سننده بیدهنده

يە يەكىتى.

د کستری هداگیرستانی شموی ۳ میانگددا من له شیام خمیریکی گدراندو، پرم بز کردمستان. که گلیشت تاران دلیری سهد معجید، که نامکاتی مامیدهالی هیا بر بز کردمستان. که گلیشت تاران دلیری سهد معجید، که نامکاتی مامیدهالی هیا بر بز کاردمستانی نیران به گل حدمه سمعید چهینه معقاباد، لعری جهیکنان به کری گرت بز سدودشت. نمانزانی له سعردهشت سعره، ملهان گرتیندو، معقد دایان گرتیندو، پهید گرلفیدک له جهیدکنمانی دا. کمسیان پیر نهکوتهن، په چله داینزین و خرمان له چهاد کرده با در خرمان له برای کندار جاددکندا تایم کرد، مالیکریشریش به تاسیاندو، نشوفیرکنمان نیزن دا را در خرمان به این کردیندو تا پیانی برد موجود گرندیکی بر تیران و کردیندی تا پیانی، خرش و به سیره لاسرد، به تاریانگ پر، لامان دایه مالیک جیگایان کردیندو تا پیانی، خیزان کردیندو تا پیانی، بیانی بدری کردین بز تاروزنگ

يزستدري شنعيدان.

دوای روخانی شا ثبتر ثیران پژ ثبته کرایدو. هیشتا حکومت دستلانی پدیدا نهکنرد پردو، هندی له کنادردکنانی ثبسته پرته شباردکنانی ثبتران. پاپخناندکنان هیچ سانسزریکیان له ستر نعور. هنمو شتیهگیان چاپ تهکرد. حمد سمعید چر یز ثبران. جبگار ریگای پمیدا کرد و ، بلارکراردکاتی یدکیتی لدی چاپ تدکرد. هاوری و کسسرکاری شعیدکان به علیان : آئی بور ، هنر کسه ویندیکی دهن کدوت بر پزستمریکهان بنز کرد بور ، پزستموی سدان شدهید چاپ کرا بور ، زار لام پزستمارانه تمیراندو، بز دیهاندگانی گزوستانی عیران هملتواسران.

من که له سطعر گفرامتوه سعیرم کرد دیراری ژوردکانی باردگاکستان به سندان پزشتمری پیردید. زورشهان هی تو شعیبانه بون که له گف خوسان پیشمنرگد بین یا ناسیار بون. دیمنیکی سامناکی هیو. به پیشمنرگدکانم رت: دراسته تعمه یز ریز لپنان له شعیندگان پیریسته، بلام هنرچی بیته تم ژوردو، ویندی تم همعر گوژراوه بیبنی، بهکسر روی نفورش،

من تازه گسیشت برمستره تاوزشگ، بهفسریکی تسسیسرد باری بر، ولئی ۱۸ ی تفسرینی یهکشمی ۲۹ جاریکی تر دهستمی نریندرایدتی تبران عاتبتره یز کوردسستان. نامههکی پطنی مامهدلام پی گلیشت، دارای لی کرد برم دسیمی پوم بز بنرخطاف، بز تعربی له گفا دمستمی نریندرایش ثیران یگریسوه یز تاران، بز سمپعرشتی گریزانموی چمک له دیسشقم بز تاران، له تار هاوریکانی تعربی دا عاترچرکردن یز من تاسانتر بر چیزکه پاسهسرورم دهبو و، به تشارتی هات بوسه تبدراندو، سودهی دارمی کسه تبدران مرافعاتی کردر چدکهکان به فروکه یگریزبنوه،

دسیمچی پدردو بتر خطط به ری کموتم. هیشتنا نویندراتی هدردولا له گمرمدی گفترگزدا برن.

نویندوانی تیران: داریوشی فروهد، دونهری کار. سدرتیپ دانشردر. فنرصاندی ژاندارمبری. سنارتیپ تازیری فندورغ، فندرصاندی تیسروی زمسینی. کنوریکیش به ناوی کاریمخانی سکرتیری فروهدر بو.

نریندرانی کورد: مثلا شیخ هیزدینی حرستینی. فاتیحی شیخولتیسلامی. صفلاحندینی صوفتندی. تپییراهیسی عنفی زاده، نریندری سازگا و، کوریک به تاری جمعمین تریندری چریک بر. له حدکا کامن ناهات بر.

منیش چرمه ژوردکه له تزیک شیخ عیزهدین دانیشتم. دهمخاالیسکی زور گنرم پر له نیسران صلاحمدینی مرهندی و داریرشی فروهنر دا، هنزلایهگیبان تعربی تری تارانبار لدکرد. گفترگرکهان هی شدر پر نهک هی تاشتیرندود. مملا شیخ عیزددین لی بی پرسیم: دهیو فارسی تغزائی 4

وتم: ويطيء

وتى: وكعيد يخويتدروه يزأتم تعزمرت جيدا ه

کاغنزیکی دایه دستم یاده آشتیک بر یه ناری مملا شیخ عیزز دینموه بز تیسام خرمنینی ر کاریدستانی تیرانی توسرا بر. خراستدگانی کوردیان تی دا توسی بو. دوای تدوی خرینمعود شیخ هیزددین پرسی: دنغزمت چیدا »

رتم: دمامرستا تم یادداشته هی شدره، که لایمنیکی سنرکدوتر نرسیبیشی، تعمه ری خوش ناکا یز تاشتی. زور توند. نز ملای و سعرانی شورش نیران ملان، پیریسته یه بعسسمله دس پی یکا و، داواکسان به هندی تایمتی قسورتانی پشخو بکدی و، زسانی

یادداشته کمیش خار یکریتمودا پ

همندی قسسی تریشم کرد. تعریش یادداشت،کمی به دل نبود، پملام تا نبر کاند نعوبست بر قسه یکا، بز تعویی نوینورکانی سازگا و چریک به دسازشکاره ی دانمین. ثبشتر تعریش کماوته رونگردنمودی یاری سعرفهی خری. کریرنمودکه به تعاهامهیکی باش نمگاهشت.

دستمی نیهنموایمتی تیران گمرانمود. فعرزی راری رد حصم سمعید ر منیش له گطبان ریشتین. پیش تعرف بگلینه سعردشت له ریگا تاقعی پاسدار هندی تعلیان لی کردین. بی تمهر تعوان گفترگری تاشتیبان پی باش نعی. له سعردشت چرینه پادگان. لعیوه به هالیگرپتمر رییشتینه سته و له سنه فروکمیدگی پچگرلمیان تاماده کرد بر بعره چرینه تاران.

مسالاتی ی دسملات له ناو سعرانی شروش و سعرانی حکومت دا به لادا نه کنوت بر، بالی دینین تعربیست کاروبار بگریشه دست و بالی نعدینین تعربیست شدینه کنانی خبری له دس نعدات، زیزیکی له بالیکهان، باله کنین تری تفکره به دوراسنی، سعبارت به گفتوگر له کنا سعراتی کورد و ، جوری چارسدی کیشتمی کورد ناکرک بین، هندی له سعراتی بالی دینین تمهازیست کیشتی کرورد به سعرکرتکردن چارسمر بکنن و ، هندیک لهرانی بالی نعدیتی تمهازیست کیگفتوگر چارویکی بز بعرزنود، بعلام هیچ لایمکهان پروژه با بزچرنیکی داریکراریان تعیر بز رافتار له گلا مصطاعی کررد.

فروهبر له سعقده کدی دا سعرکدوتنی به دمن تنعینا بر، کدوته پدر هبرشی رمضنی نیار و نامعزدکانی، هندی له روزنامکانی تبو روزانه ناکرکیدکانی به تاشکرا باس تدکرد، منیش له ترتیلی پارس کدوت پیرم، بازدگای میزیه کدی فروهدو: «میزیی میللفتی تبران» به تنشیت ترتیله کدو بر - بازویار تیچرم بز بازدگاکیان، چنند جاری فرهنرم بینی و بیرم تشمستموه که من بیچی هاترم، روژیکیان وتی سریکی دانشرم بده، دانشوم فیرماندی وژاندارمری بو، تعوز رسانه دهستی زور تعریضت: چهک و تازولف و پاردی له بدر دس دا بر، پارتی له گذار تم پیرمندییان دامتزواند بو، تم پارمهتی تعدان.

سعری سعرتیپ دانشرهرم دا. فعوزی دانیشسرمری نار تا یو: دالاهنصب چونکد یهکدستی هیو، بالیکی له شعری همشاتیره! قرقا بو. بهرید[کانی خوی بو رون تکردمنوه. خوی به ن نیرانیست» و ، کوردی به تیرانیس رصنن و خوییاک دائمنا. قبنی خوی به عمرهب نشخاودمو، تعیرت: دوصیتم کرده که مردم نیسک و پردسکم له کمنازی فورات دا بنین چرنکه فورات سنری سروشنیی تیرانها»

وتم: وتیسمار من له گفاد تیره هاتم بز تعری کارتاسانیم یز یکنن تعر چمکاندی له سوریا هسانه له ریگای تیرانده بهگریزخود بز گریردستار، تعره چند روژیکه من لیره دانیشترم کسی له من تاپرسیتدوه و، ودلامیکم نادهندو، تکام وایه ریگایدکم پیشان یده، پگهرستود بز لایم خرمان یان پهنمدوه تیکتر چندندوه چی یکمراه

دانشیردر رتی: دئیسره له نارچه کسانی سنرددان. حَدکیاً د درژمندگنانی ثیسمه لعر سئریود چهگیان له عیرالفوه پز دی. تا ثیره سئردکان له روی درژمندگانی تیسدا دانمخن ثیسه یارممتینان نادین. تدگفر یطین یندن که سئردکان دایخنن و، دوکر گروهی یارزانی ثیروش شعریان یکن، من لعر چهکانه زور زیارتان تعدمی که ثیره به تصان له سرریاره

بيهيانا ۽

رت: دلیسسار من یه پی ی بطیتی خوان که به ناخای تالیانیتان دایر هانرم یز گریزانبردی چنک ندک یز گلفترگری سیساس. تیسران چرارسند هنزار سندیازی همیه سنردگانی خری پی لدر تاقسانه تاگیری، تیسه هیزیکی پارتیزانیی پچبرک چون نمر کارهان بی تناهان نموری)ه

. به گنیشتم ماتنوم بی کطک، بظیندکنیان هیچی لی سعرز نابی، منیش گنرامعود، ودکر مامه شیخ رفزا تطی: وتمعا به عاجزی».

تنگرچی د. قاسطی به گارمی لایننگری گفتبرگر بو، بهلام له سعردتاره حیزی نشکرد، ماجیطان نارویکشر بی. ته نود دانیشتانمی ماجیطان ریکی خست بز گفتبرگری نیدگری خست بز گفتبرگری تهرانی - کردری، ته خوی بششاری کرد در - نه نریندریکی دصمالاتداری نارد، بهلکر تهر به بر بر نشان تاری به خوتی سعردی گری لی گیرار، حدکما له پیروت داوای له پاسر معرفات کرد بر، که داوا له تیسام خرمینی یکا، شمری کرددستان رایگری و، کیشتی گردید با ناشتی چارمسر یکا، همروها کاربدهستیکی تهرانیشسیان له معفایاد قبراند بر، دوان ماویدک پدریان داور به ویش دا همرالیان بز گریدستان تراکزان نارد بر که حداکا تامادیه بز مرزاکزات.

وهديندتي نوماينده كي خدلكي كورده

روژی ۲۹ آی تشرینی یاکسمی ۹۷ رادیری تاران راگرتنی شعری کیردستسانی راگهانند. همدر ریکفرلودگان تعمیان به هلد زانی کادر و پیشمنرگد و تعندامدگانی خریان ناردوه شاردکان. باردگای دهتمری سهاسی حدکا تا نمو کاتیش همر له ناشی پشکاری بر له نیران گرندی شیدر ی عهراق و گرندی گورشیری نیران دا.

روژی ۱ ی تشریتی دوم کویرنبویهکی ۲ قزان: یمکیتی، حشم، حدک له زملی کرا. مامجملالو د. قاسط لم کورنرنبویها پخشار پون. مامجملال هدولیکی زوری له گلهٔ نویندرای حدکا دایر بز تعربی به دستمیمکی یمکگرانو د، خواستی یمکگرانوده بچند مذاکدراندو له گلهٔ نویندرانر حکوماتی تیران.

روژی ۱۷ ی تشریش دوم، تیمام خرمدینی شم پدیامدی بو کورد نارد.

.

يسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر خواهران و برادران کرد که یا وفاداری خود یه اسلام و جمهوری اسلامی از ترطقه خاتین به کشور جاوگیری کردید. گزارشات هیأت روزه صناطور بود که مترقع از پرادران و خواهران کدره بود، که هرگتز خوردا از اسلام و ایران جمدا غی دانند و آنچه، پدخواهان به آنان نسبت می دهند چیزی جز افساد و توطفاکری نیست. اکتون من باید به شعا پرادران و خواهران کرد و سایر برادران مطالعی را تذکر دهم:

 در این موقع حساس که ملت ما با چهارلگران که در رأس آنها آمریکا مواجه حست و برای احقاق حق خود و به دست آوردن ذخاتر هنگفتی که محمد رضنا پهلوی به غارت برده و به محاکمه کشیدن این جانی قبام فوده و همه قشرهای ملت با هم در این امر حیاتی متحد و هصعدا شده آند و برادران و خراهران کرد ما هرجا هستند باید به طور اولویت در این امر شرکت کنند و با سایر خواهران و برادران هماهنگ شوند و لازم است از اختلافاتیکه بدخراهان ایجاد می کنند به طور قاطم جلوگیری کنند.

برادران من؛ امریز هر اختلاقی به نفع آمریکا و دیگر آجانب است. آنان هسان که از اختلافات ما بهره گیری می کنند و مارا می خراهند به آسارت یکشند. بهاخبزید و توطعگران را نصیحت کنید و در صورت عدم قبول از خره برانید و از مناطق خره بیرین کتید به آنازا گرفته تسلیم مقامات دولتی کنید.

7. اینجانب و هسه ملت از ستسهبانیکه به شسا برادران کرد در طول حکومت استیمادی شدهاست و از تهمیش هاتی کنه بر خلال اسلام بر شسا روا داشتخاند مطلع هستیم. لیکن باید بدانید که این شسا برادان نبردید که صورد ستم و ظلم واقع شدید. سایر برادران ترک و ل و عرب و بلوج و قارس و ترکمن هم با شسا شیک برداند و صعمریم بردند از آنچه صعریم بردید. شسا اگر به زاغتشینان و گودنشینان تهران توجه فالید غراهید دید آنان از هسه محریم ترند. اینجانب می دانم که در حکومت صوات هم آنطر که خراست شما و مثا است، رسیدگی نشده، لیکن باید بنانید کاز در این امر همه بردان شما شریک می باشند و دولت موقت یا کمال جدیت اشتخال یه کار سامان دادن برد. لیکن آخشگیها به قدری زیاد است، که اصلاح محتاج به زمان است.

و من امیدوارم که یرای همدی ملت و برای شما برادران کرد وسائل رفاه حاصل شود . شما برادران می دانید که نوبازی و همران در مجیقی که آششته است و مردم در امان نیستند، مشکل یا غیر مکن است. شما برادران غرب کوشش کنید و آرامش خودرا مطلق کنید و بدانید که با ارامش کارها اصلاح می شود و به صلاح شما و به صلاح اسلام و معلمین است.

۳. از هیأت وروه می خواهم که یه ملاکرات خرد یا کمال حسن نیت ادامه دهند. و یا شخصیتهای مذهبی و سیهاسی و ملی و سایر قشیرها قاس پگیرند، تا تامین خواستهای آنان که خواست ما نیز هست، به طور دخواه پشود و آرامش و امن که از پزرگترین نمستهای الهی است در متطقه برقرار گرده و شما برادران کرد در کنار سایر پرادران به طور رفاه و آسایش زندگی فرده و طمع اجانب برای همیشه از کشورمان قطع شد.

3. اسلام بزرگ قام تبعیض هارا محکوم غرده و برای هیچ گروش ریزگی خاصی قرار نداده و تقوا و تصهد اسلام تنها گرامت انسانها است، و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداری اصور داخلی و محلی و رفع هرگزنه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعقق به قام قشرهای ملت است منجعله برادران کرد، که دولت جمهوری اسلامی مرفف و متمهد به تامین آن در اسرع وقت می باشد و طفروات و قرانین مربوط به آن به زوری اشاطاله تعالی تدوین می شود.

٥. اخیرا باز نظر شریف علماء اعلام و مشایخ عظام و روشفگران و سایر برادران عزیز در سراسر ایران را به موضع حساس امریز ایران و جبههگیریهای دشمنان میهن و اسلام در در مقابل ملت عزیز و تشبیات حمد جانبی آنان برای سرگویی تیمنت اسلامی و ملت معظم و برای اعادی همه جانبه پر کشور اسلامی صا جلب می کنیم، آیا در این مرفرة تقاضای متواضعاتی این خدمتگراز که روزهای آخر عمرش را می گلراند، به جا

نيستا

۲. خواهران و رادران هم میهین دو سراسر کشور، من دست خودرا به پیش شب دراز می کنم، و از شسا به خاطر خدا و اسلام و کشور همایتزانه می خواهم که قام تران می خواهم که قام تران خدرا برای فیمات کشورتان به کار بیدد و اسلامهای سرد و گرم بعنی قلم و بیسان مسلسل را از نشانهگیری به دوی یکدیگر متحرف و به سری دشتهای انسانیت که در راس آن امریکا است نشانه روید. بازی اقیم من ماموریت خودرا که نصیمت به ملت است به قد تران ان میگا است خود انجام دادم، و تر ای خفای بزرگ یا قدرت لایزان خود قلرب ملت مارای بود بر برادران کرد رست خارند بر همه.

۲۷ آبان ۸۸ – ۲۷ ذیحید ۹۹

.

قسه کانی تینیام خومتینی ودکر قسیای میچ یدکی له کناریدوستانی تیبران نبیر. قسه کانی تم به حوکمی شعوعی دائغزاء کمی نمینتوانی به تاشکرا دژی رابرمستی، ثم پنیامدی پیشاوای تینقیلاب زور گرنگ و، مسطعی زور گرنگی تی دا بو، لعواند:

۱. سطاندنی زارلیکراوی و چنوساویی کورد.

سفاندنی مافی کورد یز پدیومردنی خزی له ناوچهکانی خزی دا.
 راکرتنی شدی راگهپاندن و شدی تفنگ.

۲. گفتوگزی سیناسی له گنال کنسایتی دینی و نفتتوهی و سیناسی کنورد بز چارمنترکردنی کیشتگانی.

چعند روژی دوای تعوه د. قساسسملو له ثاشی پشکاری وه پیردوه مستحایاد، له خزیستاندانیکی گعروده! پشتیرانی له پدیامه کدی تیسام کرد و . له قسمکانی دا وتی: وما به پهام امام لیبک میگرشیم.. » و ، تیتر خزبان ناماده کرد بز گفترگر.

حدک، له گفا شیخ عیززددین و سازگا و چریک ریک کدوتید دست.پدکی مارید دست.پدکی خارشد دست.پدکی مارید در بیک بهیان. له سروایش به ناوی: وهبیشتن نرسایندگی خطقی کنورد و پیک بهیان. له نمایم ناگات. حیج ادیکیان بادری بدی تر نبور، چریک، شاخص کروردستانی دامنرزاند بر، چارصترکردنی کیشمی کرودی به لاره گزرگ نبور، بلاگر تیبرست کسلگ له کسوردستسان در برگری و کسر یکبیک به پالاکیییدکانی ختری و کشر کشاک له کسوردستسان در مریکی و وکسر گرشاریک بز سعر دارودیزگای ناوندی له تازان. سازگاش، بارمهان بعره نبور، به گفترگز له گله دارودیزگای دیبر نبور، به گفترگز له گله دارودیزگای دیبر نبوران بلکر خوبان نباترت، له گفترگریاندا بشتری چوبارستریکی ناشی گیرد» بلکر خوبان نباترت، له گفترگریاندا بشتری تر دنیشتاگمی»، واقد بر ریسواکردنی رقیما حدکا ترش چند میزیکی ترندور برور، همسر نمرسیدگی تصیان به دسازشگاری» له قسلم ترش چند میزیکی ترندور برور، همسر نمرسیدگی تصیان به دسازشگاری» له قسلم

سرمهام هیشمی ترمایندگی خطکی کبرد له: ٤ نبندای حدک، ۲ تمنداس سازگا، ۲ نبندامی چریک، به سعودکایمتی مملا شیخ عیززددین پیک عات. تبندامیکی

حدکا، قسهکاری رصمین وسخنگره پر.

شم همیشمته پروژبیدکی ۲۹ ماددمیهان تاماده کرد که یبی به پنچیشدی گفتوگز له گل ترینمرانی دمولمت.

خواستهکانی کورد

خواسته کانی بزوتندوی نمتدویی کررد له نیران دا، له پایهتی نعو خواستانه بر که چمند سال بر کررد له عیراق دا دارای نمکرد. به کررتی نسانه بر:

١. سطاندني مافي تعدومي كورد له سعر ينچيندي ترتونومي (خردموختاري).

۲. دیاریکردنی سنوری کوردستانی ثیران له سنر پنچیندی زورایدتی دانیشترانی

تاریخه که. ۳ منا داده سخان می تاریخ کار داد در دیگرای تو داری در داد

 ۹۳. هطهزاردنی وشورا» ی ترتونرمی کوردستان به دشگذانی نهینی و راستموخو، تعویش بز راپدراندنی کاروباری بدربرجهزایهتی، تابوری، روشنهبری، کوملایهتی، تاسایشی ناوخر.. وههنمتی تیجراتی» داهنزینی.

گوردی ببیته زمانی رسمیی خوبتدن و بدربومبداینی.

ثممه ناردروکی خواسته تمتعویههکانیان بر، جا هندی جار به پروژدی A مادمی ر هندی جار به ۱ مادمیی ر، هندی جاری تر به پروژدی ۲۹ مادمی دمریان تعری.

ومیشتنی حرستی نیسیعت که نریتمری دورامت بر بز گفترگز له گیا سیرانی کرد له دوامعشتنی مانگی کاترنی یهکسی ۱۹۷۹ دا وطرح خودگردانی له روژنامهکانی تران داد ایلار کردود، کرودهکانی تیران معرز ناریان ای ناطرح سرگردانی، تم پریژمه خواستهکانی کرده یه دی نفشهینا، بهلام له چار تیگیشتنی سیاسی حرکسرانهکانی تیران دا معنگاریک بر بز پیشمره، تموه جاری یهکم بر ودسملاتی نارمندی له تاران تاماده بی معندی له دسملاتکانی خوی یه ترستانهکان بیمخشی و، جریی، یا کم و کورتیش بی، له و دنفارهندیش، بسملینی،

گسوردترین کنصبرکسوری تم پروژید لعردا بر دایشبیرنی بعربومیدایتتی ناوجه کیردنشبیندگانی ودکتر خوی هیشت بروره، هصبهانی یمک نخست بر له یمک ناویهی پعربومیرایتین دا. یملام به گویردی تم پروژیه تمکرا زمانی کیردی له پال زمانی هارسی دا بز کارویاری مکرمتی یمکار بهیشری و، روژامه و بعرنامین رادیو و تعلطزیونی پی ناماده یکری و، تاسایشی ناوط به دوژای ناوجهی سهردا بر.

له کمل دمسهیکردنموس شعردا له کرردستان تمم پروژهیمیش مرد.

.

ثیران رلاتیکی فره نفتورید، کاربعدمستهکانی له کرنبره ترسیکی زوریان له پارچه پارچه برنی همه در نکم ترسیبان گرور به بیبانری سموکرتگردتی پزرتنبوی نفتورکانی پیران در خواسته نفتورییدکانیان سمیاردن به کارهبانی زمانی نفتوری. له تریان دا چغندین نفتور در دگاری جساباز همیده فسارس، تازوی، کسرود، بارچی، ترکسرسان عمومی، سمورای تصانفی عفقی قموم هن خریان به هیچ کام لم نفتواند نازان روکی لور، گیلهکی.. له ناو نام نفتواندها تازوی به رصاره له همسویان زورترن، تدگاریی له درای درمین جنگی جیهانی جمهوریدتی تازمیایجانیان دروست کرد و . درای سترکترتنی شروشی تیران، هم حیزیی توده فیرقدی دیسوکراتی تازمیایجانی دروست کردود و . هم حدکتا ر نظاویپدستندگانی حینهیکی تایینظیسان به تازمیایجان دروست کبرد، یهلام پزرتندوی نظاویی تازمی، و ایه همیز و تعوام نمبر ودکسر پزرتندوی نمتودیی کسرد . تنظار تکاریندو بز چند هریدی:

۱. تفکیعرچی تیبران به ناو به دعولتتی فنارس نباسراوه، یعلام له کبرندو زغیبیرهی تازهههکان حرکمی تیراتهان کردوه مسلفتری، تغشار، قاجار، . که چند سده، حرکمرانی تیران بین هسویان تازهی بین، له ناو تعواندها دجمار حرکمرانی له دمی زغیبردی تازهی درعاکرد: جاریکیان سدومی زخیدی زنند، که به ریچملدک کبرد بون، جناریکی تر سدومتی یعقلدی، که به ریچملدک خطکی شیسالی تیران بون،

قارس زورتر لعودی نعتمودی حرکسران یی، زماندکدی زمانی تعدمی و قمرهنتگ و

حرکم بره. ۲. تازمیهکان، همیشه ر به دریزایی زمان، له دنرگای حرکمرانی دا دمسلاکدار ر زال برن، ژمارمهکی زدری ونزیر، ترستاندار، تخسینرانی تعرتش، ژاندارمری، سازاک تازمری برن، بخشیکی گرنگی بازار و بازرگانی و پیشمسازی سعرانسموی تیران به دمس تعراندو بود، ادمنزرای هیمدا تازمریکان همیشه دمسلامدار و خارمن نفرز برن. تم هریانه وایان کسردو، تازمری هست به پخوبساندوی بنتوبی بداسیست به

دم مویاند و بان بسردود، تاریزی نصبت به پخونستاندون تستویی پدراسیستر دیرلنتی ثیران و ، به چموساتمون معزمی بادرامیدر دامعزراری دینیی شیعه ندکان.

که پدرامیسر تعدها نهتوه پچرکهکانی تر، کورد، پلرچ، تررکومان، عدرس. له تیران دا، به معزهب سونتی بون و، له دلوردنزگای حرکسرانی دا بی بعش بون و، له پازار و پازرگانی دا دموریکیان نمیره.

درای سعرکدولتی شورش، هنورهکر کورد دارای ماغی نعلتردیی تهکرد، بزولتنودی نفتوبیی له پلوچستان، گرمیهدسمرا، گرمیهدگاوس، خرزستان تطهیدو و، هاردشگ له گفا کورد نموانیش دارای ماشکانی خویان تهکرد. پلام جرلانتورکانی تعران زوتر له هی گورد دامرکیزایهود، چرنگه:

- ۱. تمر پیشینه میژوییه دربودی جرلانمودی کررد همیبر، تعران نمیان بر.
 - ٧. په ژماره له کورد کستر يون.
- ۳. هلکترتی جرگرانی فیوندگانیان، له چار هی کوردستانی تیران دا، خرایتر

اد. بیکهیٹائی جسک

درای جهایرنگردیان: ویزوتنده و و کرمیشندی ناماده کردن تا مانگی تاب، به کرده به با مانگی تاب، به کرده به تا مانگی تاب، به کرده به سرپخوششی کاردیان به کرد به سنرپخوششی کارویاردانانی کرد بر سنرپخوششی کارویاردانانی ندود، که پروتانی ۳ کرد کرد و پاسرکیشهان بانگ کرد. لم کزیرندویدا تاری ریگخراردکیان تا ده میترین سرسهالهستی یه گرتری کرد سسکاه و به سبرکردایش جزیه کنیان دهاری کرد.

تسانه له نار خزیان دا ناتمیا بون، کاغمزی پهکترییان نشمخریندموه، کمسیان خزی

لعری تریان به کممتر تختراتی، زورجار له پاشمله گالتمیان به یهکشری تهکرد. هنر له پمر توه کم نامسهان پز حمیتریکی تر تفرسی ۳ کسس تیسمزای تشکورد در کمه تمهون بز کریوندویهکی هاویشل له گفار جزیکی کدا زوریان تمهورد. در معصود در رسول مامند هفر کمسمیان خری به شایستمنی فود تفرانی کمسی یهکمی حمیترب بی، بفلام هیزی راستطینه هی رسول پر. د، معصود هیزیکی تعربی نخست پود سعر هیزدکدی رسول.

جیهاپرنتوی چه کشاردکانی پزوتندو، لشکریکی تری له کوردستان زیاد کرد و. بسری په کخستنی چه کشاری دسر حیزیه کان، له دیه ک فشکری په کگرتره دا. که له سفرتان دامنزرانتنی په کشاره به دواره کوردستان بعض و داره – فشکری و دوشت، په کنین، په په کجاری داروخا، لعود به دواره کوردستان بعض و داره – فشکری و دوشت، چه له په ک کنه هنر له سفرتاره فشکری خبری مجر، حیزیه کانی تریش: حسک، پاسژک، حشع و، دوایی تریش خیزه کانی سعر به تیران و، گفا.. هنر په کتبان میلشهای تاهیمتی خیزی دروست کنو، فره – فشکری، خزی سفره کی شمری تارخز بر، راست، تاکیکان دهمیشه له سفرچادوی سیاسیدو دهاشگریی، پفاتم تمکن نم جیزیانه فشکری تاهیمتی خیزاتهان نموایه، تنهاشترانی چنا بهزنه بعر شمری چه کشار یز په لاداخستنی تاکیکانان که زوجاز سیاس، تعین،

 لعثگر دکندی حسک، که دوای لعثگر دکدی یدکیتی، له چار همبر لعثگر دکانی ترا به ژماره زورتر بر، تغیبا یز تعربی زور بن و بالادصتی پنیدا یکنز، جبگدی همبر جبره کمسیکهان له ریزدگانی خویاد ا تککر دوده، بی تموی گری یدند رابرودری و. معیستی رامتطینی له هاتر روز بیشمرگایش.

 لشکرهکدی حسک یژ یه پطاگای دانددانی همو تنواندی له دمس لیپرسیننودی حیزیی، له نار حیزیهکانی تربوه، رایان تهکرد.

- سعرکردایغی حیزبه که ترانای دارایی ژباندنی لفشکرهکدی نمیر. چارپرشی لی تدکردن بز دابینکردنی ژبانی خریان و پیریستیه کانیان، به ناوی جیا جیاوه، به زور پاره له خلک بسیان و، راووروت یکنن.

- فسرسانده و پیسسسترگدگانی لفشکردکنه گرییبان له فسرسان و ناصورگاری سعرکردایهتهکمیان تفتگرت تاری حسکیان ودکر چفتریکی سیاسی به کار تعینا بز تعرف به تازادی و بی ترسی لیپرسیندو، چیبان تعری بیکن. سعرکردایهتی جیزهکمیش دهستی به سعر لشکردکمهی دا نظیرویشت و، بز تعوی له زیر چهترهکسی دا بینندو، چارپوشی له خراپدکانیان تدکرد.

حسک لعر شریناندی جزری له بالادستی هبیر هرزدگانی یهکیتی دهرتهکرد. سبید کاکه لم رودره له همسریان زیاتر تونیدولیژ بر. له چفند جبگای ردکر بیندلان له نارچین سعرکرداینتی، خزشناوتی، دهشتی هعولیر، بناری کزسرمت. هیزدکانی یهکیتی دمرکرد و، له چفند جبگایهک چهکی تمکردن و، لی ای تمکرشان، هیزه رازبراومکان، هغندیکهان به چهک کراری، نمهاتندو بز نارزشگا.

٠

له پدراویزی ثمو کیورتموانده که له سعر دارای صدک تنکیراو، پنک و حشع و حسک پششاریسان تی دا تنکرد، تریندرانی ینک: عنظی صعیر و قدامشیل کنریم در، نریندری صسک: حاجی حاجی برام وزئی ۵ ی تبلولی ۹۹ له پترشطلف کنیرندو. همرودلایان رینکشرت بون له سعر تمومی لمسعرلا زو زو به کشیری پیسیان، عمول بدن بارمرکردن به یمکشری بینا یکمنعوه، هارکاری یمکشری ینکان، تاکزگهدگان به گفتبرگزی برایانه چارصعر ینکنن و، هلایستیان برامیسر روزم یمک یختد، برماریان دایر همرولا بلارکردری ناوخز بو رینکشسان و پیشسمرگاهانیان بلاز ینکشوه یز تمرمی یم گهانه کار

.

شعفین زاهبر و ساریاز تحصده هاردوکیان کنری و هاردوکیان شندامی پروتندو،

برن، له ستر کیشمیدکی خیزاتی له ناو خزیان دا ناکزک بین به دوای یدکتری دا تدگاران

بز گرشان، له جیسابرندوی پروتندودا تمراتیش له یدکیستی جیسا بریزندو، هاردوکیسان

فامرماندی کمرت برن، پاش ماویدک شعفین گامرایادو ناو یدکیستی، شعفین و سعریاز له

گرندی شرشکه له بناری گزیرمت ترشی یدک تعین و تعیی به شعریان، چعند کسبکیان له

گلاتری گرشت و بریندار کرد. تم بروداره فیج پیوشدیدکی به گیشای سیاسی بدکیتی و

حسکوه تعیر، سعید کاکه کردی به بیاتر و لشکری کز کرداره چر بر دولی جافعتی، له

باخست در ویشد کاسیکی تریشی بریندار کرد. یمکیش لمو نارچهیدا بهخیز بر به سعید

گرشت و چهند کهسیکی تریشی بریندار کرد. یمکیش لمو نارچهیدا بهخیز بر به سعید

شده باز نشکدران، له بدر تموه همر زو لمو نارچهید کیشیامی بو بعری کسوسرست و

درآی جیابرنعوی بزونندو، یمکیتی له دشتی هدایس و خزشناوایی لاواز بربر.

مسراتی حسک تعانیست هدایی بز خزبان پاران بخدن و، کادر و پیشمبرگدگانی بمکیتی

لی دریکدن. چند جاری تم روزاوانه درباره تعیزیت به کیان تمکیتی لما در نارچهده

دریان تمکردن. چند جاری تم روزاوانه درباره تمیزنمو، بز تعربی یمکیتی لمر تارچهده

دریان تمکردن. چند جاری تم روزاوانه درباره تبیزانی بدا. کادر و پیشمبرگدگانی هدایس کر

کرانمو، و سعید مجید کرا به لیپرسراریان. سفاح چارشین و جیزیکشیان به قسمی تمویل

له گفا نازدن، تم چیزه پیکلار و بی سوریش بو. فرماندگانیان کسیان به قسمی تمویل

تریانی تمکره بر. معندیکیان تازه مات برند شاخ تمیریمین پیشمبرگایشیسان نمو. به

کردندوه و، شدی بالهان لی دایموه، سعید گاکمه همسر هبرتکانی خیزای که سمر کیز

پرسوازه کرد، هندیکیان گیران و معندیکیان دمریاز برن. در رؤز دوای تعره مطفردزیمکی

پرسوازه کرد، هندیکیان گیران و معندیکیان دمریاز برن. در رؤز دوای تعره مطفردزیمکی

پرسوازه کرد، شده جیزرمیمکی کاریگدر بر حسک له یمکیتی سرواند، تمیریست

لی بریندار کردن، تمدم جیزرمیمکی کاریگدر بر حسک له یمکیتی سرواند، تمیریست

-

حنمتی حاجی منحصود، تعوسا فنوماندی هنویس ۱ ی شارمزور و هنوراسانی

په کښتي يو ، هغلي دمېټدرويسه کاني سعيد کاکينې په دمرقبت زاني، تعريش له ۲۳ ي تعيلول دا عمل كوتايه سعر باروگاي عوسماني قاله متعووم له بلهكي له ناوجهي بانه. باره گاکه ی گرت و ، چه کداره کانی هممو چه ک کرد. تعنیا عوسمان و په ک پیشمه رگه دمرباز برن. حصه تم کاری له خزیده کرد بو ، صعرکردایه تی به کیشی تاگادار نمبرن. گوایه تعصيص له توليش كاروكياتي سينيد كاكتبوا كبرد يو ، رونگه پييانروكييس راست يويس، يعلام راستیدکنی ندوه بو: تصاعی کرد بوه جدکدکانی هیزدکنی عوسمان.

هدر لمو مناوهها بمهوظ بشبهان له گمال حکومیات دامینزواند بز دمسیبیکردنی گفتوگز. رؤژی . ۳ ی تعیلولی ۷۹ وطعیان به ری کنوت بز بعقداد. به کردوه ثنو ریکنوتنی له گل حاجی له پتوخیلیف کرا بر، هیچ ترخیکی تسا.

گفترگری حسک – بعص

سفردتای مانگی تشرینی یه کعمی ۷۹ دست می نویندرایه تی حسک که پیک هات ير له د. معمود و عندنان موفتي له قعلادزمره بران يو كمركوك و، لمويشمره يو يعقداد. لم چرنده سمعدون شاکهر، ونزیری کاروباری نارده و ، د. فاضیل بدرواک، بدربرمبدی گشتی تاسایش و ، دوای تعوانیش صعددام حسینیان بینی بو . چهند مانگی بو صعددام بوبو په ستروکی کومار.

پی ناچی هیچ لایدکسان پروژدیدکی دیاریکراری همیریی بز چارمستری کسشمی كورد، چونكه هيچ لآيهكيان شتيكي نوسراوي بلاو نهكردهوه، تعنيا قسه و باسي گشتيهان کرد بر. صنددام دارای لی کرد بون دس هطیگرن له خنیاتی چهکندار و بگترینموه ژیر بالی حکرمت. بدلام بطیتی هیچ دسکتوتیکی سیاسی بی نعدا بون.

یه کیشی و حشم لهم کآری حسک پهشرکان. په جرته یادداشتیکیان له ۱ ی تشرینی دوسی ۷۹ دا دا یه حسک، یادداشت که توند و، یه زمانیکی رش نوسرا بو، پخترکان و تورهیی هدردو حینزب له ناوه وکی یادداشت کندا تعضریت عود. دارایان له حسک کرد بر دمس له گفتوگزی په کلایش عالیگری و، ناکوکیپه کانی له گال پهکیش به ریگای گفتنوگنو چارمسمر یکا و، شنان به شانی تعوان خمیات یکا یؤ روخاندنی رژیمی دیکتاتوری عیداق.

د. محمره له دوای گفراندوی مامجعلالی له شیتی دی. د. محمود ویست بری مامجملال ثبقناع بكا، يدكيتي يش له گفترگزكندا بنشدار بن، مامجدلاليش ويست بري د. معصود ثبقناع یکا واز له گفترگز بهینی. جهلالی حاجی حسین، نویندری پاسزک، لم دانيشتندا يحدار يويو.

د. میحمبود عنواله کانی تم سنفتردی بر فتوزی راوی، تویتدی بعصبی ستر به سوریا و، یز نویندرانی حشم، به جها گیرابردوه، لای هدریدکیکیان جزری له بعداندی هینا بردوه بز گفتوگزی به تننیای خزیان له گل بدعس و، بدلام ترسی خزیانی له یه کیتی کرد يو په پيانوي سدرهکي.

درای تم سعفره، ثیتر د. محسرد نمچردوه بز بعقداد بملام بمیرخدیهان همر نمیری

یر. له بمعنی تاترصید تعربین و ، پروپاگاندیان یز کناکی ریککترتن تدکرد. هندی له پیشمترگدکانیان ، بهم هیرایه ، پشتیان لی کرد بردو بی ترس له هیرشی بمعنی تدکیران. به کارتری یک که کنتری پدکمنی ۷۹ جیرش له دولی سساقرلی پدلاماری دان. سیدید سیلم. فسفرساندی همرسدکمه و ، شبیتنی برلی، یکی له فسرساندین کسورتکانیان و ، چعند پیشمترگیهکی که کوروان. تیتر تعد مچچ هیرایدگی به گفترگز تعیشان.

دواتر حسک به بنیانیکی دولا سترندگریش گفترگرکنیاتی واگنیاند. ثمر هیوایدی هنیان بر به چارصدی سیناسی تمغانه دی ره ثمر راهیسمیدی که له ستردتاره هنیان بره دریارس ناصادی بفتسی بز چارصدی سیناسی هیستاندی کیشتین کنرود و، تاناسادیی یمکیتی بز به دنگردچرنی، له تالیکردندری خریان دا ناراست درچر، همچننده تعوان تنهانرت: ولم گفترگرایدا تمکنر همیرمان، به تایینتی حسک و یمکیتی، پیکمه برینایه، تنهانرت: ولم گفترگرایدا تمکنر همیرمان بو بز پاساردانی سیزندگرتنی گفترگرک.

سبزدگراتی نم گلترگزیه هبر له سبزدناره چارمروان تهکرا. لبر کاندهٔ عیراق به هبز و جواکنوری کرود لاراز بو. تعرازی هبزی سیاسی و چهکفار نابدرامین یکی گلوری تی دا بر. جولاندوی کورد له ناو خری دا ناکرک و ناتمیا بو. پشتیبران و یاریددمری نبو. حسک یش هبزیکی سیاسی چهکفاری پچرک بو، نمیشترانی نریندرایعتی هممر جولادوری کرود یکا. بعصبیش تاماده نبو، هیچ دسکوتیکی سیاسی راستنقینه به خولاد با.

شنفیق و قوره پدرازه

رازی ۱۱ ی تأیی ۱۹۷۹ هیزیکی گدوری حکومت هیرشیکی گدوری تعزیف ر تاسبانیان کرد پز سع تاقیی له پیشمارگافانی یمکیتی له گزندی قروه بدازه له دهشی کزید. لام شدرها ۱۶ پیشمندرگه کرزران ر ۵ یان به دیل گیران، له نار کرزرازدکان دا: شغفیق زاهبر، منزارد شینه، صارف، محباعد قاور، تارویز عرصار، تازاد رطبق نانبوا. معریز تیمراهم، تغزیر نازنیش، قریاد قنگرللا، جنعفم سنصید عنهاس، سعمید تعلقظی، عرصار رفیق و، در پیشمارگای سلیمانی ناریان تحصد و شاکیر بود

تمدهٔ بعترومیدیکی کاریگفر پر له یعکیتی آنه نارچدی کزده، به تاییدتی لتر کانده! که به هزی جهاپرندوی حسکدوه هدرسدگاتی پیشسدرگه پشیرانی تی کدوت پور له نار نام پزانه تیکزشموها اقلمی کافری پیشسمدرگهی و ریکخبراوجیهان تی دا پر، شبخیق فعرمانددی پیشسمرگدگاتی کزید و، تارویر کافری ریکخبراوجی کزمنله و حدورز کافری ریکخبراوجی بزرتدوه بور

شطّیق چرارمین کسی خیزاندکنیان بر لم ری بندا سنر داینی. زاهیری بارکی و، تزفیقی برای له شعرها کرژرا بین و، رطیقی برای بعصن له سیناری دا بر.

شیدردکنه به ریکتوت رؤای پیش درچرنی دهستانی تیستینغیارات تاگاهار پرن دعطره به ریگاریید. بز تعرض دیلدکان بدر عطر ندکتون، له نار ستریازگذکتی کزیندا هنر پینجیان گراله باران کرد برن.

139

كيتلنى سيجن

صنددام به پزتش تعوره که تازه بریر به سترکترمازی عیبران له تایی ۱۹۷۹ دا چند و معلق بهکی دورکرد. یمکیگیان و عطوی هامه بر له گیرارهکان، هاریکانی تیمه که له زیندانی تعیر غریب بین له بعضداد و، معندی لعر کستاندی له وردهمدی تیمدام هی زیندانی موسل دا برن، به تاییعتی دیلهگانی پیشسمترگ، تازاد کران، بز تیست تعمه هوالیکی زار غزش بور، کومطی کادری ژبر و تیگییشتری تیکزشتر له زیندان بعربون، تین و تاریکی تازمان تعدا به ریکخراردگه و چراتمودک.

روژیگیان له پن دیراری به وشکه کفته ک مطیعتراری بارهگاکستان دا له پنم بدوژکه خنرم همخست برد له پر یمکی سملامی کرد، هیچ ششیکی تاپیمتی نمیر سعرفیی من رایکیشی، به جوریکی تاسایی ودلام دایعود، نمو چادوروانی پیشترازیممکی گدرمتر برد، وتی: دکرری باش تملی بی نامانامیشدو اه سعرم مطیری در باش لی ی ورد برمنود، سمیرم کرد عرمدی سمید عملی بر. همستام باوشم پیا کرد و تمدلار تعربای یمکتریمان ماج کرد. سمید صعرصد بامی کبرد کمه هاوریمیسانی تریش به ریگاون و، بز تعربی همسیان به سمادمش یکن هدر یمکنیان به ریگایه ک دا طاور.

هارویهانی زیندان، که دواییتر پیبان نمونن؛ دکیتناهی سیجن» یه که به ک و در در در نمونینی نمونین یه که و در در در نمونینی در گیرتی فارسونی و در دارای شیخ نروی و نمونینی هارسونی و روناکی درگیرانی مملا بختیبار و تاوات عیدرلفنطور و پرشنگی هارستری و ترسملان و پهخشانی ددرگیرانی، تعوانش که سنلت برن روکرد: عملی پچکرا، جمهار فعرمان، تعزیر حصیت کنین، له گیل فعرمان، تعزیر حصیت کرتن، له گیل خوبان دینا و به سیکر کردایش، تا تعو کات نازودت بیشته ناویهای سخرکردایش، تا تعو کات نازودتی سخرکردایش، تا تعو کات

د الارکبراودگانی گزمناه تا ژمباری چرارسی و، آنه بلارکبراودگیانی یه کسیسی پش و موالتا اماری چرارسی من سمینیشت له و موالتا مادی پرم نمتنمیشت له بناور کید بود تا زماری پی پیسز و با له بری نرسینده و تازی خراورخیسیمی تی دا بلار پکرتیود. هندی له هاوریبانی گزمنانی تصنیان زور پی ناخزش بود، تبانریست گزمناه معالیات و ناخزش بود، تبانریست گزمناه معالیات و کیدار به معیدانی خز فیرکردنی تنوان.

ثیر ماردیدی من سطفرم کرد یز دوروه قرسمتهان هینا یو، به تاروزیی خزیان له همردرکیان دا تعرص یه بهر و به قطعمهکانیان دا هات بر نرسی بویان.

صملا پمخشسهار به ناوی دیاوکی تاوارده دوه، وتاریکی دروژی له ژیر سمزناوی: وچند تیشکی، به سر هندی، لاینی خیاتی کزمطندا به ژداردی شدشمی و کرمطه دا نرسی بر، باسی بیربوریهدگانی خزی گیرا بردو، سیاردت به ریخضتندودی کزمطه و. دمن پی کردندوی خیاتی چکدار. هیرشیکی نارمختی کرد بره سند سندکردایاتی پیشری کزمطه، که دواتیان له سیفاره درا برن ر، تدرانی تریشیان تازه به تازه له زینفان بازاد کرا بین.

هاریهبانی تازه - تازاد که هاننه شاخ و، وتاردکنی مملا بخشیاریان خرینندوه. زئر دلگیر بون و، به کزمال و تاک هاننه لام بز گلیی. نمرسملاتیش له گال گلیشتنی دا، سالار چو بو به گزی دا. نصانه چارمروانی پیشرازیبه کی گلارمتر بون، راستیمکنی هنشی لتو برادمزانه دوکن حنزیان له چارش بتربردگنان نیرد. حنزیشینان نشدگیرد له نار گونامله و پیشندرگذا بینانهباند لایان وایر جیگایان پی لیاز تمکنن. یز چاردگردنی تعیه، لغر روارد کلهیم که مسئالار گسترد در اند ارسناردی حسام تعین کسترنستاند به یش دا رونگردندویدگشان ترسی: که نفر و تاوش مثلا بخشیبار بهبروزای تابیعتی خزیدتی و هی مدکر داینتر، کنمله نید.

له کوپرنده فراواتدکانی پیشره! بربارمان ۱۰ پر: تعر تعنداماندی سبرکره!پدتی که له زیندان دان، له پدر تعویی بده هری خنیاتی سیدسیده گیراون، همرکانی تازاد کران پینده ناو سبزکره!پدتی، کیپرندوری سبزکره!پدتی کرمطفعان کرد همسر تم برادمراندسان بانگ کرد، که له کاتی خوی دا تعندامی سبزکره!پدتی کرمطه پویون: فدرمیدن، عرصر، عملی، تلزات را همر یمکنیان کاریکی پی سپیدورا، تا تعر کاته من خزم سعربیدشتی ریکخراره نهینیماکاته تبکرد، همسریم بدور روی ساید عرصر کردهوه، ساید عرصر تم کاره گرنگادی پی کاریکی پورک بور، یه نابعدلی فهرلی کرد.

ثموانمی کومیتمی هدرسه کانیان پیک هینا بر، حدیان له چاردی هاوریبانی زیندان نشکرد، دوای گیرانیشیان پلارکراویه کی ناوخریان له سعر دمر کرد برن. تیسستاش که هات برنه نار شورشوه به لارتموه به خرهانیان کرد برن.

تعواندی له زیندانیش ثاراد کسرا برن، حسنهان له چاردی ثمنداسانی کسرمیستسمی همهمدکان نشکرد، لایان وایر، له کاتیک دا تعمان ملیان له ژیر چعقری بعصی دا برد، تعوان کاریان بز شکاندنی ثمان کردره.

به کردموه ثمم دو تاقمه بون به دو دصته:

تبراندی له کرمیشدی هدریسهکان پرن، خزیان په وخدتی شدهید تارام و داندنا و . وایان تیدیما تدکرد دروه په ختی تبر تددن.

. توانیش له سترکردایش پیشری کرمهه بون، خزیان به وختی شعید شعهاب ی دانتهٔ و، وایان تدیما تدکرد دریاه به خهر تعو تعدین.

راستیدکمیشی تعوه بر هیچکامیان خنتیکی وای دا نعرشت بر تعمانه شعری له سعر یکنن، تمو در شعصیده که در کفسایهتی بعریز و خنرشعویستی نار گیزمطه بون، تعمان ناودکانیان بز معیستی خزبان له ململاتی ی ناوخزدا به کار تعمینان.

من که نه له کرمیندی هغریسه کان و نه له کیتلدی سیجن برم و، له ناکرکیسه کانی نیران دا بخشیل نمیرم، هغولیکی زیرم دا یژ نمردی نم له یه ک نهاکیشتینیان چاک پکم، کملکی نمیر، تا نمهات ناکرکهاکانیان، که زیرتر شخشی بر نهک تایدپرلرجی یا سیاسی، قبلتر نمیر، یه کردوره بیرون به دو دستمی جهاراز.

یز کسروندودگانی سعرکبردایاتی کنوسطه همسر تنوانعمان یانگ تدکرد که پیش گیبرانیان تغنامی سعرکردایاتی کنوسطه برن، دوای ساویه که همسریان کاریهاریان پی سهپیردرا، کمسیان بعر کارو رازی نهبر که پی ی سپپیردرا بر، هندیکهان به تعمای تغناماتی م س و، هندیکهان م ج و، هندیکهان به تعمای تغناماتی سعرکردایه تی پهکتی بون، بشمکمی تبعد له سعرکردایاتی بهکیتی دا به هسری ۷ جیگا بر، جیگای تو هموری تی دا نظایرود.

كۈنگرى نۈھىمى پارتى

دوای تاشیمتال سامی سنجاری به مواضطهتی معلا مستمخا، پارتی له ژیر تاری قیاده موطفته دا ریک خستمود. بز ثمر صبصته سخعری تموریهای کرد. پاشان گریزایمو، تروکیدا. تهگلویی هنمیهان له ژیر سپیمری معلا مستخطادا کزیرونود بلام به گریرس زیرف و زمیانی تعیا باسی ریکخستنموی پارتیبان تدکرد له ستر پنچینهی مارکسی و، سنجا ریکخرارهیمکانی: تارهندیتی دیسوگرالی، سمرگردایمتی به گرمطا و، ردخنه و

تا تعر کاته به مزی مطرصوبی سیاسی ثهران و. دوریی خزیانعو له کرودستان. پنصالعی بارزانی تعیان توانی بر راستموخز سعرپمرشتی کاروباری حییزیدکه و ، دانان و بردنی کادردکانی بکند. زؤری تنشامانی سعرکردایش لایشگری مصمود و ، هندی له کادرد از طبیدان لایشگری تهدرس بون. دوای روخانی شا که تبتر به تاشکرا و به کرمل هاننموه ناز میدانی کاری سیاسیموه، پسرستیمان بعوه معیر، هغذی گرزین به سعر حییزیدکیان دا بهیان، له گله لوناغی تاوه بارگیجی، سعر له تری دصلاتی بنصالعی بارزانی له ناز مزیدکدوا قایم یکانعود. بز نصص پهرستیان بعوه بعر درکزیگر، بیستان

له رازانی ۴ - ۱۸ تشـرینی درمی ۷۹ له ترردوگـای زیردی سند به ترستـــانی تازمهایجـانی غمیی له تیـران، به تاماده برنی ۳۲۵ کـمن، کــزنگری ترهمی گـرت. له درای تازاری . ۱۹۷ دو، تدو، یهکمین کزنگری بر.

ی میکنرگردید ا مصحود دراپزری سیاسی ر عصکتری و تفتیعی خوبندود. پاسی روداردگنانی دوای تازاری کنود به تابیعتی تاشیعتال، یکلم پارکی و پنسالکسی خزبانی له همر تریالیک پدراندود و ، تریالی تاشیتال و تعو کارساتدی به ستر کورد هات بو ، خسته تاستری دستریسرندگانی مثلا مستعفا و ، شا و تامنریکا، له راپرزندکند! تلمل:

دپاش ۱۹۷۰ یعملی پاش ریککتوتندکنی ۱۱ ی تازار.. هصرمان ترشی غرور برین و روز به رؤز روحی شیرزشگیرایهتیسمان له دست دا. له جیساتی تعرف سرد لعر سرکتوتنه ودریگین و ریکخستش پارتی پوهسپیشن له ناو جعماردر، دورگای بعرفلایی ر فعرزا کرایدو، و ششی تصابی که بتر هند شروشیک پسریسته له بیر چر بر. له سعر نیطاقی پدرندی دوروه دیسان زفر ئیشتیسهاهات کراچ له ژیر ضغطی رودار وه چ له نتراتین، به تاییدتی له سالی ۱۹۷۳ – ۱۹۷۴.

وپاش ندکستای ۱۹۷۰ زیر کسس رایان کرد له معیدان. پیش تعر کاته به هسر شت رازی بون، بهشمار بین له همسر بریارهکنان باش یا خبراپ وه دعری بالایان همبر، بهلام پاش نهکست.. به همسر جوریک هفرلیان دا مسترفیست بخشه سعر شنانی تعر یمس، تعیی بز تاریخ بلیین که بارزازی پاش سالی ۱۹۷۰ مسترف نعود له زیر تحظاتی که کرار زیر شتیش تیسمومانان که له دعروی تعو برین لی ی مسترفین، بعلکر همسر قیاده مسئول بود و تصه واقیع و مطیفاته..»

و تعسیمایی تمکسته ته کفتهما پیمالاتی جمعزاتیتر بود. هنرچنده نام پیمالاته طریعکی سیمودکی بود، بمالام تعسیمایی تاوخیز دیستان دعریکی زوری همیر کنه پیمالاتی جزائیسر ستویگریت. پیگرمان معیستی تیمپریالیستی تعریکا و نزکدرانی که ناوچه، وه په تاییستی رئیمی دیکشانوری شناهی ورضاو و رئیمی فناشیسستی یعفشا تعوه پو که ناوی کبرود به ولهنوایشی بارزانی و یارتی ستر مطنعاتنون

وهنر یاکیک له تیوه مصنوله له پاراستنی تراتی پارزاتی.. تیسش واک پاکیک له نیوه مصنولین له تراتی تعو، وه رویشان له سعر ویگفتی بوی داناوین، ثنو ویگییس که له هیچ زمانیک دا مساومتنی تاکرد له سعر ماغی کورد..»

چند مانگی بر واتعواتی لابردنی سامی همبر. بنصالدی بارزانی لی ی ناقابل بین. له کاتی هطیواردنی گزمیندی ناونشدی دا، بنسالدی بارزانی لیستعیدگیان ریک خست بر، به ناوی تعواندی شنیان شماتویست. زوری تعواندی قیساده میواندی در انبود. سامی تعییست، بز تعوی جیگدی له نار کرمیشدی ناونشدی دا به تعواری لیو تعیی، تعو دوازد تحسیدی له سنردمی قیساددی میوقستده اله گشی بون، له تصربیستمی ناوشدی تازد! عطیبریردیندو، بنسالدی بارزانی تم معربههان لی قریران تکرد در تعویان کرد به پهانر بر لاداتی تعو د عصر تعواندی گرماتهان له دلسرزیهان تدکیرد. کترمیشتهیکی ناوشدی عطیریردایدو، جیگای دوارمندی خزیان بود. هرشیار زیباری، که خال و جیگای متماندی عطیریردایدو، یکگیان بود.

لم گزنگرمیندا:

- کومیتمیدگی تاوشدی عقیژیردوا دلسوزی بی چنن و چونی بنعمالص بارزاتی و. گریرایطی تعواری قعرماندگانی بو.

- هطپزاردنی مضعود و تهدریس و، ثبو لیستدیدی ثمنان دیارییان کرد بر بز سعرکردایش حیزب و، هطپزاردنی مضعود به سعرزکی حیزب له جیگای یاوکی، تعر نعرتمی به تعراری چمپاند که ثام حزبه هی پنصالای بارزانید.

سنرکردایتی حییزب داراتی بارزاتی» کرد به پرای ریبازهکنی. به پی ی ثعر
داراتی» ش همسر کماری حملاله بو بز خنزیعفیت کمردن ر دسگرتن به سمبر مسیدانی
کیرداینتی دا. بز تعوش له باتی تدوی چهاری سیاسی بز تع دوگیشمه بطزیشتوه که
ترش بربرد: کیشمن حدکا و ، گیشمن یهکیتی. له کوردستانی تیران شعری حدکای کرد
یا پشتیمبراتی تیران به دس بهینی، له دوزمیایتی یهکیتی دا یارمه تی بدا. شمری
یهکتی کرد بز تعوی تعو ملززمه له کوردستانی عبراق تعیلی

پارتی به پارمستی تیبران، سمرلعنری همسر ان و ناوچه و ریکخراو ر. هیتر و پتالپونهکانی، له نار شاردگانی تیزان و له نارچه متروییهگان دا دورست کردمو، پاردگای ممکنمی سیاسی و. دنزگا سمرکرددییهکانی و، تیستگای رادیوکمی، له گوندی رازان له زیک ربری دانا، به تاشکرا هارکاری له کلهٔ تیزان تمکرد داری کرودهکان.

تُنشَامَانی پیشوی قیاده موقعته معدر چون بز تعروبا در سامی بش ماردیدک له تیران گیرا، دوای بعربرنی تعویش چو بز بعربتانیا. خزی له ناو کزره تاییدتیکانی دا، رای پیشان تعدا له بعر تعربی له سیاستی پتعدالتی بارزانی، به تاییدتی بعراسیو به کررددکانی تیران، رازی نبود بزیه وازی لی هیناون. راستیدکشی تعو، بد: تعوسا پنصالدی بارزانی، چارص سامر نفعیست.

دەيقىد ھىرست لە ئارزەنگ

روژنامادراتی باریتاتی دایثید هیرست پدیامتیری روژنامنی دگاردبازی امندنی له روژهلاتی تاودراست، که له بهبروت دانشیشت، سعرداتیکی کردوستاتی کرد و ، به سعر در لاینه کردویهکان دا گرا بر ، دبیئهید پیشتریش هات بر بز کردوستان و ، زمانی هسترمی تعزانی، چو بر بز رومی بز پینینی سعرانی پارتی سیامی دی بر، لعر کیاندها خوریکی کزنگرمی نزیمه بون، دوای تعری چو بر بز دوله تر بز بینینی سعرانی حسک د. معصوری دی بر.

دیگید هات پز ناوزمنگ پز پیتینی سعراتی پدکیشی، به ریکنوت مامجدلال لدی بر .
نبود: چو بر پز پیتینی قاسطر، له پسر تبوه من بیتیم، عنبدواردازی فعیلی پش لعری بود.
سعروانی باردگای خشع بشی کرد. له بار تبوه من بیتیم، عنبدواردازی فعیلی پدکستی برید. هندی
پرسیاری لی کرد برن دمیاردی چالاکی پیشمبدگه له نار شاردگان دا، معرودگیان باسی
تم معرالدی له د. منحصود پرسی پر، پدکستیر به درای خست پرندود. شدی سعرفیی دبیشیدی
مایعود، زوری پرسیار کرد و، منبش پرسیاری زورم لی کرد. تعری سعرفیی دبیشیدی
راکیشتا پر، تعوی پر: هممر تم جیرنانه داری یکتشی دوا بین، سامی داری پدکستی بر
حسک، د. منحصود داری پدکستی و پارتی، منبش داری پارتی و حسک، پرسیاری
حسک، د. منحصود داری پدکستی و پارتی، منبش داری پارتی و حسک، پرسیاری
بسمورکیی درباری عزکانی ناکوکیی تاو حیزیه کوردیدگان پور، چهندی هنولم دا بزی رون

دهیاسید. زنجمهبردیدک واتاری له گناردیان دا له سندر جرلاندودی کنورد و . له سندر گنراندکنی، یلاو کرددود.

کاری بدردیی

هبرلی به کخستنی موعار حتیق عیراقی کزنه. سبودنای حفتاکان ترج (التجمع الوطنی السراقی) داسترا پر به کلام تفسیش ودکی هیزیکی ده وری و لات له سبر تمیز ده ویکی نیور. که پهکیتنی پر به تغذامی ترج، ترج تین و تاریکی تی گدرایادو، و به تعذامی ترج، ترج تین و تاریکی تی گدرایادو، در به تعذامی ترج، سبز کمیز در صمهانی کارود، یکن به شروشیکی عیراقی، رادیرکندی بهکیتنی داری ترا پر: دهنگی شروشی سبرگردایتی ترج، سازگردایتی په به شدیرگی تین میراقی، در بازگردایتی ترج، سبزگردایتی تین به شدیر شدیرگی سبرگردایتی ترج، سبزگردایتی تین میراقی، در حالم اجراد الدولی) و در تایم میسانی و در تایم میسانی و در تایم میسانی و در تایم میسانی بازگیان دانا، به گذیری تیمی نامیدی و در المینالی بازگیان دانا، به هیچ رویمک به میسیکس نامیدی و در شدیر کی در درد له هیچ رویمک بو نامیر که شدیری در در سبزانی بعدس ماردیدک له نارزشک بارگیان دانا، پهلام راسیمکنی تعد شتی رکنش و رواند، و رواند، و در واند.

دوای لیندانی حشیع، زور له سنوکبرددگانی رویان کبرده تعوریهای روژهلات و ، سنوریا و لریتان، پاش تعوی ناتومیند یون له پیکهبانتموه له گنط یعمس و گنوانموه یژ پهفداد ، له کوپرتموبیدکی کوپیتمی تارمندی دا دروشمی روخاندنی رئیسیان هلگرت و .
کولتد دارای پیکیبانی دیدری فراوانی هزر عبرالیدکانی - حتم خوبی به تغیا لازاز بر .
له یمر تموه پردیاگاندیدکی زوری بر تم بیره نکرد د ، له همسر کوپرتمه و دانشتیک دا بغیان راتبود - کاپیدهای سریان و بهمین و سوارتی فیلستیپنانیشان تمی گهباند بر همندی له هیزه نمتنوپیرستدکانی عبرای به تاییدی بهصسیدکانی عبراقی سد به سوریا لبوانه حازم (هیمافیمار الکیبسی) - حمتیان له چاری شهرهیدکان نفتگورد . تسانه له بنچیندها به بسریارمری دانش کرسرتیسستی، پدوردرد کسرا برن، هارکاری تعران تعوان ر

كرميتنى 4 قولى

عفرادگائی حشم له سریا سنری نگرت پر. سعرانی حشم له کردستانیش بعردمرام بین له سر هممان هغوال که بین بعردمرام بین له سعر هموانی در است. بین له سعر هموانی به بین به سعر هموانی به بین بین به بین بین به بین بین به بین بین به بین بین به بین به بین به بین به بین بین به بین بین به بین به بین بین به بین به بین به بین بین به بین بین به بین بین بین به بین به بین بین به بین به بین به بین به بین بین به بین به بین به بین به بین بین به بین بین به بین به

به کرمغا، یه ری کنوتین یز تاران یز تعرض لنویره یچین یز سوریا. له حشع: مثلا تحسمای پاتیخیبلاتی. له یفصن: تایو صملاح. له حاج: تایو شعوقی و تایو عوصان. له یهکیتی: من.

له شام بیرورای حازم چیا بر له گفل بیرورای هاریکانی له کوردستان. کویرنعرک نهکرا ر، کومپتهکد کو تهرموه و، کاردکه ستری تهگرت. له شام چنند جاری کنریم تعصدهم بینی، هدرودها حازم.

سعري لوينائم وا. بيروت لمو كانعها به كردمو له ژير دسملاتي قطعستينهكان دا
پر انهات حموالفه سعركردي والجيهه الشمهيده و به جريح حفيش سعركردي والجيهه الشمهيده و به جريح حفيش سعركردي والجيهه الشمهيدات و باسكردن دمواردي عطومبرجی نار عبران
به المسكانم پدريد كنهي عموروكيهان زير به تاشكرا وايان معرضست كه ياوريان به
مامجعلال نهد. قسم كزندكم بير كموتعوه كه تعلى: ديز بنزديهار خزت به كوفت بندي،
تعلى: به دوري خوا مرداه، پهم سغير بر صامجعلال ثمر همدر چاكميهن له كمل كرد بين
كمي تعوان بعر جرد سعيمان تمكرد و چاكميان تعدايدو، جهاوازيدكي تعوتريان له نيران له نيران

هدر لم سففرها جاریکی تر سیرداتی تعیسام کرددود. له کزنگردیدک دا پخشیار پرم که خوندکاراتی کررد له تعیسا تنهانگرت. یمفداد ، له کویرنتوبهکی کومیتنی تاونندی دا دروشنی روغاندتی رؤسیان مملکرت و .
کوتته دارای پیکیبانی دهنری فراوانی هزر عیرافیکاند . حشع خوی به تنها لاراز بو .
له یمر تموه پروپاگاندیهکی زوری بر تم پیره تبکرد و . له معسر کریرنده و دانهشتیک دانه بایان و تعید و انهشتیک دانه بایان و تعید و سرانی فلستینهکانیشیان تی گلباند پر دهندی له هیزه نمتنوپدرستمکانی عیرانی سر یه سرویا لواته هازم (هیدانیمار الکیبیسی) - مغیان له چاری شیبرهیدگان نفتگرد. تعیانه له پئرچیندها به بسرویادی و تانشی کرسرنیسستنی پدرورده کسرا برن، هارکباری تعران و تاریخستانی عیرافری هارکباری تعران و کربوستانی عیرافیش هات بود بان.

كرميتىي 4 قولى

عفولدگانی حشع له سریها سعری ندگرت پر. سعرانی حشع له کوردستانیش بعرددرام
پین له سعر حمسان هعول و تعقملا. له همس کوپرندره دوقرلیدکاتیان دا له گدل پدکیتی تم
پاستهان دوباره تمکرددو، سعرمتهام له ناورداستی مانگی کانرنی پدکسی ۱۹۷۹ پدکسین
کوپرندوی پورار قبلی: پدکیتی، حشع، الحرکه الاشتراکیه العمیه (صاع)، حزب البحث
العربی الاشتراکی - قیاده قطر العراق (سعر به سوریها) کرا و، راگنیاندئیکی عاویمشیان
ددرکرد، برباریان دا له دیسمش کوپرندوبهکی تر یکری، به نویتعرابهتی یهکیتی من دانرام
که پویم بر بخشاری له کوپرندونکی شاه دا.

یه کرملا به ری کاوتین پر تارآن پر تعرف لعوبه بچین پر سوریا. له حشع: مثلا تحمیدی پاتیخهالاتی، له یعنی: تیو صفلاح، له جام: تبیر شعرقی و تبیر عرصتر، له یاکیتی: من،

له شام پیریزای حازم چیا پر له گفا پیریزای هاریکانی له کوردستان. کویرنمودکه نهکرا ر، کومپتهکه کر نهیرموه و، کاردکه ستری نهگرت. له شام چنند جاری کمریم نمصندم پینی، همرودها حازم.

سبری اویناتم دا. پیروت لدو کاتحه به کردمو له ژیر دسملاتی قطعستینه کان دا
پر تابف حمراقه، سترکردی دالمیسه الشعیبه ه و بعربج حفیش سترکردی دالمیسه
الدیمقراطیه م بینی، پروردارکانی پدکیتی م پز باسکردن درباردی هطرمنرجی ناز عبران
بر در حفلیستی پدکیتی له رودارداتی تیران، مامیدالات نامی بز هردرکیان نرسی بو، من
نامدکاتم بز رد برن، کمینی همردرکیبان زور به تاشکرا دابان درخست که بادریان به
مامیدالاتی، قسد گزندگم پیر کموتدر، که تملی، دیز بزدیها و خزت به کرفت بدی،
تملی، به دوری خوا مرداه، پیم سنیر بر صامیدالات تمو همسر چاکیینی له گمل کرد بین
کمین تموان بدر جرد سمیریان تمکرد و چاکیان تعدایده، جهادازیدگی تعواریان له نیران له نیران

هدر لم سطعرددا جاریکی تر سعودانی نعیسام کرددود. له کزنگردیدک دا بخشدار برم که خریندکارانی کورد له نعیسا تنهانگرت.

سالي ۱۹۸۰

له تیرمینالی فرؤکدوه بز چایری ستور

روی ۲۰ ی شریاتی . ۸ له گدا عرصتی صابی عبدرللا، شازاد کتیشتینه فروکستانی میبدرللا، شازاد کتیشتینه فروکستانی میبدرالا، شازاد، عرصتی مخبرس و هارسردکتیشی ها وزهان گیداتان، نامان کیشتان، کشوران داران بر از در آن به چرنکه نامه و بخرای نام در کنیدکی بر سواری فروکمیدکی ترمان بخیر در گفت تریندی کیشتی بر ترمان بکنتو، د. فرانا متعصرم تم کان کند تریندی یمکیتی بر لای مکرمتی تران، بیلیتهان داریه فیزاکسان لای کاربدهستانی فروکستانه بز دابنین، پلیکتی تران مکرکتین تران بر بیلیتهان داری کردن، بز تموی خومان گیر یکیین تا کاردکستان بز دیبیتی تران بر یکیین تا کاردکستان بز جیبیتی تران کیر یکیین تا کاردکستان بز جیبیتی تران بر بیپیته از تاراندو،

له ریگای متحایادوه چرینه گنرندی بیزبران. تمو کانه له نیمزان بینیزان و سنوری عبران دا هینان و بردنی کطویفل له برمودا بو. له بیزبران و ناوزمنگ دو تیرمینالی گنوردی ولاخی لی بو، همر یکمیان به سعدان تیستری تی دا راگیرا بو.

تعوی لپرهدا من به وتیرمیشالی ولاخ، ناوم بردوه، له کوردی کون دا پینیان وتوه: وجایری ستوره. نالر له شیعرنامه به ناویانگذاهی دا تمیرسر:

پایری صور یا. نانی به مهمرنانه په نازوانده نانی سفیریکی خزش له چهمانی ناو خانطا یکدا

تایا رمیمی ناهوه، یا دچایی ستوره ۱

ثمه در وشعیه ثیست اله نار ولاخدار و کاروانچیدکان دا یه کار ناهیترین. چایر: تعریله، بدهاریدند، که ولاخی تی دا راگیبراوه. ستبرر: چرارین، ثیسستنا هعر له رشدی وسدگ ر ستوره دا یه کار تعهیری که یز سوکایتی پی کردن تعربری.

و آخی بارجد: تصبی، تیسست. کند، گا. له کنوردواری دا له زور کنزنده گرنگیدکی ژبانی هبیره. یز تیسنیش که همنر کات له ناوچه شاخاریه سنختهکان دا نتهایان و هاتریونان نکارد، بر بر به بهشیکی زبودی له پسیستیکانی ژبانی رؤزانه و رایدزانتی کسارهخافان. له یعر تعره منیش له گسط ولاخ بر برم به تاشنا و، شسارعزای هلسرکاموت و، داگرتن و، پیرستیکانی بربود.

ورلاخ، له وترلاخ و ی مسقولی رمرگیبراوه. پهم بزندیده هندی وشدی مسقولی هاترته نار زمانی محروه پیسوه، افزانده باسا، قوزناخ، چوک و به چوک دا هاتی، تامشه، تعقار، آمن، نزکور، قلیتواد، تورور، تیل، .. نسم هیچ همیپیکی تباه، همسر زمانه زیندرکانی دنیا وشعی پیگانیان و درگرتره و اما زماندگیبان دا تراندوباشتوه، و درگرتین رشد، بان پاکیکی ناسراد له نوسیدکانی دا دری تدکری، بان خملک له تعهامی زور به کار هیئان دا لایان تعیی یه یاو. له همردر حالعت دا تمچیته قمرهنگی زمانموه و، تعیی یه مولکی تمو زمانه.

تسپ

تمسیاً تیر و ماین می، همیشه ترخیکی تاییدتی و روزیکی تاییدتی همیره و. همیرتی نیشاندی پایدی کرمدایدتی خارندگدی بود، به زروی بز سرار پین به کار هیزارد. که کراره به هی باریدن تیتر پیپان رتره: وبارگیره، یان وبارگین» و، که خمساندریاند پیپان رتره: ویاشده یا ویمرشد».

تعسیس رمسین، که دایک و یاوکی ناسراو بی، له تعسیس تر که دایک و یاوکی نعاسراو بی پعسندتره. ودگنزی عمومی له هصریان پعسندتره. یه گریبردی وشگدگاتی به شئ، کویت، کمچیله، موجنندک ناو تعیین.

ماین دجوانره ی تعیی و، که پر به دو سال پی ی تطین دنزما و. تا ۳ سال همر
په خیر تمکری، له بدر تعوی تیسقاتی بربری پشتی بدرگدی هطگرتنی قررسایی ناگری،
نه باری لی تغییر و نه سواری تعییر. له سالی چوارم دا تطین: دپشتی گراوده، تیشر
خدرکی راهبتاتی تعین یز سواری. راهبتاتی زانین و شاروایی و مرسطعی دریژی تعری.
نصب درورت و و نعرمه غاره و وخاره تمکا.

تعسب ولاخیکی ویدک سم و، تعی سس ونال، یکری، تدگینا ژیر سمی بریندار

تعيى.

تسپ وزینه ی لی تفکری. زین له چدر و تعفته و لیاه دودبت تفکری. کاتی خبزی به خشلی زیر و زیو وازاندیانتدوه. یز زدوت کردنی له سبوار برن دا ولغباره تمکرینه دسی.

نسپ له وتعریفه دا نیمستریتموه و، له وناخوره دا ونالیک، تعدری. پیشینان وتریانه: وله نسیبی نبور، ناخور مطنعیستی، ه له یعفران دا که یه کیزمنل له لمومرگادا بعرفلا تعکرین، پیری تطین: درموه و، نعری خزمتیان تمکا دمنیتمره.

له تطبیاتنی کوروی دا ، تمیهکنی رؤستم ناوی درمنش» و ، هی خسرنری پدریز دشمودیزه و ، هی تیسمامی عملی ددولدرله پره، له چار تمسیی تاسمایی دا همرمکسیان هرنمریکی همود،

پیشینان وتریانه: وسراری تسیی خفک بی هنر پیاددی..
سالم له باسی خزی و تسییدکنن دا تغی:
خاند خریم میران ندوازه، و برند سجری پیاردانی
درشکل خزم خاک و خزاد و، ستر راختری تشییم سنما
شیشی سور بینان رمزن خالیگاهان داخ کنن به جرت
چرنکه رافان گرد: من و تشییم، له بعر ساردی هنوا
تمن و بارگیری گریت هنرور بترین بشکم به خبر
در بینام دوی خزراک و، تادر بینین دیشکم به خبر
در بینام دوی خزراک و، تادر بینین دیشکم به

فعر

نیره کندر و ماکنور بان واکس پی بشی تطین: گریدروژ، تعمیش بز باریردن و سواری بهکار خبراوه بهلام تعمیه له تیستنر و ، تیستنر له کمر بهریزتر بود، پیشینان وتریانه: وله تیستنر دایدزی سواری کمر بره . عمرهه پیمیان وتره: وصرکب الصاغیین » چرنکه بز سوار بین و دلهترین تاسانه و خیج خرندیکی ناری.

کدر ولاخیکی دیدک سمه ده سمی دناله تدکری. پمندیکی پیشینان تعلی: دسم سمی کدر در، چنگ چنگی معیاسی، یاران لم کارد سدر تصاسی)»

یه پهپیکنی کمر و لیستر تالین: وجالی، واستیمکنی زولیکی گمورویان لی کردو، چرنکه تم ناویان له خاتینانی جولانتوری کرود ناود، له کتالیک دا جاشی کمر و جاشی لیستر به دروازمی میزو خرمدتی کردود و، کمچی تموان زمرویان لی داود، کمری لای تیمه چند رصنتیکی هموه به نایانگفریتیان: حصسباری، بطفایی،

> قربروسی، له گمرومی قملانشیان دا جیاوازن. کمر به تالیکی کمر دانهکمی و، بمرگای ماندویشی و برسیتی تمگری.

کمر دجل» و. تمکّیر خیشمویست یی دکورتان» ی لی تمکری. پیشهبنان وتریانه: دکتردکه مصره پمعاره، کورتاتت یز دی له شاره!» جل له کونه لیاد و پعره و. کورتان له پعره و پیرش، دورست تمکری.

کدر له گفل مانگا و نیستر تهکریته وگوره دوه.

له گیل تبوی کسر، له لای کیرد، به قرندی دبینگی دانشری، کسچی له پختری پیشینان دا جیگلیکی تایینتی هدید. بز گلوجیتی تغلین: «کمریکه به چوار بی تعراء د، بز هلپدرستی و بی باری تغلین: «کمری نار جزگایه، قسیال له هدود بمر تعدا». بز بغلگدی پشت گری خران تغلین: «کمس لی ی ناپرسی: کمرت به چنندا»

پیشینان رتریاند: وکتریکم دا به کمری، سندان له بنا گیری ی دبری و. هنردها: وکتر له کتری کمرتره و. گرتند له کتری دراوده، هنردها: وکتبر بارهکتنی تضمنگ بی گورگ هنر تیپشراه، هنردها: وکتر به کاران تملفر نامی، هنردها: وکتری به پارس پیشر بیکردن، له تارا تمشکراه، هنردها: ویه کشر تاریزی به کسرتان شیزه و هنردها: وکتر نز بیری دهل تنهاه، هنردها: ویه پزتی کتهایده چر، کتریان داخ تفکرده، هنردها: وکتری غزمه و گیری ی تال تفکره،

نالي له پاسي كفرهكفي دأ تعلي:

همی کمرنکم بر، چ پدیکمر؛ تدیکمری همرواز و لیژ سینه پان و، موچه کورت و، شانه بدرز و، گری درباز

له دوا پهيتي دا تعلي:

چندہ پنم خزش پر زوبانی حالی دہیرت ونالیا » هنردو حبیرانین، ٹنٹز گریز کروٹ و ٹسنیش گری دریو

•

 پرس: باوکت کی یه؟ وتی: خالم ثعبیه». مندراسیسی ثم چاکبردنه بنزمیبکی خزشه شتیکی له شایی کمتره.

جاشی تیستر تنبی ۳ سال له سعری برصان تا ویشت تدکری»، توسا له گفلی خفریک ثنین بز تعرص قبری بار هلگرتن بیی. تیستر له تصب و له کنر پنهیزتر، و، بز نارچنی شاخاری تازا و یه کاره و، زیاتر پنرگنی بار و هنرواز و ماندریتی تدکری.

ئيستر ولاخيكي ويدك سره ده ثنبي سني وناله يكري.

هندی تیستر درای راهینائیش له کاتی بارگردن و سرار پین دا یه تاسانی مل نادا ر مطلعتهبینی، دلطه و دجیزنه و دلرنگکه تعطاریوی، بسانه تعربی، دچسنریی و . له هندی تاریم دهسمسری، تیستیری پسند تعربیه: هیسنری، کرنه لرتمکانی قش ر سنگی پان و، قساچهکسانی له یمک دور بی بز تعربی له رویشان دا له یمک تعدن، تعر تیسترانس قلهپان له یمک تعدن پیپان تطین: ویجزنن و رویسند نین.

یز زاتینی جوانی و پیری آیستر سعیری دهوداتی تدکتن، تدکیر دانی کموت یی، پان سمر وخیریاه کاتی لوس بین: تیشاتش پیر برزده، تغییز: وشیلهه ی پی نصاوه، تدکیر داندگانی تیز و زیر بی و گرفهپیدگانی سمر دانی ماین، تیشاتش جوانپید تغلین: وشیله ی بی ماوه، همر له پمر تعمید پیشینان وزیاته: وتمییی خفلاتی تعماشای دم و دانی تاکری».

بدرگی تیستر دکورتانه د. کورتان بدرمیدکه له پرش نشاختری، بز سواری و بز پار لی ی تغییر، کورتان به دیمورکه له پیشمودی له سنگ و ، به دیالره له پیشموری له بن کلکی و ، به دستر پالره انه خواروی مورهایی پشتی و ، به دنشگهه له بن برگی قایم تشکری، دهدیاسه یش کورتانکمای پی توند تشکری، بعرف، پالر، سمزیالو، تمنگه و تشکری، دهبیاست نظرمی پاتی ودکر پشتین بان دکاری دروست تشکری.

یز زبوتکردن و پمستنده و راکسیشانی درشسه و یا دعنوساره تمکشه ملی. تمگیرندو: یمکی له شهخمکانی بمزاغهه باندیکی جمزددی همیره دعویشمکانی خوی پی روت کردزندود. ددریشمکان، نمیانریراو، به تاشکرا به شیخ بلین، له حفاقدی زبکردا، هم برنمبود، وزیانه: وماینمکت بردم، رشممکم بعرف ددریشی خرتم روتم ممکرف) و

توروکنیدک تبکنن به کورتانکنی دا کا و جزی تی تفکین، له کاتی برسیتی دا تبیکنه ملی سری تی تمنا و تبلوری، پی ی تبلین: وجورک».

یز جسرانی دستوکنلله ی یز تدکمن که به وکیرژدکه و دصوروی و وگرلنکه ه تعیرازینندو. وزهنگرله تدکمنه ملی. زمنگرله سعرمای تعومی دمنگیکی خزش یز ولاخدکه دابین تدکا، له کانی رن بونی دا له دهشتوده یارمنتی خارمندکمن لندا یز دازیندوس.

په وسندم، وپيرونده ی تحکمن و، په ومیخ زنجیره تعییمستندوه.

زفرجسار که تماهیسامی بدار هملگرفتنی زفر آدا، یان که تماهیسامی گسین پس نبدانی خاوشکندی دا، سبر بربراکشی پشتین تهستدر برنشار تمهی در بریندکنی لول تمهی، تملین دنارکشیزای بود، ودگلینکی تمستسرد که تارار فردی دا پینیا تمین تعلین: دکسرسسسه ی دمرکزود، تارائی بائن معنامه یدا. به چمافیکی تیز تمین در جاک تمهیشود.

سع، گلفاً، کلوطه و کرنو، جروجانوری تر به پیستی تهستر دا تعنوسی ر، تجرانزی زری لی تعنیشی، به ورنهکاه که جنریکه له شنانتی له ناسن دروستگراو ئەپكريان ر، ئەيخىريان، جانەوەرەكانى لى ئەكەنموە.

پیشینان ولی نه: وکفر چو یز یعقدا یو به تیستر» شیخ رمزا له باسی تیستردکس دا تعلی:

میر به سند منتنت هغاردی تیستریکی روت و قرت دست و یا سست و ساقلات، تعلقامی هغرودک عفتکلیوت

دست ر پا سنت و سعمت، باندامی عفرودی عمیمورد له پنیتیکی تری دا کال:

، پایتیکی تری دا تالی:

شیخ فعتاحی معیتمرم رؤژیک به حرججمت لی ی تعری کلکی دمرهیتا له بن تهتجا به تاستم گری ی بزوت

Ü

گا بز نیر و مانگا، یا چیل بز صی. یمکی له ولاخه به ترخنکانی ایانی مرزف یوه. بز جرت و گیره و باربودن، به کاریان هیناوه. که پیریش بوه کوشتریاندندو گزشته کمیان خواردوه. نیر سدردسمین جاف رورند بوه، به زوری گای له باتی کمر و تیسستسر بز بار هنگرگزن به کار هیناوه.

گا روکو مدر و یژن ودو سم، در وکاویژه تدکا.

گروردکه، با گزلک، پاش له شیر برانبوی نیردکس نمی به دنزون» و میسکمی به دنزون» و میسکمی به دنزین در میسکمی به دارین» در تینبه دجراندگا، دگزلک تا پی تدگات چادیم در انتیان در انتیان در تاکید و از گریردکه به کاندکس، خبرتی خزت به ناز تدکسی»، گا روزانه به کرنصد نمیری بز لعرود بی ی تعلین: کاگیا، با گزارن، پیشینان درتیانه؛ دگا له گاگیا، به میزای بینی، شاخی خزی تشکینی»، مدریسا؛ دگای له دولیکا تدکس در یین ی بعلی بردیشی»، همریسا؛ دور گا له دولیکا در دینگی به مدریسا؛ دور گا له دولیکا کاگیا، دا دیگر درنگی یدک ندگرن، خری یدکشی تدکین»، نمی چاددیی گاران تدکا یی ی تعلین:

یز بی تاگایی تطین: وله گریز ی گاها ترستره و ، یز نغزانی و نمشاریزایی تطین: وگنا به گرنا شناسی و ، یز تینکچنرتی کناریهاری ولات به های خراپیی گموردی ولاتموه تطین: وختای گای یتمیه)

•

حمیران له سالیک دا صاومهکی دیاریکراو تارمزوی دجسوت گرتن» ی همیه، لعو مارمیدا:

ماین و ماکمو په وتشپ و قاآن و ، مانگا په وکمآن و ، دیله سنگ په ویا ۽ و ، شبله په ورشمان و ، متر په ويتران و ، بزن په وتنگه و تعي.

یز تبر گسیساتداره وتاوس» اتحق یدک یا در پنچکمیان تعیی دزاین» و، بز تمر گیانداراتمی له در پمچکه زیاتریان تعیی دتردگین»، به کار تعجیری، بز فرنه:

مايو، مانگا، معر، بزن.. ثعزي. پيشينان وتريانه: ومانگا به دزي کماً تماكري و به تلفكرا تعزياه.

سدگ، بعواز، بشیلد. تعودکی:

یز مرزف ومردن، و، یز نبو گیاندارانس گزشتیان نهخوری ومردار، و، یز نبوانس

گزشتیان ناخرری و تزیین، به کار تعمینری.

پیار تعری. پیشینان وتریانه: ومردن مردنه، لنگه قرتی چیدای

مانگا، معر، بن، مرهشک.. مردار تعیهتمود، پیشیتان وتریانه: ویز جگارئ معری مردار تمکانموده.

. کندر، سنگ، تنافزین: پیشینان رتریانه: وکنری دار تزیینی ختری ر زدرری سامینی تعریه، همرونها: وله کنری تزییر تنگتری تالی پکیشیندوده، همرونها: وسنگ له قصایخانه تعزیع! هربری به زایم تنجی/ه.

ئىسى ئىمىلىدى، كىر ئىزىرىنى، ئىستر ئىپرمىدى، كا ئىزرىنى.

كونكروى جوارممي حدثا

یه هری هطرمندرجی نالهاری پیرانموه حدک الد دامنمزراندنیستوه تا سندرکنونش شورشی ئیران ۳ جار کزنگردی گرت پو: کزنگردی پهکم له ۱۹۵۵ دا.

کرنگریی دوم له ۱۹۹۵ دا له گوندی سرنی له پشندر (کوردستانی عبراق) که تنوسا له ژیر دمسفلای بارزانی دا پر، ثم کونگرییه له پائی تنوس برزدکانی حیزب پهک پخا د، بیکاند دونگایهکی یمکگری خیات له کوردستانی تیران دا، ناکوکیپدکانی ناو رزدکانی تطالندندو د. بارچه پارچهی کردن.

گونگری سپهنم له ۹۷۶ دا له شاری بعضداد. سعودرای ناکوکی شدخسی و سپهاسی و ریکخراویی، تم کونگری و پژوکانی دیسوکراتی تا رادیهک پهکخستمود، کرمستمیدکی ناوندند پیکگرتری طهوارد و ، تورگانی ناوندی حسریی پلار کردود و . پیروندی له گاه رژیمی بعضی دا ریکخست...

کرنگرس چرارم له ۱۹ ای شرباتی ۱۹۸ دا له معمایاد گیرا.

هطرمدیی بستنی کرنگردی پورآرم له گلا هی همدر کرنگردکانی تر جیاواز پر - شررش تیسلامی رایعی شایعتی روخاند بر، یعلام هیشتا به تعراری دسملاتی

خری نمچمیاند بر، بز یهکمین جار تیران تازادیبهگی بی رینّدی به خریموه دی بر. – کسادردگسانی صدکسا، دوای دبیان سسال دور ولاتی و دهربندهری، گسمرایرنموه

کوردستانی تیران و، پر بین به هیزیکی دهسته انداری گئیرس سیناسی، ریکخرارسی، چهکدار له کوردستان دا.

. ۳۱ آغندام بهشداری کوتگره برن، که تریندرایش ۳۰ هنزار نعندامی حییزی تمکرد. بعر له شروش، هسر کاهر و تندامهکانی حرب له عیراق نطنگهشتند . ۲۰ کسی در له تعرویها به پهلیمی دست تفراسیدوران در له تا در نیسران دا لعیش زور کسستر بین. ژماری تغذامانی حرب له تمامی روغانی رؤیس شا در دروستیرنی بزشایی دسملات له گوردستان نیران دا، کتریر و له چند مانگیک کنم دا، وا زیادی کرد بو.

حیزب پز تمودی له ملسلاتی ی دهسندات دا له گناد کرمنانه و ریکخراردکانی تر. بیبته هیزی هدود گدورد و زالی کرودستان، هدمر جوره کدسیکی، بی گری دانه رابوردری سیاسی له ریادی چهیدو، پز تعو پدری راست، له ریزدگانی خوی دا کز کرد بردود.

کونگره به وایورتیکی دروی سکرتیری گشتی حیزب، د. تعورهمانی قاسملو،

دستی پی کرد. چند روای درودی کیشا. عطرسبرمی تالوزاوی کرردستان در ثیران ر کیشکانی، له نار بیرورای دانیشتوانی کرردستان و نشاماتی حدکایش دا رینگی دایردد. ناکرکی له ریزدکانی دا له ستر کیشمی تاییمتی رد جیادارای بیروز له شورشی تیسلامی در حیزیی ترده در جیری بهروجردنی حیزب در جیراتیوی کورد. له نار تشامدکانی دا تاشکرا برد هیچ ریکخراویکی کرردستانی حیران، بز تم کرنگریه، یانگ ندگرا بر، بلکر له رابوردکحدا تاوانیار کرا بون به دهسرمردانه کاروباری ناوضری کیردستانی تیران. کرمیتمی ناوشدی عظویردرایدو، که تیکدار بر له کسانی جیرارجردی خاودن بیریاویر

له روزانی شنوی کورد و پاسفار دا، یمکی له تاقمه چنهدگان جاریکیان ریستیریان پردیکی ریگای صنعایاد - سمزدهشت خبراب یکندن، دوکتر بنشی له هنولی دواخسستنی لفتگریشتی هیزدگانی تیران، پیشمترگدکایی حدکا ریگنیان نندا بین د، دریان کرد بین، ثنوانیش وت بریان: دوسود خبرتان داوای دیسترگنراسی ناکستن، ثم کساری تیسود دژی دیسوگراسیه، تنوانیش وت بریان: دلیسته دیسوگراسی مان یز تیران داوا کردود، بز تیرد

د. قاسملو زور جار تم توکندیدی به پهکنیندو تدگیرایدو. تدگیری خری به هطگری بیریاردری دیسرگراسی دائنتا و زوری باس تدکرد ، زورجار نیپرت: «طراپترین دیسرگراسی له باشترین دیکشاتردی باشترداه ، بلام زور له هاریکاتی له نار داشتمری سیاسی و کرمیتدی ناوشدی دا تاوانی تاکردری و سهاندی بیروزاکانی خربان به پال تعدا در تریالی هندی لم جهابرتود و وازهباتاتیان نصشته گودنی تدر

كؤبرنبوى سبركرداينتي يدكيتي

له روژانی ۲ - ۱۵ ی مارتی ۱۹۵ کروندوی کزمیتدی سترکردایتی و، کادره پیشکدوروکانی پدکیتی کرا. تم کرورتوانه چند خططیکی گرنگیان له یدکیتی دا ناشکرا کرد که لایش ویکتراویی و سیاسی و ناپذیرارچیان هیر:

- کسی پدکتم و، جوری بعروه بردنی پدکیتی و دوزگا سترکردهپیدگانی.
 - جرری راگرتنی تنهایی سیاسی و تاپدیولویی له ناو باله کانی دا.
 - جوري راكرتني هاوستنگي له نيوان بالدكاني دا.

یدگیش له سعردهای دامغزراندنی دا و دهستمن دامغزریند و ی همیر که پیک هات پر له ۷ کس له دمروس ولات، تم ۷ کست نویتمریرایشی هیچ بیگخراریکیان نشترکد، بلککی له سعر، بنچینمی لیرشناویی خربان دص پیشنگدرییان کرد بر بیز دامغزریندی بلکیشی و، له ناورس ولالیش دارا له چند کسیک کرا بیر دصتین دامغزریندی بلکیشی پیک بهیان، تموانیش تا له شار بین نمیاندوانی بر کنز بینمود، دصتین دامغزریندی ولات بهارچیزی بهکیش دا دانین، دیگر در ریکخراری، پیشنمترگلیی بلکگرتر دارین در کارگردن له پر تا هات برنه شناخ، له شناخیش نمیاندرانی بر درسرسیتیکی بمکگرتر دانین، هم لایمکیان بز خزی کاری کرد بو، بز تعری ناکرکیسیکان دوابخش سعرکرداردیشیمکی دوانیان یز کاروباری سیاسی و پیشمنرگغیی دامنزراند یو، به تعمای گفراندوی مامجدلال و، به لاداخستنی تعر گ**بروگ**رفتاند.

تا کزیرناموی پرادوست په کپتی و شورشه که سعر کردایدیسه کی په کگر تری نعید. له پیرمی ناوخیش دا باسی جزیی دورستگردئی و دهستالامکانی ندگرا برد، به جی میلیا بر پر گششه کسردنی پدکستی و برادارست دا، که به بادامهیش ناوخیش به نامی میلیا بر بادامهیش نویتانی و کردهای در استر گردایاتی په کپتی په که پختری در استر گردایاتی په کپتی په ک پختری در استر گردایاتی په کپتی په ک پختری در در استر کردایاتی په کپتی که به بیری ناوخی که کرزی باداری در استر کردایاتی په کپتی کپتی که بیری نامی در استر کردایاتی به کپتی په کپتی په کپتی باداری در استر کردایاتی په کپتی په کپتی به درای تا بعد استان به درای تا میلساندنوری په کپتی استر کردایاتی په کپتی به درای تیم در این باداری به درای په کپتی به کپتی جسروی په کپتی به کپتی بیری بیری به بیری بیری به کپتی بیری بیری بیری به بیری بیری به پیری بیری به پیری به کپتی در نامی که که کپتی بیری بیری به نامی در نامی در نامی که که که پیری بیری به کپتی در نامی در نامی در نامی که که که که که در نامی در نامی در نامی که که کپتی بیری به کپتی در نامی در نامی در نامی در نامی در نامی کپتی به کپتی در نامی نامی در ن

ثم كزيرنموانه نيو كيشمر كيروگرفتانميان تعقاندموه.

کسربرندو،کسان بی سندر و بعر بون. روژانه دریژدیان پی تعدرا بی تعرص تعلیسامی باشی هغیر. مامجدالا راپدرتیکی دریژی نرسی بو، زرری کانی گزیرندونکه به خزینندوه و لیسدوانی تم راپزرتموه کسوژوا. زور له تعنفامسانی سندرکسردایعانی دوس بربورن، له گزیرندونداختیان تعفات.

عدمه وكان

یه ریکدوت چند کسی لعواندی له دنزگ سعرکردهبیدکانی یاکیبتی دا کاربان تکرد ، ناویان عرمتر بور: عرصتر مستقا و عرصتر عنزیز له پزرتنبود، عرصتر عمبوللا و عرمتری سید عمل له کزمانه و ، عرصتر شیخسوس له خنتی گشتی. یز تعوی تم ناوانه له یکتری چها یکریندود ، هرمترمستقا به کاکی کاکان و کاک عرمتر و ، عرصتر عنزیز به حاکم عرصتر و ، عرصتری حاجی عنبادللا به ملازم هرمتر و ، عرصتری سید عملی به بسید عرصتر و ، عرصتری طبح عنبادللا به مالزم هرمتر و ، عرصتری سید عملی به
سید عرصتر و ، عرمترشیاسوس به عزصتر ناو تنهران.

تم ناوه له پهکچموانه هندی جار وئیمشکالی و نوکتمی دروست تهکرد. وهکو تمانگدایه:

جاریکیان، ۳ عرمتر پیکتوه چیون بز لیبیا، یدکی له لیپینکان که به ریز ناوی چند عرمتری به دوای یدکا دی پر، رت پوی: به ۳ عرمتر ۱ عطیبان دمن تدکنوتوه له گله خزیانی بهیان.

بماریکی تر، ۳ هومتر پیکتوه سیرهانی سفاراتی تیرانیهان کرد بر له شام. تنو کناته نیرانی تیران و یکمپیشی تاخیزی بر، تصان چر برن خیزش یکنتوه، یکی له تیرانیهکان که تاوکاتی دی برن ۳ هرصر به دوای یککا ریز برن، وت بری: تصانبیان تاروه بز بافکرترنی بمیوظه یا بن بز هیشکردرد! تریندراتی گرمناد که مدکتنی سیاسی دا، ودکر خزی، سالار و جمعفدر ماندو. عرمدرشیخمرس و که ال خزشتار که باتی خاتی گشتی، جندال مدکیم و هناس مدینز له باتی پزوتندو داتران، تشماماتی مدکتنی سیاسی که تا و خزیان دا تدگرخوار برن، مدکتنی سیاسی زورتر شیکی روالفت پر، همر کزورترویدگی مدکتنی سیاسی همر تپتفامیکی مدرکزدایش بخشاری تی دا تکرکزه که لدی برایه.

نصانشرانی ناکرگیهه کان چارصم یکدین. ناکزکی له گمل رصول و بزرتموه قرلتر بر، به تابیعتی دمرگای کوردستانی تیرانیان یز کرا بردو، ناکزگیهه کانی ناو کوهلدیش تا تمعات ناخزشتر تعیر.

روخانی شا یز ئیمه مزگیتیدگی یدکجار خزش یو، لعر تایلرقدیه دعرجرین که تی ی کعرت برین و، فرلایهدگی ستراتیجی مان یز دروست بر که تعمان ترانی هاترچری پی دا یکدین د، پیریستیدکانی جولانعودکدی لی دابین یکدین.

یدکیتی ریکخراریکی فیدرائی بر له کاروباری سیاسی و پیشمنرگدیی و دارایی و را استاندن دا یه کرتر بود بهلام له کساروباری ریکخسسان داره بعر ۳ ریکخسسان سعرکردایشی و ریکخشتنه سعربهخو بود. سعرکردایشی و ریکخشتنه سعربهخو بود. تا تم کنوبزدنوانه تعنیا کرصله و بزرتنده ریکخراریان له ناو رلات دا همیر، له دمودیش هنر یه کمیشی دیگراری همیر، دی ریکخستنی کرمله و بزرتنده له دموره کم و پیسرک و تازه له سعردای دامیزاندن دا بین، لم کنوبزنواندا ماسمبملال همولی دا سعرانستری دمرکا و ریکخراری کان در گفتی، گشتی، سعرانستری دمرکا و ریکخرارهای دانم که کنوبزنواندا ماسمبملال همولی دا برزانسود، کرمله و ریکخرارهای به نامیدی پاکان دمرکای ۳ فلیچقانه: ختی گشتی، پزرتنده، کرمله و را له همول دا تم ۳ سعرانستری دمرکا و ریکخرارهای تا تا همورد در کان در تا تا تا تا به تا بردندن بردندی،

مهکتمی سیاسی پیک بی له ۱ تغنام: ۲ ختی گشتی، ۲ پزوتندو، ۲ کزمنله. کومینتی سترکردایتی پیک بی له ۲۱ ثننام: ۷ ختی گشتی، ۷ پزوتندو، ۷ کزمنله.

لقدكان ييك بي له ٣ ثندام: ١ خدتي گشتي، ١ يزوتندو، ١ كزمدلد.

له پیکهپناتی دورگاکاتی راگیاندن، پیشمبرگدیی، ریکضمان، دارایی دا و، له پیکهپناتی هدرمدکاتی پیشمبرگایش دا هنمان شهره پیربوی بکری.

پیگرمان تراندغیرهی ۳ ریکخراردیی له مدکنین سیاسی و کرمیتنی سنزکردایاتی دا شــتیکی پینیست بود بیلام له خبرار تغییرد: دنزگ، لق، هنریم، تفاتنت تاریه و کمرتکان، گیبروگرفت و کیبشندی زوری دروست تدکرد و، له منبدانی کنار پی کردن دا تنهامی خراین تهر:

 له یی سپاردنی کاره! سعرتای لیوشایی فعرامزش تمکراو، سعرتای دلسوزیی حیزیایمتی، یان راستتر تاقمگعری، تعیر به پیوانه.

 له یعر تعری ثم ۳ ویکخراوه له همسر تارچهکان دا روکز پهک کادریان نبیر.
 پواری بر کمسانی مطینوست مطلبخست، خزی به یهکی لم ریکخراواندا مطیبولس و.
 ریکخراوکیش بر قمیدکردنی خزی بیگرشد، خزی رد. به هنق و به ناهن له سمری هنال بالاری. موتافصههای تاراستی له نیوان بالدکان دا دروست ندکرد یو راکیشانی ثعنمام و دوست و، یز زمان دان له یدکتری لای سکرتبری گشتی.

 به کمپنتی ویست و کناری له دوزگناکنان دا نظیمیشت و تمگینردی له خیسرایی رایمزاندنی کاروکان تعدا.

رکخسستنی جنوری پسردندی سکرتپسر له گناد سندکستین سیباسی ر دنرگیا سعرگردیههکان در دهتر ۳ ریکخراده جهارازدگه، یمکی له کیشه قرله چارستر تمکرادهکان بر. بیگرمان بهکیشی پیرسستی بنوه هغیر، کمسی بهکمی دهیی، کمسی بهکم بی مجع مرتافستیدک مامجدلال برد دهمر لایندکان دهاران بزارد بر. رازی برن ثعر بی. لیردا چند مصطهیدک نمانه پشترد لعرازد:

ندگار سامیملال به تعنیا خزی به خارش ریکخراری خدی گشتی تعزانی، نعوا تعریش ودکتر سکرتیردگانی بزوتنده و کومملهی لی دی، خز تدگیر سکرتیری گشتی به کیتیه، نابی نیتر خزی به خاوض خدی گشش بزانی.

مامجهلال سکرتیری گشتی بی، دسملاته کانی چیه و، چزن پهیرمندیهه کانی خزی له گل باله کانی پهکیتی ریک تمغا ۱

مرؤقی رؤژهدالاتهی له دمرونی خوی دا حمزی له تاکرموی و تیسینهیداده، تهمدی کوردی نمو زمماندیش ثمر غرناندی شارمزای بون، هصریان لم پاینته بون: - غرندی کوردی: مملا مستخای بارزانی.

- قرتدی عمرینی: جمسال عمیدولناصر، عمیدولکدریم قاسم، حافظ تصمد، تمصمه حممن یمکر، صعددام حمین.

- نموندى جيهاني: ستالين، ماوتسيتونگ، تيتو، كاسترو...

مام جدلال چاوی له مان، به زرری چاوی له غرنه کرودیبکه تمکرد. ثعراندی له نار به کسیستی دا کنزیبودنوه به هیسوای دامستراندنی شمیسودیه کی بری بیون له دارشستنی به کسیستی دا کنزیبودنوه به هیسوای دامستراند برد. پیردندیبیکانی مدلا مستیقا له گفا سرانی پارتی دایمبتراند برد. به لای تصانعوه، یه کی بر له هز سعرکهیدکانی لاواز کردنی پارتی و دصمیتکانی در به تفایهام دا تأشیمتالی پارتی و شعروش، تم در جنزره تیشکردنه چهاوازه زوری کاتی تاو سعرکردایهتی به شتی بههردهره تمکرشت. تعمانوست شیره یه کی

مهکتیمی سیاسی و ، دونگا سترکردهیدگانی ریکخستان، پیشسترگنیی، راگیباندن، دارایی، پنیرهندییدگان. هنیون و به تغندامانی ۳ ریکخراودگدی کرمطه، پزرتندو، خهتی گشتی، پر کرا برندوه

من همییشد پهپرهدییم له گفار مامجدلال باش برد. همیشد ریزی زلدی بیر ر پزچرندگانی منی تذکرت، په دریزایین تصنی دریزی برایخیسان ند هیچ بزند و کات و شرینیک دا به گر من دا نمعات بر: زار جدار پیسر و برچرندکنافان دژی پیسر و بزچرنی پدکتمری برد بلاام همرگیز ددفان له یدک ندگیبراود. له یدکتمری عاجز تمیرین، زر پیک تفاوتبود.

تعنداسانی سعرکرداینتی همر هصوبان له پاشسله گلهیهان له ماسجهلال تدکره و. رختمیان لی تدکرت، بعلام زوری گلمیه کانیان له سعر شتی پچرک و تابیه تی خزیان بو. ردکر: ریزی ندگرتین، قد یعر چاری خملک لیبان توره یوه و شکاندونی، حورمهتی رشی نمگرتین، قد یعر حدومهتی رشی نمگرتین و چیزندو به ترکیان داد. سعرانی کونمله چنند جاری له کنریندوس تاییندی خیران داد تم باسبیان تمکیروده و داداریان له من تمکیره له گسلی باس یکم و ، جاریهای کنیز نیزندود، زیریان تیبارتین تایین تعدیر نمین کنیز در در پیشمعرگه له معمومیان زیرترین... پزیم تعده له مامیمیالا قریران یکنیزاه کنینی عصر جاری که باسبکم تمکردوه و له گلیی در رحفته له باتی تعدی پشتیرانی له من یکنن، گلیی در رحفته له باتی تعدیر له یکنین من یکنن، تعدیر تعدیر کنین پشتیرانی له من یکنن،

من زیدم بیر لی کرد بروره، له گنا زور له هاوریکاتم گفترگزم کرد بر چارهیدک بز تم کیشنیه بدوزمنوه، تمانتت تنواندی خمتی گشتی یش، ودکر عرمنر شیخسرس و د. فرناد معصدرم، همدان رطبان همیر. چند جاری له کناه مامجدلال قسم کرد اکه جوری سکرتاریدتدکمی یگزیدن به یمکی لم در شیسره حرکسرانیسمی له دنیادا همید: شیسرهی سمرکایدتی ودکر له تعمیرکنا همید، بان شیسرهی پارلعمانی ودکر له تعوریای رؤتارادا همعهد.

شیدوی سبوزگایتی، سبوزگ پارستیدوردگانی خزی یز کاربیاری پیشمبرگ، راگمهاندن، دارایی، کاروباری پیروندی دورود... هملتمویری. تعمانه کزیرندوی دورویهان نه بز بریاردان له سبر کاروبار بلکر سبوزگ هملهانتیویری و سبورگ تعرکدکانهان دیاری تدکا و د همر له بدودهی تدویش دا لهپرسرار تمین، له باتی ممکتمی سیاسی دفرگایه کی لم بایدته بز خزی هملیتری و، له همسان کنات دا، له باتی کنونگریس، کنومیاست می سبرکردایدتی تمی، تیکملاو له همر ۳ ریکخراو، که ناو بنداو کنوندو تدکا یز دانانی سباستی گشتی و لهپرسیندوی کاردکانی سبوزگ.

شیوری پارلمانی، سوزگی ونزیران دوای پرس و را له گفا هاویکانی تعدامانی تعقیرصنی ونزیران عدلمیتری و : تنهانشاته بعردمی پارلمسان بز وبرگیرتنی باوبر. تعقیرمنی ونزیران گزیرتموی بعردوام تدکن، بریاردکان به زیرایعتی تعدی، به تاک و به کزمنا له بعردمی پارلمسان دا لیپیرسراون، مامجدالاً سعرونزیر و، ممکتمی سیسامی تشکیرمنی ونزیران و، گرمیتمی سترگردایتنی پارلمان، بی.

مامجندلال پیشتیداردگانی پی ناخزش بود. هیچیدانی قریراد نیود، تیپریست وکر خزی پینیدود. ودکر خزشمی مایدو چرنک تغنامانی م س ر مسرکردایدن نیانتدیست ترتی بودنگاری هیسر له گفل، عهدولرزان فدیلی تیپرت: «پارتی حیزیبکی عشاریید بلام به ترساری هیسری تیشن تدک، یکیستی حیزیبکی عمسریید بلام به توساری عشاتری تیش ندکا و.

پهکیتی و حدکا

نیرانی مامچمالا و قاسطر و، یدکیتی و حدّگ، له سعودتاره به روالعد آباش و خَرْق پر، یدّام راستهدگتی بی یاوری و گرمان لم پیووندیسدا معبو. حدکا عیرالی به پشتیموانیکی گفرنگ دائمنا بز خبری، نهیشتویست له بعر خباتری بدکنیسی بان هیر ریکخراریکی تری عیبارای، دوستایشی معمل له دس بدا. عدر بم هریدو، دهمر تعو کیپونیواندی له تعوریها له مسالاتی رابرودوا له نیسران ترینعرانی پهکیستی و حدک و . ریکخبراود کیرویکاتی تورکیها و سیریها دا کرا بز دامستراندنی ویپریهای هارینخی کیرومستانی هستری نگارت: زور جار ترینعری حدکا دیگمری لم کرپرننوانه تعا و ، په پیانری جیاراز نیننمیشت بز پیشره یعی

دوره او تا بر کموتنی شورشی تیران، حدکا یه کینتی یان تاوانیار تمکرد یعرص دصتی
روره او تا که گرویاری کو دستانی تیراننوه . له شاره کان دا ریکشمنتنی دروست کردود و ،
به هاندان و یارمنتی یهکیتی بر دروشایمتی حدکا، سازگا دامنراود، یهگرمان نمه در
نمو خرنشیان تیبازانی راست نبه یملام کرد بریان به بیان و در به بنیشته خوشمن ایر
دانیان، همر تیبازت و تیبازتوده . سازگا له لایمن یهکیتیمود دانسمنزویترا بو . گری می له
تامراگاری و قسمکانی یمکیتی یش نشکرت، یملکر یهکیتیمان به ریکخراویکی نمتدویی
نامبارگسی دا همندی جدار به ویهرلیست دانشا . یملام یمیستی پمیوشفی باش و
درستانی له گلط سازگا و سمرکرده کانی و ، معلا شیخ میزدهان و ، معمر ریکخرار و پهاره
نامباره کارو شمندی بیاش داشتی بیاشی له گلط
نامباره کاری گرودستانی تیبان دامنراند بود ، همروها له تارانشی پهیوشدی باشی له گلط
همندی له سنرکرد دکانی شورش و پیاره نامباراند بود.

راستید، کمی یکیتی هنران زوری دا پدیردندی باش ر درستاند له گلا صدک دامزرینی، تصفل بیگرمان تهو به هزی دررانشی دوستایهتی حکومتی تبران ر، تا رادبهکیش سویا، که پیرستید، کی ژبانیی بز یهکیتی همیر، یهکیتی له نار بازنمی بالمولیدیکی به هیزدا بر سیری تورکهای لی گیرا بو، له سنروی عیرالفره نهینمزانی عاتریز بکا، روخانی شا یهکیتی لم گمارای دورهنا ر، دمرگای جیهانی بز کردوره درستایمتی له گلا حفال تمیر به هزی داخستنوی تم دمرگایه، بلام له روانگمی قازانجی نمتومیمهر الاسان وابو، که لمو سخوده مداکییت یکی کورد له تیران دا، گرنگیدیه کی کاریگیری پدیا کردوره، تمی همسر کرد بارمخیهان بدا بز تعربی تعر همایان له دمس نمیر ره ماده کانی خوان به دمس بهبان.

حدکا هنگریستهان پدرامیمر پهکیتی درستانه نعیر، کادر و پیشممرگهگانهان رامپارد بر، کارناسانی بز پهکیتی نهکان:

- له کزر و کزیونعودگانی خویان دا و، له لای حیزب و ریکخراودگانی که، دژی پدکیتی تعدران.

 له هدر جیگایه کی دستیان پرویشتایه تعنگیان به بیشیمترگدانی یه کردن مطلبهتی و. له هاترچردا ریگهیان پی تهگرتن و، چند جاری یز سوکایهتی پی کردن چهکیان کردن.

ا به معندی جیگا ترفتمی گرمرگیان بعرامیدر نوفتمی گرمرگدهانی بدهیتی دانا و. تاگاداری ترفتدهانی بدهیتیسیان کرد که نابی له خاکی تیران دا ینکه داینین. لعر کانعدا گرمرگ تغیا سعرجاوی دورامعت و زیانی بدکیتی بو.

کردستانی نیران دا پنکمی چه کدار داینهن کردستانی نیران دا پنکمی چهکدار داینهن در چهکدار داینهن در چهکدار داینهن در چهکدار کاردندار کاردندا

- رمسول مامند و پزوتنده و، د. مهمسودیان هان دا پز جهابرنده له پهکیتی و، په چهک و یاره و گارتاسانی پارمهتیهان دان. چنند جاری مامجعلال نامتی بو د. قاسطر نرسی و، ترینبرانی یدکیش سیردانیان کرد و، مامچعلال فزیشی چر بق دینشهیان، تصانه پیروشتی دولولی باشتر نکرد، دهنا جفتگی ۳ مانگه دمستی پی کرد و، هیزدگانی تیران، هیزدگانی حدگا و ریکفراودگانی تیان له زوری تاریخگانی کوردستمان راوتا بعربو سنوری عبیران، بز نزیک باردگاگانی پدکیتی،

یز چاککردنی پیروندی دولرلی یدکیشی دستنیدگی تریندرایدتی پیک هینا له: هرمندر شیخندرس، هرمندی جایی عنیدوللا، جمنال حدکیم، شازاد صائیب و من. له مانگی تیسانی ۱۹۸۹ دا یه کرمنا به ری کنوتین بز سردهشت، هبر له سدودشتوه تیتر خزمان کرد به میبرانی حدکا، دوای تعوی شمیک له سدردشت مایندو، بز روژی دوایی یعری کمرتین بز محایاد، له منعایاد گزشکیکی شاهاند له تریک ینداری منعایاد همیر

تهمه له قسه کافان دا ویستمان چند مصطبه یکهان بز رون یکه پنمود:

وئیسته هیچ هزیدگی راستنظینه تابیتین بز تمو سازدیستی آنه پسرمندی دوقبرلی پدکیستی و حدکنا دا همید و، هاترین بز تعربی هزگانی پنمیر ینگمین و، فرناغیسکی تازمی دوستایهتی و هارگاری دهن پی ینگمین و، له لای تیستوه سترویک بز تعو دوستایهتید نید به جی می تعفیلین تیرد دیاری یکنزه

رقان: وتیست کورد له تیران دا هلیکی میبژویی بز هلکمرتوه، نارونایانگی میبژویی بز هلکمرتوه، نارونایانگی میرژویی بز هلکمرتوه، نارونایانگی بره حکومتی تیران به دنیادا زور خراب بره حکومتی تیران داپراواله له دنیا . زوری ناویهکانی کیرودست تیران دیران به توندی گرنگاکانی تازادن و ، دسمالای حکومتی تارانبان تی دا نصاوه عیبرای زور به توندی کاری تاریخی تیران در ایران تیران در تیران ت

د. قاسیلر زور جار پاوبری جیندی خزی له قالمی گافتندا درتمبری، به پیکننیندو، وئی: ددیاره نمتانموی کپشنه و گیروگرفته کانی خرتان له کوردستانی هیرافعوه بهیننه ناو کوروستانی لیرانعوه ای

نم پیشنهاریان پسند نکرد، گیانی وثیرانی بوزه له بیری سعرانی حدکا دا پنهپتر بر له گیانی دکورد بوزه. حدکا خریان به تاکه پیشرهری بزوتنودی کورد دائمنا له کوردستانی تیران دا، تعانیست تبعش تعومان بز بسطینین.

چرینه سیعر باسیه کمانی تر. همولیکی زورسان دا بعد گومسانیسه کمانیسان دمرباره ی

پارمهتیداتی سازگا دژی تعوان و دمی ومردانه کاریباری کوردستانی تیران پرویشنده. یز هاوکاری دوقولی چند سفوهایدکسان دانا که تیتر سالاتی دوایی له سعری رویشتین.

سففتری مامجملال یز دوردو.

مامجهلاً له مایسی ۱۹۸۰ ها چر بز تاران. زیاتر له مانگی مایعود. لعر ماویهدا گموره کناربغدستنانی تیبراتی بینی، همر له تارانبود تاگذاداری کردین کمه هفتدی کناری پست ماترنفته پیشندود، تمیر بیز نظام بیلام زفاری پی ناچی تدگشریشنود. لمو مارههدا کاربغدستاتی سهای پاسلاران بهروایان بعرامیتر مامیدهالا خراب بر. مامیملال سهانزه مانگ له شام کیری خوارد نمیترانی پکتریتود.

ناويؤ

همریسی ۷ ی یالدک پدکی له همرست چالاکندکانی پدکستنی بر. نارچدکنیان به تمواری راگریزرا بر، هیچ تاوهانپیدگی تی دا نغیر. زور له پیشمترگدکان بر حسانمو، یا تعداری یا کاروباری پیریستی خوبان تمجرن بز کوردستانی نیزار.

تصسیده سرزواد قسترصاندی کسترتی گدالالی هدیسی ۷ چو بر بر تیسران، چکدارگانی پارتی که له تاریخی خانه پارگایان معبود له گذا کوروکس وا، گرت پریان، پیشت دیچ کاررکایان معبود له گذا کوروکس وا، گرت پریان، پیشت دیچ تارانیکیشن نعبود جنگ لعری پیشت گرکتی پدکتی بدن، سعری نعبر، پیشت بیدن، سعری نعبر، پیشت بیدن، سعری نعبر کارتی له تریک میشته له تاریخی گدالا ۱۹ کسیان لی گرت، معرامی معندیکان بعره ایرن و ۱۰ کسیان لی گل داردنده و د به گیراری رمواندی لای تیستهان کردن له تاریخی گیرای برد، ۱۵ کسیان لی گل داردنده و د به گیراری رمواندی لای تیستهان کردن له تاریخی له لای معربوان لی مشتبیات له ترانی پش له لای معربوان پیروندید که بران برد، مه در روداوه عبچ بهبردنیدکیسان له گل مادر وداوه عبچ بهبردنیدیکیسان له گل مادر هبزی چراز برد

حشع كدرته يديندو. لمر لاوه له گامل حدكا و، لمم لاوه له گامل تهمه.

یاش گفتبرگزیدگی زور له سعر تعوه ریک کموتین: تیسه گیراودگانی پارتی بعر یدبین: پارتی بش گیراودگانی یدکیستی بعر بددن. گیبراودگانی پارتی ۱۹ کسس بون: گیراودگانی یکیسی ۳ کسس بین: تصمید سزوار و کوردگدی و، عبدرلراحید پاجملان که تدویش هدر له تار تیران دا گیرا بو.

روژی ۲۹ ی حوزمیرانی . ۸ تیسه همدر گیراودکافان ناره یر لای حشع، تا تعوان رموانمی لای سمرکردایمتی پارتیپان یکنن و، گیراودکانی تیسمش رمریگرنموه و رموانمی لای تیسمی یکمن.

گیراودکانی پارتی گئیشتندوه لای سترکردایش خزیان، بعلام گیراودکانی تبسه عمرگیز ندگئیشتندوه لای یهکیتی. تمصند و کرودکنیان پاش چند حطته بینتویتره بعر دایر، بعر مدرجدی تصلیمی عیراق بیبتدو، تعری تریشیان بعر تعدا به ترهمیدکی درز که گرایه ویستریفتی ستوژگی پارتی بکوژی. حشع، ثم پنیبانشکینییدی پارتی به دروحی ریاضیء ومرگزت، به سوکایهتی دانفتا یز همولدکتن و، هیچ نارمزاییهگی له ستر دمرنمیری. تنصد فرندیدک پر لغو ناوژهیباندی حشع له تیسران یدکیبتنی و پارتی دا تعلیباسی

.13

وعلاقاتي أغيء

یدکی له رمتندگانی هرصدی سدید عملی و، هاوریکانی تری که تازه له زیندان تازاد پریون، له همر کزیرنبردیهک دا دوباردیان تمکردجو، نعره بر کجوا: تهسه علاماتی ایم صان قبرامرش کردوه و، هیچ هنولیکسان نعداد، بز دورست کردنی پمیرهندی له گلل حیزیه شهرعهدکانی دنیا، به تایمه تی حیزیی شهرخی سزشیتی و، چینی کریکارانی ولایاتی سخرمایداری و، خمیاتی رزگاریخرازی گفلاتی دنیای سیسید، لم باردیوه زلور تدویان، پاسی هدوله سترندکترترکانی خونان و، گزاتری دنیامان نکرد.

سید هرمدر تبر ماویدی له زیندان پر، دشگریاسی جولانعردکانی تعفیریقای په وردی چاودیدی کرد پر، تاوی زیر له ستوکرده و ریکشراودگانی له بدر پر، زیرجار بخیلیم پی بخیلیم تیرد و معندی جار له قسدکانی من تروه تعید، په تاییدتی که په گالندو پاسی و ۳ پیرگاکه و م لی تیرس، له ستر دامترزانشی معاقباتی ایری دزیران پی داگرت، پر تبر معیسته خزیان هندی له سترانی حشع یان بینی و، منیش بز تبر معیسته سعردانم کردن و د منیش بز تبر معیسته سعردانم کردن و در دوراز له حرزورانی . ۸ دا نامعیکی رصمییسان پر پارتی گزیزیستی سزفیتی نوسی و به یکی کان در میکستی در دورانی معرفی سزفیتی و نه له هی جهرانی همرکز و براکان ورندگرتبود.

هندی له برادمرانی دمرده جیگایهگیان دؤزی پردره وزمنالتی سؤگیشی» یان په پاره لی تدکری. سید عرمتر و هاویکانی هیرایدگی تموتزیان به دعلاقاتی اعی» نصا.

كتيبهكنى سعيد عنزيز

سمید همتریزی شمسترینی تعوی شمیخ عمیهبدللای تعین پدکی پر لعواندی له پدکیستی سزقیت خویند پری بد کلام پدکیستی سزقیت بری بهلام پدکیستی سزقیت با تعین الاقتیان به الام نام تعین الاقتیان به تعین با تعین تعین تعین با تعین تعین با تعین تعین با تعین تعین با تعین

سید عنزیز آد پدکیتی سؤلیت دکتروای تعواد کرد بر، نامنی دکترواکدی له سعر جولاتعربی رزگاربخرازاندی گلی کرده نرسی بر، کتیبهکمی کرده معربی و بخش زلادی له سیونقای شمستدکنان دا به زنجیبره له ضنبات دا پلاو کردوم: کشیبهدکمی به پی می پروگرامی مارکسی نرسرا بو. پر و له زائیباری تازه دمیارای ریکخراره کبردیهدکنان و شروشکانی کرده و لیکولینوی باش و بعرض تی دا پر دمیاری میژوی نری ی کورد، له پاکی لهر سفادراندا که بز لعندنی کرد بر تسلی روسی کشیبهکه و مسردیانی به عمرمی هینا بر دایری به شازاد له پیروت یا له همر جیگایه کی تر چاپی یکا، کتیبه که له پیروت صایعوه و چاپ ندفرا، له یمکی لیو سطمزانده که ینز پیروتم کرد. کنزپیپیه کی کتیبه کم له کفل خزم هیابهره کرودستان، دنرگای راگهاندن به عمومی چاپی کرد و، فدرید نصسمرد کردی به کوردی و، به کرودیش چاپ کرا.

یز شارنزایی میژوی کورد تعندامانی کزمعله تُنیر تم کتیبهی د. عنزیز شمترینی و دکورد و کوردستان ه دکتی د. تعورمحمانی قاسملو ره هندی له کتیبهکانی د. کعمال معزهتر به تایینتی دکوردستان له سالاتی شعری یهکمره دا یخرینندو.

دامنزراندني راديز

دورگایدکی رادیزمان همیر له برادوستموه له گفتل خیزمان یز نزگان ر لعویره یز قفتدیل و له قفندیلوه هینا پرماندره ناوزندگ. باری تیستریک بو. له گله خزمان تعمان گیرا بی تعرفی بتوانین به گلری یخمن، به کار خستنی پیریستی: به جبگایدگی تعمین همیر، دوزگاک و تاریجها و ماانور و ستردیری تزمارکردنی قسمتی لی داینری. همروها پیریستی به تاکنیکار همیر وزکار بی کردنی.

طعلمت گلی، تشنازیاریکی کترکرکی و، تشنامی یدگیتی له کویت کاری تدکرد. کاتی خزی تنو دوزگای رادیژگین مطلوارد پر. له کویتدو به نهیتی هاند نارزشگ، دوای گیران به نارچکدها شریتیکی مطلوارد پیسان تبوت وگردی کویان» یز داناتی دارودوزگای رادیز. دارستان گردکش دایزش بو، کاتیکیشی لی بو.

شپرکز حسین کرا به قدرمانندی کدرتی پاراستنی رادیز ر، له شرینی دیاریکرار خانری دروست کرد. هیمن سعراری و مام عطی یارمهتیبان تندا. یارهگایهکی ریکزپیکیان دامغراند. چند رؤش یز تاقیکردنوره کاری بی کرا و، دیرکدوت پاش کار تمکا.

ودکس نیسشساندی پایمخدفان به تیسشسگای رادیز بدربودید و کسادری نوسیین و تدکنیکیی، به جیسا له دوگای واگیباندن، بز تعرفان کرا. فعرمیدن عمیدولفادر کرا به لیپرسراوی و، تعرسملان بایز به باریده دری، وتاری کردندوی رادیز به عمومی فعرمیدن نوسی و، خنری خوریندیدو، دوای تعمیه به چند رؤی فعرمیدن مستفعری کرد بز شام. پستگان درایه دس تعرسلان معربهرشتی یکا.

تاقسی رادیر تا ثمعات قمرجالخ ثمیر، زیری نمواندی خزبان به نرسمر و شاهبر و نمدیب ثمزانی، که نمعاتنه ریزی پیشسترگایهتی، له دمزگای رادیر کز نمیرنموه.

لو کاتند! خاصیل تعنقاص م س یه کیش و ، لیپپرسراوی دنزگای راگنیاندن بو . تسمی یه کسکردنبوی وصفاتی طری دانشا ، یعام پیشتر جاریک رادیزگه له سعردتای نیسنانی ۷۷ دا خرا به کار ، درای چند حفقتیه که له پنرومودنی دا سنرکموتر نمور به له ینر تموه دای خست پر ، جگه لعرش ضعردیدن و تعرسملان کمسیسان تاصاده نمین له پدرستی فاخیل دا کار یکنن ، طریان لعر بنزلیر و شایستشر دانشا.

تمخزشخانه

تنها پزشکی له تار هیزهکنمان دا بو، د.خدر منعنصوم بو. تغوش چریر بز خزشناواتی خاریکی کاروباری سیاس بر. هارینی ۷۸ د. جمعقبری شیفیسی هات بز روخانی شبا بز تیسمه بر به خیسر. نخترش و برینناردکاغان تعاره بز تیسران. معندیکیسان له لای پزیشکه کسوردکساتی تیسران تعاری تمکسران و، معندیکیسان تیهرنه ویسارستان» و حکومهتهکانی تعویز و تاران.

چالاکی پیشسمبرگه ره شعر له گنا، هیزدکانی حکومت دا زور بریر. له تناهامی تبوش دا پیندارمان زور بر تناهامی برخشان یکری، ده. شادمان مستی له پرکشالاتهاره ماتبود، داشادمان مستی له پرکشالاتهاره ماتبود، خاندادن هما کانی خری بز تنخشخانه تعرفان کرد. هارینی . ۸ له ترزیله تعنفرتند تعرفان یک هروسان له بختایهای گیرددا دامنزاند. معروها ریوشین در در کرد برکشالهای گورای نیوان شینی و زبل له سمر کانیدکی خوش و له تاو روز و یاخ دا دانا. شریندکه ناوی دقوله همرمی و تعفزشخاندکه در مانید تعرفی کانیدی نمخزش و در در مانید می در در می نمخزش و در در مانید می در می نمخزش و در در می تعفوش و در می نمادسان نموزشخاندگی بروره تعرفی ایک الله عداگرسانی شهردا له گنا، ثیران و مدی پریشکی که عادد در می در در می تعرفی کردت تعماندود، تعرفیشان بز تیران و د لعربود تعین بز تعرویا.

تُعشرشخانه که دوای ثمومی ریگامی ثیرافان لی بهسشرا بو به ناوهندیکی گرنگی. تعداری زاماری پیشمعرگه بعردموام . ۱ برینداری تی دا بو.

تارچه که زور قدرمالغ بربرد. به سدان کادر و پیشسترگه و خریندوار له ترژهاه و ناوزشکی و ترکان . . گوزپروتوره . و شادمان هنتدی جار قسسی خرتی تکرید ، و تری: وهسر ثمر تنگرچهلساندی له پایتختی روانه پیشسازییه پیشکمرتر،کان دا همیه لبرش هید، لعری تشکرچهلسدی بیکاری همید، لبرطن هید، لعری تشکرچهلسدی خانر همید، لبرطن همید، لعری تشکرچهلسدی گرانی و تارسانی دراز همید، لبرطن همید... ه

راستی تدکره همنوی هنوه پنلام هی تیمه له جزریکی تر یون. م

بوردومان

پیش نیوبوری ۹ می تعتوزی . ۸ له ترژمله له ژبر سبیدری دارگریزیکی گلاوردا له گله هرمتر شیخمترس، جسال تاها، سالار، عرصر دانیشت برین کاروباری روژانعمان تعلیما تندا له بر بزلرز فروکس عبرالی بهینا بین جعند بزمهایدکی گلاوربان بدرهاینود. نارچهکه پر بر له دوکنلی رمش و تهپرتزز و بزگختی باروت. یه دوای تعویش دا چنند فروکنهدک کعرتنه پعلامار تعقبیان له خپرمت و بن بعرد و نرای بن شاخدکه تدکرد.

له دامینی ناوزهنگ دا پازاریکی گلوری لی پر کطریطی عیدراق و ثیرانی لی دا تلفروشرا به زوری له کاپیردا بون، ناگر درا بو سرتا. به سندان مافور و رادیو و تنطیفزیون سرتا. بایی چندین ملین دینار زمرد له دوکانداردکان کموت.

دنرگای راگنیانتنی یدکیتی له دامینی ترژهاه دا بو به تنواری خاپور بو، هصر دنرگاکانبان شکا و سوتا و، یدکی له کادردکانیان: بورهانی شیخ مستنطای قدرهاخی، کوژوا و، چند کمسیکیان بریندار بو.

که سموجارش تورهایش کبه پنگاهکانی تیسمی فی برد کنادریکی سکرتاریدی منامهمالا: مندعاند تهیریاکی، گزارد او چند کسس بریندار بیزن، فدواند، سمید معجید تعدامی م ج و در میران قرئاد معسائی تعدامی درنگای دارایی و د پیشرادر ساید تیبراهم له سکرتاریتن، حصد سمید و هاروی جهار له بشکاکش من.

پیشمبرگانگانی دنزگای راگیهاندن هاواریان لی هست! پر دارای یارصفهبان تدکرد. هنر که هبرشدکه کنمی خاو بورود چهین بز یاردگای راگیهاندن. ساغدکان چهرند شاخ و. کمرورار ر همندی له برینداردگان لعو ناویدا بون. تیکرا ۹ کسمی بریندلر بر بر تعداری همرمان روزانتی سعردشت کردن.

چنند مسطروره یک پنکهبان له ترژهاه بر بز پاراسستنی مسامنجسه لال سسم به سگر تارک بیر بر بن بر میا کند که نظرماندگانیان: یمکر پیروت، مملا وسوی خنندگد، شیخه کرال، بر. بز نیرار به به نیرار تارک معرود پیشمبرگذی یمکریتی: بروهان و محداهدمان له سمیهاری ترژه به خاک سپارد، مملا وسوم یانگ کرد تعلقین نازانم، اینار معلا وسو و تری: و تعلقین نازانم، و تری، دیم مثالی و معایان ناو ناوم تمگینا من معلا نیما ی حضوی باردگاکانیان له ترژهاه یو، یعلام به ریکموت نومر لموان نمکموت یو. تمرایش له شاردندویان را بعشار بون.

یعد کر رؤتری تم روداودی تی دا قساوسا رییسورتدی کی تطافستریونی فسدونسی له ناویدی تم رفسی له بازیدی تی بر استری که بازیدی بر تا به بردوماندگه ریاسی بازار و بشکانان و تارایدکانی رفس، شینی، سرتی و د. کاتی بزدرماندگش ریاسی بازاری سوتار و د. کاتی بزدرماندگش ریاسی بازاری سوتار و بازایی روبراتی گرت بود. به برنامیدیکی ریگوییکی لی دروست کرد بو به تعلقطیون و باله بارسی پیشانهان داید. کشفال، که دوایی بو به سوزگی تهشستیستری کورد له پارسی، لمو کاتی تعلقطیتری کورد له پارسی، لمو کاتی کاتی که فسرفسیا تمکیرد. نیاسیدگی دریوی بر تعلقطیتریزی فسرفسی نوسی برد را پارزده کسی کابرای به درز خسست بیرد و در بایدرده کندی که کردوستانی تیران دا بودود و ، پیامنیردکمی بیرد را بازن به درز باسی برد در باسی کردوستانی عبرای تمکان

سمیردکه لعوده بر: کمندال خزی کوردی تورکیها بو، نویندرایهتی کوردی ثیرانی. تذکرد ر، دژی کوردی عیراق کاری تذکرده

پاش چند روژی کسمبرکباری منحدهد له کنزیدو، در کیمسرکباری بورهان له سلیستانهدو، هاتن بز گزیزاندودی تعرمهکان. قمعنی شیخ تعتریری قدرداخی هات پر بز پردانبردی بروهان. قنطعی تاسیباری گنبردک و سنبردسی خبیشتم پرد. تبویش ودکتر من زاشتی سیاسی له زانگزی بطفاد خرینه پر. تغنامی کزمنله و تیگزشتریکی نارشار پر. زفر له میغ بر نامبیشی بر. دوای تم سطنردی به ماردیدک بعص گرتی ر. تا تیستاش پی سلار و شویند.

زيندان

ستردهسیک جینگایه کی تصینسان تابیر گیبراری تی دا گل بددیندود. له پدر ثمود تعواندی تذکیران، تعوی تاواتی جاسرسی له ستر ساخ براینتمود تذکیرزا د، دیلدگان، روکر دوایی له بلاوکراردکان دا بر بر به باد دوای تعوی دریبازی شروشیان بز رون تدکرایدوداد بدر تعوارن.

له گفاه زیاد برنی چالاکیپدکانی پیشمنرگددا، تا تدهات ژمباردی گیراودکان ززر تبون، نمور شرینیکان بر تعرفان یکری در تاقسیکیان لی یکری به مسترا، تصانیست زیننان یکنین به دوزگایه کی شارستانی و دجروی رافتاری تیسه له گفا هی بعص جهاراز بی. تعر مافاندی راگمیاندی جههاتری مافی مرزش و، یاسا ناود وارمتیه کان بز گیراریان سکاندود نهمشر جههجیهان یکدن.

عملی شامار، کادری کزمنانه، که له پیشسمترگادکانی مطروزدگانی سمره ایر. دهلپژیردرا به لیپیرسراری ژبفان رد، کعرفیکی پیشسمترگادی بز تعرفان کرا. عملی له دامینی دولدگاده خانیماکی بز بازدگای پیشسمرگادکانی و، خانیماکیشی بز زیندان دروست کرد.

گیراودگان دو جزر بون: جزریکیان دیل ودکر، سویاز، جنیشی شممیی، بمصی، جاش، نمس و نیستیخیارات. که له شعرو یوسعدا تهگیران. تعوانی تر له سعر تاوانی ناسیاس ودکو کرشان، دزی.. گیرا بون.

لیدان و سوکایدتی پی کردن به توندی قعدمقه بو، هعر پیشسدرگدیدک کاریکی له بایمتدن یکداید به ترندی سا تعدا.

بیسی پروری په توسی سره صوره خواردنیان ودکو خواردنی همو پاردگاکانی پیشمدرگه یو.

له نخفرتی و ناسانی دا، ووکن پیشمبارگاه، له نخوشخاندی شورش دا تیمار نهکان.

کسبرکاریان بزیان هیر همر کاتیکی بینانویستنایه به تازادی سمردانینان یکدن. خواردن و کطریطیان بز بهیان یا بز بنیرن.

بزیان همیر داوا و سکالا و شکات بز دمزگا سدرکردهپیدگانی یدگیشی بنوسن.

کسانی شاروزا و قانونی لیکولیتوریان له گط تدکردن و ، دآدگایدک که پیک هات پر له ۳ کسی: در تغنیامی م س و ، پدکیکی حقوقی، حوکمی تعدان و ، صدکتیبی سیاسی له کزیرنبردی خزی دا دوا بریاری له سعر حرکساکه تعدا

حکومتری بعصی، هیچ کاتی تاماده نمیر، گیبرار هدر پلدر پاینیدکی له بعصی یا له جبیش یا له داتیردکانی دورانت دا هیوایه، بگزیندو، له پدر تعرو زور له گیراونکان به تاییدتی سفهاز، ماندویان کملکیکی تعرتری نمیر، زر پدر تعران، هنزاران کصی عمرمی، سعر به دارودزگای چیا میا، گیران و به بی هیچ بدراسینیک تازاد کران،

دروستکردنی خانوی تازه

هارویساتی زیندآن، که زوریان هارسعردکانیدان له گط خزیان هینا بر، همرویها کاری سیاسی، بیکخراوسی، راگهانتیان پی سپیردرا بر، تمیر ندازشی جبگه بز خزیان خزش بکتن له شینی، قبله همرسی، زهلی، تارزشگ، ترژهد. چندین خاتری نری یان بز دخرگاکاتی پیشسمرگه، راگهاندن، دارایی، نارهندی کرسطه، ریکخسستی بزرتنمره درست کرد، نارهنگه تارهنان بودو، تزیکشی . ۱.۷. کسی فرر تنویا.

ناوطنی کومطه ریزه خانهه کی خزشی دروست کرد. دوزگای ریکخستان و دوزگای راگمیاندنی تی دا بر، شرینیک پز کشیبخانه تعرفان کرا بر، دولیکیش به ناری دعزلی شعید شعابه دروست کرا جیگنی کزبرنعری ۲۰ کسی تی دا تیبرمرد.

بز هارینه کدی، منیش له سعور هصان خانری که زستانی رایوردو لی ی پوم، یه چند مسترکی را پاروردو لی ی پوم، یه چند مسترک له پال تاشه بدودیکی گوردها خانریمکی ۶ ثدیم دورست کرد، تمکارچی بینایه کی خوانان بینام کریکاریهکدی خزمان بینام کهنان به بلام کریکاریهکدی خزمان با تمانی کهنان کهنا

بهختیاری برام و حصه جعزایش چند خانیهکیان له نزیک غانوهکی من بز ژبانی خزمان دریست کرد.

جگه له باردگای دارودنزگاکانی یه کیتی، حشم، پاسزک، صطروزیهکی بعصبی سعر به سوریا، هفتدی ریکخراوی عفریمی - هیرافی و، تیرانی لعر ناوددا خانیان کرد. لم کاراندا تعوی سعرفی راتهکیشا درزینعربی هفتدی کموست می کزن بر، کبه

لهم خارانادا تاودی سهرهی رانه کیست دوزینهودی هندی خهرست. دمریان تهخست تمم تارچه یه کوتمره ثاوردان پره له ناو دوزراو،کان دا:

- له زینی سور له کسانی هلکنندنی بناغسی خسانرهکسان دا چند گسوریکسان دازیسترد. گنردکسان هی موسولمان نمیون، چونکه رومو قبیله نشیترا بین و، ملوانکه و مترمرور بان له گفا خرا بره چال. ئیسکاکانیان تیکلاوی گل بریو پوا بور

له نارزمنگ له شسرینی هزلی شسعهاب، دا در گسززدی گسموره و سساخ ر، له ترژهلیش لعر شویندی که ناوی: دگردی کرپانه بر تیستگادی رادبری لی بر، له نیبران ترژهله و نارزمنگ دا، چمندین گسززه و، چمند دراریکی سسردسی تصکنندری گسورد درزایدو.

گززه بز چند معیست به کار هاتره: یهکیکهان روکر تابوت پز هطگرتنی تیسک ر پروسکی مردو. تموی تریان پز هطگرتن ر شاردنمومی دانمریله ر خواردسمنی ر، گنامیشه له چاری دوژمن.

زوردشتیدگان که پدگیکیان لی مردوه، تبرمدگییان پردرته شرینیکی پمرز دایان ناوه، تا قط و دال گزشتدگدی خواردوه و ، تیشکی خزر نیسکدگانی خارین گردزتبود، تعرب انیسفاندگانیان کز کردوتموه و خستریانمته گززمیدگدوه، گززدگیان له تمرزدا ناشته ه

تعبی کوردستان چندی لم شویندواره دیرینه به نرخانه تی دا بویی، که رابوردری

گرتنی بیگانه

شسروشی تعیلول هم له مستوداده له دنیسادا دمنگی دایدو در روزنامستوانی به ناویانگی دنیسا سعودانهان کنرد و ، وقار و لیندوان و کشههههان له سعو توسی. شسووشی حوزمیران، له یعو چنند عفیه ک، لعم تهمتهازه گرنگه بی یعش بود:

 عبراق وتعتبم اهلامی، خست بره سدر چالاکیدگانی شورش، به میچ جوری له دوزگ کسانی راگسیانینی خبری دا: وؤزنامیه، رادیر، تطبقتریون، پاسی نیشدگیرد در. نمیشیشت دونگی بز دنیا دریجی.

۲. پیروندی عیراق له گفآد دولدتانی در روه باش و. داهایی نعرت گدشاندویه کی زاری دادی به پسروندی تابیری و بازدگانی عیراق و دولدتانی تر و : زار لم دولدتانه له نار خزبان دا پیشیر کیبان بر کامیان باشترین ساودای بارزگانی له گفا عیراق به دمس پهینی. له بدر توره گیروگرفتی نارخزی عیراقیبان پشت گری تعضست، به تابیدتی که پهینی. له بدر توره گیروگرفتی نارخزو.

٣. شيرای چدوتی راگدیاندنی پهکیتی.

یدی لفر تاکتیکه تازاندی لم شروضدا داهیزا، یز ندوی له تاپلوقدی تیملامی دریچی و دنگی به دنیا بگات گرفتی کارکنرانی بیگاند ید گرفتی کارکنرانی بیگاند ید گرفتی تعماند له لایدن درگاناند برگاید درگاناند و این تاکیل دریکاید سنرانیسان راتککیششرا یز همیزنی جولاندویدی سنساسی - چدکستار دژی به عمل له کورستان عبران دا.

ستودتا چنند کارکدریکی فعرضی گیرا له قمندیل کاریان تدکرد. به دوای تعوان دا پزارتی و، تطمعاتی و، پزگرسلانی و روس..

. تنم کساره آله لایمن دمولفتانی تعوروپهستوه به کساری تهسروریسستی دانمنرا و . نماجامدکمی:

- عیراق گری بی نشده ایه و، خزی نه تمکرد به خاوش. به هیچ جزیی ناماده نمیر گفترگزی له ستر یکا بز گزرینموهان به گیراو و دیلهکانی نیسه و، به هیچ جزی ناماده نمیر یاره بنا بز بعردانیان.

- دورادته کانی خنیشهان دو جزر برن: تمواندی تعرویای رؤهدات، به کهتی سزلیت، پراونها، برگزیملاهها،. هارولاته کانی خزیان فعرامیزی تمکرد و، له سعریان معلمتعدانی و به تعنگهاتموه نشعهاتی، دوسهان، ولاتانی تعرویای رؤزارا، تعمیان به کاریکی تهرویستی داننا، بعلام تمکموننه گفترگزی راستموخز و تاراستموخز بز پاراستنی بازی و بهروانهان،

تم کاره یز تیمه له چنند سعرموه سردی همیر:

۱. روژنامتکنانی تعو ولافاته پاسی گلیسراو،کسانیسان تهکسرد و ، هعوالی همیونی جولانعومی کوردیان راتهگلیاند.

٧. له هندی ولات تابیر به هزی دامهزراندنی بیبوهندی راستموخز له گال نویتمرانی

يەكىتى. د. كىمال قوتاد چىند سال لە ئىلانيا نەپتىرانى بو يېيوندىيان لە گىل دايىزرىنى، یم هزیموه پیومندیهان له گل داممزراند.

٣. له هندی ولات تعیر په هزی هندی دسکوری مساددی: تاردنی دورمسان، تعاری بریندار، دانی یاره..

ندر کاره همندی له مطالاتی تعورویای سمفلمت کرد بور، وایان تعزانی جیگمیان بی ليو تدكا. له باتي تعوى هنول بدين به جاكترين شيوه كملكي لي ومريكرن، كوشاريان بو سعركرداييش يدكيتي تعفينا واز لم تاكتيكه بهيني، تعنانعت كميششه رادي هرشعي وازهینان له پهکیشی. پهلام ثمم تاکشیکه بر بر په یاو. هیزهکانی تریش یعنایان تعبرده بعری لعوانه: حسک و بارتی. تُدگهر تیسش وازمان لی بهیتایه تعوان دروههان بین تعدا.

هاوینی . ۹۸ له پنری قبرمداخ ۹ کنسی سؤفینتی له کناتی راومناسی دا گیبران. مسمى ٥ ى قەرىداخ رېستهان په يعلم بهاتيسيننموه بدرى شارباژير يز تعرص بهانگەيمننه باره گاکانی سعر کردایتی. جدیشی عیراق یه کی له گعوره ترین لعشکر کیشیبه کانی کرد یو سعریان ر. هسر ثمر ریگایاندی تعوان گومانیان لی ته کرد به هالیکزیتمر لی ی دایعزین و، گرتبان له شرینیک دا بیشیم گهکانیان دوزیمون بو به شعریکی قورس. ۲ کمی له بيشمار كاكان كروران لمرأنه: كزران، كه يدكى له باشترين قدرماندى كدرته كاني هديس ه بر و، ۱۷ بیشمعرگه و دوان له سؤقیتیه کانیش بریندار بون.

مستعفا چاورش، فعرماندي هديمه كه، يز نعوى هيرشه كهيان له كنزل بهيشعوه سزقیتیه کانی بعردا بو.

يەكى لە پرېندارەكان شاھز (ھىمىدى تىلە) بور. شاھز شاخلىوانىكى كىدى ھارتا ر، شمشالوميكي شارمزا يو. لم شعرهدا گوللهيدك له سعري و گوللهيدك له دمستي دايو. بريندكاي ساري له زمان و. گوللهكاي دستيشي پانجهكاني له كار خست يو، تا ماوههاكي زور قبسمای بن نشه کرا و، تا کسوژراش زممانی به تعواوی بعر نعبو، چاند به اسمیه کی دسیتسشی سطیت برین. له گهرمدی شعر و هیرشی هالیکزیشهردا به برینداری له بن دورنیک دا تیبی، خرینی لعثی چزراوگای باست بو. لعو کاتعداً ماریک له نزیکی پایدا تعيى، ومن تدكا به لستنفوي خويته كدي. شاهر هزشي له لاي خزى تعيي بهلام نه زماني نعی هارار له هارویکانی یکا و، نه دستی پدرد نهگری له مارهکدی بگری. مارهکه تا تیر بربر چزرارگ می خبرینه کسی لست بردره و ، درای تعره یی تعرمی پیسردی بدا رؤیشت بو . بیگرمان مطریستیکی دژوار بوه دیسته کهی معرکیز له بیر شاهر نشهوموه.

وگروهی حدوث تنفس

چرار مانگ دوای گرتنی چرارسین کرنگردی حدکا، ۷ تعندامی کومیشدی ناوهدی بدياتيكي دريژيان بلاوكردموه، جيايرتعومي خريان له حيزب راگعياند، به بيانوي جياوازي عطویستیان له حکومتی تیسلامی تیران و، هاوکاری سعرکردایعتی حدکا له گفار رژیمی یعمس. ناویان له خریان تا بو: ویبرموانی کونگردی جوارمه.

له ناو پیردوانی کونگردی چوارم دا چند کسیکیان تی دایو تازه هات بونه ریزی حدكاموه، بعلام ٣ كصبيان له ناوداره كوندكان بون: غمني بلوريان، كه زياتر له ٢ سأل له ستر حدکا له زیندانی شاها برد. رمحیمی قازی، که له ستردمی جمهوریهتی معمایادمره چو بر بو سؤقیت ر تا رزخانی شا لعری مابرموه. هیمن، که ۱۰ سال زیاتر بو له عبیران بو. درای روخانی شا تعریش گفراپرموه.

جیزیی ترده له تیران ۱۵ لاواز پر، له کوردستان ۱۵ سمردای لاوازی بعدتاریش پر.
پیلام نفوزی حیزیی ترده له تار حدّکا ۱۵ کن پر، تدکتری بر جرد پمپردندیدی له
پیشهاکان ۱۵ له نیوان هنرده حیزیی تردش، تدکتری پیشهاکان ۱۵ له نیوان هنرده حیزی ۱۵ دروست کرا پر. دول سترکترتنی شروش، تدکتری پیشهاکان داله نیوان دامنوانه پر، پر پاشکری حضتمنامستی وصدوره بی بله تاران په
کوردی پلار تدکردده، پیلام هفتدی له تردهیماکان خریان خزاند پره ناو ریزدگانی حدکادره.
لمو کانبود ۱۵ فاسطو پر پر په سکرتری حدکا، حدکای بدور سنهمتریی له توده

ههنا بر، له پدر تاوه له گفی گزگ تغیرن، دوای سعرکدرتنی شورش، که شکا تنهوه ژیر بازی سیاستنی حیزبی تودود، ناکرکیینکنیان قرلتر بو، به تایینتی ترده پشتیرانی بی چندویونی رژیمی تیسلامی تهکره، به بینانری تعربی دژی تیسپریالیزمی تعمدریکایه و، حدکا له کیشه و شعره بر له گفا تم رژیمه چونکه مافهکانی کرردی نشسمفاند.

پیردرانی کونگردی چوارم، یم جهابوندوید لایان وا بو:

– زورایعتی تعندامانی حیزب و دانیشتنرانی کوردستان، که له شعر پیزارن و، ریزی تایمتی دانمین یز رابرودری سیاسی تم تیکرشعرانه، له دمری تعنان کز تمنعوه و، تعنان تعین به وجیزیی دیموکراتی کوردستانی تیران».

- یهکیتی سزقیتی و، ولاتانی تعروپای روژههلات و، حیزیه کومرنیستیهکانی جیهان پشتیرانی لعوان تهکعن.

ٔ رژیمی تیران له گفار ثموان پیک دی، تهگفر خودموخشاریشیان نعداتی، به تاشی کیشنق کورد چارمندر تمکا

سنرکردایش حدک زور زر چرده به گز تم تاقسده و به جاش و خاتین ناری بردن. که برچرنکاتیان دا و به گرو – هاستگانش خیان دا به حدله چرین. جساوری حدکا به زیری له دوری سعرکردایش قاسط مانوه. ترمیدکاتی همیشیان بر به سؤلیت در رئیس تیران نصاته دی. حارکاریهان که گط جیزیی ترده و : کاربدهستانی تیران جیچ دسکمترتیکی سیاسی با سعربارتیههگی بز خریان دایس نهکرد. به لارازی سانموه و . سعربههام پخروازه بین: هنتیکهان که شعری حدکا دا کیژوان (رحسمانی کمیسی) . هندیکهان چرنه تعریها (رحمیمی قازی و غشی باریان)، هندیکهشیان که شاردکان دا

هستن، شناعیس و تغدیب پر زیاتر لغودی سیناسی بین، خاودتی سرودی تعتبردین: وگناویمی ترشی رفانهندرینی و حناسبرفت و دوره تغدی. ، و ، خناودتی: تاریک و روزه: ترحقندی مسؤفلسرید، تالدی جنردایی و پاشندرک بر ، صنخبان بنر خزی له کناریباری جزیابهتیمو بگلین.

جننگی عیراق - ثیران

ناکزکی غیران له گفا ثیران پیشینمهکی میژویی هفیه به تایمتی له سدر دیاری کردنی سور و ، پیروزگاگانی شیمه . تهگیرشتوه بز سدردمی عرسمانی و صنفتوی . تعو تاکزیهانه به میرات بز دمرانتی عیراق مایرنمود. له سعردمنی پاشاینتی دا هدود دمرلت جزری له پمیرمندی دوستانتیان دامغزاند بر، هدردکهان تعنام بین له پمیسانی بعضادا. رژیمی جمهوری تاکزیکه کزندگانی همس زیندو گردمود، تمورمسان هارف همولی دا نیوانی سدیگان اندگذار بیش یکا، بعلام تینقیبلایی بعضی له ۱۹۹۸ دا، تبههیشت تم هموله سدیگان.

ثهران ریککوتنی سال ۱۹۳۷ ی درباردی شخولهمرب پهګالیتنه عفرمشاندوه. تعصیده صحصتن پهګر پهم پزنینوه له ساحه التحریر له پهشدا وتاریکی تاګرینی دا، رنی:دورسوف ان آکون عیها ولا مسلما اذا تسبت هذا الموقف الثلث..، و عبراقی پهضمی لمهمی بهشمی لورد او لعو کاتدا تراتای رویزویزنوی چهکداری تهران نیز، نیران پارمتنی شورش کورد و درشتکاتی پهضمی تعدا د، پهضمیش پارشیهان مرصارضتی تهراتی تهرانی کرد بردوه تا ریککورتنکای خوارد پر سارکزماری عبراتی و .

صنددام له ریککتوتنی جنزائیردا (تنازل) یکی زور گنوردی کرد بز شا، نیسوی شنخرلصغرب و : چند جینگای تری ستری وشکایی له گیرودستنا و داریه ، بخراصینر دمیهنگرتنی شا له کورد : ثم (تنازل) دی صنددام بنا له ناو کوره نتیتومپترستهکانی عمرت دا به خراب دشکی داینود صنددام تمکنویی به سندرکنوتیکی میٹرویی گنوردی داننا و ، بهانری بز دانناشی، بهلام لی ی بورد به گری یهکی ویگر ورانی.

دوای روخانی شا و سعرکعوتیی تینقیلایی تیسلامی، ترسی صعدهام له تیران زلز زیادی کرد. تعترسا شهریلی تیسلام دهملاتی نمویش رایالی، ودکو له کزود تاییسیکانی خزی دا رت بری: و پیش تعرص شدر یکمویت ناز مالی خزندو، شعره که بخده ناتر مالی خزی دا رت بایینش لعر کاتعدا رژیمی تیسسلامی هیشتسا جبگیر نمویو. تعرفشی تیران به هزی پاککردندوی ریزهکانی له تطبیعترانی سطعنات تعلیب دارزا بر. سیای پاسفاران هیزیکی پچوک و : بو تاسایشی نارخز تاریخان کرا بر. کیششی تعدوایتای له کروستان، عمرصستان، تازمهایجان، بلوچستان ترکزکسان سحوا تعقی بودود باری تابری به هزی پشیمی تارخزیده باش بلوچستان ترکزکسان سحوا تعقی بودود باری تابری به هزی پشیمی تارخزیده باش بلوچستان ترکزکسان سحوا تعقی بودود باری تابری به هزی پشیمی تارخزیده باش

صدوام نسمتی به هنان زاتی بز نموس تزله له تهران یکاتموه و، رژیمهکمی بروخینی و رالانهکهان پارچه پارچه یکا.

رلای ۱۷ تیلولی . ۸ وتاخیومستن نیسششسسانی» یانگ کبرد یو کنزیوندویهکی ناتاسایی، صعددام له پدومتی تام کزیوندویعدا و تاریکی دا فوتاردکین دا وتی:

ولقد كانت اتفاقية اذار ١٩٧٥ في حينها قرارا شجاها، وحكيما، قرارا وطنبا، وقوباً

ولقد كانت اتفاقية اذار ينت ظروفها ، وقد فهمها شعبنا ، واعتبرها في اطار تلك الطروف انتصارا عطيما ، واستليلها بقرح عطيم .

وولما كنان حكام أيران قد أطّراً بهيذه الاتفاقيية منذ بناية عهدهم يتدخلهم السافر والقصود في شورن العراق الناخلية، واستادم، كما فحل الشاه من قبل، وامدادم لروس الشرد المعوم من أمريكا والصهيرتية، ولامتناعهم عن أعادة الاراضي العراقية التي أضطرتنا الى تحريرها بالقرة، فاننى اعلىٰ امامكم، اننا نعتبر اتفاقيـة ٦ اذار لعام ١٩٧٥ ملغاة، وقد اتخد مجلس قيادة الثورة قراره بذلك...»

صنّددام ته له تیمزاکردنی ریککنوتنی جنزاتیر و بعضینی شعطرلمعرهب دا پرسی په گیلی عیراق کرد برد، ته له هطرشاندتدری دا.

روژی ۲۲ تیپلول ۱۹۲ فرؤکنی جندگی کموتنه فرین پز پوردومانی تیران. روژی ۲۳ ی تیپلول هیزی زمیش عیران له ۳ لاوه پملاماری تیرانی دا: لای سور یز راگزانی هیزدکانی تیران له شویندکانی خزیان دا.

لای ناوبراست بز گرتنی هندی شار و شوینی ثیران تا نعتوانن لعو قزلعوه هیرش بز بدعته به به بعداد یکدن.

اللى خوارد بو داگيركردني كانگاكاني ندوتي ثيران. تسميان هيرشي سدردكي بو.

صنددام تم جعتگایی ناو تا: وقادسیمی صنددام د. له منش منیستی ژباندنیرمی دوزمنایهتی کنزتی نینوان منیرمی در تیبران ور له قنادسیستی یهکنم دا لعشکری عنیزمید. لعشکری تیرانی شکاند در: دوزلفتی ساسانیی روخاند و : گفالای تیران صرسوفان بون. تم شیری بعر شدر تشویهاند.

له ستردنادا جمیشی عبیراق هندی پیشربری کرد د. هندی جبگای گرت. بدلام نهترانی ناماههکانی بدی بهینی. صددام به هیرا بر تاگریریکی ودکر تاگربردکدی جندگی شمش روزادی عموم – تیسمراتیای ۱۹۹۷ دوباره بیستمود. که تماهرستش ناسایشی ریکشراری ندتوه بهگرگردکسان بریاری راگرزشی شمری دا، صمعددام چرنکه خسزی به ممرکدوتر تغزانی یدکستر قربرای کرد، یملام تیران بریاردکدی قربران نمکرد و دریزدی دا به معنگ،

نه بیالدکانی صددهام هصری پدتال دوچو: رژیمی تیرانی ندوخا و تیبران پارچه پارچه نمیر. شعرکتش به چند هیرشیکی تاسمانی و، به چند هیرشیکی زمیینیی و، به شش راژ کزنایی تعدات.

له کنانی گفتندرگزگنانی ۱۹۹۱ دا کنه پردینینان بز دیدنی صنددام، گنوناخی دریژهکیشانی شعرهکدی خنته ملی تهد، له قندگانی دا وتی: دکه شیر همانگیرنا له گلا تهران ۳ قنبیلطنسان همیور: زیاز له یک قنبیلدی به تهروده خنعریک بور. له بعر تعوه ننترانی همدر جدیشی عیراق یخفته شعروه دژی تیران، تهگدر تیرم له گلا بوایه له باتی ۸ سال به ۸ وژژشوکتر به لادا تغضت..»

درا به درای هناگلیرسانی جمنگی عیبراق – ثیبران له زاجیسرهه ک کنربرنمودد! پدرنامدی کاری داهاترمان بعیجزره دیاری کرد:

۱. عنولدان بز خو بواردن له شعری لایهلا و خولادان له همر ناکزکیمکی لاوه کی
سیاسی یا چهکدار، وه همولدان بز خاوکردنمودی گری ثالززهکائی باری ناوخوی کوردستان
له کوری به گواچرتی روتهم دا.

 به روگروتیوی رادی چالاکی پیشسه گه و دس و شاندنی، وه به کار هبانی معندی شهروی تری له شعرکردن دا، به تاییدتی تعرکیزگردنه سعر نرفته و شوینه کانی درژمن له شار و توردوگاکان دا، وه هعولفان یز تازادگردنی هغندی ناوچه.

۳. یدوبیدانی جالاکی سیاسی بز رابدراندنی جعداومر و بدگتر خستنی کؤمدلائی

خلک دژی رویم، به مانگرتن و خزپیشاندان و شهرهکانی تری خیاتی جمعاومری..

هدرمندگانی پیشندرگاد و ریکخراودگانی پدکیتی له پاریژگاکاتی هدولیر، کدرکرک، سلیمانی به پی ی ثم پارته و به گیانی تعرخان کردنی همبر هدول و تعقدلایدک دژی هیزه داگیرکتردگانی ریژیم و نژکتردگانیان کنوتنه چالاگی و جمدرجرال. له سنردقای جیهنجی کردنی تم پلاتعدا برین، له پر هیزیکی گلوری پارتی شاختگانی بعرامیتریان لی گرتین،

بنیانپیدکی زو له خدر هطیانساندم رتبان: وکایرایدک هاتره نامنی پطنی پیید. تبینری ردلامی پدیتنده و یگاریتمود. و کایراکه شیخ عبدرلمتزری داربدرله و نامدکه هی شیخ محدمدی شیخ عبدرلکاریم بر

شمیخ محصه کند . له درای پاُوکی بربر به شمیسخی تعریضه قدری قسادری، له گستا دارودنزگاکاتی حکومت تیکنلاو بور . تفکیکنیان له کرپچنه بو له بعری قسرنداخ ر ، له بعفدادیش تفکر ی عمیر .

شیخ محدهد له نامه کمی دا نرسی بری که: ودرای تعربی شر له نیوان عیراق و نیران هفگیرساود و، زرین ریکخواره نیرانیمه کان: تعانمت تعرانیکی که داری نگیمی تیران به بشتیرانی له تیران تهکن داری عبراق. نعرکی نیشتسانی ریکخراوه حیراقیمکانیش تعربه لم شهرددا پشتیرانی له حیراق یکن دری تیران، به ناممکنی دا پرسی بری که ناخر یهکینی نامادیه له کلا حکومت گفترگز یکا بز بهلاداخستنی کیشمی کرورد!

مامچھلال سختری دوروری کرد یو، شیخ محدعدیش تبیزاتی، یلام ناسکتی بز تبر ترسی یو، به شیخ عنزیزم وت: وشیخ ناسکتی بز مامچھلال ترسیوه، منیش تبییرم بز تبر کنی رولاسکتی ترسیبدو بزتان تغیرہ، به شیخ عنزیز ولی: دپی ی وترم تمگیر مامچھلال لفری تبیر پیلدم به نز و جولیانکس له نز وریکرم، به

رتم: وباشد، تا تر پشویدک تعدی منیش والامدکای تعترسماود. و

له ناسه کنم دا بز شیخ سحه عدم نوسی: وثم دو حکوسته: عبیراق و بسران، تیردان، تعوندیان زولم له کورد کرد و، کورد خوشی نعیترانی معقی خیان لی بسینی را خرا معقبان لی نصینی و، بهم شدره بعر غفرمی خرا کمترین. نیسه پشیوانی له هیچکاسیان ناکمین، یملکر داوا له خرا تمکین ومکر سمگاکانی روزا بهگان لی یی، له گله تعویش دا بنده همرگیز دمرگای گفترگرمان وانخسترد، نمگر عیبراق به راستی بیشه پیشمود، بز چارسدرکردنی کیشمی کورد، تبسش نامادین بز گفترگره،

ردزا به گل پیماریکی قسمه خنرشی سلیسمانی برده خنیالیکی به پیشی هابره بز دروستگردنی حیکاییالی خایالی، و تریهانی: ددو سنگی گلووم هابو روژیکیان بر به شعریان کسیمان قبیالیکی لمو گلرت دهستیبکی خوارد، تعیان قمیابالیکی لم گلرت دهستیبکی تمنی خوارد، وخشی تاورم داینوه هابردوکیان یهکشریبان خوارد بو، تعنیا تکلکانان نابردون تجولااه

ردلامی تامدکیم دایده به شیخ عبیدلمنزیز، شیخ محدادد تامدکدی پیشاتی کاربددستان داید، زیر زیاتر له جاران رقبان لی مطالاتم، تیستا که بیری ای تکمسدره تهر به زمانیکی تعمیس تامدکیم بترسیاید، ناش همرجار پیادر رازی دلی خزی بلی، ودکنر درای بیسستساندو تیزی حدیثی خاوش پیشنبارکت بر، بعلام رت بیان ویمنزیکانه یهکیش تدکمویته نیوان کفشاشش پارتی و حکومتنوه زور لاراز تنبی، ثبتر یزچی له گفی ریک کمویزه » پی تمهو یعص زاتیباری پی گفیشت بی له سمر نیبازی پارتی بز لفشکرکیشی بو سمر باردگاکانی یهکیش له ناوزمنگ.

- -

شعرى راگميانس

پارتی ویژانه له وادپرکنی دا خبرشی تعینایه سعر یاکیتنی. له وتار و لیندران و هنواندگانی دا، یه داکستن لیگزلیندو و رشی تی دا پر به نزوی موهاندرات و جنیو پر. وکند درایی دمرکنوت ترسیندی امشکرکیشیپیان خبزش تدکیرد، یز تعربی گریگر ترشی بینزاری تجید له دوباردکرده نموی به به یی پیزاند، تیسمد زور جنار ساردیدک پیدندنگ تیموین و بعزنامدگانی رادپرمان تعرفان تدکرد یز باس و بایمتی تر، بعلام نشکرا قسدگانی پارتی بی والام بهیلیشود، تیسه پنیردی فعرددکدی شیخ ردزامان تدکرد، که تملی:

...... په قدردئ نات پیستود طاوپرگاستان: صاد قال و بدردئ)

له چند رلایک و که چند وتاریک دا بایی همتو نبو صادیهی رایردو له سعریان تعواین. بز وداممانتوی پارتی زخهسرمهک و تارم بز رادیر ترسی دوایین تطلعیان باسی درانه ی بارزانی بر کنه سعوانی پارتی و توسعوانی دادیرکسیان شنیان زاری پیسود تغازین. دوگای راکعیاندن تم و تاراندی له کتیبک دا چاپ کرد به ناوی: و قیادی مردامته له چ بردیکا و صناود؟

هاتنی لشکری پارتی بو درلهتو

دوای گونگردی نوهم، پارتی زورتر هاوگناری له گنا حکومنتی تیران تدکرد و . حکومنتی تیرانیش پارمغتی تدان هیزدگانیان ریک یختفوه. له سنر شیودی جاران اق ر نارچدگانیان پیک هینایدو ، یفلام پاردگاکانیان همری له تیران بر . حدگا ، بز کنزکردنی دمملائی یدگیتی، له همن نارچدگان دا کارتاسانییان بز تدکردن.

جمنگی عبیراق - تیران گسرم برود، تیران زوری بز هینا بین له ناو عبیراق دا چالای چاکدار دای جدیشی هیراق یکان، بز تبو معیسته که تبرتش پیشیکیان دورست کرد بر به ناری وستاد جنگهای نامنظم، پارتی دهیشه برنی هیزدگانی یدکیش تدکرد به بیبازی راوستمانی چالاکیسیدگانی، گرایه یدکیستی رنگا له ران تدکری خبیات یکن، راستهبدگدی تعور بر سعرکردایفتی پارتی، به تایمنی پندمالدی بارزانی، لای وابر به شعری کرد: حکرمتی عبراق ناروشی، له بدر تدوه نمیندست کادر و تطاعمکانی لموشردا به کردت بدا، نبیش تدریست هیچ جزد ریککدرنیکی سیاسی له کلف یدکیش نبیزا یکا، سعردنای صانگی تشمیشی یمکسی، ۱۹۸۸ بیستسمان پارتی کنوترند سازدانی

سفردهای شایدی سیفی نسبیهی پفتشی ۱۸۰۰ بیستنسان پارس کتونونه سازدانی هیزدگانی، له پر پلاماری اهلانونانیان دار آغذانی در کار تیستگایدی سدر ریگا پز نیونگانی پارتی پلاماریکی کتوبهان دایر گرت پریان و ، هاوزمنان له کلت نام هیرشددا، هیزیکی گتورمان له دمواری گویژی، دوله کرکه، دمورای دولمتر و چهاکانی پشتی دوله تر ساریان دمومینا، زوری لیپرسراوه ناسراودکانیان ردکو: عنلی عنیدوللا، روژی توری شاوریس، تازاد بدرواری، عنیدوللا یغرواری، حدمه سالع جرمعه.. له گنا، هات پر، دواتر مسعود خریشی عات و، تپدریسیش په تعنای عاتن پر.

تیمه که بصمان زانی یکسم هیزیکنان پدراندوه بز شاخهکانی بدرامیمر ناوزننگ - شینی و، دارامان له هنریمهکان کرد هیزدکانیان بنیرن بز سعرکردایش و، دارامان له حشع کرد، تعریش هطویستی خزی لم دستدریزییمی پارتی دیاری یکا.

تدگیر شمر یکنوتاینند نارجدگیرد، ثمران پیباتریستهاید یا نمیاتریستهاید، تدکیر لد شمرهکیشمود ندگلاتاید، ثمرا جیگلیان پی لیو ثمیر. لد پمر ثمره کمونند خر یز ناریزی و، هاتریور کردن لد نیران همردولای ناکرکیبهکدا.

سفرانی پارٹی ثنیانرت داترن شفر له گلا رژیمی بعض یکنن و ، خیزدگانی بعض له پشدهر دریکٹن، ثم بینانره بز ٹیمه جیگئی گالفه پی کردن بر ، له شنر دفقا قصری شیرین، ٹنیانترانی له سیددگان دفقا خانطین شدر له گلا رژیم یکٹن، هیچ جیگایدگیان نعوزیرددود بیکٹن به میدائی شدر ، دوروپشتی باردگاکائی ٹیمه نامی!

نریندرانی حشع: مفلا تمصددی بانهخیلاتی، یدهادین ترری، فاتیع رصرل.. چند جاری هانن بژ لای تیمه و چرن بژ لای سعرانی پارتی له دمراوی دولطر. تیمه سور برین له سعر تیمری قفلاترکان به جی بهیلن و یگلریندره نارچهکانی خربان و، تنوان سور برن له سعر تیهرین به نارچهکانی تیمده! بز پشتمر.

تبران لم هاترچزیدها بین، یتیاتی روژی ۱۰/۱، ۸ هیزیکی هبرای پیلاماری منامنتدی دا. تفر جناشتانی لم هبرشندا بخشدار بین، لفرانه بین سند به پارتی برن. پترمدکه له پیلاتیکی ریکشراو تهیز، لم لاره پارتی هدرهشدی لی تدکردین و لدر لاره مخرمت هبرشی یز تعیناین.

خیزیکی دائیسی همیشه له مامننده بو یز پدپهرچداندوی هیرشی ناکاری دوژمن، له کاتی پیریست دا هیزی پشتیراتیسان بر تعارد. شعر له مامننده گدرم یو، هیزدگاتی پارتی به چیاکانی تعینبروه چاریان له شدوکه بو، به بیاتری بارمشیدانوه ویستیان له پسی نرکان پیرندو، بر بدری باردگاتانی تیسه، یهکیکیان به هرکی ترکی قسمی تمکرد، وری: وتصاندی بیین لمو شعره! پارمغیتان بندیناه پیم وت: وپیریستیمان به پارمغلی تیره نیم، بخص هدرودالاتان تعکین به هیزدگاتی خرمانم وت: وریگایان تعدی پیریندو،

عىرمىدرى حاجى عىهدوللا هېزيكى له گمال خرى پرد. سموكموت پز مامىنند. سەرگرداينتى شەرەكدى گرتە ئىستىر. ھېرشىكى ئازايانىيان كرد. ھۆزەكانى حكومەت شكان و، گەراندو، دواود. بەلام ۴ پېشىئوگە كولژوا و ۷ پش بريندار بون.

مملا تعصدی بانیخیلاتی قسمیدگی به جی ی کرد. وتی: وتم برادرانه له تیران دانمیشن نیره جنیبیان بی تعدن تلفین تاکمویشود کوردستان خمیات یکین، تعرا هاترن نمیانعوی بگفریشوه یز کوردستان، تیبره تطین تنبی بگفریشوه شویتکانی خویان. تیستا تعمانه بروتنوه یز تیران یا بروتنوه یز کوردستان!»

قساکای مثلا تنجیط په چی پر.

له نار ضرّمان دا باسی تعرممان کرد که مطریستی تیسمه له پارتی چی یی. له نیران تیمی یی. اله نیران تیمی یی. اله نیران تیمه از ایرودریکی خوان تیمی ایران تیمه درادا نعدات بر. بی ریککورتیکی سیاسی هیزدکانی تیسمه و تعران تعران چیزن پیکرود هدا تمکنن، به تاییتی توان له عدر جیهک دا دسملاتهان عبریی. یکیتیهان له رگرویشه دعرهناوه، تیستایش تاوا به دکهگایی تهانعری سواری طمان بین و نارچدک داگیر. کهند، بوزیدکان له لا گلاله بر:

١. جننگى راكىياتدن رايكرين.

۲. مارس ۲ مانگ شعریان له کعل رایگرین.

 لای روژنارای جادش هامیلترتیان بز چرل یکری، هیزهکاتیان لحی دامنزیان، تموانیش بدی روژهلائی جادهکه به چی بهیان.

پارتى قەلاتوكان چول يكا.

هر گیشمهدگ روی دا په ناورژی حشع په خرشی چارسمر بکری.

تهگفتر تفسانهان قسویول کسرد پاش ۳ میآنگ سفر له تری چاو به منصبطه کند! تعضینیتره بز هنگاری داهانی.

هردگانی پارتی به شاختره برن. نرایدگیان نجر له باران و سعرما بیانپاریزی. شعر هفتا پمپانی هفتشفارین و ، خنریکی تاگر گروناوه برن. نمخشسفیدگیسان دانا نمگسر به خرشهی له نارچدکه نمکشانعوه له گف دمی پی کردنی بارانی و پطایه دا له چند لایدگاره پلامایان بلدین و دعریان یکلین.

حشع پیشتیباردگانی به لاوه باش بور، چند گروینیکی کنمیان دارا کرد: لمرانه مصر حیزیدگان - چگه له پارتی - بریان همی له قملاترکان باردگایان همی، چرنکه سنره ریگای هصریاته. هیزدگانی پارتی هنتا دمرگنله بین. یمکنفان پی باش و دومان پسند ندکرد.

مشع پیشتیبارهکاتیان برد یز پارتی. سعرانی پارتی له سعر زدیی رازی بین. تهمنش جمعال تافامان تارد بر تعربی تاکاداری پیشمعرگاگانی یمکیتی یکا له تاریخاگانی گرتک، روست، گلالاه، هدودیان.. واتا یمری روزآدارای جادبی حاجی ترمعران یکشینعره بز پهری روزهالای جاددگاد.

سدرتانی مانگی تشرینی دوسی ۱۹۹۰ هیزدگانی پارتی دستیان کرد به کشانعره پدرهر شریندگانی خوبان له تیموان. تهم گلیجهللیس مانگیک زیاتری خایاند به بی شدر له کولمان بروره. پارتی هنشی له هیزدگانی خوبی یز ناوچدی حاجی ترمخران نارد، به نیازی رزگارکردنی حاجی ترمغران، بطام سترکدتر تعین و لدو شعرها چنند کصبیکی ناسراویان رکزرا، لوزاند قدنام نالحا، سعید تزماری.

اینام ناها تدکیری غزی به ملگری بیری ندتوریی داشتا ر، تا مطرشاندتوری کاویک، ویر به ویر له گیلهان بو، بدلام تا کیرورا غزی به دلسروی بنصالعی بارزانی داتمنا. فتتاح تلفا له شعرهکانی ۷۴ دا سعرافتشگری هیزهکانی سلیسانی و کعرکرک بدر. له زیرانی تانسیستال ۱۵ له پیشد جیگایدگی بز لیکولیندوری معلومجرمی سیاسی کوروستان کنورتدوره به لیسپرسداودکانی شعروش کبرا. یمکی لعر کنهرمزدازه له پینجموین کرا همسر فصرصاندی مهر و بهتالیدور و و تضاممکانی اقدمکانی پارتی، بهشعار بید، له پیش دا ریرشمرینی نهری در دانشدن چون دروه به شعیرش و بعرضگاری بیدی، لعر کاتعدا بروسکمی پارهگای بارزانیهان بز دی درمهاری تاشیمتال، یمکی له فعرمانددکانی پیشسمرگه که بانگ گرا بر بز تعر کوربتوجه دارا له فیمتاح تاف تمک گری نده نه تو برسکیه و میستود و درواد به شورش بدن و دارا لویش تمکا بینبتده بز سعرکردایشهیان، فعاح تافا تملی: دایاچی بارزانی له کری بر سعری من لوی تعربی،

فتاح ناغا قسدکنی خزی پرده سدر له ۷۷ دا ناماده نبیر له کردهستان پینیتمره سرکردایشی هنزازان پیشسترکه یکا، به پنایتری چو بز کنورج. کنچی ۵ سال دوای ثبوه، بز رازی کردنی دلی بنصالدی باززانی ناماده بر له کمرمبعره یکنیتمره بز کردهستان ره. خزی له شویکی چچرک دا به کرشت یدا.

جوقد و جود

مامجعلال له نیستانی . ۱۹۹۸ دا چر بر تاران و لعربره چر یز دیسمتن. تاران -دیستن ندگترین له سعر زیر مسئله ناگزی برن، بدلام میحوصگیان پیک هینا بر، یدکی له ناماغیمکانیان روخاندنی رژیمی صعددام حسین بر، بیروای تم دو لایه له سعر پاشتروزش میران جیاراز بر، همرچی تیران بر تازه له گلرمتی سرکدوتنی دا بر، تمیریس شورش تیسملامی هصو دنیا، له پیشندو، عبدان، یگریته بدر، همری سویایش بر تمیریت سندرسرداینتی بهصر، به تابیستش مستدام و هاوریکانی بروش، تیستسر داوردنگانی حزبی بهصی و حکومتهکانی له عبران دا به هی خزی تغزانی،

مناگیرسانی جنگی عبراق - تیران در گرنتودی لرادی نعویی عبراق - سوریا در . می بعض کردنی لیر دواصدته گرنگ، ترصیهدیکی زاری دایر به نهاردگانی صددام. کشترگزی خز به خز له ناو سترانی مصارضتی عبراق و . له نیران لاینخانی مرعارضی عبراقی له لایدک در کاریدستانی سوری و لیبی و فطعستینی له لایدکی تردو، سدولهام بدیککوتیک گزنایی هات والجیهه الوظیه القرصیه الدیشتراطیه و یان له نیران تم لایناندا یک هینا:

لاینته عنومیدکان: حزب البحث العربی الاشتراکی – قیباده قطر العراق، الحرکه العربیه الاشتراکیه، الحزب الشهومی العراقی، الحزب الاشتراکی العراقی، منظمه الجیش الشعبی لتحریر العراق، هندی کسایعتی سعریعتق

لایننه کوردیهکان: یهکیتی نیشتمانی کوردستان، حیزیی سوشیالیستی یهکگرتری کوردستان.

شتری ۱۳ ی تشریخی دوسی ۱۹۸۰ رادیری دیستش هعوالی دامترزاندنی جوقدی راگنیاند در حازم له باتری یعصس در ماسجدلال له باتری پیکنش در حمیدلرفزاق سنافی له باتی حشم وتاریان خرینشدود، دامترزاندنی جوقد له عیبرای دا یه چاکی ودنگی داینره رد نامعزانی صنعددام ترصیدیکی ززریان له سنز هناچتی بور. من خترم هیواریدگی ززرم پی ی نمود. جزری پیکهاتنی لایمته کانی و، ترانای سیاسی و ریکخراویی و جمعاودیهان له سر کنور و بیماودیهان له سر کنور و جهاودیهان له سر پاشدارای هیرایکی کرد بوم من هیرایه کی کنور و جهاان کانود. و کنوری می نموری کنوری کنوری می بردیه کم ناکاتود. و کنوری ریکفستنکانی نارشاری نکرد، له نامیدک دا یه هیرایه کی زؤرده باسی جوقدی کرد بر، دادای کرد بر دافسیلات ی تم بدریهی بر بزرس، منیش له دولام دا بیار ترسی حیکایاتی یه کیستی و جوقد و کسر نو نفر نومی کنوری یه کیستی و جوقد و کسر نو نفر به نظر به پشتر نام دولام دا بیار ترسی حیکایاتی یه کستی و جوقد و کسر نو نفر به بی پاهندی پیشتی از دولام دا بیار ترسی حیکایاتی یه کستی در جوقد و کول نفر به پشتری پیشتی خودوده بی

جولد دستدی ترینداریهای پیک هیتا و. له هندی جیگا مکتبی کرددو. زیاتر فعودی دوژگای خیفات بی یاز روخاننش رژمی بعضی، بر به دوگانی پاره پهیدا کردن و. هندی لم لاینانه به ناری پیکهیتاتی لشکر و، ریکخستنی خدباتی تهینبسوه پارمی ززریان له لبیها و دوگرت. گورد و ترفن: کرز تمیکا و کرز تمیخرا ا

له جوقد دا پارتی تافعراز کرا بر. راسته کمیشی نعره بره یه کیتی تعییست پارتی ودنق پخات و، له معیش دا هم بعص و هم حرکه هارکاری یه کیتیان نمکرد، حشع و حسک در لایشی جولد بورد. د، معصود پمیانی جولفی له یاتی حسیم کنیدزا کرد بو. یعلام سعرکردایهتی حسیک له کرودستان بی تاگایی خزی لعر ریککوتنه پیشان تعدا و، خزی پچوه نتایمست دو، راستیمکویشی تعویر: وصول تعییست بیسملیتی که پیاری خزیش پچوه نتایمست بود. درستی ناز حسیک خزیهتی نمک د. معصود.

دوای راگیاندنی جرقد به چند روژی سغرانی حشع له کوردستان: مملا تحصدی
پانسخسالاتی، قاتیج وصول، گمونته هعولی پیگیستانی پدریدگی تر له گمله پارتی و
صدک. پیزنامه و پیشگدگانیان تاماده کرد پر. پیگرمان کاریکی ودها گیرو، که لعوانه پر
پیی هرفری تیکیسونی پیرمندی حشع له گفتا و نوری لایندکانی جوقد، له دمسمالاتی در
کسی بی دمسلاتی درک مملا تعصده و فاتیج دا نبور، پلکرک له سغوتردوه رایان سپارد
پرن، له میش تعیانویست به تیریک در نیشان بشکیان: پدکسیان، پدکیت، که له روی
پیشسمرگیس و ریکخراویس و جمعاومیسموه له چاو همسر هیزدکانی کوردستان دا
پیشیسرگیس و ریکخراویس و جمعاومیسموه له چاو همسر هیزدکانی کوردستان دا
پیشیسرگیس و ریکخراویس ایک کما فروست یکنن، دوسیان، مسستی له دسی صازم و
پیشسمترگیس و سیاسی له گما دورست یکنن، دوسیان، مسستی له دسی صازم و
پاردیکانی نیون.

له گفترگزی دوقرانی تیسه ر حشع دا چنند جاری زور به رودی مدترسییدگانی تم کارسان بز رین کردنبوه و، تیسان گهانتن که دامنزاننتی بدری دوم نرخی بدری یدیکم ناهیایی، خز تمکیر همر سورن له سعر ازای کردنی پارتی، له باتی نمودی پدرمهکی تازد دریست یکن و، ناوی دیدره سوک یکمن، پمیسانیکی دهارکاری دوقراری بان له گمله پنیزا یکن و، له گمله لایننگانی جرفد خنریک بن پارتی پش به نشنام قبول یکن،

. گریهان له قسمکانی تبسم ندگرت. رؤژی ۲۸ ی تشرینی درسی . ۸ له راژان پهیانی والجهه الوطنیه الدینقراطهه له گله پارتی و حسک تبنزا کرد. فنرهنگی سیاسی حیزیه شیوعییدکانی عموم له کاریهاری حیزبایتی دا لاسایی کردنموی سزقیت و رالاتایی و فرهمالت بره رور جار زارادکانی تعوانیشیسان به کار طباده به یک او شده که با تیم کردرشیتیدکان کار طباده به پارتیه کرمرشیتیدکان له سردمی در مین کرد شدوی حیزب و ریکخرادوکان دای فاشیتره به همیم کرد تعوید کردرشیس به بیرجوادکان داری داشتا . ناوی بهردگان تریان به بیرجواد و رودبیر جازی دانشا . ناوی بهردگانی تریان به بیرجواد و رودبیر جازی دانشا . ناوی بهردگانی تریان به بیروجواد کیشتر بیردگانی تریان به بیروجواد کردرشی بریشدار تمازانشدود . حشم لم بیرادها کیشتیک میلودگانی تریان به میرادها

له ستردس پاشایتی دا وجیهه الاتحاد الرطنی» له گط حیزیه تعتبریههای عدرت له عیراق دا پیک هیتا بو.

. - سَالَنْ ۱۹۷۳ له گنگ بَعض و هغدی له حییزیه کارتونیهکانی کنورد والجبهه الرطنیه والقرمیه التقدمیه، ییک هیئا پر.

- تیستاش له شام له گفا هغندی له حیزیه عبراقی و کوردیهکان وجرافد: الجبهه الرطنیه والقرمیه والدیسرفراطیهه و، له واژان له گفا دو حیزیی کوردی تر وجرد: الجبهه الرطنیه الدیسرفراطیه یان ریک خستره.

پیگرمسان تعسانه زیرتر قسعواری بی ناوه روک و هیچ له بارا نمبر بون. نهک دارودنزگای خمیات و روخاندنی رژیمی دیکتناتوری و دامنزراندنی رژیمی دیسوکراسی، ویکر تعلین: دناوی زل و دی ی رویانه بون.

جعمیل رماجیس و پیرانه رمش

هندی لعراندی تازه تازاد برپون به کباری ریکخبراویی و سیباسی قبایل نخمبره. حنیان تمکرد کاری پیشمعوگیی بکشن: عرصدی سعید عملی کرا بو به بدرپرسی دنرگای ریکخستنی کرمیله، کاردکدی بز خزی به پچرک تنزانی و، چعند جاری له کزیرنمودکان دا داوای تمکرد کاریکی تری پی پسپیرن، چوه ممکنی عصسکتری و، ماویدک کاروباری دارایی م عی تمکرد.

درای تعوی گیچملی پارتی مان له کول بردوه، تعو هیزاندی له سعرکردایتی کو گرایوندوه، تیشر پهریستی مانعویان نصا بود، گزیرنعوسان له گفا کردن بو تعوی باسی گوراندوه بو نارچهکانی خوبان و ، وشاندنی دمی له هیزدگانی بعصبهان له گفا یکین. سید کمیم که تعدامی م چ بود، تعریش تعیو بو نزیک هدولیر. ژمارمیهک له پیشمبرگه ر کادرکانر عدولید و سلیمانی له گفا چو.

روزی ۱۸ ی تشـرینی دوسی . ۸ له کاتیک دا تیم هیسزه له گـرندی جـملکمره تیچن بعرور پیرانه روش له ناریهای پشـدود روقه چنند هالیکریتیریک تمگانه سـمیان، به شمستیر و نارامیرک هیزهٔ که داتمگرنموه ۹ یان لی کرشتان و ۱۲ یان لی بریندار کردن. له ناز کرژراودکان دا جمسیل رهامیسر و، داشتاه محمدهده لیپرسراوی نارچهای کزیه و، له ناو پیننادرکان دا عرمتری ساید هایش و صابیر رصولی تی دا پر

جنمیل بیاای ۱۹۵۷ له دایک پرور ماسرستای سدرتایی یو. حاجی صالی پارکیشی پیاریکی کرردپدروم یو. له سدرتای شمندهکاندو، تپکملاری کاروباری سیاسی بر. له سیارتای دامندزانش کیزصالدا هات یوه نار کیزمیله. له ۱۹۷۶ دا چره ریزی شروشدوه. سالی ۷۹ چنند مانگی گیرا و بدیره، بهلام سالی ۱۹۷۷ له گیرانی به کزمانی بعضی له ریکفستندگانی کومحله گیبرایدو و ۱ سالهان حوکم دا. له تایی ۹۷ دا پعر حساطری عمام کموت و بعر بور، داوای صاوبهاک هانه ریزی پیشسمبارگایاتیسود، جمعیهل هیکزشدیریکی کزانده و روزشنهبریکی تیگایشتر و، کادریکی به نرخ بر، ماردیدک له دمزگای راگمیاندن کاری کرد و تیجا دائرا به تخدامی لقی یهگینیی نیشتمانی له معرابی، لم پلاماره تاساتیدا کروزار

لعر سیدردستدا له تار تعدیب و شاهیبردکانی هنولیبردا را یار بر ناری ودکر: بی خبر سیدردستدا له تار بخسید، خسیار.. یان هطتیزارد بز خزیان. له زمانی هستنده خبر، پریشان، زامنار، پخسید، خسیار.. یان هطتیزارد بز خریان، کم جسیل، ودکر نیبانگیرایبو، جاریک پی ی وت بین: تسد نموزشخانیه یا لقی ترسیرانی تعدیبی خری. نیساندی پدکیتین ترسیرانی کورد بر. سالی ۹۲ یمکسین دیرانی شهمری له ژیر ناوی: دراز و سکالا ده یالاو کرد برود، دارگای راگیاندن همندی له شهمرکانیان کز کردود و جیابان گذادده.

.

سعید هرمدیان له ناو داره معیت دا هینایموه ناوزدنگ، پشتی ودکو بیزنگی لی هات پر، چند پارچهدک له بهرس پشستی دایر. هدورو قسایی له کسار کسوت پر. له نمخترشخاندکمی خرمان تعداریهدی سردتایی کرا و، دسیمچی ردوانمی تبراغان کرد. پاشساویهک له تبرانود چره سوید. صاردیدگی دریژ له نمخرشخاندا مایدو، همرچنند، غیالچکانی کورتدود کار پلام همرگیز ردگر جازانی لی نماندو.

تُدو مازمید له چند جیگا، به تایینتی له دستن کرنه و له جنباری، پیشسترگنی پهکیستی توش زمردی گورسی گلیاتی بورد، هزیهکنیشی بیسانگی و بی پهروایی، بان ودکو پی ی تطین: له تفاهامی وبه کم گرتتی دورش و دا پر، هیزدگانی جنیش له هندی شرینی کردوستان کیشرا برندوه پز معیناندگانی جننگ له کلل تیران، پیشسترگه لایان وابر به هزی شری لیزاندوه، هیران ناپیرژیته ستر تدوان.

ستاري سعيد خلك

ستار دوای تصلیم برندوی زؤر زو پعتیسان بربردود. هنوالی بز ناردین که تمینری پهیرفتنی له گفت پختیری به بختیری به برختی المیترونی داشت. کارتی هشتندی کاری پیشتمترگانه دایش. ثیبت معوالی کارتی هشتندی کاری گفتردی له دستار پهاریکی نازا و چارندترس بود، کاری گفتردی له دس بعات به بلازانی به کفتا زور لغوانه کرد بر که تسلیم بمیروندو در معندیکانی رک خست بود، لغوانید عمومیری تاودکشان. جاریکیان به کمیمی داده مسته دا نامه و و راویکیان به کمیمی داده مسته دا نامه و راویکیان میدگانی کشیمیکانی کارتی کشیمیکانی در کمیمی عموالی به دیاری بز نارد برین، کمیم له لای تیمه نسایموه چو بز لای

ستارمان تاگذاور کرد که زور رویا می له پمیوشدپیدکانی و، له هطیزاردنی تعرانعدا که قسسیان له گلل تمکا، تمو باوبری زور به خزی همیر، باوبری پمزانمش همیر که هطی بوارد برن، دارای چند دهسانچسیهکی پسیدنگی کبرد بر بزمیان نارد. به تعمیا بر چند کاریکی گئوره تناهام پدا: لنوانه کرشتنی پدرپرمینری تعمنی سلیسانی، تینجا پستنوه دورود.

له سعردتای تشرینی دوم دا هنوالمان پی گفیشت. ستار له نار ترترمیهایکمی خبزی دا به دسانچمهدگی پیشفیگ گیزداوه. تم روداوه بز تهسمه زار ناخزش بو. تازد دانستایتی له گفا تهسمه تازه کرد بردو. چاربروانی کاری گمروه برین لی ی. کنوتهند دوای روداوگه.

یکرلیندو، دوری خست هرصدی تاودکشه له سدردتاوه وتعدن ی تاگادار کرد پر. و نعنی هرصدریان راسپارد پر له گفا ستنار پروا و به روری چاودیژی پلاندگانی یکات. و مختبی کساتی جیسیمچی کبردنی کاردکته تزییک پرپرود، دیدرپروبیدری تعدن به ناری مهرانداردود تادر پری به دوای دا. به دهانچه پیدننگدکش خزی و، به عرصدی تاودکملی کرشت پر، له نار ترترمیهادکش خزی دا فریبان دایر.

يدربوندره له جلسين قرين دا

روژی . ۲ی کناترنی یه کنمی ۸. ۹۸ فروکنیدکی تیبراتی لا اوچدی رانیند کننوت خواردود فرزگجراندکدی تاری سترگرود پعوللای شدیقی به پعوشترت خری هاویشت بو. همندی تازاری بی گنیشت بود بنقلام به زیندویتنی کموته دمی دانیشستنراتی تاریهک. تنوانش تصلیمی بهشموگنگانی هنویسی ۱۵ ی تاکویان کرد.

حکومتری عیراق هدولیگی زفری له گله سرار ناغا دا و . تصاعیکی زوری خسته پدری بز تعربی تصلیمی ثموانی یکا . ناردصان فرزکمواندکمیان هیتا یز ناوزندگ و رمواندی تیسرافان کردموه . شعریفی ختری تم رودارهی کرد به کشیمیی له ژیر ناری: دستقبرط در چلهمین پرواز د دا بلاری کردموه . همر لهو ماویهدا کنیدکمیان کرد به قلیمی سینمیایی.

نیوانی تیران و یهکیسی ساردی تیکنوت برد نم چاکنینش نمیشوانی گنومی پکاتبود. له فلیسکند! یه هیچ چزی پاسی دنوری یهکیشیسان نفکره بر له روداونکند!. پلکر خستیریانه قالین تازایش فروکنوانکه و ، پیاوچاکی دانیشترانی ناوچهکه، که له په خزشیستی تیرانی تیبلانی تم کاربان کردو.

سالی ۱۹۸۱

بؤچی چوم و، توشی چی بوم

نارچنی هغورامان و شارفزور له سبردنای دهسپیکردنبردی شیرشدوه، یدکی بر له نارچنکانی نفرزی گرمناه، یدکسین مغفربزدی نبری؛ شیخ هنان، عطان تعمید شیمه، حامیتی حاجی غالی، حثمتی حاجی متحصود، دکشور رنزا، حثمتی حاجی سایس، له سبردنادا هنمیزیان تعنامی گرمناه برن، یدار له بنر هزی جرزارجرر هندیکیان له گرمناه تذکی برنده،

صدی حاجی محصود زور زو رازی له کرمله هینا بر ، دیسلپنهکانی پی قربرل نغتگرا را فیری تاوه و بیرد له سنوری کناردکانی خری دا به تازادی و بی لیپرسپنوری کسیکی سنوری خوی کار یکا، له پستمبرگایایتی دا نازا و زیرد که و ، ترانایهکی باشی رویشتان و بعرگ گرتنی ناخرشیی هیود به پیشمبرگایایتی دهستی پی گرد به را بور به همرماندی معلومزه: تیجما فیرماندی کبرت تا گمیشت بره فیترماندی همویی ؟ ی شاردزور و همررامان، له زوری شعردگانی یهکیستی دا دوی قم پیشداری کرد برد. تم ر جمعسالی عملی باپسر و ؟ کسمی تر له کارمسانی همکاری دریاز بین، له گسیل پیشمبرگانی دا نمر برد ، پاری تدانی و چارپرشی له کعمرکروییهکانیان تمکرد. له بدر
پیشمبرگانی کر تیروه.

مامجملال که چر بر یز نیشگرلان بز بینیتی نریندرانی تیران یز ناویژی له نیران تیران ر کورددکان دا. مامچملال تعیشی له کله خزی برد بو، لدی له گناد سالار بهبر به ناخزشیهان. حمد خزی له زوری ممسئرلهکان به پچرکتر نفترانی و، به ممسئرلی خوی دانشنان.

زوری کادر و فبرمانده و پیشمه رگدگانی همیمه کمی کرمغله رد له نار کرمغلهیش دا له ترنیرودکان بیرن. صارمیه کی بر گغیبان تی تالاند بر تنهانیست کنری بکش و له دمسه لاتی بغدن. چنند جاری له گغیبان تیک تنهیر تنیمه یز تعربی یدکنیش همیمه کمی به پیهاریزین تاشتمان تمکردنموه، هاوینی سالی . ه له نار خزبان دا تیکچرن، زوری کادر و غمیرماندی کمیرتمکان لی می هلگارا برنبوه، خمی یک بو بینی به شمیران، له یعر تبوه همیرمان دارا کردن بز تاوزننگ.

هبردولایان شکاتیان له پهکفری هغیر، حسم تبوانی تاراتیار تهکره به ترندرهری و تیکنانی همیسکدی و، تبوانیش همعندان تارانبار تمکرد به راورورت و کوکردنموری پاره و غنرجی بی لیپرسیتنوه، همردولایشیان راستیان تمکرد. حسمه پارهیکی زوری کؤکرد برموه و خبوجی کرد بر بی پرسی سمکردایایش، ثعر پارانش سنند بری:

 له هعمیر دانیست. تیرانی ناوجه راگیریزراودکانی سنوری پینجیرین و سیورین و هموراسان، نمواندی و تصریحی» یان ومرکرت بو، له سعدا چل تا له سعدا پنامجهای لی سعند بون. - پاردی زوری، بی هیچ بیاتریهک، له چند کسی تر سند بر، هندیکیان لای سعرکردایتنی بهکیش شکاتیان لی کرد بور، سبرکردایتنی دارای له جمعه کرد بر پاردانانیان بز بگیرشده، بهلام شعر گری ی تدایرید. لعراته: کامیاری مجینخان و حاجی تعرفی هغلبیمینی:

حصد ثمیرت بدر پاردیه چدک و تطعمنی بز پیشسترگدکانی هدریسدگدی کریرد، بارمدی مانگاندی کی داده: بارمدی ماله شخیماکانی داره: نیاردگانیشی ثبهانزت هندی لتر شماندی کردود؛ بلام نودی پاردگدی بز خری هاطگرترد؛ تازمیش ژبیکی تری به سمر ژند کرندگدی دا هیتا بر، تفدیگیگی کرد بود ملی، له کلل خری تمیگیرا.

مکتبی سیاسی همیشتیکی، به سعریکایشی عرصر شیخبرس، دروست کرد بز لیکرلیندری شکاندگانی هدردلا، ناکرکیسکانیان را ترند بربر تیم نیم نندندترانی پیکنرد کار یکن، بان له ناویعیک دا هلا یکن، همیرمان له ناوزشگ گل دانبود، یه تاییستی لیک وکاندا مدترس هیرشی یارتی همیر بز سع بارنگافانی سعرگردایش.

له ناو مدکتمی شیاسی و سعرگردایش دا، زوریان رشیان وایر: حصه یه ناوی
پدکستسیسود، بدرالایی در اورودی زوری گردود و ، پارویکی زوری کردود و ، پارویکی زوری کردود و ، پارویکی زوری کردود و ، پارویکی زوری و ریدان
پرسته بی سزادان وازی لی تحقیتن ، بعالم له بعر تعرف له دهشی دی یاشی بی و ریدان
پال نا نامززگانی یکیشی یا بچیته پال رژیم ، چاکتر وایه چنگی یکین ترکیر
دهشتی کردود بیکوژین، من به توندی چرم بهگر تم رشیده او ، نصبههشت هیچی لی
یکن چونکه لام وایم روز نامیانگی یکن چرم بهگر تم رشیده او ، نصبههشت هیچی لی
کارددستیکی نامراوی خزی یکا، تمی به نعرمی و نامزگاری له گلی بجرلیندو.
کارددستیکی نامراوی خزی یکا، تمی به نعرمی و نامزگاری له گلی بجرلیندو.
رزداروکان دویان خشت من به هطعدا چر برم و ، رقی هاریکاتم راست بی

برد له صیرتی بر هاوریکاتم سعریان کرد بره سعرم ژن بهیتم، زوریان تا ثعر کاته سعلت پرن. نیباتهست من رجه پشکیتم و، تعرانیش به دوای من دا ژن بهیتان، به نابهش جولانعوکی تا با بهتری مسلمت من رجه پشکیتم و، تعرانی به دوای من دا ژن بهیتان، به با دوی شعری تیرانود، و دکتر جاران معترسی دورتمنی له سعر نیما بود. کشیرمی دارش له سعر بنده با در . خمسرم خال، بعریرسی یدکی له ریکخراره گیرردکانی شار پر، تعریش چند جاری له نامدکانی دا داوای لی کرد به برم ژن بهیتم، تا ماویدکی زیر دودل بود. سعوشهام د، مفسرم کرد به دوکیلی خوم تافرتیکم بز بنوزیشوه به عظرصرجی ژبانی سمخت و د، خمسرم کرد به دوکیلی خوم تافرتیکم بز بنوزیشوه به عظرصرجی ژبانی سمخت و مغزاراندی من له شسمی له قدیری باشی بز دوزیرصتمو در ناونیشانی پنصاله کمیانی یز نرسی برد، تا تمکنر وازی به قسمی له گدل یکا.

ومعاب که شارمزای شعر ناوچانه بر بانگم کرد و، قسم له گیل کرد. که سطعریکی بعله و نهینی تارمهام به دمستمومیه، دارام لی کرد: درسی پیشممرکس شارمزام بز تاماده بگا.

من و کامدران و شدهاب به ۳ قولی له ناوزدنگدوه به بی بدی کموتین.

نعو سعردممدی که هیشتا تؤتزمزییل دانعهات بر یان کمم بر، خطک به بی یان به سراری هاترجزیان کردوه. له ریگا که به پهکتری تهگیشتن پهکتریسان بناسیایه یا نه معرمها و چاکرچزنههان له گله بهکتری تهکرد. تعمیش هندی ریوشوینی دیاریگراوی همر تنبر بیروی بکراید.

سوار و بیاده که به یدک تدگمیشان تعیر سوار سدلام له پیاده یکا.

ريبواريک که په لای دانيشتريدک دا پروشتايه تُبو کابراي رطعتي سيلام له دانیشتره که بکا.

ریبواریک که یگهشتایه به ریبواریکی تر تعیرت: دماندر نعی اه تعریش له ودلام دا تعیرت: وخزت ماندو نعیراه

رسواریک که بگایشتایه به یه کی له سنر کار برایه، تابیرت: وخوا قواتت بناای

تعريش له رولام دا تعيرت: وخرا دموامت بداا ۽ رسراریک که بگایشتایه به شران یا به گاران تعیرت: وبه دوراعت بی او تعریش له رولام دا تعیرت: وخرا عافرت کا او معیستهان له دورهایت: وتاژهای برو.

له همندی نارچه له یاتی وولاسه کانی: وخوا عیاقیوت یکا و و وخوا دوامت بنا و

ئەيانرت: «بچىتە يەھەشتى» » رسراریک که یگایششایه به یاکی که خعریکی دروینه برایه، تایرت: و تیمفت بررزاء تعريش له رولام دا تعيرت: ودرومن يعناه

رسواریک که یگیشتایه به یه کی که له سعر خدرمان براید، تعیرت: وخدرمان بدره کمت او تعریش له وهلام دا تعیرت: وخیر و بعره کمت او

معكيته ثم تعربتانين كوير كردوتموه.

تعوکاته حدک له شعودا بو له گفل حکومیتی تیران، به دریزایی ناوچهگانی سنور باره گنای دانیا بور. نیسواره یدکی درهنگ له گنوندیکی سنور ناوی نیسروان بنو له ناوچه ی باند لامان دا، چوینه مزگلوته که. هاشمی کفریسی بعربرسی کومیته ی شارستانی بانه بو، ثمو و، چهند کهسیکی تر له تعنداماتی کرمیشه و پیشمبوگه کانی له هزلی مزگنوته که برن. كعسيان به رو منهان تعتمناسي، منيش خوم له لا تاشكرا تعكرون. همندي قسمه و باسي كشش كرا، من عنولم دا خزمي لي لا يدم. شعر لعرى ماينموه يدياني زو يد ري كموتين له ربگا توشی سمید رمسولی بابی گستوره برین. له کستا، تعویه کسسریسیان تعاسی. چاکوچونیسان کرد، سنهری بی هات منی پنوچوره و لنوی پینی، وتم: وکاریکی پنامم همیه له دیری خزمان. به یطه تعرزم و به یطه تهگفریستوه. تنصفوی کفس تعزانی. شینوی رابوردر لای کاک هاشم بوین. بعلام منی نعناسی و، خزیشم تعمیست خوم تاشکرا یکمها ی من يدردو شارمزور تعجوم، يه سعيد رمسول دا لاله سعرحدم بيركتوتعوه.

کچهکه و پنتمالدکتیاتم تغاسی. په لامعوه پاسند بون و دارام لی کرد قسمی له گیل یکا. قسمی له گلل کرد یو تعویش رازی یو.

گیمنگه به گریرتی تمکیبردکنی من همسر هنگاردکناتی نا پور. منیش به گویردی تمکیبردکنی خزم بدرنامنی کاری داهاتری خزمم ریک خست بور. بملام ددکر تیرانی تملی: وتدگیره همس جاری له گفل وتعقیره ریک ناکنری)

یز چارترسانتنی خبلک مباریه که بر به عس کبایرایه کی درتدی به ناری میولازم مرحسین ناره بر بز سلیسانی، فنرماندی معفربزی حاریشی دنرگا سمر کرتکردگانی به عس بور زوری تازاری خلک تدا و را دعیر شعو تهوه سعر مالان و را خلکی تکرشت. چند جاری کچ بر و سعر به ختیباری برام ر تمصیدی سامعرنزام. جاریک تعویدی نه تمصد دا برد گری یکی کرر کود بر ، هروشتی له پهختیار کرد برد، که تنگیر له سلیسانی چی تر بیاری حکرمت بگزاری، تعریش بهختیار تکوری.

رژیک له پر بهختیهاری برام پدیدا بود. له سلیمیانیموه رای کرد بود. حازمیمی مارستری به ختیهاری برام پدیدا مالی مارستری به ختیهار و دایکم و تاقگای خرشکیشم رایان کرد بر بز شاردزور له مبالی حصمیتی فتتاح له شاتران، خویان شارد بردود. هاتنی تصاتم زور پی ناخرش بود چونکه من خزم به تعمای سطعری تعوروپا برم.

له کمل پمتنهار خدیک پرم بگتریندو، پر سلیمانی و، دایکم و تدوانیش بیاندو، سلیمنانی، وها ترسانه پرمان، هنری له کستم و سلیمنانی، وها ترسانه پرمان، هنری له کستم و ترسیمنانی، دها ترسانه به ناوزندگ پیشمسترگمیدکی شارفزوردا نامدیدکی باش مهاری بیان بیشتر برای به بطلاحی حاجی رطیق دا نامدیدکم پر دایکم نارد که بین پر تارفزندگ، بخشهار له گملی چو، بدلام له ریگا بخشهار له گمل سملاح بری تدوره بر، گنرا بردو، سناح نامدکمی گمیاند، یملام دایکم ترده بریره و تریی برد، بدان دایکم ترده بریره و تریی برد، هناز دایکم ترده بریره برد، گرا بردو، سناح نامدکمی گمیاند، یملام دایکم ترده بریره و بری، در میره برد، کنیم میشنا تبد

تازه عنزیز محفظ گیشت بوه کرردستان. چر برین بز سعرهانی و دمعرمقان کرد بز سعردان و فراوین. بعلام من ثبشر بربارم دا پچم سعردانیکی دایکم و خرشکم یکم و . دارایان لی یکم بین بز ناوزمنگ. ویستم کم کس بزانی، هاریکانی خزمم ناگادار کرد. لاله سعوصده یمکی بود له پیاره ناسراودکانی تیمردی رؤغزایی تیملی جاف. ززر
قسانی خزش و تستینی و روداری سایری فی تکویتردی، یمکیکهان خود به نالهاتگذاریدتر
که پیرمبرد له دگانتر گنیه و معلادین سمجادی له دوشتدی مرواری» دا گیراویاندتوه.
پی تنجی لاله سعوصده ضاوش خمهالیکی به پیت بربی. له سعودسندا جمنودیی و
زنگردندوی کاروان باو بود و به تازایدتی و دسمدالانداری دانراو، تعریش تا گمنع پره
لمعند دستیکی بالای معیوه، که پیر تنبی و له مردن نزیک تمکنویتموه، کوردگانی کز
تمکنالاده وسیستیان بر یکا، تعلی: حال گفته پرم نوله بر کردون و زیران پیره ماندر پیره
تا کردون به پیهان تصدی دوای مردنیشم خیریکتان بز بدهنبود، که مردم معیکن به
برا به پیدندگی پادیکه نبوده پیچین و به شنیز پیدن له داری محصری سعوراله برکم
دون، بنهانی کنه روژ پردوه بلین بارکستان دیار نصباره، سسوار پنو ناودها بلاز یکننره،
مدیریان ساف له ساف تالان یکن، شبخها پرسیمکی گدورم بز دانین و بلین: معنی به
معموریان ساف له ساف تالان یکن، شبخها پرسیمکی گدورم بز دانین و بلین: معنی به
معموریان ساف له ساف تالان یکن، شبخها پرسیمکی گدورم بز دانین و بلین: معنی به
معموریان ساف له ساف تالان یکن، شبخها پرسیمکی گوروم بز دانین و بلین: معنی به

گزری ممالا مستمغه اله شنز بر . زیرانی به دیاردوه بر شمویک، تالسمیکی نفاسرار ، تایزنکمیان دورهنا بر در بریان له شرینیکی نزیک گلکزکمی فریبان دایر . پمکنارکانی پارتی له کالی قیام دا تطفیان له خزیشاننی خطکی شنز کرد بر ، چمند کمسیکان لی گرفت برن ، له بر توره خطکی شنز دوزمنایتیان تکردن . کمسیکان لی گرفت برن ، له بر توره خطکی شنز دوزمنایتیان تکردن .

- پنممالدی یارزانی، ثمم تاراندیان به پال حدک او له ناو تعوانیش دا به پال سمید رمسولی بایی گلوره تعدا

– حدکایش پنصالمی پارزانییان تارانیار نکرد که خزیان تم کارمیان گردیی، بز توری پیکنن به پینازی بز هارگاری له گنا هیرز چنکنارکنانی تیبران بز شسری تعوان. معربتند گرماتم نمبر که حدکا لم تاوانه بعربیه، یعلام قسمکاتیان لعر حیکایدته تمهر که بد زمانی لاله سعرمعدور تمانگیایمو.

پیگرمان سرکایتنی به مردو و به گزرِ تاوانیکی گعره و ناشیریند. له کرردهواری دا ثمت به کاریکی زور نزم دانغری. هیچ لیکزلیندوبهکی جیندی و بینلایعن له سعر تم تاوانه نمکرا تا دستی تاوانیاری راستطینه ناشکرا بی.

•

له گفانسید رمبراد جیا پرینده له یدکتری و شعو تیمه چرینه گزندی دیمهیارار به میموانی مناله شیسخیکی قسمه خوش پرین. ریژی درایی به سورکیبسردا تارای دیری کردنستانی عبراق برین.

گرندکانی سرمهان، زی، چاله خفزینه. له سمر ریسان دا بر، له هیچیان لامان نبدا تا گلیشنینه گفتاتی، صاویهٔی لنوم پیش هالیکریشمری عیبراقی له کاروانیکی گفروی کاروانچییهکانی دابر، تیسک و پروسکی ولاخه کرژراودکان به دروایی ریگاکه گفرون بو، دیمنیکی تاشیهن و خفتاکی هغور،

له قفالایی گیر نهرین به دهشتی خبرمان دا به ری کنوتین بز دوستندرد. شعر چینه مالیک لدی پیرمبیردیکی نروانی کنرولالی لی بر، به تبشارت قسنمان له گفا تیکرد. حضیتی حاجی ساپیر لیپیرسراری نارچهکه بر، هنوالم بز نارد بز روژی درایی له گرندی روزله بینیم و ، صعیصتی هاتندگیم بز باس کرد . هنوالم پز صاصه روزام نارد که نوسا له سعید صادق دوکاتی همیر و از یک کارتین نموان بیند گزندی بهدومرش و منیش پچسته نموی، نیسرمروی روزش داهاتر صاصم به تراکتسرد هندریاتی هینا بر ، له بهردمرش پدکسان گرلتود ، پاتی باتره سال دایکی و تالگیم بهنیسهدو ، بز یدکیم جانیش برازام و منالدگانیم بینی، ناتی نیمورومان له صالی جوامیریکی بعردمرشی خوارد ، صالیکی باش و به صفعیقشت بین و ، به نال له دورود منیسان تفاسی، فسسم له گمل دایکی کمرد و ، له گملیان ری کموتم هندسیان بین بز ناوزشگ و ، تیستم له یدکشری جیبا بریندود: تنوان گملیان بی کموتم هندسیان بین بز ناوزشگ و ، تیستر له یدکشری جیبا بریندود: تنوان

له گفا جمعین جاچی ساپیر و ۳ پیشمبرگد: کامتران شدهاب جمعین تاموزای جمعی حاجی ساپیر بدوی کترتین بدیر و چیسی گفالای، چیسی گفال تاریمیدگی شاهاری سختی جاچی ساپیر بدوی کترتین بدیر و وچیسی گفالای، چیسی گفال تاریمیدگی شاهاری سنختی پر که داریهار بیر شهرون بر شهرون برای شهرون بیرون بیرون بیرون برای به خسروایی مسیدرساه، پمرخ، بیسردگ، زلزلد، هندیکیسان گردندی گندود بیرن، بیالام به خسروایی بیرونان تاریخ به هارین چولیان تمکرد، دانیشترانکس کیکلان بوزیک چمدیکری رشک و، نارچهای بی تاریز، به هارین چولیان تمکرد، دانیشترانی کتوبرایی حالان بیرون بیرون بیرون بیرون بیرون بیرون بیرون ماتره و بیرون بیرون کندورد بیره، پاسان کنم و کتر بره، خانیشتران کندورد تمالی ماتره و کتر بره، خانیشتران شای کتاب که می در کتر بره، ماتریک شروه بادیمای گیران با خانیکانیان تماک و تاریک و نزم و گذشترکالی بر، تعربا هیچ جروه جادیمای گیران و با

چندی به ناریانگی نارچهی سلیسانی: دخرله پیزده له تیردی دیبسبری» بود. له سعردنای پنامیاکان دا چند سالی ناسایشی له نارچهی شاریاژیردا ننجیشت بو، به دبیان پرلیس و کاربندمستی حکومنتی کوشت، تا سعردامهام موتحسفریفی تعوسای سلیسانی عرمم علی، له ناو خریان دا چند کسیکی چاند، له کانی خعرتن دا کوشتیان.

این الله سیردمی میرسیبانی دا گداری بالقیان که خیمالیبان کردو، یز تازادی، به پارتبرانیبان کردو، یز تازادی، به پارتبرانیبان رترد: دشیری چندگاری، به سیخ محسیدردی کان به این به کسیری بارتبیزانی تدکیرد، به سختیبدرانی تدکیرد، به سختیبد این به این به کسیری پارتبیزانی تدکیرد، به رئیزی نامی تازیز به تازیز کرد. رشتی چند به به معنایه له زارتانی در این و ماترد، که له تشکیر تدکیی جاسنه به ناری قدرارگای ترودوی کسیده سیختی این چنانه له سیالاتی درایی دا تتوشدهان دزی و جیموده یی در راوروی کرد، معنای کم و شعید له تاز خطک دا له پارتبیزانیزه گزرا یز جدوده یان و دکتر تازیزا یز

ئیسنیش زور جار تعرساین رشدی پیشممرگاش ومعای لی ہی.

.

کسال شاکیریش گلیشته لامان. بو حساندوه و فراوین لامان دایه گرندی سلیماند. سلیمهانه کنوت پوه ناو گدوری شباخیکی بعودهاندوه. حبصه و کنممال و من پیکنوه له مالیک و، کامغران و تعوانی تریش له مالیکی تر بین. خدیکی نان و ماست خواردن برین. خدیکی نان و ماست خواردن برین، خانون مالیکه عاته ژرودو درنی: وشاخکه چیکداری پسردید دوریان گرترناه به په له مالدکه دورچین و، پیشمبرگاکانی تریش هاته دروی. له بعزایی شاخکهی شاخبکی براسیدی. تا گلیشتیت نوی تعلمان له سعر بر، تیسطش گلیشتیته شاخکه و، تیتر شریتکهمان قایم و سعلامت پو. چیته سعر کروره کانیهگی، تاریکی کهمی دهبر، بزر پشردان دانیشتین. له دسمبری یه بیتماری له میشداری له سلیسانه به جی ما پو، بندهایشتان لی دارا بو. ما بینادو دهد و دهبری تامیزاری و کسال و من.

ریژی رابرردو، فنرمیدن صنعه سالح، فنرماندی یدکی له کنترتدکانی هنریسی یدک، چند پیشندرگنبدگی حسکی له مزگدوندگدی بیردک دا چدک کرد بر، تارپیچیدگی لی سنند برن. چدکداردکانی حسک ثم پنلاماردیان بز سنر ئیسند له تزلدی ررداردکندی دریش دا کرد بر، واصان به چاک زائی دهستر ئیسوارد پچسین بز قندیلد و، لدیرد من نمینکی بر تابدی عطی والی بلاسد.

بر، دابخرن، مورنه گرندی قعیله، له مالی حاجی عملی، که ناسپاری حصص حاجی ساپیر دابخرن، میوانیکی کیشیان عصر دوریشیکی قسه خرش برد. نامدیکم بر تاپیر نرس ر، له نامدیکم بر تاپیر تاپیر بن داندگرد تاپیر کا تاپیری در له نامدیکم بر تاپیر تاپیر نامدیکم درم عاترمنته نارچدکه ر، تاپیر نامدیکی کرم عاترکردندردی گریش بیران پیشسه کنگانی معرولا پدین و سیرورمانی خرم دربری بو لعربی که پاش دس یا نامدی بدکتری میاند سال نامدی به شعری پدینی در در ویشت، شعر تیتر تمعاتده یز لای تیسه. به نامدی به کسیان نامیاریکی خوی دا نام کاته کات با بر له گریشی عیزخراجا. تا تمو کاته کسیان نمیاندازی کیم را بر باسی میاندازی گیرا بر، باسی ماتی در داری گذشتنی تامدکم تینجا زائی بویان من عاترمدته خراری

ثم نامه ترسینه، بی خز تاماده کردتی پیشمبرگیی پیشه کی، هطعیدکی گعوه و گرشنده پر کردم، له پاتی تعره تعیر دهسیمبی همدر هیزدگانی به کیتی له تاریجه کندا کو پاکستور تینها نامهان بز بنوسم، به کام من تعرفندم له خوم راندوی و به خوما رانهپادرمرم که بی چهکدار و هیز بچسمه ناویان و قسسهان له گطا، یکم، به تابیستی همسری چهند مطنعیدک لعود پیش چهند تعناص ستوگردایشن حسکم بیشی بود.

دستو بنیاتی کسال رولامی تاسکنمی بژ تاردمتره که ملاژم تاینز ترسی بوی. له تاسکنی دا: پیخرشمالی خزی دهروی بر له برتی من له تارچهکندا و، گلابیدکانی خوی له یمکیتی ترسی بر، تامادیی خزیشی پیشان دا بر بژ یمکتر بینین.

روژی ۵ ی کساترتی دومی ۸۱ ، تازه نانی بنیانی مسان خسرارد بو ، همر له نار مبالکندا دانیشت برین، خارین مبالکند هات وتی: دنارایی پر بو له حسکاه ه هربوعنند حسک همدیان مهسترای برن، نارم بهرسن مهسترادکنیان کی یه. قادر چاوشین هات، دمیک بر قادرم تخاسی، قادر له پیشمبترگد کرندگاتی یهکیتی در خرشکنزای معهدلقادر مداونی بو ، له جهایرتروکندا دابریه پال حسک، من پیشی گمزانموم بو ، هموالی مبلار تایمر و هستزدکمیاتم پرسی، وتی: دله هززخمواجمان. ی پیم وت: دیا بچسپن بز لای) یه به کرمنا، به ری کموتین.

له هوزخواجها صلازم تایمر و لیپرسراوه کانی تریان به پیرسانموه هاتن و ناره یان همندی مریشگیدان بز نانی نیسرور کری. دانیششین بز قسمه کردن. باسی تیگیرشی مطرصعربی نارچه کمهان کرد. صلازم قایمر باسی تعربی کرد که معلا بخشیهار هیزبکی گلوروی کو کردوتوره، چند چار ریگای پی گرتی ده بزسمی بز ناردنترو، صغروزه کانی پهکیتی چند جار تنگیان بعوان هطچنیوه و، پیشمه گلیان گرتین و چهک کردون. قسیو پهکیتی چند بایران چمکهاوکانی همودولا خار بکمیندو، پهشرکاویان پهره دیار بر پهکیندو و، گرزی نهران جمکهاوکانی همودولا خار بکمیندو، پهشرکاویان زیره دیار تا بایم و ی نمختیکی تر راوسته خری چوه همیرود. خواهی همه تا تا هاند آیرموه تلفتگاهی من، به دیراورکحدا هلهسیدورا پر، دهستی دایه و بردی، تیشر تهگیشتم. صلازم تایمر پهاریکی گیرم هینا ناخریمه کانی وزد: دیرادوران توره بیاره و بردی، تیشر تهگیشتم. صلازم تایمر پهاریکی گیرم هینا ناخریمه کانی وزد: دیرادوران توره بیشتر تهگیشتم. صلازم تایمر پهاریکی گیرم هینا ناخریمه کانی وزد: دیرادوران توره بیشتر شدندی منجم کرد، به گیرم هینا ناخریمه کانی وزد: دیرادوران توره بیشتر شدن که کلیان بینیشدود، چرنکه له خیران

رتم: وگلداندوی من له لای خزنان کاریکی خزاید. رمنگه ثبوه هیزهکانی یمکیتی برروژایش و بیشه سسترتان، ریگام بدهن بروم یؤ تمودی وهکسو خسرتان تعلین گسرژیهسهکسه نعمیلماه

وی: « تز میرانی لای ثبته و زور موحدرمی و. .» هغذی راوه ریوی هیابیره. منیش رد: « کاک تاید لم مرجماسطه ناراستمانه گلری، من نه میسرانم و نه مرحمدرمم، بطکر گیرارم و، یم کاره تاویکی خراب تریزن و سایهشهیکی خمتمر له جرلاندوی کوردا دائمیان، ثیتر هیچ لایک باور بنوی تر ندکاته

ودکر دوایی بیستسموه، تم ماویهی من له ژورده له گفل ملازم تایم و قادر جهاری خمیکی گفترگز بوم، له دو بردن هفتنی له روده مسترلدکانهان له نار خزیان دا مستوریکیان بود له سمورد، که تازه چر بود نان گلم بدانده، ربونی خطیفه سمهدی نامززی حمیمی حاجی معصوره، که تازه چر بود نان حسیک و بربو به دوژمتی خرینشون ی یمکیتی، کمریمی داده معنه و خرایش حمده تاته و، چند کمسیکی تری لم بابتانه وت بریان: دائمه فرسمتیکی باشه غلاقان کموترته بعردس لای خزمان گلی بدمینبود بز تعوی همزدگانی یمکیتی تیشر نمیننه سعرمان و، مسیحه کانی خرمانیان به سعردا بسمهینینه معموسیمین نمویشسیمان کموه بر کمه تماکنو نیسزم بدن، تعوان تعقیم لی یکمن بمکران و تصلیمی حکومت بیندوه، مملازم تایمو و قداد و تعوانی تر له ژیر تم گوشارده بریاری تعلیم دادیره،

من تینتر ناترمید بوم لیبان و، زور ندترسام تم گدوجیتیبدی تصانه کرد بریان، بهی به هزی شعریکی خریناوی سترانستری له تیوان تیوان و یدکیتی دا، سعدان کسی تی دا یکرژری و، همدریشیان جنیر به گورهکدی من بدنن.

له هوز خواجاوه کموتنه گمران یو دوله پهنوت، زمردویی، کمولوس، قمویلد.. دی په دی منهشههان له گمل خویان تصموراتدمود. له قمویله برین له پر وتهان با بروین بز شاخه که. هندی چهکفاری به گیستیهان له نزیک قملای سروچک دی بور. گردیان به هللا وقیان: ولمبورم تدور مصناعتهی تیبوره وازمان ای ناهیتناه بر به شمر. گسماری چهند پیشتمبرگیدیکیان داگریهان. دورکموت مطرونیدک بون له گفل معصیره گیرمیانی له شارخور بین، تاگایان له بعزم و رفزمی گرتنی من نمیرد، بز حموانموه و پشردان تمهین بز شاراغ و ره به ریککوت به سفر تم شرداد کموت بون.

مامیمالال له دوروه یو، عنومتر شیخ موس، عرمتر مستنفا، کعمال خرشنار. بنمال حاکیم، جمعفتر، مالاژم عومتر، فدویدون. له یاردگاکانی مترکردایدی یون.

مه کتامی سیاسی بنیانیکی له ستر گرانی من دمرکرد بر به رادید خیند پریاندوه.
هنوششی قررسیان له حسک کرد بر و ، له همان کات دا داویان له حشع کرد بر ، به
تایینتی لمر کانده هنوز معدمتدیش له کرورستان بر ، هنولی بدردانم بدن . جسال تایین
تایینز نرسی بر ، هنوششه لی کرد بون که تدکیر من ششیکی ای بی، بنصاله کمیان له
تاییز نرسی بر ، هنوششی لی کرد بون که تدکیر من ششیکی لی بی، بنصاله کمیان له
روگوریشد دو تردخینی عملی به گ مارویتی دریز تنفسیی شروطه بود ، هنوشکی به
جددی ومرکزت بود ، نامکنی برد بر بز کاریدستانی دادست » سلیانی . ملا بعتبار و
سلارش تریی هزرگاتی شاریاتری « هنوامان، شاروزی ، گنرمیانیان کو کردیردود له نامد
نامخرسین دا برن له گلا ملاژم تاید و ، هدرشه و گروشیان بز کتاردن.

هبزدگدی حسک و لپپرسرارکانیان سعریان لی شیرا بر تعیانتنزاتی چی یکنن و. چی له من یکنن، له تار هبزدگانی یککینی پش جیبان به خوبان تندگرت، چرنه دوله سرو و به نیار تروردگای شانددری دا چون پژ کینژی سروین، له شانددری لایان دایه مالی جملالی حاجی کاکملی، جملاله هاروی ی کرصفه به، زوری پی ناخرش بر منی بعر حاله در، هپچشی پی نشکرا، چهنه تشکولی دوره گزلان له شاخی سروین.

سُورِیَّنَ دَیِرِیکی تیران و دیریکی عبراق بود. به پی ی پیمانی زخاری تیرانی – عرسمانی تم کیره کرا پر به سُنری هدود و دولت و، له پیمانکدا ناوی قمادی زمار ر گفردندی چنقان هاتره، ودکر تاریخی سنور، هدودکیان لم سدر و تعرسمری کیری سرونن دارن.

چفد سسموجاویدکی ثار له پناری سسروین داید لعواند: چنمی چفلسان، کسه له پدگراتنی چنمیکاتی جرممرومی، عمرجسوار، گمراتری دورست تیمی و ، چنمی شبلی، چنمی ریشیزن، چنمی شهرمدر، تم چنمانه تعرفیته شارداروردو. قسمیدکی کزن همید، پز تیرون مثال دمنی تعلقه یکا پی دوباره تدکشترد، تلی، دچومنه چنمی چفتان، چلسان چیلترکی تنهطان)، سفرجاری شطم تاو،کنی گذرند ودکر تنیاترت ماسیدکاتی کربر بون.

سروین چندین ششکتوت و کمبرگی لی یه، لعوانه: دمره گولان، هنزار نمستین، قرچی سولتان، دمره کوره، له دولی خورندوزان و وشکمناویش چند تمشکنوتیکی تری لر، یه. کانی و تاو له هیجان نزیک نبور، دمره گولان پدرامیعر ساید صادق پر،

تاواپیدکانی سورین و بناردکنی: چدونان، کرلیتان، زمنگیستر، خرنرک، سیامیرد، کانی سیف، واقسست، پدرتشکتونان، ترتعقاج، قالیعزد، تازد دی، بدردبیال، جرسترسی، پرویندر، تعری، بانی بترک، چناره، دورگرلان، میری سور، ریشین، عاموره، بانی شار. قاینجمد، دهمو راگریزرا بون، گرندی دوزلیه که له دیری تیران به سوریندو، بو، بنکمی سعردکی پارتی لی بر، تادر همورامی بدیرسی بنکدک، بر، همندی له پیستسمدرگ،کبانی حسک هارچزیان تدکردن.

تعر ماردیه متیان به محصوری حصه تاته سپاره بر تیشکم لی یگری. غفرر (دورسیم) یاریفتری محصوره پر، محصوره برایه کی خری له گفا پر، گالتدی به حسک (تکرد، همیشته شدو دهرکهان بر، یغفر سوریش گرت پر، هغوا زیر ساره بو، رایهخ و پیسخفیسان نیمر، له پن قاشته پنردیک دا له سنتر تعرف به دیار تاگری درکملاویستو، مغلترشکا بین:

زورجار غنطور و کنویم تماندایده به چارما که تعران پدروازی دستی مان و، من ورد اورجار غنطور و کنویم تمانده من برن بدن ما درد کردن تاچارین تصلیمی وقیم پینده و ، درایی بیننده شاخ و له داخی من برن به در منک و در کنون سیاسی و پیشمبرگایائی درا یکنون، هدروکیان راستیان تمکرد، بهلام من ضبح درژمنایشهیکی تاپینتیم له گلگ کسیان نبور، معزم تمکرد تصانیش پیش بهش بهندی رد به برد تبوری تامیزگاری سودی نبیر لیم برسی بردوری در این بردوری تامیزگاری سودی نبیر لیم برسی بردور و رد بردی تبرولیم

ندر کناتنی له شارباژیر برم جاریک به در قنزلی له گناه کمیم دانبیشتم معندی نامژگاری بکم. پیم وت: و تز له سایعی شررشنوه له کمریمی دادستنوه بری به دکترر چالاک، له کاترکا نه دکتروی و ته چالاکی، هیچ کلیه یا معمهدیکی طبیت نمخیندوه ره معمر بیازشیدکیش به زار له خمو معلت تعمیان. هیچ نبی شدورش تنو چاکمیمی به سعر تز ر غفور بنگار و خولدی چگرموه هایه کردونی به د. چالاک و دمرسیم و نهبز، له بعر تموه حروستی شورشدکه بگرن، تدکیر باکی ناوبانگی کومداه و یهکیشیشان نیده، باکی ناربانگی ناردکانی خوتان هیریاه

کندریم کنوریکی رویا و لجلمیان بور هنرگیسز بز تسسنه دانشمسا. دوای ثنوه به مارهیدک تصلیم بردود. پاش مارهیدک تامنی ستاری سنمید خاطفی بز هیناین. لای تیمه نمایتره چر بز لای حسک. ثبتر تعمینیده تا لیره یدکمان گرتدو.

کمریم به ناوی گلهاتنش پهریشی سپزیدره له سرریندره په نار ثیران دا گعرایدو، پز دراوی درلنتر. غفترر جارویار قسمی خرشی تدکرد. له نار خزیان دا بیاسی زدادمیکیان تدکرد به خزاید. یدکیکیان رتی: وحیزب دبری کردرده، غفور هطی دایه، وتی: دبزچی تم حیزیدی ئیستش خلک دمرتدکات:»

عطی بدگی بارکی تایمر هات یز داره گرلان. راسپارددی د. فاضل بدرداک بی پی پر، که تعرسا بدیرومبری داممنی هام پر، به بارکی تایمزدا جرایی بز تارد بین که منیان تسلیم بکن، باز شکال تاوه بالی تازانن کاریکی وا یکنن بکدومه کصینیکی نعواندو و، به زمندویش بگرن، بدرامیسر بدو بطنیسان دابرتی چمردمبدگی باش پارمیان بدشی ششی ومعا له ملازم تایمز تشویشایبود. قادر جهاری مصدفاتدی بز باس کردم. کردم به گالند له گنلی وتم: وتا چنند سالی تر خرماتی یهکیتی بکم بایی نمو پارویه خرماتم پی ناکری. منیان تصلیم یکمن و پارهکه وسگرن و بهکمن به دو بهشعوه، بعشیکی بؤ خونان و بهشیکی بؤ یهکیتیراه

شعولغاو تاریجیهکیان نا پر به مالی عطی بهگدره له سلیمانی. تایعر به گلمیموه روداوکمدی بز گلیمرامنخوه. تعو به هارویکانی متی تنزانی. بقلام به راستی تعوان نمیون، دتمنی سلیمانی» بز خرشکردنی تاگری ناکرکیهکه، تعمیان کرد پر.

چند جاری محصود بانی راکردنی له گلا کردم. تعیرت: دتدگتر بلیتم بدیتی شتی کرزم له گلا حساب لهکنن و ریزم بگرن و، چکن به قبرماندی کمرت، له گلت دیم. و لعر کاتدا کعولی من پاری زوری تدکیرد بازمرم پی نشدگرد له گلی بروم، گریم نشدایه قسمکانی، خلیقیی عمیدوللا سارف، که خزی به یمکیتیکی توزار دانشا، تمیش چنند جاری تبو باسمی له گلا کمردم، هلیکی له بارمان بز هما نشدگسوت، روزیکیان داینی بیون بز ناو کلارداکانی قاینجه، قادر جمیاری مان له گلا برد دنیا تصرفویکی چر بر چار چاری نشتیشی به خلیلهم رت: داشرو فرسعه با بررین و خطیله ملی ندا وتی: وشترسم پگایت سر جاده که و تصرفر برمویتده و بگیریین، خطک و انتزانی به تنقلست تسلیم کردی و خطعکمان له دس چو.

چند ثیوارمیدک یز شیر دایان بنزانم بز گیلدک، شیرمندر.. دوای تدو تیسر بردمیانه تشکوری و منزار تصنین». حشع لم تشکدرنده! ینکدیدکیان دانا بر. له گنار تبوان بین یه یمک مال.

دانیشترانی تشکدوندکه تیکدار بو له: معفرهزدیدکی حضع، کابرایدکی گیرار به تارانی جاسرسی، معفرهزدیدگی حسک که پاستوانیمان له من ر حمدیی حاجی ساییر و قسره تذکرد: همروها یکشدو عمرومی عیبرالی که لعو هغرایدا له گماه حسک بین. پاشباری هرزدگین حسک له ناو دولدکده بدرامیر به شارهزیر دامنزر بون. فعرح، نامدی ملا یعفیاری بز هیتا بون، ریگهان ندها بر بگلویتمو گرتیوان.

پاش چنند روژی حصمیان بدر دا. من و فدرج مابوین.

گاوری شبیخ لفتیف و ناصبر حسفیهد وناله و هان پز تشکوردک. له گلل پدرپرسکانی حسک قسمیان کرد بو ، قسمکانیان جبگدی ندگرت بو ، ثیرتبان لی ودرگرت بون بین له لای من پیننده تا چارهرسی من به لایه ک دا تمکدی. کاره پهاریکی قسم خزش و نرکتهاز بو ، توری حفز له راگرتن کمو و راو تمکرد و ، نیشانچهیه کی دهسراست بو ، بهلام نمفزش بو ، به شریقه فعوی لی تمکدوت ، زور کم تعنوست و ، زور کمم خواردنی تمضراره . مطرستری زن ان له تمشکوردک ده ناخرش بو . زوری له گما خسریک بوم پگنرشتان و ، به قسمینی نمکسره و بز پارزگاری من صابحوه ، مسترسی هدیر یه کی له پشتمترگانی حسک، بز پاره ، تفنگیکم پوه بشی و بروا تعلیم بهیتموه.

.

حشم، به تایینش هنزیز صحهعد، له سعر دارای سنرکردایشی یهکیشی، هنرلی زوربان له گله سغرکردایمتی حسیک دایر یز بعردانی. سعرکردایمتی حسیک له سعرداندا هغندی برویهاتریان فینا یعرد و و هندی صدری سیاسیهان دانا بو . سغریانها او دویشی ۱۸/۲۲ دا بریاربان دا بر من بعر بندن. به نامه تاگاداری حشمیان کرد بر، نامهیشان یز هاریکاتی خربان نرسی بر داویان لی کرد بون: دیه بی قعید و شعرت یبرم بندن و، تسلیمی نویندی حشمم یکند. ممکنمی سیاسی یهکینی جمغال حدکیم و، حشم قادر رشید و عملی کلاشینکرف یان له ناوزهنگوه نارو بر یز تیم معیسته.

روژیگیان له تشکیرتکه دایانیوزاندین بر دشتاییدگیی پیردمی. جمعال حکیم، که تبرسا تغنامی م س - پیکیتی رد دارای شیخ جمالی حطید، که فیرماندی همیم پر، له گیلا تاقمی پیشمبرگه لعواند: شیخ هرمتری حاجی شیخ کمریم، هات برن، نامدی سرگردایش حسکیان بر تایمر و هاریکانی هیتا بر من تصلیمی تعران یکنن.

لبپرسراودکانی حسک ناصاده نمین بریادکانی صدکشتی سیاسی حیزیدکنیان جیزیدکنیان بیسیستی سیاسی حیزیدکنیان جیسیمی یک در ۱ نشدگیان جیسیمی یکند. دارایان له جعمال ناشا کرد برد یز نموی من بدر بدن . . ۱ نشدگیان بداری داراکمی قریرل کرد برد، رح بدن در تعظی کمادکند کراومان نید له عنصار دا، نمین بچین له نار موزکان دا کرد کمیده در در او کرد کرد موزکان دا کرد کمینده د

تم دارایتی حسکم پی سرکایهتیدگی زور گمره برد، خرم له بعر چار کعوت برد. چرنکه یدکی بر له ترمترین شیردگانی دلیبتیزاز به. تمم دارایتی تعوان زباتر لعردی له هی حربی سیاسی بچی، له هی باندی ماقیا تبچر.

نبروریه کیان ملازم تاییر هاته لام. چند سمعاتی مایده قسه و باسی گشتی مان تکرد. پیش تعوی هستی بروا ، وی ، وثعو برادوانعی تیره نبرشده هاتریهری تم ناوانعیان کرد. پیش تعوی هستی برا ، وزی ، وثعو برادوانعیان ند چسی گمالا کو کردوندو، رینگه کردوندو، رینگه پهلامارمان بدن له چسی گمالا کو کردوندو، رینگه دوانا ، ناز میزدکدی حسک دا چند کمسیک معین بردردوام هنوال و دنگریاسیان بز تعویل به نتیجام ، یککیکان ضعیعری بز مینا برم که لاگله ناله معیرامی ریک کمترین له نری، بانی شار بنکیدی هاویشی پارتی و حسک دانین و ، صنیش بیمن بز تعوی بز تعوی بز تعویل بز تعویل بز تعویل بر تعویل ب

که تایمر رویشت به کارمم وت: وگریت له قسمکانی کاک تایمر بواه ولر: وبطراه

وتم: دنطی ی چی؟ه

وتی: وتز خزت چی په چاک تهزاتی بیکه؛ ه

رتم: وتُدگئر بِبِین پر لای پارتی، تیشر هیچ هیرایدکم نامینی، له یعر تعوه پیم باشه تعشعر فرسعت بهیتین بروین»

وتی: وتنز برؤ. هنرچی چهکیکیشت تنوی بیپیدا یهلام من بر ناکم و ناصعوی دوات بخدرو وتم: وتعترسم توشى كيشه بيني له كالم حسك،

وتی: وگری معامری، لام وایه ترشی کیشه نایم، تدگیر ترشیش برم، تز لمر لای مشورم بخزا ب

ئيتر دلنيا يوم شيخ كاوه ليم زيز نابي تعتوانم به نازادي بجوليم.

پیششتر له بعردصی تشکیرتکجا زور جار راوستنا پرم، سعرفیی سعردوی و ریگاکانی تصلا و تولایم داور . زور جار برم لی کرد پروه تیگیر بروم له کیپوه بروم. بیان ره اید ریگا تاسایهبکان دا نبوم. شعری به تاریکی به لای تشکیردکندا راست. و راست به شاخهکدا مطبگاریم و به بنازی سورین دا پدرم شانعدری بروم.

فعرهم ناگادار کرد خوی ناماده یکا. کاره رتی: وندوکر ترقی تطه پن چدکی پیشمبرگذانی من بینزه من تصنعیست کاره نیمراج یکم چدکی لی روزندگرتن، یکام منتی نارفیرکم لی رحرگرتن. کاره به زیر دسانیدکنی خوی دامی. له گذا فدرم با مد کورم که من درچیم تعیش به درای من دا بیت یز ضرینی چاردروانی. دوریدی سمات کورم، دنیا زیر تاریک بو. چار چاری نخمینی، بعرده قرتدگانی بدردمی تشکیرتدکه درچرم، دنیا زیر تاریک بو. چار چاری نخمینی، بعرده قرتدگانی بدردمی تشکیرتدکه به بی رارمستان روم کرده الای سعری تشکیرتدکه. چاردروانی ضمرح بهره درای تاری به شاف تا و، در چانگذاری شیخ کارش بز پارتزگاری به درامان دا طاکن زیر به خیرای پدکشارکانی شیخ کارمان تیزن دا. ده دهلیشیه کی چر کابرای پاستوان که زانی نیسه چیدکنارکانی شیخ کارمان تیزن دا. ده دهلیشیه کی بچر کابرای پاستوان که زانی نیسه دیار نمساوین و، گرمانی کرد بر رامان کردیی، رزیک تنقدی کرد بر عرشهار کردندوس دارورکانی، گری مان له تفدکان بر یکام تهمه تنوشه دور کموتیونتوه معترسی تعوانا

یه پناری سورین دا رویشتین به سعری ثیردوگای شانددری دا له جادمان دا ر پهریندوه پدری چمس گیدلال. تاریکایی شمو و ساندویهتی سموی لی تیکنا برین شمور پهریندوه بز لای کانی سپیکنی پنرخ، تاریک و روزی بنیانی ثاقاری راستمان دوزیبدوه به شاخدکند! هملگدرایندو به لای مایندول دا بز چمس گفلال.

ديدان معنسرليكي زليان يعلمه يوداء.

درای ۲۲ روژ دیای گنیشتمنوه نار هاوریکاتم.

حسین حاجی ساپیر مالدگدی له پسرخ پر، چرده مالی تنوان. جسال تاغا خبریکی کزکردنبری چدک پر بود. پاش دانیشان و کزکردنبری چدک پر بز حسیک، ثم تبرکد زحسته تنی له کول پردود. پاش دانیشان و گفترگذر: زیری هیزدکسان ریگه دا بگلیندو، شریتمانی شدی نید و، نامیه کشتر کاک تاید و هاوریکانی ناود، دلتیام کردن لموس یدکیتی نیازی شعری نید و، ثلوان به نازادی و دلتیایی تعتوان له همر جبیمه کی خریان تعیاندی جنوله یکنن. یعلم تمو کاری تعمان یه کیتیود.

و دلیایی تعرف ناروند و دار با چهندین سال زانیان تشکرد بیت نارچه کانی ژیر دسمالاتی یککیتبود.

تدگفتر تم روداره نمبرایه لعوانه یو روش آیانی من به جدیدگی تر بروشتنایه، چرتکه درای تصد نبشتر اید. چرتکه درای تصد جاری چرتکه درای تصد بخاری درخم بر بروشتنان بلاستان بر له بدری کیشنان ساله بازی یککسیان بدر له به بازری یککسیان بدر له بینارازی ۷۰ له گفتا کچیک، که به تاروزوی دلی خرم مطبوارد بود. ریک کمرت بوم بهستنی نازاری ۷۰ له گفتا کچیک، که به تاروزوی دلی خینا، تصدیحسارهیش به هزی تم بستاردارد، دارداردی،

پاش چهند روژی مانعوه له شارباژیر گدرامهوه ناوزهنگ.

كاروبارى كزمهله

رموشتی هاوری ی کزمطه

له خهاتی ژبر زمیتی سیاسی - چدکداردا هندی جار کسانی دا پیش تدکمون که او آب شن تدکمون که او زیانی گشتی دا خاوض پایمی بعرزی کزملایتی و دسملامی حرکدرانی و سامان و دارایی نمیون، بهلام به هزی خهاتموه دهسلات و چدکدار و پاربیان تدکمویت به دهست، به گزری و تهکیارتی پیگیاندنی راست و بدرورده کردنی درست و ، نامیزگزری و چاردیری بدردوامی له گنا، نمی کابرا بدرو کمنددلای و فساد به نمینگزر و تیکزشره و تیکزشری به جزری له باندی مافیا و ، کابرای بیکزشمر به سروکی باند بان به دهیی شویش.

له شؤرشي كوردا غونس تعمانه زوره.

کزماند ریکخراریکی دعقائدی و پر. پیروپاودر تعنامه کانی به یه کدره پست بون. من و زلزی که نه هاریکاتم لامان وایر که تیکژشتری کزماند ناترانی له هممان کات دا در ژبانی همین: ژبانیکی تاییمتی و ژبانیکی سیاسی، لاسان وایر همردرکی به جزریک تیکلاین که له یمک چها تاکریمور.

یدکی له ژبانی تایسمتی دا در بی ناترانی له ژبانی گشششی دا پاک بی و، له ژبانی تاییسمتی دا دروزن بملام له ژبانی گششستی دا راسستگز بی... بز پسکمیاندنی نمندامکانر، کزمله: ۱. چاودیری و تامسزژگساری بعردمرام هنبر. هنر پهکسیسکیسان مطعیدی بان مرخالطميدكي يكردايه بانگ تدكرا بن ليدسيندو، و سزادان.

٣. بعردموام بالاوكراودي تارخز بز ريزهكاني ريكخسان دمرتميو.

٣. دمورس يېگىياندنى كادر تەكراپىرە.

یه کی لدو بالأو کراواندی تعیر به وردی پیرمزی بکرایه تعمه یو:

ربوشتی هاوری ی کزمطه

عاري ي تيكزشترا

هاوري ي كزمطه په چې له خطكي جيا تهكريتموه؛ په چې دا تماسريتموه؛ تبي جهاوازی چی بی له کمل پهکیکی تر۱ تاخز رهنگ و روی جهاوازه ۱ جلویموگیکی تر له بدر تدکا ۱ شاخ ر بالی هدید؛ بالای بدرزد؛ یا چی.. ۱

هاری ی کزمطه مرزفیکی ناتاسایی نیه. هاری ی کزمطه تادسیزادیکی تاساییه ره کس هنمسو خطکی تر، یعلام تنهی به کسردار و رهشتبار و وتاری له خطکی کنه جسری یگرپتدوه.

هاوری ی کزماله پیریسته له کاری سیاسی و ریکخراومی و پیشمارگایی دا غوندی تیکتیبزام و گویرایطی بی بعرامیدر به لیپرسراو یا فندرمانددکدی و ، له جسمجر . کردنی بی قمید و شعرتی فرمان و بریار و ناموژگاری دوزگا دسملاتداره کانی سعووی خزی .la

هاوری ی کزمطه ثمی له ژبانی رؤژاندی دا فرندی مرؤلیکی فرندیی ہی، له قسم و گفتوگزی دا، له مطسوکتوت و گردنوه کانی دا، په گویرس مطومتری نیو کان و شرینه نریندوری بروباروی بدری گذمهاه و ریباز و سیاستدکتی بر.

هارري ي كومطه تعيي له شعرا غرندي تازايمتي و له خو بوردن و له خو بران بي. له حمسانعوه و پشودان دا هاوريكاني له بهر يي و، په پيشهان بخا، له ناخزشي دا په تعنگهانموه بی و مشوریان بخوا، له رایماندنی تهشوکاردا روح سوک و لعش سوک بی، له گفتوگزدا هیمن و له سعر خز و په تعدمې يي.

هارری ی کرمطه له کالی دمزگیر بون دا نعی اوندی خزراگری و نسمی بی و، له ژیر باری نشکهٔ ایسه و تازاردا فرنس دان به خسزدا کسرتن بی و، زبان به هاوریکانی نەگىيىنى.

هاوری ی گزمنله تعی قبیری ژبانی به گزمنتا و گرانجان بی، تعیی بزانی چزن له كمل خطكي ترا تعزي، له معقر و ديك يا له كعرتيك دا، له ماليك دا يان له باروگايدك دا له گط پیشمبرگه و خطکی ترا تیش نه کا و حمل نه کا و نه گرنجی و بناغمی دوستایه تی و هاوختهالی و هاوستنگفریهان له گفل دانسمزرینی.

هارری ی کینوسیطه تعی له شکان و تیکنوتن و تخگانندا وره یعر نندات، له ماندویون و برسیتی و تینویتی و بی دورامهتی و بی پارویی دا خزگر بی، له بی هیزی و بي دمسدلالي دا يه زات يي. له سمركمون دا يايي نعيبت و له كناتي دمسهلانداري دا له خُزِي نهگريت و له زال بون دا زولم نهكات.

هارری ی کسومسطه له همر تارچهیدگسا بو تایی حسورمساتی هسورف و عساده تی

دانیشترانی نارچهک، حرومتی خو و روشت و نعریتی دیرینمیان بگری، حرومهتی ریش سپی ر پیارماقولاتی نارچهکه پگری، حرومهتی دین و کهسانی دیندار بگری، حرومهتی مزگوت و گزرستان و شرینه پیروزهانهان بگری.

هاروی ی کزمنله تعی له گفل خفلکا رطنتاری باش بی، به چاری سوک تصاشایان نهکات، گزی له رطنتاکانیان بگری چفنده بی کلیک و سادش بن، گوی شل یکا بر دارا و پیشنباردکانیان، به سنگیکی قراراتموه تامزژگاریبان لی قربرل یکات، به دهنگ دارا و گیردگرفتهکانیاتموه بچی، بعویدی ژیری و هیمنی و پشردریژیبنوه هعولی چارمسترکردنیان

هارری ی کزمطه نمیی له بدرامیدر دوژمنانی گلادکستان دا تازا و نفترس یی، دل ردق و بی بغزمی بی، چاوپؤشیبیان لی ندکتات، کزمدلایی خطکی خزش بویت و له گمال مینتفی ر تیش و تازاردکانیان دا یزی.

هاوری ی گزمنله ثمی دس پاک بی، هیچ به زور له گفس تصینی، چار نمریته مالی خلک، مالی گلل و شورش به قبر زندات.

. هاوری ی کروسطه شعی داوین پاک یی، چاو نجریشه ناسوسی کـمس و شـعرطی خطک به هر خزی بزانر، ودکو شعرطی خزی بیباریزی.

هارری ی کژمدله تعیی دم پاک یی، جنیو به کمس تعدا، برختان و قسمی ناراست تعداته یال کمی، له یاش مله به خزرایی زمی کمی نهکات.

هاوری ی کرمطه تعیی قدی و جهاوازی له پیشی هاوریکانیا به هزی خزمایشی و ناسیماری و برادمرایمتیموه نمکسات. ممکنو سمیارهت به نازایمتی زیاتر و گسربرایملی و دلسوزی و له خزیرانی زیاترموه

هاروی ی کزشله تهی راستگز و سعر راست یی، هیمن و ژیر یی، روشت پنرز و به وفقا یی، ساده و روح سرک یی، تغیی دؤی خزیخرستی و خزهملکیشان یی، دژی خزیدان و کمش و فش و خز به زُل زاتین یی، دژی له خزیایی بین و لوت پنرزی و به خزید تازین یی، دژی درز و قشه و قهیشال یی، دژی له خزیازی برن و کمس به هیچ نظرانین یی،

هاروی ی کزمله تمی همیشه تموی له پیر یی که خیاتی گزمله له نارمزک دا خیاتیکی سیاسی چنایشی و نیشتماتی، تمی می دوس بون و صائد بین کاری سیاسی له هیچ برار و کاتیک دا پشت گری نمختات، به کردار و رطنتار و رتاری چاک نهک به زفر و به ترساندن جی ی ختی له ناو دعوریشتمکدی دا یکاتود و حیررمتی خزیان به سدرا بسمینی و هعرلی دوزیتوی ناسیا و دوست و هاروی ی نوی بفات.

ه فاروی ی کروسله تمین تنشلاقی بعرمیزه بین. پهیرمری تم سمردنایانه یکات، بم گیانه خزی و هاوریکانی پدروبرد، یکات، بعم شیروبه بزی و کار یکات.

تعواندی ومعا نین هاوری ی راستعقیندی کزمطه نین.

ند تم نامزژگاریبانه پر تعربی له گیبرفان دا جبگس پییشموه له قعوارس پاکهتی چگبردد: چاپ کرا پر ، هندر هارزیهای کزمنده داننیدکی تعدیلی در تغیر جیبنجس ی یکا . تدگیر جیبیمجی ی تمکردایه یا لی ی درجوایه به گزیردی سترپیچیبیمکنی سزا تعدرا . سزادان: چهک کردن، لایردن له سمر کار، گرتن و دمس یمستر دانان و، له همندی حالمت دا نیمنام.

تعواندی مرخالطمیان تدکرد هنتا پلمپیان بعزاتر برایه سزاکمیان قورستر تمیر. تعو کاته وشعق و ترزه یلار بومود. تم وشمیسان له شهمردکدی وممحوی و ومرگزت بو که تطی: دنیا تیاترایه معوسته تیا برزا

کی مایعوہ هدتا سفر تعوییٰ تیا تروی

غرندیدکی تیمدام، تیمدامی ریبرار چاوشین بر.

رپیرار، قدرساندی معفرون پر له تهیی قدرهاخ، هاترچزی مالی کاپرایدکی کرد بر. تعر سعردسه پیشمبرگه گعرف پین، بز خواردن و فرمان له صالان دانسمبرگه داشت. کاپراید مالکن دانسمبرگه گعرف پین، بز خواردن و فرمان له صالان دانسمبرگه، که دلسرزی و دلهاکس خرمتی تدکودن، رپیراز و نداکس فی مفاگیرا پیروه و هالی گرت پر بیبا بز تیران، و نداک ۳ منالی به به میشت بر. نم روای گعرانیکی زوز و زندگه و پیشمبرگه روی پیدارد و بیساندی دولی جافعتی دولی جافعتی دولی جافعتی دولی بیساندی که نیسوان پیشمبرگهه که دیسمبرگه ده دایی چیمبرگهه که زاد درست نمی و، بز تعرص جاریکی که هیچ پیشمبرگهه که زاد تیمدام کابردیکی داد و بیمدام دی بیمدامی کوروکسی دا و، تیمدام کابردیکی که دیچ پیشمبرگهه که کابردیکی داد تیمدام

يەكىمىن كۈنفرەنس

تعو مباوی من گیبرا پرم، کنادرکنانی کنوستانه له پارهگاکنانی سندکردایه تی زغیر به ک سیمتازی فیکری و سیاسیان گرت بود : کاؤکیسکانی ناز ریزدانایان قراند ر ناشگرانر بریو. تصنیش نیاری کنادرکنانی تروه کرد بود. پیری گرتش کزننر نسبیان له لا گذاکه پرو. که گیشتمبود نارزدنگ چنند کزیرنویه کمان کرد و ریارمان دا کزننر نسبیا پستین. کوترتند خز ناماده کردن. له مانگر مایس دا تریندرفان تاقی تاقی گیپشتن.

.

سرودى ئينتدرناسيونال

له ناو تیسندا آنازاد هدورامی دستی مترسیقنای هدور. هندی نالدتی مرسیقنای نیزانی و، سبزی له دانانی ناراز دورنیچو. له همدان کات دا ادوانه پر باروریکی قولی په مارکسیزم هیر، روالعته تاشکراکانی له پایشی وچهکرش و داس» و و تفسیره» و دسرودی تینترناسیوناله ی.. به لاوه زفتر گرنگ بو. تعییست کونفرشسدکه به سروده دس پی یکا ر، لی برا بر تاقمیک غیر یکا بیلین، تاقمی له پیشمبرگ کرندگانی هطیرارد بو، هدندیکان مدریان لی ی دمزنمتیچو، له بعر خاتری تازادیش دلیان نعمات بر داواکمی رمت

نازاه سروده کمی بز چاپ کرد بین و . یدکی دانید کی دایرنی بز تموی له یدی پکین نویشی رفزاند له گلبان دانششت و له گلبل تموتی: تاخر رفز که روستم تعینی لی بی تمپرسی: دسروده کست له بعر کسردو ۱۵ مثلی: دیشل به تمالی: دادهی بزم بلی اه روستم دس تغییته ینا گری بی له سعر ناوازی یدکی له گزرانیم کانی سعید محد محدی مصفایی تملی: تموی تینتدرناسیونال.. وی وی تینتدرناسیونال..

نازاد زوری پی ناخزش نمی و زور توره نمی.

يدكسين كزنفرانسي كزمطه

له ژیر دروشمی: له پیناوی پتدوکردنی ریزهگانی کزمنله و رایدراندنی جنماونری گفله کمان دا و له مانگی تایاری سالی ۱۹۸۱ دا له مالیسوس په کمعیین کونفرونس په تامادموني ۱۸۵ تعندار، يسترا. تعنداماني كرنفرنس نويندرايدي نزيكس ۸ هنزار بعندام و لایمنگری ریکخراویان تهکرد، له ناو پیشممرگه و له ناو شارهکان و له دمرمومی ولات.

تعنداماتی کزنفرمتس خطکی بعشی همرمزوری شار و شاروچکه و توردوگا و تارچه دیهاتیهکانی کرردستانیان تی دا بر.

له روی تعمینهاندوه: ٤٩ ثنندامی له یمینی ۲۰ – ۲۶ و، ۷۶ ثندامی له یمینی ۳۰ - ۳۰ سال و، ۱۱ تعتقامی له یعینی ۳۱ - ۲۰ سال و، ۲۱ تعتقامی له یعینی ۳۹ - . ٤ سال و، . ١ تعتداميشي يعرفوژوري . ٤ سال يون.

له روی کار و پیشموه: ۶۵ تعندامی کریکار و، ۱۷ تعندامی پیشمگر و، ۹۰ تمتدامی موجعفزری پچرک و قمرماتیم و، ۹ تعتدامی پیشمکاری گمره و، . ۵ تعتدامی خریندگاری زانکن و پیشمبرگه بون. فعوانه ۵ یان تافره بون.

له سندودنادا من راپزرتیکی دریژم خسریندوه باسی دامستزرانی کسزمستله و ، فزناهه کانی گزران و گشه کردنیم کرد له سعره تاوه تا نعو کانه. کزمیتیس سعرکردایه تی ریکخستنی ناوخز و، گرمیتنی راینوین و، ریکخراری شبعید جرامیر (بعقداد) و، ریکخراری شعصد لدیلا (تافرهان) و، ریکخراری یادینان، رایزرتی درویان تاماده کرد ير. خريندرانموه و گفتوگزيان له سعر كرا.

بشیکی کاتی کزنفرض یز پیاچوندوی رابرردوی کزمطه و، بهشیکی یز دانانی رپرشوینی کاری قوتاغی داهاتو تعرخان کرا بو. یه کی له کاره گرنگه کانی ثمم کزنفرمنسه دانانی ویبردوی ناوخزه بو. گفتوگؤ و باستکان تیکرا ۸۰ سعماتهان خایاند و. به معلى اردنى سعركرداييتي تازمي كزمطه كزتايي هات.

تعراندی ناودیر کرا بون بز سعرکردایدتی کومعله له . ۲ کمس زیاتر بون. بز تعوی تعندامانی کزنفرمنس، بیش دمنگذان، به جاکی بیانتاسی: دو کسی رمخنمیان لی تهگرت و، یه ک کس بستی تعدا. بر تعوی بین به تعندامی سعرکردایدتی بربار درا تعیی له نیسری دمنگاکانی نامندامانی کونفرشی زیاتر بهیان. یو تعوی کاروباری کونفرشی به ریکیهیکی بروا، من خزم دمنگم نعدا، ستایشی کسم نه کرد و رمخنه پشم له هیچ کسس نه گرت، هیچ ليستعيدكيشم تاماده ندكرد يو.

تعداماتي كزمعلد، له هعدي لمو هاوريهانه به داخ يون، جونكه:

١. ململاتهه كي نالعاريان دس بي كرد بو له سنو يله و يايه به تابهه تي له كلا تعواندی له زیندان بعر بویون، تاژاردیدکی زور و پشسیسریسمکی قسولیسان خست بوه ناو ریزه کانی ریگخستندوه، دمسته گنریهان تی دا دروست ته کردن.

٧. له پېروپاومودا توندوم يون و، تعپانويست كزمطه په لاي توندوتيژي دا پيمن. رفتداریان له گفل بیشمه و کادره کان باش نجو، هندیکیان به لوتیم زی و

غبراييتوه له گطهان تمجولاتتوه. له تعلمهامی دهنگذان دا سالار و جمعفم دورتمچون و، عوممر و مملا پمختبهار به

دننگیکی کنم دهچون. درای پلازگنردتمون تنافینامی خفلینواردن به ریز، سنالار، منبلا پشتنیباز، جمعفیدر، منالازم عوصدر. قسمیان کرد و ، فیرشیبان کرده سنر تغفاماتی کزنفرنسدکه. فی گفراین قسمی خوبان یکنن، چفد کسی لیبیان رایموین وبستیان به ترتش والامیان بنشود، بقلام بر تعوی وازعکه تنشیزی، من ریگم تعال.

دوای کزنفرمتی تم هارویهانه تروه بین و، همرشعیان کرد که شیرش و کزمله به چی تحقیل در کزمله به گفت فردن بز چی تحقیل در تمچن بزد دمرمور، من چعند جاری سمردانم کیردن در زورم له گفت ورن بز تعربی دلیان بهینمود جیگانی خزی و، چینندو، کار یکنن، بطیم به سالار در جعففر دا که هدر له م س پهکیستی در ایسانه بلادی، قسسه کام سردی نجو، سور بین له سعر مطربستی خزیان، مقلا بمفتهار له هصوبان زیاتر خزی به دلشکار تعزانی و، ناروزایی دوابیتر یهکیسی در دسسان کردوه به شزرش، نمیسیست یو کابرایهک هیه تاری مثلا بمفتهاره، تیستایش تمگار تصنیتموه زور باشه، تهیشروی خواحافیزت یی، به یی تزیش بمفتهاره، فرستاری و شزرش بودودار تعیراه

یه گزملاً چین بز تاران. لعر رؤزانده ماهجملال گلرایده تاران. قسمی له گلل کرد برن یکمینموه کروستان و قانیمی کرد بون. یکلم تعمان له هطری ژبر به ژبری خزیان ندگمترن ر، تمر داخمیان له دار دورنیچر، جمعیفسر تامیلکمیدکی چاپ کرد بر به تاری ومانگ گیرازه ود. دورنیمیزی خزی و هاریکانی به گیرانی مانگ شریهاند بر.

حدک ریدک

نرینمرانی شروای شارهکان له معهایاد کزیرنمریهکیان کرد بز گفتبرگو له گیل کارپندستانی رژیمی نوی. داراکانیان له ۵ ماددندا کو کرد پربود. له ماددنی پهکسین دا دارای سطانتی مافی تازادی پریاردانی چارمنرسی کرودیان کرد پر، له ماددنی هشتممین دا دارای دمرکردنی سعرانی قیاده مرفقتهان کرد پر له تیران. لم کویرنموانعدا نرینمرانی زیر له ریکخراده سیاسپیکانی گوروستانی تیران پشنار بین. هسریان، چگه له ترینمرانی دیمرکرات، سرد بین له سعر تعوی حکرمتی تیران قم دمیکا له تیران.

لدو نامپلکدیده که سمبارهت به قیاددی موردقته دمریان کرد هطریستی خویان بدم حدره ندگرنده:

وپاش زیاتر له یمک سسال راپدرین و فسرویانی دانی گسلانی تیسران له ۲۲ ی رستندان به ۲۵ ی به بخیک له رستندان ۱۹۷۷ دا شدورشی جغلگی تیران یکمم فرناش سدرگمترش بری و یمکیک له کرنیدرستان و درندترین رویدکانی سعر به تیمپریالورس له روزهمانش نیردراست داشکدو پر خطکی تیران مایس جمتان و شادمانی بو، بز به بربردیدانی دو شادمانی بو، بز به بربردیدانی دوستانیان ایدار نورمیمکی گورچر بر و دل فترین بو، چرنکه تورانی دوستانیان له گلگ گفاش تیران دا نمبر و ، جاری نخشیان تیران دا نمبر و ، جاری نخشیان تیران دا کمی کمی کمی کردیدین ریمک کمون تیران دا کمی کمی کمی کمی کمی کمی کمی در ایرانی داکرت

یو ، زوریدی حیزب و ریکخراره کانی کرودستان و سعرتاستری ثیران داوایان دهکرد تعراوی تامارای قیادتی مورفاتت له تیران دوریگرین، سایمنند و یی یفندی عصو باس و خواسیکی سیماسی دهانه سمعر قیساده و تعر فاقسمهان له زوریدی جینیاباندکسانی کسزن و تازدی کاردهدستانی تیران دورهن یه کرملانی خلک دا به یفشار دورانی.

باریدوستانی تیران دورهای به کومفلاتی خلک دا به بختیار دوزانی. تدگیری حیبزی دیسوکراتی کوردستیان زیان له تعواری ریکخراره تیرانیدگان با بنای تاکار و کردورد واش گلس سردگامت که تالید در دو مدیند حدر شدورد.

شارنزای ناکار و کردنوی دژی گلیی سفروکایتی ثعر تاقسه پر، هنرچند حیزیی ثیسه پتر له هصوبان کرتدگی خرفروشی و به کریگیراری ثنواندی وی کفوت پر، بعلام له پدر هستی معسترایست بترامید به چاربترسی گلیلی کرده و هنزاران سالی لیفتوساری کوردی هیراقی که له ثیران دا تاراره و سکرگیردان بین هیچ کالیک فیکری ترله نمستاندیوی نمیرو همس کاتیک لعو بادوردار یک پاداشی جهنایمت و غیبانش تبو تاقسه درسی به رهشتاری باش له گمال کررده عیبراقیمه دویعدورکان بناتمود، عمر بریمش له همسر جبیگایه ک درای تبو دارایه راوستا که کرده پخابدو هیراقیهکان له تیران دویکرین.

به درای سبوک بوتنی شیروش دا کساتیک نویندوانی دورادتی کساتیی سروهندیس پازرگان هانند معهاباد تاقد نویندری حیزی تیسه لبو کریوندوده زور دژی پشدی هشتی داخوازکان پر که داوای دوگرد نظرادی قهاددی مورهاست له تیران دوبکرین، دواپیش که تم پمند به زوربدی دهنگ پسند کرا حیزی تیسه چندین جار به رسسی تعو داخوازی به شبیبکی غمیره توسیدی دانا و روتی کدردود. کوسمالای خداکی کردودستانی تیران شاهیدیکی زبندن که حیزی تیسه له سعر تعو سیاسته چندی قسه یی گوترا و چزن له لایمن زوربدی ریکخوارد سیاسهکانی تیرانده پدلاماری توندی تعلیقاتی گرایه سر.

یدلام خیزین تیسه دیسان له سدر تع سیاسته مصندولاتیدی خوی رویشت ر تمونددی له تراناشی دا هیو خلکی گرودستانی بز گزدمگ به پنابیرانی گرودی عیران هان دا. عنزاران سایی عیسراتی که له تاویدکانی دورددستی تیسران سعرگدودان برن به مرافظتری حیزین تهمه گرواندو کردوستان و به تشریقی تیسه له کرودستان دا جبگا و رنگایان بز دایس کرا و حاواندو.

له کرنفرآنسی گفان له تارانیش که ترینمری زور له حیزب و ریکخراوه سیاسیه ناوجنی و سعرناستریکاتی تیراتی تی دا بره تنبا ریکخراویک که دوّی حیرش کردن بز سعر قبادی مرودفت راوستا حیزین دیسرکراتی کرودستانی تیران بو، له بهارنامهی کرنفرانس دا به زورمی دننگ پریاریک له دوّی قیبادی سرودفعت پستند کرا، یعلام همر لیزی دا به سعراحت گرتراوه که حیزین دیسرکراتی کوردستانی تیران موفالیت بوه.

به کورتی له گفا تعوی زورینی خیزه سیاسیهکانی تیران و به تاییمتی کوردستان به ترتشی له دژی قیادی مروظمت کاریان دهکرد، حیزیی تیسه هیچ روشت هطرستی درژمناندی بدرامیدریان تمکرت و هم لعر بادردده بر که تعرانه ره ک میرانیک دمی چاریان لی یکری و به بری ترانا بارمنتی خوزانه لیقنوماردکانیان بدری.»

سبرکردآیش حدکا لم راپرزندا دموری خریان پاس تدکا له چمند مصطفی گرنگ. دا بعرامبعر قم:

- رازی نعیون به تاوانیار کردنی سیاسی قم.
- رازي نعيون په دمرکردني سمرکردهکانيان.

- هیئاتیوی هنزاران خیزانی تعنامهکانی قم بز گوردستیان، که دواییشر بون به چهکهطگری لشکری با زانی بز شعری حدکا و ، پهکیش.

پیگرمان تم هطویستدی حدکا سیارت به هست کردن ندیر به مسترلیست. ودکر لم راپورتدا بز پاساودانی تم هطویستدیان نرسوبانه، بطکر بز هیشتندوی قم بر ودکر ملوزمی گیانی یمکیتی، حدکا نمیشویست پهکیتی له پیتاردی قم ناسوده بین، بعلام قم بین به هیزی بارممتیسدی تیران بز تهنگشگاندنی حدکا و ددرگدردتی له زوری نارچهکانی گورستانی تیران، نیزان

قم له حدکا برن په مارهکدی شیخ هزمدرا

له فزلکاری کرودی دا تدگیرنبود: شیخ هزمند به لای شخطیکی چر و پردا راتعروی، شیخطاک تاگری گرت بر دوکملی لی بعزز تبهرود: شیخ هزمند تدوانی تاگر زوری بز ماریک هیناوه که له ناز ترزکیک دا گیری خراردود، خدیکه له گلا پرش ر پاراتی شخطاکها ایسری، مار له تار گر و دوکمل تعلیشگینی و، هشتیمیزیتود، بهلام هیچ ریگایاکی تایی دمیاز بی، شیخ هزمند بهزمی به ماردک دا دیشعود، گالزکیهی در له دریای پی تمین به ستر تاگردگدها بی رایطا تمکا، ماردک خزی له گالزکود تهیچی و له ناگردکه تی تهیوی، بهلام هعرکه تمکانه شیخ هزمند خزی له ملی تشالینی و تمیدی بهادشی چاکی شیخ هزمد به گاستنی بالامود،

S

له سندوتای شنویاتی ۱۹۸۱ دا له تاران ریکخبراویکی تازه به ناوی: ولتشکری تیسلامی کورد ، که بز گالته پی کردن ناویان لی نا بر: ولاک ، دامنزرا.

نم ریکخراره تازیه هیچ پهرنامهکی سیاسی نیر، دامنزریندرکانی: ملا حسین ماربرنسی، شیخ قادری سرتکه، عنیباس شاهین، که له تاران دانمنیشان له ناو خزیان دا کزک نجرن.

معلا حسیتی مارورس و شیخ قادری سزتکه له دولی تاشیمتالدو له ثیران دانیشت برن. مملا حسیتی، خطکی تاریخی تطلعشدو، کابرایدگی کوتنهبرست و دواکموتری له کوردستان دارار و ، شیخ قادریش، خطکی گوننی ساخین، کابرایدگی زیره ک و لیزان بر، درمیدگیکی زالم و تخویندوار بر. بهلام عنیاس شاخین، کابرایدگی زیره ک و لیزان بر، سرورسیک له گفل دحرکه اخوان المسلسین به سرسل کاری کرد بر، له کالا ۱۷ ایور به تشکرد. خزی وا دمرتخت ریکخراویکی له ناو تخسرانی جمیش دا هید، یم تبدیمایانه ساویه ک دستی مامیمتائی بری هنشی پارس ای کیشایمود و، سردانی سحردیمی کرد و، درایستر که داری له پهکیشی مینا هاوکاری له کل دخرگای مرخابداتی سردی و لیسی تشکرد و، خزی گیبانده کاریدستانی قبرانی، تعمانه هتر پهکنیان بز صعیستی، بهلام

... لمشکره کمیان غوتمی لمشکری به کریگیراو بور. نیران چهک و یاره و یمناگای. وه ک یشیک له سپای پاستاران، یز دابین کرد بون. هنرکنس تنیر یه چهکهنلگری تعران:

۱. پاردی مانگاندیان به ریکوپیکی تعداید.

۲. چدکی جوان و تازدیان تعداید.

۳. تعیترانی مال و خیزانه کدی بیات بز تیران و، خویشی به تازادی به سعرانسعری تیران دا یگدی و بسوریتعود.

۵. شعری رژیم ندگا.

.

تم وتبسیازی اند لیر کانده کی به هنزاران کسی له جنیشی عیراق هفلات بین، له دیهاتمکان دا بی دورامت و تبشرهکار دانیشت بین، هدی دهنمان له دانیشندرانی دیمانت که تبیرانی له دانیشندرانی دیمانت که تبیرانی له گزشدکمی خزی دا پهنیشمر و ، همبر تبر دسکونانیشی همی را به نار خراصتی دی رو تبسیسان تمکا ، وای کرد له ساویهگی کورت دا پدر پسیان و ، هیزیکی نقد پسکوه پشری او به بین از به بیکوه کر کاتوه نموری کری گزی گرد پرناوه دسکوتی سادی و ، مجستی تاییمتی بر له نار هیزدکهان دا کسانی جزواجید کر بربوده ، پارتی پش دستی تی خست بین و ، هندی هیرکارکان دار کانی خزی ناره ، ناریانوه .

گزرانبیدویکی سروی همیر ناوی محماعد شیخز بر. له گفاه تاشیمتال دا نعیش چر بر نیز تیران. لم منزمندا تعویش چر بره ناو لاکنود، مفلا حسین دژی گررانی و مرتبخا بر تیران. لم منزمندا تعویش چر بره ناو لاکنود، مفلا حسین دژی گررانی بلی یا گری کی لی یگری. وزژیکیان له بازدگای لاک له تاران له سعر تم کیشته مفلا حسین در محماعد شیخو تیخیشته مفلا حسین در تیرخی تیخیشت، منبش تشیروی خزم فی تعمر، براند خلک له کاعان کر نمیشعره ای مفلا حسین تبلی: دنمغلی تم زمانه تاییمی فسق و فجرین، دیاره له تز کز نمیشعره ای مفلا حسین تبلی: دنمغلی

.

سمودتا که ویستیهان دمی یکمن به کارکردن خزیان چفند کسیپکیهان نارد یز نارزشگ یز گفترگز له گفل مدکتمی سیاسی و ، له سعر چفند مصطفیهک پیک هات برن. همردها ئیرانیش دارای له یدکیتی کرد یر کارئاسانیبیان یز یکا ، بدرامیدر بحری نیران کارئاسانی یز یدکیتی یکا.

که نیرانی تیران و یدکیش تیک چر، نسم کاری له نیرانی لاک و یدکیش پش کرد. لاک بطینیان دایر:

۱. دمس نمخته ناو کاروباری خطکتوه.

٧. دوژمنانی پهکیتی و کسانی گرمانلیکراو له ریزهکانی خزیان دا ویونهگرن.

٣. يارمىنى يەكىتى بىدن بۇ گرىزاندودى چەك.

١ē

هدر لدر مارهپندا سامی متجاری پش حیزییکی تازدی دامدزراند به ناری: وحزب الشعب الدینقراطی الکردستانیء.

زوری ثم حینهاند هیچ زسیندیدگی فیکریی با کنزمدلایه تیسان نمیر. له سایدی

جنگی میراق - نیران و، ناکزکیی یه کیتی - بارتی دا دروست نه کران.

سامی له بندالهیکی دصرویشتوی سنجاره، به ریچطلک یعزیدی برن و مرسولان برن، له سنزددس پاشنایتش دا به دوسشده نهرداره بز بنرستانیا و، لدی هنندسیدی خریندو، همر لدی تیکملاری حشج بر، درای ۱۵ تیکیزی ۵۸ یکی له ترندرودکانی حشج بر، انوانبار کرا بر به هاویشی له روداورکانی ۱۹۹۹ ی مرسل دا، که تینتیلایی ۵ ی شربانی ۲۳ بر، وازی له حشج هینا و، معلات بز سالوسه که تعربا یاردگای ممکتبی

که ناگترگی تیوان بارزانی و مدکنتین سیاسی دا، به لای لای سترکتوتردا دای شکاند و، له هاریش ۱۷ دا پر به تغنیامی مدکنتین تنقیزی و ، له گزنگردی حتوتم دا عبلیتردرا به تغنیامی کومیشدی ناونندی و مدکنتین سیاسی، دوای خریندتیوری پیانی نازاری ۷۰ بر به ووزین تهماری شیدال.

سامی تمر کافعی روزیر بر همولی دایر دستنیه ک روشنید و خریندوار به تاییهتی تعرانمی خزیان به چپ دانشا و ، ثبوانمی له نار حیزیی شیرهیبتره هات بون، له خزی کز پکاتبره . دوای هطگیرساتبردی شعری کوردستانیش له گناد تعرانه پیبرمندی باش و نزیکی راگرت بو .

دوای تاشیمتال سامی چو یؤ تیران و. مانگی کانونی یدکمی ۱۹۷۶ به تاگاداری و بارمتی ساواک ق م ی پیک هیتا و. خزی بو به سکرتیری و، یز تعو منیصته سطمری تعوریهای کرد.

سامی له سالای ۱۹۷۹ - ۱۹۷۹ دا سکرتیری قیاده مرودقمتنی پارتی بر، له کوزگری زمسی پارتی بر، له کوزگری زرد الد که دستی له کاری سیاسی بارتی دا که دستی له کاری سیاسی مطلگردو، دوای ماویدک تیران گرتی، قسسی جیازاز له سنر گرتنه کس مدیر. معندی تیرانزد، به معندی تر نمیانزد: به تیرمدی جیاسوسی گیراره، دوای چهند صانگی بیری رویشت له نشدن. لبری کسرترمن تیرمزدی پهیونلین له گلامتانی له هاوگاره کانی سعردمی قیاده مرودقمته، به تاییمتی توانی کدترنی دارتی کدترنی کندرندی تر تیرانزدی کردترد تیرانزدی که توانی کندرندی کرداردی کرداردی کرداردی کرداردی کرداردی کرداری کرداردی کرداردی کرداردی کرداری کرداردی کرداردی کرداردی کرداری کرداری کرداری کرداری کرداری کرداردی کرداری کردار

له تدامیزی A1 را سیامی هاری و هارگیاردگیانی ختری کنز کرده و یز کنزنگردی داستندان با کنزنگردی داستندان می سیامی داشت. داستندانانی و بینانی و پیارتی در میرانی کی کنزنگردی حزیدی به تجار کرده و پیارتی پیشتمرگانی نبود. تالمی و وشتیین کن پیروده او گفت که اتحال می میرانی هلاتر این و کنانی کنز پیروده او گفت کن در در در در انداز کنانی کنزنگرانی هلات بود: همای کنزن این بنز لای ختری را یکیشی کنزن او میرانی میلات بود: همایشی به دو شت تدا: را کنیانش و به پیرهندی دودود.

له شبام جنعیده یاکی کسرودی - عبترمی له ژیر ناوی: دگسط - الشبعب، دا در تدکرد، له چار جنع بدی زار له حیبزیه کنانی کندا به روالت جرانشر و به ناومز ک دولمنتر بر . چند نامیلکه دکیشی بالاز کردم،

سامی دوستایهتی له گلط سوریها ، لیبیسا ، ثیران دامبتراند. حینهه کبهی واکس دوکیانیکی سیسیاسی لی کسرد بو یو داوای پارمستنی له دولهتان، تشانعت له حیسینه کرردیهکان. تغیا یهکه جار سامی یهک ملیون دؤلاری له لیپیها یز بارمدتی میزیهکنی ومرگترت. رهکو تعیانرت له ناو خزیان دا له سندر تم پارهیه تیکچنون و، هندیکپسان یه یهکجاری لی ی دور کنوتندو.

.

تیکچونی یهکیتی و ئیران

ململائی ی دمستلات له ثیران دا له نیران بالی دینین میزدیفستر ر یالی دینین پاتسرل له پی گئیشت بوه پزید. مامجملال له حرزبیرانی ۸۱ دا گئیشتمو، تاران. بنش صدر، ستروک کزماری ثیران، مستفا چنمران، ونزیری دیفاع، فعلامی ستروکی ستادی تعرفشی بینی.

وجیدیهکی گلوری چدکی قررس، نارغی و، سوک به فروکه و به پاپرو گلیشت بره نیران بز یهکیتی. نیران بطیتی پیشمکی به سوریا و لیبیا دابر تام جمکانه تسلیم به یهکیتی بکا. دستی به ساردا گرت و، تنتیا پارچهیهکیشی نادا به یهکیتی.

یشی صدور پطینی به مامجملال دایر گه پیروندی تیران له گلل پدکستی چاک پکا و، چدکه گیراودکان بدانده و، هدولی چارمسرکردن تاشتیباندی کیشمی کروددکانی تیران بدا، فلاحی پش هعمان بطینی دا بود ۲۰۰۰ کلاشینکرفیهان دایریه له گل خزی پیهپنیشود. گیپشتنوی مامجعلال و تنو بطینه خوشاندی پیان دایر، همعرمانی دخوش کرد. کسان داید ودهروی روحسست و مان لی تدکریت و، پعلام دوای ماویدکی کسم ناکوکیسدکان تطبینوه، یعنی صدور به سواری فرؤک، هلات یز پاریس و، فعلاحی له هالیکریت را تطبینایده و، تعو پالی دهستی به سعر کارویاردا گرت به تاشکرا کموند دوژمنایش به کیری.

بالی دینیی که بعردر زال بین تعجر، هطریستی بعرامیمر یهکیستی دورمنانه بر. دمستیان به سنر جهنگ کارا در به فدرماندی هیزدگانی دشیمان له گفل کرا بی سرد بر. کابرایمکی سعرهنگ کرا بر به فعرماندی هیزدگانی دشیمان این صابادی شیرازی بر. دارای وطفیکی دنیزامی» در ابهرسراری نارجین پینجمینی بهگیستی کرد. تیمش، ملازم عرمتر، تازاد هعروامی، یهکری حاجی صفعترمان نارد.

دوای تُعربی قسم و گفترگریان کرد بر، صمیادی شیرازی به راشکاری پی ی وت برن: و تازاد کردنی عبران، له پاککردنتوری تیربوه دمس پی ندکات – گزیرندوکه له ورمی بر، و تانین تیربوه دمس پی ندکات گزیرندوکه له ورمی بر، – تمین تسرطن هیدردکانتمان و کرد نظرادی بارزانی بهیئان بز تیره، پیککوه تا سعر ستوری عبران له هیردکانی ضیدی تینفیلاب – منیستی هیزدکانی حدکا و سازگا بر – پاک یکنیندو، که گایشتینه سعر ستوری عبران، لم بهدک الدی هیدارات تعدمی ا تا تعره ندگاندی هیدارات کسه باسی چه ک

همر یم تیگیشتنه ی*دگی* له دروشمهکانی ئیران لعر زممانددا: دراه قدس از کریلا میگذرده بور، گرایه تهگفر ریژیمی عیبراق بروخیان ر کمریدلا یگرن ریگفی رزگارکردنی

قودس له تيسراتيل تدكريتموه.

وطندکتن بدروده به هالیکریندو ربوانه کرد بر یز منعایاد. به ناترمیدی گرانبوه لامان، داواکانی سعرهفتگ صعهادی شهرازی رون و ثاشکرا بو ، بهلام به تهسمه جبیستمی نشدگرا.

.

سرویا وطفیکی گفروی یه ستروکایتش عنیدطفلیم خددام نارد بز گفترگز له گفا کاربودهستانی تیران: یکی لع باساندی تم وظفد له گفا، تیرانی کرد بن: چاککردنی پیوشندی یکیشی – تیران ره، ریگدان به نارنی چاک یو. حازم (عیدانجیار الکیبسی) یش له گفا تم وطفده هات یو. تیرانیسکان وت بریان: دئیسو چون چهک تندس به سات نشانه هم کورون و هم سرتتن یو هدردولامان ختمترناه تنیازتانی بر خنددام سرتنه.

وطفی یکی تیرانی له گفا صارم هاین از تارزدنگ بز مدایستگاندنی مطرسدری تاریخه و ، پیرخندی یه کیسی و حدایا تصانه له سعرده شدموه یه یی هاین بز تارزدنگ، زاریان جلی پاستاریان له یعر کرد بره چه کیان یی بره به دیرانی ریگا له چند جهگا به پیانری نروکردن و پشوهانده بز چاو هداستان خزبان دوا خست بره بز تعرص کیشمیه ک له گمای مدکا در رست یکنن، دوای گمرانعوی وطعده تیران بریاری دا پسرمندی له گمال به کشته بعی،

.

راگرتین هاوستنگی له دوستایتی دا له گفا حدکا و بزرتتموی کورد له لایدک و .

دوستایتی له گفا حکومتی تیران له لایدکی تر کاریکی له کرون زنعاتیو. ماجیدلال

تهبیست نیم هارستنگید درایگی، بهلام زوری نشخهایاند تاشکرا تعیر. معردولا تیران ر دخاک تمکیرته نشگ عطیتین به یمکیتی، راستیمکس زور چار پیشسترگی کوردستان

عیسران له شعردکان دا بیششار تعیین بی تعربی پیسان درا این، خریان له بدر سمختی

عظرسترجی کوردستانی عیسرای یز پشردان و گدران و سروان تهیزند دبری تیران در،

پکخلامی نم شعرات تعیین. له لایمکنوه سعرکردایتی حدکا و ریکخسرادکانی تر

معشرتیان نعین، له لایمکی تردوه گیروگرفتی سیاسی گدورمان بز یمکیستی له لای

دوای هملاتی بهنی صعدر، تیران له پر پهلاماری هعمر تعوانین دا که به تعنها م پیشمعترکنی بدکیتی ناسرا بین و گزش، موحسین عملی ندگیم، عمیدوروزان میردا، عملی معیری، لاوگر و تاکمی پیشمعترکنی پریندار که له نموشخانهکان دا بین و، هندی پیشمعترک که بر کریش کطوبله له بازاری شاردکانی تیران بود، تصانعی گیرا بین همیدوروزای بر مسیدی دمولدتیان پی بو. موحسین نوینمری بهکیتی بو لای تیران و، عمیدوروزای له سنفاروتی سوری کاری تمکره، تم کاره له کاری مکرمت نمتیجو، بهلام تنوان سفاروتی تصریکهایان داگیر و دهسر و بهلومات و فعرماتیمردکانیان کرت بو. شتی وا چاومروان نیکرار تنیو. چند سانگی له زیندان دا سانبود، حکرمتی سوری له سعری له سعری له سعری له سعری له سعری در نیوان پیرا. يعشيواني هطومعرجي كوردستان

مُّاویتی سَالَی ۱۹۹۸ مگرمترجی گوردستان تالوزا پر. جنیشی میبرای زورتر خنریکی شنری نیراز پر. دهسکاتی به ستر زوری دیها ادکائی گوردستان دا نصا پر. لاراتی کرد به کرمنا له دمی سریازی مطلعهاتی د. رویان تدکرده لادیکان. دریان منزا سریازی معلاتر له دیهاتکان دا کر بریزنوه د. هر جزیه هنرلی تعدا زورترین ژماریهان به لای خزی دا رایکیشی و، بیانهیئیت، بروی پیشسترگاکانیدو. هم جزیه بیشی خزی گفاهی راکیشا پر، هیزی چهکفاری لی دروست کرد بین. جرد و جرفد، هیری تعدل تعدا کیشی یکشستن میلیشیای جزیهگالیان چارستر تدکرد بر، همر حیزیه هنولی تعدا خری زورترین ژماری چهکفاری هدی و، لمر ریگایشدره دس یگری به ستر معیداتی کار جو بالاکی دا.

هارینی سالی ۱۹۸۱ پینج هیزی چهکدار که سعر به پینج حیزی جیاراز برن، به ناوی پیشمترگوه به دیهانکانی گوردستان دا، به تایمتی له نارچهٔکانی سلیمانی، هعرلیر، گدرسیان.. دا تعراتینیان تمکرد، تمگیمچی چوار لم حیبزیانه، پدک، حسک، حشع، پاستری، له چرارچیری سیاسی دجوده اکیریونتمو، بعلام هیزدگانیان سمرمخر ر له بهگیری جیاراز برن، همیمکنیان سعرکرهایش و، فعرمانمیمتی تایمتنی خزیان همیر، کسیان گری که فعرمان و نامززگاری نمور تهان نشکرت.

چدگداری حیزیدکان، به تاریزی خریان و بی هیچ لیپرسیندویدک، خطکیان
تدگرت و تدکردوه، سعرانهان
تدگرت و تدکردوه، سعرانهان
تدگرت، چنگاریان به دانیششترانی دهها تدکیان تدکیره و، تربر جدار لیسان تعدان و
سرکایانتهان پی تدکردن، دانیشترانی دیهات خریک بو پیشمدگلیان له بدر چار تدکدوت
و، له شررش تعیزران، سترکردایتی هیچ لایکیشیان مشرری چاکردنی تم بعرطلایی و
پی سعریهریهای تنشخراد و، چاوریشی فرخ لایکیشیان مشرری چاکردنی تم بعرطلایی و
پی سعریهریهای تنشخراد و، چاوریشی فرخ فرایکانی چدکدارتانی تدکرد.

نهمه له سبرکرهایتی یکیتی دا زور جار پاسی تم مطرمدیده تالهبارمهان تدکرد.
یکی له زماردگانی دارانتی یکگیتی دا زور جار پاسی تم مطرمدیده تالهبارمهان تدکرد.
تدرخان کرد و ، معرفان تعدا کادر و پهشسسترگدکافان به جیری پارورده برکمین، که
تدرخان کرد و ، معرفات تعدا کادر و پهشسسترگدکافان به جیری پهرورده برگمین میزی
مدره گدود و دسملاتدار پر ، بریارمان دا له تارایهدکانی ناویدکانی ای دسملاتی شورفی
دا خملک هان پندین به مطبواردتی تازاد چند کسس له خریان بز رنتاهبومنی تارایی
مطبدترین نامیرایی ۲۰ بری یکری خزی کیشدکانی نار تاوایی چارصدر بکا،
مطبحترین نار تاوایی به بعد حموانین و مراورن له مالدکان دا دابانیستریان
در ، تدکیر کاریکیان هیر به خطکی تاوایی لد رنگای تنوانده جهیهجی ی یکنن، لامان
دار تشکر کاریکیان میار ماده خطک کسی کشک له کز برتی دسملاتی بهصی دربیگی بز
در درویدند کاریانی تارخی در اینی تاریخی بهستری که دس
درویدند کاریاری ناورخی در اینیک کایهناند در دیبرین له پهشمدگه که دس
درویدند کاریاری تارخی در اینیک کایهناند در دیبرین له پهشمدگه که دس

له چنند جیگا دمستان کرد به جیهنجی کردتی ثم تنجریهنید در تناجامی باش ر سترکنرتری هنیر، خلک به گارمی پیشوازیبان کرد در، به چاکی جیهجیبان کرد.

لایشه کانی جرد، هنریه کنیان، به جرزی هطریستی لم تنجرویه یه گرت:

- حسک که اه نام لایمندگانی جردا له همریان زیاتر له سعر تعزی کرودستان چهکشاری همیر، همر له سعرهای کنوته دورشنایمتی تبلیرمستی تاوایی، تموان ندک همر چه تنطاسان تمهرمشنکمیان نشگرت، یشکر تمهیرمشنکانیهان هطفهوشناندندو، و. له تنظامهکانیان تدوان در له چهند جبگا باز تعربی سرکیان یکمن له حضوزی مزگدوتهکانیان هط نمکیشان و ، جمکیان تمکردن و ، جوایان لیر تسمندن.

حسک بز تعوی بز خطکی دوبهخا که یه کیستی تعنیا عینی دهسته ادار ر دهسرویشتری کرودستان نیمه، له هر جیسیمکی بری بگرایه بریاره کنانی به کیستی مطلعوشاندود، بز فرند: که به کیتی رایی که و کیری قدهف کرد، تعر رای تازاد کرد ر عانی خطکی تعدا گری له قسمی کادرکانی یه کیتی نهگرن و، راو یکدن. که یه کیتی داریرن ر خطارز کردنی قدهفه کرد، ثاهر هانی خطکی تعدا گری له قسمی کادرکانی به کین نهگرن، دار بین و خطور یکدن.

پارتی لمر کاتعدا هیزیان له ناو کوردستانی عبیراق دا نمبو، به تابیسهتی لمو
 نارچانده که پدکیستی لی بو، همندی مخروزمیان جاروبار تدگمیشتند شاروزیر، هموراسان،
 روستی،. پاش ماودیک تدگفرآندو، بز تیران.

- پاسترک، هیتریکی چدکشار یا مسیناسی تعوتری تعود، بشنواتی کنار له رهوتی روداودکان یکا، یدلام تعمیش ودکر حسیک هطویستی دوژمنانه بر له تعلیرمنی تاوایی.

پەكىمىن شەرى جود - يەكىتى

مارزسان له گفا، گزارتری پدیرشدی تیران – یمکیتی دا، تا تمعات گزاری و تالززان له پسرشدی نیران پهکشارکتانی جرد – یمکیشی دا له سمرانستری کوردستان دا زیادی تمکیرد، چرار براکسری جرد له تار خریان دا تاکمرک برن، بیگره له سمر هیچ ششی ریک نیرین یمک مصله تین، تاویش: بعرنگارین منترسی یمکیش، بور

له صاومید ۱۵ آیاتر لد ۱۰ جار پهگاداتی خریناوی پچیوک و گنوره له نیسران لایمندکاتی جود و، هیزهکاتی یاکیتی دا روی دایر. زورشی له سعر چدک فراندن له ناو پاکسته بیستوه بز لای تنوان و به پهچینوانعوه، یاره ومرگرتن، وطنتار له گنگ تنجیرمنشی تاوایی، خسطک گسرتن، به واتنیه کی تر حسوکسمسرانی ناوچه کسان، له ناو ثام روداوانعدا همندیکیان معترسی دار بون.

پاسزک و یدکیتی

پاش نیسرمرزیه ک، هموا خسزش و، کسترسطینکی تیکنلار له کسوردی همر چرار پارچه که: محماعدی مرحمدی له تیران، بوسف زؤزانی له سوریا، خمیز و چند کسینکی تری گزیردستانی تورکیا، له مسیاتی یکی له خاترکاتی ناوزشگ له پیر همتاو دائیشت برین دسمنطی مان تدکرد، تازاد مستملاً پنیلا بر، لای دایه لای ثیمه. یه خیرهاتشان کرد و، له گله دائیشتردکان به یمکترم ناساندن، یه گالتمومپیمان رت: و همر تیره کردستانیی برن، تعینی کردری چرار بارچه گزیریشتانوره ای

دانیستسده کان شتیبکی تعوتزیان له سدر پاسترک نخدرانی. کموتنه پرسیباری چیزوجیزر له نازاد. یککی لمر پرسیبارائمی محمقعدی صرحتمدی کردی توه بر: دله ناو ریکخبرادکانی کبرردستانی عبیراق ها خزتان له کبار ریکخبراو له هصریان به نزیکتبر نتازان ته نازاد یکسیر ولی: د کرماهانه

ریژی ۷۲ ی حرزمبراتی ۸۱ چند پیشسمبرگنیدگی عدیمی ۳ ی شارباژیر له گرندی مامنخملان له گله چند پیشسمرگنیدگی پاستری دسیان له یدک تنگیری و به تفننگ له پکتیری راسا برن. له پاسترک دو کسی: فارس و بیسستون و، له پیکیسی هرممری حاجی هنیدرللای گفتگی، که فنرماندهی مغفروزه بر له کنرتی ۱ ی هنرسی ۳ تنگروین،

یز رؤلی دوامی تاقعی پیشمنوگدی تیکلاری پهکیتی، که هندیکیان تازه له نار شاری سلیسمانی گدرا برنعره ره هندیگیان چر بون یز پعری کردتعرص کمسرکاریان بز سلیساتی، به سرایی ترترمیهایک نه سیتمکده تعین بز گیرموی، بی تعرص تازکایان له روداودکمی روژلی رابرود و بهی. ترمنز همر چهکاردکانی پاسزک له گفردی گزیرندندره. پیشمبارگدکانی پهکیتی تعینه ناز پیشمبرگدکانی پاسزکمره. تعوانمی پاسزک تعیانمی چهکیان یکن و، تعیاندنه بعر دصری هندیکیان تکورترین و، هندیکیان بریندار تعین،

لم رودارددا شمش کس گورژران لعوازه: جمعال عمزیز ضرصاندهی کمرتی ۵ ی هغریمی ۳ ی شاربازیر. وصفا فایفلی بدرگذرو. وسفا رمجیمی بننا. همرسیکیان تعندامی گزمناد و جمعال و فایفن تعندامی به کم گورنفرینس پون. جمعال مامزسفا و باوکی چند منالی پو، له کمارسانی همکاری دا له بستر دارای ریکخستان هات پوه دمرود، بهشماری دمورهی کادران پر له قعندیل. تا نمو کانه پاسترک هیشتا شمش کسی له هیزدگانی عیران نمکوشت پد، به همسر ریکخراره کمیشیان له شعری هیزدگانی هیسراق دا هیششا یه ک

یز تیسمه ثم روداره جیگای سمرسورمان بر. چرنکه هیچ کاریکی دوژمنانعمان بمرامیعر نهکرد بون، یگره به روزیکی تایینتیموه رطنارمان له گفا کرد بون. له سبرهادا پاسترک له شاخ مغربزدیدک و، جدلای حاجی حسین مصنولهان بو. نیسانی له گفته یمکنیستی خترش بود. پردگرام و پیرجوی تازختری حسینهکسیان و بعدسی پلارکراردکانیان نیسه بز مان چاپ کرد برد و به بز آیانی ختربان و پیشمنرگمکانیان و چمک و طالق شعر دوکر پیشمنرگمکانی یمکنی رختارمان له کل تمکردن. له کاتی روداردکانی و مخالی دا جدالا له گفته نیسه له لمندیل بود دو (وایی کرا به فصرماندی پیشمنرگمکانی پینجمین، نمگنرچی تعمد تاروزایی له تار زؤری پیشمنرگمکانی تاریحکددا دروست کرد، به تایمنتی لای حصصصدی خانی میشهار که تازه هات بود شاخ رد له سعر تعمد وازی له پدکستی عینا، له گست توریش دار بر ترین جسلال ردگس تجمریمیمیکی تازی دانانی فضرماندی پیشمنرگد له حیزیمکی تر جبگر بین، گری تعدایه گلیهدکانی حصم صدیق طفرماندی پیشمنرگد و دریمکی تر جبگر بین، گری تعدایه گلیهدکانی حصم صدیق طفراندی پیشمنرگد و دریمکی تر جبگر بین، گری تعدایه گلیهان رؤیشت، پهلام طفر تعوان بمکدلار تجر، زور زور خزی لی جا کردندو،

درای معظورکدی بهترک ۱۹۷۸ تازاد مستشف له زیندان دربور. تعریش هاند شناخ تمر کاند فیلی بارگاییکی پهرکیان همیو. درای تمیش به سارمه که، به تاییعتی له گفا دس پی کردتی شدی میران دا، چمند تفسیری گی گفت هاند دری. پاسرک که نظر نظرته از اکیشتهان همیو. حینهکهان هیشتا کسی یه کسی تعیی جسیمان گیری بی لی نظریان دا کیشتهان دهیو. جمعال تعییز دابر، بهیشه سکرتیریان قربرلی تمکر دیر. جملال معروضا معرایکی زوریان له گفا د. جمعال تعییز دابر، بهیشه سکرتیریان قربرلی تمکرد بور. جملال مداوری تعییز دابری به دشگیاندود تعادت بور جملال له تکونی کیلی تعییز دابر به تعایی بازدانی بور. مشارکت تعییز دابر، بهتام معندیکی یمکرتریان تعییر دا بر، بهتام معندیکیان تعییر دا بر، بهتام معندیکیان به تر در دستالاتی یمکیتی دا بر، بهتام معندیکیان بازدانی بور. تهیمه بام کمین و بهینمسان تشترانی. تا جاری جملال ایار تا خراهانی بو باس

چند جاریک و له چند دانیشتنیک دا نیسه پیشنیارمان یز کردن که هندی لد تنظیم رکانیان له باتی تموی کاتی خونان به مطرونیدگی چند کسیدو به فیرز به سیر پیش بین بین به فرمانیدی همیدکانی یکیش، له سعر بیریادوری پاسرک بیندره و له ناز معیدکش دا چند پیشمبرگای تمان پیشمبرگایکانی یکیشی دا به تیکلاری کاریان نکرد، پروتیزانی تعوانیل به به الایش چوارم. تصانیست له دو لازه کملکیان لی دومیگرین: پدکیکیان، وذکر تجریمی پیکنوه کارکردنی بیریادوری سیاسی جیاجیا له ناو بدک چیزی بهکلاری بیکگرودا، دومیسان، بز گشت پی دانی میزدکانی پیشمبرگا، کسانه کا به بخگ کملی کوردپدردر و، دمیجری کوللیمی همیکری بون و، له شعرهکانی پیشمبرگا، نسانه بین، بعر پیسه شارطزای کاروباری عصبکدی و پیشمبرگایشی بین، تدران گالتمیان بم

.

ئیبران. له کسرودستسانی هسیسراق دایران. تازاد کسوته نومسینی یعیان و وتلر. له پواری مرهانعراتی سیاسی دا - وَوِی همو تعواندی پیش خزی دا ، هنژاری مرکزیاتی به توزی پی با نشدگایشند.

حسک و یدکیتی

سهلا بدختیبار چر آبر یز نارچهکانی درلی جافستی بز گغران و به سعر کردندوی پیشمبرگد. جنمال فدرمانندی هدرمنی ٤ ی پدکیتی و، ثیپرکری شیخ عملیش فدرمانندی پیشمبرگدانی حسک بر له هنمان هدری، شیرکر له شیخهکانی سترگذار بو.

همرالمآن بز هات که روژی ۷۳ ی تایی ۸۱ له پنکسی حسک له کانیه رشتی نریک گزندی سیکانبان له دولی جافعتی شدینکی فورس روی داره. له حسک ۳ کمس گرزراوه لعرانه: شهرکز ر بیسترتی برای و ۵ پش بریندار و، له یدکیتی ۷ کوژراوه لعرانه: جممالی عملی باپیر و مسایل گلارهدی و ۷ پش بریندار برد.

جنمال رمزشکار پر. له راکردتی . . ۱ منتری دا یکدسی سلیماتی پر له سدرهای شررش تبایل دا چو ریزی پیشمنوگایتیدود ، ماریمکی دری له گفا عنیف منجید شران پیشمنوگه بو. پاشان چر بز همسددان ر له گفا تبران گدرایدود ، سالی ۱۲ له دوررمیکی تایمتنی دا بر به (مفیوشی شرطه) و ، بر به یکی له یاریکدوخاتی تسپی پر. له ۲۱ دا بردو ریزی پیشمنرگایتی و کرایه سعراتی جممال هاری ی کرمخه پر. له دسیمیکردنفوی شورشی حرزمران دا چره ناوچنی جافعتی و ، یکی له منفرمزه سعرهایمکانی پیشمنرگای پیک هینا. دولی گرایه فیرماندی کمرت و تبنیما فیرماندی همریم. هدتا یکی ی درویشان دا گریوجسرگول و به توانا بو. له شعرها تازا و وریا بر،

یم برنیبوه حسک پنهاتیکی دوگرد هبرشیکی ترندی گرد بوه ستر یهکیش و . تاراتی هفگرسانی شعری براگوژی و ، غندر و خیانتی دایره پالی، ینکیتی پش پنیانیکی دمرکرد هبرشیکی ترندی کرد بوه ستر حسک.

شیبرگتر و پیسستنرنی برای به دهستن بهکیستن گنوژران، ناراسی برایشی، کنه پیشمنرگایی پهکیتی پو، له کارصاتی هدکاری دا به دهستی پارتی گزژرا پو، جعالیش به دهستنی شیبرزادی برای شیبرگتر گنوژرا، تعمه قنولایی پر له ناسنزری شماری فاوخنزی درنافشت:

روداوه کهیان په دو جوړي جیاواز ته گیرایموه:

- ثمواندی حسک ثمیانرت: جمال به فیتی مملا پمختیار به ناری میوانیبدوه چره بز سدردانی شیرکز بز ثمودی له پخای دوستایمتی دا به فیل پیکوژی.

- مدلا پختیهار تصدی تینکار تدکرد، تمیرت: جعمال چره یز سعردانی شیرکز یز تمودی هفتدی کیشدی نیوان حسک و یدکیشی به لادا یختن و، لعری یوه به شعریان و تعر کارصاته قعوماوه.

جعمال پیشمبرگدیدگی وریا پو، تهگیر له کرشتنی شیرکز برایه پیریستی به قبل و میبوانداری نبیو، ثبترانی به جوریکی ودها شیرکز بکوژی که خری تی دا ندکوژری. ثبتیههامدکدی حسک و تینکاردگدی مدلا بهختیهار هدر کامیکیبان راست پی، ثم روداوه نالتهاره بر به هزی شعریکی خربتاری ثیقلیمگیر له نیوان حسک - پدکیشی دا و. دواییشر له نیوان هصو لایمتدکان جود - پدکیشی دا.

پیشسمارگاکاتی هاریساکه دوای تم روداره که قسارساتیدکایان و ، هندی له کادراکانی هاریمکایاتی تی دا گوڑرا بو ، در شعریکی خرینادیهان له گله حسیک دا بز به چی صابر ، خمصیار و سعر لی شهواو برن ، صلا بعضعهاریش به جی ی هیشت برن ، گذاریود بازدگای معرکزدایشی .

حشع و پهکیتی

تامیر مطروزیدگی جاش به ناوی عنبدوللا ماریلی، هات بره ریزی حشع. حشع روی گرت و له ناو هیزه کاره بر به دی گرت و له ناو هیزه کاره بر به دی گرت و له ناو هیزه کاره بر به دی گرت و له ناو هیزه کاره بر به دی گرت و له ناو هیزه کاره بر به اما کرد برای به خوبی تروی پیشتر پیشتر پیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر بیشتر که کانی نوستان دا گرت برد. دای چدکردن و پلیستان تسلیمی میسرالی کرد برن، پاش تازار و تشکیلیسیدی زور حرکمی تبحیام دران و له مرسل علیانواسید، تم پیشتمار گرکان و معرازاد له در دهمی تبحیام دران و له مرسل علیانواسید، تم پیشتمارگی گیرازاد له در دهمی تبحیام ی زن رسانده بیشتر نوسی بر نامدکمیان به مامیمال و سوکردایاتی نوسی بر نامدکمیان به لیدوانیکی مامیمالایده له قرماری چرارمی مازی ۱۹۷۹ ی وعوالنامه دا بمسجوزه

سی تستیری تری تاسمانی خداقان رادهکشین

را له خوارمره تامه کمی هطالاتی قارصان: وصتا رصرلی خیبات و کاک حسینی شهرطرکی و کاک رطبی روستایی، گرترمت ودک خزی باثر ده نگینده که شهر نهه کی کیار فردستان و ی ن ک دا خزی تیما کیار فردستان و ی ن ک دا خزی تیما کیار فردستان و ی ن ک دا خزی تیما شهرستیان به سعر بنوسم. همروه که به تاری ی دان کی و هیزی پهشممرگمی کوردستانموه بلین بز نمو ۳ قارصانه و سعدان قبارمیان شمهیدی نری تمکینموه که تا سعرکمون با بطین نر نراستیان که به سعرکمیان که گیران به نامی کیدان که باشدگری کیده کردوه در داخوازی به کاتی کورسطانی خطکه کهیان که گیران به کاتی کورسطانی خطکه کهیان که گیران پیروز به بدین و تالا شمکاره کمی کیدار فروز و به خیاتی پیروز بدین و تالا شمکاره کمی شورش روی ن ک همر له سعر سعر راگرین.

یه ناوی خوای گنوره و میهرمیان یدکیتی نیشتمانی کوردستان

بنی جسان طرحان بز مغالاتی سترکردایتی

سلاریکی شررشگیرانس گنرم

لعو کاتمی که له ژیر پخی سیداره راوستاوین چاوبروانی مردن تهکمین له پیناری ساقی گیطی کرردسان، ثبر گطعی کاروانی خنجاتی سرره به خبرینی هنزاران شنخیدی قارسان ره تهمش شانازی تمکین بعر ریگیینی که له پیناری شنخید برین، بعلام تهمه دارا له ثیره و هصر پ م ته کنین کنوا هنر کاتیک گفلی کورد گیشته تاواتی خزی له بیرمان ته کنن وه مثال و دایک و یارکی هیچ شعهدیک له بیر نمکن وه خویتی تیسه تمکنوی سه سیر است. سمده این سمده این سمده این سمده این میدن رشاشچی، میرست، نه تیره نمین رشاشچی، میدود کا میدود که این که کند تکا تمکن مام جملال مقالمی یونی کسرکارمان دریز کنن. تکا تمکن مام جملال

ئېتر يۇ پېشنوه لە ژير تالاي يەكپتىي نېشتىانېي كوردستان.

سعرکموتن یز کورد و کوردستان. مردن و سعرشزری یز دوژمنانی گظمکممان شعمیدان:

رمنزل عُرمتر خهات حسین عرمتر شهرالوکی دولیب عربسان روستایی رفتی . ۱۹۷۹/۲/۲

تنو کاتبی تم ناصیصان یلاز کردبوه، عنولا ماریلی هیشت تامیر وصطربزه خاصه ی بناش پر. عنولا ماریلی دوای تعری بربو به بناش چند پیشسترگای ترشی راز کرد بر. راکس تنیاترت: هندی پیشسترگایی گیبراوی له هالیکوپتمترمه قری دابره خراری.

ساسی عمولا بز الای حشع و، سوراندودی به بعرجاری پیشمترگدکانی بالدکایهتی و، هاوری و ناسیساودکنانی وصندا رصول و حسین و رطبیب، تیره بوزیکی زوری له ناودا دروست کرد بین، تم گلییه گلیشته مسیرکردایشی و، هورشنیان کرد بر که تدگیر لمر نارچمیه دروی تحقیده بز ناوچمهای تر، له ترایش خرینی هاوریکانیان دا، تمیکوژن، بز تمومی تم گرژیم برموستوه، مامیعلال دارای له حشم کرد بر لمو نارچمیه دروی

پیشندو و پیگورنادو بز شریتیکی تر. حشم بانگیان کرد بز لای خوبان در تاریخیک، پیلام درای چند روزی ریگایان دا بر برواندو بز بارهگادین خوبان له دورتی. روژی د نیپلرل پیشندرگادانی بدکرتی له دورگداد ترش تین. کموت برند درای، خوی له مالیک دا قایم کرد بر، دموری مالدکتیان دایو، دارایان لی کرد بر بیته دمود، ترسا بر بیکوژن خوی له مالدکتدا عاسی کرد بو، بربو به تقد، تم بنزمه ماویهکی خایاند بر سعرانجام گرشت بربان.

لپپرسراو،کانی حشع له ناوچهکندا لنمه زور توره ثنین. یهکیتی کی به و تعوان کین، تا پترانن دمنتغریهیان یکنه سفر و، هاروی ی حیزب یکوژن، تعوانیش پیریان له ترله کسره یودو، یغلام ندک لعواتمی کنه تعو کسارهیان تعایسام دایر، یغلکر وهکسر خسیله دواکفرترهکانی کورد، له هفر یهکیتیهیکی که یعر دمنتیان یکنوی.

روژیگ درای نم روداو، فعرماندی پدتالپرنیکیان بد ناری عطی حصه عنزیز، که یمای کاشینگرد ناسرا بر، له گرندی فنطیبان نمی، چند پیشمنرگدیدگی پدگیشی پش کمایشی بین براتیش نامین با دریان، نفوانیش: پش که خطکی نارچدکه بین له همسان گرند نمین. گلا گلاریک به ناری حصم لاو و چرار رسسان بدگی گدوموانی، فعرماندین کموت، له گمل کادریک به ناری حصم لاو و چرار پیشمندرگدی که، بی سل کردندو، نمچن بز مزگردتدکه که عملی لی نمین. عملی له نار کردندو، نمچن بز مزگردتدکه که عملی لی نمین. عملی له نار

ومسیان بهگ، جرتیاریکی هنژاری خفلکی گفروزان و، پیاریکی بمریزی ناویدکه بر، له شررشی تمپارل دا پیشمعرگه بو. لم شررشمیش دا هنر له ستودتاره دستی دایرموه چهک و بوبر به پیشمبعرگه، که بهکم تاقسی مشم گمیشته ناوزمنگ، تبوساکه تیم باردگایهکی پچمرکی له کسعورگسیک دا به وشکه کسفک که ناوزمنگ دورست کسرد بور، سمترگدوایهتی یمکیستی تشکوتهکمیان پی چزل کبرد بز تعروی فناتیج ومسول و مسلا تعصدی بانیخیلانی و شیومیه تازه راگردوکان دوگر نرایهگی زستانه پچنه ناری.

له کاته اکه وسسان به گ کورا به تهجاز بر سدراتی ماله کاتی چوبرور ناوچه که.

نمه دستدریهیه نارهایه پیشمنرگدگانی یهکیتی له بالهکایهتی وروژاند. تعوانیش کزیرترموه چرنه سفر بارگای بنتالیوندگش مشع له دورتی، شبوعیهگان دایانه چهای کاروخ ر. دامنزران. له شاخته گسارویان دان. حتم تاگاداری مامیملالهان کرد، تعویش فعرمانی دا که دسینجی دموری شیرمیمکان بعر بندن و، عدر کسه پچیندره جیگای پیشری خری. شعردکه کروژایموه، بفلام گرژی نعرفی بعرفه.

ودکر ثممان پیستمود له نار حشع دا له سعردتاره دو پیرورای جیاراز همیر پعرامیمر ناکرکی پارتی - پهکیشی، دراپیشریش لعر پطگانعدا که دمس پهکیشی گدوتن، هندی له معضمردکانی گریرنورکانیان تیم هنوالهیان سطاند:

 مغنیکیان لایان وایر که پارتی خاتم نیم بن سعر حشع، پرنکه حیزیکی خیلئی ناسراه به گزینهوستی و نژگهرایتن نیران و تیمپیایاین، بدلام یکیتی خندره چرنکه به ناری مارکسیزم و پیشکهونتخوازیبوه لاوانی کرود فریر تعدا و ، له جعمارمری حتم تعفرا. له بعر تعود لعر ناکرکیدگده! چاکتر وابه لایشی پارتی یگرن.

۲. هغنیکی تریان لایان وایر ناکرکییدگانی نیران لایفنگانی جود - یدگیتی ناکرکی نیران بالکانی بزوتندوی نفتویی بروجرازی کروده، چنندی یه یدگیوه خبریک بن زورتر یدکتری لاواز تدکین و، هطارستی حشعی پی بخیر تمی، له بدر ندوه چاکتر واید که خشم خزی لدو ناکرکیانیوه ناگلینی و لی پاکنری به کنری بخزن.

سفرناهام پیروزای تفواندی یدکنم ساوی گزت که به لای پارتی دا دایشکیان، ودکر تمپانرت: له سفردتاره مفلا تمصندی پانهخیالاتی لغم یاوبرددا یو، دواتریش کنریم تمصند چرد سفر باوبردکدی تنو.

یی دارن ریزی حشع به جی بهیلی!»

لشكركيشيهكنى سميد كاكه

سید کاکه زور جار لای سعرکردایش جزیدگدی خزی هداکیشا پر که تداکر نموان نی ی یکمین بدکسینی له گیروستان دا به سید کاکه، پچیته سعر چیزدگانی یدگیس. سید روداردگدی شیرکز پر، فعرمانیان دا به سید کاکه، پچیته سعر چیزدگانی یدگیسی، معلی پز کاکه، که خری هدسیشه به دوای پیاانردا ناکسرا بز پیاهاردانی یدگیسی، معلی پز مداکنون، لعر کساتده له دورویدی دورتی در مسطدکسان پر، گسوته کسرکندوندی پشتمبرگانی حسک، له قسدگانی دا که پز دانیشترانی دیهاندگانی کرد بور، وت پری: دیست پرار میزین ر تعوان تنها یدک جیزین، بریارمان داوه جاشدگانی شمسترشعش یکینود به تعویدگانی بدگرمیزدا»

سنید کناکه رؤژی ۲۳ ی تایی ۸۱ له خبرشناودتیبناره کنارته کیبیرسال به درای پیشنبارگه از کادرهکانی یهکیشی دا. هار پیشنبارگایهگی پار دس کابوت چهکی کرد و ، هفر تالمینکی بینی چوه ساریان، له چیزه از دولی نازماین از دولی سناقرانی زیاتر له . ۵ کادر او پیشنبارگایی به تاک و به کژمتا، چهک کرد از هاندیکی کوشت و هاندیکی زامار کاد.

بزلی و کزمنله

روای ۲ ی تعیارل سعید کاکه دحوری معضرتریدکی یدکستی گرت له گرندی میبروری بناری کوسرحت، گرت له گرندی میبروری بناری کوسرحت، پیشسمرگیدکی کوشت و دوانی بریندار کرد. یدکیکیان فعظی بایزی لهرسروری مطفرتزکه بور، تعوانی ترتیش گرت، یدکی له گیراودکان تعفور بزلی بور. سعید کاکه به گرفیان تی ی بدر بهور. معنا ترانی بوی لی ی داید. نوایشی جنید یی دا بور، و ت بوی، دفتیره همسر شرانز، بزلی و کوستانی کرچها میترحیها ۲، بزلی تیبره یکی بیتری دا به ناکز دائمنا، تازاردار و نیره درونند بین. کاتی خزی له نیران قادی و کوستانیان کردو، دونند بین. کاتی خزی له نیران قادی و دهشتی کویده گیربهان و کویستانیان کردو،

همرکس تمم قسیهی یکردایه، نظیر سید کاکه قسدی وبعا یکا، چرنکه تعریش به همزهکاری شوان برد و، پایش خویندواری خزی و رادس تیگیشتنی له هی تعزیر پمرتر نهی . له کاتیک دا تم خزی به سرکردی حبزییکی موسیالیستی تعزان، تعزیر تغذامیکی سادی کسرسله بر، یز بعدیهخسی گسرد، به هزی هطومسترجی ناتاسیایی بهراناموی کوردود زور جار له تار هصو حیزیهگان دا کمسانی له پایهتی سدید کاکه تدگیشتنه ناوهندی بریاردانی سیاسی.

فمخرددين

له مزگدوتدکش گرندی تاومانی دهشتی کویه دهری چند پهشمدگامه کی یهکیشی گرت. پهشمموگدکان دهستیهان کردهور. پهکیکیان کورترا ناوی فسفرهدین و . دهرچری کلیمی علومی زانکزی موسل بو . کادری ریکخراویس کزمانه بو .

۔ حاجی قادری مالرمه

سمید کاکه آدوزلی جافتاتی پور بره سمزگنار، عفادترد، باخستمبر، پوزخساخ صالومدد. له پخته شویتی تدن و تزقی له گفه پیشتمبرگانگانی باکستی دامنزراند بور. تازاری دوستدکانی بهکیتی داور. عیزکانی بدکیتی له وی که تازد فدرماندکیان رد، چند فعرماندی کارتیکیان کیژر ابور، فعمیار و سازگاردان بور، که بیست پریان هیزدکانی حسک هالزند سریان، پائی تعقرترفیکی کام کانا برندود دولی سفره و زوری.

حاجی قادری مااومه که به ناوی: ددیگلی تردیان ندکرد، یدکی بر اد پیاره ناسرادکانی نارچد، یدکی بر اد پیاره ناسرادکانی نارچدک. پیاره اسال در اله شرزشی تباول دا ماویدکی دری پیشسترگایش کرد بور مامه عنزی برایشی سعرتای دمی پیکردنبوی شوشی نام کرارا بور دمی پیکردنبوی شدنی مشترمی اد حاجی قادر به خوی دا راتبرمرد اد روی هسر کسیک دا قسه یکا، هندی مشترمی له گلاسید کاکه کرد بور سعد کاکه بر شکاندنی حاجی قادر له بور چاوی خلک، له حویزی مزکرتدی مارچی قادر له بور چاوی خلک، له حویزی مزکرتدی مارچی مارچینی طاوعی خلک، له

دلشاد تزفيق

له گرندی شارستینی دولی جافتتی، که دوا قرناهی لعشکرکیشیهکمی بر دلشاد ترفیق گرؤرا، دلشاد نبویی شنامیری کرودپدرودر حاجی بالی بنگینه ر، خزیندکاری زانکز بر دستی له خزیندن هلگریو، مارمیدک له قندیل و مارمیک له نارزمنگ له کلد در پیشسمرگه بر، گلافییکی ژیر و پیشنگ و تازا بر، کادری بیکخراویی کزمانه بر،

.

د. ب

هدر له درودی تم لعشکرکیشیدا روژی ۱ ی تبلول تاقیبکی تری هزرکی سعید کاکه جارگی تری هزرکی سعید کاکه جارگی تر چزد سعر هزرکی بدگیش له چبردی سعر پیشمنرگههایکیان کرشت به بازی عاشم در درانیشیهان بهتندار کرد بید. هاروی ی کرمداد و گفتهیکی درج سرک و روشنهیر و روزش برد بر خربشنی پیشمنرگه ای کارد برد. بازی ی کرمداد و گفتهیکی درج سرک و روشنهیر و روزش برد برد خربداری پیشمنرگه کانی دهشنی هدولید سایرود. گولفیدک له کمالهی سعری داور ترشی بیهترشی و شعاطی کرد. هارویکانی به بریشاری دریازیان کرد برد. مارویکانی به بریشاری دریازیان کرد برد. مارویکان به چها و مارویکان نهبرده و تیشر نمیترانی پزشکی پاشان بر تعداری تبیردار بز سرید. یعام هموگیز چاک نمبرده و تیشر نمیترانی پزشکی

.

هپزدکنتی سنید کاکه زورتر نیبر له هپزدکانی یاکبتن، بالام هپزدکانی یاکبتی ودکسر جباران به پی ترسی دمستندرووی حسبک به تاقسمی پچبرک و له یهک دابراو به نارچهکانی چالاکی خزیان دا تصوراندود. سنوکردایاتی یهکبتی هیچ جوره بریاریکی نیبر پز شبری حسک، حشم و پاسترک، هور له بتر ندود تاگاداری پیشسمارگادگانیش نهکرا بر رریایی خزیان یکمن و، کز پینموه یز بدرپدرچداندوی هیرشدگانی سعید کاکه. سمید کاکه تمیترانی غافلگیریان یکا و، دمستی کترپریان لی پرمشینی و، یه جنیان بهیلی.

ته هموالاته که گهشتموه تیمه زور نارمعتی کردین. نم لمشکرکیشیه له سنوری تؤله دمرچر بور، بهرو به شعری دمرپدازندن. سعید کاکه له نامعهکیشی دا که بو مختصی سیاسی خوباتی نارد بور، دارای لی کرد بین هیزیک بنیرنه سعر مامننده بز تعربی نیستش له شینی، زطی، ناوزدگ، ترؤهاد. دمریکنن، وقان: وتدگیر را بروا تعیی کوردستانی بز به چی بهسیاین، به بز عطب مذکانتی بار و درخدکه کویونتوییک کرا تعندامانی م س و زوی سنوگردایدی بخشار بون.

له پیشنوه وختمی زورمان له مثلاً بعقتبار گرت له سعر کارهکانی تعر دواییمی و. له سعر به چی هیشتین پیشسترگانان و نارهکاید. دارامان این گرد سعر لعنوی پچینموه یز سعرپدرشتی و ریکخستندوی هیزدکانی هدیسی چوار. هنرچی له گطی مان رت. کطلکی نغیر، تاماد، نهر پچیندو، بر نارهکای. بهارمان دا:

 مستخفا چاوروش بچی بز کرکردندو و ریکخستندوی هیزدگانی هدیسدگانی ۳ و ٤ و، تین پر سفید کاکد و هیزدگانی حسک بهینی بدی مغرگ و دولی جافدتی به جی بهیان بدود کرسرت و. ادریش گرشاریان بر بهیان تا تمیانکمندو به خزشناوشی دا. ۳. دن هیزیک له گفا، خیرم بهدم به تاریختی مستگروایشی دا بدود و دلی خانشا.

و، دس یگرین به سر تارچهکانی ورتی، دولی مغلکان و، دولی بالیسنان دا. گنا، هزرکای منتقل یک یگریفورد، هزرکانی حسک یغینه زنار کاماشه و.

 ملازم عرصورش، تدکتر پیروستی کرد، به دوای من دا هیزیک پهپنی له لدلاترکان دامدری بز باراستن ریگاکانی بشتورمان له کرمتان – دولی خانها.

لم کاتندا پنشیکی هیزدگانی فعریش ۷ ی بالدک ر هدریش ۱۶ ی تاکنز له سعرکردایتی برن. همدریاتم تاگادار کرد خریان بز جولان کو یکننبود. سعید کندیم له بانی م ح هات. چند منظروزیهکی گفرمینان لعری برن تعوانیشسان تاگادار کرد خریان تامادد مکند.

میستینقیا له سنودنشت پو تاگادارمیان کیرد به ری یکتوی پؤ جیسینجی کیردنی تمرکدکانی.

روداوهکانی فطیبان و کاروخ، له نیران حشع و یهکینی دا تازه قدما بر. هدودلا پریاریان دایر که پهپرمدییهکانیان له ناوچهکددا تاسایی یکمندو. یهکینی ثم کاردی به من و، حشع به مملا تمصمدی یاتیخیالتی سیارد بر.

بمیانی روزی A ی تبیاولی A هیزدکنمان کنوته ری، منلا تحصندیش له گنار تیسه هات، پهلام له ریگا سلی لی تکروین. له قبلازگران لامان دا. له کاتی نان خراردن دا عطی جمعی شاسوار، که تنوسا گنامپیکی تازه پیگیشتر بر، تفندگدکی له ستر پی تعین، گرلطبیکی له دمس دورچر رازی پیشمندرگیدیکی منظروزدکمی خریاتی پیکا، تاوی هیدایت و خیلگی تاوایی پشکسی گارمپیان برد و. شالاو له گنال هیزدکه برد، گلیشت مستری، دهساره گندوردکندی راتی توشی نتایف بریر، چهندی خسدریک بر تعزیف،کمدی پرمستینی و، چند کمسیکیش خربتهان دایه، کملکی نمو، هممان روژ صرد و، لعری ناشتهان. نممه روداویکی ناخوش بو، هیشتا هیچمان نکرد بر یهکیکمان به خورایی کوژرا،

گورستانیکی زور گئوره له قابلاترکان بو. گغوری گورستانیک له گیله کسیی ژماری دانیشترانی قابلاترکان و تاواییدکانی دعوریموی دا نشدگرفها. عمندی له گورهکان مطبحسترا بین، نیگاری گول و ضامیعو و مطبکی له پایمتی کطشیر له سعر کیهادکانی مطکمترا بور. توسینیان له سعو نهو، یان من نصیبنی. نعوانی هی چی سعردسیک.

روژی درایی کعرتینه ری گلیشتینه دولی خانفا. پیشمبرگدگانی دهشتی هعولیر و خوشتاودایی کد له نارچدکندا سایدنوه تا نمر کانه خوبان حمشار دایر، به هؤکی تؤکی دوراندو و خزیان موضت. د. منجهدیش، که چند روژ بر به برینداری حضایان دایر، که داره در به به برینداری حضایان دایر، که دارهمیتیک دا گلیشته دولی خانفا. سعرهای سختی بریندگدی و پعریشانی حالی، درین وزر بعز بر بر که گفا مملا تصمعه چند جاری دانیشتین و، نوینعرانی هعردولاسا دانا و، تفو جدانای که بیدکتری، تمیر نیوانی هیزداری هرزانی هدردلا که نارچدکدا بگاریتدو، درخی جارانی.

بعلام ودکسو دوایی پژمسان دورکستوت تعسیه پیز خیاو کسردتمودی تیسمیه پیو ، چونکه سترکردایمتی جود پریاری دایو: پدکیتی تعمیٰ یکا.

هیزدگسان به ری کعوت بعرص معلمگان. یعیانی زر بر گلیشتین. پیاودگانیان که به هاتنی تهسعیان زاتی بو هعمیان له ترسان هزیان له چها شاره بورم، تعو روژه همینی بو، له بعر تعربی پیساودگانین تاواپیسکسیان به جی هیشت بو، نروی همینی تی دا تمکرا. هیزدگممان زور بر هممری له معلمگان جینهان تعمیره، له بعر تعوه دابشسیان کردن به دریاچی دولکه له گزندگانی: کندول، بلعی سور، بلعی خوارد، تالانم. داوبزرین.

کادرکانی یدگیتی، هعوالی ناراستیان له سعر ژماره و شوینی هیزدگانی حسک هیر، پنیان رت برین که دولکه چوله و ، هیزی حسکی تی دا نصاوه، بلام که هیزدگانی تیمه چون یز بلی، له چیاکاتی پشتیده سیری جواندگا، داره هیشک، گطی بیجان، که پشیکی زنجیسری چیسای کمروکه،، بریان دامعزوا برن، دایانته بعر دهسریژی گدولله، پشیکی ان کرشتین و چند گاهیکیشنان برندار برن.

هپزیکمان تارده سعریان. شرینه کانهان زور قایم بود. خطکی تارچه کمش به نهبنی هار کاریبان تدکردن، بعرشگاریمه کی سختیان کرد. سعرفهام هلاکمندران و بلارویان لی کرد و خریان شاردمود. یز تعرص نعترانن پینعو، نار گرنده کان به دریزایی دوله که نار همسر گرنده کان دا ینکمان دانا و، لعو شرینانیش که تعیانترانی هاترچوی لیره یکن برسه در دریمهان دانا،

زغیبردیدک چهای زور سمخت کموترته نیران دولی شاور و دولی معلدگان و دولی پالیسانتود: چند کویره ریگایدگی همیه یز هاترچه باریک و بعزو و رک و رژدن، خریان پیپان تبلین: دودرد: دور دهوترا، دوره زیره که ریگایه بر دولی شاور و، دوره شیر که ریگایه پو سنرهاوی معلدگان و، ریگای سفیاری ختی، همعر تم شرینانمان به چیسمنرگه تغنی، چرنکه چاودورانی گاراندوی سنید کاکمان تدکرد که له دولی جافتایموه رلو ترا بو بدود کوسره . و، ثنیو به یهکی لم ریگایانه دا فی بهموی بز ثمودی یگنریشو. بازهگای سترکرداینتیهان له دمراوی دوله تو.

روزانمیش مطرمزه کافان تعهون بز گعرائی گونده کانی دولی بالیسان.

همان روژی گلیشتید مطاکان، درای تعربی تیگیشان نیازی هیچ دستدریای ر کاریکی خرایمان نبه یز تیراردکش، همتر تعرانش مطات بون هاتندر نار مالاکانی خیان، درا به درای یک هنایی که پیشسمرگه و مغرزدکانی حسیک، که خطکی ناریهکه بون تعرایش که مکزکانیان تمانند دری و، تعداند نار یکیتیدو. همندی لعرانه پیشممرگش بلار و ریکرینگیان کی درجود تا سو له گله یکنین ماندو.

ديمركرات

یدی له پیشمبرگدگانی دستمدی خرم ناوی جمعال بر. هاوری ی کرمدله پر. پدیرسی کاروباری لوجستیهگی معفرهزدگدهان بر. سعرپدشتی خواردن و دابشگردنی نمکرد. کابرایدکی معلمی داریکی هدوری و دو بن دار گورزی بز خواردنی خزمان بعربر رو کرد بریندو. جاروبار گریز و هدرمینان لی تمکرده و تمیانخدارد. جمعال سعرپدشتی چنین و رنین و دابشگردتی تمکرد. له باتی تعربی بلی: ودکو یدک به سعوتان دا دابش تمکم، تموند وت بوی: به دیموکراتی دابش تمکین، ناوبان نا: وجمعال دیموکرات به درای تعوه تیتر تم ناوی به سعود دابرا و، هتا تبستایش هغروای پی مطین.

قىل

لمو سمردمسدا دنزگای بیشنگ مان نبو، تنیها هری پدیردندی مان چنند دانیه ک هرگی ترکی بود. بز نمودی له گستگ یمک پدیرنشی بکمین تمیر بچسسینایاتم لرتکمی پدیزایهکان، نمو مفتروزانمی له پرستی سعر ریگاکان دا دامنایرن همسریان هرگی ترکیبان پی برد، بز نموی تککر شتی هانه پیشموه به تایمتی شرینمکانیان تمیروانی به سعر دولی پالیسان دا تاگادارم یکمن.

شاخوان فکرماندی ثنوانه پر که له سدر باری خدتی و، فاروقی عظی معولودیش هی تعواندی له سدر دوره شهیر بون. پز تعربی په تاسانی له پنهرمندیههکافیان تی نهگین. همندی له ناورکافان گیری پو، لغوانه: وشعی وقعاره مان پز حسک دانا پو.

له پر شباختوان به هرکی ترکی هاواری کند: وتعری وطلا تعره قسطه کنانیا ثعره قسطه کنانیا ثعره قسطه کنانیا ثعره قطعکان خعریکن به سعر باری خفتی دا هللتگرین. تعره قلبلکان بعره لاک تهمه دین...ه به بمجبرد، به بی پسانموه درباری تعدا به قسسکانی نعترت صوته یعد بعدیه و له سعر روداوکانی تریتریین تعدوی. فاروتی عطی معاوردیش هسان قسمی شاخعوانی به هرکی ترکیبه کانی تر تعگیباند: چنندی هنوام دا شاخعوان به به بیشکی نعیر.

ترمنز قطهکان سدید کاکه و هیزدکمی بین و، تمیانویست له ریگای سعریاری خنتی پینه درلی مطفکان و یگئویشوه پدوم سعرکرداینش، لم عات و عاواری شاخعوان هوشیار پرنمود. تعوانیش به هرکی توکی قسمکانیان گری لی بیرو، زانی بریان برسمیان بز دانراوه. به همان نزنزمزیبلی پی ی عات بین، سوار برن و گدرانمو، بز دواوه بدرم چیای عموری، وأته بدرامهدر بدو چهایدی هیزدگاتی تهمه بری دامدزرا بون.

ثیتر ثبسه له کولی تعیینگوه. هیزاگافان تیشتند سعریان. له لای چیره و له لای سعرداده به هغوری دا پریان سعرکتران، سعید کاکه به حرکی ترکی قسمی له کلل عمولا سور کرده بر دارای فی کرد بر دمیازی بنگا، شریتیکی بز دبازی کود بر پیچند تعوی تا به ترکیکریزشوه. سعید کاکه هغدی لتواندی له گیلی برن خبریکی کردن به شعری میزدگانی به خبریکش به در پیشود معیدانی به چی هیشت بر بعربو تنو شویشی

هیچ کمی له فعرمانندگانی پیشسترگه به تخدازی سعید کاکه له خر دربازگردن دا زیردگ نمیر، شعردگدی دانصغرزانه، گعرمی تدکرد، تاقمی له پیشسبترگدگانی تیبرد تدگیلاد، خریشی به پیمنگی تدکشایعر، بز شرینیکی سالاست. له چمندین شعردا تم تاکیکنی به کار چینا برد، له وشعری دهشیره بیش دا ردما درباز بربر.

•

شیر و ریوی

ائدم شعره زیاتر لعودی شدوه تفخگ یی، شدره قسه بور.

که پاسی تازاینتهکانی خری تهکرد، سهید کاکه قرلی هطنمعالی و، گیرانعوکانی تیکدلار تمکرد به هازوهرژ و فیشال و خو هطکیشان، بدلام قسه و فشه و هنرشدکانی خرش بون، زور جار له ناخرشی دا بیاوی تعینایه بیکنین.

سید کاک عصر فیرماند باسراردگانی پهکیتن نمناسی و. له گمل معندیکیان دوست و ناسید کاک عصر فیرماند باسراردگانی پهکیتن نمناسی و. له گمل معندیکیان نهکرد. له سعر تالی به هرکی ترکی قسسی به تعالی به تعالی نهردد. له سعرتادا که هیشتا معترسی له سعر نهی جنیسی بی تعاد و گفتی لی تهکیدن به قشناسه کمی بی بود، هرهشمان تمیزاینی اسید کمیم و قادر خیات و عمزیزی داود پهاری زور تازا بین همرشکانی سعید کاکمیان به تلک و میگرد. خبریک بین نهگیشتند معری.

له چنند لاوه په هوکي توکي بانگيان تهکرد: دستيد ايوي له کوي ي!ه

سمید کاکه تمیزانی تیتر خدیکه معترسی لی نزیک تمییتموه وتی: دشیر که پیر پر تمیته مصخفری سدگارناه یهکیکی که پی ی وت: وسمید ربوی) تز قعت شیر نمیری، همر ربوی بریت و، همسر جمار خبانگی له تسمروره تمگلیتی و خریشت هماندی یاه قبادر خمیات گروانیمکی خرشی به تاوی: دهتر ربوی - ربوی...» بز ریکخست بر، به تاوازیکی خرف له هرکی ترکیکدا بزی تعرف.

مارهیدک سید کاکه دمنگی تعما. زوریان گالته به خوی ر به قعناسدگدی تدکرد. تنهانهست شسریندگسی بموزنوه بعلام تنو دمنگی له خسری بری بور. توسستز خیس یکی خودمریازگردن بیر. سعید کمریم چند جاری بانگی کرد: دسعید ریوی قمناسدگست دمنگی تنها چی لی هات!ه

سدید کاکه گدیشته تینی، رتی: وجو به دایکتااه

سهیره کورد له ناو گهانگاران دا، جگه له شیر و پلنگ، تعوانی کدی به لاوه سوکه. سهید کاکه به ناوی ربوی زور توره تمور، نمیشنزانی رؤمیل سعرکرددی هیزهکانی تعلمانها له سعری تعفیرها، که هیزدکانی پدیهانهای به سعرکردایه می مزندرگزمری به گیر هینا بو، له یعر زیره کی له بمربومبردنی شعره کندا ناویان تا بو: ریوی بهایان.

ثیتر به پدکجاری تا دم*نگی قامتاس*دکدی و نه دمنگی خوی له خرکی ترکی وا نمیا. بز روژی دوایی بیستمان که عمولا سرر له ریگای سنرکهپکانموه تی ی پغراند بو.

له هموری یدکی له هیزدکش سنید کاکه کرورا، ناری حفسین ودرتی پر، تعرمنکش به چی مایر. پیشنمترگمیدکیشیان به پریتداری گیرا انزادمان کرد. یفلام سنید کاکه خری ددیاز بر ر، تعرانی تریشیان به تاقمی پچرک بلاردیان لی کرد.

جموجرلی تاشکرای چدکداردگیانی حسک نعما و ، نارچدکه کنوله ژیر دمسیلاتی هیزدکانی یدکیتیپدوه

بز روژی دوایی، بز هطستگاندنی هطرمنرجی ناوینکه و، دانانی بدنامدی کاری داداتر، به بیزارا کنویننده، پدیستنی تموه نمسایی طرین داداتر، له بیزارا کنویننده، پدیستنی تموه نمسایی هیزادی خوبی لایک خوبی لایک کرکراویی چیننده، خوزکان ربگا دران همریکهان بچینمو ناویسی چالاکی خوبی، لعربت نامیکام به ربگای ناوشار ناوه بز غیرماندی پیشموگانی بنگمی اعلاوکیان، تاگادارم کرد که سید کاکه لعر ربگایهوه تدگیریتوه برسمیکی باشی بر بینندو. معمددی حاجی میدودالا فیرماندی پیشموگانی برد، به چاکی بزیان دامترا بین، بلام که سید کاکه گمیشت بره نزیکی، به هعدی قسمی لوس فریری دایو، ربگای پی دابون به سملاسمتی شریده.

کؤسرمت پزشایی تی دا دروست بو. نارچهیدگی گرنگیش بر بز پیکنو، پستنی نارچدکانی هدود پدری زی: شمال که تعو کانه فعرماندی پیشمعرگدکانی دستمکنی خزم بو، حنزی کرد پچی بز کوسرت. تاقمیک له پیشمعوگدکانی خوم بز جیا کردوه و، له گلا هفتنی پیشمعرگذی تر به وی مان کرد و، فعرماندهی هیزدگئی تعوی مان پی سپارد.

گىلەكۈمەكىٰ ى چوار قۇلى جود

پهیرمندی یدکیستی و لایمندگانی جمره چو بره قرنافیکی ترستاکمو، له نیبران یدکیستی و باراتی دا له سیمردناره حالتنی شدر بهردوام بو. درای تم و رودارانمش شدر له نیبران یدکیستی و حسک دا هلگیرسا بر. به هزی روداروکانی دمرگداد و فعلیبسان و کراروخود پهیردندی یدکیتی له گفا حضم بش گرز بر بر، له گفا پاسژیکش له روداردکای مامخدلان و گدردی تیکچیر بو. به واتعیدی تر هدر چرار براکدی جرد له سمنگاردا بین له یمکیستی، سمبرگرد(یمتی تم حبیستانه به نهیشی له نار خیران دا ریک کسوت بین گفادگزدمکیشدگی پیشسمرگدی یکان، یمکیتی له معیدان دریدریان، یا حیج نمی تمنی یک

تیسه هیشتها پمنمنان نترانی بور. من بدردر دوا گلوامتره بز مطادکان و . دوای چند روژی چوسه دولی خانقا په تیبازی تدوی به پهکجاری پکتوبیندر بز ناوزمنگ له پر تبود هیزدکم کم کرد پروره . هد . . ٤ کمسیکم له گله پو . چنند روژی له گزنددکانی دولهکند! پدرپینتی تربود به لای تبسدا تنعاتن ، ودکر پیشسترگدکان چاردیریان کرد برن. لم سعر یه کسمی تمرویشان، بعلام لعو سمر په زوری تمعاننده. گرمیانهیان واپیر هینزیکی پهیگانه. ورده ورده و په شیندین، تمگیوزنده یو شویندکانی پشتی تهمه.

چارمث

صدکتمی سیاسی چند جاری به رادیر پنیامی متبشرویان بز تمنارم، کنوا همرلا سرو ریگای کرمتانی بمستوه، هنرکس لعربو، تموا، ریگای پی تدگری و لیکرلینتریان له گفاه تما، چند پیشسمرکنیدکیشی چدک کرد بر، دارایان لی تدکردم هیزیک بنیرمه سعول له ریگاکه دری بخنمتوه.

بداریکیان تاقیی هرندرمفندی هدولیری لعویره تی پدری بورد. سید کاکمش لبری تمی، یمکی له هرندرمفندگان کمسان، یا تالتیکی مرسیقی تری، پی تمی، سید کاکه لی ی تمیرس: دیز کری تمییر1ه تملی: دنیم یز تارزدنگ» سید کاکه تملی: ومامیملال کمس به دستود نماره خدیکه چارش کز یکاندراه

سسرار ناشیا، هستولا سیوری یانگ کنرد بو له سسو دویاز کنردنی سندید کناکند سفر نشتی کرد بور، بوزی باس کرد بو که یه کهتی و حسک له شعردان، بازمدنیانی تنوان را نه درزمتایهتی یه کنیتی، چفت جاری احتصاله گفت کرد بو که بان یکمیتنور، ناز به کهتی بان نازچه که به چی بهیلی و بچی بوز سنر کردایهتی حسک، چفت رؤای تم مشتر مردیان مدیر درام نمین، مطلا عنوستانی یانگان، عفرتر صفیق، رشواه سلیمان و منامندی حاجی که خلکی نازچه که و مقتبه یکان خرص خوبی بین هدر له گلی خوبیک تمین، تم معولانه ندی هدر دیچی سودی نامی، بطانی بعرباری بی یاکی و بی مناتب دو سور تمیی له سنر هزیکی گفردی جود به ریگاری: «چیستان پی تمکنی بیکنا» ترصنز تاگادار بر که هزیکی گفردی جود به ریگاری: «چیستان پی تمکنی بیکنا» ترصنز تاگادار بر که

كزلاتي فاته

وخّانگا و گرندیکی پچنرک بره دولهکییش به ناوی ثم گرنندوه ناو نرا بر دولی خانقا و خرا بر دولی خانقا و خانود از ترکیبری معنگستری تبیست به جادی هامیلترندود. للسیستر و تعویدی جداددکمه گلیتندگائی: بعرگلردکمه مسترندوس، بن ندرس، گلزمسار، رزگریار، و خرابیدر بن تعرس، گلزمسار، رزگکایهک لم جادیدوه تعیرده تنهیز بز قصری، یمکی له بیدگانید ناویه برد.

تیرینرمان چیای مامه روت و پشتمان چیای دره بی بر. کاتی خوی وشیخ نبی ماریلیان الم خانظایدا ثیرشادی کردره و. گردکیشی همر امو نزیکانه زیارهنگای تعلی مراز پر. شیخ تمی زوری ژن هیتاره. حاجی قادری کویی هیرشی زوری کردوته ستری و. له چندین شیحری دا تاری هیتاره و همچری کردره.

شمودکنی تیمه له بعرگردکه له مالی شیخ تعربصیان پرین. خیزانیکی هئزار بعلام تنهیسمیت دولسمن برن، کورونیرور و تیگیششتر برن، ژوریکی خوشیان له نهومی درمی خانردکمیان دا پز میبوان تیرخان کرد بر تیمه لعری دا پرین. پیش تعربی دنیا تاریک بین، هنرچی ریبوار و کارونیک تهگیشت، تعربت هیزیکی زبودی پارتی له سعر جاددکه کورنتادو، تا تعربا تیمه نمازازی بر هیزی پارتی داینزی بی، کعرتیته پهیمیری راستی معرالک، دورکتوت هوالک واست پر

شمردکش پر به وبیشرممهدگی زور بهجیز. رضعهایدگی وا هطی کرد صالهکمی تعمراند و، بارانیکی به خیریرم دایکرد و، هموا ساردی کرد بر. همصورمان چادوی برین ها تیست ها تاریکی تر خریان یکنن به نار گرندا و بهی به شمری تنسمتن، چرنکه با ربرمان نشکرد لمد چزاهدا پعرگامی تعر وبیشرممید یگرن، یدلام دیاره مروف همندی جار داریدمن قایسره.

یز روژی دوایی هنتنی له هیزدگانی هدیسی ۷ ی بالدکم کز کردبره و ، له گرندی وکطیت» بود به بتاری کناروخ دا یز سنوگنلی و تینجها یز زارگنلی کیبرمالیکی وردمان کرد . نه له دور و نه له نزیک میچ نیسشانعهکی همیرتی هیئزی پارتی منان همست پی ندکرد . هیزدگانیان شعری پیشر پاشدکشمیان کرد یو بز دمورویعری پشت کاشان.

له چند سعرچاری جیباوازوه هنرالم یز هات پر، تیشر گوساتم تنمایر لعوی بعر نرکاند هیزدگانی جود پلاسارمان تعدن له یعر تموه ثیتر مانتوم له دولی خانها به چاک ننزانی. پیشم باش تمیر پلاسارمان تعدن له باک به تار دورتی دا له زیتی تعسیروکاندی ننزانی. پیشم باش فرسی تعددانی باردگای حیزی شیدرعی. زور گیر تعین رویشتین. پیشمنرگانی له گطم بون چاویان مداخت بو. درتیان له آرودگانی کندا خطکی تری فی بر که تمیانشوست تیمه بهانهینین. درایس در کرد تعین باردگانی له گطم بون چاویان در بازی بدن به دزیمود هنا بریانن پشتمان فی بگرن. درای بدن به دزیمود هنا بریانن پشتمان فی بگرن.

شعر کنیشتینه پلتگان. پهرینه مالی سفلا عبرسمان. سفلا عبرسمان پیداریکی کیرود بردر به کرندود بخشاری جبرلانبردی کبرود رد دوستی یهکیپتی بود. هیشتما نبدستایی بازد هیشاری که دوستی یهکیپتی بود. هیشتما نبدستایی بازد به میشاری بازد میشاری میشاری به امرین ماید، بی ی و ت بین که: دهیزیکی گلوردی جدد له روزاندا دین طرای بزد درگردنی یهکیپتی له نارچه که، نام پیکنک طری به طرحهان نفزانی له پیشمود هاتره پیمان بلی: تدگیر تصان هارکاریهان یکن تموا باشه، تمگینا تعمانیش ددرتک شری به طرحهان بهکیپتی، درتک شری میشاردی به یهکیپتی، درتک شری میشاردی به یهکیپتی، دمیشارکش میزدگانی بهکیپتی، دمیشارکش میزدگانی بدو دیا باز نارچه که. لعر کانده هیزیکی توترم له بدر دس دا

.

یمپانی روژی ۸۱ ی تشرینی یمکنمی ۸۱ هنرالم بر نارد که: دیان بیشموه ریزی یمکیتی، باز پهلایان له مالی خزی دانیتش بعو صعرجتان هارکاری جود تمکا نیسمتی دستی لی ندهبره: یان دصیمی نارچه که چرل یکاه یملام تعویش هنر که به هاتنی تیسنی زانی پر همر تصنوی چر بود شاخی بیسرمکه له پشتی دوله رفانه، هیزهکانی خری به چند. روزی دامغزراند بر.

.

قادر خنیات دوستی صنولا سرو یو بنیانی زو چر قسنی له گنا، یکا. قسندگانی منی پی بلی. تنقیبان لی کرد گرلفیهک له رانی دا و. له شویتیکی کراوددا به برینداری تا به لاداخستنی شعودکه کعوت بو خوینی له بنر تعویشت نمیتدرانی سعر دمربهینی.

دو له خزمه کانی همیدوالا سور، که فعرمانددی کعرت برن له هغربیدکدی: حاجی ناشا حاصید و خالصی حطی ناها، هانت ناو یمکیشیدو، هممان پیپامکدی پمیانیم یه صانیش دا یز نارد. یملام پیم وزن تم پمیامیه تا ثعر کاند بر تمکا که لیسمان نمکیژراوه، تمکّد لیمان بکرژی تیز له کرفی نابینوه.

خرم له گفا سوار تاغا چرمه بعزاییدی بعرامیمر بیرمکه هسو شاخهکسان تعیینی. شرانیک هاته لای سوار تاغا راسهاردهی معولا سوری یز هینا بر، به شراتم وت: و تعترانی ناسه با راسیهاردهی متنی بی یگمینش اه وزن: ویشی و زنم: وناستیدکی بر تعزیم بزی بین بینام بینا بینام بینا بینام بیام بینام بیام بینام بینام بیام بیام بیام بیا

معتفدی برای معولا سور پیشمبرگه نمور. تا تمو کانش تپکدلاری شعر نمور. که تعقد گنرم بهر کنوژوار و بینغدار کنوتن، یمکی له هزاکی ترکیبیستکنان تاگاداری کردم: و صحفت تقنشگی پی به و ، ضعیکه به بیرسکندا مطابقگیری تفقی لی یکنیزا » و تره و تعقدی لی ممکنزا » لام وابد براکنی له تشکانندایه تمپی بز پارمتهنان «ترکی برایدی» به چی تعقینی، یملام محتفد ترسایر داخی عنولا سور بعر بریزین، دابیه شناخ خزی درباز یکا تمک پارستی براکندی بدا. محتفد بهشنداری شعر نمیر، دوای تموه چره لای حسک له جیگدی براکنی بر یه قمرماندی هنرم و ، ماویدکیش لای همیاسی بایز بر به

.

کابرایه کی معردار له دوله رفقه بر ناوی صابی پلنگ بر. تعره یه کم جار بر ناوی روحا پیست. ناوی بیکست که دائیون نفی برد بر پزشاخ، له گغرستی شعرکه دا تعییست پیرهالایان یکا بز تمره له گفتهٔ بعردانی تعییات نفواده با بز تمار خبراردندو، گنجسارد دراودکسان خبران بعرد ناویکسان برد. خبریان میجان بکتر، نصم تاکیه یکی نهرکانه بر.

.

در کسی له پیشمدرگدگانی تاویدکه کرژرا بون: یدکیکیان، فعقی مستعقای حاجی

خدری دوله روقه، پرازای عومتری حاجی پرایم بود. کادریکی جوتیاری هداکتوتری کرمطه در انتخاص کرنفرمنسی یعکم بود که نارچهگدا زور خوشخویست پرد خبری و سامی و کسرکارکاتیشی که شود کدا بون. تعری تریان نادی باپیر بو پرازای کریشا مینمی نزود بود. جگد لمع دوانه پیشمندرگذیدگی گذرمیانیش کرزار بود، که بعر خزشخویستی هدر به ناموزا بانگیان نکرد.

۳ پیشمدرگه کرورا بین ر قادر خیاتیش بهندار بر. تاگاداری تعر هیزم کرد که له دوری توان دام تا بود پهلاماری مسریهاری تعر نشانه بدن. مشلتیکی کشتریهان بز بردن، زوری نمایانت کهیان کرد. مندیکهان کروران، یکنیکهان مستخفا کطیشتیی بر. تعرانی تریان گیران. سامان که به بهرسکندا مطاگرا، به هرکی ترکی ریگافافان بز دیای تعران تریش پاشناوی هیزدکش دوزیهده، عنولا سروشیان له گفا بر. تعرانش گیران.

که چرده شریتی شودکه، خزدهکاتی فطی مستطا به ژن و پیار و منالعره دروژا برن، چهکناردکانیان تم بعر و تعریدی تنگدکیان له پیشیعرگدکانی یهکیتی گرت بو. ژن و منالیش له گیراردکان و مغرصه کانیان وروکها برن به بعرد و تیلا تیبان بعربیویون، تعیارت معدر گیراردکان بکرژن، چندی خمویک بور خاویان یکستود، کملکی نبور، کموته جنبردان و صیل راکیشنان له منیش، خمویک بو بین به شعری خریدخو. لم همرایدا معولا سرد کروژا و تاآوادکه گوژایود، دیستیکی واست طبیعی شعری پشمری پشت شکینی براکرژی. زوری پیشمعرگدکانی عدردولا تاکز و، خطکی عمان دول و عندیکیان خرص به کتری بون.

عبدولا سیرد، رمنگی سیر نمید، یعلکر کبایرایهکی رهستبالدی رهشطه بر، وهکس نبانرت: شاخدانیکی زور وریا و، تفننگههیدکی دهبراست و، پهشمدرگهیدگی نازا بر، له ناخی دلعوه پیم ناخبرش بو یکوژری، یعلام چون پو روگارکبردنی ژبانی مبرؤلی له میردن جاری را هدید دکترر خرشتورستدن تعندامی لحش تعفرشدکه تمین، نمفرشدگکیش خری به ناچاری رازی تمین، یان بز گروانتدموی تاوارمی خریناری نیوان دو ینعماله یمکن تمکری به زیاجی، گروشتی تعویش ناچاریمکی لمو یابدته بود.

پیگرمان عبولا سور ودکو همو شعهیدگانی کنی شعری ناوخز قوریانیدگی ہی۔ گرنام ہی

تآكزيدتي

تاکنزیمتی بعر نارچید تلین که عندهپردتی تاکنزی تی دا تنوی، تاکنز له لای روزهدلاتیدو له گفا منگور و، له لای روزارایدو له گفا خزشنار و، له لای سوریدو له گفا بالدک و، له لای خرارویدو له گفا سن، رصدک و پسران (۳ تیرون له پلیاس)، هارسترو، له روی تبداریدو بهستراوه به شعراکانی رانسه و پشندورد. له قمزای رانسه پهشیکه له ناحیسی صدرکنز و، له قمزای پشندیش پشبیکه له ناحیسی ناودهت که همرکززگدی سنگمسرد.

له روی خیله کیموه له چند بنش پیک هاتون:

باشتاغایی، بنسالدی فعرمازورای عشیره تدکون، له گوندی سعرکه یکانی رانیه

دانیشترن.

ناودشتنی، به اِنّدَن کنه له تاوچنی تاودشتنی پشندر دا دات<u>ب شندرن</u> و ، له چنند تیربه ک پیک هاترن: شاروشی، که له دارینی قطدیل دا له ۸ گرندا ثنایان.

رون کمری، تعراتیش تمین به ۳ هزورد: بارجی، خدیله، مندمعرد، مندمعرد، له چند گرندیک دا: گرتک، درگرمان، جعلک، معک، پیرانه رشد، ماغیزنان.. تعرانان له نیرانه رهیه دا: گرتک، درگرمان، جعلک، معک، پیرانه رشد، رفله در به تاکزی تم نیران نود، به تاکزی تم نارچیدهشیان تعرب تاکیز رشکه، تاکیز ایسان کم تاد ر کم دراصته در ناخرشد. به تارخمان تو به هاویتان تمهون بز کسریستسانه کانی قستیل، همیاسی بایزی بالو سوزگایشی تمکردن، له سعرهای داس پی کردنموی شورشعوه همیاس بویو به جاشیکی در نارچه کنار بادوری در با نارچه کنار تاکید

تاکزی بعردس تعوانمن که له دولعرفت، دولی پاشگان، دولی شاوردا تشهان. بزلی، له دهشتی بیشوین و، بابزلی، له بناری کوسرمت تعالیان و، بو هاوین تعهین بو حاجی هزمعوان

عمشیردی تاکو له ستردمی شورشدگانی شیخ محمیردا دریش پرن: بعشیکیان لایخی شیخ محمیردیان گرتره ر. بهشیکیان لایخی تینگلیزیان گرتره له دژی شیخ محمرد و تررک برن.

هباسی مامعند تاغا، که له یمر خزشبویستی پیسان رتره کاکنیاس، پیاویکی کوردپیروبر برد، له سعردسی پاشایش را طرکاری له گط سعرانی پارتی ر حشع کردره، درای گلارتیزی می میشود کردره، درای گلارتیزی می میشود می کندر کردرنمری خیلکانی ناویهکند و مطالعیساندنی شدوشی تبلیلو ادا دوبویکی کیار گلاری ضعیر دارا بون معناعمتی سیاسی دوای گلارتیوبان له تیران له لای تم دص به سعر دارا بون ره به تاگاداری تم هملاتن، له سالهکانی دوایی دا نیوانی له گلا مملا مستخا خزش نمیر، تخرش نخوشیمکی سخت بود معال یی پیس نمکرد، معلا مستخا خزش نمیر، تعداری که گلارتیانه نمخت بود معال یی پیس نمکرد، معلا مستخا بای بین بزریکی تعداد مرد (۱۹۹۱). له پاش خزی چند کوریکی به بی میشت برد بایز، سواره سامند، معمرد، کورده ر تاکز. تم برایانه دایکبان و بازانه داری سامند، معمرد، کورده ر تاکز. تم برایانه دایکبان و بازانه دایکبان و بادار شود کرد

معلا مستغا ریزی مناله کانی همیاس ناغای نعته گرت و، تعوانیش و دکر یا رکیان پی نعته کیرا. له ناکنوکی مسلایی و جملالی دا به لای جملالی دا داشتگان و، به هزی تعویه نرشی تالانکران و دمیمه دی بوز. له سعودتای دسی پی کردنمودی شورشی حوزیران دا بایزناغها بر به پیسشم که و، له گمه گنو رشماره یکی زوری خملکی تنارچه که بون به پیشمبرگد، له عبرشمالتی سعودتای ۷۸ دا که تارچه کمیان داگیر کرا و، زوری خبرانه کانیان گهران، زوریان تصلیم بونعو، بایز تاغمایش رویشده مود، پاش چهند روزی له روداویکی

ناوچهک، یه کیکه له ناوچه شاخاویه همره عاسیههای کوردستانی عیبران. شاخه کانی زیرنه کیو، مامعروت، درمی، کاروخ، کورهک، هغفرین، کیردرش، ماکرک، پیسرمکه و، لایه کی گیرندگیانی دولی خنانشا بر کنه سنتر به قنفزای چومیان و، لایه کی گزنندگانی دول تاکیز و دولی مطلحکان پر که سنتر به قنزای رمواندز و، لایه کی گونندگانی دولی شاور و دوله رطه بر که سنتر به قنزای رانیه بون.

درای تأشیمتال منشی جادری قیر و هنندیکی خاکی تی دا کراورتیوه بهلام همر نهپترانیدو شریندگانی به تعراوی به یدکروه بیستی، له لیشکر کیشیهدگانی ۷۷ دا جمیش دهستی به سغر شرینه گرفکان دا گرت پر، درجیه» بی تی دا دانا پر، دوای مطگیرسانی جمغگی عبران - بران زؤری چؤل کرد پر، دانهشترانی نارچهکه به گشتی کرودپدرومر و دفستی شورش بین و، یهکیتی نفوزی باش و بهجزی همیر له تاریان دا. گلی پیشمعرگه د نمرماندی له نام خطکی نارچهکدها همیر، دوست و لایشکرشن زؤر پر.

تارچەكە رەگر مىقچىق كەوترتە نيران چىند چياپەكى بەرز ر پە يەكەر، بەسترارەرە: كىبرەرش، يېرمىگە، كاروخ، مىاگزگ و، تار مىقچىقەكىيش چىند دولىكى تى دايە: دولە رەقسە، دولى پلىنگان، دولى شىاور ر، قە تار ئىم دولاتىيش دا چىند گىرندېكى تى دا يو: مىيىدېرە، گرىچىكلان، شىدكىقلە، ئارەزبتان، گىرلان، كىدوك، بېسردىي، يەردانگە، ئۆرە،

نارچهکه شاخاری ره زهریزاری کشترکالیان کم بر، هندی یاخی هنار و میره. هندی دانویله و سعزه در بعرهمی سعرهکیهان آنارالمداری و ترتن بر، ترتنی نم ناوچهیه پمی ی تطین: دوتنی شاوره، و دو ترتنی شینتمکانی تر ناکری به بحرواخ دا، بملکر له شیشی داری تعدی ره بز ولک برنموه له سعر تمیز دایشنین، جزری ترتنکههان باش و پزنداره، به زوری له بازاری قاچاخ دا تطریشی و، تسلیمی داتیری حکرمتی ناکمن.

من له گولان دامنزرام. گولان: ناره بر چنند گوند. بز چنند شاخ و . بز پهکی له مانگهکانی سالی کوردی و ، بز ثعو شورشه دومعمی ه پس پارتی دوای ناشیستال هلی گرساندوندو.

هنواله کانی پزم تعمات وایان تدگیاند لنشکرکیشی جود نزیک برتبوه، نامم پز م س نرسی، روداردکم پز گیرانبود و، هنتی بانگلازار نرسی پر که په مجفوری له رادیو مینیکننوه داوام له هیئزکانی نارچه که کرد پر کنز بینتوه. داوام له صلارم عرصتر کرد هیزیک پهیئیته لهاکلوکان در نامیهکیشته پز سعید کنریم نرسی، که په بی دواکمونن خری و هیزدکنی له گفلی پر یگنرینده دولی شاور.

تیسمه لم کمین و پنینده ایرین پنیاتی روژی ۴۵ ی تشرینی در همی ۸۸ هبزی هاریخشی جرد پلاساری دولی خانطا و دورتی یان دا. تاریخکمیان گرت. هیدوکاتیان گلیشسته زینی تسستیسرکنان و، له لای روژهلاتی سنری تعسمه و، له لای روژاداری سنری مظموتیان گرت و، رویهیان تی دا دامنزاند.

نزیکس . ۵ پیشسدرگفی بدگیتیبیان به تاک و به کرمنلا چدک کرد بر، انوانه: حاجی تحصدی بزلی، که پیاویکی به سالاچر و، براگدوری برلیبهکان بو. چند سالی لنرمهر کوریکی بیشسدرگف کوژوا بو، تمجارش خزی و کوردکش و چند خزمیکی یدر چدک کردن کنوت بون. زوری ثم پیشسترگانه به ژساردی کنم له باردگا پچبرک ر بلاردکانی نار وبرایی ۱۰ برن. باردگای حتم یش له ناو وبرای دا بو. پیشسترگادکانی حتم چاوساغی هزدکانی بردیان کرد بو بز ستر باردگاکانی یکچنی و د تقوان دارایان لی کرد بون له ستر شعرطی حیزین شهرمی چدک داینین و تصلیم بن. مستطا ناویردانی خزی و کمردکائی که له صاصورت گیریان خوارد بو، له تیسه دایرا برن، ناترمید برن یه کزسلد

یز تعوی هیزدگانی جود تعتران پیشسروی زیاتر پکتن، یه هارکاری کنتردیکانی هنرسی ۷ ی بالدگ و ۱۶ ی تاکو هندی سنرشاخ و جیگای گرنگسان قایم کرد، یه هیرای گلیشتنی هیزدگانی ینکیتی، وگولانه م کرد به ینکنی فعرماندهی.

هندی وشنی جوگرائی

زین: ثعر راردودی که به یه پیزایی دا به نیران دو ریزه شاخی بعرزد! تی تیپیری. ودکر: زینی ماخورتان، زینی تصنیریکان: زینی رات، زینی سدوان. له هندی شرینی تر پزنه زینر: زینز، دوکر: زینری شیخ، زینری خفلان. زین، له زینی ولاخ رمرگیراو، که له چهرم دررست تمکری و، تمفریته سعر پشتی ولاخ، له کاتی سواری دا له سعری دانخیشتن (له یعطعی و له فارسی دا: زین).

نستهروک: پچوکگراوی: نستیر، نستیل، وانه حدوزی تاو که بو کوکردندوی تاری کانیدکی پچوک دروست تدکری.

گیالی، یان کنالی: تعو شدینه تصک ر تنتگهباری کنوترته نیسران در چیسای گوربود، ودکر: سیمرگنلی، زارگنالی، گنالی پدوران، گنالی پیجان، گنالی عبالی پدگ. له منتدی شرین پزته گنالی، ودکر: سترگنالی، پترگنالی، له هنندی شرینی تر په گذیر ماودندو، ودکر: گدری مفاهلاً، گذری عرمترناغا، گذری پیشه، گدردان (گذروران).

گهلی، گملو، گمور: همرسیک له پهک ریشمن، له کوردی دا: گمور، قورگ، پُموگ (له یعطیری دا: گمورک، له فارسی دا: گلو).

ناري ميندي له شاخه کاتي

گاروخ: زوینطون له وثانایاسیس، دا که پاسی گنرانموی دهمزار سعریازی یزنانی شکا به نار کرددستان دا تاری دانیشتوانی تعرسای کرردستان به کاردوخ تنها. یلی ی له نیران تم در ناودها هیچ پیرمندییدگ نجی.

هلمسرت: شنونتی سنفت و هناسی، یهکیکه له لوتکهکانی کاروخ، کنو شیونه عامیهای حسان صناح کرد اوی په مطابطای خزی ناوی و قطامترت و ۰ که همدان معنای هالسرتی هایه و ، عفومه په هله کردوبانه په و تطابحت و .

گزردگ: کیچنگ، ستری بی مر. پژت (پژتی: گزره پزت، گانی پزت): پنچکد، هدروها پروقد، ثنر گلیت،پنی زیر ر زیری تی دا تریزاودتود.

-

رادیوی پارتی ثنم پیشبردویهنی ودکتر مژددی سنرکتوتتیکی گنورد بالاو کرددود،

رادیوی یدکیتی یش کعوته یلارکردنعوی بانگنواز و تاگاداری یز هیزدگانی خزی. هیزدگانی دهشتی هنولیس، خنزشناواتی، کنزسرهت کنه له گناه سنید کنمریم چو یون یز دجننوله ب گفیشنندو لای من له گزلان. له گفا، خریان دو کارکمری تطانیشیان هینا یو که تازه گیرا

لعر ماوییده! چند جاری کارکتری تفانی که له عیراق کاریان تدکرد، گیرا برن. حکرمتی نفانی کسال فرنادیان معلینجا بر، نعرش سعرکردایدی یدکیتی تنگار کرد بر، مامجلال له گلهان ریک کعرت بر که تبتر ثفانی ندگیرین، تفانیکان زیر ماندر برن، مندی قسمه له گفا کردن و، وتم پیشسعرگدگان تبریان به هفله هانبره له زمانی یدکتری تی ندگیستره، بز همرجیدک تعانعری بران تازادن، ناردمن بز سعرکیکان دوای پشردان نارد بریانشور راتیه.

کموتیند کرکردنموری دمتگریاسی هیزدگانی جود و ، نؤوینی شریندگانیان، هیزیکی می سعور بدر و یک نگرته بود. درگر و هالی فره آن در ، ناشی فره وستنا و ، گرندی فره کریخها و توانش دهبری کرد به شده این در این کرد به میشود و بازیکی هیزی کرد به خود مانید که فرماندی هیزی حشی و بر کرم ساید کامفری نموین و میشود کرد به میشود کرد به میشود کرد به نمویندو . کرد به ساید کرد بازیک کرد به نمویندو . میشود لارازدگافان دوزیندو . معتمدی معلا قادر ، که لیپرسراری هیزدگدی پارتی و ، دوکر به به نمویندو کرد بر در به دو را در میشودی میشودی باشی بازی و دوکر به به دو را در میشودی میشودی بازی به دو را در بازیک به باشی به دول میشودی در این به بازی به دول در در میگردید و به به دول در نمویندو کرد به نمویند بازی به بازی به بازی به برا بر بر برگردید کرد بازی به بازی به برا بر بر برگردید کرد بازی بازی برد ستان . که خوبی را تمامدی بیشر می زیال برگیا به تاو قرایل کرد .

نمخشندی دمرکردنی جردمان دانا . هموا ساردی کرد یو . هیزدگانی جرد به شمر هفندی جیگای گرنگیان چول تدکرد د ، پهانهان زر تهانگرانور ، لعر شبینه گرنگانه : مقاصرت له چیای کاروخ و سندی تحصنده له چهای بیسرمکه لم بعر و تعویدی زینی تشییروکان .

هیزیک له گلم حسین کویستانی و رصبان سهیده له سا و سیرهکدوه یه کاروخ دا هطبگدرین و شور پیشوه بو ناو ومزنی و کطبته.

هزیک له گلهٔ شمال و تعصید منوارد هعلمبرت یگرن و داینون یز مدکی: هزیک له گلهٔ سهید کاریم و حالی نمبی پهلاماری زینی تعسیروکان پدن. هزیکی هدریسی ۱۵ ی تاکز سدی تعصیده یگرن.

ملازم عرمنریش که له قفلاتوکان پو شعر به هیزدکانی پشتعربیان یفر<u>ؤ</u>شی. سعراتای مانگی کاتونی یهکم دهستان کرد به جیم*جی کردنی.*

حمستن و هیزه گفتی له گاروخ اهاینزین پدونو وموتی. هایمی برای حمستن کویستانی له پشتی وموتی کردرا.

. ماجی یکی بو له پیشمبرگه کزندکانی یهکیش له ناویعی گذلاله. گداهیگی تازه پیگلیشتری زیردک و رویا بور له پیشمبرگایهتیموه پیگلیشت بر تا بربر به فنرماندی

كترتى گەلالد لە ھىرىسى ٧ ي يالدك.

توتيلي سياحي

لعو قرانوه تتنگیان به هیزهکانی جود هطیتی بو. سعید کاکمی فعرماندی ثمو قوله، که زائن بری تینبان بز هاتره و، معترسیهان کموترته سعر، به پیشمندرگدکانی وت بو «ویکشیندوها» به کیکیان رت بری: «تنگور تیره چول بکتین ناویتنکسان لی نفرین، ها و وی محتان لی نفرین، به و در نه سارهی دایکم له معر داناوه، لم تلفظ تا به شاخه تا به شاخه تا له شاخه کی تراه قسمودنانوه، لم تلفظ تا له شاخه کی تراه قسمودنانی جندگی بو در نه سارهی دایکم له بندونیه کاری بری.

عملی نبهی گلیشته آینی تستیروکان. تنها رنگا له رانیمو، یه دولی پلنگان دا به زینی نستیروکان دا تنهیر یز سعرگلی. یه کی لمو فعرماتناندی گلیشته بره سعر زینی نستیروکان واکر فردی پارتی به دول تدرندی باس هاوکاری یه کلیتی و بهمس کرد زینی نستیروکانه رادیری پارتی به دول تدرندی باس هاوکاری یه کلیتی و بهمس کرد بادریان کرد بر ، تعرفندی تر ورمیان بدوا بر . یه کهیکهان عاواری لی همستی به هرکی ترکی وتی: دشترم تاکین دهایاتان هناوه به برادم دکتی تهمه له ودهایه به معهستی عملی نمی بر، که پهاویکی کعنوس بهرادشانه بهتام له سترکمونتی شاخ دا زور گورم و گزار و ، له دهلت دا تازا و چاوندرس بود وای شعریکی کمم جود شکان، هیزدکانی جود کشاندره له دهلت دا تازا و چاوندرس بود وای شعریکی کمم جود شکان، هیزدکانی جود کشاندره

نیواردی ۲ ی کاتونی یه کعمی ۱۸ بر، تعمانویست بز بصدیردنی شدو بچینه ورتی، به هرکی توکی ویستمان قسه له گفا لیپرسراویکی صفع یکنین. شدمال چند جاری بانگی کرده، یهکیکان ودلامی دایدو، پیمان رون: دریگای سزلتعمان به چرلی بز به جی هیشتین، هموتان تعتوان لعبره برین و روتی به جی بهیان، ۹ له پیش دا رایان تعزانی فیلیان لی تعکمین، دوایی که زانیبان به راستماند همدر همزدکانی جود له ریگای سزلتموه کشانود دولی خاتفا، دیگای کندوترن، تیسمش دابعزین معندیکمان بز دولی خاتفا،

شپرعیدکان به دورگای بینط معکنی تیقلیسیان له ناوزدنگ تاگادار کرد بود، که ورزعیان غزاید و داواییان لی کرد بود: عمرایی راگرانش شعر بددن له گلل یهکیش. معلا تحصیدی باشیشیاری و صابحهلان، بینکوره بانگلوازیکی ماریشیان دمرکرد و داوایان له هسردکسانی معردولا کنید به دو مسینیت خسری دا همیزی معرف با در مصلی به معلوب شدی در با به له شسویتی خسری دا خریندرایشود. له کالی بیستنی تم بانگلوازدا، شعر به قازافی تهسه به لادا کموت بود، بیلام من هیشتا له کریستانی معکن بوم له پخشی دورش. دنیا بطر و هموا زیر سارد بود. حمده سعید که گری ی له بانگلوازداک بود، وزین: وتم کابرایه - معیستی مامجملال بود - دیرودا تریی باشی میاس سیاحی دانیشترین همر کسی له ژوردکدی خری تعیمته - زیر سیود وا تنزانی له ترتیلی سیاحی دانیشترین همر کسی له ژوردکدی خری تعیمته

صدکی، کسویسستانهکی تعنت و بعرین و بعر گسراویه کسونزته بناری کساروخ ر رویعوی قعندیلد. دمیان کانی سارد و سازگاری لی مطنعلولی و، سعدان دارگویزی گعوری لی بو. شوینیکی خزش و دارقینه. یؤ گرندی ترویستی له باره.

.

تمسجدارش سنید کناکنه له پیش تعرانی کندا هبلات یو. به رینگاره بربر بدرو پشتناشان، هندی کاروانچی پی گیشت بر. کاروانچیپدکان سید کاکمیان به شهرزهی دی بر لیبان پرسی بر: دخاله سنید چی قعوماره۱۶ وت بری: دچیزاتم مامجملال را تعزانی حرکمی زاتی له گرفانی من دایه، هبرچی منال و تالی سلیسانی هبیه ناردریمتیه سعرم۱۵

.

دبوریشتی خزصان قایم کرد، هیزیکسان نارد پر زارگنای و هیزیک پز دولی خانفا و د هیزیک پز سفران، دادرش مترکه مان نارد پین پز سنان که گهشت پرنه تعری پیست بریان هیزیکی جرد گنیشترته گردوان، هیزدکس یدکیتی زیروی همبدولل روی و ، هیزدکسی جرد عمیف عملی قبرصائدیان بو ، عمیف هملی که پیست بری هیزیکی یدکیتی گنیشترته سعران دصیمی کشا بردود وای زاتی بر تبهی بز سدر تبو، زیروش که زانی بری هیزیکی جرد گلیشترته گردوان دسیمی کشا بردود دای زانی بر کتا برندو بز دوارد.

ماره یک که رمزی ماینده. واگرتنی شده هیچ جدود دیککترتیبکی سیاسی به
دردا ندهات. بار و درخی ژبانی هیزدگانی جدد له پشتاشان و دهرویدی زیر ناخش برد
پشتاشان هیچ تاردانیدی کرد ا نیر تیا بمعربنده. هیزدگانی پارتی ندیاندتوان له
نشدیلده بگرینده بز تیران شهرعیدگان، تمیانریست هیزدگانی پارتی له کول خوبان
یکندوه بز تبری خوبان تازادی گفراندوبان همیی بز ناویهکانی ژبر دسملاتی یهکیش.
پیغر ریگاکانی تعدیلی بست بر. داوایان لی کردین ریگا له کشاندوبان تمگرین، ریگامان
دان. هیزدگانی پارتی له کملفکی بالیهاندو بهرو ریژاداری ریگای هاسیلتری و در لهروه
چرنده بز تبران، به ریشتنی تبوان گرینهکی کیشهک کرایده. هیزدگانی حشر، حسک،
پیاسرک نمیانتران به تازادی به نازیهکانی ژبر دسملاتی یهکینی دا هاترین یکن.

شسمری تیسقلیسمگیسری شعمیجساردی جسود – پدکسیستنی برایدود، پدلام هزگسانی هملگیرسانمودی همر ما بهزن.

_

له گفل هیزهکدی قدلاتوگان یهکسان گرتدوه. صلازم عوصعر و هاوریکانی هاتن یز لامان له ودرتی.

نبی مانیدی ایپرسراوی حشع داوای کرد یو بز ریکخستنی هندی کاروبار پدکتری پیپنین، له سعر جادبی خانطا له گف ثبیر عائید پدکتریمان پینی، هندی قسم و پاسمان کرد دریاردی شمردکان، وتی: درمرتی، ورطه براه یدگی له کاردکانی ثبوه پر تعهریست هندی له هیزدکانیمان به ناو هیزدکمانی پدکیبتی دا به سملامسطی بنیسری بر روستی، هیزدکمیان به ری کرد و، تیممش چی پیریست بر له نامه و راسپارده یزمان تاماده کردن.

ودرتی

گلوردآرین گرندی ناوچهکه ومرتی بور. به هری تعنگیی دولهکه و، قولی رویاردکمو، گرندیکی دروز بور، چنند کمودک: سؤلف، بعروژ، سول ر، پینیم بعرمیاب و، پینیم مزکموتی

تي دا يو.

پیداره گذاتی و مرازی فرندی کوردی رصندن بون. هنمیشته پوزوانتیان هلکیشنا پور. خفاههریکیان به قدمود و ، فلنگیگیان به شاندر بور تفتانست که تنهین بو مرکرتیشی بعر جرده تمهرنی، یمکی له پهشمترگداکان نمیرت: وتعمانه له کوردی تعلمی تمهن به میسستی له نیگاری تمر کروده بر که له سعر پشش تطلعی عیران کرا پر.

یه کیستی آنه تاو روزیسیدگان دا آینکیدگی جمعیار فری فیراوانسری هیر له چار حیزیدگانی کندا. زباتر که سند کمسیان پیشمنرگه یون. تغظم و پیشممرگدی حیزیدگاتی تریشی تی دا بر. هزی تم دابطیرته سیاسید لم شریته شاخاویید دابراوها پیرویاردری سیاسی تیر، بطکر تاکزکی شمضی و ملیلاتی ی تیران پنمالدگاتی یو. لعزدا رشگی ادرود،

تەگىپرەكدى مام مزرتك

مام میآرتک له لای رفرتیبدگان کمسایعتیبدگی زیردک و زانا و ، زیر بمریز پر. به تدگسیسر و رای ژیراند ناوی دوکیردو، زیر ترکشه و قسسه و تدگسیسر له زسانی تبووره تدگسرندو، شانازین تدکمن کنه پیساویکی وایان تی دا هلکموترد، یدکی لبو قسساندی تنگیرندو تم تدگیره برد:

سری سزران چند گسی تمکانه سیر دانیشترانی وبرتی یز مردوانه و باجی تری لو بایند، پارکسی دارای تمکان زور تمی. خعریک تمی مان یگر نا ددانی، پرس به مام مزرتک تمکان که چی یکن. مام مزونک تملی: وندگان با مان یگر نا بردراودکانی میر به شکاتور تعرونبرد، میر هزیکی گورد تغیریته سرتان باجدکدتان له سعر زیاد تمکا و به زریش لیشان تصبیتی و تازارستان تعدا، چاک و ایه باجدکد کو یکخنبود و بهاندنی و میسراندارییدکی شباهانهشیسان بز یکن، بعلام له رویشان دا چند کسمی بنسرنه سعر ریگایان، روتبان یکننبره و باجدکمیان لی بسیننده و هصریان یکرژن یمکیکهان نمی، تعریش به سعر و دهستی شکارهو تبیزن بعن بروات هوالک به بیاتمود بز میسرب یلی: در تبیدکان زوریان ریز لی گرتین، میوانداری چاکیان کردین، باجدکمیشان کو کرده و تعرانیان

.

لم شعراندا (هارین و پایژی ۵۱) رمزی و. دانیشترانی تازاری زوریان دی بو. چند کسی له گناچه تازاگانیان کروارا بی، چند کسیبکیان لی گیبرا بر. ترکیبکی زورشنان به سبریانده بو. ویستم دلیان بدهنود، بعر له گزانتوم نیرمرویه ک عصر پهار ماقردگانیانم بانگلیشت بز تانخراردن، بز تعرص هندی قسمیان بز یکم، تینجا خرا حافزیان لی یکم.

لیک با مرانی مراکدرت کو پریتمرد. هندی قسمی گشتیم پز کردن. له نار بانگرادکان دا تیبان دا پر سدر په لایشهکالی از بون. نمدیست دهستی کمسیان پریتدار بکم. به داختره باسی شعری نارخرنم کرد و سپاسی همیمانم کرد که پیساندره ماندر بون. ایستر کمرتبه قسد ر باسی تاسایی. گفترگز له کلا خطکی درتی زور خزش بر. یمکیکبان لی پرسیم: دیشت مثالت همهای زور جار تم پرسیارمیان لی کردیرم. له نار تعو کومملانده به گلخی ژنیان تعهنا و، تکنیز یمکی له تعصنتی من دا برایه و هیششنا سطت برایه پنیبان سمیر بو. تمهر ناتعراویهکی همرایه، تمکینا چزن تمیی ژن و مندالی نمی:

رتم: وهيچاه

به سعر سورمانیکنوه وتی: دیزچی هیچ منالت نپه ه

وتم: وچونکه ژنم نعفیناوه و

رتی: دیرچی ژنت نمهنارداه رتم: «کسم پی رازی نمیرده

رم، رحم پی رزی دیورد دتی: وجزن کست ہی رازی نعروا ۽

وتم: دنمودی من پی ی رازی ثنیم ثعر په من رازی نایی و ، ثموبیش کسته په من رازی تنبیء من پی ی رازی تایم. ه

کابرا هد له ستری رویشت. تعیریست موجامطانی من یکا و منیش تعویستم تمم باسه کرتایی پی بهینم وتم: ومام کریخا کچت هاید؟ ه

> وئی: «یظی» رتم: «یاشه، کچهکنی خزتم پندری!»

رتی: وندر سدگه په کملکی تز تایعت، بزت تعدم په خرین

ولی: دورجی پرم تددی په خوین، من په خوی رازیم:

وتنْ: وکچنگونی من مانگادرشین تنزانی، تَزْ پِیاویکی خویندواری تعی ژنیکی خربندوار بهینیا»

وتم: وثموهتا توش پهم رازي نايي! ۽

زور جار تم پرسیاردیان لی تدکرده، نصتفزانی چزنیان ودلام بندمعود. یو تعودی لعم دمحاکمده به تمجاتم ییی، له بعفاری داهاتردا ژنم هینا.

.

له گناد مناتزم عنومند و عنهداردههم و سامان ۱۰ یعری کندرتین یمردو قنوناغی داهاترمنان له قفاترکان: شعرمان به قسه و باس له گلک کریخاکانی ممکور به سعر برد. بمیانی بدری کنوتین: قبواردیکی دوشک کایشتینده ناو زندگ، برادمزان به یزندی سعری سالعرد له دوتای شعید شدهاب تاهنگیگیان ریگ خست برد.

٠

سالي ۱۹۸۲

شیرکز و چلورمفرزشهکان

پتکدکسان ناقمیکی تبکطی سمیری شاری و لادیی. گفتع و کاملی خریندیرار و نمخریندوار پور جگد انواندی کمه یه دایس لعزی بود، زؤرجمار پستسمبرگندی خملکی سلیمانی تعالن، چند مانگ یان چند حطته تصانعره، تا چاریان تدکرایدو، ثبتجا تبچن تر یمکی له تپهکان.

دو له پیشبمترگدگان: مامه قاله و مام شهرکز. هنردوکیان له تعرکی روژاندی یاردگاکه، ودکر چیشت لینان، قاپ ثان، نان هینان، بازار کردن، تیشکگرتنی شمواند.. پمخترا بون، مامه قاله و مام شهرکز فرندی دو کصابهتی جهاواز و خزهی بون.

شیرکز، ناری مام قادر و خفاکی گرندی پیموش و مالی آد ژارآو پو. ژن و منالی نیررکز، ناری مام قادر و خفاکی گرندی پیموش و مالی آد ژارآو پو. ژن و منالی پیشموش تعاول دا له نازار بهبر به دوره ۱۰ ی تازار بهبر په و محرص حدوده . آد تاشیعتال دا گنراپرود کروستان در اند گفله علی عصکتری مات پر دورود در عدل گفل تو پر کاک عفلی که به ری کعرت پدرو پرادوست ۶ کسی له پیشمارگاکانی: مام قادری بیموشی، مام مصدی سیکانیانی، خاله بعده . او به بیری لای تیسه به جی عیشت، مام برازایان دصده ی سیکانیانی، خاله بیرن، زور به دلسرزی دوای کاک عفلی کموت برن، به دریزایی ماوری قفندیل له گفل تیسه مایرندو و دهر چراویان پیکمود بون پیشمارگاکانی تر بز خرشیی نامیان نی نابون: مام دادر هاته لای خاله حمده و مام تصده تصلیم برنود. مام سالح چره لای مامچعلال و مام قادر هاته لای در پیشمارگاکانی لای من هفسر شاری و گفته لای مندی خود بردی نام قادر هاته لای در خرش گردی به شیرگز و ، بز نازدارش جاریار پیبان تعرت: وشیزداد.

شیرکر معتا پلی ی پاک و خارین و، ریشی تأشراو و سیلیکی قنجی معبور. سعر و سیپلی پزیه تدکردهوه بعلام نعیتمعیشت کس پی ی پزانی، دهمیشی تاقمی تی دا پر، یعلام کسی نعی دی پیر. که خورها و رؤنیان دروست تدکرد، شیرکیز نعیشخوارد تعبوت: ودائم دیشینی، معبید خزی بست پر و تفتیگدینی به شانعره پر. حنوی له میوانداری و هاترچزی مادکانی شینی تدکرد. له گلب مامه قاله نمایز در زور جار شاریهدگان تروهان تدکرد. که سیخرومدی تیره بوطرایه یا کشور تطعیان له شتی مطیسانایه، راتمچلدگی و پیکسر جنیریکی تعدا. زوری حظماکان وا بون.

که تروییان تهکیرد، زار جار السیمهکی به من ثبوت و، تعیوت: ویه تعمایه به چلورفرزشهکانی سلیمیاتی کوودستانم بز رزگار بکااه لای رابر گهایمکانی سلیمانی همسر چلوره فراش بین و، چلوره فرزشنیش کاریکی ناشیرینه.

مامید قالهیش، خیفکی سمنگسستر پور. له داربرین و دار شکانتن دا زور شارنزا و پدکار بور، داری همتر زستاندکدی بازدگاکدی تیسه تم تمییری و تمیشکاند. هنرچی تاژال و ولاخیکیشمان معیرایه تم خصی جیگا و لعرمی تعقراردن. هارینانیش بیستانی تعاله و سعوزی بر تدکردین، بخشیکی گرنگی پهرمستیدگانی بنگدکسان تم دایینی تدکرد. شیرکر خوی لم کارانه تندگدیاند، له یعر تعوه سامه قاله زور جار تانمی لی تعدا و تعیر به گزی

مصئولی تعور

بیانییی کیان شازاد له پتزمیکی سدیر خیدری پربودو. تفرددر له سلیسانی زورفگار بربور، ماردیدک پر له پارگذاری تست میتوان پو، تفرددر، بن پرسی مامد قاله، ناشیهانه دسکاری تدریکی کرد پر، دسدکدی کرل کرد پر، تویش به ترتدی پیا هطشاها پر، تفرددرش پی ی رت پر: دیز توره تایی خنز تز محسسرل نیت اه منامه قباله زیاتر معطیح پو، تیروپر جنیدری به تفردم دایر وت بری: دچون محسسرل نیم من محسسران تعویهای

. شازاد تمورت دیاره وشنی منسئول تعونده خزشه تعنانت تدگفر هی تعوریش بی عمر خزشه و گزنگه.

دمرمن په ئاش

هندی لعر پیشسترگانتی پز تپشوکار تبعانن پز سعرکردایمتی زؤر جار میرانی من تعریذ. جاریکیان فنفور دورشیشی و تبی چالاک میبرانم پون. هدودکیان تنتامی کرمناد و، فهرماندین کموت پون. تعریان خطکی همورامان و تعییان خطکی بالدکایمتی پو، همر لعر کورهدا: خمجی، ریستری وتالای رزگاری» و، یا حطیم، ژنیکی بالدکایمتی، مهرانم بون.

غفور شارهزای پنیشت کردن پر، همبر سالی خزی و پیشمبرگدگانی کنرتدگدی له لیسرماردکانی هموامان پنیششتیمان تدکرد. زیرجار خمرجی چند مانگیکی خزیان و خیسزاندکانیبان درتدهینا. هغذی پرسیمارم لی کنرد له سمر جنزری پنیشت کنردن و. کلومتدکانی و ، پدرهمی تورمالیان.

لینجا له تعین م پرسی: واحسال له هیچ لایه ک چون یز کعرشان ۱ و ضعفر پیاریکی قسنخترش و زیره که، بلام له روشت و خری گروملایشتی دا ومحافظه برد، پرسی: وکنوشان چیدا و نعی رتن: وله بعناران دا کم گول تدگشتیشدو و، کوارگ و برواس و کنگر در، پیما تعین، گفتیکان: کور و کچی گرند یا چیند گرنش، بمیانییان کر تعینوه، تعیکان به شایی و رشیسطه ک، دوای تعوه، یه کرصفا و به جسرت، یز کرز کردنوی گز و گیا- به دفت و چیادا بلاز تبیتوه، عبسر به چارکستی پر له گیا و کروارگ و گرلی بزنخشش و جراناده له چیا دانمیزن، عیسسر به چارکستی پر له گیا و کروارگ و گرلی بزنخشش و جراناده له چیا دانمیزن، دیسان کنز تعینوه شایسه کی

تم سمیراته پنجاریه نگویتیکی یاو و دیرینمی ناوچمی یالدکایهتیم. گزرانیدکی به ناویانگی حسمن زیردک له سمر «کعرشان» ، که تاطی:

كيزان دمچنه ميرگولان،

په عام دمچان هدلالان عارمق له هشیمی دمتکی، تمر ددگا ورده خالان

کیژان دمچنه میرگرلان. به عام دمچنن ، بندوشان

عارمتی سنگ و معمکی، تدر دوکا باژندی کنوشان

نعی نقد به گنرمی و خوشینوه باسی تدکرد. خمفرو تروه بو، وتی: وچون ریگ تندن خوشک و دایکتان شتی روها یکن، ۲۰ نبی چروه به گزی دا، وتی: وخوشک و دایکی تونیق لموی برنایه تنهورناه خدیک بو ددمینان له یدک پگیری، مشتومردکدیان چیرلرگی ددمون به تافره ی بید هینامنوه.

تمکیسرندو: دو رییسوار له ریگا یه یدک تمکین. یدکسمیسان له ثاش تنمانده ر دوهمیان تمچو بز تاقی، همزدرکیبان یاراشیبان پی بر. درم له یدکنم تمپرسی: د و تاشدک. چرا، بر یا قطعیالغ برا»

یه کستم تُعلَّی: وز<u>لو</u> قستونها نحسه، تنهی سندو پیگری، رمنگه به ۳ <u>روژی</u> تر سستومت نهگاتی:»

دوم تعلی: ودمسیا من لعوی پرمسایه سینورم نشدگسرت و، له پیش همسرتانموه باراشدکمرتمعاری»

يدكم تطى: ونعتنعتوانياء

دودم تعلی: وتعمترانی!»

وا ریک تمکنون، دوونیک که له سنو ریگاکمیان دا تمیی یکنن په تاش و، برانن کامینان تعوانی نورموی یکا و باراشدکمی له پیش تموی کمدا لی یکا، له تعضیامی تم مشتومرده باراشدگانیان تعریزن په سعر دووندکده و پهکتریش تددنه پهر خطیمر.

نمسر نارچدی یالدکایدی راگریزرا بر، جبیش لرتکدی شاختکانی به دربیده تنی بر، کی تعییرانی پچی یز دکترشان» کمچی تسان خبریک بین لم تروردا هسان بنزمی دومون به ناش» درباره یکنندود. به ناچاری هدردکیبانم بیددنگ کرد ر، باسیکی ترم له گفد دامنزانش:

غیطور له ستر دوردی مرزق» قسنیهکی ناستمقی هیر: وثابوت تدگیر کینوی شنری برزش به زیلام تدگیریتنود، بهلام تدگیر زیلام برزش به هیچ شتی ناگیریتنودا »

ميتدرولوجى

شینی پیمکان لایان وایر: هم هاوینی زمردوزیره زلز بی، تعرساله زستانکمی
سیفت تمی، سالی ۱۹۸۱ هارینکمی زمردوزیره زلز و، زستانکمی صمعت بر، بهدریکی
زلز باری، سمیر تمریر له گفل کیروی بفردا هموره تریشته و هنوره گرصتی زلزی له گفل
بردی به مهارده سیوشتیم هم لوی دی بو. تم زستانه کموفه کرگردندوی همندی لمو
وشاندی پمیرهندیمان به دوخی تاسمان و گزرانی کمش و هماره همبر، وشمکان همدریان
ناشنا و ناسران، بهلام کرگردندوه و له یمک دانیان ودکر ریزه زاراویکی میشموراریی
رنشکه بی کملک نمی، به تابیمتی کورد هیشتا هیچ دمزگایمکی تابیمتی بز لیکرلیندوی

.

هنوا کسه مسارد ته کسا، تا تعدازی ژبر سفیر، تعرز و تاو تعیب مستی (:رجیسان،

جمعیدین). تروی سعردی تاری گذم و زادگار تمی به سعفزلٔ (دیمستبلاک، شمختم، جمعید، برز) و، تاری سعر تمرز تمی به زوام(: خرسار، سیخوار) و، چزپاوگه تمیی به چاورد.

هموا که گمرم ثمیی، هعلّم له ثاو، هالاو («بزق) له ناو کشتوکال و، گړه و سميون له دمت عطاعکا.

ته گفر همور تاسبانی گزت، هموره که گفرال (بیطه پطه) تموستی، یا هممری داتهگری، همور تیره و تاریک، چلکن، سهی تمین

تفکر هنور له تاسمان رمویهنوه (:هغی پرونگاند)، به رؤژ شینایی تاسمان ر، به شعر تمستهردکانی دوکنوتن، به رؤژ ساسال یا همساو و، به شعر سایطه تعیی. شنوی سایفه له زستان دا سارد تعیی تعز و تار تعیمستی.

تدكم هدور له تاسمان دا يعستى له شهرهي باران، يعقر، تعرزهدا تعهاري.

باران تم نم، یا به تاو، یا به خبرو، یا به خبروم تنیاری. بارانی به خبرو، ربغیله. لیزمه، انتگیزه تدکا. زنوجار پروسکه (:هنوره تریشقه، چنخماخه) و، هنوره گرمنای له گلذتمی:

که پاران پیناری و. له همسان کات دا هنتار بی، گیرگفتی یه و، یکه ساومیدک به خور پیاری و خزش یکاتموه تاوه، که سعرانسعری ولات یگریتموه تیقلیسگیره، که له گنار بعقر بیاری شایدویه.

له سنوهتای پایزدا پطه ثدها. پطه بارانیکی نعرمه چند شمو و روژ له سمر بهک خوش ناکاتموه تا تعرز تیرناو تعیی، تاوی له سمو راتمومشی.

درای باراتی پطهٔ چنن روژی هاوینه پچکزلدیه، هنرا خزش ر دنیا گنرم تنبی. ینفر (دیرف، ینور) تدکیر زور بیناری کریزه و، تدکیر کنم بیناری بروشه تدکا.

یستیک، قرالخبیک، توانزیدک یا گفزیک و زیاتری تی تدکا، که شرینیکی بعروده که با بخر تها بز شرینیکی قولتر و پری تدکانوه بایزود. که لیزایی چها بعردکانوه هدرس (درنر) دی. که کرتایی بعدار دا بخر تعییندو، کویستان خال خال تعی.

ربرنو) دی. نه فرنایی پختار دا پخر نجیشتوه فرنستان خان نخی. پطردارکد، پطریکی خاره کلردگانی به تعراری ندیبستره زر تعتریتموه.

ینفرخوژک، بنفریکی نتوم و ووده له کوژایی پنجاردا به سنو بنظری زسشان دا تنباری و، تنیترینیتموه.

تعرزه (؛ تعزره، کلیره، تدکسره ک، تعورک) به دمنکی رهی کسعوره یا پچسوک تنهاری، کملا و گول تدکوتن.

تعرزهارکه، نعوه کو تعرزه رمقه و نعوه کو یعقر نعرمه زو تعتریتعوه.

بارانی زور تمترانی لافار (سیلاو، لینشت، لیشار، لعمی)ی لی هطبستی. له کزتایی زستان دا تمرز نیز تعیمعوه، که باران تعیاری نایی به قور و لیته.

له کنرایی پنجار و له هاوین دا شمو دلزی آباد له سعر گزوگیها و گملا شموتم (ناونگ، خزاد) وروست آمکار

له ناومراستی ته موزدا تاویک باران تعباری بزنیکی خزش له نعرز هطامستی.

یه دریزایی سّال و. له همسر ویرز و له همسر روزیک دا یا تمترانی بریزی (:هبل یکا)، یای ویشت پارانی په درادا تنهاری، بای دارتارس له کرتایی زستان دا هبلتیکا و دار و درمخت گذریکه و چرفز شدکها. بای خستران کمؤنایی پایز هداشته که کاملای زمردی درمخت هطانومرینی.

یای شبخمال له لای سندوجه تعزی و ، فینک و نعوسه ، باریش یا رهشبیا له لای خواروجه مطلبکات تونده که هارین دا گرصه دوای نیوموزیان تمی به گره و شمرا و ، له زستان دا ساره تغیی به کزه ، که له گذا بنظر و بازان می . یا له گذا یهکیکیان به یمی ی تونشی د نعومی تغیی به زیبان ، زمالان ، دومشرعه، فعرانده ، باریشک ، تافان

ھەنتى رۇۋى زىنتان ھەر دائىيىزى، سىر ئەرز ئىبى يە ئەم (:ئىمرەر، ئىستومان). ھەنتى رۇۋى ھارىن ھەر ئىپرتۈزى بيايان ئىمپنى، ئىپتە خۇل يارىن.

تیکچبرنی دوخی هنوا، تاریخی گرشاری بعز و نزم دروست تدک، گیبوطرک له تاسسانده بعردو زدسین و گسردطول له زدسینده بدردو تاسیسان (اکسروپیج، یاهوز، بابطیسک، ی لی پعیدا تعیی

کرد ناوی مانگدگانی سالی به گریردی کشتی تنو مانگه تاو ناوه: خاکه لیوه، پانه معر، جوزوردان، پوشهبور، گفلاویو، خبومانان، روزبو، خبونطربور، سعرمارمز، پنظرانهار، رستمان، متعمد،

له هندی شبوینی کنه به مبانگی مبارت تعلین: هنومی پشکوان و، به نیسسیان: شمسته و، به مایس: بمختمیاران و، به حرزمیران: بارانیران و، به تشرینی یهکم: گلاریزان و، به تشرینی دوم: سعریطه.

همسر تارچمیدک کسترستانی لمع زاراوانمیان همید، همتدیکهسان له گستان کمسانند! میرادیفن، یغلام همتدیکهبان تاری دیاردیدگی سروشتنه لعرانمید له تارچدکانی قرا نمین. ترسینمود و یدکارهیتاتی قمم وشاند زمان دمولممن قدکمن.

پیشینان وتریاند؛ وتدگار با بی و تدگار باران، له عرمری زستان کم تمیشده ه، همروها: وله زستان شعوی، له پیران تعوی، همروها: وله همر همری باران تباری». همروها: ویاران پیداری تاشی تدگلری، باران نبارای جبرتی تدگیری ه، همروها: دیامی پنهاری، تا پزیمی داری، تاگید: انجسواری، یز یمکی کسه تعمی خسوارد نمیریی له تمهمریمکانی وابورد تغاید: دنه یای دیره و به باران»، بز مشرر خواردتی بی سودی درای لیقتومان، تغلید: دله پاش باران کمپنک».

هدولي تاشتبوندوه

دوای کمو شمرانه عصوصان عصبتهان بعوه تدکیرد، کنه لهم شمرانددا هیبزو توانای گلدکشان دانتهوری، که لهم شمرانددا هیبزو توانای گلدکشان دانتهوری، که لؤور لازه به همنان معمنا نامصان بو تابیدتی که تدبیب و نوسسر و پهیاوه نامیراوه، که ناز خواسان دا به دوتران و سی قباران ر، در سی قباران در به باید بین بارستری تابیدین کلیرنموری در باسی چارمستری تام بهلا گرشندیمسان تدکور و ، تدگیراین چارمیدگی بز بلازینمود، بریاردان دا عمولیکی نزو بلادین

یز تموس کرتایی پی بهیتین. یهکسینیان له ربگای دوژگاهانی راگمهاندندو: وتاردکانی رادیر و بلار کراردکان، زسینتی یز خزش یکمین. دوسینیان یکموینه پمیوشدی راستموخز له گل هسر لایمندکانی پمیوشدیدار.

من و شعری ناوخزا

نموسایش و آمینا آنیستایش هندی له سعرانی پارتی و حشع و لایشه کانی تر له نار هاوریکاتم دا من به یه کی له ترندرودکان دانشین، یعشبکی شمری پروپاگاندیان له دژی من بود، راستیه کمیشی چند جاری من سعر کردایهتی لشکر کیشیبه کانی به کیشیم کردود، لیرددا چند روازی دهاو دش دوباره تغیرسعود که له کاتی خزی دا درباری شعری ناوخز، دوای گفراندوم له شعره کان، و کمو سعروتاری کزمطه له ژماردگانی کانونی دوم و شمهانی ۱۹۸۳ دا به ناوی ناوخدود نرسیسرسه. رونگ خریندوار تا تعدازه یمک له پرویزچونکانه یکا.

وتارى يەكىم:

گىلەكزمەكى ي چەكدار - سياسى لە خزمەتى كى دايدا

هارین ر پایزی سالی پار، هندی شرینی پاریزگاکانی هعولیر و سلیسانی بین به معیناتی زورانیازیهکی چکدار – سیاسی ترندوتیژی خویناوی له یعینی پیشسترگدگانی ی ن ک و چنگداردگانی هندی حزین تردا.

زورانبازی چنند مانگی رابروردو، دروره کیشانی روراوه پچرپچردکانی چنند مانگ و
بگره سالی پیشسرتر بور، بعلام تصحیحاربهان چعشنیکی بعربنتر، ضراوانسر، توندوتیونزر و
نفشنه کیشراوی به خویدو گرت بو، که خونی نواند له گلماکردهای ی چعکدار - سیاسی
ع قبران چنند حییزب و ریکخراوی جزوارجیزی جیساراز له روی ریسازی تابدبرجی و
سیاسیشدرش به ژاوهٔواریکی پرویاگاندیی خصت و فراوانی ناراست، له باردی
دریککوتن تهینی، ی ن ک له گمل رؤیس صحدام بر لیدانی دعیزه نیشتمانیههان، و
دریگزن له و چالای شوشگیرانبیان دوئی رژیم، زمینس بز خوش کرا بو.

روداردگانی تم دولهسیش، و دکسر هی جداردگانی تر، سایش پنزاره و جبیگس پرسیاری کزملاتی خطک بون، چرنکه روتی بعربر پیشنوه چرنی شریتی کرودستان و تاقاری خنیاتی سیاسی و پیشسندرگشی له شا ری تاسایی خزی لا نهدا و، له شمری کروده د کل یکتری رو به و کرودانش شعره که، به تایشی له کانیک دا که له تنهامی گدرمیونی نیموده کانی جنگی عبراق - تیران دا له بارترین مطی میژویی، له دو دیری نیشتساندگش دا، بز بزولتنوی رفکاری نیشتسانی گلمی کرودستان - له معر تاسی سنسراتیسی بز جبولاتی سیساس، وه بز دمسرشاندنی کاریگر، دیکوشتی هسزه سنسراتیسیمی بز جبولاتی سیساس، وه بز دمسرشاندنی کساریگر و کسوشندی هسزه

.

له گفاً کزمدلای خفلکی کوردستان دا، ئیستش له پهژارددا پرین، چونکه هفتنه نمبر به ناردرا چنز هارولاتیمکی کوردستیان له شمری نارخبزدا، لعرانه چندین هاوری ی

ملکترتر و مطالی دلری تیمه، نهکرژرین..

له گلگ کوَملاتی خطکی کوردستان دا، تیستش تصانهرسی: بزرا تم شده له پای چی! بز سدوی کی! قسریاتیسکسانی تم شسع، کسین! بزچی و له بعر چی،، هموجعز مطاوعرچی دصهیکردنی کاریکی جددی یا کاتی و دشاندنی گلوزیکی کوشنده له دورخرد مطاوعرچی دصهیکردنی کارکی و مطالحیرساندنی شعری ناوخز و کورداندنی شعر خبری کردنی میزی پیشمبرگلی ی ن ک که به دویوایی شعش سالی رابودور معر تب جمعین سعودگی ر کسایگلی به گلوا چرنجوی رژیمی میسران و دوگا، دامرکسیندرور

گرایه دنیای کورد تموهده به خیرایی له گروان داید. که تمرازی هیزدگانی ناری و سروشتی سیناسی و چیشایهتهینان و، بیروباومر و بزچون و ریماز و، توسلوین کار.. بان

ومعا زو بگازی: – نیواندی کد تاشیعتالیان رماز کرد و به پدکی شر و ترانایدکی کسمره ریگدی چهاکانی کوردستانیان گرت و له تاخزشترین عطرمنجی نایدرامیدری تعرازی هزدکان رژیم و هزدگانی سعیمم تزیزویسیونی عیراق دا ، به ترانایدکی کمسوه، دو دو درشیکر

بعیز و در. خمیاتی چاکناراندیان دس پی کردهود.. - تعراندی تلای چسیاندنی کیانی بیکتوشانی دیموکراتی بیرویاوه و حیزب ه ریکخراوی جسیاجیهایان هملکرد. به جنرریک که یز گافته پس کردن. به بارگاکانر سکردارهتیهان تکوتن: دفران تعدارها

- تمواندی کسه تالای روخساندنی رژیمی مسعددام و دامسعزراندنی رژیمسیکم دیسرکرانههان له عیراق دا هلگرد در ندک جاری بلگر سعدان جاره بانگی هسم هر ر ، حیزیدکانی عیرانهان تمکرد، که هیز و ترانای خزیان له پعربیدگی یمکگرتردا دژی رژیم صعددام یمک بخش و خنباتی چمکدار له روی سترکردایتی کردنی و پیکهاتی هیزدکاتر و میدانی چالاخیدو بکشت شریتی همس عیران.

یعلی تعواندی کسه به رفتج و صاندویونی چند سال و به خوینی سندان شسخین راستین تم دروشنانهان سفاند و پناغدگهان دارشت، له کالیک دا که زور کمس و زل لای تر تصنیان به خنیال و سندورویی و پسلانگیران و نوکندراینتی تم و تنو له قسفه تعدا .

تن پلی بی دنیای کرود تعونده زو بگزری! تصانه همدر برینه نزگمری هممان رؤسم که له ماردی شنش سالی خهاتی پر گریردوری و معینت و تالی دا، زیاتر له هغزار هغایا و هاروی ی به نارووا له شعری نابعراسیسر و ، له زیر تازار و نشخشه، و ، له پای لمناردد گرشتین و ، دیبان هغزار کمس له خرشک و برا و دایک و باوک و خرم و خیزانی تبها: گردون و تازار دارن و له زینمان و گرتوخانه و سعریازگدگان دا توند گردون و ، زیاتر له هغزار گزند و دیبان کارل و له گله خاک دا بهکسان کردون دا

کورد گوتننی: سعیره له کؤیدا

تز پلی ی تنوانمی له سنردمن تبر تراجیدیه سامناکه ناخزشندا خزیان له جننگاه تراجیدیاکندا ژبارن و پنوگنیان گرت و هیچ نبهی تنوساکه له کوردستان دا هنر تنوان بن که هیزی سنرهکی سیاسی و چهکداری په گزا چرنی رژیم برن، ٹیستا بیننه نزکنری رژیم پاریزمری صددهٔ و هیزه داگیرکنردکانی، وه تعوانش که تعوسا تعماشاچی و رمخندگر و سایرکمر و ترهست به پالغم و گیرشیرین و ریز تیکنمر.. بون، بوینه پاریزمری شورش و قازانجیکانی جنماومری کوردستان و رییازی شورشگیراند؛

له کمل کزمهلاتی خولکی کوردستان دا، تیمهش توپرسین بز؟

تاخز تدر گنله گزدمکی یعن لیسان کردین و تعر شعری پیسان فروشتین له سعر تعره بر کعوا تیسه له پیرویارمری خزمان معلگرارینتدوه و له دروشسکانی خزمان پشیسان بریندتده و و دامساندی پارشرسی خزمان بیمستینده به چارخرسی وشی رژیسه خویتروه رزیراکستی مسددام)ه و ، تعساندش گسردکسان پر به ریگای گطه کسرسدگی ی چمکسار – سیاسی، له معیدان دومان یکن و چانکشتوه به ناو رژیم دا، یان به زفی چانهیشنده سمر ریگای راستی شزرش و کازانجی جساودرا

هسر زورانیازیدکی سیباسی پیگرسان زمسیندیدکی مادی همیه و له راستی دا نراندندوی ملسالاتی ی چینایدتی مینی چین و تریزه کنزمسلایدتیم جیسارازدگانی ناو کنزمسله، که همر یکنمیان به چی ی دمسکنوت و قدازاغی چینایدتی خنزی، له روانگای تابیدتی خزیدو معیری روداودکان تمکا، عزکانی دمی نیشان تمکا، ریگایی چارمسعر کردن تر ترسلین کار بر کردنی دیاری تمکات.

د کو کار در این می کی داکر تیستای روژهالاتی نادواست دا، که یه کیکه له نارچه همره کرد کردگان دنیا، دو به کیکه له نارچه همره تالزدگانی دنیا در شمینی پمنگ خواردندوی چندین کرد کرادندوی چندین کیشه و گیروگرفت و ناکزکی قرل و گرنگ و کاریگیره - له نار همر دورلاتیکان دا، له یمینی دولایی از این کارگرفتانی ناوچه کارگرفتانی این به به کار کی در این کی به داری و درل ته گیردگانی دنیادا.. پمسجدره روداوکانی هیچ قروشیکی تم ناوچه تالرزاره گرنگه، چمن پچرک و چمیه کو در پشت گری خواوش به، ناکزگی رودی ناسایی خزی بگری به دایرادی و دور له دستیرددان و گرشاری تم و ناوز ناوز مسلمگانوره اینکه تشخیامی کامل برتی مطرمعرجی میرویی خوی داری خودی خاون مصطفحاتوره اینکها یکی.

جا مصطفی نقدوی کردیش، ورکر پهکیک له گیرگرفته هدو تالزز و گرنگ و بریاردورکانی نارچهکه، دسیکه سعرغی باینخی هیزه کزنهپدرست و دولدته داگیرکمرهکانی کوروستان و دولدت و هیزه زلهگانی دنیای راکیشناه و دهر پهکتابان له لای خزیموه، به جزیک، چاری تی بریور و معرفی داوه چی پی ی خزی پکاتبوه و پایسی کزمدلایمتی له نار چین و تریورکانی کزملی کرود و نریندو، سیاسهکانی دا بدازیتموه و قررسایی خزی بخاته مسمی، له ناو بزرتنوس گردیش دا له میراه دو جزره بزچین همیه یز لیکنانموی رمکی گیمورگرفتهکانی گلی تکورد و دازیندین چارهستر کردنی، کمه له دو سموجهاوی نایدیولرچی جهازاز، بطکر له دو جههانینی جهازازموه ددردین:

یدکیکیان - لای داید که بزوتندوی رزگاری نیشتسآنی گفی کوردستان تعیی پشت معنی کردستان تعیی پشت به هیزی که خزیان بن خطاک خزیان نیا خواک خزیان نیا و چاردفوسی خزیان بریاز بعدن به بی دهستیودوانی بیگانه، بنام نام معنی گشتی جولاندوکمی که سعر بنجینین دایین کردنی پسیستیدگاری گزاران گشت کردنی کردنی پسیستیدگاری گزاران گشت کردنی کردنی توسطی بایی، با بیری، سیاسی و ضعوعنگی، کردملایش، با بیری، سیاسی و ضعوعنگی، کردملایش، با بیری، سیاسی و ضعوعنگی، کردملایش

دابروی، ندک به پس ی قازانجدکانی هیزدکانی دربوه و ملسلانی و زورانهازیدکانی بمینی تعوان

ندی تریان – هنرل تندا جبگه یز جولانبودی کورد ینوزیتمو، له نار چوارچهوری ستراتیجی زلهپزدگان و له ناو کون و کفلهبری ناکزکهنگانی بمینی دورادیدکانی ناویهکندا، همر له بدر تروی پشت بددرود تهبستی و معرف ندا به چیزی دورکی و ناکرکیسهکانی تنوانبود بیسستیستنود، و دید گروری هفلکنرتن هفلوسفرجی چاک و خراپی ددولی، مصطفی کرود بیزوننی و فریش، در پیخاتوه معیانی وازی نار دورادتانبود.

هعولدان بز بهستندوی مصطفی کرود به ناکرکهدگانی هیزدگانی ددروه جاریک له گزشدی راست و جاریکی له گزشدی چیدود، وه خنیات کردن بز ری برین لم پیلاده، ختری له خزی دا زیراتهازیدگی سیاسیه، ناردانبری ملسلامی ی چینایتنی چین و ترود کزسلایتیم جیازاردگانی نار گزشدا، همریکهیان له روانگین قازانی چینایتی خزیدو، بهلام به گروری گزرانی عطرستری خاورنده و ترندوتیتورنی ناکوکیسدگان، تصبیش ناگزری؛ چک دانشی با چک هدادگری.

سر برنی هندی هیز له ومرزی ساره بیرنی مفتاخی ناکرکیدکانی بهینی عیراق و تهران دا، پاشسان زیند بیرندو و سعردهرهینانعویان سعرلفتری له ومرزی گسوسیدنعوی مفتاخی تاکرکیدکان دا ویتیدکی دزیری بژچرنی دوسد، له کاتیک دا که مصملدی کورد له حالدتی ریکی و تاریکی، تاشنی و شعر، کزگی و تاکزگی دعولفتانی تیران و عیراق دا، وکو مصملهیکی پایتیی صورترکرد همر هنبود.

هدلگیرسانی جامنگی عیبراق - تیران هدلومبرجیکی نری ی له سعرانستری ناوجه کدا خرلقاند، له لایه کدو - هالی یز هیزه شورشگیره کان هداشت که سرد له شعری تم دو دولفته داگیرکدو و وریگره، یز زیادگردنی واددی چالاگی و جغزومهی پیشندرگایی و به دمسهیانی سرکدوتنی گدوره و کاریگر له چرارچیدوی ستراتیجیدکانی خزیان دا. پهلام له لایمکی تریشموه، هالی یز هیزدگانی تریش وخساند که سعرلدتری پینموه معیدان پیشتندوی مصدلدی کرو به ناکزگیدگانی تد ود دولدتدو.

ید پی به، له سدر تعرفی کوردستان ریاردیکی نوی ی حبرب و هیزه سیاسهکان هادم گرزی. لایکنیسان تعییرست و هغرایی تعدا مسموطنی می حبرب و هیزه سیاسهکان برزنده گرفت. پیدانی شعروشکیسانامی برزندم رو برای بیدانی عبرای و برزنده کار کردنی نیسان و به معالی کردان و له همسان کات دا کملک له هملگیرسانی جنگی و برنگری، بز زیادگردنی همرجی زوزتری چالاکی شفرشگیرانامی سیاسی و چهکفار و رایعرانش کوملائی خطک. لایهکمی تریش تعییرات و هعرای تعدا که خنیاتی رودای گللی کورد له عبرای دا یکات به تعییب اما تعدا که به چوارچیرمی نمو تعدا بندشت میدان و دا یکات به تعشیدا امیزی، که پیشبیک له کمله کوره می محدارات می الهیدان خوابید خوابیدا خوابیدان نمواند، که له چادباد خوابی تعداد اخزی کارد.

گندهکروستکی کنتی تصنیحاوه، تمگنویش لتو دیو ستوردوه، به توانایمکی زوردو نمخشنتی یز کنیشرا یو، ودکتر هعمر جاردکانی تر تعمیش له بدرامیندر باونری پشتو ر خوراگریی دلیراندی پیشیسترگدکانی ی ن ک دا شکا و ستری نمگرت. بدلام هنر ودکتر هپرشدکش تصجاره، له همتر تعوانی پیشر، بدربلارتر و توندتر و ریکخراوتر بور، هنرودها شکاندندکشی به هندان تنخازه گغوره بور، بگره له قندوارش هبرشدکش زلشر بور، چونکه سعرلغزی چند راستهدکی به زطی ساخ کردنوه، لغزآند:

درگذرت هدر آدر سیاسته سعرته کعیت ر له ویژدانی خطک دا جبگیر تعیت ر
سعرتم و بردای خطک به دهس تعینی، که له سعر بناغین راستی و بردار بنیات نراوه،
نه که تموی له سعر بناغینی پیبلاتگیران و پروپاگاندی ناراست و ژاونژاری دروستگرار و
هاشه و هرشدی درؤ و هطگیرانعوی روداو، کان و چنواشه کردنی گفل و تعفرهدانی خطک و
فیل و تطکیهازی.

تمواندی پختایان برده بعر شعری پروپاگانندی درو، زوری نمخایاند، دروکانیان تاشکرا بر، بوخناندکانیان دمرکموت، دستدکمیان کموته رو.. خزیانی پی سرک و ریسواتر بون. - دمرکموت کی له خزمدتی پلاتدکانی داگیرکمرانی کوردستان دایه و به کردموه،

به نهینی و به تاشکرا، نمختیک کارنی تعوید نموانی و به برموانی نعوان نعری و به تاشکرا، نمختیکاتی تعوان جیسیسی تکات، له پختای تعواد به بدموانی پیشرمی ر پاشکشه تمکا، سعر دورتمینی و سعر تبهاندو، کون، نمگینا تعوی بیندی شعری رئیس عیراق بکات، تمکیر له بیاتر نمین، معینانیکی بمین و فراوانی نمیدوی چاکلار و چالاکمین سیاسی له یعرده دایه، سعدان سعریازگمن گغروه و پچسرک و رمیسمی هیزی داگیر کتری دورتمنی له بعر چاو و لولین تفنگ دایه و ریگدی لیشانی هیزدگانی رئیسیش داگیر کتری دورتمنی له بعر چاو و لولین تفنگ دایه و ریگدی لیشانی هیزدگانی رئیسیش

- دورکتوت کی له عصر لایه ک زیاتر به تغنگ بعبیهینانی فرمانی نهشتمانی و لپیرسیندوی میزیی و جیبنی کردی غراست و داواکانی جمعاوبودید و سرده له سعر شکاندنی پیاتری و کردواندنی شعره و تعیشتنی شعری نارخز و، تعرفان کردنی عمس وزه و تراناکان پی شعری رؤسی عبدالد، رودادوکان نیسیانیان کرد، که لم روانگمیود ی ن که معر دوکر سعر بز دزوری چه که و گرشار و گنامکومه کی داناندوینی، یعلام ته گفتر تازادی معلیزاردتی شیرمی لایملا کردنی گیروگرفته کان به ریگای سیاسی یا چه کنار، بخد بی به دسملات و تارفزی پهکیشین نیشتسانیسیوه، تعوای ن که معکمر هیچ ریگایه کی تری خزیاراستی له بعردم دا تعمینی، جنگ له به کنار چیانی چهک، تمکینا همسیشه ریگدی گفترگرف هیسن و دیسوگراتی تذکری و، ریگای سیاسی چاوسمبرکردتی گیرکرفته کان

مىلتىزىرى.

_

روداودکان کزن تمین و له بیر نمچرنهتوه، هزکانی تطینموی ونزهدکه هنر مارن. گیروگرفتهکان به چاره نکراری هالیمبیردرارن، کمواله معترس هلگیرسانبری شعری ناوخز هیشتا له گزری یه، بغام هیشتا هظی به لادا خستنی هیستانه و سیاسی گروگرفتکان، له هلی لایملا کرونی چهکلارانیان، زورتره.

هیشت ا له قولی ی ن ک در دنرگای چارمسترکردتی سیساسی میمستادکان به کراریی، له ستر گازی پشته. (کزمله، کاترنی درهنتی ۱۹۸۲)

وتاری دومم:

شعری ناوخز یا شعری رزگاری نیشتمان!

گشتگردنی پروتنوی رزگاری نیشتمانی گلی کررد له کرردستانی عبراق دا دوابعدای پروستانی عبراق دا دوابعدای پروستانی جدار و دوابعدای شده کندار و میکندار و میگیرسانی شروش تعاولی که کردستانی عبرانی بهترانی دوابعدای کرد که کردستانی عبرانی بیشتمانیی گلی کرد که کردستانی عبرانی بیشتمانیی گلی کردد له برازسمری کردستان دا. بگره بیسته ناوندیکی تعویز که تیکرای تیکزشمرانی کردر له پارچه جیا جاکانی کردستان دا چاری هبرای نی بیرن و پشتی پی بیستان و پشتیوانی لی بکتر، خیابانی پیره گری بدن، بملکو خیابی خیابانی خراد کردی بدن، بملکو

بارزانی که سعرکددایش شورش و پارتی له ژیر دمی دا پیر، عبروها جرلانهوی کوردیش له سعرانستوی کوردستان دا کموت بود ژیر نفرز و دهستلاتی تصوده تیشوایی دموری سعلیی یا تیجهایی وازی بکا هم له جیولانعوی کیرد لعر پارچاندا و هم له ناز م جیزب و ریکشراوکاتیان دا، به تاییشی لعو قزناغددا، که سعربرای پلامستندن و بحیز برنی شیرشدکه خزی، له ناو رؤشیسران و تیکزشعرانی کیردیش دا تعو باوبرد زال بو: تدگیر له پارههیدگی کوردستان دا شیرش هلگیرسا تا به تناهیام تدگان، تعی همسر پارچادکاتی تر له خزمستی تنو شیرشدا بن و له سنری دهسکموت و فازاهیدکانی تنودا

تم باودر تمکنر له چرارچینوی ستبراتیجینکی گشتی دا دایریژایه و پهیروی پکرایه و کناری پی پکرایه، افزاندی ترتفیسامی کناریگر و گنیوری خبوایه، بلام به شیرهیکی خراب له لایین سنرکردایدی شزرش تعبارلدو، به تاییشی له لایین بازدایدی به کار خیرا، هم پز کریخیایتینیکی ناراسی پارههٔ کانی تری کوردستان له روی سنت کردنی جرلاندوکانیان و خز هطفریاندن له کاروباری ناودگی حیزب و سعرکردایدتیکانیان و تعرفان کردنیان یخ خزمتی جولاندوی کوردستانی عیبرات. و دهم بز پاساودانی همرد کردند که گذار دولته داگیرکردوکانی کوردستان، تعرفش له رطفتاری هعرد

هنردس هینانی کتوپر و خیرای شورشی تبیاراً له کوردستانی عبراق دا له تناجامی ریککبرتش شنا – صنددام سنالی ۱۹۷۵ له جنبزائیسر دوخنیکی نوی ی له نارچهکنندا خبراتساند. نمر ناوشدی له گیرودستیانی عبیران دا پیز جبرلانبودی کبرد له سیمرانسیری گیرودستان دا دورست بهره هفرمسی هینا . همرودگو گلی گیروی عبیران کمرته گیبرازی ممینشیمکی نمتریایمتی دوآواردو، همروها همسر نمتردی کیرودیش، له تلهامی تعوها، رخهبور و دروازیگ و بعدین بر له همز نارشدیکی تر له بزرتمردی کرودا.

همریعنده خامزشههای ترسنای، له دوای تاشهمتال، بالی به سمر کوردستان دا کشا بر بعلاد زیرم نمفایاند، حراد در بردی کمتعده سمانیدم نششهانگیدا:

کیشا بر پملام زوری نمخایاند، جرله و بزوتن گعرتموه سعرانسمری نیشتسانهکممان. - له کرودستانی عیرای، واته له کملاوی تاشیهتال دا، خهاتی ژیرزمیش دستی

- به فرونستانی هیران، وابه به قاعدوی نامهانان دا، حقیانی زیروهیشی دستی پی گرداره از هار زار زو چراده قارفاغی ختیاتی سیاسی – چدکفار.

- له کوردستانی تورکیا پزرتنوههایی سیاسی - جساومریی پدری سند.

– له کوردستانی تیرانیش جسرجرلی ریکخرار سدری هفلناپدو، ر له گفا، ررخانی شبا بوه بزرتتوبیدگی سیماسی – جسمساوتریی قبرآوان و قبوله و، زوریشی پی نمچر بوه جولاندوبیدگی سیاسی – چهکدار.

ندگار پیشتر کوردستانی هیران برده نارفندی بزراندری کورد و بعشی زوری حیدزب و ریکخبرادوکانی سعرانسندی کوردستان خبوبان پیره نیست با لمی یا بد نکورتندو و پیربوی تامیزگاری و رینوینهیدکانیان نکرد، له گله تیکچرنی شزیش کوردستانی عبران ۱۵ تیر ندک عمر تنو ناوهنده تیکچر پو، بطکر تنو تجروبیش له پیر چادی زورینی حیزب کرودا ناوهنیک تعما بر له روی توانای سیاسی – تیروی بان له رری نیشتمانیی گفتی کوردا ناوهنیک تعما بر له روی توانای سیاسی – تیروی بان له رری نیشترانی چمکدار – ماددیستوه تمو میز و نفرز و دهستاندی همین، حسیزب و ریکخبرا و تیکزشمانی کوردستان پیروی لی بعدر و لی ی کو بینمو، تمگور پیشتر کوردستانی عیسرای بیره فرنهیکی دیاری کزگرونموی جمساوری خملک له تاقیه حبزپیک دا و سیستمین تاقیه پارش یه سعر خملکی دا سیها بو، تم تعجریمیش له گفل تاشیمتالی عیرای شکا و باورد تواکانی پ د ک و تیکچرنی شزرشه چمکداره کمن کوردستانی

یمنجزره له عمر پارچهیکی کوردستان دا چنن حیزب و ریکخراو دمستیان کرد به کبارکبردن و له سندرانسندی کبوردستسان دا چنندین حبیزب پمیدا بون. هی نوی هاشته معیدانده و کزندکانیش به خز کدوننده.

درکبرتنی چندین حیزب و ریکخراوی جنوارجنرد له لایهکدو تنظیامی تاسایی گزران و گشته کردنی کزدهایایی تاسایی گزران و گشته کردنی کزدهایایی بر الهری بسیاسید. گزدهای فره چینی کوردستان و نیستاندی درکبوتنی تدری چینایایی بر له پینی چین و تروزه کردهایایتبیدکان و ترانتنادیایان له ریکخراوی سیاسی جنوارجنردا، له لایهکی تروه دوکبوتنی تم همدر مجزب و ریکخراو و دسته و تالفاند. که هندیکی شریعی چینایهتی خزی بی تعزیرا پردوه؛ یا لم لا و تعویل بودن بی دا تمکرا، نیستانی تالیزیس و پدراگنندیی سیاسی و پیرت بون و به فیدل چرنی وزه و هیزی کؤملاتی خطک بود، یگره سورتای سعوملدانی تنگریطلمسیدکی قبول و تالوز بر له پزوتندوی رزگاری نیستستسانیی گمل کرردا، به تابیعتی چرنکه هندیکهان پدره خز جدکمارکردنیکی لاسایی کمرانعوی بی بدرنامه تابیعیتی چرنکه هندیکهان پدره خز جدکمارکردنیکی لاسایی کمرانعوی بی بدرنامه

.

لمبرتعومي له هيچ كام لمو ديولمت و ولاتانمي كورد و كوردستانيان به سعردا بعش کراوه ماودی ژبانی دیموگراتی و خنیاتی سیاسی هیستاند نمیره، لعودتمی بزوتنمودی رزگاری نېشتىسانىي گىلى كىرود، يە يى ي تېگايشتنى نوي، يىيدا برد، ھىمپىشىد شېيرەيدكى سعره کی خداتی ج بنز مان و خوباراستنی وه ج بر دوبرینی بیرودا و داواکردن و سعندنی مافه کانی، به ناچآری ریگنی ختیاتی چه کدار و، هطیعی خز چه کدار کردن و به کار هیئانی چه که بره. عبر بزیه زورهای حیزب و ریکخراره کانی کرردستان هدرلی پیکهینانی هیزی چه کنداریان داره. چنا له یعر تعومی تعمانعش له پمیرموی کنردنی رپوشنوینی پینکتون این دیسترکراتیهاند و له نفریتی پیکنوه هلکردنی سیاسی دا کنم تعجرینه برن و، هسیشه داگیرکتران ر تیمیریالپزمیش لوتیان ژائنوته مصطفی کوردبرد، یزیه زورجار ناتیایی ر ناریکیپه کانی پدینی تعر هیز و تاقسانه، له کاتیک دا که ثنبی به ریگای سیاسی لایدلا بكرين، تعتداليتموه و تدكاله يلعي بهكاداني جدكدار و شعرى خريناوي، به جزريكي تعرلز که له هندی قزناغ و له هندی کات و شوین دا بزوتندوی کرودی ترشی مدترسیبه کی زل ته کا، چونکه خمهآتی هیزه کوردیه کانی له شاری ی تاسایی خزی، واته له خمهات دژی داگهرگغران و تهمههالهزم و نزگغره کانهان، لا تعوا و ناکزکی نیران هیزه کوردیه کان تعتمق بستماره و تعرضه توند تعهى به جنزرينك له باتي تعربي شمري قسورس و خبريناري بكنوبته مديداني هيزه كاني كورد و داگيركتراندوه، كدرتزته ناو ريزه كاني كورد خزيدوه.

له به سنّم کنردنفودی شبریتی روداودگنانی صاودی چرار – پینج سنالی رابوردوی نیشتماندکعنان دا تعینین:

لد کرردستانی تورکیا تدگدرچی شورشی چدکدار و لعشکری چدکداری تیا نمبره

ر حیزب و ریکخراودگانی تعوی له خیاتی ژیرزهبنیی دا برن، کمچی له گلد تعرش دا ناکژکی تایدپرلرین و سیاسی له یعینی هندی حیزب و ریکخرای تعوی دا تغلیبوه و کمونته کرشتان و توقیاندنی کداد و تعندام و دوستی پهکشری، تا کمودتای سیبایی و سهاندی حرکمی عورفی جیگانی به همریان لیز کرد و جموجرا و چالاکین کام کردنده و سرکرده و کادر و تنظام و لایشگردگانی کردن و راونان و دربهددر کردن.

له پاش روخنانی شیران دا تدگیریی له پاش روخنانی شیا جنوریکی نازاد و دیسرگرانی گجر ویشی خهاتی سیاسی و ملسلانی ی نابدپرلریی خرلقا بو ، بدام له گغا تمسترر بونی باسکی چکداری ریکخراری نموی و له گغا، قرآه برندوی ناکرکیسیکانی بهپنیان، لعرش هندی له گهرگرفتدکانیان، که تمکرا به ریکنی سیاسی چارمستر یکرین، جاریار تمفییترد و تدکیشته پلدی پیکا هغیزانی چکفار و خربناوی.

هیشت ا تیم گهروگرفته آندی نار خزیان به لایه ک دا نه کموت بو ، همسر هیز دکانی شورش کوردستانی نیران کموتنه یعر پهلاماری چه کداری هیزیکی تر که گوایه یه کهکه له هیزهانی کوردستانی هیراق.

له کوردستانی سرویاش ململائی ی ریکخراردیی و سیاسی له یعینی حیزیدکان دا، هندی جیار تعویند فرنصوتیسو و قبول تا برادی له یمک دابران و به گیز یمکیا چرنیکی وها کنه تکمر لدویش خیماتی یمکندار له گیری برایه لعوانه بر تعویش بگانه رادی شعری خیماری و جمکنار له پنینیان دا. یه قرناغی تیستای خهاتی رزگاریخوازاندی گدادکسان دا، شعری ناوخز، له در دیری کردوستان دا، شعری ناوخز، له در دیری کردان، ختصیکی گعروی درست کردو، پشر کردو، بشتریکی گعروی درست کردو، پشیر کردو، پشیکی گعروی رضع و فیداکاری پیزر کردویهکان به شعری سیاسی هیزه کردویهکان به شعری سیاسی و چهکدار و تیمالانی پشتری سیاسی کداکسان بن و گیرزی کرشندی تی پسرویان، گزشت و تیکوری در زمندگانی به شیری بسرویان، گزشت و تیکوری زاله بعردسی رمزنی بزرتندی رفزانی به تین و به گیر پدرم بدیهیانی به تین و به گیر پدرم بدیهیانی نامافیکانی بدا ، دلی گزشتان خیلی که تیکزشان سارد تهیدو،

یزیه نمی له روانگایهگی زانستیسود، سمیری هطومموجی نوی ی کمودستان پکین، ناکزکیهکانی نم قزناغه هلبسنگیتین، سروشدکانیان، ریگای چارسبر کردن و شیعردی لایملا کردنبان دیاری پکین، فرمانهکانی خزمان، لم قزناغه گرنگای خیباتی گفلکسان دا دیاری پکین،

تجی زلد به ویهایی و ژبری، زلد به هرشهاری و پمزشعود، به دلسززی و تین و تاری شورشگیرانتود، به له خزیرانیکی تعراو و همست کردنیکی قبولمو، به لیپهرسنعودی میژویی، له پلین تبستاها هنول بدین:

له لایهکنوه – له ویی سیناسی، تایدپرلرجی، پیشسترگنیی.. وه خزمان تمهار ر تاساده یکمین یز یمکنخسستنی همر پیبلاتیکی دوژمنانه و یز یموندگاریی همر روداوییکی تالهار و نعیستراو و یز یمویمهانموی همر یملامار و هیرشیکی تمکریته سنرمان.

وه له لاینکی تریشستود که پیویتری ترانگود هنول پذیرن کنه چاردیدگی سسیاسی بو شعری تارخز له کوردمستان دا پیلازیشنود که پزرتشودی روگاری نیشتنسانی گلمل کورد له پهلای شعری لاونکی لا پینا و تعهیل له شا ری بی میزویی خوی، شا ری بی خبیات و شعر کورد دوگر داگیرکوارد و تیسیریالیزم و نزگتردکانیان لا بنا و بیشریته سنو لاری بی شعری

۔ وتاری سپینم:

(مساوسه) له گال داگیرکتران یا له گلل هیزه ناکزک و جهاوازدکانی کوردستان ا هیران و تیران ودکر دو دورلت که هنر پهکیکیان پارچهنهای کرودستانی داگیر کردوه و پیشیکی تمتیری کورود تیجهنرسینتموه، لدوتی دامنزوان، سمرمرای ثبر ناتههای در تاریکییستی به دریژایی میبول له سمر سزو و صنرتب و درگفر و ، له سنج کارویاری سیماسی و تابیری، هیان پره، هممیشه له کمانی ممترسی دا دری پزرتنموی رزگاری تیشمانی گلی کوردستان ریک کهتری، پیکنوه نششه و پیلانی گرزانداندویان داناوه و تیشمانی یمک خسستره، تمگیر هندیک جماریش، یمکیک لم دو دولته پارستی توانیخویمکی کردردیهان له شریبیک دا داییت، له چراچیوری وازی تاکیسی دونیچو، پز یمکار خیانی مسمعلی رموای کرود و خیات و خز بمختکردنی، دیکر هیزی زار بز پزدیکار دینانی مسمعلی رموای کرود و خیات و خز بمختکردنی، داکر هیزی زار بز پردی در گرشار و تازاد ناموه، پز به دسهینانی مهمستیکی سیاسی، یا سیایی، نابوری،.

پهغها سیالی راپوردو چغندین غونعی هاوکباری شم دو دمولهتمی تبیبا تعبینری دژی گلی کورد، که دواپیهکمپان ریککموتنهکمی شا - صعددام پو له جغزائیر.

روخاتی رژیمی شا له تیران، زور مصطفی له نارچهکندا گزری، یکییک لفرانه تیکچرندری پدومندی هاوکاری و تنهایی عبراق – تیران برد، که به شدری پروپاگانده و دصودوانه کاروباری ناوخزی یکتری دصتی پی کرد، تا گیشته رودشندی سار سنور و له درایی دا علگیرسانی جنگ له بعینیان دا.

هٔ طلگیسرستانی جستگ تدگید به یک طرحت هدود دورلمت هطیکی له بار برین بیشنززندو، بز چاکنتر کامل کرونی هطرمترجی دوخی شزرشگیرانه و گزیش بندرایی ختریتهی دستانی سیاسی چیتکانی هدرو کزسطه، ندوا بز گش کردد هلیکی میزویی ثیرتز بر که له میزوی نری ی دا بز یهکسین جار بر شتی رای ای هلیکتوی، که له نار مهمشکرتنخراز، وه له هدرو دورلمت دا در بزرتندوی تریوزسیرنی خررت و دیسرکرات و پیشکترتنخراز، وه له بیماروریی شینایی، که هدر یهکهان خاوش بمزنامه و سعرکدایی فراوانی خاوین بشکی

و چەكدار يى، لە سەر خاكى خۇي.

هرچنده هارکداری هیتر و حبیزیه کانی هدود و بد له تاستی پیدریستیده کانی فرزناغه کدا نبود ، بر قرزستندوی نبو هاله میدوریدی، که دو دورونی دیرینه و به هیزی گلل کرود، سدان هزار سعوازیان دری به کتری استی میدانی جدنگیکی قروس و درون مایمیری دا بر دایره گیانی بکتری، بر نبوی به پی ی گزرانکانی مطرموبی نری ی بندراندکانی مطرموبی نری ی نمتودیی و ناوجدیی و جیهانی، بهار بگیرشده به بدرنامه کانیان دا، یگره به ستراتیجی گلستی جدرالاموی کیردا له هدود و بین بر دانانی روشسیش ناوکنیم کدارکردن و. تمکاناندیکن نوی به خیهاتی کدود، له روی دورش و ریساز و شبیدری کدارکردنی و

له کاتیک دا ترانای تعد له گزری بود، پدلام پزچرنی زال و رورتی روداورکان ودها رویشت که هیزه سیاسی - چدکدارکانی کوردستان هم لایشه له دیری خزی دا و له ستری پدرنامه و ستراتیجی خزی دا کشک دوریگری له دبلی خدریک پرتی دولمت و سریای داگیسرکدری ولاترکدی خزی به جمشگری دورکی قورسدو، پزگشته پیشانی چلاندونکن و بعدمهیتانی سترکدرتی سیاسی و سیایی.

میلگیرسانی جعنگی عیراق - تیران معلیکی آنجار پر لؤ تیکرای تروزیسیونی عیراق و دورشدگانی دونیسی صعدها، وه به تاییتنی بؤ گفل کدود و موره سیاس - چدکدارکانی کردستان چرنکد تیهانترانی کفلیکی گدردی ان روبیگر یز هملگیرانموی تی لایک لاستگی تعزاوی هیزنگانی دونیا میران استفاده و میزد به تاییتنی که صعدها و حیزیه فاشیسته کدی له تفغیاسی زیادبرنی درامه تی فاشیسته کدی له تفغیاسی زیادبرنی درامه تی نفرت زیادبرنی اداره عیران خانه دوای تاشیعتالی ۱۹۷۵، تعزاوی به سمر سویه گزشگدارکانی کورده به اینان به سخر سویه گزشگدار کانی کرد تعزای به سخر سویه گزشگره و میزد به اورود کردنی آماری معرولادا، به میزی پستسمبرگه و میزد پیدای پیشمبرگد زیاتر له درست بیره که ده دایشکرد و به راود کردنی آماری معرولادا، چیکه پیشمبرگد زیاتر له درسته چدکداری رؤیسی عیراقی بعزته کورت. تمانیت هغذی جاز چیکه به خانی پیشمبرگد زیاتر له درسته چدکداری رؤیسی عیراقی بعرته کورت کی پیشمبرگد و جاش که هیزی پیاده و جاش که هیشیان سعر مغزود یا کنرتیکی پیشمبرگد که آماری بیشد.

له پاری تاپدوامیستری ماددی و بعشمری دا، له یعینی پیشسسرگد و ریایم دا، همر هزر معنتیی و باور پر به به روایی و راستی مصطفک، کسرگوریمیکانی پیشسترگدی پر تمکردور و الاستگیمیکنی مدروتای تعرازیی هیزدگانی راست تمکردور. له گماد تعرش دا تمکردورد اند گماد تعرش اید دریایی سالاتی ۲۷ – . . ۸ واقد دلیرهکانی کرودستان نمک همو بعومری قارماندیسوی پدرگدی دارارییمکانی عطومترجی ختیبات و هیرش و پعلامارکانی دارشتیان گرت و بنس، پطکر له زور صیفان و شرین دا جلعری دمیستشکتریمان له دمس دورشن دورهینا و دبیان داستانی قارمانتیمیان توسیمود و سعدان سعرکموتنی دیاریان له شعرگمکان دا به دمس

. معلیدته معلگیرسانی جعنگی عیبرای - تیران بز پیشسموگه شاپیدکی خوش بو، چونکه سیا و هیزه چمکداردکانی عیرای، تیتر نمانشدترانی بعر خمستیب هیرش بهینان و یعر چربیمه له کوردستان دا هیزدگانهان دایش و جبگیر بکنن و به گویردی توندیونی شعر و پیکادان تعیوایه تهتر هندی له هیزه داگیرکدرکانی کوردستان پکیشندو، و پیبهن یز معیدانی جنگ له گله تیران و له هندی شرینی تریش دا هیزدگانهان تعنک یکنن.

خعریک بوزی هیزدگانی دوژمن به شعری سپیایه کی نیزامی هاوتای خزیدو له جمهههیک ترود، دسملاتی له گرودستان دا لاواز تنکو د و ترانای شعرگردن کم تدکوددو، و ترانای شعرگردن کم تدکوددو، و ترفستمو، تمسانش، تمسانش همسیوی توسیتی کاریگریان له همیوی نوشیدی به دستی کاریگریان له درژمن خزش تدکرد، بعلام له همیان کات دا خاریک پوزی چیزی پیشسمترگش به شعری ناوختر و تاکری در درزمانی په شعری تارختر و تاکری درزمانی دو تاکری نوفیست بز گردستانی همسیور دارد و توانای دژی ریژم و هیسزه گردستان دار

تموخانگردنی هسر تدقدلا و ترانای هیزی پیشسدگد ر ریکخراردگانی پهکیتیی نیشتمانی له منهانی چدکدار، سیاس، تبعدالاس، دا یز تعایماماتی فرمانی سعره کی له پهگزاچرنی رزیم دا، له هطرمنویی ندوسای کوردستمان دا که هزکانی شعری لابلا و تعلیمتری ناکزکی لاوکی له کایدها بر، پیریستنی به چرارچپردیه کی گشتی جولان و پزرتان بر له سعر تأستی کوردستان، عیراق و نارچهکه، یز کوکردندوی همسر هیز و تراناکان دؤی رزیم، یا هیچ نعی خارکردندوی گرژی نیوانیان، یز تعوی له باتی تدوی یه
په پهکریدود خدیک بن همر یمکیان له قزلی خزیده در شنود خدیک بی.

هلگیرسانی جعنگی هیراق - تیران دوخیکی ودهای دروست کرد که دولدتدکانی عیراق و تیران، وه هیزدگانی دؤی عیراق و هیزدگانی دژی تیران، هیز و دمولدتانی نارچهکه تیکرا کموننه جولان و وموگرتش هلایست و، ناچاری کردن ریزبونیکی نری هلمپزیرن له دؤستایهتی، دوزمایهتی، هاوکاری، نزگحرایهتی، پیلایهتی.

له لایدکموه - دورایش عیدال و دورایش شیران همریکمیان هنولی تعدا یز تبوی سرد له خیاتی کورد ومریگری له طبیلاتی سپایدکمی دا ومکر بختیک لمو جننگای دژی تبوی تر تبیکرد، وه همر یدکمیان به پی بی تبکمیشان و بزوبرتی ختری، همولی تعدا دمی پخانه ناو هیزه سپاسی و کفاک له جولانموی کورد ومریگری بز قمورسکردنی تای تعرازی سپایی و سپاسیسوک کفاک له جولانموی کورد ومریگری بز قمورسکردنی تای تعرازی

ی پرچن و لایدکی ترشموه – حیزب و خیزه کانی کوردستان، نموانیش همر یمکمیان به پی ی پزچین و بیگلیشنشی خیزی، هم یککم له لای خرنیموه کموته مورگرتنی هملوست و همولمان پز ومرگزتنی کلک که تنظیموی ناکزگیدیکانی بهنی عبرای و تربان و گیشتنی پدیهری توندویژی واته پلمی جنگ، چ به دورستکردن یا بعمیزکردنی پمیوشدی له گمل بقران و چ به دورستکردنی (محیر) له گط هیزدگانی تردا دژی روزیمی عبران.

به کارسان جسوجول و هولدانی هیچ کام لعو لایعنانش، به کاریکی سامبر و ناتاسایی دانازی، بطکر له هلومترجیکی وهادا شتیکی تاسایمه و چاوتروانکراوه.

حشع و حسک و قم که له هیزاکانی کوردستانی عیرافن و ریگئی ململاتی ی

چه کنداریان گرتره دژی ریزیمی عمیسراق. . هغر په کندیان په جمنزیک و په شمیسودیه ک هلویستی خزی دیاری کرد له جندگی عبراق - تیران، وه هدر یهکمیان به جنوریک هطریست کس خزی هم به داوودمزگا رسسیه کانی تیران راگهاند و دایه دمزگاکانی راگیاندنی تیرانی (رادیر، تطعفزیون، روزنامه)، وه هم له یعیان و بلاوکراوهکانی خویان دا چنند باردیان کردوره. تدکیری تعمیانه به جمها عطریستی خنوبان دویری بو ، بعلام ناوبرؤکی فیلویستی هنر ۳ لاکیوان چین حرکسیکی له پهکچیزی تینا تمخویترایموه که بريش بون له:

أ. دوريني ناروزايي ترندوتير له معلكرساندني شعر.

ب. توندگردنی مستولیعتی هلگیرساندنی شعره که له علی عبراق.

ج. يشتهوانهكردني تعوار له حكومعتى نيران دژي حكومهتي عبراق.

میبزه کانی ٹیسید یدکیک پر اور میبزاندی تعیرایه له محسر لایدک زباتر سرد له ناکسزکی ٹیسران - عسیراق و جسمنگاکسای پاینسان ومریگری، به تایساتی جونکه له چاو هیزه کانی تردا، ثم گوردترین هیزی شعرکم بر دژی عیراق له سعر تعربی کوردستان. جگه لعمش هیز و ریکخراردگانی تیمه و جمارس خطک. له مارس جمن سال شعری نابعرامیدر و خدباتی سمخت و دژواردا تازاریکی زوریان له دمس حکومه تی عیراق و دورگا دامرکیندرودکانی و هیزه داگیرکدردکانی چیشت بو، که له هی تعوانیتر زورتر بو، تعمش هسر جزره هبرلدان ر هارکاریدکی جدلال تدکرد دژی ریژیمی عیراق یز وهنق، لی کردندوه و وهنق، لي سيندني. له مانيش هموي گرنگتر: نبو كانه چيندين بيروويندي و قازالي گیرنگ و کیاریگیری له ناو تهیران و له پیر دسیملاتی تیبرانیسه کیان دا یو. به تاییسه تی وجبههادي گهوري چدک، که له ولاتيکي دوستهوه، ينک له سعر پديسان و بعليني ئىرانىدكان، گواستىرىدو، ئار ئىران بۇ ئەرى لەربو، يېگەيىنىدە كوردستانى ھېراق.. لە کتل تعماندش دا همسر، تهمه تاماده تعیرین لعو عطرمعرجهدا به بهجهواندی هداست گاندن و بزجرندكاني خزمانده عطيمرستانه بجوليهندوه يان هير معرجيكي تيرانهدكان قويول بكدين كه له گل سدوتاكاني خزمان يا قازانج و دسكتوته بنچينديدكاني ندتدوي كوردا نەگونچى.

هدر الم روانگایموه هم (صرض) ی تیرانی و صدرجه کانی تعوافان دایموه دواوه و يشتيرانيسان له حكومهتي ثيران تهكرد، يعو جزودي تعوان تعيانويست، لعو شعرها دري عبراق. هم (عرض) عبراقی و معرجه کانی تعوانیشمان رحت کردوره و پشتیوانیمان له حكرمه تي غيراق نهكرد، يمو جزوري ثمران ثميانويست لمو شعره دا دري ثهران. يعلكر لامان وابو که تعبی نبو همله میژویهه بقززریتموه و شعر ترند یکری، مدک له گیژاری (مسارمه) ی سبوک و پروبوچ و کناتی دا له گمل دیوله تی نیبران یان له گمل دیوله تی عبیراق دا بزر بكرى ر له دمس بدرى و، گللى كورد بهاريژريته دارى فروفيلى تاكتيكيى يەكبهكياندو، و له تعلیام دا پیهشد قرریانیدگی سهریرواری ریککتوتندوی تعوان. وه تعالم (میسارمید)ش همر پیویست یی، تعوا تعیی له گفل هیژه ناکزک و جیاوازه کانی کوردا یکری نه ک له گفل داگیرکترانی کوردستان. (کزمطه، شوباتی ۱۹۸۲)

تعتومر حصين و قازان

تشریر حمسین گیاهییکی هلکتوتری کنترکرک پو. که درای تاشیبمتال گیبرا خویندگاری گلیس هندسه پر له پعقداد. تعریش ردکو هاوریکاتی حرکم درا و له زینداتی تغیر غریب دا سایدن تا له عطوی ۷۸ دا پتر پو. همر تعر کانه هاند ریزی پیشیمترگیرد. له گیله ۹ کسادی کر تیسردران بتر اینتان بز صنصتی جستگی درای گیمرانعوبی کسرا به خواندوبی کسرا به فراندی هدوست ۲ ی کوکرک ک.

له رؤژی ۵ ی سارتی ۸۲ ما هیزیکی تیکنلاری جنیش و بناش به پشتیبرانی هالیکزیتنر له گرفتی قبازان هالی کرتابه سعر تغزیر و هاریکانی که به همسیان ۲۲ کسی کرترا: تغزیر مستود رؤگار بندلار (هیسن) مامرستا میدرکالا سالم از تانسزا، مامرستا میدرللا سالم (چها). سراره شیخ صدیق، کامران مام عرصد، کتریم پهنجمعالی (گوران)، نوعمان میدی، حمد شرکر بلرکینی، نمیندی، حمد شرکر بلرکینی، نمیندی، خمد شرکر بلرکینی، نمیندی، خمد شرکر بلرکینی، نمیندی، خمد شرکر بلرکینی، نمیندی، خمد شرکر بلرکینی،

زندی تم پیشمه وگانه کنزکوگی بون. داستیه کنی نمیه زمرم یکی گنوره بو. چونکه باشعراژیکی باش له تعزیر و هندی له کادردکانی تر تمکرا.

یهکیتیی نرسدرانی کوردستان

صمین حمیه پاتی له زیندان بهربیرد، یعلام نبیتمیست خزی پیشانی کمس بدات. حمیم پیش گرتنی له چنند کرویکی تعدی دا شیسمری خریند بیرده یعکسیکان به
نارنیشانی دربرشی بیدنگری شهردگاتی رمیزی بردن، یعلام داری زیارندی بعصب، یعکی
نیرانی از برادمرانس، له راگهانشی یعکیشی کاری تعکود، له گناه هندی له تعدیدکاتی سلیمانی
نیرانی خزش بر. هات بز لام پاسی حمیه و مطربستی تازایاندی سیاسی بز کردم، دارای
لی کردم نامیدکی بز پترسم. تهمه پیشتر ناسیاریمان نمیر، نامیدکم پز ترسی، برادمردکه
بزی با تعیید کردم نامیدگی بزیرم، شهید بیشتر ناسیاریمان نمید، نامیدکم پی دا نارد بز چمند
کمسیکی تریش، حمید برباری دارد بیته شاخ و بدی به پیشمبوگد، له شررشی تعیاراد دا
مردیدک لهرسراری نارچه بر له خوزی رزگاری،

معمه عاتد دورود قسم و باسی سیاسی و تعدمی زورمان کرد. به لایمره چاک پو له گملهٔ تعییدگاتی کورد له تار شاردگان دا پیودانتی دوستانه داهیزینین. له سعر دارای ثعر، مامیمکالاً و من چیندین نامیسان ترسی بز زوری تعدیبه کورددکان له سلیمانی، عمولیر، پهفناد. ختن نامیکانی بز بردن. تعد کاریکی باشی تی کردن. که هاندره بیری یدکینی نوسترانی کوردی دایر. پدکینی نوسترانی کوردی دایر.

تالسی تدیب و نوستو رویان کرد بوه شباخ، بهلام به سنو حبینه کنان دا دایش بهبون، له مانش هندیکیان خزیان خوبانیان به تدیب و نرستو تغزانی، تهگینا به پیوانمی تدمی به دکزلکه تدیب یا به دکزلکه نوستره یش دانشغران.

م ملویستی یه کیتی له یه کیتیی نوسوان به مجزره بر: یه کیتیه کنیان دور بی له دهستیسومردانی حیزیه کان و ، دنان و تازادی و پیسویستیسه کانی چاپ و بلار کردندودی به همعه کانی و داور کردندودی به همعه کانیان یکری.

همندی له نوسمودکان چمند کزیرندریهکیان کرد ر. به هاردشکی له گف ژمارمیدکی زور له نرسمرانی شبار، دیدکمیشی نوسمرانی کموردستمانه یان پیک هینا و، گمزاشاری دنوسموی کوردستانه یان پالار کردود

لم گزفارها بعرهمی تعجیی ترسواتی شاخ و چندین کمی له ترسعراتی ناسراوی شار، ودگر: شهرکز پیکمس، حسین عارف، مستخل سالح کمریم، رموف پیگنرد، دلشاد معرواتی، تاینر سالح سعید.. له ژیر ناوی نهیتی دا، بلار کراینو،

همورهها چندیّین کرمخانی شهیدر، لنوانه: کرمخله شهیدری حصینی حصه پالی، شهرکز پیکس، حسین معوارد، جمهل رهامپیتر و، کرمخله چهروک و بایمتی تر له کتبیی سدیخذه بلاد کرابدد.

هدوليكي سنرتهكنوتو له گنل حسك

حصدی حصد بالی که هات بود شاخ. هنرلی تندا به هارکاری له گدا نوسترانی که داینش بورین به سدر لایمننگاتی جودا، یمکیتیی نوسترانی کموردستان گشته بی بنا. له همان کات دا لعر ریگایدو زمینتین جزری له تاشتیوندو خزش یکا. حصد و زیر کسی تریش زار جار باسی همولی تاشتیوندوریان له گمل تمکردین و. تامادیی خزبان دمرنمبری بز تاریق و جهنان و بردنی نامد و پهیار.

حمصه له گنتار حاجی حاجی برایم دوستنایهتی کنزنیبان دیور. یه دبرلی تبر دانیشتنیکی له شینی ریک خست له یهکیتی عوصتری حاجی عنیدوللا و من ر، له حسیک تایدی عالی والی و حاجی پختار بون.

پاش هندی قسد و باس هالیته سنر باسهکان. حاجی له میباندی قسندا و تی: دمامچنلال برا گوردی تیمنشه.. » من زر قسمکام پی بری، درته: دکاک حاجی یا راز لم چزره مرجاملالایه بهیتین. نه تیره مامچنلال به براگوردی خزنان نیزانن و، نه تعریش خزی به براگوردی تیره تنزاتی: تعره چند ساله تیره قسندی پی تعلین. چاکتر وابه به راشکاری باسی عزی ناکوکیهکان یکنین.»

هبرود لاسان تارمزویدکی قربانان بر تاشتبهرنمود و تلساییکردنمردی پمپرهندیدکافان دهروری. له بعر تارمی له دهس پی کرونموی شهرشدکندا له گناه تعمان پیکنوه بهن در سالایکنان له تار بیکتر داد یا پیکنوه به ستر برد برد، له نار ریکخراردکانی تردا تعمافان له معمولیان به تریکتر دانشا له ختومان. تیسه بازی ستری نیران ریکخراره کرده بیمکان: فره هر برد برد تریک موردی بیمکان: فره سعری برد بیمکان به تاریخ بیمکان به تاریخ بیمکان به تاریخ بیمکان برد برد تاریخ بیمکان برد بیمکان برد بیمکان برد بیمکان برد برد تاریخ بیمکان برد برد بیمکان برد برد بیمکان برد برد برد بیمکان برد برد برد بیمکان برد برد بیمکان برد برد بیمکان برد بیمکان برد بیمکان برد برد بیمکان بیمکان برد بیمکان بیمکان

لعو کاتعه ترانای به گیتی زور زباتر بر له هی نعران. ژماری پیشسه گفتی زورتر و، سمع بهاری ده مکتوتی دارایی ضراونتسر و، دوگای راگسهاندنی: رادیر و چاپخسانه، گفترونتر بور له هعسر ثه و شستانده تعیرین به هاویش، ثموان و مکر حبیزب قدارالجمیکی زورتریان تمکرد، بو تعوی دانیایان یکمین که تعوه بو مطلوشینی تعوان نیمه، پیشنیارمان کرد قدرماندی گشتی بیشمدرگه و زوری قدرماندی هدریمدکان لعران بی. کسیکی ویک کاک تایم داینین، چ رپوشسوینیکی تریش به (ضمان) تعزانن بز دلنهایی تعوان تهمه ئامادىين يىكىين.

نویندرکانی حسک بیسردک یا بعسند بور، دارایان لی کسردین بیسروراکانی خزمانیان بز بکهین به بروژایه کی نوسراو بز لیکولیندوی له مهکتمین سیاسی حیزب دا بذيان بنسيد.

تهممش له روزی ۹ ی منارتی ۱۹۸۲ دا پیشنهاردکانی خزمان لم پروژویندا بز ئاردن:

په کیتی نیشتمانی کوردستان دوای هالسانگاندنی پاری سیاسی و هالرمدرجی گوردستان و عیراق و به رمهاو کردنی دمسکنوندگانی بندردتیی خطکی کوردستان و عیراق و دؤخی شؤرشه عیرالیبه دیموکراتیه کمان به جاکی زانی بم بادداشته هول و تعقملای باشكر دندوس بعيره تدييه كاتي همردولامان و يكهيناني هاوخها تبيه كي جمسيار له نيواغان دا بهینته قزناغی پیریست، قزناغی دارشتنی بسراندی ر هارخماتیسان له سعر جاند سبرهایدگی چنسیدار که تنتوانی تا سنر بیت و به راستی و به جنیددی برایدتی و هارخنیاتی نیرافان پیک بیت و بچسییت.

یزید به پیریستمان زانی پیشنهاردکافان بز در قزناخ که پیکدره بدستراره بخدیند بعرجاوتان، به هیسرای تعرص لیسرش به جاری بعرزش و گسیسانی هست کسردن به بعربرسیاریتی نیشتمانیهوه عطیان بسخگیان و له رش و بیشنیارهکانی خزتان به نوسین تاكادارمان يكننوه تا له كزيرننوس داهاتوي تريندراني دمسهلاتداري هدردولا كقتركزيان له سدر یکریت.

قزناغى يدكم:

ینک و حسکم بطین تعدمن به یه کتری که:

١. هيچ كاميآن له كل حيزب و لاينيكي ديكندا هاوكاري سياسي و تيملامي و سعربازي ندكات دژي ثموي ديكميان بيت.

۲. هیچ کنامیسان له سنر حسبایی نعری دیکنیان، یان بز دژایهتی سیساسی و سعربازی و تیسمسلامی تعوی دیکمیان داخلی هیچ جسمیهه یان لیسوندی تخسسیت یا ریککتوتنیکی دوترلی نمین له گله هیچ حیزب و لآینتیکی دیکه.

۳. هغردولا تازادی کساری سیساسی و تهسمسلامی و سیستربازی دژی رژیم و داوردوزگاگانی و، تازادی گشدکردنی تعنزیمی و پیشمدرگعیی، بعر معرجتی بز زمردان نعي لعوى ديكه، له هعم شرينه كاتي كوردستان يز يه كتري يسمليان.

٤. معردولا تابي يعنا يعرنه يعر ريكس مينرشي جدكدار يا هينرشي تيسملامي داي تعری دیکمیان بز چارمستر کردنی تاکزکی و گیردگرفته کانی بدینی هدردولا.

ه. هدردولا پیسروی ریگنی سیساسی و گشششرگشزی دیستوکسراتی داکستان پز چارمسترکردنی گیروگرفت و ناکزکیهکانی بعینی هدردولایان.

۹. هدوولا حورماش بهروباودر و ریکخستنی ریبازی بدکتری بگرن و، ثاندام و

پیشمموگه و دوستمکاتی خزیان به گیبانی دوستایعتی و هاوکاری و پیمویستی به دنگلومپرنی یمکتری نامزژگاری یکنن.

۷. معردولا عیزدگانی پیشممرگاه و ریکخراودگانی خزیان هان تعدین بز قدرگیز کسردنه سمر رژیم و داوودوژگناگنانی و یژ کناری هاویتش و یژ داناتی نخششمه و پلاتی هاریتش.

A. مبرورلا مبرل تدون هطریسته گشتیهکاتیان له روداره گرنگدکانی دینه پیشعره به ریگس گفترگز یهک بخدن، له کانی پهلاماردانی لایمکیان دا له لایمن لایمکی دیکمره به نارمرا، لایمکس دیکه داکزگر لر تهکات.

 همسر تبو بربار و تامززگاریبانتن پیچندوانتن تم ریککدونتن و پیشنتر له سندکسردایتنی و دنزگاکساتی هدر کنام لم دولایتنوه به تهبینی یا به تاشکرا درچره، مطفومشیده تیتر کاربان پی تاگریت.

گزناغي دوم:

 ینک و حسکم بطین تعدن که نازادی ژبانی حبینهایتی یز خیزیان ر هسر حیزب و ریکخراوه سیاسی و دیموکراتیدگائی کوردستان تصبطیان و، له سنوری دهسفائی خیان دا تمیارین.

 ینک و حیسکع پیشن تدون کنه هبولی خزیان یدک پخت یز تاساده کردنی مطرحت جی په کختستنی همسر دارود رگا گرنگدگانی شیورش اد روی سترکدردایش و پدرنامنی گشتی و هیزه چهکفاردگانی و شهری کارکردنی و پدرپرمردنی نارچهکاندر، به:

یدکم: یدکشتنی هیزی پیشمدرگه له روی سعرکردایش و شیودی ریکخستان و شهری شعرکردتیموه، یه جوریک ببیته سریای یدکگرتری همتر گطی کرود له کوردستانی عیران دا که همر حیزب و ریکخراودکان به جیاوازی بیرویارمریان بعشاری تی دا یکن.

دوم: پیکهینانی یعربوبدرایتی بهگرتر له نارچهکان دا کبه ترینبوی دمسفلایی کترمفلای خطک و شبورش بی له نارچهکان دا یز ریکخسستنی پیبوهندیهگنانی نیبوان دانیشتران.

سپیدم: یدکشستنی دمراستی مالی، چ تمویی له ناوده دمی تدکمری ر چ نمویی په پارمدتی له دوستدکانی دموده دورتدگیری، پز سعرف کردنعوی په سنو دارودمژگاکانی شورش دا.

. چوارم: یدکخستنی سیناسمتی تیمناصی شروش و توانای لاینته بعشداره کانی له داروده رکای تیملامی یدکگرتردا له ناوجو و درجود.

مىيدانى ئازاد

له کاتیگ دا حشع له ژیر سایس بنصی نا سترکرداینتی حیزیی بعصی له ژیانی سیاسی حیزیی بعصی له ژیانی سیاسی عیران دا شد موگسراتی و له جمهیدا سطانه بره ریکخرارد دیموگراتیدگانی خزی معلوشانه به تاریخ به پیچونانده به تیروس اداره بیران بیران بیران بیران میزین میزین بیرنی میزین دسکتری میزین بیران ب

و دارایی و راگنهاندن، حشع لنودتی گریزابرینوه بز شاخ ببریکی پسچمنوانس هینا پره کایه: کرودستان معیدانیکی نازاد بی بز چالاکی سیاسی و پیشمدرگدیی همدر حیزیدکان به بی جهاوازی ببریمار ریان. حیزیدکانی تریش نم بالزراینیان درباره نمکردمره.

مىدسىتىيان لەمىيدانە ئازادەكە، ئارچەكانى چالاكى يەكىبتى ير، ئەگىنا ھېچ لايەكيان باسى باديئانيان ئەتەكرە كە يارتى يارانى كرە بر بە تىنيا بز خزى.

د میماستینشینان له چالاگی سیمانی و پیشسمترگتین، حرکسراتی نارچه کان و ، کوکردونتوی گومرگ و باچ و ستوانه و ، گرلت و بهزدانی خطک بو ، ندک شعر کردن له گفا خوزه چکفارهکانی بعصی، له نار ثعر خیزانعدا زیز کس هیون، دیان سال جبکان به قاعود بود ، بلام فتنیا به ک جار تریش شعر تعیین له گفا خوزکانی حکومت،

خهر مردیان که نار سعرانی ریکخبراره کرردیههکان دا زور قرآن بر، زوریان تعربیان بردیان کموریان کموریان کموریان کموریان کموردان کموردان کموردان کموردان را گذشتاهی به که تغذاهی سعرکردایه تر با ساودانی تصمش زورجان سعرکردایه تری به کموردان کمورد به که تخدست نام دادیده در کاکانی جوانحودکه. تعکر کمورد به بیسانوی یمک تعکر تری و بهک تخدست مدر ادادیده دادیده تعکر کمورد کمورد کمورد به تعربیکی تر خصو قصد و پیؤاه و گرداری الاکمو تری، تمکر به نهازی باشیش بواید، به جوریکی تر لیک تعدایدرد. این وایر تعر صاسته بی صر نیمه و ، له ین تعر ششه باشده ایسالایک یا این زادی و دورشانه مشار درارد.

هدر یز ندو یی یاومریه دروستگرارد، لیرددا دو غونه تعمینمدوه:

- ملازم محدعده شعرقی، یه کی له سعرانی پاسزک، له هاوی کانی بزر بر. سعرانی پاسزک گرمانهان له یه کپشی بر له پخاره له ناویان برد بی. چخدی پاکانسان بر نمکردن نیپانستویست باودر بخش، تا خؤیان روداره کبیان بزرین بردره، له کانی گعراندوی دا له نارچین سلیمانی، یه ناو تیران دا تی پدری بود. لمو کانده شعر له کرددستانی تیرانی و، پور نمو ناویمیسی تعوی لی تی پدری بود، کموت بره بدر هیرش هالیکویتموی تیرانی و، لیری کرترا بر.

 عنفی هنژار ر کرردو گلالی، دو کادری سنوکردایه تی حسک، له ناو شار بی سفر و شرین بزر بون. لپپرسراودکانی حسک ماوی چند سال یه گیتیهان تاوانهار تمکرد به فراندنهان. چندی پاکانصان بز تمکردن نمایشعریست باوبر بکدن تا خزیان دوای را پهرین له نار فایله کانی و تعنی ه هولیردا، چارمنوسی هاوریکانهان بز رون بروده.

سعرانی حسک تم پرؤژمههان روکو پیشبینیمان کرد بر را لیک دایروره که ثمره بز هطلاشینی تعوان و، تیکنانی ریزدانی عبوده، له چفند دانیشتیک دا له گفا سعرانی پاسترک، پیشتهاریکی فعر بایمتعمان بر تعوانیش کرد، تعوانیش قریردامان نعید، به دوای تقوانیش دا شیخ قادری سنزنکه دانشگری تیسنانی کنورده و رسامی سنجماری و بارتی دیسرگرایی گلی گوردستان، و شیخ محدهد خالیدی بارزائی وحیزبرلات بان دامنززاند.

گوره،کانی مرکزیان قسسیهگیان همیه ثبلی: وشعند له معنده کهمتر نیمه، ثم حیزب و ریکخراوانه هیچیان خزی لدی تر به پچرکتر نشنزانی. هصر ثمسانه سور بین له سعر تعربی: هیزی چدکداری تاییدتی خزیان، دمزگای واگعیاندنی خزیان، پمیرمندی تاییدتی خزیان له گفار دمولدتان، دمزگای تاییدتی پاره کزکردندو و پارمسخدنی خزیان، دادگا و زیندانی تایینمتی خزیان همین. تعوانعیان به نیشباندی سمرمخزیی حیبزب و، گعورمین سعرکرده و سعرکردهکانیان تغزانی.

سالی ۱۹۸۲ سنرورای هیزدگانی یدکیتی، تمو عصر لشکره بی دیسیهلینین:
پدک، حشیم، حسک، لاک، گله، حیزدگانی یدکیتی، تمو عصر لشکره بی دیسیهلینین:
ثارنزی خیزان پارمیان له خطک تصمند و اروروتیان تدکرد، به
ثاریان به تعلی تدکرد، به
خطکیان تعلراند و تدکیرشت، لیسیان تعرب جباشی حکرصت و تعاقبوه تعیرندو، به
پیشمارگا، دالدی گرمانلیکراو و نزکمرانی بهصیان تعدا. حشع چرنکه خزی حیزیکی
پیرک بو، به خرشیموه سمیری پارچه پارچه برنی جرلاموی کیردی تدکرد و را حمنزی
تدکرد سعان ورده حیزب و ریکخراو له سعر تعرزی کوردستان دا دروست بیی، بعشکر تعر
خزی سی به گدودتریتان.

خزبیشاندانی شارهکان

سالی ۷۴ (مآرمهکی زؤری ماموستا و خویندگارهکاتی زانگزی سلیسانی چرنه ریزی شیزرشیوه. سعرکسردایاتی شیزرش بریاری دا زانگزی سلیسیاتی له قدلادزی دابغزیهتود. ماموستا و خویندگارهکاتی لوری کو کردوده. جوری تاسیانیی عیراق له رؤژی ۲۶ ی نیسانی ۷۶ هاری قلادزدی بردرمان کرد. تریکس ۲۰ کمس کورژران. معنیکهان خویدگار بون. له تار خویدگاریکان دا ۳ تعنامی گزیمله کرژران.

له پدر ثمودی تا ثنو کستانه په کسترسستان له پهک روژه ا تموضده نهکستوژرا یو . سترکرداینتی شروش پریاری دا تمم روژه یکا به دروژی شعهید ی

رادیرکست*ی بدکستی ریپسر* تاجیکی دننگلاری له سمر تم روداره بلار کرددره. هاریبیانی ریکخسان روداردگیان به ریکزردم ترنان کرد برد، دینش زفریشیان لی گرت بر. رادیرکسان کمرته ماندانی خلک پز خزیشاندان دژی بحس، دارا له همس ریکخراره نهینیدگانی بهکیتی پش کرا خزیان ساز بدن پز خبات رکاری جمعاردی،

کسرژرانی تمر دو تافسردند تاوی به تاگیردا نمکسرد ، بطکر زیاتر خسلکی رروژاند. هملرصابرین نار شاری شمالازه تالوژا بر. له چلدی تعر در شمه سندها خزیبیشناندانیکی گفروزدر ساز کرا. تم جارش هیزدگانی بعض لیبیان دا بفلام پیبیان سمرکرت تمکرا و ، تاکزارم، دربودی کشا و تغییبود.

یز ماودننگی له کمل خزیستاندوانی تعلادزی ترودوگاکان راپدین، جاددکانیان به تایمی سبوتار داندخست و ، کنیوندوی فراوان تعکیرا ، هرتافیان به ژبانی پیشسمبرگه و روخانی بعض تعکیشا ، رؤزانه ریهیورتاجی دمنگدار و تزمارکراوی تنم روداوانه تعکیشته دورگای راگنیاتدن و ، رادیرکنیش بر هاندانی زیاتری خلک به لیندراندو بلاری تمکردود.
لد زیر جیگا رادیرکس یمکیتیهان تعضت منر میکرولزنی مزگلوتمکان، ریکفراردکانی
سلیمانی کمسرکاری مینیهاندانه که گزرستانی شعیمان سازه او به ریپوران له گردهکدو
بهرم تاوشار به ری کمون، خزیشاندانهکه گفرده بود. هیز،کانی بعمس تنفیهان لی کردن و
چهند کمسیکنان کرفت، نام گزائمکانی سلیمانی بود به جیگای کزیرندوم خزیهشاندانی
بهردهام. به دمس پیشکمری ریکخراو،کانی معراید، خریندگارانی زائمکزی سملاحمدین
نیزیششاندانی گفردهان ریکخست. لدیش چند کمسی گیران و چنند کمسی گرزان،
بز پشتسیمانی له ضربیسشاندانی شار و تروکساکان، جنگ لموهی به رادیر تمکرا،
پیشمیرکشی وادی چاکاکیهکانی له دئی هیز،کانی بهمس زیار زیاد کرد و ، چندین جار
چرنه نار سلیمانی و هداری

ناثارامی سوانسدی نارچهکانی سزرانی گرت بردرد. بدرددرام له شار و نرودوگان دا خزیهشاندان و کزیرندوه بز دمریرینی ناردزایی له رژیم همبر. بدلام تعمه له نارچهیدکی دیاریکراردا قفتیس ما بر:

- نیسه نصاندوانی بادینان بجولینین. پارتی و حشع پش کاریکیان ندکرد بز جمولاندنی. لعر کسانده مستوکسردایعتی پارتی له راژان بون له نزیک ورسی تاکسایان لعم زودارانه نیس، مدکله له ریگای رادیری لایندکانی ترود.

- له یعضماد خمویندگمارانی کمورد له چند زانسستگایه که کموتنه مسانگرتن و خزیشاندان، بعلام خریندکاراتی هعرهب به دمنگهانموه نمعاتن.

کاربندستانی بعص له زور جیگا له دوسته کانی خزیان و له پیداوسا قدولانی نارجه کهان نمیرسی نمانه چیهان نموی:

همر لهٔ سنورتاوه یز تمودی باری ثم کناره شیرشگیرانمیه له تراتای خزی زیاتر قبرس نمکنین ره به تعریج له گناه گنورمین و تنینتردی رایدین دا دروشسمکنانی یگزری، نمان هیشت داراکاری زل و قبه یکن به درشنی خزیشنانداندکان. داراکاریمدکان بیتن بدن له:

- بعردانی گیراوه سیاسیهکان.
- گراندوی جرتیاره کان یو دیهانه کانی خزیان.
 - تعمانی تیرور تزقاندن له شارهکان دا.

لایندکائی جرد، به تاییمتی حشع، له رادیرکنیان دا دارایان له خطک تُدکرد، تا روخاندنی رثیم بدردوام بن، بعلام خطک بایمفیکیان به قسمکانی تعوان نشددا.

روناسی زیم بودخوم بی، پیم صفحه لنر کاتعا بارودونی میسراق له صبیعاتی جنگ دا باش نمیر. تعرازی شمر به قازاغین نیسران داشکا بر. میسراق بز داسرکاندندوی تیم تاروزاییسه هنتری لدر دارایاندی چینبهی کرد:

- میں طرفہ - زاری گداردکائے بعردا،
- مدین طورد می برد. - چارپروش له دانیشتوانی همندی ناوجه کرد یگدربنده سعر گرنده کانی خزیان.
- زبروردنگ له تار شاردگان دا له جاران کستر بروره و، هندی له جدللاد کانی
 - له پایش مولازم موحسینه کنی سلیمانییان گویزایدوه.

ئيتر تيسيش هم نامزژگاري ريكخراره نهينيه كافان كرد يه شينهيي كزتايي بي

بهیان و، له رادیرکهپشمان دا زمانی هاندافان گزدی.

کاکسین قادر، که یکی بر له هاندور چالاکدکانی خزیشانداندکانی قفلادزه، همر ثمر کاند وتاریکی دریژی له سمر خزیهشاندانی قملادزه به ناری دزدریا » دوه بز گزفاری کزمفه نرسی.

یدکنمین جار بر کوردستان بدر جزره بشلفقی، دنرگا سنرکرتکنردکانی دیژی به ترفید به ترنشی کسونند دامبر کساندندوی. د. فساخسهل بدرراک نعوسیا پیدیرجیدی دکسن به بر رایازتیکی دریژی له سنر روداودکان بز صنعددام نرسیسوه. صنعددامیش به خنتی خنزی همندی پدراویزی لی نرسیسوه. به پی ی تمو رایززنه ژصاری کسوژراو و کسیسراودکسانی خیشانداندکان بمجزره بود:

> سلیمانی ۱۱ گوژوار ۲۳ بریندار ۱۳۱ گیراو کترکوک ۲ گوژوار ۹۵ بریندار ۲۱۰ گیراو معرایر ۷ گوژوار ۲۰ بریندار ۲۱۰ گیراو

دهزک خزیشاندانی تی دا تعیربو، له یعر تعود قوربانیهان تعیره.

قاسملو و ناویژی

له بعداری AP دا لعو کرورتنواندا که د. تساسیلر له گیاف سترکردایتی یهکیتی تذکرد، چنند جاری پاسی گفترگزی له گیل به عین تعینایه پیشندو، هسان پاسی له گیال سترانی حشع کرد بو.

تهمة له تاوغزمان دا لم پاسمان کرلیدو. ماجعلال هیچ پاومزیکی به پعصی و به گفتترکز نبیر له کلی، بهلام تهمند هصرصان لامان واپر: تفکیر بعص لاپش کسی منافکاتی کرود بسملیتی، بژچی له گیلی ریک تفکیرین، به تاییماتی لدو هلومنرجه تالزودا که تدربا جولاتوی کوردی تی کدرت بو!

نعو کاته عطومعرجی سیاسی روژعدلاتی ناونراست گزرانیکی قرلی به سعودا هات

PL:

یدکیتی و، ریکخراوه کوردیهدگانی تر له عبران له شورش دا بون. حدکا و، ریکخراوه کوردیهدگانی تر له تبران له شورش دا بون.

همور حیزب و ریکخراره کوردیددان له تروکیا دژی خونتا و کودهتاکمی راوستا یون و، یی کا کا خبریکی خز ناماده کردن بو بز کاری جدکدار.

. عیران له جمنگ دا بر دای نیران، آبشاندی به لاداکترتنی به شد یا به ریگای سیماسی له تاسزدا دیار نهر. یدلکر تیران دیز،کانی خزی ریک خست بردره، له چند شرین جدیشی عیرانی شکاند بر

سوریا لولدی تعرف عبداتی واگرت یو، له هنولیکی جیندی دا یو یز روخاندتی عبرای و، عبرای سوریای یه هاوگاری تیران و یه خانیتر تنتودی معرف دانشا.

حرکمی عسکتری خونتا له تروک، نیران و سوریای به دمستبوهردان له کاروباری نارخزی تارانهار ندکرد.

هطرمترجیکی کوردی و تارچنی تالزز و تیکمل و پیکمل خواقا بو. روداو،کانی

نهران و جمنگی هیراق – لیران هزی سعودکی ثم تافرزانه بو. حکومتی هیراق، تدکیر پیوستایه تبیترانی در ولیکی گفود که ناو جولانهری نتیویی کرود اید قازاغی خزی یگیرد اید تازاخی خزی یگیرد اید مصرحولاتیون نتیویی کرود اید استرانستی روزهدالای ناودراست دا یکاند پیشتیرانی خزی هیران نیا و ، پارمنتی شدودگانی ترکیایی بنا. چولانهری کرود لم پارچاندها جسولانیوی ناود لمی بارچاندها جسولانیوی کرود لم پارچاندها جسولانیوی مورد استرانی سیساسی و دارودونگسای تا تعنیازدیدک پارچاندهای ناودونرگسای تا تعنیازدیدک پارچاندهای معروبی – تیرانی و اید نیازدی و میران معروبی – تیرانی و داد نیازدی معروبی – تیرانی و داد درگای بازدی تعنیان در کرد له دراگ در اید درگای بیرادانی سیساسی هیران دا بدرگای کرده ی درگای داد درگای میرادانی سیساسی هیران دا پارمانیدی کرد له عیران دا پستیران و کرد له درزگای عیرادانی سیساسی هیران دا پرامانیدی کرد له عیران دا پستیران و نارمانیدی کرد له عدرگای در اید درگای در ایدانی در نکوران دا بدرگای در ایدانی در نکوران دا درگای در ایدانی در نکورد اید درگای در ایدانی در نکورد اید درگای در ایران تعنیای به دارنای بدر ایدانی در نکورد ایدانی در نکورد اید درگای در ایران در نکورد ایدانی در ایدانی در نکورد ایدانی در نکورد ایدانی در نکورد ایدان نکورد به پیران داردانی در نکورد ایدان در نکورد ایدانی در ایران نکورد به بیران داردانی در نکورد ایدان نکورد به پیران داردانی در نکورد ایدان نکورد به پیران داردانی در نکورد ایدان نکورد به پشتیران در بارمانیدی به بیران داردانی در نکورد ایدان نکورد به پشتیران در بارمانی در ایران نگای بازدیان در ایران نکورد به پشتیران در بارمانی در ایران نگای بازدی در ایران نگای در ایران نگای در ایران نگای در ایران نگای در ایران در نکورد ایدان در ایران نگای در ایران نگای در ایران نگای در ایران در ایران نگای در ایران در ایدان نگای در ایران نگای در نگای در ایران نگای در ایران نگای در ایران نگای در ایران نگای در نگای در ایران نگای در ایران نگای در ایران نگای در نگای در نگای در نگای دادان نگای در نگای در نگای در نگای در نگای در نگای در

... گلترگز، بطکر پیرمندی روت، له نیران یدکیتی و بدهن دا، له سمر یدکیتی زور تدکموت:

– هسر هیزه کوردییهکاتی نمیار و ناحنزی یدکیتی، تعیانکرد یه-کدرستمیدکی به پیزی شعری پروپاگانده یز شکاندنی یدکیتی.

- هنمو هیزه عبرالیپهکانی موهارمتنای عیراقی، تنیانکرد به یفعاندی پهلاماردانی پهکنتی.

- ثیران تعیکره به بینانو بوز زیاار دوزمنایعتی کردنی یه کیسی و، سرویا و لیبها ثنیانکرد به بینانو بوز تعنگ هطچنینی زورتر به یه کیستی و، برینی ثنو یارسهیه کهمسی ثنیان داید.

له پدرامینر ثم همسر زیانه سیاسی و ممتندیدی پدگیتی دا بعص چی بز تدکرد و، چنن زیردردکانی بز تعیاره ۱

رننگه یدکی امو لایفتانتی یفنی، ودکر پیبروباودر و خیبزب و ودکر سنرکردد و زدلام، له همر لاینز و کمنیکی تر باشتر پنامی یدکیتی و سعرکرددگانی بی، تاشنایی له گلهٔ پیروباوری ینتس و، تاسیاوی له گلهٔ هفتنی له سفرکرددگانی تدگفراینوه یز ماویدکی دروژ پیش تعوی حرکنی عبراق بگرنه دس.

خراسته كانى يهكيتي

هدر له سنرهای دمسپیکردندوی شبزرشده حکرمت هنرچین یدکیکی تشارد پز گفترگز، تبهیرسی: چیتان تنوی!

هلیته کاریدهستانی حکومتی عیراق و حیزی به س نمیانزانی که سعرکردایتی پهکیسی هیچ داراکاریه کی همشیرونی، یا شمخسی، یا تعنانت حینزیایتیشی نید و، نمیزانی که داراکانی، به یه داراکانی گفتکسان و ماله نمتدهایتی و دبیرکراتیه کانی، ثم جاربان که حکومت له ریگشی د. فاسطوره له تیمدی پرسی: چیتان تعوی ا داواکانی خرمان یز چارمیم کردنی (همیشمی، قرناغی، جوزئی) کیشمی نمتده ایمنی گلی کورد به عراق دا له ۳ جراییوها دارش: یه کمیکهان - ریککورتنه کی گشتن و ریشمین یز تهسست و پاشموا اله پوارمپردی ها ویهمانیدی سترانیمی دا که خوزی تنوینی او پهکهان و ریککورتن متوانیمی دا که خوزی تنوینی او پیکهان و ریککورتن متوانی و این افزارات دا اله سعر پنچینین داننان به ماقی به کشتری دا اد نازادی بهادوانی چارموسی خوزی دا، کمید درکن نعوبهای دایشگراد و چعرساوه به رازهالاتی ناوراست دا و عمومیش و کنر نعتوبه یکی دایشگرانو و چعرساوه اد رازهالاتی ناوراست دا و عمومیش خوزی همید اد یک گرنتور و رزگاری دا و د این پیشکورتن کردهالایش دا، که نفران پیکموه پنیمانی دادگاری ستراتیجی بیستان و د ای پیشکورتن کردهالایش و جزری پیکموه پنیمانی دادگاری ستراتیجی بیستان

ینم پی یه پنمس ثین له منیدانی سماننشی مانی نهتدویی گمل کرردا، ندک هدر صافی تُؤتؤنؤمی پسملیتی، پطکر ثمی دان به مانی تازادی پریارداتی چارمترسی دا بنی.

درمیان – ریککدرتیکی قزناغیی سنردار، له پیرارچیری دولتی عیراق دا له سدر بتچیدش ممالتدن تزنزترمی راستطینه، به چنشیک که تنبا کاریاری: دوباناع ر مالیه و خارجیه» له دهمدلاکی حکومتتی معرکتزی بی و کاریاردکانی تر له دهمدلاتی حرکمی تزنزمی بی

له گفل تعومش دا:

- نارچه راگسویزراودکسانی سنور به گسویردی پلانیکی گسشت لاینته (شسامل) بگشربندو: شریندکانی خزیان. - ندر شدار و نارجاندی کسوردستمان که له منوری حوکسه زاتیدکمدی تیسیتما

 ترقاندن و دمسفاتی دوزگا دامرکینوبودگانی له کوردستان دا نعمینی و ثازادی دیسوکراتی بدری به معمو لایننه جهاوازدگان.

سپیممیان – ریککمرتنیکی جوزئی و رافتی بز راوستاندی تعقد له بعینی هیزه چهکمدارهانی یهکیمتی و هیزه چهکمدارهکانی حکوممت دا بز مارمیه کی دیاریکراو، تا ممترسی جمسهرریانتی تیسسلامی تیران هم له سمر عیبراق و هم له سمر همودو دیری کرودستان دور تمفریتاده و لعر ماوبهاش دا هلی گلترگز له سعر چارمسترکردنی مصملهی کرود تموضی.

شررشی ہی موسیقا

روژیکیآن شَریکی شتنی قصسهادکم پرم. تعشیکی گدوره دانا پر قصسهادکم تی خست پر، خویک شرودتی پرم. حدمتی حدم پالی په هاله داران هات کردی په هنرا، وتی: دئیره ریزی هوندرمند ناگرزا ثیره ریزی نرستر ناگرزا ثیره هنر چهک و چهکدارتان په لاره گزشکا،..

> رتم: دکاکه حمد هیراش چیدای رتی: ددلیریان نارد حبیسی یکننای رتم: ددلیر کی یدای رتر: ددلیر مرسیقاریکر, گفردی کرددای

وتم: وكي ناردوينتي حنيسي يكا ا ۽

وتي: وتعرسطان

وتم: ددانیشته تیسستا تعییرم یه دریا بینهیان بز تیبره، دلی تعدینتموه و له گلل تعرسلان تاشتیان تهکینتوهای

تعربسملان کاروباری واکسیانتی بهکسیستی تمکیرد. ناوم به دوای دلیسر دا مات. چسروکسکشم کی پیرمی ولی: دمن تاؤه خاتومسته دومود. له شسار له ریکخسسان دا بیرم. تعربسلان نادمس بو فلان بیش له واکنیاندن له بیتر تعوی له کلیاً زمونی من نشتیگرفیا وتم ناچم. وتی تعیبی عدیجی، وتم تاچم. وتی تمکنتر تعیبی تمتنیسر بوز زیندان. وتم عمر ناچم. له سعر تعود نازدمی سعیسم بکلان

دیار بو دلیر چاوبروانی پیشوازی گمرم و نازکیشانی زوری کرد برد، تمم رفتدارهی ترسمه در دیستم المسلمان پیچبواتف چاوبروانیسکانی تغیر برد، زور دلگیر بیرور. من دلم داینود و ر ویستم تربردتکسی خسار بکحسود و تری پیگلینتم کمه یکی دیشه دورود تمی به گریردی ترویی خوری، تدگینا کاردکان ناون و از پیساویکی تیکزشمر و هرنبرصندی، تمو ششانه له خملکی تر باشتر ترازنی، تموسطانیش پیساویکی تیکزشمر و در تازه له زیندان هائزنه دری و ، شاردرای کارویاری راکنیاندنه و بر تر قازاغی و اکنیاندنه و بر تازه له زیندان کردوی، تبرایم قرودت یکردایه یان به خرشیی و می ترود بین رفت بگردایمندو، همچی له کسلم وت دلی بهیشمندو جسیگای خزی کملکی نبور، بیشنمازه لاسمه در بی یمک نمجیشتندکهان چاره خزی کملکی نبور، بیشنمازه لاسمه در بیر در اس مر تبری تیتر به لای موسیقا داری باره داری موسیقا بیاره در بیر بی می موسیقای تکاریهای

دلیر تم قسمیعی متی له دل گرت یو ، هنرگینز له بینری تشهربود، لای چندین روشنیبر و مرسیقار به گلمیبعود باسی کرد بر .

دلیر له گلا تعرسهلان تاشت بردرد. تیهیکی مرسیقای دامنرزاند. تیههگی نار تا بر: وتیهی مزسیقای شعید گارزازد، لام وایه رشتی شمعید: که نیشتانهی سردنیکی پهریزه ر له کروردمراری دا شهرین به دولی ختری دا تحینی، له گطا تیهی مرسیقا: که بزر: هیر له بدر تعرص له سعرتانوی دا شایی به دولی خری دا تعینی، دو شتی نهگرهار برد، تنگریی دهس پهیستههای کاری داهیترانیها بزر دابین کرا بر، له ماردی ۸ براه تنگریی دهس پهیستههای کاری داهیترانیها بزر دابین کرا بر، له ماردی ۸ در له مرسیقای کرودی دا، له پال سرودکانی: تدی روقیب، گعریی ترشی رداهیدویی و، دمی رایهریته در تعریزی، دا به پال سرودکانی: تدی روقیب، گغریی ترشی رداهیدویی و،

ریککترتنی پنگ - پدک

حیر له ماننگاکانی مارت و نیسان دا حصیق حصه یالی به هزی حشمتوه در جار چر یز ستردانی پارتی له تیران یژ تعرف پهیام و نامنی یهکیشیبیان پی بگئیشی سنهارت به تارنزی تاشتیرنبود. مصمردی تعدی بوء اد راژان فطهکندیتی دی بوء راسپارهکاتی پی گنیاند بو. ودلامیکی دیاریکراویان تعدایرموه، پیهان وت بو ودلامی ناسکه به هزی حضعوه تشهرنموه. له مانگی تدهرزدا له یاردگای حشم له پشتاشان نریندراتی یدکیتی و پارتی کزیرنمود.

تریندراتی پدکیتن: فدربیدن عبدولقادر و د. خبر معصیم در تریندراتی پارتی: مجافعدی مثلا قادر، مغفید تنصید، روژی ۲۸ ت تکیرتی ۱۹۸۷ له پارگای حشم له پشت تاشان دارشان. لم دانیشتنده اینکامرتینهان تیمزا کرد، ترقته گزیگاهاتی تعربیر. – گیردگرفت و تاکوکی تیوان میزه سیاسیاهان به گفتترگزی سیاسی، بی تعربی

پغا بنرنه بدر چدک، چارستر بکری.

 کوردستان له خانطیندوه تا زاختر مدیدانیکی تازاد بی بز چالاکی سیاسی و پیشیدرگلیی همو لایندکان.

- هیزه کانی پارتی و یکیتی به تاگذاری و هارتاهنگی یکتری تبهته تاریدکانی ژیر دسمالاتی یکتری و، تا شهویدگی تر تعوزیت دو جاری حوکسرانی ناویدگان روکو خزی تعهیده،

ترخنی هیچ مصطفیهگی سیناسی نهکتوت بون. لعمیش پارتی نیبازی گیراندوی هندی له هیزدگانی هیپر بز گوردستان. گیشاری تیرانیبان له ستو بر گاری چهکدار یکن له ناو کرودستانی هیبراق دا ، به بی ریزامخدی یهکیبتی یش نمیاندمترانی هیزدگانیبان بنیرندو بز گرورستان.

پارتی هیزدگانی ناردبره بز همر نارچدگانی ژیر د*مسالاتی* یدگیتی. مدلا محدعد باردگنای له وفرتی دانا و، نادر هغورامی، قنادر قنادر هینزدگنانینان هینایعوه ناوچدگنانی ملیمانی.

رؤتی ۲۱ ی تشرینی دومی ۵۲ دصتمیدگی نرینعرایشی یدکیتی که پیک هات
پر له: د. کعمال خزشناو، د. خدر معصوم، نازاد هدورامی له باردگای حشع له پشتاشان
له گله نرینراتی حشع: عرصدی علی شیغ، ملا تصعدی بانیخیلاتی، فاتیح رصول بز
لهی گیشته کاتی عدودلا دانیشان لمو کزرندربندا، حشع ناگاداری یمکیتیهان کرد که
پارشی قرورل ناکیا یمکینیتی هیز بنهری بز بادینان چرنکه (اتضاق) دکستی پشتاشان
الفاقیکی معلیه) یادینان ناگریتمود و، له یادینان له نیوان یمکیتی و پارتی دا (اتفاق)
نیه.

پیشینان رتریانه: دیشش خزم بز خزم. تعوی تزش تعزم)» پارتی ردهای تمکره. تعسیشینان پز تیچه سمر، چرنکه کسس به دنگ تخصات. لعر ریککتوتندا حشم تاریک کر و شسایت بون، له باردگساک مینی تعرایش دا تیسمسرا کسرا بر. له سسر قم پهیمانگینیمه پارتی هیچ تاردزایسکیان دهرنمری، بطکر به دورحی ریاضی و دوری گرت و دارای له یکینی تمکرد له سنز تم ورده شنانه گیردگرفت دورست نمکا.

لاک هیچ کام لتر بطیناندی به یدکیش دایر به جی نمعینا، سعردتا که هیشتنا لاواز و جبیگدی غزی ندگرت بر، به نعرمی تمجیرلاندو، که به هیز پون و، زیادیان کرد تیشر گویبان نشدایه بهکیشی و، بعرو ثنوه تعیین خریان حرکسرانیی ناوجهکان یکنن، چند جاری قسمیان له گطا کرا کطکی نبور، پشت تمستور بون به تیران و، تیران هانی قعان لاملی یکنن. تدگیر لغره زیاتر چارپزشیبیان لی یکزایه تعیین به هیبزیکی تبوتر چارهٔکردنیان دارار تعیر، بربارمان دا تا منترسیمکنیان زلتر تعیره چاربیان یکنین. پلاتی چهکگردنیان دارار، باز جیبینجی کردنی ملاژم هرصدر چر بز بعری صدرگه در، هیزدکیاتی کلید، کارسرت، گلارمیان، قارداخ د تاریمکنیان له ستر کز گرایدو.

له ۳ جبگا بارهگایان داتاً بر، هیزیان لی کز کرد پردو: بعری مدرگد، سعرگنلری درلی جافدتی، حاجی مامندی شاربازیر.

له تماوزی ۸۲ دا له ماویه کی کورت دا هسر چهک کران. پنرگریه کی کسیان کرد. له پعرگفلر کور و برازاکاتی حاجی شیخ قادر هندی پعرگریهان کرد. چند کسی لعوان کسوژرا و، له پنکسیتی پش سماحی صاجی رطبیق، استرصالدی تیسیی ۷۷ ی پیرمهگرون کوژرا. سملاح موهندیس و هاروی ی کزمطه و، له پنصالهه کی دولسمن پور. پیداریکی تازا و چارندرس و، سموکردایشی دهان شما و پزسمی کرد پو. پدکی پو له باشترین فعرماندکاتی پیشمنرگ.

لاک هطرمشا و ثبتر خزی بز ریک نمخرایموه.

درىمىن كۆنفرىنسى كۆمىلە

له مانگی ثابی ۸۲ دا دومین کزنفرم*نسی کز*نمله به تامادمیزنی ۲۲۷ نرینمر له هزلی شمعید شمعاب له تاوزهگ بمستبرا، بهشماری نزینمرانی ریکخبراوه نهینهمکانی شاردگان لم گزنفرنسمدا ز<u>فرتر</u> بو له چار گزنفرنسی یدکم دا.

بعشیدگی گدانی کنوزنشرهاس تعرضان کنرا یو باسی ریکاشستندوی کساریهاری ریکخرارهی و پیشندرگذیی یهگیتی و، بعشیکی تریشی تعرضان کرا یو دانانی بعرنامدی گزمداد، بو پیشکعوتنی گزملایعتی و، چارسترگردنی کیشمی نعتدرایعتی کورد.

کونفرمنس به مطهزاره نموی سعرکره اینتی نوی ی کوممله کوتایی هات. مامزست! جنسال تایمز تدکاموی له ناو شار بو تعویش مطهوردرا به تعتمامی سعرکره اینتی.

پیکهینانی بهکیتیی شررشگیران

له ۱۹ ی تأیی ۱۹۹۳ کادره پیشکترترهکانی ریکخستنکانی خشی گشتی و پزرتمو له ترژنام کزیندوه و بهایان دا: هدردولا له ریکخراریکی تازها یمک بگی و، همس ریکخستنکانبان تیکملایی یمکتری یکفن. پروگرامتکنی یکینیی نیشتمانی یکن به پراگرامی خزیان. سعرکردایتیه کی تیکملاریان هلینزارد و، ساسجملالیان کرد به سرگزیری ریکخراونکیان.

یسه له کزمفاده اتم یمکرتنمان پی هنگاریکی باش و به کفک یو. یملام برتی مامهمالا به سکرتین تم ریکخراود، که تنیر هاوتای کزمفاد بی له نار یکیتی دا و ، له هندان کاتا مونافیسی بی، له گفا تبوده انتشارهها که مامهمالا سکرتیزی گشتی یمکیتی یش بی، حاسمهمالال بز واگروتی هاوسمنگی تیسوان کنوسطه و شسورشگیسران، وازی له میکراریتنی شورشگران هینا.

هيزى پشتيران

د. قباستان داوای کنورتارههای یه پشای کرد بر له گنال منامنجنالا و صنویز محمده روزی ۱۹ ی تباولی ۱۹۸۲ له پارهای «اویندی منامجهالال له سنویارهی توژهاه کاپونتوکه کرا، منیش پخشاری کوپرتونوکه پرم. له کوپرتونکها د. قباستان دهشی کرد په قسمه کردن، وتی و نهبره هاردولاتان درستی حییتری دیسوگراتن، تعمیر من هاترم داوای دوستندگانی دیسرگرات تاقی تک معدود، پیس سنیسمان به پارستانی هدیده هاترم داوای پارمتیان لر یکمان »

لیمان پرسی: دپیویستیتان به چ جرزه یارمعتبیهک هدیده

وتی: دسیسای پاستاران هیترشیکی زور گسوردیان دمی پی کسرده بز سسر پارهٔکاکانان، هیزهکانی دیموکرات به تنها ناتران بعری ثم هیرشه بگرن، هیزهکاکان زور ماننون و زودری زوریان فی کنوتره، تمکنو فریامان نمکنون داشتری سیاسی و بنکدکانی ترمان له معتربی گرتن دایه و ۱۰ تعیی رویکیند قبلادزه، پسریستیسان به پیشسمرگدکانی کروستانی خیراز هدیه

راستیدگیشی هیرشیکی گغورهان له سعر بو، هیزدگانی تیران له هممر لایدکموه له پیشرموی دا برن و، هیزدگانی دیموکراتیان تمشکاند و، شویندگانیان لی شکرتن. پمشزکان به د، قاسطرموه دیار بو.

عمزیز محدهد وای: واپسه تعیی نم داوایه دراسه یکدین، تینجا تعتوانم جوایت بندموده

د. قاسطر وتی: وکاک هنزیز من خرم له ولاناتی سرسیالیستی ژیاوم، شارنزای شیزی کارکرنهان بیم که دوبیان ادراسی تککیر) یعنی نبر دارایه جیبیجی ناکدن. من تیستا پیرستیم به پیشمترگدی جینهکدی تیره هدید، تا کرمیتدی نارمندی حتم کز تیمیده و بهاریک ندا، شرینکاتی تیت تاکیرین) ه

کاک عنزیز نموره ژیر باری هیچ جرزه بطینیکی بارستیمانموه. د. قاسملر له حشم ناترمید بر روی کرده مامجملال ولی: «ثیره تطین چی؟»

مامجملال وتی: دوسمه له ستر بریاری پیشتری خزمان مارین. تعوی له توانای تیسدا یی بز پارمتیشان نامادین. تعانمت تمکنر لعو پینارهدا شورشی کوردستانی عبرای شعیدیش ییی:

له ماردی ۳ سالی راپرردودا چند جاری هعران دا پر ددغان یگا به تیمام خرمینی و سکالای خزمانی گل به تیمام خرمینی و سکالای خزمانی له لا یکنین. کاریددستانی تیرانی ریگیان ای تکرتین. لعر کاتعدا تیما مدین می چیزادی خیرانی تیمان به بارمدنی و پشتیرانی نیران بداری نیران به بارمدنی به پشتیرانی نیران به بارمدنی نیرانی نیران به بارمدنیاتی میمارضده بارمردی تیران نیران به بارمدنیاتی میران به دار و بدر در اندانی ریزمی بعمل تمک همر جیندی به و بیمان به دار و بدر در شیمه در سرتنه و کرد و عنوب و ، مرعارضه در ریزمنون. کرد و عنوب و ،

 د. هیچ جیددیمتیک له کاربددستانی ثیران دا نشیبارا بز پارمدی مرماردسیی میسراقی، تمانمت بز ته ریکخبراوانش که دینیی بون و صدر به ثیران برن. بز تووی ناکترکیمکانهان له ناودا قرلتتر یکا، به جها رطنتاری له گفل تدکردن و، له پوارچهبردی ستراتیجی خزی دا هانی تصوراتدن.

 عصر ثمو حیزب و لتشکرانمی له کروهستانی عیراق دا تعراتینیان ثمکره له ژیر سسایمی نیسران دا دامستورا بین، یا به بارمستی ثمو برژابرنموه. یه چدک و چارمی ثموان ثمریان. یه کردموه جرلانمومی کرودی لعت و پعت کرد بو.

 ومهیدیکی گدوره چهک و تفاقی جعنگ یز یه کیتی هات پر، که زیاتر له ه هغزار کسیلاشسینکزف و ۱ هغزار تاریبسیجی و سسیدان هارمن و سسیاروخی تی دا پیر.
 کاریده سستانی تیران پطینیان دایر ریگه بدن به یه کیستی تم چهکانه به ناز تیران دا پگویزینوه بهلام که گلیشته ناو تیران دستیان به سارا گرت و، بردیان بز خزیان.

لو کاتدا مطرمترین جنگی میبراق باش نمیر" جولاتموی گرزد کهنیوانی بهم چهکانه تا رادبیدی باش نیرازی جنگی که کردستان دا به قازانجی خزی بگزری. بعلام تیم ری لی گرتنه زورییکی گلوری له یکهنی دا.

د. قباستملر داوای هیتریکی پچترکی کبرد منامنجمالاً پطیتی داید هدر تمو روژه مشوری ناردنیان بخرات. هیژیکی پشدم له ری برن، تدراندی له گمل عملی پچکرل نارد.

د. قاسمار پیشتهاری کرد که ملازم صرمتر، بدر تیمتههاری عصکتریه، سهردانیکی مسیناندگاراتی شدی او فسیرسالندگاریسی بین نیری براز سهیل به نیری برانس بین کمترکردیههاکانهان چهد، دریک دوایی صرمتریش چر برا سهیری منهالاندگانی شمیر هیزدکانهان. زروی هیزدگانی دههرگرات هلوشا بین د. دروی شدیان نمایی، نمانند له هندی شرین بخش شاریزایی و چارساغی هیزدگانی یدکیتی پشهان نما بو. ناچار دارای هیزی مطبقتدگانان کرد. مامیدلال بز نموی گیر و لین بخاله بدر هیزدگانی یدکیتی خری چره سازین بارهگای دانا و دراسته خو سترکردایهتی هیزدگانی یدکیتی تمکرد، که زمارویان له ۲ هنزار تی پادی بو.

حدکا ناویان له هیزدگانی یدکیشن نابر: وهیزی پشتیران. هیزی پشتیران له چند جیگا ترشی شعر بر و، هیرشدگانیان دوا خست. چدکداردکانی پارتی شان به شانی هیزدگانی تیران بشداری شعر برن و، چند کمسیکیان لی به دیل گیرا. رادیری حدکا به ستایش و شانازیعره هعوالی شعردگانیانی بلاو تدکردموه.

د. قاسطر ترمیدی یعوه تصایر که تارچدی تازادگراو بهاریزن، هنرلدکمی بز تعوی پد به شینتین کطریطی دطنعوی سیاسی و، باردگانگانی تریان و، دنرگای رادیر و، دیلهکان، به سلامتی یکریزندو، بر تاوچدی بیترش له سدر سترز، له ماردی چند حظتمیدک دا تمم تاریان تشایر دا.

پارتی به تاشکرا شعری دژی حدکا راگدیاند برد له لشکرکیشیدگانی ثیران دا بعثنار ثهون. لاینندگانی نار جود، ثنواندی که خربان به دوست ر هارپیسانی حدکا ثنزانی ودکر: حشع، حسک، پاسوک، بز تدری دلی ثیرانیان لی نعرافی، تاساده نمین هیچ پارمانیدگی بندن. بفکر هیرشیکی گعردی پروپاگاند،بان له دژی هاویشی یدکیتی دس پی کرد، به بیانری تدوی یدکیتی معیداتی واستطیندی خدیاتی چول و، بز رازی کردنی دلی کارددی کاردنی کردنی دلی کارددی دلی کاردد درگای پروپاگاندی حشی، لم معیداندا، له همیدان چالاکتبر و دم هدواشتر بود. له ناو یمکنیدی شد دا نارازیسهگان، به تابیمتی تدواندی دوابیتر داشتی یا بیک خیا، بز دروستگردنی گرمان له سعرکردایدتی یمکیتی و سازگردندوی بیشسرگه به ترندی گورته بروپاگاند.

کاربدهستانی تیران، تم هارکاریبدی یدکیتیبان له گط حدک، به وکاریکی له بعضین نمعاتری داننا، چرنکه لایان رایر نهگدر تمم پشتیبرانیبه نمیرایه تموان تمواریان نکردن و، تمیانکردن به دیری عیراق دا.

ریزمستنیکی تازه دورست بربو له لایه ک تیران ر پارتی و لایشنگانی جود، له لاکس تر حدکا و به کهتی، پارتی، له ثیر گزشاری تیران دا، شعری راگیانتیان دس پی کردمور، له رادیرکهاندو، به تاشکرا کمونتدو هیرش یز سعر پهکیتی، یز ولاسفاندوی تم هیرشانه زخیرمهه ک وتارمان یز رادیری پهکیتی تاماده کرد له ثیر ناری: ومصطلعی کرود هیرشانده، یا چند مصطلعی که ا

سعریاسکانی تصانه بین: تعرک و فرمانی نیشتسانیی و سیاست و هطریستی شورشگیراند. چند تیبینیهیکی میازیی ددوراری مصلایی کرد. کین دارستکانی کرد ر کامانان دروامنکانی: اتازاندنی پهیرمندی بینی لایمنه چنکدارکانی کردرستانی میران به تازاغی کی به ۱ پهیرمندی نامختری جرالامون رزگاری نیشتسانیی و پهیومندی له گلا خبانی شروشگیراندی گفلایی نامچه که. پروپاگاندی دوا داری ینک خزمتی داگیرکدرانی کوردستان تمکا. دیسانوه مصملهی داست و دورس و سرشهال دیسوکرانکان. تاکردی نعتوایتی و سعیهخویی یا رودوکترن له تاه بردنی جرالامودی کورد له پهشهکی تری

له گما فسرویدون پیکنوه پیروکانی وتاروکافان گملاله کبرد و، هندیکی نفر و هندیکی من نرسیم. سنرمرای ثنودی به رادیو بلار کرایدوه، کرایه نامیلکنیدگی تاییشی و چاپ کرا.

" تا تمو کاته هندی له لق و نارچهکانی پارتی له کوردستانی عیراق له نارچهکانی ژیر دمسلامی بهکیتی دا مایون، تعوانیش کمونته گیچها به هیزهکانی بهکیتی، رودارهکان وایان تهکیاند که دیسان شعری پارتی - بهکیتی هطلهگیرسیتمود، پارتی بز بیبانویهک ترکار ا

.

هطريست ومرتدكرن، بدلام هنلويست دمرنابرن!

له هاستر نام کنیونتوانده کنه نه نیسران حشع و پدکیستی دا به دو قبولی یان به پعشداری لایمندکاتی تریش تدکوا، یدکی لد یاسه سنره کیسدکانی، باسی دهسترددانی پارتی بر له بر له کارویاری کردهستانی تیران داری کسوده کاش ماوکاری چدکشاره کانی پارتی بو له گناه هیبزه چدکشاره کانی تیران داری کسوده کاش تیم ماهیستستدی بدک. له هست کزیرندویه ک دا حشع ناروزایی خزی در در تریش داری کی تر نام رهنداردیان دیاره کردموه، کریرندوکان دا بالمیشیان داید که تمکیر پدک جاریکی تر نام رهنداردیان دیاره کردموه، یدک چند جاریکی تریش، بفکر به قررساییدگی زؤرتر، له شعردگان دا بعشدار بر، مامجدلال له گزیزنرویککنا به گیری مینا بورن، که بزیبی مطریستی خزیان به ٹاشگرا لعر روزاوانه له ناز دنزگاکاتی راگهاندش خزیان دا یاس ناکتن. مطلا تحصیدی پانیخیلاتی رت بوی: دئیسه وترمانه مطریست ورتدگین، تمانزوره مطریست درتیمین

ی در این تبدان پیلاماری حداثای تدا حقیع هنرگیز رختیدگی به تاشکرای لی ندگرت، کنجی که یدکیش چر بز بارمه تبدانی حدکا عمر ترانای پروپاگاندیی خزی له داری یدکیش خسته کار.

تم برباردی یدکیتنی، که منیش تها بخشدار برم، زودتر شتیکی و مناطیفی و بر تا لیکناندوی سیاسی و مطلبشگانش روداردگان، هیرتان صدکا تیک شکا برن، هدر نابههدیکان این تمکید، پیشتر میزدگان صدکا تیک شکا برن، هدر نابههدیکان این ترکید، پیشتر کرد، پیشتر کیار تا میزدگان به شدی برداند با تمکیدی دارد تمیز ترکید که نظر ترزان له شوی برداند با بر سعر له له خوای بروزاند و به کیمیتی و بر سعر له تمیزان پیران پارتی و به کیمیتی همرشمی له حدکا تحرید کشور این به تمیزان که شدی له گفار را تنگیرا پو، تمران که له بر خاتری حدکا شدی له گفا دس پی کرا بر، جود په سکردادیدی پارتی تیران که له پیر خاتری حدکا شدی له گفا دس پی کرا بر، جود په سکردادیدی پارتی که له ژبر گرشاری تیران دا خدیکی خز سازدان به پر پلاماردانی پهکیتی،

پیکهینانی معلیمندهکان

دبیان مغزار لار له سیمریازی معلات برن ره له گسرنده کسان دا دانیسشت برن، معندیکیان نیبرن به ۱۹۰۰ تا معندیکیان نیبرن به ۱۹۰۰ تا معندیکیان نیبرن به ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۰ تا به پیشمدگد. سترکردایش هزیکی را گعرده له ترانای زیر له فیرماندی همیمکان دا نمبر فیرماندی همیم هریم و فیرماند در کادردکانی تر دستیان تهضیعه تار کارریاری خیلکین. گلمی زررمان پی تمکیشت در له ستر رطتاری هعندی له کاریدسته کانی پیشمیمرک، تعنداست کانی سمرکردایدتی له تارزمنگ کیریرنبود، هعندیکیان کاریکی

ریکفستنی همرم تیتر له چار پیشکعرتن و پدرصندنی جرلانبردکدا نشگرهایا. نهر شیودیکی تر بر ریکفستنی پسسمترگه و کاروباری خطک بدوزیندو، مادریک بر له تار خراصان را ته باسمسان تکرید مغندیکیان دژی همسر جرزه تالوگوری برن له ریکفستندری همیمکان دا، هندیکیان را تی گایاند بر که تعمه بز لیمانی تعران و، کسکردنوس دسمالی تعرانه راستیدکی بز چاکتر ریکفستندری کاروباری ناوچدکان و پیشمترگه بر، ندک بز لیمانی کس.

کارویاری جنولاتتونکه هنر شند زنین له گناه هیتردکانی یدهس، یملکر بربو به جوریک له حرکترانی، دهمالای حکرمت له زور تارچندا نصا پر، یا کز بربر، خلاک پز پایلاداشیستنی کیپشندگانیان رویان له داوردزگاکانی شیرش تفکرد، بهارمان دا کنه معربتدکان مغلبرشتیندو، و، تهپیان لی درست یکمین د، عدر چنند تهپیک بعرس روی دنزگایه کی بالاتر بحربتدو، که تیکالار بی له چند لمپنرسراویک د، هعربهکتبان کاری دیاریکرار در دهمالای دیاریکراری مغیی به تاری معلبشدو.

مطیند یک تعمات له:

۱. لیپرسراوی یدکم، که سدرپدرشتی همو کاروباردکانی مطبعند،کنی تدکرد.

۲. لپپرسراوی کاروباری پیشموگه، سفرکردایدتی تیپهکانی تمکرد.

 لیسرسراوی کاروباری کنومتلایهتی، سعربعرشتی تناهبرمنش تاواییمکنان، افزایخانه، نمخوشخانه، دادگا و زیندان.. ی تدکرد و ، کیشدکانی ناو خطکی چارمستر تذکرد.

4. لپېرسراوي کاروباري سياسي، سعريعرشتي رايعره سياسيهکاني تهکرد.

ایپپرسراری کاروباری دارایی، ستریترشتی دمرامنت و خترجی منظبنده کنی
 تذکرد و ، مرجدی بیشمدرگد و ، مصرطی بازدگا و شعردکاتی ریک تعضیت.

ماره و اطریحی پیشمبرت و اعجازهی پارها و شارهای ریت محصد. ۱. لیپرسراری راگایاندن، هغوالی پیشمبارگاه و چالاکیپیاکانی و ، دنگریاسی

نارچەكىن ئەنارد يۇ دەزگان راكىياتىن، يە تاپىشى يۇ رادىر.

ناریدکانی ژیر دصملائی یاکیتی، پاش لیکرلیندوی لایشی جرگرافی، تیداری، کسرصلایشی.. دایش گنرا به سنتر ۴ تاوچدا و، ۶ صالیسند بز سمویترششی کنردن و بدرومردتیان پیک هیترا.

مطبعتدي يەك

پاردگای مطبعند له حاجی مامند دانرا دراییتر به هزی شعری ثیران – عیراقعود برایه بطادکنجار له نارچدی قعرداخ.

تیپهکانی: ۱۵ ی هنورامآن، ۱۱ ی شارنزور، ۳۱ ی پنوزنچه، ۳۳ ی سلیمانی، ۳۷ ی شایازیر، بنستران به مطبختی یهکنوه.

مطیعتدی دو

باردگای معلیمتد له سعرگطو داترا.

تهستگانی: ۲۱ ی کنوکتوک، ۲۳ ی ستودداش، ۷۷ ی پیدومدگرون، ۹۷ ی سنگرمند، ۹۱ ی گنرمیبان، ۲۳ ی تاستوس، ۹۸ ی منامننده، ۶۵ ی چهکتوج، ۹۱ ی جرتباران، بمستران به مطبقتی دربود.

معلینندی سی

باردگای مطیعتد له ومرتی دانرا.

تیسپمکانی: ۱۳ ی ستروان، ۱۵ ی تاکنز، ۷۷ ی بالهک، ۷۷ ی کنودو، ۷۸ ی کاروخ، تبیی کزوش، بنستران به مطبعندی سی ره.

مطيئدى جوار

بارهگای مطیعتد له بالیسان داترا.

تهپیدگساتی: ۹۸ ی دششتی هنولیسر، ۸۳ ی هنوری، ۹۹ ی سینقسین، ۹۳ ی کزسرنت، ۹۹ ی پیتوین، بنستران به مطینندی چرازدره له پیکهاتش مطبعتندگان دا هاوسنتگی کوصطه و بالهکانی تری یهکیشی لیک درابروه.

هدر مطبطه تعفرشخانیه کی همیر پزشک سدرپدرشتی تدکرد و ، دادگایه کی همیر چند کسبیکی قانونی کاربان تی دا تدکرد ، دنزگای بیشنطی همیر پز پهیونندی له گنل م مد.

مطیمند له راستی دا حکومهتیکی پچکولاته بو. له صارهیدکی کورت دا جیگیر بون و، بون به جیگای باومر و ریزی دانپشتوانی نارچهکان.

ریکخراوهکانی کومطهیش ستریمخر کاریان تدکرد. راستموخز بسترا بون به دمزگای ناومندی ریکخستنی کومطهوه.

به گریردی پیویستی تالوگزر له تعندامانی مطبعند و، سعرتبیه کان دا تهکرا.

ی پهکیتی و حکومت

د. فاسطر پشتیاردکانی تبستی کنیاند به کاربدهستانی عبرای. تا چنند مانگی هیچ هنرالیکی نمبر. شعردکانی کردهستانی تیرانی به سعردا هات. د. فاسطر لعر ماربیدا بعرزان تکریش و صعددام حسینی بیش بر. و دلامی بیشنیاردکانی تیسمیان دابردو:

پیسشتیساری یهکنم – خبرا یره لاره په پیساتری تبرس هیسشیتسا هطرمسترجی ریککترتنیکی ستراتیچی لتو پایهانه، له تیران هنرمی و کرردا، تدگیشتره.

پیشمنهاری دوم - که بروتی بو له تؤتزنزمی، موافهق بون بز تعوی بکری به بنچینی دمیهکردنی گفترگز.

پیشنیاری سپهم - که بریتی یو له راگرتنی شعر، تاماده بون یو جیهجی کردنی

گاریدوستنانی صیراق روزیکی زؤریان له د. قاسسلو و پیروزاکانی تدگرت. لعر کاتعدا له نیران یمکییتی و حکومت دا تعر دعری دوسیطه ی تمیینی، کاریدهستانی عیراق داوایان لی کرد پر که کزیرندویه ک ربک یخا بز تعری زیندرانی یمکیتی رویدور پیشان و ، دواندمکانی بعص بز پیشنیاردانانی یمکینی به دمی خزیان تشکید یمکنوه.

رؤژی ۱۳ ی تشرینی یدکنمی ۸۷ د. قیاسنطر له گرزه شیبر کزیرندویدگی ریکخست یز یدکتبر بینین. له یاتی یدکیتی: مامبختلال و من و، له یاتی حکومدتی عبیران: تاییز تحمیده، تاییز صودتی، تاییز محتاعد، تاماده برن. د. قیاسنطویش ودکتر دومیطای و میزاندار یکشار بر.

ئیر تنصند (هنقید روکن خاپل محتفد شاکیر)، تخسنریکی مرسلاری پر، پارینددری ساوکی دجیهازی مرخایترات، و، تمر هرددی (عظید تبحسان) لپپرسراری تاریخان ساوری موخایترات له کاترکرک و، تمیر محافدد لپپرسراری مرخایتراتی هدولیر

وجیههازی موخاپترات» یدکی لبر دوزگایانه پر، یعمی دوای ثعوبی هاته سعر کار دای معزراند. حیزیی بعمی پدر لعودی پیته سعر کار ریکخراریکی یجوکی بز کزکردنعودی دنگریاس و کرشتنی تامیزدگاتی، به ناری زیکخراری وحین و دروست کرد بره صددام خزی سربیرشش تدکرد، که هاته سبر گار گلورهزی کرد و، بودجهیکی زلی بو تعرفان کرد، ماربیدک سمتدون شاکید و در درای تعر تا ۱۹۸۷ بعرزان تکریتی سعراکی بو. نه درکیایه به ناو بزر کاروباری دروره و هاستریترا بود، بلام دستی در و تعایه نار همسر کاروباریکی نارخزی عبرالدو و، له گفا دخرگاکانی: تعمن و تبستیهنبارات، لم باربیده بفتهدرینی تدکرد، تعیش، ویکو دخرگاکانی که، راستموخ به دیرانی سعودگایای واقه به صعدداسوه بستیرا بون. له ناو عفر ۳ دخرگا تعنیستکان دا: تعن، تهستیسنبهارات، مرخهایدات دا، بهشیکیان یز مصطلعی کرود تعرفان کرد بر، له عدر سیکیان دا ناوی:

ثبیر تمحمد له تسه کانی دا رش: دنیسه له لاین سعریکده نیردراین، سعر ک سلاوتان لی تمکا، تیسه دهسهلاتی گفترگرسان نیسه، تعرکی تیسه تعربه بیسروراکانی سعرکرایایش با تیسه دهسهلاتی گفترگانی سعرکردایایش نامادیه: بیز چارهمرکردنی کیشدی کرود له سعر ینجیندی بیانی ۱۱ ی نازار به ریگدی گفترگزی هیسنانه و ریککبوتان له گله یمکیتی، هیسنانه و ریککبوتان له گله یمکیتی، هیروها بز دانانی ریوشرینی و سعیاندی شعر له بهیتی یمکیتی و گاتر وایه مامیدلال و تریندرانی یمکیتی بهیتی یمکیتی و کرده کاندر کرد تریندرانی یمکیتی

مامجدلال به گدرمی به خهرهاتش کردن، سرپاسی د. قاسسلوی کرد بز هدول ر تعقدلاکاتی، تامادیی یهکیتی دوروی بز چارمسترگردنی کیشنگان به ریگای سپاسی، به دریایی پاسی سپاستانی چهوانی یعقبی کرد بهرامید گفلی عیران به گشتی و، گفل کردد به تابیدتر، تریالی هعمر روداودگانی عیبراتی خسست به تعسیری یعقبی، خواسته کمانی بزرتندوی کردی بر رین کردندو و، دارای لی کردن که تمگیر به تعمای گفتوگزیهگی راستفینه و سترکنوتر بن پیرسته هعمو لایندگان بخشار بن، مامجدلال له قسمکانی دا ترندتری بر.

تیر تعصیدیش تریالی هصو رودارهکانی خسته سعر کورد. وتی تدگیر ثنتانوی گفترگز سترکموتر بی سعرفک نظر: وتعیی چاری ینعرانی هصر گیروگرفتهکان بکری و، ریککوتنیکی ستراتیجی بی ندک تاکتیکی، با مامجدلال زیاد تهکتهکه نمکا)،

وتدکندکه: وشنی به عفرمی کراوی و تاکتیکه د. منیستی له تدکندکه فرر قبل بر. لای صنددام و سنراتی یعمی وا بار بر: مانجدلال، ستراتیج ندگا به قریانی تاکتیک و ، زورت کاشینکزانه درک لفوی شارنزای کناری ستراتیجی بی. مامجدلال لم قسمیه ترندتر بر، وتی: وتیستی فظیر لم شاخ و داخه چرزاتین تدکندکه چید؟ صنددام حسین نظری خرای تدکندکههاه

له ربلدی حکرمت پرسرا: که تاخز حکرمت تبیدی چارمنری گیردگرفتی کررد یکا ، پاخیرد تبیدی پدکیمتی بکا به گؤ لایننگانی ترا؟ مطبعته روطندک رپنیان کمه حکرمت تبیدی گیردگرفتی کررد به جزیرکی بندرتی چارمندر بکا ر، تبیدی شدر لد گزردمتان دا تعییزی، له پدر ترده تبسیش دارامان لی کردن که هدرل بندن پمیزدادی له کل حشع و پارتی پش یکنن یز همان میست و هنول بنین کروانی بنوزانی رازی یکنن.

لّه ودلام دا وتیان: دله گلط پارتی گلترگزمان هنیده یملام یز حشع رتیان: دئیسه حشع له چرازچیوری جرلانعودی کوردا نابیتین، هنول تندمین له شویتی ترموه قسستیان له گله یکری»:

له نار قسمه کان دا منهش هندی ومرداخیله و کرد ، یملام گفترگری سیروکی له نیوان ثبیر تمصد و مامچملال دا پو.

مامهمالاً گفترگزگانی ناو کزیرنودکس به نامه یز عمزیز محددد نرسی، دارای لی کرد مسترانی پارٹی بش ٹاگادار بگا، بز نعرس هیچ لایدک توشی کاری یمکلاته نمی و، هغلیستیکی یمکگرتیان همین، با هیو نمی خراستمکانیان له یمک پیمی،

عمزیز صحمته العرکاتجا به نار تهران دا به ریگاره پر یز سرویا، بن پزنیده سرداتی پارتی کرد پر له راژان. له پاش ماردیدک ردلامی مامجدلالی داینوه، له نامدکدی دا سرپاسی کرد پر که تاگاداری کردوه و، تعوش تاگاداری پارتی کرد بو، پیشتیاری پز کرد پر له سعری بروا و، تدکیر شتیکی تازه هاته پیشعوه تاگاداری یکا.

وطدی عیبراقی له دانیشتندگد تاسرده و خرشحال نیون، چاوبروانی شرکرانه پارادنیکی زیرانر پز صنده او خراستی کمنتر و قسنی ندوستر، بین، وایان تبازانی تم دعنونی و منتبکی گلاروی صنده امد به سعر پذکیشیدو، انظین کابرایکی له خزیایی و ارتبرز هبوره، هنرکسی، له کاتی چاگویژنی دا پز پیشاندانی تدواخرج، پی ی وت بی، دناها مرطابساه لهوالام دا وزینتی: دواجبیی خزنداه صنددام له باینتی تم کابرایه پر، لای وایر هنر کمنی دلسیزی بی، یا خزممتی بکا، واجبیی خزی به جی تمهینی، نابی چاوروانی سریاس و پاداش و داندوی چاکه بی، چرنکه درساله ضالده ی واصه عربیه واحده یه مروقایتی وانگیینی، دوای تم دانیشتنه هیچ جزره پدیودندیک له

سوشيال ديمركرات

یدکی له عبولدکاتی همبر لایمندکاتی جود بر زراندنی نابهانگی یدکیش، بشداری تریندراتی یدکیتی بر له کزنگری حیزی سزسیالیستی فدرخسی و ، درچرنی بریاریک بر یه قازاغی کورد. لایمندکاتی جرد ، به تاییش حشع، تسمیان به پیلاتی تیمپریالوزم داندنا دژی جرلاتوری کورد یدکیتی سوقیت هیشتا عدرسی نعینا بر، شعری سارد هیشت! گزتایی نعات بر، زور له لایمندکاتی جرلاتدری کورد نمیانتدزاتی سرشیال دیسرکرات چه، و مطلبگیان عدر نمیان بیست بر.

چود ثم ممسطیهی له منزگاکانی راگیاتنتی خزی دا، له وتاردکانی رادیر و، له پلارکراردکانهان دا، تتومند گموره کرد یر له نار خزیشمان دا خمریک بر به خراب دمنگی تعدایموه. هندی له نشاروزاکانی نار کرصفه بیست بریان لینین، له سعردمی خزی دا، دژی سرشهال دیمرکرات راوستاوه، له بعر تعو تعوانیش تصنیان به کاریکی خراب تعزانی. فترمیدن که وتاردگانی پژ رادپر تاماده تدکره زاتی نشتگرد لم مصطفیه پدری، نمودگر له نار توندودکاتی کرمفاهه! په سرشهال دیمرکرات تاراتبار یکری، ناچار بوم خزم ثم تمرکم کرد تمسیتر، له ریزی تنو زخهیره وتاردا که له ژیر ناوی: دنایا صحسفایی کبرد پهک مصطفیه یا چند مصففیدکه!» وتاریکم پژ ثم باسه تعرفان کرد که لیردا دریاره کتورت تعدید درد.

دیسانده مسطمی دوست و درومن و سوشیال دیموکراتهکان

چند جاریکه لیره و لعری، یه دزی و یه تاشکرا، یه ترسین و نیستگه هندی لایمن یز معبستیکی دیاریکراو باسی تیشتیراکیدنی دورلی یاخود سوسیال دیسوکراندگان و معبستلای کرود دیند ناراندو که گرایه پیلائیکی تیسیپی بالیستی له کابدایه یز تیکدلارکردنی مسلمی کرود به تعضدکانی تیسیبالیزم به هزی سرسیال دیسرکراندگانمود، وه همر جاردکانیش به چهشتیکی راستعرفز یا تاراستعرفز پهلیمی تارانیار کردن بز تیسه در تدری که گرایه تیسه تموه جیجی تفکین.

جا یا بزانین سرسینال – دیسوکراتدگان کین ر راسته پیلانی را له کایدایه ر تیمیش برین به جیبجیکتری؛ یاخرد تم برختانه له کویره عاتره؛

سوسیال - دیسرگراتدگان چند خیزیبکی سیاسی گفردی تعوروپای غمیبین که له چرارچیردی تیستسیراکسیمتی دولی دا پیرفتییان له گفل یک همیه، تعسانه له دفروریتری جننگی جیمیاتیی یکدها اله گفله لینین و کزمزنیسستهکانی تعر سعردسه تیکچیرن از نستر مصنعاتی شیروشی چهکشار و دیکشا توریتی پولیستاریا و چند مصنفیدگی بنچینیی و گزنگی مارکسترم – لینیترم.

بیگرمنان له ماردی . ۲ - . ۷ سیالی راپیردودا دنیا ترشی گزراتی نزار گفرده و قرل پرده نه میزیدکتی لیتین دوکو سالی ۱۹۸۸ مارد و نه سرمیال - دپیرگراتدکانیش میزیدکانی سالی ۱۹۸۸ دن تهمه تیستا له کازتایی ۱۹۸۷ داین، که نمخشدی دنیا و ززار له پزچرن از کیگیشتندکانی تلو زمانه گزریتیان به سعردا هاتوه.

نیستا له تعرویای غیری دا چینیکی کریکاری بعیز و پیشکعرتر، گشمکرد له روی پیشکعرتر، گشمکرد له روی چزنایشی و چننایهتیمدی گلوری همید له ترانی سیاسی و تابوری و گزشتی تابوری و گزشتی تابوری و گزشتی تابوری و گزشتی کریکاری تعرویای غیری هم له روی گلاله برنی همستی چینایش و چندین همتگاری ناوه بز پیشره... نزر لمر گهررگرفتاندی که بعر له سند سال یا له پشایا سالا هدی بوه، تیستا نمی صاره و هندیک لمر صافاتدی بعدی هیناوه که تاسردیی و خرشگرزمرانی تا تعنفازههای میشتی کردو.

له کوردستان دا گمشه کردنی تابهری، کرمه لایتی، سیاسی، فعره نگی له چار
تعرویادا زفر به هیواشی بز پیشه و چود، له کاتیکا لعری زفر به خیرایی رفشتره، له
گفل تبوش دا هنر کسی وا بزاتی و فرعی تیستای کرده ستان و چینه کونملایه نیخاتی و
هزه سیاسه کاتی و دی پیاها سال لعمویش وایه، پیگرمان به هطفدا تعیی و به کابرایه کی
بی خیبر له دنیا له قبلم تعری، هطیعته تعری لای وایی و وزعی تعرویای تیسستاش و
چینه کرملایم تیمکانی و هیزه سیاسیه کانی و دکر پیاها سال لعمویسوه، پیگرمان کابرایه کی
دنیا بی ضیمره،

سرسیال - دیدرگراندگانی تعویها نیستا بخیکی گعورهی چینی کریکار و نقایدگانیان لد ژیر دص داید. له سفراستوی تعویهای غنوی دا: له غفرهنما، تیسهانها، تطانها، نصب، سوید، نعورچ، مولاند، بهریتانها، تیتالها.. نشاندت لم ولایاندا حرکسیان گرنژند دست عطینته نمک به ریگانی تیتالهایی هستگری یا به زجری ترلیس قطنگ، بطکر یم ریگانی مطیعاردنی نازاد و تعور ریفورمانی له بیرناسکانیان دا هید.

سوسینال – دیسرگراتدگان لیستبا له فنارنشیا و سرید و تعسیا حرکسیان به دستدریه و تا چند حالته لعدیدر حرکس تطانیای فیدرالیشیان به دستدره پر.

سرسیال - دیبرگراندگان تیستا له پمیرضدیدگانی نار دورانتان دا قررساییدگی تلوتزیان همید نه یکورساییدگی تلوتزیان همید نه یکور و نه چین و نه دورانتان سرسیالیستی تر. وه نه تصدیریگا و نه دولانان دنیای سیسم ناترانن پشت گویییان بخش، یویه هم حیزیکی تصدیرانی گشتی تعویریا یک گفتی تعویریا پناسیشی و همول یکا پشتیبرانی گلاتی تعویری یه دس بهینی، ناترانی سرسیال - دیبرگراندگان پشت گری یخا که بگد لعوی چندین حیزی گلاود و فرازانن، ملیرندها دیبرگراندگان و ترانانی، ملیرندها کریکار و سدان نظایدی کریکارییان له گلاف، سدها رؤزنامه و گرفار و تیستگمی رادیر تر تعلقیون و سینما و ترمند و فیلوسول و هرونرمتنیان هیه.

حیزی سوسیالیستی فعرضت که تیستا حرکسرانه چنند تعندامیکی حیزیی شیوهی وفزین له وفزاره تمکنیان دا و فریندری چنن حییزیی شهنرهی له کنزنگره کناتیان دا پنشندار برن.

یدکیک له دائیردکانی چالاکین ریکخراری رزگاری فعلمستین نار حیزیه سوسیال

- دیسرکراندکانه ر همر کات به مهبرانی بانگ کرا بن بز کزنگره یا کزبرندوبهکیان به
خزشهیون چرن ر له کالی تاپلوقندانی فعلمستینیمکان دا له بهرونی غفری، هطارستی
حیزی سوسیالیستی فعرضی ر حیزیه سوسیال - دیسرکراندکانی تری تعرویا معطرم
بر که چهد و له چار عطارستی هفتری دورلمتی عمومی دا چزنه بعرامیمتر به محسمایی
فیلمستد.

یا پا لپرودا پهرسین: تمگار بعشدار بوتی تریندراتی حیزی شیرهی له کزنگری سرسیال - دیمرکراتکان دا بز حیزی شیرهی حفالا بی در بهشدار برتی درنیی شیرهی شودهی له دوزاردتی سرسیال - دیمرکراتکان دا بز حیزی شیرهی حفالا بی در بهبودندی و فردستایتی له بعینی ریکشرایی رزگاری فنامستین در سرسیاف - دیمرکراتکان دا با فیلمستینیسدگان حفالا بی، تعیی بزیمی بز تیسمی کردی دابشکراد و نذالبکراد، که دوزشدگانی دهستیهان ناوانه بینی بهبختگیان، پغیرهندی کردن له گما سرسیسال - دیمرکراتکان در پشتیراتی کردنی تعیان له منسطعی رهوای گلفکسان تعیی بزیمی تاوان و پیاذگیران بها

یاخرد پیشینان گوتعنی: بانیکه و دو ععوا ۱

سرسیال - دیسوگراتکان، که هندی لایدن بز منیستیکی تایینتی خوبان و به درز کردریانه به خرینی سیساوش و، به درز وای دورتعضدن کنه تدوه پیسلانیکی زله له منسطین کررد، له راستی یهکیکن لعو لایناندی که جولاندوی شروشگراندی کرود تعی هنول بدا که پشتیراتی و لایننگریبان به دس بهینی و هنولی تدوه بدا له منسطمی رموای کىرود بگان و دوستمایعتی بکان، بی ثمومی جولاتمومی کىرود و هیىزه شورشگیر،کمانی سعربهخزین سیاسی و تایدیرلوجی خزیان له دمس بدن.

تعری جیگئی سنرسورمانه تعویه: عدر تعر لاینتین – منیست پارتی بر – که تیستا تارانی دوستایعتی سرسیال – دیمرکرات تعدنه پال تیمه، خزیان له سالاتی ۷۲ ر ۷۵ ر ۲۷ بود تا سالی ۷۷ یه تیسترای سنوزکهکنیان چندین عموزیحالی پیشکش به تیشتیراکییمتی دمولی ر سنوزکهکنی تعرسایان پیتعرمان کردره بز قریولگردتیان به تندام له تیشتیراکییمتی دمولی دا.

لهمه هنرگیز توزوحالمان نعداره به نیشتراکیهمتی دمولی که یه کیشی به تعندام

تنوی سالی ۷۶ وطدیکی وسسیی نارده قیبخنا و دارایدکی رمسیبی پیشکمشی پیتنوماتی سنروکی تیشتیراکیبناتی دنولی کرد، ثنوه ثبته تنیزین و جزیبکی تر بر

تدودی کنه چندین وتاری په کبرودی و په هنارمی پز ساستبارکردن له گزفـاری نطاری جزیهکنیان دا له سام تیشتیراکیپنتی دورلی نرسی تیسه نیبرین، بطکر جزیپکی از بو.

تمودی دارای تعنداسنشی کنرد و قسربرل ندکترا و رمت کسرایمود تهسسته نمیتین و حیبزیکی از برد. همر کمسیکیش تمیمری به چاری خزی تمو بطگانه بیپتی، تعتوانی له تارشیانی معرکزین تیشتیراکیبنتی دمولی تعملشایان یکا.

ثنواندی دیواری سالهکتیان شوشتیننده یا یفود له خطکی تر نهگرن چونکه خزیان زمور تهکنن.

حیکاینتی تو درز زلتی هنتی لور تالسانه بز سعر لی شیراندن و ساختمهیتی تیکن به بطگه له سعر پیانگیرانی سوسیال – دیمرکرانهگان دژی جولانعوی کورد و بعشار برنی تیمش لور پیلاندا بمجزریه:

تعسال حزین سرسیالیستی فدردنسی کزنگردی تاسایی خزی بعدت. به میوانیی کزنگرده دبیان حیزی بعدت. به میوانیی کزنگرده دبیان حیزیی شهرعی و سوسیالیستی و دیموکراتی یانگ کرد بو، یمکیک لدر ریخدارانه بهکیک به مطالان عرصه شیخموس و تعصد با بامنرنی له ناز وطلبکی کردریی زیندی پارچه کانی تبران و تروکها و سوریادا بعشماری کزنگردکه بین. جگه له نویتدراتی یمکیشیسان، نویتدی چدند حیزیبکی کردستانی و تریندی ریکشراو و جمولاتمویی تریندی ریکشراو و جمولاتموی

نه تعلیسامی هنولداتی وظندگش کرودستیان له کزنگردکندا، کرزنگر، پریاریکی دریاری پشتیبراتی کرون له خنیاتی میطلعاتی فطنستین و تعریضیریا و پولیسساریز و کرودستان له پیتاری پندیهیناتی مافی چارطرس دا له ولاندکانی خزیان دا. منسطعی تم چوار میلفته پیکنرو له پیزاری یک بهاردا باس کراود.

یهگرمان میقلعش فعاهستین تعمدی به سعرکدورن دانا بز خزی که گدوردترین حیزین فعرضه تم مافعی بی رموا دیرد.

هبروها میللمتی تاریتیریا و پزلیساریزش تعمیان به سمرکمرتن دانا پز خزیان که گمروترین حیزین فعرفسه مافی چارمترسی پی رمزا دیرن. کمچی هندی گوردی داخ له دل یؤ میدستیکی دیاریگرار کموتنه هات ر هارار ر هبرش گردند ستر تنو بریاره و ستر تنو رهلندی بفشناری گزنگردی بوه و ، ستر پکهتیی نیشتمانیی گوردستان که کمو رهلندی ناردوه و ، هندی گوردی ننزان پیارهی تعر بریاریهان به گزنن هندی عالی فعرضی داینوه و داریدریان ین تطلبشاندن.

تیست له صنعت طعن تاسینی دوست ر دو آمن دا پدرهاوسان رونه. نه لیسلایی دوسکترتی حیدرانه ر نه به هزی خز دسکترتی حیدرانه و معشیره تی و خزی خز محکورتی حیدرانه و معشیره تی و خطواریکی هلواریک با تعولا دا پدری چاری لیکنانوسان ناگیری، بطاگر و دگر ریکخراریکی سعرمغز، چدکدار به تیوری زانستی که ریباز و سیاستنی گشتی و هطرست کانی له دوست و هزار دل به تعلیای زانستی دوست و هزاری زانستی دوست و هزاری زانستی دوست و هزاری نانستی

لهمه ناساندنی مصطفی کورد و بلاوکردنموری هنوال و دنگریاسکاتی و سطاندنی همدالات و ربوایی نامنالهمکانی بزویکتوی رزگاریخواژاندی گملی کورد له سمر تاستی جمههان، به گفائی دنها و حیزب و ریکخواره سیاسی و نخایی و زئیسنانهیمکانی و، به دنرگاکاتی نیملام و بیرووای گشتی، له ناو توانده به سرسیهال - دیموکراتمکان به یمکیک له تعرکدانی حقایاتی در موری ولاقان تنزانین، که خزشیمنتانه تا تیستا تماههای پاکیک له تعرکدوتی باشمان تی دا به دعم خیناد، ۱۹۸۳/۱۸۳۷

تزرى پەيرەندى بېتەل

یدکسیستی له روی پهیرهندیسبود زار دراکستونو بود. پهیرهندی تبسیران دنزگیا سعرکردهیهکانی ر هیز در ریکخراردکانی به نامه و تعتبر بود. له هندی شرین هرکی ترکی به کار تمهیزاء یکلام بعده تفتیرازا همدر ناوچهکان به یدکدره بیستی. هندی جار کلک له رادیر ورندگیرا،

یمختیاری برام چنند جاری پشتیاری بز کردم. هنرلی دامترانتدی تؤری پمیرهندی پدین ر، تامادمی خزی دورری بز تعلیامدانی. من تعملم زؤر پی باش و پیریست بر، پدلام پیم رانبور تدکری.

 هیزدکان نمبر. زلمرجار که تعمانتمتوانی کویپینموه به بهتمل قسممان له گلل یدکتری تدکرد و، بیرورامان تدکاریموه

له سنار هاسان منصبطه کناریم قامصناد و تاریکی دریاژی به عنارجی له گزفتاری دالقافه الجدیده دا ترسی.

دانانی سزسیال دیموکرات به دوژمنی کرود و ، پشتیرانیبان له کیشمی کرود به پسلائی ٹیسیسریالیترم و ، هارکاری له گافینان به تاوان ر خیبانت، بیگرسان نیشناندی بدیهاردنگی حشع و ، نزمی ثابتی فیگانیشتی سدرگرداینتی حیزیه کوردیبدگان پر .

تنفسيرى قررثان

من کسه منالا پره، پر تموی بمرطلا نیم، پارکم له پشسیی هاوینده انبیسردم پز حرجره، به زیر قررتانی پی تضوینشم، بی تعرفی تی ی بگفت، دولی خرم له یعفیا که پرم په قربایی زانستی سیاسی و ، هندی له پایمتدکانی خوینندکسان پیردندی په ئیسلامنده به فیرو روکن: پیرکروندوی سیاسی عفریس - تیسلام، میزوی سیاسی تیسلام و ، قانونه گشتیدگانی ناودورادتان، تاچار بهر په دوای هندی کتیبی تنفسیر و فیقهی تیسلام دا یگریم. یه کرردی هیچ سدرچاربهکم بدر دس ندکموت، یملام به عمرمی تعرفند زیر بر له زصاردن نشاهات، له تار تفلسیردگان دا دوازم علیوارد یز خزینندود و پیمناچزدود، یمکیکی گزن: و تفلسیری جملامین و ، یمکیکی نری: دلی ضالاً اقرازه به لم نسرسین بدرسینی بدرسینی بسید قرط،

کررد یمکیکه لعر میلامتانمی زور له زورده مرسرقان بره و، له پیناوی تیسلام دا شمنی کرده و، زاتای گلوره یا به یوناوی تیسلام دا شمنی نزری کرده و، زاتای گلوره یه برای ترسین، فیشه، تخسیس، کلام، زمان، تی دا هلکورتره و، کم دی همیه مرگلارش تی دا نمی، کمیس ملاکاتی کرده به زمانی کردوره بینک فیشد و مسولودناسه یه یمکی، شریتنواریکی تعریزیان به جی تعیشتره. تفسیری قررتان و لیکاننوی حدیسکانی پیشمند و، داناتی کشتیب له سعر قبیشهی تیسلام، به کوردی تعزیسواره، تغذابت درمایه کهان یمکی ادم درمایه کهان یم کردی تعزیروتیوردیوه. کالیک دا له تیسلام دا شتیک تیم رنگی اممه درمایه کهان یم کردی تعزیروتیوردیوه.

. قسرزان، یه ضارسی زؤر زو و، یه تیزکی له سندردهی دهستالی هنوسیستانی دا تفضیر و تعرجرمه گزارد، یه گوردی تعربی من بهسترمه و، دیرمه تعنیا ۳ تعلسیرد: تعلسیری مقلا محدادی جملی زاده که له چلدکان دا ترسیریتی، تعلسیری نامی و، تعلسیری خلاه، که هدودرکیان له مطالعات دا ترسیریات.

ماوریکانی شارم، همتر تمر کتیهانمیان بز نشاردم که له بعفنا به کردی و عمرمی درتیچن، همرونفا مطلبتنامش وهاوکاری و مانگامتنی دیبیان و رمزنامتی دروشیپی نریزی، هندنی له نرسعردگان خریان کشیمهکانیان به دیاری بز نشاردم، روژیک له گسا پیپایش شاردا، جزئری دوسی دنشسسیری ضاف و رجایی درصی دیشتی پشسینانه م پیپایش شارندا، جزئری دوسی دنشسسیری ضاف و رجایی درصی دیشتکش کرد برم.

شیخی خال و مَن، له دو تعمض جهاواز و، له دو شرینی سیاسی جهاواز و، له سعر در پیرویاومری جهاواز پرین. له ژباتم دا زؤر جار دیاری جزراوجزوم له بزندی جها جیا دا بز هات بو، بملام هیچیان ثموهندی نم دیارییه خزشحالی نمکردم.

له گفا شیخی خال هنرگیز رویمر دانششت برم، یکلام در ناسیاریی قرام له گفلی هبره به یکسیسان، و تارکتانی الکی گفتی به کسیسه کانی: هبره به یکسیسه کانی: هبره به یکسیسه کانی: فیرمندگی خال در پیتامه کانی: همیندر نام بیشترش، مرفتی زهاری، شیخ مارفی نردی، مسولردنامهی نعوشدر، قطسسیس مینری مدها، دومسیان، شخشدی کچی و شخسردی برازی، که له گفله که خلیمی خضوی برازی در منابع کانی بازی در خوانی سامی دا تاشار تاسیاد بهرن، هدر به هزی د. خصروی شیخ مستبقای برازی ر زارای در نام بایره، نام برم.

تم پیاوه گدوریه چندین بدهمی به نُرخ و گرنگی پیشکنش گفتگنگس گردی. له ناو بدهممکانی دا دوانیان جیگای تاییمتیبان هدیه: فمرهنگی زمانی کبردی و . تطبیری قررتان.

نامعیدگی گورتی پیزانیتم بز نرسی، سیاسم کرد بز دیارید به نرخهگانی، له خوای گنوره لفشسناخی و تصنفی دریام بز به قاوات خواست... من زیز جبار له نار جباف دا ددبس مزچننمه کرد بر و، دستی زیز ژنی له خزم گنورشر و پچوکشرم ماچ کرد بو، پهلام له همسر ژبانم دا تدره یهکنمین جار بر یز کسی بنرسم: ددسته پهرزدکانت ماچ تکلم ه.

له نار تیسندا حسین کریستانی له هسرمان زیاتر سزراش کتیبی کرردی تدکرد. هسر ثیر کتیبانس پزم تمهات، یه وانتیشبوه که نرسترهکانی پزیان تعاردم، ثم دا بعر له کتیبخاندگدی دا هطیان یگری، یمکی لمر کتیبانه تم تطسیره بر.

.

جها دا بز هات بر، بطام هیچهان تعوضدی تم دیاریه خزشمالی نهکردم.

له گلما شیخی ۱۰ ادا عدرگیز رویور دانشیشت پرم، یکلام دو تاسیاری قرام له گلمی همیره به کلمی بدیکسیسیان، وتاردگانی ادر گلمی کنانی نوی و دکشیسه کانی: فیمومنگی خالی و در در کشیسه کانی: فیمومنگی خالی و در در کشیسه کانی: فیمومنگی نوداری، شیخ مارفی توری، صعواردناسمی تعرفتار، تعقید مسیسی چنری، دومیسیان، تعقیدی کنچی و در در سیسیسی پرازای، کمه له گلما معر یه کنیان له قرناطیسکی خریشان دا و را له گزریکی خنیاتی سیاسی دا تاشار تاسیاد پرین، عدر به مزی د خسرسی شیخ مستبای برازای و زارایدو، لمو مطلومیرچه سخت و تالهارددا منی خریش پرود و کتیهاکانی بد تاره پرم.

ثم پیاره گفترمیه چندین بعرهمی به ترخ ر گرنگی پیشکشی گطفکش گردیو. له نار بعرهمیکاتی دا درانهان جهگای تابیمههان معید: شعرهنگی زمانی کوردی و. تطبیری قررثان.

نامعیدگی گورتی پیزانیتم بز نوسی، سیاسم کرد بز دیاریه به ترخنگانی، له خوای گنبوره لکتسساخی و تصنفی دینام بؤ به تاوات خواست... من زیل جبال به تارجاف دا ددمس مزچنه ی کرد بور و، دمستی زیل ژنی له خزم گنوردار و پچرکشرم ماچ کرد بو، پیکام له همسر ژبانم دا تعوه یمکنمین جار بو بز کسس بترسم: ددمسته پهروزدکانت ماچ تکفیا به

له نار تیسندا حسین کریستانی له هسرمان زیاتر سزراخی کتیبی کوردی تمکرد، هسر تبو کتیباندی پزم تعدات، به واندیشموه که نرستردکانی پزیان تمناردم، نم دا بعر له کتیبخاندکدی دا هطیان بگری، یمکی لمر کتیبانه تم تعقیره بر.

مباویه ک تصویست شارترآیی پنیدا یکم آه سمر جزری بهرگردندوی دینی و سیساس مردی در کشوردندوی دینی و سیساسی و گومدالایشی. هنشها له ترسدو گموردکانی کرود لعرائد: ممالا تهیهکسی مرمستیف. زاری کنیدهاش شم پرکمروه که کریه له کنیبخاندی خال دا همیر . جاریک به هزی د. خلسمروروه هنوالی هفتنیکساتم پرسی و، دارام لی کمره بو تگییر ریگه به فرترکری و مالی کمره بو تگییر ریگی بها دسختی کنیبدکدی بز ناردم. کنیبهکه به فارسی و به خاتیکی رمزانی جران نرسرا بردو. و بیشترکی رمزانی جران نرسرا بردو. و بیشترکی رمزانی جران نرسرا بردو. ماردیک خاریکی بود، یکام که له شدرکانی جرددوه گلام ماری تم روزد کارائم نسا و، ترسام خزم شتیکم لی بی و کنیبهکه یفترتی، له بدر تدو.

.

سالی ۱۹۸۳

ریککنوتنی ۱۹ قزلی

سرویا ر لیبیا هدولیکی تؤدیان دا بز کزکردندری مرهارصدی عبراقی. جنگی عبرای - تیران هبرای لای همدوان دروست کرد پر که ثم شده سدی صعدام بخوات. زؤر کرسپ له ریگای پیکهیناتی بدوبه کی فراران دا بدر یه کهیکیان تاکوکی تیران واردی و یه کیتی بور چند ماتکی بو تیمه برباران دایر نه گدا پارتی گزایی به تاکزکیهه کافان بهیتین. د. فرتاد معصدم به نریندرایش یه کهتی در تیمه درس بارزانی به نریندرایشی پارتی له پهیرمندی و کسورندوکسان دا، له شسام و طرابلوس بشدار تعین.

روژی ۲ ی شریاتی AT له طرایلرسی لینیسیا ۲۹ ریکشراوی عیسراقی لتوانه پدکیشن، پارتی، حسک، حشع، ریککتوانیکی کررت و پوخفینان تیسزا کرد. بنفه ستودکیکانی برتی بو له:

۱. پیکیپتانی بنوهیدی فراوانی کراوه بو همو لاینتمکان.

۲. پنرنامنی سیاسی پدره:

أ. روخاندني ريويس عيراق.

پ. دامنزرانینی رژیمیکی دیمرکرانی. ا

ج. جزیی هلیزاردنی رژیم تعریعه دمن گفی عیراق. د. سفاندنی تزنزنوس کوردستانی عیراق و دایینکردنی مافی تورکومان.

د. مسامی وجودی خروسی خورس و میهدودی کای جودودن. د. ریکفستنی گزیرندویه ک له ۲۵ ی شهات دا یز دانانی پدرنامه و پیروی

تارخزی بدره.

له ماردی ماتگیک دا پدره پیک بهیتری.
 لسرود تعیر:

ا. دسینی شعری راگتیاندن رایگدی.

پ. ناکزکی چدکداری تاوخز رایگیری.

بریار درا بر کزیرندوی داهاتر له شام یکری ر، لتر گزیرندویندا جنولند و جرد یدک بخرین، بملام پیش گزیرندوکه حشع له ریکترندگدی تعرابلوس پنشیستان بردود و ، گزیرندوکدی شامی تیک دا.

هارزمیان له گفا، تیم گزیرتنرانه کزیرتنری دوقرلی یدکیتی و حشع له رایازی ه - ۲ ی شریاتی ۸۴ له تاوزشگ گرا، تذکیرین لم گزیرتنراتندا ریککموتنیکی سیاسی بز کرتایی هیئان به تاکزکهیسکنانی تارخز و پیکهیئاتی بدری فراوان و ، هاوکاری دوقرلی تیمزا کرا، یلام هیزنکه مطرمترین کرودستان تالزار و ، له چند جیگایدک برده شعر له تیمزان پیشسترگدکانی یدکیتی و ، لاینتدکانی جردا قدرما بر ، زیر به راشکاری به دهستمی نریندرایشی حضع: کعربم تعصید. عنیدرارزاق صافی، تعصید باتیخیهاتی، وترا: که تدگیر جود له ناریهکاتی خواروه شعر به هیزدگانی یدکیسی پفروشن، نایطین تعوان له سعرکردایفی به تاسودهی دایتیشن فعرمانی شعر دمریکین.

.

له روزانده که نم هدواته له شام، طعرابلوس، نارزننگ.. بز یه کخستنی تعقیلای سیباسی نمبارکانی بهمس و، کباری هاریمش، تعدرا، چنند روداری نالمبار کنه لهگیما، تم هدواته نفاسازار رویان تعدا:

۱. هیزدگانی پارتی لد شریاتی ۱۱ AP به سعرکرداینتی حنسر صبرخان ژاژزکی و .
به پارسندی تبسران هانند نزیک پاردگساکسانی سسترکسرداینتی پدکسیستی له نارزنگ و .
پعرزاییدگانی بعراصبحریان گرت و ، هدوشندی داگیرکردنی نارچهکمیان تمکرد . صحنفهدی
وطان، فسترصانندی تبسیمی ۲۱ ی کشروش، نامسنی دوستساندی یژ حسسر نوسی و ، به
نریندرایش یمکیتی معتفدی رفقان و مثل ودیس، له کلا در کسی حشع رفایی ۱۲ ی
شریات چون بز بینینی، بز خارکودندوی گرژی له نارچهکددا . هدولمکه ساری نمگرت ، واکد
دریایی له نامه گیراورکانی ناو مطایکس حسن دا درکودن مصعود نارای بویر له بینینی
نریندی پدکیتی و در فدرمانی پی کرد بو جاسوسان و ناوچهکه بدر تدا .

مصعود ينمجزوه وولامى حصرى داروتنوه:

برای عنزیز حسز میرخان ژاژوکی پاشی سلامان

نامزدگفت گفیشت و هنوچیدگی ترسی برت زانید. به هیچ شهردیدگ هنی نمیر تهبره له گسا نموان دانهیشن. تسییدی تغیی بر تغیر شیران و صنحصبود، بعلام تعیی تر – منهمتی تریندردگدی بهگیشی: محملادی رطانه – تهمه رازی تعیرین و بروسکتیشسان بز کردی که نامی له گفا تموان داینیشن. تایا تم دانیشته چزن کرارد؟

من چآورورانی کاک ثیمویس تدکم، ثدگینا من خوم تدهاتم پر تدو تاویمیه و، تعو هیزی له گله خوم هیناوه مصریم تعینا، تصمال همو هیزدکاتی خومان تعفیده تاویمی قلادزی و رانید. تیستا گرنگ تدویه حراستیکی باشتان همی له شوینه حصاسدگان و، بر عمدلیات و پیشروی من خور دیم تبشاللا.

گرتنی ترقتنی ستری جائرسان پشتی دوژمنی شکاند - منیستی یهکیتیه - و من سریاسی هصو تعوانه تهکم زمحمنتهان کیشاوه، ثبنشاللا مخایمغ معرتبهیان بعزز نشکا

همره کر وتم پاشترین هیزی خزمان تمضینه ثمر نارچمیموه له یعر تموه پیسویست ناکات زیاتر پچمه ناو تطسیلانموه.

دوهای خزشیتان له خوا تعخوازم براتان مصعود بارزانی ۸۳/۲/۲۸

 حشع هندنی بیاتری داتاشی د، پاش چنند رؤی له ریککموننه ۱۹ قزلیدکمی طعرابلوس پنشیستان پردود. له ناو سعرکردایاش تنو بدرمیده همسو لایمندکان ردکو بدک یدک دخگیان هنبو. حشع له پیش دا تعدی قربرل کرد بر، بدلام لی ی پیشیسان بردو به پیساتری نموی هنشدی لنو لایشانش ریککتوتندکشیان تیسسرا کردو، هیزی پچوکن و، نابی هیزه گلوردگان و هیزه پچوکهکان ودکو یدک بن.

ربلای ۲۶ ی شریات سکرتارینتی جره بنیانیکی ترندوتیزی دژی یدکیتی دمرکره ر، حشع یش یادداشتیکی ترندی دا یه یدکیتی.

یه کردهره نارمواکی ریککمرتندگدی طعرابلوس پرکایدره. هطومدرجی کوردستان گهیشت برد نمویدری نالوزی، پیشمبرگدانانی بهگیشی و لایفندکانی جود له بهکتری نمین نمیون. ورکو تعمان بیستموه سعوانی جود، پاسی دتادیب» و ولوت شکاندن» ی بهکیتیهان نمود. نمود.

پیلگه گیراودگان دمریان خست: سترکردایتی جرد، له نار خزیان دا پیک هات بین گلفکزمهگینهگی چوار قزائی سیاسی - چهکدار یکمن بز گرتنی باردگای مطبعتدی ۱ له طبعی مامند و گرتنی باردگای مطبعتدی ۱ له بالسان، تینجا گرتنی جادری گزشتان -خانفا و، له دوا قزناغی لعشکرکیشهکدا باردگاکانی سترکردایتنی له نارزمنگ. دیاره له مطبعتگاندنی هردکانی خزیان دا ترخی (ور - عطب نگاندن و له هی هیزدکانی یهکیتی دا ترشی از - هداستگاندن بهرد.

نمندامه کانی لعش و شکان

مسمود له آنامدکنی دا باسی دپشت شکاندن» و سعراتی تری جودیش له همو چیگایه ک یاسی داورت شکاندن یان تکروین، من خزم در جار لرتم شکا بر جاریکیان به منالی و جاریکیشیان به گنورهی، جاریکیش قاچم شکا بر، تنو ماردیش بریری پشتم ترشی دیسک بریر، تعریش جزیریکه له پشت شکان، تعنزانی تازاری پشت و لرت و قاچ شکان چیه!

شکان و شکاندن، به روتی چند صعمایان ههه دوکسر: رود کسردن شستی دوت. داینزینی ترخی پاره و کسلوپطا، روسسرا یون. یعلام له کسانه تعنداستهساتی لمش دا ریزی وشسکاطی نوی ی لی تمکمویشنوه هم وصفعنای حطبیشیری ان همید و هم وصفعنای معهازی واکو:

سمر شکان: تیسشکان، ودکو تطبین: وپهلاساری دا بهلام به سمنوی شکار و جلی درواوده گعرایدوه

زمان شکان: له قس*ه کنوتنی کاتی سنومنو*گ. یان ودکو دوهای شنر: دزمانت یشکیا:»

دمس شکان: دمسخسترز کردن. یان وهکس تطین: ودمستی شکاوم.. ، بز مسردتی

کسیکی خزشتویست یا له دمس دمرجونی هطیکی په ترخ.

تعریز شکان: تمو یعری وره یمردان و داروخانی دمرونیی. رو شکاندن: تعریق کردنموه.

لوث شکاندن: تسی کردن، شکاندنی غرور و بایی بون.

چاو شکاندن: توقاندن و ترساندن.

دمم شکاندن: رطامناندرس قسمیه ک به قسمیه کی رطعر. یان راکم درهای شدر: ودمت بشکریاه

مل شکاندن: هطتان په فیل پز گلاندنی. یان ودکو دمرکردن په سوکاپنتیسوه: وملت شکنداه

پشت شکاندن: تی سردواندنی جنزرمیدکی کوشنده.

دُل شكاتدن: رواجاندن.

قاچ شکاندن: معرشدید، ودکر تطین: ویئیت یم ناردد! قاچت تعشکینم!» ثمیر به خزمان یکدرین بز تعرض ترشی ثمر مصر شکاته نمین!

.

سدید صادق ر بالانتدران

مانگی شرباتی AF جاریکی که بعص به عزی حدکاره جرابیان بز ناردین که حسان رهدی حکرمت تعیانی AF بارین که حسان رهدی حکرمت تعیانی که گفا مامجهالا و ترینرانی یهکیتی دانیشن. دارای لی کردن که تدگیری به بینیان به خریان به نیز نارزشگ. حسنیان نمکرد له جبگایکی زیک تعلادز بی، یعلام تهمه پیمان داگرت که بیند ناروننگ. رهفتی عبرانی به ترورمها عتا نزیک سرنی هاتن، تهمیش دهستیه که پیشمنرگمان نارد پیشرازیهان یک بیان دادگری من له زینری سرز جبگا و ریگامان بز ناماده کردن.

رائی ۱۷ می شربهایی ۹۳ نریندوکانی حکوصت جاریکی از طائعود. وطدی حکوصت مصاریکی از طائعود. وطدی حکوصت، نعین صحماعد برد ریگای سرق - نارزینگ بفتر گزی پستر: اغیر تحصده با نام وعردی، نعین صحماعد برد ریگای سرق - نارزینگ بفتر گزی به بی بطرحکین بست بود. ولا نفی فتر نام به بی هات بود سدوا یک از کیشان زور ساند بود. به بی هات بود از کیشان زور ساند بود. به برمسان کردن و، بردمان زور به کرمی پیشرازیمان کردن و، بردمان پزاین تعرفان کرا بر تا بحسینده. نمیر تحصد، دیار بر شماعت پیره، به گلییمو، به منی وت و کاکه تعانمی تشکیلیسان بدن را تیسمان مینا بردا و درد و در به بازانین، نز تیسمان دینا و تیسمان بدن را تیسمان مینا زازین، نز مینا بر مینا بردا مینا بردا به درد بازی بردا کرد جیگاریگاکمان بیبان ر تیسه مسکورت هدی به باشی ماندوین یکدو. معزمان کرد جیگاریگاکمان بیبان ر تیسه مسکورت

رامتیدکس تمانویست ثبر قسانس صنددام له ستر دراکترتریی و بی تاگایی تیسه کرد بری به درق بضنینبود. چگد لعوس مسیراتناری باش ر، چنندین جنزر خبراردن و خراردنبرصان یز داتان، چنندین گزفار و روژناسس نری و کتبیس تازه چاپکراوسان به زمانی جهاجهای عنومی، فارسی، تینگلیزی، تمانی.. پیشان دان. ناتهان براره کمی معقری اقان پیشکمش کردن نبیان خراردمود. له یمر ماند بین زور کم ناتهان بز خرار، طرایان کرد شعر دایشتین بز تعوی روزی دامانی یکمینمود بز قداد زد. قسمکمی جاری پیشتریان روتدو، که تعران تعنیا قسم تعیان و قسمه تعیان دهسدالای گفترگز و بیادرانیان نیمه باشکانی جاری پیشتر دیباره برنورد. نریندر کانی حکومت پیسیان له سعر تعود دانگرت که سامت معمل کستمان چارستر تمکا، یاسی تعریشهان کرد که پیرخدیان له گفا چاری یش کردره و دله گفایان دانیشتری و له گفترگز کندا چونته پیشده، مقام نیانرت باسی چیهان له کفا کردره و دله گفایان دانیشتری و له گفترگز کندا چونته

مامجدالاً هدالی ثم کزیرتدریشی به نامدیدی تابیدتی بز کتریم تعصید نوسی.

شارویو له زور کوژنوه مطبختی معلایها برد. همدر سال زور کمس به لدرز و تا مدروی از کمس به لدرز و تا مدروی کیدودی لدرز و تا تدکیری. زور نمخزش تمین بازگی کردوکمی لدرز و تا تدکیری. زور نمخزش تمین بازگی کردوکمی زور خوش تدوی تعتربی بری، بریار تندا خیر بز کردوکمی یکا بلکر لدر تمخزشیه هفشیسیده مسیده سعید صافق و بالانتمارا نوشاخان به مسید ارتباکی بازگیری کرد کمی به سعر ارتباکی مدر یدکیکهانده معزاری پیارواکیکی لی به، کابرا گیستگیک تدکا به خیری سعید صافق و تهجیمه بدرامیدی تفک به خیری استخدام ایکنی اسالات از دیدگیسته بدرامیدی، تفلی: دیدگیستگی چاکی تدکسیده باشه، نایکنی الاتحداد به کلفت در تکافیکی الاتحداد به کلفت در کو تدکالات

تیسه تصاندراتی تم دانیشتنه به نهینی بگرین، نعیلین کمس پی برانی، بعلام خزمان به تعلقست به تاشکرا به جزریک ریکسان خست، که همسر لایه ک، لایعنمکانی جود، مکرمشتکانی قبران، سویها و لهیهها پی براند، لعوبش معهستسان تعویم، ویکر چیرکی گیسک و کهلشیرهکنی کابرای شارویری تی بان بگهینین، که داکمر تیران و جود تاساده نین شعرمان له کما رایگری، تنوا بعصی مصنونه شعرمان له گما رایگری، تعربا هیزی سعرمی له سعر تعرفی کوروستان که تشکی به عیران عطینی بو، هیزدکانی بیکستی بو، ندک هیزدکانی جود، به واگرتش شعری به کیستی - بعصی به کردوده شعر نشاما، توسا دستی به کیس بعثال تعویز تعران.

کسینیکی کریز

چرنی هیزدگانی یدکیتی یؤ یارمتی دانی حدکا و، هاریشی هیزدگانی پارتی له هیرشندگانی تیران دا یز سعر ینگدگانی حدکا و هیزی پشتیبوار، گرژی خست پروره پیسرشندیگانی یدکیتی – پارتی و ، پارتروانی تدو تدکرا ثعر تاگریردی بی ریککنرتنی سیاسی له تیوان هدود هیزب دا تیمزا کرا بر، آیتر بر تدکات. له پر له شاریالزر رودادی میرا، به ینکهاری تاگری شدی سنوانستری هلگرساندو.

جنزای عطی کالب ماوریدگ پر هات پره شاخ. بربر به لپپرسراوی نارچدی سلیمانی پارتی، جنزا هنوالی پز من د عوصدی حاجی همهندللا نارد کده دیاوری به حیربایایش تصاوه، بربه هاتزنه دعود له سلیمانی ترساره پکتینی له پنداره بیکتری، کاتی خزی به هنی سیاستانوه دوزهنایتانی له نیبوان تعر و گزگزیهمگان دا دورست بعره ناکتر تیمه له کلی منصوری حاجی غفرج که تنوکانه سنوتیی هنوزامان بود، ریکی پخمیندو، باری دارایی باشد، واز له تاوچه و پارتی تعینی، به بهکجاری سطعری تعروبها تمکا. و

جعزا له کاتی شعری ناوخزی جعلال – معلایی دا، له کرتایی شعستمکان دا له سد داوای هیستمکان دا له سد داوای هیدار شعب تاریخی معلوی باری له ناویهی هعلهیده، خالیدی حایی باری له ناویهی هعلهیده، خالیدی حایی باری له ناویهی هعلهید، خالیدی خایی کرد فیدکان له سلیساتی برایکی جعزایان معلویی بالی جعلالی بو . له تزلی تصدا کرکزیدکان له سلیساتی برایکی جعزایان سیاسی بو . خالید فاوییهگی نزیگی من بو . ناکزکی شعفسی نهبر، یعلکر عزی قسیاسی بو . خالید فاوییهگی نزیگی من بو . ناکزکی شعفسی نهبر، یعلکر عزی قسیاسی بو . خالید فاوییهگی نزیگی من بو . ناکزکی شعمی دی معدودی حاجی فعیری مان که پیشعره مان نمود، ناکزکی سیاسی مان له سعر حیزبایهتی هعبره، تبده چی یه چاک تنزان من پی ی وازم ه . داراسان لی کرد له کلی دانیشی و نافته به بینعوه . وازم به . داراسان لی دانیشی و نافتهی بینعوه . وازم به . داراسان لی دانیشی و نافتهی بینعوه . وازم به . داراسان لی دانیشی و نافتهی در نافته بینعوه . وازم و معنوامان

ئیسسه لام کسین و بهینده برین به بیستسله هدوالمان بز هات رؤژی ۱ می نیسسان پیشمه گرفتی بهترایان کوشتره. به راستی همورمان زورمان پی خاخزش بو. لامان وایر تشمه تارانیکه نایی بی سرادان تی بهری، به رادیر رونگردنمویمکمان بلار کردمر، به داخوه روداودکمان باس کرد و . سعرمخزشیسان له کسرکار و هاویکانی کرد، بطینمان دا که کرکرلینه له گله یکرونکان یکین و . سزای تارانباردکان بعین. پارتی چرنکه له بیانر بین وا به خیسرای دهستیسان کردموه و کسوتنه کوشتن، مطبیکتی شونیان له تعلیمامی زنجبرمیه ک تاران دا فعونان.

دارەكنى حسک

حسک له شارباژیر و شاروزیر ناربانگیان باش نعیر. به نارورا نازاری خطبگیان ثعدا و پاربیان تسدند و خطبگیان نداد ریالدس بریگای سلیسانی - چهارتا له نیوان بهلدس و در در در نیالدس داد داردی این بر ، پهشمنرگدانی حسک نقد روزا له بن نعو دارده از اندوستانی و در دعر نوتزمنهایک نمات و تعرفیشت رابان نگرت پاربیان له رییواردگان و بخزینهان له شرفیردکه وردنگرت. بعو طبعیون نام داره ناز را بر داردگدی حسک و، له سعرانسفری ناربیکدا ناوی دمرکره بر . لهپرسراودگانی حسک هانی پهشمنرگدگانی بهگیتیهان تعدا یهک بخریان ناده این در نوترون به ناز نمواندو، هندی جار کادر و پهشمنرگدی بهگیتیهان تعدا به بدیان نامدان.

نیدانی مطبعندی ۱ و همرممکانی حسک ناخزش بر. حسک له شاربزور چند کادر و پیشمبرگای پکوپتیهان گرت بر. چندی به خزشی همولی پدردانهان درا کملکی نامیر، تنهانریست به پاره و چدک پیسانلسروشناره. هارزمسان له گستان انست و چند پیشمبارگایدگی همرمی ۳۷ ی شاریازیرش چند پارچنیدک چدکهان قراند بر، چریزنه لای عرمسائی قالمی متمورد. عوسان فدراندی هدیرمی شاریازیری حسک پر.

کدرته کانی تیبی ۳۷ کنوت برنه تعقلیبی عربسان بز تعرص بیگرن. عوسمان

کابرایه کی رویا بر زار زر بزنی معترسی تمکرد. ثبتر له هاترچز کمرت بر. ثمر راژه چند پیشمبرگههای بهگیتی لمو نارها نمین. یمکیکهان تلمنگیکی له دمی درتیبی چند کسی له خزیان ریندر تمکا. جناز ریست بری پیدارهپیهان له گدا پکا بیدانکمیشیم، نمایشر پیشمبرگایی خزی سرار تمکا و، تمکییته ریگا. کسینمکس تهیی ۳۷ که له دورود نراوسیله کسی مرسدان تعیان و، تمکییته ریگا. کسینمکس تهیی چاروی کردن دایان گرت برنده، عنر لمری دا جناز و در کسی له پیشمبرگه بریتناردگان و ساخمکان گزران، که تمینه سعیان تینها تنوان دو کمتی له پیشمبرگه بریتناردگان و ساخمکان گزرد،

تآوات تمیرت: دمن معلا بعضیار دادای ای کرددم هرسمان یگرم یز تعربی له گلد گیرادکانی همورامان بیانگزریفتوه. پیشمنرگدکان له بالی تعربی بیگرن به نیازی کرهشتی تطبیعان له ترترصریهانگستی گرددر دایان زانسره هرسسمانی تی داید. به همله جمعزا بعر کنرتره: در پیشمنرگلی طریقسانی له گله گراراده. به پیشمنرگدکان هممان قسمیان دویاره تکردوه:

معلا پدفتهار تینگاری تدکره که داوای گرتنی هرسمانی له تاوات کرد یی.

هندی کسی که رودارهکنیان به جرریکی تر تدگیراینود. چنند پیشسترگنیدک چند پارمه چنگیکی تنهی ۳۷ تطریان و راتدگنن بز آلای هرسساد. تاوات ناسیدک بز عرسمان تعنوسی داوای لی تدکیا دسیدجی چنکدکانی بز ینبیتنود. عوسمان به شهردیدکی تشهیرن ودلامی تعدانود. له سعر تنوه تاوات کممیتی بز عوسمان داناوه و، بز یعدیمتی جنزای تی کعراد.

روداودکنه هدر چزتن یی، بیسانوی دا په جنود و، له ناو جنودا په پارتی، شندری سترانستری دمن یی پکاتدود.

.

له پیدونشی دا برین له گفا، مطیعت یز گرتن و لیکرلیندوی یکرژوکنان، پارتی چرنکه له بیناتر تدکنوا، بی چاوبری کردنی ثینجراثاتی یهکیشی در کناری تولمسیناتنیان کرد:

 روژیک دوای روداودکس جنزا، ۲ ی نیستان، له گرودیم پرسیدکیان نایاده له نار ترترمریپلیک دا ۸ کادر و پیشممترگس یهکیتیستان کبرشت. ثم پیشممترگانه لعر رودارده بخشار نمین و، نمیشیان بیست بر شتی وجه قدرمارد.

 له کاتی شاردنبری تورس جنزا ر هارریکانی دا، حفالی تحصد بهگ، که خزس جنزا بلام پیشمدگای بهگیتی بو، بی چهک چر بو بعثماری معراسیمی ناشتنی بگا، هدر لدی، دا گرت بدیان کشت بییان.

تیدر هطرمنویی مطینندگه را تیکیر. هیزدگانی هدردولا کزیرندو و سنتگریان له یه که گسرت. هم لایه همولی تدادا لایهکسمی تر به شکاری له نارچهکسه دریکا، ژمارویه کی زور له پیاوماقران و رش سپی و مملا کموتنه خز بز ناروی مطبختی ۱ و لئی سلیماتی پارتی و ، خاوگردنموس گرای و، گیرانموس تاشهی، لیپرسراو،کانی پارتی به لاساری و کللمولیموه نارولههکهان رفت کردود.

- 1

لمر کاتحدا تیسته تاپلوقته درا برین له هیچ لایهکنده دیگای هاترپورسان نمبر بز در هردی گرودستان، تمانتغزاتی نامه و پلازگراردگانی یمکیتی به ریگرییکی بگفینین به مطالحاناتی دورمرسان، جاوریار پیماسکافان به کزه و به رادیر تمنینندوه، له شام ومیان تذکرت، مطرصعری کوردستان به تعواری شیسوا بور. شنری ناوطر خفویک بر همسر نارچهکان و معمر لایمنکاتی نگرگتوه.

من به تنمای سنوداتی تاویدکانی سلیستانی و، کنورندو له گنا، مطبعتدکان، سنوتههدگان، ریکخراودکان، کنوتدکاتی ریکخساند. بوم. له گنا، تازاد هنورامی، قادری حاجی هنانی بدگ، روحمان سنیده، سنانیس حنمه تافا، محصود اکم به ماکزم محصود نامسرا بور) به بخشبهاری برام... له تاوزخگاره به ری کنوتهن، بطر تاریمدکانی سنور و شاخدگانی گرت بود له شنانی سنفت و بطراوی هومل سان دا و چریته بهشتری، لهم نارچیدها به مامی گنوره تلین: هزشلی.

دهندری سیاسی حدکا باردگاکیان له پیشرش برد تعوان تطفقزی سدندالاینیان دهبر ریگایان دام به تلفظرندگیان قسسه له گیاه مظالاتی تعویها پکم، تصویست سرفیان دام به تابنتی دارایان لی یکم دارا له سرویا و لیبا و فلاستینهای یکن، که تیسان بلم، به تابنتی دارایان لی یکم دارا له سرویا و لیبا و فلاستینهای یکن، که تیسان در برد معربی علویاری دروره تعو کاته له لفتدن تنزیا، ژماردگی تعوان لی مرد مرد میش دیگرت، تفلفزیم بو شالی تیبراهم تصده کرد. عطر علیگرت، ردم: و من فلاتم قباط و کافیزی بهیئه معندی شت بی تغلیم پیزسه و بینه کاک هرسر، چرنک کاک هرسره دسی تذکیرده و پیکستر ولی: وصریاردک بی تؤیش گهیشتیت تعویاه جرد، به تابیشی ضع، تعویفه به درز باسی پیرشنی نهیش و ژبیبتری یه کیتیان کرد گیل خاریک برم تی ی پگینتم له جیگایکی تضینره قباری دستو قسه تمکم و، چی له کار کم زور یاله و پیرسته، تعویاد له جی باکنیم داخت معنی مالمقانی رویشت، تاترمید برم جنریکم پی دار تعلقزنکه داختیاه.

اران الدوره پویشوه دیری گوردستانی عبیراق سعردانی کملاردکانی باوزی، رازان، متختصان کرد، که نازه پیشمعرفی هندیکیانی ناران، دادان برد. بما کند به برده و باردگایان لی دانا برد. بما نار کند به برده و باردگایان لی دانا برد. بما نار کند به ناردی، لموی برد. دوگای راگییاندن گواستیریانمره نموی، راویرکیشیان لموی خست بردره کار. به تما دوگای راگییاندن گواستیریانمره نموی، راویرکیشیان لموی خست بردره کار. به تما بردن زویم باردگایانی سعرگردایشی بهنید نم تاریجه.

یه گرویس له تاوی زی پاریندو پدری تاسترس. لامان دایه کنلاودکانی مسرتشگ. نارچهکه ناکمین بور، مطربزیهکی حسک له معرکه پیشسترگیدکی یدکیتیهان گرفت بور. هوزیکی یدکیتی هات بر بز راونانی مطربزدکانی حسک. رؤزی ، ۱ می نیسان قمیزیک له پدینی مطربزدکانی حسک و هیزدکانی یدکیتی دا له تامزس قدرما بور، مطربزدکانی حسک دامستهان وطالت بور پیشممترگاندگی یدکیتیهان گرت بود ناوید کمرت بر له نیپی ۲۱ می کمرکرک، تعوان شاربزای نارچهکه برنوخیان معتار دایر. روزی دوامی چرینه تاوهژی، هنیدولرمنیم هنیدوللا فنوسانندی تیهی ۵۳ ی تاسترس پر. سالدکدی لنوی بر، روستم و هنتدی له پیشمنرگادکانی تیهی ۲۷ ی کمرکزکیش لمو تاوه برن.

شعبال و باداوان

شعر له تاودگی مایتود. بیبانی ۱۹ ی تیسان له ماله کنی هیدار رحیم نوست برم.
شینطی هطیان ساتند. هیدار بحج نامهیدی پیشان دام له ریکخراردگانی تارشار دو بیزیان
های برد اندامکده ترسل بر که روزی ۱۹ ی نیسان دام له ریکخراردگانی تارشار در حشم
له باداوان پنسیدگیان تارفتره 6 پیشسترگدی یهکیتی تی دا کیزوارد، لدواند: شدسال
له باداوان بیبی کرنسرت و، سنویاز تصمید جیگری فدرماندی تیسیدگد، هدودوگیان
پیشسترگدی مطروزه سروتاییدگان و دو پیشسترگدی هداکترتر برد. ترمیز مطروزه کمی
سبک که له تاسزس کشا پرنبوه، چیرید کرنسرت، له باداوان له گلا نیفرزدیدگی حشم
یهگیان گرت بردود. شدسال تازانی تعون له باداوان، له گملا سیمیاز و شورش حاجی ر
چیند کسی له پیشسترگدگانی تیهیدگدی به سراری ترترمهیل کنچی باز باداوان. عمر که
دانین یهکستر دایان تدگرترده، همر لعری دا پینجیان لی کوشت برن و، کسوت برن
دارتانی توانی برای ترانی و در ارزانی توارش این کوشت برن و، کسوت برن

هنوالم یز تیپی کزسرت نارد بینه لای ئیمه له معرگه و هاتن.

شعر له شاریاژیر

سترکنردایفتی جنود فنرسانی دایر به هیزدگانی همسر لایمنکنانی جنود پیکنره پلاساری بتککانی یککینتی بغدن. بغدادیت اورون، لیپپرسراری شاطیعی سلیسانی و کمرکرک، تم فترماندی جیمیجی تمکرد. تفاتات مکتبی سیاسی حضم یش دارایان لی کرد دارگاری هوزکانی جود یکا داری یککین، به قسمی تعراقیشی تمکرد.

پدهادین له کزئره له گنا، سمرانی حیزیه کدن له سعر کرزمنلی مصنطعی گرنگ ناکزک پر، پدرامینر ناکزگی تیران حیزیه کروه پینکان رخی واپر، تعوه تاکزکیند له تار پاسکه جیارازکانی پزرکتوری نعتوجی کرودا، تعی حشم لعر ناکزکیندا پیلایتر بی و، ختری لعر ضمروه نمگلیش، جگه لعملیش، بعدادین تعیزانی تعرازیم پسیز به قازانهی پدکیتیه، لعر نارچهیده صدر شعری له تیران پدکیتی و لایشدکانی جردا آمی، به قازانهی پدکیتی بیلادا تکویی، تیتر بیری طری تیکنلاری شمریکی داراد بکا: مطربستدکمی بعدادین میزدکمی حشمی لعر نارچهیدا له زمرد و زیان پاراست.

روژی ۱۹ ی تیسسان شدر له شباریاژیر هلگیرسا. روژی . ۲ ی تیسساتی ۸۳ کرتایی هات. هیزدکاتی پارتی و حسک له سورکیس تارا برن و به شکاری کشاندو بز تیران و، هیزدکش حشع، به سلامهتی، کشایدو، بز بدری قارهاخ. لدر کاتدا من له بدری مدرگه برم.

. هنوالدگانی له مطبختان ۶ و تیپهکانی و ریکخبراودگانی نارچهکنو، تنخان و ، نامکانی له درستمکافانتوه پیمان تدگلیشان، همریان رایان تدگلیاند، هزدکانی لاینتدکانی چرد: پارتی، حسک، حشع، پاسزک، له دموریدری بالیسان، که بارهگای مطبعندی ٤ ی لی بر، کز برنتدوه و تیازی پعلاماردانیان هدید.

به پیستمان قسم له گیاف صاصحهالان و مدکستین سهاسی کرد ، ثنواتیش هممان تاگاداریهان هغیر. وا ریک کعوتین:

۱. عصر هیزهکانی یدگیشی ساز پدین یز یعرپدچفاندودی همر دمستغریژییهکی یکریته سنرمان.

۲. تازاد همروامی بچی بر سازدانی پاشماردی هیز،کانی مطبعندی ۳.

٣. منيش يعشى له هيزهكاني مطبقتني ١ و ٢ له كله خرم بينم يو ناوزمنگ.

د الكبر الافتحالي جبره پالاساري منظيمتدي ٤ يان دا تيسمش پالاساري

ستركرهايتييان يدبين له قرناقار - پشتاشان.

نازاد همورامی کدوته ری بهرو بیخوین و لدیره یز ودرتی. رحسان سمیدیش له گلی کوایدو. رحسان سمیدیش له گلی من گلی کرایدو. رحسان حمزی تدکرد تاریدکانی سلیساتی بیبنی، همر بعد نیبازه له گلی من هات بر، تارمزدکای تدهانه دی. منیش دیستم له دهشتی قملادزوه به کررتنرین ریگادا یگمیسود فارزشگ. یکم معرالیسان بز هیناین جاش سعر تاوی زی باد لی گرت بوین، جاشکان هندیکیان سعر به لایهندگائی جود بین. لایدر تموه بوده شارستین و لعربوه بز سمرگلی. هزریکی چند سعد کسیم کز کردوه و له گله خرم بردم یز چرخماخ و مالومه و سعر در مرد و بروین دارمه و مداره به درل سفره و زمین دا جریته همزنه بدرد نارزشگ.

به ریگاره برین بدود نارزشگ بهستمان هیزدگانی جرد پهلاماری بالیسانیان داره درلی بالیسمان، درلی صفادگان و، درل تاکریان گرتره و خدریکی گرفتی درلی خانطا و درلی شمعیدانن بز تعربی ناوزنگ به تعراریتی له نارچهکانی هعرلیس دابیین و، هیزدگانی پهکیتی که له درد شیره – سفرچاری مفلمکان گامارو درا برن بگری.

لم شعراند! ۷ پیشستارگانی مطیعتان ۶ کرژران، لاوانه: نامیق محاعد شرکر (پیشربر)، تُحمد قمیماری و، چند کمسی بریندار برن، لغوانه: عطی نابی، شاخعوان، دلزار حدیزی.

پیشرط کادریکی عطکعوتر و رؤشتیبری کزمطه، ضطکی گئرگرگ و دموچری (اقتصاد) پر. ساویدک پدرپرچاری دهروی پیگاپاندنی کادر پر. خزی دهرسی تاپرزی سیاسی تعوتبود. کتیبیکی گئوردیشی به کرودی له ساس تاپرزی سیاسی نوسی پر. قریا ندگترت چاپی یکا.

تمیند قلمیدی یدکی له پیشندرگدگاتی مطربزه سدردتاییدکاتی دهتی هنرلیز و، هارری ی کزمطه یو، له پتر تازایطی و زیردکی بر یو به قدرماندی کنرت.

دلزار کیری یدگرناهای حدیزی ید. یدگرناها یدکی بر لتر تطبستره شررشگیراندی کرده که له بسهورینش متعاباد و له شروش تباراد دا بخشدار بر. دارار لاریکی بنترخ و تیگذشتر، ددیوری (کلیتن اداره) ید. گرللمیدک له میزدیاکی ستری دایر، مدرد چاری کرنز کرد در چارکانی هنرگزر ریتاکیهان تی تعادیره.

کطریطی مطبعت و مالی تعتبامه کانی تالان کرا. شدرمه کی سعید کتریم گیرا بو

پاسپورتهکس که سروی بود له گلهٔ نامیدکی که من بوم نوس بود له ناو شندکانی دا. گیرا بود. دونگاکانی راگهانشن لایشکانی جود چند جاری تم نامیدیان پلاو کردوتمود. له بضیکی نامدکده بو سعید کمریس نوسی بو:

دیه هزی سوریا در لیسیساره زدشتیکی ززرسان بز ق م در تیران بردره بز تدوی دیرمان بی نظروش و پیدادی بزرسی در شده من شدرمان بی نظروش و پیلاماری مظلمره کانی تیره تعدید، دراکموسی هیرشدگیان به درش من تدکیری که تمگیر وازمان نی نعوبان نیم نشون که تمگیر وازمان نی نغوان بدران بهمین در مؤمان بزر نظران تعرفان یکمین در ترال تعدید می تمثیر نشون تعدید در نشستا برادمران لعری خمریکن که زلز له تیران یکن هلریست تیران یکن هلریست تیران یکن هلریست تعدید میرودند، هروان ناکمه به قدم میریدک مطریست

پیشتر چند جاری له کزیرندوی دوقرلی دا له گفا حشع پیمان رت بین که تدگیر شعر له خراری هطبگیرسیان، لیّهان ناگامزینن ثنوانیش به تاسردویی له پشتاشان دابنیشن. شعر تعذیبته نار سترکردایشهیاننود.

پیگرمان منیش ودکر همتر کرودیکی تر له ناخی دلدوه نم شعرم پی ناخرش پر. رمنگ بز من، که له پاهیکی بدرتری لیسپرسراریتی دا بوم و، همسر ژبانی خنزمم بز مصطدی گذابکم دبرخان کرد پر، ناخرشتر بون.

حشع و پارتی و، لایفنکانی تری جدود له هیرشدکانهان دا بو سعر یدکیستی، پنتایان تعرده بعر موهاتوانی زور ترم. بعر پیشسعرگه قارمناتاندی، که رژیمی بعسسیان هیئا بره لعرزه و به بهراوه گارایاندی جملاده کانی موسل و تعیر غربهیان سعرسام کرد بود، تعرت: جاشدکانی شسترشش و جاشدکانی بعص، تم جدود پروپاگانده ناراسته له باتی تعربی به قازانع باگریتموه برز جود، له ناو پیشسعرگه و جمعاومی یدکیتی دا، بو بو به بد مری خواندنش داخیکی قرار و رویکی تصور له جود.

- سعرکرداینتی حشع و کادردکانی، ژماردینکی کنمینان نعبی که له کوردستان بون، تنوانی تریان له سوریا و تعویویا نیشتعجی بون.

- سعرکرداینتی پارتی و کادر و پیشمنرگهکاتی، ژماردیهکی کعمیان نعی که له

کوردستان بون، نموانی کنیان هنمو له تیران دانیشت بون. - سنرکرداینتی و کنادر و پیشسسترگدگیانی یهکستی، چنند کمسیکی کسمی سنرکرداینتی نمی که له سوریا و تعورویا بون، تعوانی کمیان هنسویان به خاروخیزاننزه له

کوردستان بین. بر کاتبره که پدکیش چر بر بنز بارمخیدانی حدکا، ثیران فعزمی له پدکیش گرت پر، نمینمغیشت جرد له گفتا پدکیش تاشش بکا، دعرگای مغلیزاردنی سیاسی، بز پریکنورن له گفا پدکیشی، له ژیر گرشاری فیرانی دا، له لایدن جردود داخرا بر، تیسه

تَسَها در عَطَهْوَارِدَنَى سختنان له يعردم دا بر. مطبواردنى سيهمان نعبر: عطبواردنى يككم، صيفان چرل يكيين يز جرد، يان ردكو هندى له لايخمكانى جرد تبيانرت: بچيفوه يز لعيلهكانى بهكرجز.

هطرواردتی درم، له معیدان دا بچنقین ر، تیمه تعوان دس کهین.

جبیگهیکسیان هیر دالدیان بدا ، کعر کانه کیسته نه له تعزز و نه له تاسسیان جبیگهیکسیان نیور بای تی یکیون ، قو ناوچه پچنوک نمی که بازدگاکانی خوصان و مطبعندکان و مال و خیزاندگافانی لی پو ، تعریش کموت بو ، پدر معترسی هیرش عبود . هیزدکانی پارتی به سعرکردایدتی حصنر میرخان ژاؤگی و ، به بازماتی تیران چریونه سعر چهای جاسرسان ، بعراصیتر به ناوزنگا، جاریهار هاوشی به بازدگا و سالدگاندو ، تناز ناوزنگ کموت بود معترسی گیراندو ، تیور چزش یکین.

ناچار بوین شعر له سعر مانی خزمان یکنین.

همسر گفایی له سیارهای آثانی دا که پیسر له پاشستروژی تمکناندو، هیسوای زور و تارانی جزراوجزر و تاروزی سور و مزری له لا دروست تعی.

منیش رهها پرم. یعلام هصر جاری ژیان پتر ثاقارها تاریا که به تصای پری. تارات و تاریزو ر هیدراکان له گف روداردکاتی روژگاردا ثبن به دالفندی راپرردر و، خنیالی له چیپجی کردن تنماتر و، خنوتی به دی تنماتی...

یک خربندنی سانعرم تعوار کرد، زمانی عبیدولکتریم قاسم پر. لعو سعردسعدا کرره به تاسانی تنبعرانی بچسته کلیدی عسکری، تنگفر چریستایه کعرانه پر تعو زمانه منیش له کلیدی عسکری رومگیرامایه، بعلام خور هیچ تاروزیهک نعیر پیم به تنفستر و معزم له ژبانی عسکتری تفتکرد، تنگیری تعو زمانه تعلسر پایدیکی تاییمتیهان معیر له نار کردما دا، تعتالت به زمانی کچانی خوازیتی کراری بهقداره تعیازت: ولو مالارم لو ملازم به. من معزم له ژبانیکی تر تفکرد که هیمن و تاسوده بی.

که برم به پیشمدگد، له همر ژباتم دا جگد له چند حقتیدک مشقی وکتاتب الشباب هیچ دورویکی تعدیمی عسکترم نعدی بر، تعرش له برترفری درای جنگی شش روزمی عدرج – تیسراتیل، عدرکسی لدراندی خرینتی جامیعتیان تعراد تمکرد، تم مفقتی تمکردایه شعادیان تفتیایه. تمکیا بر تصنف تفتیجر،

له تدهی کزتی معرصی و فارسی دا له ستایشی هغذی له کاربددسته کان دا ترسیدیات: و حسامی السید و القلم: من گلافت یم به ستمایشته تعادن، او ثبانی
پیشمبرگایتید دا هنرگیرز خرام به و تعالی بعنگ دانداوه در حیاج تمکرد له ریزی
پیشمبرگایتید دا حسام یکن: که تع شهرانه بر: چند ناسیدکم له لهپیرسراودکانی
ریکخراره نهپنیدکان در هغذی له روشنهبردگانی شارده بز هات. نارازی بین لعربی من
سمبرگردایشی هیچ شعریک یکمر، هغذیکهان تدورسان من له شعریک دا یکراریم د،
گزمطیش ترش سمرگردانی بین، لعر کاندا سعره زور قال برد، نمتهبروا به نامدی دریر ولامیان بدمنود، له رولامی به کورای می در پر

دهاوری) پلاژاردکت له جیگای خزیایتانی. یلام پرسیاره به ناریانگدادی شکسهیر: دههی یا نمی1 ثبود میشنطاکمیه1ه چارخوسی یاکبیشی و گنزمنظه ردکنر ریکخبراو و چارخوسی خزمان ردکر تیکزشتر، له مترسی دایده

که پدلامباری بالیسساتیان داوگرتیان، تیسمیش بربارسان دا پهلاساری سعرکردایتیان بدین له قطنیل. تیتر چرم بز سعرکردایتی شعردکان.

شاری پاکامی جود

تازاد همررامی کاروکش خزی به باشی تنانیام دا بر. هیزدکانی رمزش، دوله رمقه، دولی خانفای ساز دا بر، تاسادش کرد برن بز خصک کردنی لای چنهی مدیدانی شمروکد و، چارمروانی تدکرد به رادیر تاگادار یکری دس پی یکنن.

تیمنیش هیزهکالمان له زطی کز کردمود. ماهجندال هات یز خراهافیزی و ، وتاریکی به سیزی بیز دان و ، دلوای لی کردن تعرکهگمیان به چاکی به چی پهیبان و ، یه پطه به ری یکمن یز رزگارکردنی هاریکاتیان له مطبعتنی ۶ له گمداری جود.

رمسیزی دمس پی کسردنی پیملامساردان باننگلوازی بود کسه تعیر له رادیز وه بلار یکرشتوه، پهندیکی کوزی کوودی بود و توله به سعیره، تمانا به زمیره ای رادیر دمستی کرد به خریندندری بانگلوازدکه.

ناری خوامان لی هینا کتولینه ری، یز نیرمور گنیشتینه یستی. داوام لی کردن یز خیساندود له ین دارکاتی پیسکندا لا پین و نانی نیرمور یخزی، من مطرونهاکی تیککلام له پیشمبرگاکاتی بارگاکاتی خوم و هندی پیشمبرگاس گلامیان پیک هینا بو، خواردنه کنمان سخفتری بو: تان، هیلکش کولاو، تنسانه، خیبار و سموزه بو. له سمر در سریک دام تا بو. لنو کاندا فلش حصین پینا بو. فلش حصین یارگاکش لتو ناره در خریش خلکی نارچه که بور، من به دوام دا نارد بر بز تعربی دمنگریاسی نارچه که بر بر به خریش خلکی نارچه که بور، من به دوام دا نارد بر بز تعربی دمنگریاسی نارچه که بر پیتانهدک، دانیشت بون، من همستام بعربر لای فعلی حسین چرم و بانگم کرد بز بن داریکی تر بز تعربی گریهان له قسمیکالمان نبیی، که من رویشتم تعرانی ترش چرنگه خواردنه کنیان به دان تعیر له سعر بختانهیه که همستا بین و رویشت بون، سام ساغی گروتسپ گری ی له دخگی هندی هارش دور بوره، هاراوی لی کرد بون: «پیشمبرگه گروتسپ گری ی له دخگی هندی هارش دور بوره، هاراوی لی کرد بون: «پیشمبرگه

روحدا

گزرتسپ گرندیکه له گنرمیان، مام سالع قنرماندی کنرت و، به دستی خزی پیازیکی تازا ر، هنتا یلی ی قسم خزش و جرامیس و دلهاک بور، هدس جار نبیرت: ومامیدلالیش به پیشمترکه یلی: برا تزینا منین، بلاری نی یکنن، پیشمنرکه دامنزرین! په قسمی تاکین، بلام که فری کزیمتر و ماشین تزی جات، ثیتر هدس بلاری لی تمکنی و له شرینی قایم و دلامیمتزرین! مامیمدلالیش تنو معرکنزیمدتین نبه که روحه همیتی. بور، لنیم تنوه مام ساطمان ناو نابر: وروحه: قدری هالیکازیشتر و هاشمی تزی

له پر گرلله ترییکی گفوره هاشتی کرد و له تاری داین پنر پنتانیه کنی من کعرت، همر لدری دا که پیشمبرگادکانی مطروزدگش متی کرشت: کامیل رصتا لمحمد خطکی کرپچنه، پاسپن عمیدولکدریم خطکی گفری، تیبراهیم تعصد خطکی عنویز قادر، تعین فعلاح خطکی جامریز. هدورها پیسمترن جبگری فعرماندی تیچی ۲۱ ی کمرکرک و، بدرخان صابیر پیشمترگادی هنمان تیپ و، لتشکری چرارقررتمی پیشمترگادی تیپی ۹۹ ی کزسرفت، گرؤران، دوزگای پیشلفاکسان پارچه پارچه بی. من به ریکنوت بدر ندکدوت. هممرمان همتباین به راکردن رومان کرده بن شاخ و قرلایی دولدگاد تا گایشتینه ندیر به هیلاک چربن، تزیباران بدردوام بی. دینتوانکه له بهزاییدگای بدرامیدر به تیسمه چاری لیمان بر چاردیرین تکردین، تا تیواریدگای درنگ نشانترانی ستر در بهینین،

بیسترن (حمید محماعد) پیشمبرگدی مخروز سنرداییدگان بر. هاوریدگی کزنی کزمغه ره کاویکی کریکارین ووشنید و پیشمبرگلیمانی نازا ر داسرز بر. سمیر تعربر رفائع پیشرت کردونوی به نیستمبرگلاناتی تهیکمیان کرد بر. یمکی له پیشمبرگا ترنفرودگانی بیشترمی کرد برد، تعربی به ناروا تائمی لی دایر، ردی بهی: دنر دهمر ساله تز پیشمبرگلیت، تمکنر پیشمبرگلیمانی باش بریتایه تمکرارای یا بریتفار تعیویا»

۷ کبرژراد و ۲۳ میندارسان همیر. لاشسی کبرژراو و بهنداردکنان کنز کبراندود. بعدرضنان چنند پارچهیکی کسمی لمشی مسایر . همسرسان رمزانس تاوزشگ کبردنموه و نامههکم یز ترسین روداردکم یز یاس کردن و . دارای دمژگایهگی بینطم لی کردن.

نیوارمیدکی درمنگ به تاریکی به ری کعرفین بعرو قمااترکان. پیشتر تاگذاری هیزارمیدکی درمنگ به تاریکی به ری کعرفین بغرو قمااترکان. پیشتر تاگذاری هیزیکی تیکناری تهیزیکی تیکناری کاندر به داشتی گذارند! به به بغیر میزی مزل کموت بران قمااترکان و قرناقاره به سعر معمر سنگورکانی جودا زال پور. من به تعما برم خوم سعر یکمرم یؤ سعری مزل و شاخدو شاخ هیزیک بنیرم ریگاکانی قمندیل له کشانعری هیزیکانی جود پدورو تیک میزیک بنیرم ریگاکانی قمندیل له کشانعری سعردکانی بود به بهای تمییزی شعردکه بدیره در ایران درای خستین و نمشدکانی تیکناین.

پارگایهگی حشیم له سعر ریگامان بود. پیشمه رک کاتم تاگادار کرد بر خزیان تی نگسینتن، تککس ریکنیشسان پی گران خزیان پیرد خدیک نصف بایی تیپسرین تعلر ترقیان له کفا یکنن، زوری پیشمه ترک کان شعر له سعر ریگاکه تاگریان کردود در خریان دا به تعرف یو ترسان، همینزدگانی جدی که له پدرایسدگان بین مستخدهای تاگردکانیان تعدی، خزم پومه تعایرکان و فیرمانددکانم بانگ کرد. سعر له نوی هیزدگافان ریک خستمود و تعرک و فرماتم به سعردا دایش کردن، هیزیکسان تاره بز به هیزی دری مول، بز تعربی معتبیکیان لمورد شرو بینوه بو سعر سندگاددکانی جود. ٤ هیزی ترشم ناماده کرد بز سعر ٤ جیگا له کانی گاتران، گمین گازی، سعری ساوین.. همیر

.

پیش تعربی له ناوزدنگ به ری بکترین ناردم چمند تزییک خامی سپیبان کری و . دام به تالمدکنی مامد بیشه دهلی یکل. شرانی رموف ترین جبگری ریشه بو . کرریکی قسه خزش بو . روی تی کردم رتی: ددیاره تیست داناده بز مردن، وا کان تسلیمی تیس تفکین) ه من له سعری نه رویشتر . جلریهرگی پیشسهرگدکانی جود و یمکیستی، زمان ر سعروسیمایان و چکمکانیان له یک تجور ، بز تعربی له کاتی تیکلاو بون دا له یکتری چپا یکرینوه، پیش دص پی کردنی هیرشدکه، خامدکنمان له شپردی شریت دا بری ر. هتر پیشمترگایدگی یدکیتی پارچنهاکنان دایه بییمنتی به بازری چنهینوه.

تا نیبرور له خزناماددگردن بریندو. غدیب سنصید به سراری گریدرپریک پیدا بر، سستروگسرپلاگی شرینالی بر، هندی برده پارچنی ناراچسرکسیکی بدر کستوت بر، گالژیکی به دستندو بر، له بدردمی دا دروژی کرد بر، شعر له کاتی تیپیترین دا تسان دوابین تاقمی کاروانه درودکسان برن، کمترت برنه بدر شالاری له ناکاری باردگشش مشع له رنزگه، رویای منام قادر کیروا بر، تعیش برندار بربر، یکن له پیشسترکمکان که سعیری دیستی غاریسی کرد به سعر کاریکاره، وتر، وسعیرا له مثلا تصردین ناچی ای

تازاد هدررامی پش هیزدگانی مطبعندی سیٰ ی ساز دا بر له قزلی کزمشاندوه هیرشی بز کرد برن، هندی پیشرمی کرد بر.

قرناغی یدکسی کاردکسان ثیراره تدوار بر، شعرهکیسان دانا پز حساندو. هنوا سارد بر، تیسه پز حساندوه پویند ناو خیردتیکی تدواندو، یدکیک رادیری حشمی کرد پرود، ژنیک به دهنگرگی تابساز جنیسری پی تعداین و، همرخسندی لی تدکسردین. پیشمترکیدکیش له داینزیش سنری مول دا بریندار بر ، گرالدیدک له سنتی دایر، دیار پر تازاری زفری همر، زوری هارار تمکرد، دو سی کسسیش لعر لاره گالتمهان له گلل تمکرد، تمیاترت، وهارار مسکنه تو له راکسردن دا گنزللت بعر کندوترد، یزیه له دوارمی

بیبانی روژی داهاتر، ریگتراتی ۲ ی سایسی ۸۳ هیزدکستان دستی کردوره به هیرش، هنشی گزند رویهی میشی به بوزایسکدو، دیر برامید قرناقار و پشتاشان، له گفا، معنشی له فدرمانندگان من چرمه نار رمیهکورد، حضم به حاوض ، ۱۲ طهم دایان گرتینده میشیکا دور به دور تعلقهان فی تکرین، خیزدگانی تهمه رژانه ناو قرناقا و د دستیان به سعر بازدگاکاتی حسک و پاسزک دا گرت، پهشمسرگدیدگی باله ک: عوصتر عملی درمینشی گزارا، له گزشی حاترتکای حسک دا چند سازدیدگی ناوقرتری له دوای یدک خراره بورد، له کاتی خواردندوی کرکایدگی قرتردا گزللیدک له سعری دایر. لتر کاندها تاریک بازاتی دشک گسفوره به خسوره دهستی کسرد به بازین، سسعراتی حسبک و پیشممرگدگانهان به گندیل دا علگوان، هیزدگافان معندیکیان کعوتنه راونانی تعوان و هندیکهان هطهاتکرتایه سعر بارهگاگاتی حشع له پشتاشان. منیش ثهتر داینزیم بز دولدکد.

پی کا کا له قمندیل

له بدردسی پشتاشان دا راوستا برم تعقه گدرم بر چنند کسینکیان هیتا یز لام. باتگم کردن قسنیان له گلل یکم، به کرمافی تعدران، لیم پرسین: «تیره چین!»

وتیان: وتیمه پی کا کا ین اے

رتم: دپی کا کا چی ٹدکا لیرہ! پ رتی: دھات برین پز ناریای ٹیرہ ر جرد! پ

وتم ٔ دکاکی برا قسیدکی پیشینان تنایز، تدکیر کیمنا، حدکم برایه تداری سنری خزی تدکرد؛ تبرویش له گنا، هصر گروپ و مینهدکانی کوروستانی تررکیا له شعردان بزچی ناچن له گنا تنوان ریک یکنون له باتی خنریکی ناروی تیمه بن۱۶

یدکیکیان زور به داخ بور، به پهپڑک له سعری خزی ثدا، هاورییدکی گرمیشدی ناوشنیبان گیارا بور، له لایان زور بادیز و خزشنویست بور، تهبرت: دتیره هطابالیکی تیسمتان کرشتره، تورکیا و تصنویکا و هنتر تیسیربالیزمی جبیهانی به دوایدو، برن، بناتردارنی هیجی لی یکنن، کیچی تیره لیزه گزشتانه

داخی ضرّم دوبری سیبارهت به کبرژرانی هارریکنیان، وتر: وتبرد له تبلهــامی هلس خزتان دا برد که هاترنتند نار ثم شعرعرد. تیسشایش بچن چهکهکانشان رمریگرنمرد ر، بز کریتان تعری به ربتان یکم۱»

تمعاند معفر بزمیدی بین آن گفا حشع له نزیک کومتان بین، که شدر دامنز راو به شهر عیسیان زانی بین. دارایان لی گرد بین تعلیم بدن. یمکیکیان عنیدی دابر رت بین: دنیده چین تعلیمتان بین ایم گفالهیکیان له سنگی عمزیزی داود دابر خدیک بو بری، تیم تر نموانیش پهلاماریان دابرن، گوریکیان لی کرارا بر به نامی خالید و، نموانی تریان گهرا بین، که زانی بریان پیشمبرگشی پی کا کان نارد بریانی نیز لای من. میش ناردمن بز لای نازاد همورامی چدکهگانیان بز وریگریتموه و ودکر خزیان تعیانویست به ریهان یکا بز دوستی،

مصری همدان روژ شدر به قازافیی یدکیتی به لادا کموت. له گدل تازاد معررامی ر هیزدکانی مطیعتدی سن یدکسان گرتبره. پنکه و باردگاکانی حشع گیران. یز تعربی شدمکان به ساغی ندکتریشه دمی یدکیستی، خزبان زور شتی ندخزشخانه، چاپخانه، رادیرکمیان، هارمن و درشکاکتهان خراب کرد بور. هندیکهان به تعنیل دا هندگتران پعرمو تیران. بهشر لمندیل بعر نده بور. لم شعردها دو پیشممترکمی یدکیستی کورژران: هرسمان کاژاوی و، غطور پشتماشاتی، تاگاداری هیزدکاتی خرمانم کرد که ثبتر دویان ندکتون و وازبان لی
عملان،

٠

هیزدکاتی یدکیتی له جره یه داخ برن، یعلام تیپی کزسرمت لعوان زیاتر، چرنگه همسری چنند روژی بر فعرماندی تیپدکمیان و جیگردکمی و ۳ پیشسمرگییان کروژوا بر. درای به لاداگسوتنی شمردکه له کاتیک دا خمریکی کرتردندردی بدلگدگان برن، شیزیش حاجی که توسیا رایعری سیساسی تیچی گرسریت و به ریکنوت له پزسمکنی یاداران دا نهکسرژرا بور، کمبوت به تصمالت اگسرتنی بینگذگان، به توریویزیکی زوروره منتدی لیو پداگاندی بز من هیئا سعریان یکام، من له کاتدنا نمشیمرژایه سنر تدرس سیری شره و پره بکلم، تصویست عدری زوه بگلینه لای هزر گسارزدرارهکدی مطبقتی پوار، بلام شؤرش یی ی داگرت که هنر تعین سعریان بکتم و سفرشی بز دوانهان راگسارد

یه کسیکیسان، رایزرتیک بر دمرباردی روداردگستی باداران یز هستریز مسمستند ر مفکتهی سیاسی حیزبدگفتهان ترسی برد. لم رایزرنجدا ترسی بریان تاقیی چمکداری جملاکی له گرفتهی باداران کسینیگان یز هاوریسانی تمران ر مطالاتی حیزیی عاربیسان: حسک دانا بر، بلام هاویبهاتی تصان لیسان هاند دست ر کمیشدکمیان شکاند و، پینجیان له جملالهاکان کرفت، تصنفی به تعراوی پیچهوانس راستین روداردگوره بر.

دومسهان، دهشتمویکی گسوره بر به السواری اتدی چوار) تعرضان کرا بر بز لیکرلینده و هفلسنگاندتی سترگردایشی و غیرمانده و هیزهکانی یمکیتی له سعر شیردی تعر راپزرانادی دوگاکاتی تعدی و تیستیخبارات درماردی حیزیمکانی مرهارضه نامادهان تمکرد زور به دریای ژماردی پیشسمرگه و ناری غیرمانده و تعناماتی سعرکردایشی و کادره پیشکرتردکاتی در رادهی داسترزی و تازایمتیهان، تعنانت تعرمندی بزیان کرز کرابرده، زانباریهان له سعر پایی خوبتدواری و پیشه و، ناری ژن و متدال و خوشک و برا و کفس و کاریشیان نوسی بو.

سمیر ثمره بر. شتیکی له بایعتی تعمیان دوباری حیزیی بعص و جمیشی عبراق و دنزگا سعرکرتکدردکانی و، هیچ حیزیبکی تر نهکرد بو.

همسر ختانگی گسرددستان به پهژاردو گری قبولاغی هدوالی تم شدرانه بون. به هاردد په به مدرانه بون. به هاردد په گله که گله که لایمکود عیران و د له لایمکود تیران و د لم لایمشعود هیران چدوی تی دویکا برد دوستانی یاکستن، تغانتت خطابگی بیالاین، خشمی چهارخرسی یاکستیان برد تعارسان بلدوتی، تیرادی هدمان روز به بیتما قسم له گله رادیر کسره دموالی سمرکدوتنی یه کیستی و شکانی هیردکانی چرار براکسی جدودم رادیدی

منهستی سعودکیم لمو انسانه روخاندنی رودی هیزدکانی جود و یعززگردنمودی رودی هیزدکانی یدکیتی بود، که لمو کانده اله دمرشیر و سعرچاوجی مطادکان گلمارز درا برن.

له یتکدکس حسک دا چدکیکی داری قررکه گیرا بر، بعلام هندی پارچهیان لی
در هینا بر. به پیشسترگدگاتم رت: دیدر شرینده ایرین که تعراتی پی دا رویشتون بدلگر
بیاندوزندواه چان نفشتی هاتندو پاچ ر خاکستان بیدن دولیان چالیکسان دوزیردادو، تازه
مملکنتراو، رشگه له دی دا شاردییشتاندو، چرن چالدکه معل بدهندو، برایم رمین، کاتی
خزی پیشسترگنی بدکیتی بر، له افزانگار دانششت چاری لی بر، دری: دینچی تعر چاله
مشلتددندواه رئیسان: دیه دولی پارچین دیسیشترولدکندا تکاریون برایم وتی، دادوه
پارچین دهیشترولی تی دا نید، بلکر لاشی خراس حصد تاتین تی دایداه

منیش هطم دایه وقع: وخوله له سویده وتی: دینری گایشتموه و، دوینی گو<u>ژو</u>اای

روژی رابرود هندی ف سعرکرده و کنادودکانی حشع روشت بین. هندیکیان دریاز تغییران است. مندیکیان دریاز تغییران از تغییران کنید. من دریاز تغییران افزائد کاردن در صغیران بنک. من الد درایی خانفه ایم که تصابران هیا، هندی قسم له کما کردن در صغیران بدکم جها کرده بدرم کردن پز تارزشگ. په معاربزدگام و که په ریزموه رمفتاریان له گله یکنن در به سعلامشی بهانگیمند لای صامیمالد. گهراودکانی تر نهردران بز وجرتی، حشم سعرفا معدران بعد وجرتی، حشیم سعرفا معدران باید دراز در دران در حدیداد و ایان پلار کردود.

تُستر تعیر خومان تاماده پکتین یز شکاننتی گعماروی مطبختی ٤، یلار برندوی هنوالی گیرانی سترکرداینتی حسک و حشع، درص هیزدکانی جودی له دولی بالیسان و نارچدکانی تردا داینزاند. چرینه وجرتی هیزدگافان کرده دویش:

- بشیکیان له ومرتبره به سارسیرهک دا بر سعربهارش مطهکان.
 - پمشهکیان له دمرگطعوه یو سعران و گعرموان.

لیره له باتی خامی سپی، پعرویهګی زمودمان کرده بازری راست. هیزهکان بی بهرگری گنیشتند شویندکانی خریان. له گلل کصال خزشناو و هیزهکمی

هزدگان یی بارگری تمیشته شریشگانی خوبان. له نک نصان حرشتار و هزداهی مطیندی ۶ که سعرچاری معلدگان یهکسان گرندو، دران معلدگان و پشتی ختق و پشتی شیخ وصان(که تمیرزاتی به سنار صفانگان دا ، به دمن هینزدگانی جنودوه پر، به تعقیه نمپانتخیشت به تاسردیی تاو که کاتیدگه یهیان بر خواردندو.

نبر روژه لنوی صاینتوه یز پشسردان. به تعسا برین روژی دوایی له بنره بهبان دا پهلاماریان پدیین. ندوان له نیواروده دستیان کرد به گفانتوه. ناویمکنیان به تعوای چرا کرد. روژی دوم که چرینه بالیسان به هنزاران کس و به سندان ترترموییل له هغولیر و شریندگانی تروه هات برن به پهرصانعوه. تا ثعر کاته نعستمزانی حشع وا چارطورس و بنزاران له تار خطک دا، زوراینتی خطک رفیان لیسان بو به دصایعی فیمتنه و دهزی ناژاده یان تعزانین.

•

تنفسیری جود بز رودارهکان

دوای تنودی ستوانی جدو و هیزه کانیان کشانتره پز تیران، سترکردایاتی جرد پیکنوه بنیانیکیان له ستر روداودکان دهرکرد و، عنولایننش به جیا بنیانی خزی دمرکرد. جود له پنیاندگای دا نوسی بوی:

وركانت ذروة هله الاصال الاجرامية. الهجرم الفادر الفاجئ اللى شنته قيادة (اوله) على منطقة پشت أشار لتصقية هده من مقرات اغرب الشيرمي العراقي واطرب الاشتراكي الكرمنتاني و اغرب الاشتراكي الكروي (پاسواله) ، طل الهجرم الذي يعر عير مرملة جديدة من الاتحطاط والندهور، وارتكاب ليشع المجازر الدمرية يدعم مفضرح من النظام الدكساتوري التعمار .. »

حشع له پدیاندگدی دا نوسی بوی:

د. "وفل يسكن لاي مستبصيع للاحداث أن لايريط بين سلوك المادة الاحساد الوطنى الكردسشائى طا والفارشات التى الجري بينه وبين السلطة الاكتنائورية وصفلة المسارحة والاتفاق مع حسناء. أن كل وبعالموجلة قادة الاحماد الوطنى وواحته البهلوائية فى الدحاية لايسكن أن تفطى تواطنهم المقضرت مع طفسة حسلم حسين. مقا التواطؤ اللى ظهر قى المسيوم لهذه الحرب بالتعاون مع الجوزة السلطة ومطاراتها و مرتزاتها...»

يدک له پنهاندکني دا ترسي بوي:

وأن الطبيخة التي يفقلها (اوك) ساهيت في الأهناد لها دواتر الاميريائية السالية يزهامة الاميريائية الامريكية والطاب الانتراكية الدولية (سرسيال ديسكرات) ، وكافة الابطية والقرى الرجعية السرداء من اهفاء الشعب العراقي والشعب الكردي. . »

حسک له پدیاندکدی دا ترسی بری:

داد رفای ۱ - ۳ تاپاری ۱۹۸۳ دا تاقسی سعره اکاری به تار (یمکیتی نیشتسانی کسودستان)، به گوردی نفتشدیدگی گذاری تاوانگزارند، که صاوبیکی زاره نیشی بز ده نیشی بز سعت با سعر کردای با دادگزارند، که صاوبیکی زاره نیشی بز ده بستر کرداینش مو حارک با کسوری داشت. به سعر کرداینش سورشیال دوسری تنفشد و پیداندکانی نیسیوریالبرم و زایارتیزم و عیزی کونهپرست بز تار تیکردن و گسماردانی پرداندی و زارتی کاردارد برد سعر کاردارد برد سعر کرده سعر بازدگاری طواری موسوری با کسوری کاردارد با بازدگاری طواری سعر کشوری بادگاری و اید برجاری راحی قاشی به نشا و به پشتیران به نشدی کاردارد با نشدی بادگاری و داودشگاری راحیزمزی هور: به مخدا و برجانه خزای بازدگاری طرزیان و با میشورانی موردی تواری سترکردایتی حیزیان و جهنی شوری عبراتی و پاسترک و به نمویش شوری عبراتی و پستری نیشورانی در جی شوری عبراتی و پستری دو به میستی تشهیدانی ترکی پی سپیراویان و جی به عربی دی موردی دو به کردن و به میستی تشهیدانی تاری کردنه پیدادگیری یه کهیان له به عربی داد.

پاسزک له پدیاندکدی دا ترسی بوی:

ؤ پیرومیدک له دواپیرودکاتی تیم شانز گالتبیاریه جاش مرویرتی جعلالی تیو همس کارمسات و معینتش و خفیانت و خفرفریشی و کیروکلرتی و ریزتیکندی و گفره! درای و کافرزی و تاپاکیسی تیم چنند سالمی دوایی جعلالیسزس بی تابروه، کنه او ژیر لائیستنه و ماشیعی ویرچامسایی (یمکیش نیشتمانفرفتانی کوروستان) . . .

پیش شمری پدکسی قسندیلش جدر در لاینندگانی له شمری پروپاگاننده! داری پدکستی زلزیان لام قسسانه کرد بر . تمسه، یدکی بر لعر هز بندراتیساندی، زمسیندی پدلاماردانی سعرگردایدتی جودی ساز کرد.

تضامنی ایی، یان قیردی قازا

حشع له سعرانستوی دنیادا هپرشیکی پروپاگاندیان دمی پی کرد. شتی رایان له گل حیزمی بمعسیش ندکرد بر. ثهمه به هزی دایراریسانعره له دنیا زیر تاگاداری ثم بعزمه تهیرین ر گویسان نشداید. بعلام زیری نامه ر بروسکدکانیان تعنارد بز یاردگاکس شام و، رادیری پارتی معندیکیاتی پالار تمکرده و . تده یدکم جار بر ناری هعندی امو ریکخرانه
پیوستین . قاز به پزار نمگلمین . همزیهان پیکیکیان پفیرینی ، بی تعری تعزانی تر بر ازان
چی قسوماه ، همریان په یدک دهنگ تفلیریان . پزاه قازدکانی تم لا و تعر لاش که
گرفیان فیزی بی پزیان تمسیناده . تصبیحاریان (تصاحبا ، (ایمی) یدکسی حبیده
شیرههایان له گفا حشم داری پدکیشی دمیان بری، له قهری قازدکان تمهی بورنکه بی
تموی راستی روداردکان بزاتن بز پشتیراتی له حشم کموننه ناردنی پروسکس ناردزامی بز
پدکستی و ، پلاساردانی ، پنکیشی هزیکی بی پشتیران و بی کسس بو ، نه پهیرهندی
پازگانی له گفار تم ولانانه همیر رایدگری، نه نمونیشی همیر تا لیبان بهری. دوژمنایش
پازگانی له گفار تم ولانانه همیر رایدگری، نه نمونیشی همیر تا لیبان بهری. دوژمنایش
پازگانی له گفار تم ولانانه همیر قانشهی .

مهکتمی سیاسی یهگیتی یادداشتیکی دریاری ربونی رودارکان ناماده کرد و . ناردی بز حیزیه شیرهیدکان، ثامادمی خزی دریزی بز قبرلکردنی لیزنیدکی بیلایان لنر حیزیانه که له روداردکان یکزلیتموه بز تعرف لایخن بدررسیار دیاری یکری.

تيتيهامهكاني حشم

حشع، شعری پشتاشاتی کرد بر په کمرستدی پروپاگانده دژی پهکیتی. راستیدکدی زیری ثمر الساندی تمیان کرد درای دروستگرار برن:

- تایاتوت: وکام هپرشای پهکیتن له سار دارای حکوماتی بدهس و، به یارماتی

ندوان ره بز رازی کردتی تعوان برده ودکو بختی به ترخی ریککترتنی له گدا یدکتین به لدر گاتندا هیزی سدوکی له منهدانی ضبات دا دری رؤیمی بعصی، هیزدکانی یدکیتی بر، هیزدگانی جرد قروساییدگی سیاسی – چدکداری تدونزان نعیر، چالاکی گارویان خدریک کردتی هیزدگاتی یدکیتی بو، به ملیلاتی ی دهسفات و شعری لاپدلاره، لک کاتی شدردانی قاندیل دا، هیزدگاتی یدکیتی بدر هیزشی بعص گلوت، ندک هیزدگانی نموان، گلوت، ندک هیزدگانی نامران، گلوردترین چدکی دستی پیششدرگذان: تاریجی و بیکنیسی بر.

- ئىيانرت: رھىمو دىلەكاتيان كوشتوين»

لع شعره! زوریان کشانعوه یز تیران، زیاتر له . 9 کسیان گیرا. له نار گیرار،کان داد کنریم تبخیلاتی، تعندامی ک ن و مکتنبی دا: کنریم تبخیلاتی، تعندامی ک ن و مکتنبی نیاتیک کردستان، قادری وشید ناسک، تعندامی مکتنبی تیقلیم، تعنانه ۳ کسی بین له سطرانی حتید، دسینبی به ریزوه به ری گران بز ناوزشگ. گیراروکانی تریش نیردرانه در تریی کنن، تعنانعت کردن بریم نیاتیک کردن بین ساریه کار کردن کیس ریگان این نیاتیک کردن کسی ریگان لی تدگرین، پاش ساریه ک

- تعیانوت: وژنهکانیان کوشتره و، دستدریزیهان کردوته سعر خیزانهکان،

درای کشاندوی سمرانی حسک و حشع و چهکدارهکانهان، همصر خیزانهکانهان له ناوچهکدا به به خیرانهکانهان له ناوچهکدا به چی ماهنگی دارار... به رویکی زورود رفتاریان له گفا کرا. همر کس ریستی نارچهکه به چی پهیلی ولاخی بر فراکس ولاخی به بی پهیلی ولاخی بر فراهبای کرا و دانبین کرا و دانبری پیومیستی به پاره بر یارمهای دوار و دانبری صایدو کس زوری لی نگرد بروا. تنفیل ۱۲ تافروش شرعی کرارا بود تاموش وکر دواری خزنان له ژیتنامهکای دا نرسی بریان، تا درا فیشدک نازایانه شعری کرد بور. - نمیانرت: دیاردگا ر مالدکانیان تالان کردرین،

جیگای داخه، تا"ن و رواروروت بخشیکه له تموینی کزتی شعریشتری کوردهراری. هروای کشانعوبیان معمر کطویعلی بازدگاگانهان: بنگگ و کتیب، چنکی قررس، پنتاتی و هروت تازیده، دعومان. کنوند دس هیزرکانی بنگینی، حشع تروی بازدگاگانی خزی تیک داور، رادیر، دعومیانی تعریضی کارکان خراب کرد برد پارچنی گوزگی هارمن و دوشگاگانیان دعومینا بو بز توجی بهکشتر کارگان از رودنگری.

.

زفزی به گذاش حسک، پاسترک، حشع کموته دمی و دسیسمبی تیبردران بز ناوزهگد. له سعر تم شدو، نامیلکمیدکی تاییمتی پشت تستنور به بطگه گیراودکان یلار کرایدو، بطگهکان له تارشیفهکمی مامیمثال دا حفکیرارن.

خزشناوهتي

خزشناردتی باو نارچه تبلین که شریتی (یاتی عمشیدرتی خزشنارد. خرشنارد. خرشنارد کی بیک هاترد له بیدرکانی: میدر منحصالی، میدر رسیدی، پشت گنری (پشت گنلی) و، نتوانیش تبین به چند بردیابرد، له لای سرویارد لدگل عضیردلدکانی هدورتی و سرویی و، له لای خزارویادو له گنل تاکاز در، له لای رؤهادلایباد به گنل تاکاز در، له لای رؤهادلایباد به گنل تاکاز در، له لای رؤهادلایباد به گنل تاکاز در، له لای سبر نامیدکانی مترکزی شقلارد، گذیه، هبران، له پاریژگای عدولیر و، نامیدی بهتواند له پاریژگای عدولیر و، نامیدی بهتواند له پاریژگای عدولیر و، نامیدی بهتواند

مشیردتی خزشنار سعواکایمتیکی یه گرتریان نعبرد. ربع، له گشته کمی دا پز کوردستان سالی ۱۹۷۰ له دانیشتیک دا له گله پیارماقرادکاتی بایان له سلیمانی، که پاسی یه کپینی لیبدراو والانه یه کگرتره کاتی تصعیکای پز کردون، یه کپکیان ترویمتی جزری بدروبیریتیپه کبیان له هی خزشنار تبین. معیستی تعوه بوه که سعواکایاتیه کی په گرتریان نعوه کیشه کان به لادا یخا، بشکر چهند کسس له سعواکه کانی تیره کانیان

سعروکدگانی خوشتار نازناری بدگیان هیه، یعلام همشیرهتدکیان پیبیان تعلین؛ میر و میبران. میبردگانی خوشتار وطنتاریان له گمله جرتیباردگان زفر خراب بره و ، سزای قررسیان دارن، ویکو وهناودم کدگیرتموه بز چارترساندن و بز سزادان، تعملمی گریزیان له سمر سمنری زدادمی زبندو لفششره و، یه پی ی پهتی به سمتر سنسیسری (درکمه زی) دا گربهان بی کرددن.

صدیق یدگ، یدگی له سعرزکه دسرایشتورکانی مخصیردتی خزشنار، یا ودکر خزیان پیهان تعرت صدیق میران، له گل مثلا مستفا ناکزک بو. تاقیی له کاراتیپدکانی، که خزشنار و تعنامی پارتی بیوه، واسپاره پزسعیدکیان بز داتا کرشتیان، حکومتی قاسم له سعر تعوه فعرمانی گرتتی تیپراهم شعمند، که تعرسا سکرتیری پارتی بو، دم کرد، دوای تم روداره تم یتمالید تیز به لای حکومت دا کعرت و، بو به یدگی له چدکیداگرد لمیززدگار، حکومت و، بخشیار بو له دورستگردنی فرسان صلاحدین، منظرد، خاصه،

قارچى خاليف...

تغزیر یدگ، یکیکی که له سعوزکدگانی خزشنار، له سعودتای دمس پی کردنی شورشی تعلول دا پخشاری کرد و، یدکی له بنگه سعودکیهدگانی له پیترانه دانرا، سرمایام له گله کاربعدستدکانی بارزانی به تایینتی معلی شعبیان، که پیترانین کرد بر به باردگای خری، یکچیر، تعزیریدگ چرد پال حکورست و، بر به یدکی له چدکیمدلگره دلسززدگانی حکورست و، پخشفل بر له دورستگردنی فیرسان صفلاحدین، صفریزد خاصه، فعربی

جیا لمنان معزاران کمی له روشتیبر و جرتیاراتی خزشناوهی له شؤرشی تعیلول و، له شورشی حوزمیران ۱۵ بعثمار بون.

خزشناوری به گشتی شاخارید. گرنندگانهان کعرفزته بناری شاخهکانی ماکزک. شهشدار، هنوری: سنخین، پهرسام، بغنهایی: تاروهبرای خزش ر کانی و تاری سازگار و دیسندکانی جوان و دلگیرن. تازهداری و، کشترکالا، ریز و باخ، داننویله، ترتن و سعوزه تفکن و، دوشاری تریزی خزشناوردی به ناویانگه. برنی معرفز راندگرن و، پیتوانه جنزلای خیرمند و زانای لی بو، وکره ی تشک و نایابهان دوست تدکود.

بعديك له خزشناوهتي

تأفرهتیکی بیبوهن دو هیزو دوشار، هیزدیدک دونساری رمش و هیزمیدک دونساری سپی، تندا به کولی دا بیبیا بز فروشاند. له ریگایدکی چزل ترشی کابرایدک تعیی. کابرا لی ی تعهرسی: دوندکه کزلدکنت چهدا»

ژندکه تعلی: ودزشاره.

کابرا تمیرسی: دتمیفروشی:۱۵ ژندکسه تبطی: دیطی:. ژندکسه له دلی خسزی دا تبلی تدکستر لم تیسیوس ریگایه

> کریاریکم لی پنیدا بھی لیم یکری باشتر نیه لعودی ثعر ریگا دریژہ بهیوم؟ کایرا تعیرسی: وتعتراتم تامی یکمراء

کابرا نهرسی: ونظرانم تامی بحکم؛» ژندکه ثبلی: ویطرری کرلدگدی داندگری. دسی هنزمیهگیان تدکاتموه.

ژندند تنلی: دینشی: دولدنای داندگری، دسی هیزدیدتیان ندانلرد. کابرا پناچههدکی لی تندا و تامی تدکیا. تینجیا تنلی: دحدز تدکم تندی تریش تام

يكم

ژندک ملی هیزه کراودکش به دستنده تمی، دسی هیزدکش تریش تمکاتم و بد دسته کش تری تمیگری. کابراکه دس تمکا به پاری کردن له گله ژندکه ر دس تمیا بز ران و تارکشی، ژندک تینجا نی تمکا منبستی کابرا چی برد، بملام کمون بود هلایستیکی دتراورده: دس له هیزدکان بدر بدا، بز تعری خزی له کابرا بیاریزی، درشاردکش تعرژی، دس له هیزدکان بدر نعدا کابرا سواری تمیل، ژنه له داساری دا نازانی کامیان هلهزیری، نظر: ورای له قرتر؛ وای له درشایی ای

ثعمه غوندي وثبيتيزازه و وحيز فرسدتي، ه له زماني كوردي دا.

.

چوینه بالیسمان. دولی یالیسمان به ناری گرندی پالیسمانموه نار ثمیرا. کموت پره نیران زغیردیدک چیاره: ماکزک – ددره شیر – یاری ختی. زغیری هموری – کلارقاسم

- پنتی هنریز. چیای شیشار. رؤزهنلاتی سار به سلیمانی و، رؤزناوای سار به هنولیر بی. دولیکی تاوهان و بر له تاوایی بود گونده کانی: شیره، دواش، میرکسید، خدی، درقی، زیشی، چهبود، ودری، معلزک، بهبراود، کاتی بعرد، ثعتدیک، تعنگزز، تواود، دواود، زیرد، هدرتط، هدرمک، سویره.. له پناری تم شاخانده برن. باردگای معلیعندی چواری پدکیش له بالهسان و، باردگای لاینه کاتی جود: پارتی له بالرکارا و، حشع له شیخ ومسان و، حسک له . جادهیدگی قهری گرنگ به تارمزاستی دوله کندا کرابرمزه رانیسی تعیست به خطيفان، واته په جادي هنولير - حاجي هزمترانعره.

چند روژی له بالیسان ماینتوه، خطکیکی زور له هنرلیر و سلیمانینوه هاتن بز لامان. مىلهىند چرەرە جيگاي خىزى. سەرلەنرى تېپىدكانى: سەلىين، ھەررى، كىزسرەت، دشتی هولیرمان ریکشستوه و، هندی تالوگزرمان له سورتیبه کان دا کرد. هندی له هيز،كاتي حسك كشا بوندوه نارچهكاني نازخين، ساقولههكان، دهشي هدولير..

يغردو سنقين

درای چند رؤی له گف تهدکانی سخین، کزسرت، دشتی هولیر، کارکوک، گترمیان، سهگرمه.. به شاخی هدوری دا چرین بز نازهین. نازهین له بناری سخین داید. گهرتزنه تعنیشت هیران که تارهدی بدربرمهرایش ناهیمی خزشنار بر. گرندیکی تارهدان و خوش و کانی زاری نی دا بور روز و یاخی خزشهان همور. یاخهکانیان زاری همنار بور. هناری نازمین به ناویانگد. ترش و شیرین و میخزشیان هیو. سرکس نایابیان لی دروست ته کسرد. په کسستي له ناو خيط کې نازمنين دا تعندام و لايعنگري زوري هېور. کسرمسطيش ریکخستنیکی باشی همور.

مدلاي معاشخور

بیش چند روژی له پیکادانیک دا، له نیوان مطروزه یدکی پدکیتی و مطروزه یدکی جودا، بیشهدرگدیکی بهکیش کرژرا بو. تعرمهکمیان برد بره نازمنین بینیون. مملای مزگورتدکه سدر به بعص بر، تعهیشت بر تعرمی بیشمدرگدکه بینته مزگورتدکدی و، له گذرستانی تاوایی دا ووکم موسولان کفن و دفنی یکین، وت بری: وتعمانه کافرنا ، پیشیدرگاک خطکی ثمر تاوجهید نمیر، معلاکمیش نمیناسی بر، تعنیا تعوظمی زانی بر که پیشمبرگای پدکیتی بوه و، پدکیتی پش لفر کاتعدا شکا بو.

میلاکیم بانگ کرد، هندی سمرزمشتم کرد، وتم: و تز نویو به باره تدکمی. همر نویزی به دیناری تدکمیت، تدکیر معاشدکنت بیرن، تیتر معلایدتی ناکمیت و، رهنگه واز له نر پوکر دنیش بهینی، کمچی حقت به خزت داره بی تعوی نیمه بناسی به کافرمان تنابنی ی و، تعمیلی له گورستانی تیسلام دا چانیون. تعمی لیره بردیاه کابرا له گیانی خزی تعترسا و. پنشیمانی له قسمکانی دورتمری، بعلام باینخم به قسمکانی نعدا دارام لی کرد ناوچه که به

جي بهيائي.

درای چنند روژی به سنفین دا چرینه دولی سمالولی. خزم له سمالولی سنویجاره و، هیزدکانی تریش له قطاستیم، زیارهت، سوسی، گرتک.. بلاد برندوه و، باردگایان دانا. معقرهزه کاتی حسینک زیاتر له ۲۰ توترمویهلیان له درای خزیان به شاردراویی به جی هیشت بر. ترترموبهادکان تعری هی خطک بر دامانعره به خارمدکانی ر، تعری هی حکومت بر دایش کران به سعر تیههکان دا. لم میراتیه منیش پیکاییکی دجل کایینم پی برا. تیبهکاتی هنرری، سطین، دشتی هنولیر، گؤسرهت.. مان ناردنوه شرینهکاتی

سماقوليهكان

سيساقسول جوار گرتين له ريزي پهې سيمروجاره، گرتي، سينان، گيغلي. هدرجواریان کموت بونه بناری سعقین بعرامیمر شاخی بعنجاری.

دستاقولی، رونگ کورتکراوس ئیستاعیل قولی ہی. قولی یه تورکی تازیری واته: بعنده، کزیله. همتا تیستایش له تیران دا عملی قرای، حسمین قرلی، رمزا قولی زوره که له جیگای عبدالعلی، عبد الحسین، عبدالرضای صعربی به کاری تعمیان و، له کوردی دا تعيى په پغندى عطى، يعنيچى حسين و پعندى رمزا. سماقرلى واته پعندى سمايل.

وگرتک، ودکو لهره ناوی گونده له پشدم و بالدکایدی پش هممان نار هاید. گرتک: گردک، گرمزلکه. گردی پیهوک.

سدروچاره، سدرچاردیدکی گدوری ثار و چنند کانپدکی لی بر. رمز و یاخی خزش و سیسهداری راست و بالا بعرزیان همیر. کنویخنا عنویز و گویخنا عنهده همردوکسیان له سنروجاره دانانيسشان دو بساوي كبورديدوم و يعربني ناوجهكم يون. همرجهنده خبزس په کتري پون، پعلام له گفا، په ک ناکزک پون. کريخا عميد، په منالي له کويه خريند پوي. خریندوار و لیگیشتو یو.

دولی سمالولی بهستراوه به دولیکی تردوه بی ی تعلین دؤلی تصبحابان له سعر ناوي هينزوپ تعواو نعيي. په دريوايي دوله که هنزاران گنودي لي په. وهکنو دانينشندراني ناوچه که ته گیرنموه لمم دولعوا شعریکی قورس له نیبوان نمسیحایه و کافره کان دا بوه. ژمارىيىكى زۇر ئىسحايە كوژراون و، لىو شوپنانىدا نېۋراون. بىلام ھېچ يىلگىيىكى مېۋويى يشتيواني لم قسانه ناكا. رمنگه تعلسانه يي.

له ناوی روباری هیزوب دا له ناستی جملی کانیدک مطبطولی گعراوه. ناوهکس گنرمه زارجار بیشمنرگه به زستان خزیان لی تنشت.

شریندواری هندی قبولله و قبعلا له تاوهگرد سایور. تاوهگرد بعشبیکه له زنجیهردی سنفين خطک تعيانوت هي سعودسي ميبر صحه عدي ميبري سنورانه. تعيي پيش تعريش تارهگرد قبطای لی بویی، چونکه یه کی له لعشکر کیشیبیه کیانی والی بعضداد بز سعر میره کاتی پایان لم دزلعها به گرتنی تاره گرد تعوار بوه.

چند وشميدكم لدو ناوه بيست وايزاتم وشدى تايسهتى خزشناوهتى بن، چونكه له شنيتي تر يار نعيون، لغوانه:

تعوى: نار قورگ، گور.

خرزی: تعرایی ناو گارو. واکو: خرزی له تعرکیدا هیشک بود.

کمیک: تعیله سنوی شاخ. واکر کمیکی خانزاد و کمیکی شیبلانه له سخین و كهيكي صعيداغا له ينش هدرير. رشكه تعيش له كهير، ودكو لرتكه له لرتوه داتاشرا

٠.

گەل: ھەرىشە. ھىلو: لىل يوزى ئار. زىندى: ئەسپى. #

فشه

که گیشتینه خزشناوهی، به گالتاره به هندی له فبرمانددکانی هیزدکم وت: ولم تاریخیدها سنید کاکه قشدی کرده به بار، تعربی فشمی زاد و درزی گعربه یکا درباری تازایمتی خزی به پسازیکی رهشید ناو دم تهکا، ثیبردش تا لم تاریخیدداین به تاریزیی خزنان نشد یکنواه

له گرندیکی خزشناوهی دو کریضا خزمی نزیکی یدکتری، یعلام له گمل یدک ناکسرک بون. هنردولایان کوردپاروه ر دوستی پیشسمارگه بون. تعسیست تاشسیان یکسود. گرندکهان دورشایشی تی دا نشما و، تیمنش له یعگرتدوری تموان فازاهیان تدکرد. سامان و روستعم راسهارد بر یکنوته بینیاندو و، خدیکی ریکخستندویان بن و منیش درا قسمی تی دا یکم. هنردولا رطبههان تعواند و ملهان نقاده و، صعرجه کمانی میش درا قبیل نفتک د.

یدی له نارویکمردکان سمیر ته کا به قسمی خزش و نامزدگاری کسیان نایه ته سمر ریگای ناشنسیرنده و ریککموری، له مرگاوتکدها کنه نموان در زوری پیشسسیرکه و فعرماندهکانیانی لی تمین، نظری، و تونزان له دی یدکی گعرمیان له کملاً دو کمس زور فعریک بهن ریکیان بخینیوه، کماکی ناگرت بر تعرف نازادیکه بکرایشموه همردرکیاتم گرت. نعرتم پی دا کردن و، هعردرکیاتم سرتان، تیتر ناواییمکه رزگاری بو له دستیان، ،

یمکن له برادمرهکار؟ هاتموه به پیکنتینده وتی: دلز به تیسمت وت فیشم بکنز! ممیستت نعوه بو: فیشه بز خزمان یکنین یا بز خفلک؟ و رتم: دیز خفلک» وتی: دفلان فشه بز خزمان تمکا) چیروکدکنی بز گیرامنوه کردمان به پیکنتین.

گردسور و مسامزک

لم مازیبدا در چالاکی پیشمدگدی گفره بر، له سنرانسدی کوردستان دا دنگهان داپدر، په کهپکهان بزستیه کردستان دا دنگهان داپدر، په کهپکهان بزستیه که بر تبهی ۲۱ ی کمرکرک له حصامزکی نزیک کزیرد. ۸۱ کسی تی دا گرزدا. ززیان تکرینی بین، تعوی تریان، شمریک بز له گردمبرر تبهی ۸۱ ی دشتی معولیر کردیان، هیزیکی گفروی جمیش به پشتیبرانی کزیشتر چر بره ساریان، هیزدکسی حکردیان، شکاند و کوشتاریکی زؤریان لی کردن و لاشمی کوروادکان له شعرگدکندا به هرگدکندا به شعرگدکندا به شعرگدکندا به شعرگدکندا به شان.

.ي. ر

شمعابه چديتان

له سیریهاوه، له ژوروکسی پدرامیترمان تاقسی له پیشسترگدکان یز پاریژگاری ثیسه ژمترسان، روژیکهان یدکی له پیشسمترگدکان هات ولی: وهمسومان ترشی گخری برین» ررگ ر ملی پیشان دام کریشیکی زوری کرد بر نمیتنزانی له چهیدره ترش برن. زباتر له ۲۰ پیشمدرگه نمفزشیی پیستیان گرت بر. لعرائه بر بگانه نیمش. پزیشک هات سمیری کردن. چاری نمفزشیبهکدی دوزیمبره. نمیر معمور روزی به تاری شلفین خوبان بشون و. بحری دوسانی تز نوسیین، خریان پیکون، فیمانی پیشانی بید بیکون، نویدگانی ایمانی بخشانی بید بیکون، فیمانی بخشان، تا چاک شهندو، لمو هطوسترجدا کاریکی گران و، مصبرخیکی زور بر، هوالمان ناره بز ریکختراوی هدولیر

ریستم هزی بلاز برندوی بدوزمنوه. دوای تزوینده دمرکموت کوریکیان نه گفته له میژه کم تخفرشهیدی گرتره و لی ی کنن کردوه قسسی نخردوه، به نظفست همسر دیگی جلیهرگی پیشمنرگدکانی تری له بعر کردوه و، به تریندکانی تعوان نوستوه. بم شهرمهه عصریان گرتریانه. نصم جنایه (مرطف صحی) هیزدکمیانه و، ناری شعفایه و، خملکی خاصف نه

ردوشتن نم کابرایم به لازه سعیر بو. پیشسترگه نمیی خزی له سعر هاریکدی به گسوشت بدا، گسیمی تم نمفترشی تی دا بلار کسر بر برندو، له کساتیک دا خنری له براری نمفتروستی دا کاری تمکرد. بریاره دا له پیشسمرگایایتی دیری بکم، بعلام پیش نموه نهره گیانی بکم بز تعربی جاریکی تر تارانی را دریاره نمکاتور. بانگر کرد زیرم لزمه کرد ر. وتم: دله بعر تعربی تر تمم تاوانعت کردو، لعرائیه خطکی تریش ترش یکیبت، بریارمان داره بتسرتهنیزای به تروییهود به پیشمترگدافتر دت: دبیهتر بیسرتهناه

کایرا تا ساربیدک وایشنزانی به راستی نییسرتیان. شدهاب له پیشسنرگایدتی دمرکرا. بلام مانگی زیاتری بی چو تا پیشمنرگه نموزشدکان چاک برندوه.

منفرتزدگاتی جرد، به تایینتی هی حسیک، کموتنه هطرمرین: هنفیکهان هاتنه ناو یمکیتیبرد، معندیگان چرنه پال رژیم و برن به جاش رد، هنفیکیشیان له بعوانمایمو چن بز برادرست و بارزان، چمکناری جرد له ناویمکندا نصا، درای چند حمقتیدک منیش نیتر تیشم له سطارلیمکان تعوار برد، گلزامغره دارلی بالیسان.

معلاي خدتي

مارهیدک له قرتایخاندکس گرندی دختری داینزیم. خطکی ختی و ، دانیشتوانی نارچدکه به گفتی له کاف تیمه دوست و هارکار برن. مطاع ختی خطکی نم گرنده برد. له ناو میتروی کرودا تاوانی خهانفی گفره له نهتموه و نیشتنمان تعدیشه پال دو مملا: پندرسی بتلیسی و مطلای ختی.

درای شفری چالدیران، بعشی زوری سعزهبینی کرددستان و، میرایه تیه کانی کرود کعوته ژیر دهستی عرسسانهبدو، هغندی کمس تارانی تعمه تعفینه ملی ممالا تیموریس، به پی می لیکرلیندوکانی من، ممالا تیموریس میروزسیکی گعروه و تاکادار و، دیپلونهائیکی زانا ر زیردک و، کوردیکی داسرز بوه، تعوانی تام تارانمی به پال تعدین هیچ بملگیمهکی میژوییان به دهستموه نیه، تعری تریالی داگیرکردنی کوردستانی له مل دایه دوبعروکی نار میروکانی کورد بود، تمک تیمورس بطیسی.

مطبخا

حرزی له کتیبهکدی دا: ومیرانی سزرانه باسی کتیبیک تدکا، ردگر سترچاودی
ستردگی بز گیراندوی روزادرکانی سنردسی میر معملد به ناری ومطیعاً یا، که میرزا
معملدی رفاتیج نیگار به شیعر هلی بسترد، جلیلی جلیلیش له پیشکی کتیبهکری
در درباری وهیرایفتیبه کوردیکانی نار تیمپراتزیی عربسانی به باسی دسترسیکی تم
کتیبه تدکا، که لشکری روسهای قمیستری له شعردکانی پدکسین جندگی جبهانی دا له
داگیردنی روماندزا دستی کدرتره را له یکی له کتیبخاندکانی پدکیتی سزلیتی جاران
دا برد، له زیر مملا و خریندواری ناوجدکم پرسی و، چندی سنراخم کرد، نه له لای

حوزنی وا پاس تمکا میری سزران کانی تاسنی له روستی دززیردندو، تاسنی لعری دهرهبازه یز دارشتنی چمکمگانی. رونگه نصه داین، بعلام دانیشتوانی ناویمکه، دوکو له زمانی باویاپیرانیاندو، تبیانگیرایلور: همرچی پارچه تاسنی شکار و نال در معوجزش له ناوچمکدها همیره کزیان کردزندو، لولمی تزیمکانیان لعوه دروست کردوه نمک له کاند تاسنی روستی.

حبستن مارگر

یدکی لعر پیشمندگانتی شاعز مثلی بژاره برن، له داستندکتی من بی، کرریکی گفرمیانی ویها بو، ناری حمدن بو، پشتمرگدکان ناریان نابر: حصدن مارگر، پرنگد مار و دوپشکی ندگرت و، ترسی پیشمنرگدکانیشی له گزنتهان نشگاند. حصدن شاروزاییدگی زنری بنیدا کرد بر له مار و دوپشک و جزودگانیان دا.

ن تعریفتی من گغراوم له سعرانستری کوردستان دا مار و دوپشک همید. ماردکان، معندیکیان زخرارین و مغنیکیان زمراری تین، به گفتی گفره نین، به دوگست همید له صعریک دروتر بی. معاویهها، که له معندی شرین بهی بی تطبین صعریا یا شامار، له تارکلوزه باسی تکری، دههایگی تخسانهیا، به راستی نموره، یا تصاری

لدر هسر سالاندا، نوهندی من بیسترسه، تنییا در جار ریکب*رتی ک*ردره مار به پیشمترگیدره دارد. نعرش له تاریکایی شعردا نیان دی بر پیّیان پی دا تایر.

مار، چند چزری هدید، ودکر: تیره مار، رهشمار، زدرده مار، سچه مار، سقره

مار، سیست مار، شلّه مار، کویره مار، کوله رایساپ، کوله کویر… هندی له مانه له هندی شوین هان و ل. هاندی شویتی تر تین.

توله مار ، پنهکنی ماره.

مبار له زستیان دا سر نعی، له پنجارها کناژ فری ثندا، تدکیزی یا پینوه ثندا، که مانند یا تیتری ثنمی تطبیشکیتی، بز روشتان تدکشی و، بز پشردان پیپکه تعقوا، تدگیر تازاری تعزی به زیری بی ووزدن تعی.

هریشگیش چنند جوری گفروه و ناراچی و پچوک و، زورد و روش و کالی همیه. جوردکاتی و ناردکاتی به گویرهی نارچکان تمگزیرن: چزمهناله، کناتصدرم، سزلسازله، جغرزاحه، دهاردکزل، دوپشکه رضد.. هی هفتدی نارچه گوشندن، به هغر کنسیکتره بغدن به ددکمن له مردن دریاز تغیی.

حسین زلم راز ماز ماویه کی یاش خزی رن تمکرد، به درای مار و درپشک دا نار کله کی بعرد و چم و پعرفین و کون و کعله پر تمکنوا.

که ماری تعوزیهوه پرقفتنی ملی تدکرت و، بخیک یا گزووییدکی بخی له دانی گیر تدکرد. دانی هنگ تدکیشا تعوسا یاری پی تدکرد. زور جار بحری تعدان.

که دریشکی تعوزیهدر، چهلکیهکی تعضمه سعر پشتی. دریشکدکه کلکی کلافه تفکیر به چهلککسور بدا، گیری ی پیش چزردکسی تفکیرت و، به ششیسکی رمق نوکی چزردکمی، که زور گورت و له مر پاریکتره، تشکاند، تعرب تمی خسته سعر دستی یاری بی تکرد،

تا چرینه بدری ممرگه حفسین له گملان بو، ثبتر پیریستیمان پی ی نعما، ریکم دا بگیرینمو، ناوچهکس خزبان، له چالاکیههکی بیشمنرگندا کرژرا.

چند کیمی له کنادردکناتی تارچدی هدولیر له ناو خزیان دا کنوتیبرنه لیسه و قسیلوک که گزایا من سلیماتیچیدتی تهکم، هترچی خشکی سلیماتی نبیی ریگای نادم کاری بدریتی و باومری پی تاکم.

رژیک له بالیسان کریرندویکم پی کردن یز تعربی تم سمیدیان له گمله باس پکم، به زماره تغنامانی م بر، ک سی، مصدقهای مطلبتندگان، تغنامانی مطلبتندگان، لیپرسراری ریکخراردگانی کرمطه، سرتهدکانی پیشمبرگمی، یز باس کردن ر یک به پاک شریفی له دایک بین و گعروبرتهام با رون کردنبوه، دهرکموت تم قسمیه هیچ پذاشمیه کی نمید، ثبتجا پهم وتن: وتم بیسرکردندویهی تبسره سمیره، تیس خرفان به لیشمرنالیست تاثمین، هفتهیکنان خزی به گزمرترست تعرانی، تعیب به الاانده گزشگ تمی مصدول خطکی کری یه! بطکر چننده خزمتی شروش و کرمطه و یه کهتی شکاه زوجرار مراف چننده تهدیمای گدرد، بین، بهلام دنیا هنر له کونی قازالهه کانی خزیدو، تهینی،

یارهٔگاکسی من که له قرتایخاندکنی خاش دا بر زیر قعرمالغ پر. جننگی عیراق – پُسران له نارچنی حاجی ترمنران زیر گنام پر. همسر روای چنند جاری پزله فررکنه و عالیکزینتری عیراق یه ستر خزشتارهای دا تبچن بز میدانی شعر. ترسام روایک تپسمش برردومان یکنن، گویژامانده سدر دکانی بیرو». شویتدکنی قایم و، بو خزپاراسان پیچ و پنتا و، تاشنیدوی زبین فی بو.

رقى ئافرەت

خسرگی په کستمی شستری جسود تمواه پو. تمو کساته من ناوم کستوت پوه ناوان. درسته کانی جود به خراب و، دوسته کاتی په کپتی به چاک تبییان تعریانید.

روآیکیان پزته آبردکش عبرای آدکتر شآرد زمزدموالدی روزوار تنفرین بدود نارچنی حاجی ترمدران، تیسه له دکاتی بیروی دانیشت برین، ددکر روژدکانی تر خعریکی کاری دروانش پیشسطرکه بور، حبلی پیکرال له خندی بر، نامنیکی بر ناردم ترسی بوی، دو کچی ناسیدار له سلیسمانیدی هاتون تعیانموی بین بز سدودانت، تدکیر صاوت عمی بیانیش، ندرم بی خرش بر، حدزم تدکرد نخش کشی کتری دانشتندگانم، که به زوری له گله پیشمرگاد ر لادنی بور، بگرم، دلام دایده بیان نیری،

کچهکان گنیشان به گنرس پیشرازیم کردن ر به خبیر هاتم کردن. پیکوه دانیشتین. پیشموه کردن، پیکوه دانیشین پیشم کردن، ناویان چید در خطاکی کردن ناویان چید در خطاکی کردن ناویان چید در خطاکی کردن در تیشیان چید از مدرکتیان خطاکی لای مگرکت کردکری در تاریخ بازی توان تابیلی له کمکرکری و تاریخ بازی تابیلی له بعد خود کردکری تابیلی له بعد می در خطال میرددکمی تاکرک برد شوی کرد بر جاوانوی سیاسی له گله میرددکمی تاکرک بی شده بی جرانانوی کرد در در میرددکمی سازی به خورست بو سلیساتیسکنیان تابریکی بلایمز ر جایکی کردی در از ویک در بیرد کرد برد هیشتا شری نهکرد برد ، در در اینان دا دریا در زیردک و تیگیشتر برد.

وتم: وهیچ کاریکی تاییدتیتان هدید به من یکری بؤتان یکمم ای

ولپان: وقیع کاریکسان نیـه. هاترین له نزیکتره تعماروف و تدگیر کاتت هیی هندی مرنافشت له گال یکین۱۶

رتم: وقدرموا به تاروزی خزتان مرتاقعته یکهن» سلیمانیهکمیان برسی: دیاردوت به خوا همیدا »

به لامنوه سهر بر صرفاقشدکانی یام پرسپاره دمس پی کرد، بدلام تیگلیشتم خزی به چهپکی تازادیشبراز و سندیمست و کسراره تنزانی. وتم: و ثمزه شنتینکی تاییسهیسه، پهیرمندی به روزدانی مرزف خریدو، هدیده

وسی به رود این مروف میگرد میگیرد. وتی: و ده او تو سکرتیری و یکفراویکی مادکسیت تعیی رشی ناشگرات همیی ا ه

وتم، وتعوه شتیکی تایینتیه، کار له یارمری سیاسی ناکا، له نار تیسندا زور کسی هنن یاوبری قرلیان به خوا ههه و، له هسان کات دا خریشیان به مارکسی تنزانن به

وتی: وثبوه به یهکنوه ناگرفین، یهکی که مارکسی بی تنیی مادی بین. ی له سعر نعم رویشت و، یملگ و بهاتری مارکسیمه کلاسیمکه توندرمودگانی دوباره تهکردمود، زوری له گفا ختریک بوم تا باستکمم بی گروی.

هاته ستر کیشنی ژن، پرسی: درشت بنرامیدر به ژن چیه:» کردم به گالته به گلی، وزه: دژن نیرس کرمله و دایکی نیردکنی تریشه» وتم: وله گزفاری کرمهلمها وتاریکی دریژ له سبر کهشمی تافرمت پلار کراودتموه من نوسپرمه، لعزی دا پاسی بهگسانی ژن و پیارم کردو، ه

وتی: وثمی پز ریگفتان تعداره به ژن، روکس پسار، له شیریشمکنندا بمشیدار بن. تموانمیش که هاتین له یمر تمویم ریگای کارکردنیان نمدرارش وازیان هیناره ۲

ورم: وتهمه به هزی جعتگی پارتیزانهیده خزاویندنه ناوچه شاخاویه سختدکاندو. تعر تاویانمیش به هزی دایرانیانده له پیشکعرتنی شار و شارستانی له ریزی تاویه همره دواکعرترداکاتی دنیادان، ناتوانین به پطه و به زور بیرویویون و نارفزدکاتی خزمان بخمیت جیپگدی قانوندکانی تعوان. ناچارین ریزی نمویته یاودکانیان یگرین، تدکینا داتمریین و دهان تذکین،

زور بایش جرواوجوری قطسطی، کرمهلایش، سیاسی، فعرهنگی.. یاس کران، پاسبه کنان سعرطایان همور کنوالیسان تمور که زوری دا پیروراسان جسیاراز برد، یملام پز همردوکسان طوش بون: بز من چرنگه ماردیه ک پر ماندی شعروشریکی بهبوده برم رد، زور که مسیستر پر گسریم فهو جسور، پاسسانه نموبور. بز تمو، چونکه تعینسرانی به نازادی بیروراکاس طوی و یمکی دهریری که یه جیندی گری ی لی تمکری و، موناقشسی له گلا

نزیک همسر کموتیویندو. گفتترگنزگافان توهندیان اق و پوپ لی بریردوه. ناسیاویهکش تمر تعنیا چند سمعانصاتی رها قبل کرد بور، تعنوت زیر له میوه بدکتری تفاسین بویه ومها به برنگاوی تعدواین. ریستم به ترتوموییل رمزانیان بکم بز ختی بز لای منظی یا بز تمو شریشتی خریان تمیانموی، نارهم به شمرین شبوفیسرهکمدا و، و ترم: دمتنانموی بز کری بروزاه

له نار چند تاشه بدردیکی قرچ دا له سعر لبادیک دانیشت پرین، پشتسان دا بر په ریز، چینای دمره شیبر - باری خنش و ، درلی بالبنسان و ریزه چینای هعری - کلار قاسم - زیندتیر بدرامیدرمان پر. شرینیکی عندا بلی خزش پز سندرانی خفلکی شار و ، رومانسی پز دلدار و دگواز و ، قایم پز پیشیدرگه.

ی چین تایمن پر به دل حنزی تمکره چینهشموه دروژه به باسمکانی بدا ، منیش پر به دل، حنزم تمکره دلی ولیگرم، پعلام تعیشتراتی چونکه له قسمتر باسی نار پیشسمبرگه تعترسام، تعر قسمه و باساندی تعو نرخی فلسیکی بز دانشمنان و، لای وابر تعیی لی ی پاخس بود.

گی پیشسترگدک، ترترمویهادگان هینا، داوام لی کردن سوار بان له گطی، کچه به روگهای و باشترگ قرابی لی هلگرت ملاگرت روگهای و به داشکاوی هستا رویشت، ترمنز له دان خوی دا قینیکی قرابی لی هلگرت برم، تعوید دلگران بر برد که بیاندگانی پشهبان برمرک دایری له تعفرشخانش نارمندی کار یکا، له ریکنستان وازی هینا و، له همر جههای بیزی یکرایه متی تاراتبار تدکرد به درخنایش آن و، تعیرت: دیاووری به یکساتی ژن و پیار تبه در دلی له ژنداه

له کاتی راگرتنی شعری یعصن – یدکیش دا سالی ۸۵ هارستردکم له نمنزشخانه بز هسلیاتی له دایکیرتی قا کنوت پر ، ثام خناف له تمنزشخانه چر بر بز لای ، لی ی پرسی برد دلتر ژنی قائری1ه وت بوی: دینلیء لی ی پرسی برد: دچین ثمتراتی له گنلی هما، یکدی1ه وت بوی: دیزچی1ه وت بوی: درقی له ژنداه ثام یمندریاره تا چند سال به درامنوه بر، گفیشت بروده دم چند ثافروتیکی ناسیبارم. جاریکیبان له میباتمی قسید! یهکیکیان لی ی پرسیم: دیزچی رقت له ژند؟ ه

رتم: ویدکی لعر شتاندی له ژبان دا حنزم لی یعنی ژندا کی تصدی پی رتری؛ ه رتی: دوام بیسترده

سترلغوی چیسروکهکمه هاتموه پیسر. پیگوسان من نم ثنوانی تعاجماسهکمی وهنا تمشکیتموه و تعو جوره به ری کردنه به وتیهانده دانمنی، تماکینا به جوریکی وهنا رطنبارم له گفاه تنکره به دلی خزش و خهالی تاسوده با کمریتمود.

ئاژاودى نار ئىدىيان

سالی ۱۹۹۹ به بریاریکی م آن درگای دامنرزاندنی یدکیتیی نوسعرانی کورد درا. کاکه متم پزتانی و ناقعی له نرسترانی کورد داوای تیجازیهان کود در تیجازیهان پی دان. زیری تنخایاند بیانی تازار خریندرایتوه، تعریش خرایه ناو دسکتوتدکاتی تازاربود، تتم یدکیتید، تدکتریی له چار تصنفی دا یعرفتنی تندیبی زیری له دوای خزی به جی نعیشتره، یملام له روی سیاسیدوه دوای تاشیمتالیش خوی تعدوراند و، نمچره ژیر باری
زر و گرفتاری باهستوه.

بعص کوری زانباری کورد که جاران دنزگایهکی سعیمفتر بر، بیانی تازارش سکاند بری، کرد بر به بعثی له دالجمع العلمی العراقی به تاوی دالهیشد الکردیه و به تبهیست دیمکیتی نرسراتی کورد به بیان دا ناکزک بین له سعر تعربی بچته تار یمکیتیم والکتاب، ترسراتی کورد له تار خزیان دا ناکزک بین له سعر تعربی بچته تار یمکیتیم میمراقیمکتره با موقاطعتی بکند. (میالامیر معله) چند کزیرتردیمکی له گمل کرد برد. عمیدواستمیس تبوسیا راویزگاری رؤزامنواتی صنعدام و نوستری چیروکی دالایام الطویله بر. هندی له ترسراتی پیرمندیدار رش تهمیان پرسی. تیمعش بزمان ترسین بزن ترسراتی گملکسان له میدانی پیشمرگفی و سیاسی دا باوریان به تیمه همیه، تازمط تبیش له منیداتی ترسین و تندیی دا یادورسان به توسیراتی گملکسان همیه، بریازدان لمر یاردیدوه بز خستریان به بی تقدیلین و، عدر بریاری پددن، تیسست دریزی

ناکزکی دورودروی نار جرلاندوی کرود و، ناکرکی شمخسی، له نار نوسترانیش دا رمنگی دایرور، نوستران له ناو خزیان دا ناکزک بون، تعنانت تاوانی ناروایان تعدایه پال پهکتری، کابرایدکی گزند شیرهی به ناری حصد مصعید حسین، که خزی به چهیکی ترندرو و، به نرستر و شاعیر و رمختگر دائنا، نامیلکنیدکی ترسی بر دایری به دونگای راگهاندتی یدگیشی پزی چاپ یکنن. له تامیلکدکدی دا به زمانی سدرستری سترجاده دار بر، خیستی بیست به نرستو و تعدیدگانی کورد دایر، ثبتیجامی کرد بون به ترسترکی، جانسوسی، جاشمایعتی یفصی. تاسیلکدکه بلاو بودو، یعلام دننگی تاریزایی له همسر تعدیدکانعوه بعرز بردو. چفتین تریتم و نامدیان نارد و. تعرش تعرانی زور تارمحمت کرد بو، تعره بور: نامیلکدکه، مواکلی راگدیانش یدکیش چاپ و بلاری کرد بردو.

له صدرا هطمیدگی متی تی دایر، له کاتی چاپ کردتی دا تعرسهلان به بیشها له مندر هطرسهلان به بیشها له متی پرس حصد سعید تامیلکدیدگی هناوه برخی چاپ بکتین، با ندا عنیش بی تعریری تامیروتی پراتم یا تعریری پراتم یا تعریرای بید گروری دارید یا تعریرای متان و تازادی بیز نرسستراتی کسورد وتم یالاری یکفتوه توسستر تنرسهلان خویشی تعریرای و تامیراندی بی خرش بود. له سعرهاره تدگیر تعرسهلان تم

من کعرت برمه هطیستیکی دژوارمرد: له لایدک هدس نرستردگان له من زیز بون و گلمیبان لی تفکیرم، چونکه به تاکاهاری من بلار کرا پربود، له لایدکی ترموه جنیس و ثهتیهاسکاتی حصصتهید واست نمیون و، تدگیر له دونگای راگدیانش یدکیتیمو، بلاری نمکردایتموه هیچ ترخیکی نشییر. لم بایدته نرسترانه هییون، که یحص بان حشع رایان تصهیاردن بز پدلاماردانی توسعاری و، بدلام کس بایدخی به ترسیندگانی تعوان نشده، هی تمم چرنکه له دونگایکی شریشموه درچر برد، حسایکی تری بؤ تمکرا.

نوستردکان خزیان نامیلکنیدگیان له ریلامی نامیلکندگی حصه سمعیدا نرسی و، دارایان له من کرد: هم پیشدگی بز بنرسم، هام له دعرگای راگهیاندنی یدکیتی بزیان چاپ یکنن. داراکمیاتم چیبجی کرد. حصه سنتید زیاتر خزی قرشقی کرد و، تمیریست خزی به وقوریاتیی تازادی بهبره پیشنان بنا. به دوا ده خزی له هصران گورگه کرد و کموته جیبرداتی ومقفی و موزوزه، یم کاسپه نزمه له ریگای حشعوه خری گایانده سرید.

شيركو بيكس

درای ناشیمتال شهرکتر پیکس دور شرا بردوه بز خراروی هیراق، له تاراییمکی دراکتری میراق، له تاراییمکی دراکترتری گفته شهر دراکترتری گفته شهر نموندی شدر دراکترتری گفته شهر نموندی در این مارویده بهند شهرتری دانا بود. لعواندی گفیشت بونه تهدیده: دکنوچه در درایسترک»، له ناوزنگ به در بکرچیکی گفافار و روزنامه کنوردی و مربهباکان در دهمر کتیمکانی دورتهون پیدان تدکیشت.

وکزچه شیمریکی سیاسی بود به زمانیکی تعدمی چیروکی ناشیمثال و چرنی به .
کرمنلی یز تیران تدگیرایبود. پاش ماردیدک دسترس دداستانی هطر سوردکانی قفندیل»
صان پی گفیشت. تعدمت شیمصیکی سیساسی بو چیروکی دسی پی کبردندوی شدریشی
تدگیرایبود. شیمردکانی به لای مندو زور بعزز در کاریگیر در پر بون له دیمنتی جوان در
تارازی خرش. جا نازاتم هزی تعده تدگیرایبود بز تعری که پاسی قزنافیکی خهاتی کوردی
تدگرد خزمی تی دا بخشدار بود، یان هر به راستی شیمصردکان به لای ردخنوانیکی
تیکارینشدود ردها بود له ستر تم شیمرد یارای بریاری کوشتی خیرکیان دا.

له میوز پر له گفا شیرگز دوربدور تأسیاریمان هیو، تهگیریی له پیروباویی سیاسی دا جهاواز بوین، بعلام من همیشه به ریزیکی زورده له شینمردکانی شیرکرم ثیروانی، تعر کانعی له دروانگه، دا یانگی نری کردندری ثندیی کوردیبیان دا، ریزی له لای من زیاتر پنیا کرد. تصحیار تبتیر له هنانیستی سیاسی دا له یکشیری نزیک کمرتیسترده، ناسبیکم بز نازه در تدریش رداخی دامنود، تبتیر تالوگزری ناسمان بی بیاندو بهردوام بر سنیم کرد شیرگز به تنیا شاهیر تبه، بلکر روشنیهیکی گغرری کرده، خارش بیرورای سیاسی پیگیشتر و کامله، تعرضدی تر له لای من خؤشنویست بر، زر نوشهری تعارف له تبستگه یلار تکرایود، شیمردکانی له نارموک و شیوها تازه بین در بایمتیکی نری و داهبراز بر له شیمری سیاسی کردری دا، بزر پیشسترگه ر بزانشی گهانی شروگرانیش له متاری مراقی کرده کاریکی بی ویته بود.

تا له نارزهنگ برم نمعتوانی رویدور بیبیتم. که چرمه دولی یالیسان چنند جاری له گفار روف بیگدرد، مستخفا سالح کدیم، تایدر سالع سمعید به نهیشی هاتن و، پیکدره دانفیشتین. قسه و باسی جروارجری سیاسی و تعدمیمان تدکره.

حسر له جاسوسان

انه دریوری شمریکاتی صدگا - تیبران دا هیزیکی پارتی له تهلمی زستان دا به سرگردایش معنی رستان دا به سرگردایش معنی میرخان (ازارگی و به پارمغی تیران له تالورناکرو مملکتا بن بز پی چهاکاتی پیشی بدر تیران کی مسعود بیشی بازی شاخته به بطرگری تسمی بازی شاخته به بید گرد برد. برد نو تعیی بازی شاخته به به درگانی بازی شاخته به به درگان خراره سخی، سرتمسنی، تعلیم مدنی و به کوال خراره سخی، سرتمسنی، تعلیم مدنی و کمولین تعدید به ایران خارد کانیان تعدید به درگان خراره سخی، سرتمسنی، تعلیم مدنی و تیران سرتمسنی، تعلیم مدنی و تیران مدرکاتی تعدید به درگان خراره سخی، سرتمسنی، تعلیم مدنی و تیران سرتمسنی، تعلیم مدنی و تیران سرتمسنی، تعلیم تعدید بازی تعدید بازدنگ در به خران بردارد تا ایران کرد برد.

پیش راگریزان تاریه که چندین گرندی ودکر: بارزی، سنرشیدر. رازان، تشکنده. قندرا، چهکران، دهزان، یمرکیبشنان، بالهلان، گنخاری تی دا بو. شیرینیکی شاخباری خوش، پر دارد دهون د، کاتی و تاو، پشتی دابر به چهای چارناسکود، که بعشی بر له راچیدی چهای عزمل، زوردکه، برلفت:... تهیی جرتباران سنر لغزی تاریهکنهان تارهان کرددر. ضعرصاندی تهیی جرتبباران: صحفاعد رازانی د، ضعرصاندی کنترتکاتی له کریستاندگای بزری، بیردکه، قزرفان، سیرکان، ساتیه.. بادگایان دانا بر، خاتریمتریهان لر دورت کرد بودو.

برپارسان دا هندی له دنزگاگان بنیرنه تعری. پیشمکی خیزیکسان نارد هندی جمهگای تعمیدن بز دنزگسای راگمیاندن دباری یکنن. دنزگسای رادیریان گراستسعره و، تیستگاگیان له شرینیک دامنزراند له یشتی تشککنه ناری تزلیهگی بر.

له دوروینری نموروزوره دستنهان کرد به گریزانموه. هندی آنه نشنامانی مدکنمی سیاسی و دوژگای راگدیاندن. چرنه ثعری و، چنند جیگایهکهان تاوددان کرددوه. بعشی له کطویش باردگانانی ناوزندگ گریزوابعوه بز تعوی.

هاتنی مامجدلال بز خزشنارهتی

دوای تعوی شدوی قسندی فی ادا کسترد. هیزدگانی جدود در کدان بز تهدان. پارگاکان له تار زشگ کمه پرپرتده و و زوری تعتناماتی سعرکردایتی به تارچه کان دا پلار پرپرته کان دا پلار پرپرته کنی بخرین و تهنجها چوان یکری. پرپرتها چوان یکری. میزدگانی تاریخی بخرین و تهنجها چوان یکری. مالازم عرصه ر و خیزیکی کم ماندو. مامیعلال بعربو خیزدشاویش هات. له تزیک گوندی بالیسان بارگینی خست در کمپریان دروست کرد و خیروتیان هفادا، تعود جاری یه کمم پر مشاردان نی بیکم پر شدندان کوندی خیزان به تعالی گوند کرداندی کرد نیزان خوان بردان کان تزیاری جوراوجوری خطاص گوند

جعمال تايدر: مردنيكي ناومخت

جعمال تاینر له سلیماتی له دایک بود، خربندتی سدردایی و نارنجی له سلیماتی ر، خاندی مامزستایانی تدواو کرد. بر به مامرستا. هیشتا عدردگار بر تیکدلاری ژبانی سیاسی بر. تخدامی یدکیتی قرتاییانی کرودستان و پارتی بو.

تعندامی شاند سعره آیهه کانی گزمدله یو.

در جار گهرا و . هودو جار درای نشکهایندانی زور له دانسانه ی سلیسمانی به ریکموت پیش تعواد بوتی لیکتولیندو، و دراتی به دادگا، بعر لیبورونی گشتی کعوت و بعر پر. له کسانی گسراتی دا تازاینفیسدگی بی ویندی نواند بر. سسالایی ۱۹۸۰ – ۱۹۸۳ لیپرسراوی ریکخستند نهینهکاتی ناوشاری کزمطه و ، لیپرسراوی مطروزدکانی نار شار بر. کم هالیششه شناخ بدز به بعربرسی دعزگای ناوشدی ریکخساند. یمکی بو له سموکسرده هلکموتردکانی کورد.

روژی ۷۷ ی تفوری ۸۳ تیاری بروا بز گدران، جباری حاجی عصسمان بانگ تکا به ترترمرپلدکتی من پیپات بز گدران، جبار لیخوربندکتی باش نبور، چند جاری پیم وت بر تزترمرپیل لی تخوری، حامرستا جنمال زوری لی کرد بر له گنالی بروا، ترفررمرپلدکته پیکاپیکی دبیل کاپینه بو، خزی له پیشنوه سرار تمین و، جبار لی ی تمغرره جانای تارمزایت و پشتی ثمارهیاکی زورتر له باری خزی پیشمعرفه سراری تین له کاتن رویشان دا پیشدگتی سرک و پشتیکتی زور قروس تمین، له ستر جادی بالیسان، که جادیدگی تعقت و خزش بو، له تاسیدک دا دملگتراپروه و، دمستیمیی مامرستا جمال مرد بو، چند پیشمترگیدکیش بریندار بر بر،

که هبواله کسیان دا به من یه کسستر چرم بز بالهسسان تعرصه کسیان بره بو بز مزگردندی تیزی، باش شات به خاکسان سپاره و له ستر گزردای هندی قسمان کرد. له ستردسی ضریندنی تاراههیدو، به هزی کاری سهاسیدو، خارری ی پهکشری بدین. له مانبززانشی کزملفدا له گریهای شده بر. مرزش مامرستا جسال زبانیکی گوره بر له کزمند و یکهتی و بزشایهای گلوری درست کرد. له کاروباری ریکخراوایی دا یمکجار شارفزا و، له پیر و لهکانعوی سهاسی دا زیردگ و ورد و، له رویتریونیوی کیشه و گیررگرفت دا تازا و چازنفرس بو. داری دهستهگایی و چهایایش ترندو بو. ته مردنه تارمخته بز من کزستیکی راستاهیته بر. خارریهای دستری ترتدو بو. ته مردنه بزر جهار خیجی لی تعدات بو، یکلار له ترسی من خزی شارد بردود و، تا ماردیکی و درد نمیربرا ختی پیشنانی من بدا، چرنکه له ریزی پیشنمدرگاینتی دهرم کرد بر . جنیار له ۱۹۷۸ دور له گذا، خترم پیشنمدرگاه بور، کرویکی رویا و نازا و مشروختی بر . به راستی دلسرزی من بر، منیش زویم خترش تمویست و ریزم تمکرت، ماریمکی دری کاریماری مال و باردگافتمی به روه تمود، داری تعرف تاترمید بر ستری ختری هنگرت بز تللسانیا،

کوزبرتمونی سمرکردهایمانی کنرا، لم کوزبرتمونیده پمند بریاریکی گرنگ درا، پز پهکممین جار پهکیمتری دورشنی، دهپنرگراسی پژ هیراق و ، مالی چارفرس پژ گملی کررده ی پنزر کردمره و ، تازی رادیرکنی له ودشکی شیرشی هیراق» دره کرد په ددشکی کفیلی کرونستان،

. .

كزنفرمنسى كزمطه

ستوگردایتش گزمطه بریاری دا طزی تاماده یکا بز سپیمین کرنفرنس. بز تعر متیست دنزگای ریکفتهای که هیگهات بر له: تازاد معزدامی، قادری حاجی هملی، ریکعونی هوستان بهگ، راسپاره ستویوشتی کزنفرنشدکاتی کرندکاتی ریکفسان یکن بز مطهرازدندری تعنفساتی کمرت و، نویتدرانی کزنفرنشی سییمه، هدرسیکهان به ری کوون بز بعیهبانی تدرککهان

شدری دومی جود

هبرال هات هپزدگانی جرد سعر له نوی هاترنشته نارچه سنوریدگانی قنصدیل، له
گفاتوکاندو تا دولی بالدیبان بالار برنشدو، هبری تهبهکانی بالدک، کاررخ، هبرسی ۱۴
له دولی خانشا پهریندو، چپاکانی مامه روت، کفادکی بالهی، گرت و لهبان دامنزران،
جبیش هرشیکی کرد و ، هندی شرینی نارچه کدی گرت و هالیکزپتین کموته فرین و
سروانبود. هپزدگانی یهکیتی له چپاکانی سنوری دولی خانطا کشاندو، چپاکانی خراردی،
دولهکد، جمیش کشایدو، هپزدگانی جود شرعنگانهان گرت و ، همسو چپاکانی سنوری
دولهکد، جمیش کشایدو، هپزدگانی جود شرعنگانهان گرت و، همسو چپاکانی سنوری
بددی خانشا کی دور دورای خانشای وهکو
سعرکتونتیکی گفردی جود باس کرد.

همر ۱ لایندکش جرد: پارتی، حشم، حسک، پاسزک، همر هیزدکانی خزیان بز تم لشکرکیشیه ثاماده کرد پر. تیرانیش کارتاسانی بز کرد بون، پارمهتی دابرن و، چند پاسلارکیشی روکر تطسیری پهیرمندی له گله نارد بون.

تنوسیا زوری تعندامیاتی مسترکردایندی پدکسیتی یز گرزبرندودهات بین یز دولی پالیسان، بریارمان دا خوزیک به معرکرداینتی عطی پچکزاد و معید کنوم بنیرین نعطیان زیاتر پیشروی بکنن از تدکور بزیان بکری دوبان کند. عطی و معید کنوم له بعربهباتی ۱۸/۸/۸۳ دا هیرهلیکسان بز کرد بین بز چهاکاتی تعویدر جداده دهستیسان له چند میرشکهای بددن و ، به تعواری دوبان بکنن.

زارگطی

له درلي بالهبناندوه يدري كنوته. ناظمي حصين سليسان و، عبلي نعبي يشم له كلل

برن. له بناری کاروختره هایتایتی هالیکزیتم و شعره تزیی هیزدگاتی تیران و عیراق له و گرد منشده و تیرانیش وگرد منشیله به چاکی تبیتران. عیراق گردمنشیایی ناو ناید: وگرده منشده و تیرانیش سازی نا پر: و دیپی شنفید منشره. هیرفنگین جرد هارزسان بر اد گناه میرشی نیران بز سازیهن حاجی هزمدارن دا، شان به شانی هیزگاتی تیران، چشدار بریرن. صعددام تولمی ثم بخشار بزنی له بارزاتیبکاتی ترودگای تشتیه و بسترکه کردنود.

ینکی فیرماندیم له زارگفی دانا. زارگفی گرندیکی راگریزراد بر تاوهاتی تی دارند بندی بینکی فیرماندیم له زارگفی دانا. زارگفی گلیکندا میکسان چاک کرد. نیر زسانه من لفتم سام جزاگای له نریک جوده نیر به جزاگای پیردهان دا گرمیکی پچرکم دروست کرد بر همسر شدی بر لعرفی بز نرسان رایکشیم، خزم له تازه ساردکمی هشتیکیشا. جگه له پشتیاری برام که کاریاری پنیرشدی بیشله و بررسکمی راتهپنراند، همپدرلرمحم عیدرلاد شروی حاجید. له گه غیرلرمحیم دا زایر خزش بود. پیرایکی تازا و بینزات و قسم خزش و دبیا بید له شرینی خزی دا و تعملیت ی خرش بندا. لم سام تعالی که حدر رائی له نشانه بی تا نظراره له اتان تبور حاجی تافی پینا تازید و قسم خزش و بینا تبدن به شرینی خزی به سالاچی پیراز و قسم خزش و بینانیوه تا تیراره له اتان تبور حاجی تافیا پیادیکی یه سالاچی پنیز و قسم خزش و به بیان کارد. هسم خزش و به بیان کارد، مارمیمکی دریز به جرگادا کمرت.

فعرمانندی قرادکاتم بیش و ، هطرمنرجی ناوچهکه و هعودولام هطستنگاند. کعوتهند خزناماده کردن بز دمرپدراندی هیزهکانی جرد .

منگوانی

له لای سترزماندو تشکعرتهکی گعردی دم کراوی لی بر. هنگیک هیلانی له قلبشی بنیسچمکس دا کرد بر. دیار بر هنگیکی قلروبالغ ر گزن بر. هنگینی زلزی تی داور. همرکس تعدات بر لاسان و تعییتی تصاعی بن تذکرد. یکام شیشدکش را هنگلکوت بر هنویی فیلیکیان له گله بخال تصدا تعیانندراتر. بیگنر ر بیدن.

هندگ، پزر آبههاکردنفردی له مهشه راش له هندی شوین پی ی تالهن: ومهش تک . . .

منک وتیره و ومی و وشاع ی مدید.

تیسری هنگ له می گسورهتره. رفتگی پزوه هنتگرین تاکسا. وچزوی ی تیسه و

ناترانی پیره بدا. می له نیر پچوکتره. پاریکطیه رهنگی تیکهلاره له زورد و روش. هندگرین تمکا.

چزری هنید. پیره تندا له گنل پیرهان دا چزرهٔمی دمردی و تعربی. هندگ له بعفران دا بیره (دشسهگسه) تعدا. وبیرهان تدریه شسایه ک له پیره

هندگ له بعداران ده پوره (اشسختسا) ندار ، وپروهان دنویه شسایه که به پرود تسلیمه که جها تبیتنده، تطری بز دهرده هندگاهانیش شرینی تدکترن. شا له سدر للی دردخت، یا گلیسیرانه یا هدر شریتیکی تر تنیشهشدوه، هندگاهانی تر هسریان تی ی تغیروکن در له شهردی هشردا لی ی کز تعیناره.

بز گرتندوی نبی وخطیت (یلوره، شمخه، کنتر) یدی نازه بهیان ناره کس

منگرین با عدر غیریتیدگی تری تی مطلبسین در له ژیر پیرس منگدکندا دانشری. به گرین با عدر غیریتیکند دار پیردکنرد، که گریرس شریندکه یا تیجدکینند دار پیردکنرد، که شکیاتی تی تعدیدکنین بازشتی در تی از تعدید با تیجدکینند بشتی شایشدگه تشکیرین دا تشریل به هسان شرین دا دانشری که تاریخی کرد تمکیریتیمره بز دهنگدان: منگدان شرینیکی تایستید دانشری که تاریخی کرد تمکیریتیمره بز دهنگدان: منگدان شرینیکی تایستید دانشری کرد تمکیریتیمره بز دهنگدان: منتگدان در ند زستان دا له بخر باران.

هنشگان خزیان تار خطیفه کنیان به «بعرستر» کرنیز تدکین. بعرمیسو، مادمیدگی شینی رطه، زستانیش دمی دمرگاکتیان به حسان ماد، دانمنین.

منگ له تار خطیهآمکندا له ومیزه وهان مطلعیستی. شاندکان تمکیر له باری درچی مطبعسترا بن پی بی تطین دنیره شاده و تمکیر له باری پاتی هلسسترا بن ویپکه شاره، هانکان پر تمکین له منگیری. مطنی بار نریا ناکمین مسر شاندگان پر پکتر، لاری به بؤش صابیتمده پی بی لطین، وکنیره شان، تمکیر پرریمک پالاک ر ترجهانی می، ددیتره » بی زباد له پشتی پرردکس تجسان، دربدره له قرر ومکر گرنج، با له تحقد وکر کطفی هیدک دربت تمکیل و در درای پرکردنی لی بی تمکیدور،

همنگ به دروایی بعدار و دارین خسمیکی دریستکردنی همنگیباد. له پایزدا لعیرن، راته زلیق شادگانی ای درامعیان ر کعمیکی بز خراردنی زستانی همنگدکه به جی تعیان. له کمانی بهین دا به درکسای تعیان درامانگ و تعدن. درکسانگشد له ناز پرداکه دا کر تعیدن زیری مشگان پرداکه به جی تعیان تعرب به بطاز شادگان در ایا دیراری پرداکه تمکندن. بریتی پهیکه شان السانتره له بریتی جیره شان، چرنکه جره ایان به تعیشت یمکنو مطبعه برای دربایدکی زلزی تعرب بز تعربی له کالی بریتی یمکیکان دا تعرانی تر خراب نعین.

دالیشفرانی تارید شاخاوییدگان له بعداردا مندگدگانیان تدگریزندر، بز میرگدگانی کرستان تا پایز لعری دایان کنتین، له پایزدا کهانیشنده بز هندگرانی زستاند له تار تارایی دا. میزی هندگرینی لم شریتانه سپی ر هندگریندکنیان زمردی کالد. سمرجارس میردکد گرلی گفترنی کمتیره و سفرچاری هندگریندکمیش معالمی گرله برنخزشدکانی کرستانگوید.

. هننگ چند دوژمنهکی هنید: زوردنوالد، شعرگدرد و سازمیلکد، هننگاشترد و کنندسند، تعیفان:

مره، که جنوره پهپرلنیدکه، تمهیته ناو پورهکنیمره له ناو شاندکانی دا گدرا دائمتی. هاندکان ویران تمین و هندگدکه تصری.

ریج که به شریندگیان قیر بر تعریش پرودکه تمشکیش ر هندگریندکس تمغرا و. هندگدگان سعرگاردان تعین.

میندی جار زودیی تدگری بز چاکردنیری به درکستی تهستکه مباسی قبانگی تدین. میروها ترشی روزانی تین. منتدی جاریش له برسان دا پهلاماری پورس یهکتری تدین ر، به میزاران داند له پیر دمرگای پرردکانهان دا له یهکشری تهکوژن، بز تعرص لم شدر، یکرژیمره تینی متنگرین یا شیرینیان بز دایتری. جنزره هنگیکی کیوی هایه وردتره له هنگی تاسایی له ناو کرنه پدره هیاته نکا، له هندی شرین پی ی تالین: دشمنتلینکهه و له هندی شرینی تر: دشپیترکهه. تسیش شان هندیمستی و مندگینی تی تدکا. تامی هندگریندکس هزشتره له هندگرینی قاسایی، یلام کعمه، هنر یشی پارویهکه. پیم رانیه له ستر شعمتلینکدی کوردستان هیچ لیکرلیندوکرز رانستی کرا بی.

درای راگریزاتی دیهاتی سنور (صارمیدی زور هنتگ بدرطلا بریرن، له کلزری دار د کسرتی بدو د انشکاموت دا جمهگرس بریرن. هنتگلوز تنهان دوزیندو، له سسم کساتی چاودیری منشکاکمیان تمکرد که اندمات پر تارخواردندو در، درای همستانی بز فرین چاودیری هنگرگههان تمکرد چند بعرز تعبیستموه و، بعرم کسوی تعروا، بعودها شسینهکمهان دیاری تمکرد در تعویل بز طزینموه و گزشتموه و بریش،

پیشسمرگدکاتی دولی بالیهان و هندی له خطکی تاریدکه هندی هنگیان گرت پردو در گردبریانه شعکوه و د له هنگلاتی پچرک و تبیتراودا دایان تایر. لشکردکش پارتی که هات بین، دوای تعربی زاریان بری بو شمادکاتیشهان له تار هلکیشا بر، بز تعربی منگلکان در:

.

كاروبارى لرجستيكى

له تطعمتمی و خراردستنی و پسخماه دا ناتعراو برین. شیرش حاجیم کرد به لیرسرای کارباری او جستیک گریش تازولد، تطعمتی. تطعمتی مال نه قاچاخیی به ترخیکی گران تمکوی، چدودیکی گران تمکوی، چدودیکی بافن طبیشه کی کلاشینکرف، بی کمی سی، گرالمای آنهای با درخیل خراردش تمکیتی تعدا و با باسی با تهداش، کارباش تمکیتی تا خراردستی، تطعیتی، کارباش تمکرد که عیراتی به لزری له دولی خانقاو، بن بمکیتی تمکیتی تمایی، شم برویاگانند دولیس که همسر بیرای و دولردی خراردش تمکیدی، شد ترجره برد

- وردی هیزدکانی خزیاتی ثمروخاند، که ژیانیان له پمرزایسهگانی قمندیل دا به هزی سنرما و برسیتی و دوربیان له کسترکار و جزلین تاریمکنوه زور ناخزش بو.

- قیتی پیشمبرگدکانی یهکیتی عنائصاند آر، وقیانی له جود تعوند ناستور تدکرد که به هیچ جوری دستیبان لی نیاریزن و، ودکر خاتینی دریزن و، یهکریگیراوی پیگانه رفتاریان له گله یکنن. پیشمبرگدکان دانه جبریان بر لیبان.

.

شرینیک له زغیرری بیهه به ناوی بدرمیدانده به دس چهکدارکانی پارتیده بره . نیروانی به سدر جاددکنها و به سدر بخیکی هزدگانی تیسنداد زؤرجار لعیره تعقیان تکرد و ، خلگیان پریدار تکرد. حسین کیستانی و عطی نمی به تعدا پرن پلاساری پنین تعر شربتیان لی پسپاند شد بر به تعقیهگی گدرم و، گوللدی تاریجی له تاریکی شموکندا ودکر پشکری تاگر تعداد و شهور. من له زارگطیده چاودیری شدودکم تمکره . فرانزانی جزدگین تیمه پلامار تعدین کمین هیزدگانی پارتی هنمان شدر پلاماریان دایر شربتکانی تیمه بگرد. لم شاردا برایه کی تری حسان و پیشمدرگنیه کی تر کوران، بلام حسین شرینه کس بدرنده و دانیمزی تا هپرشه کسی پارتی تیک شکیترا.

.

کنرونوویهکم له گلا فعرماندگانی پیشمبرگد کرد که چی یکیبن۱ در رخی جهاراز پرن: هغنیکهان تیاترت لم شاخه سازده یکشیپندو چیاکانی خواروی جادد: دره بی و تعربر: و، افری داابنزریین، هغنیکی که تعیاترت تنبی پملاساریان بعین و ، بیانکیپنده به تعربران دا، ناظم، که یعکی له فعرساندی بعنالید تا تا و هنگلامودانگانی شروشی تعربراد لم رضیحا بو، ترن: ولدواندی تعلین لم شاخانه یکشیپنده بر شاخاکانی تعربراد اویریش که حالته سومان تعلین با پچینه کاروخ و بیرمکه دیفاع یکین، لدیش که حالته سعرسان تعلین با پچینه ععربی، ناضریههمکنی وای لی دی تعیی له دهشتی کمرکرک شعربان له گلا یکنین، چاکتر وایه شعرهکه لیره یکنین و لیزه بیاشکنین، اه

خز ناساده کردفان تعواد کرد. له گناه پیشسمرگدگانی گنرمیبان دا به کنادکی بالمیبان دا سترکنوتم بز نزیک سندگاری پیشسفرگدگان. چند کمسیکی شارنزام هغیازارد پچن بز نروینی شریندگانی جود. هاننده تاگاداری وردیان له سفر شریندگانیان و قعواری هیزدگانیان کز کرد بردوه.

مندی سمرهاوسان پدیدا کرد بر دشگریاسه کاتی تعانی باین تغاردین. تموانپش را نباردین. تموانپش دانباری باشی و به کملگهان دمین کندیت. هوالمکاتی بزمان تعانی بایان تکهباند تهدرسی از این بیک بر بین که دیت بز سمردانبان. من بیم مدان او در خزشخال برم. چند سال بر بنسالس بارازانی له داشینتین و کمرج دانبشت بین مدر خزشخگهای بزشخری تبسمه تغارد، و انبستا خزی دیت بز صبهاتی شده ماردیدک هرشدکم راگرت به هیرای گفیشتنی تیدرس. حمر دور تدکموت. ژبانیشمان به شاخدکمود زیر ناخرش بر، ناوی کمانهمکاتی تعدرساد بر به زوحمست دمس و دمسیهاری بی تعدل اساره بر به زوحمست دمس و دمسیهاری بی تخیرا دستور و خواردانان زیر خراب بر. خیادکانی ریهرو برنموسان له پدکتری نزیک بر، له تعدی بدای بیش بیش بر، لود تعدی بر، له تعدی بر، به تعدی بیش بیش براب بهام هیچ کممی له پیشممرگدکان خری نفادزیهود.

.

شده جنیو به هرکی تزکی ریژیکیان مرکی ترکیدکم کرد برده له گله معلی پچکزل قسم تدکرد. کابرایدک هاند ستر خنت. قسمکانی بی بریم، پرسی: دنز فلاس:۱

ولم: ويطيؤه

جنیریکی به دایکم دا رتم؛ ودایکم نصاردای جنیریکی به ژندگم دا رتم؛ وژنم نیمای

جنوریکی به خرشکم دا وتر: وهسریان شریان کردوه میردیان هدیده

رتم: "ویژین له میسکسولنگانشان ناپرسن له یاتی نموش همسر سالیک جهاریک پشانهیان بز سیر پرکیش و معندیکنان به کوشت بعن و به شکاری بشانگیرنبوه بز تیران، بزیمی له گلل یمکیشی ریک ناکمون به خزشینی و به بی شمر بینموه بز کوردستان۲» وتی: ولیمه عمینه ک له چاوه کاتی پشتشاشان نین - معیستی شیرهیه کان بر که له شمري تاياردا تيسشكا يون - تيسب شمير و يادگادكاني يادينانين.. تيسب عالوين دایکت....ه

کوردک به کرمیانچی تعورا ، لام سنیر پر بادیتانی کنه به تعدیب و مستصریفت ناسراون، جنیولروشی وهایان تی دا یی. سعیرم کرد قسهکاتم کاری تی ناکا، وتم: وشیر و يلتكر بادينان كرى بكرها هموليري قسميهكان هميه تطين: معيدان مشكان نعياتخواردوها له مساته کندا به کندی تصنینه

به همر هؤکی تزکیه، کانم واگاماند: ثبیتر دایهخدن و جاریکی تر قسمی پی نهکدن تا خزم به نامه ثاگاهایان تدکستوه.

منیدانی شنره کم کرد بو به ۳ شنرگه:

شعرگتی سفره کی زهیمره چیای پیهه بر که هیزه کاتی پارتی و بارزانیه کاتی لی دامدزرا بو.

شعرگای خاریک کردن، تامیش دو قزل بود

قىزلى يەكىم، لەسسىر چىساي بىسىدە، تزىك بنكەكسى من كىد تىبىر ھىملى تىبى

يهلاماريان بدأ و، هصوبان لايان وأبو تعمد هيرشي سعره كي لي تدكري. قزل دود، زلجهره گردیکی تهوان جادی خانعقا و گوند، کانی تیندزی، لهوای،

سلّ و يزلي.. که هيزهکاتي حسک و حشمي لي دامينورا يون، تايو هيزهکاي عملي يچكزل يىلامارى بدا.

له شعری مانکی مایس دا، حشع و حسک جغزوجهان پی گعیشت بو، تصانویست تعمهارهیان جنزرمه له یارتی بسرویتین و، غروریان بشکیتین. له بعر تعوه تعرکیزمان كرده سعر ثعوان.

جاریکی تر تالسیک پیشمموگس تیکنلاو له شاروزا و نعشاروزام نارد بچن بو سمیری شوینه کانیان و ، ریگا کانی بعلاماردانهان. خزم نارچه که شاروزا بوم. جاری به کمم سالی ۱۹۷۱ ر جاری درم له کالی کارمساتی ههگاری دا سالی ۱۹۷۸ دی پرم و، تعو چهند روزایش که به شاخهکموه برم، بعردموام سمیرم تمکرد و له شارمزاکاتم تعیرسی و، بیرم لى تدكرونوه: رويدرو بعلاماريان بدبين، يان له لاوه!

روبدور ترشی زبانی گیمانیس زور تعیرین و، تعوانیش وایان چاودری تدکیرد لعربود پهلامبار بدرين. بعلام په دريوايي دولي خيسالاپ يزشيايي بوء تعوان يريان نهکيرد بردوه و هیزبان لی دانمنا بر. تعمانتواتی لعربوه به نهیتی لیبان بسورتین. دوله که درو بر تعوان به دروایی بدرمدیدان - کونهکوار - بیبه دامعزرا برن و، به کی له بنگهکانی فعرماندهیان له سعر کانی کرنهکزتر داتا بر. له یالی تعرض به ریچگه و له پدک ریزدا پهلاماری بدک شرین بندن، من رمعام داتا که به یانایی شاخه که شیردی وگنایه دربره دا له ۸ جهگاره يعلاماريان ينس.

هیزه کاتم گرلیزیر کرد، چالاک و تعدروست و به زاندگانم جها کردموه، شارمزا و تعشاروزا و، پیشمعرگی تارچه که و پیشمبارگی دوروی تارچه کیم کیکلار کرد و، ۸ تاقمی ریکریکم لی پیک مینان. همر تالسی فسترصاندی یکسم و دوم و سیسهسم و، شیویتی هیسرشدکسیان و تامافهدکتیاتم بز دیاری کردن و، دارام لی کردن ستعات ۹ ی شتو خریان و پیشسترگدکان بین بز درابین کزبرندوس پیش هیرشدگد.

له کناتی دیاریکراودا ثامناده پون. هنصریان ۲۳۰ کنس پون. یمام هطهبواردی هزدکش یدکیتی ره له پیاوه هنره نازا و دلسززدگانی کورد بون. له قسمکاتم دا گرنگیی سیاسی هبرشدکه و، شکانتی جودم بز رون کردندو و ناگادارم کردن که:

- نایی له کاتی رویشتن دا قسه و، دهنگه دهنگ یکین و پدکتری بانگ یکین.
- نابی لایتی دس به کار بهیان، پیلدکانی هالیگیرنبود، نابی بیگیره یکیشن.
- تاین هرکی ترکی پدکار بهیان تا تعقد دس پی ثدکا.
 معمر کامی تیشمبرگدکتی پنردسی و، تبری درای خرق پناسی و، تاین
- ثمر ریزه له هیچ حالفتیک وا ، چگه له کرتران و پریندار پرن، تیک بدا . حمر کس کرورا له شریتهکس خزی به چی ی تمهان تا شدر به لادا تدکیری
- و، هدرکس پریندار بر پدک کس له گلی تدگیریتود.
- تدگیر فنرماندی یدکم کرورا، هی دوهم چیگانی تدگیشده ر، هی دوهم کرورا، هی سپهم چیگانی تدگرهنوه له تناچامناتی تمر کارها که پیپان سپیردراوه.

ستعات ۱۰ ی شتو خواماقیزم له تاقسی یدکتم، که ریگاکتی له عصریان دورتر بر، تینجا تاقس دوم و سپیم تا معتدم کرد و، به ری کنوتن.

عملی نبی خزی تاگاداری جرلائی هیزدکه و، تعرکدگانی خزی بود، به نامیش تاگاداری قزلی معلی پچکولم کرد؛ که گویهان له تعقیق شعر بود، له بعرزاییدکانی بهید. تعراتیش هیرشدکتیان دص پی یکنن و، هرکی ترکیبدکانیان یکننبود.

سه صات . ۴.۶ دهقیقتی پیانی روژی ۱ ی تیارل، هیشتا تاریک ر رون بر تلف دامنزا رد له دستر شریندگان دوگر دامان نابر شعر دستی پی گرد. درای ۱۹ دهلیقه هرگی تژکیدگانی، سنید کاریم، رحسان سیده، عمزیزی دارد، برایمی حاجی کریخا، قادر خیبات. مودویان دا که تعرکی خزبان به چی هینا و، هیزدگانی پارتی دمستیان کرد به هلالان، عملی نجی یش سعرگدرت، من و حمسین کمریستانی و

یدکی لدو دیستاندی هدرگسید له پیسرم ناچیستسده له کسانی سسترکستونن ه! پیشسترگدیدکی تهیی سنفین ناری قاروق بر به سمختی برنندار بربور له بن بدویک و! دانیشت بو خزین له بریندکمی سنگی تعییرا، دوای مرونی که گیرفانی گلوا برن ، ۲۰ فلس له گیرفانی دا بود که سترکدوم یز شترگ و لاشعی کرواویکی پارتیبان پیشان دم ۱۰ کفت له گیرفانی دا بود له دلی خزم دا به زمیم به خزم و به گیانیازهکانی گلفکم د! عادمود له شاخه برزد له مستوی شتر شکنوا

شباری سبردکی فعرار پر" دنیا روناک پرودو. هیزیکیبان له لرتکنی پزلی دانا پر کشاندردکنیان پیاریزی، چارمان لی پر به کرمنا، به قندیل دا به ری کعرف بدرد تهران. لم سفیرددا به زوری همپدرلرمهم به هزکی تزکیدکش من قسین تدکرد. رفر: ویزانه شیر و پلنگدکاتی یادینان نادوزیتمو، هندی قسمیان له گله یکمها ، عمیدولرمیم چعندی هاواری کرد کسیبان رولامی نعدایعو، نازاتم خعریکی راکردن بور، یا گوژوا بور.

حسز له کونهکزتر

پارتی، به تایستنی پارزآنیسهکان، زوریکی زوریان لی کنوت. دو له ضرصانده نسرادگانیان: حضر پرخان و زادگانیان، حضر عیرخان واژوکی و حجودلرمنیم جنسیم کوآواز، حدودکهان لنواند بین له کند معلا مستوقت به شورش. له شروشی تنیلول دا حضدر فدرماندی حیزی کباره بین له قبلازه و - صغیطرامنیم ضنوماندی حیزی تنیلول دا حضدر به بسختی پرنشار بو بلام دمیاز پور معمدرن بر له بازیان، حضر میرخان دو برخان نشیردو. به زستان جاسوسانی لی حصد و ازای کردان بزر و حیزی برای و برای حدید دو سندنی میراند بودن به سرخان کاربیکنی کرداز پر، حدگیمیکی لی به جر مایر، یادداشتهکاتی خری و حندی نامدی تیدرس و مصمود و ، کسانی تری تی دا بور چند پاسفاریکی تیرانش له گذار اید

له پهکیتی پش در له فترماننده تازاکانی کرژران: تهصند متولرد ، فترمانندی تپهی کاروخ، بنیاتی زو له پغلاماردائی پیپیندا ، ناظبی صعمتی سلیستان، فترمناندی تینهی خاغالان، له درای تیرمرودا له راوناتی شکستین هزدکدا له تزیک پرلی .

به دربزایی روژ هالیگوپتسری عبیبراقی چاردیری منیناتی شندرکانی تهکیرد و . جاروبار ریزیکی گریراندی به ستردا تعتقاندین.

•

من هیشتنا له یهیه بوم محصودی حاصه بور گایشته سعر شاخ. محصود زر زر تمحات بز لام ر نامنای ثم ر تعوی بز تعنینام، بهلام تصبصاره پیم سایر بو لم کاتعدا هات بور. دممو تیوارد هامو شت تعوار بو دایفزیندو، بز ینکدائای زارگایلی. محصود کوریکی له سلیمانیدو له گلا خوی هیتا بو دارای پاردیان لی کرد بور، تعیویست بیبخشن.

من کموقه تاماده کردن چهند وتاری بر رادیره کادریکی راگیباندتی مطبخدیشم له لا پر، باسکاتی همری تاپی کرد و، نامیلگایدگی دریژی لی دویج چاپ و بلاو گرایدو. ریپروتاجیگی دریژی له سعر شعرکان و، یادداشتدگانی حصیر و، نامیگانی تیدریس و مصعود و، نازی گزارادکان تی داید.

صدره و تیسراتیل چند جاری تعربی گرؤزاره کاتیان نهگزریدو و ، چند جاری کسرایی نیسراتیل که شدره و ، چند جاری کسراری نیسدوی میدرم و اگیاری تیسدراتیل کست کسروی و این نیسترم و این نیسترم و این نیسترم و این نیسترم و ، و تیسترم و ، و تیسترم و ، و تیسترم و ، و تیسترم و ، نیسانههستیره کسرکاریان تعربی کاتیان و میگرندو ، تیسوش الاشکانی تسان بشارندو بلکر و جمنازه کسرکاریان تعربی کاتیان بازیرینو ، نیسترم کان تعربی کنور ، بیسترم کان تعربی میشار بیسیری زور ، بیستمرکان تعربی تعربی کانیر و بادار بیسترم کان تعربی میشار به میشار بیسترم کان تعربی کانیر و بادار بیسترم کان تعربی کانیر و بادار بیسترم کان تعربی کارد و میشار بیسترم کانیان ناد کرد و بیناد بیسترم کانیان شدوند کاردور ، میشار بیسترم کانیان شدوند کاردور ، میشار بیسترم کانیان ناد کرد و بیناد بیستری کانیر و شاختانی میشاندی هیزی کارد و بد نیسترم کردی تعربی کاردور ، نیسترم کردی کرد

نارچهیه هینا پرر خفزوردکش و هغندی له کسرگاریان هات پین تعرمهکش پیشنده. منیش پیم تران : دخیراتکخانی مطلی همسکتری و خالید سخمید و شیخ حسین چند ساله به تاراتعرف شربتی گزردکاتیان بزانی، کش شربتی گزردکاتی تعراندان بز دوزیندره ئیسمیش شربتی تومکانان پیشان تعدیراه

عطی پچکزل و چا

خراردفان خراب و ، پارسان کم بود بهکنوروژ بر چامان لی برا بود. عملی پچکزل چند جاری دادای کرد: هردی پچکزل چند جاری دادای دارای کرد: هردیکان تیزن بدین، دن جاری ماندویاتم به پهریست تنزانی تا است که کشاندری بهکناری جردکانی جرد دادی بر در شکی تامیدکی بز نرسی بود. شلی پشتیدرگذان ۳ روژ چامان بن تغیری، بلاری لی تمکنین. منیش بزم نرسی: من معسئرلی چی بهیان، تمکنین. منیش بزم نرسی: من معسئرلی عصلحدی جیمیهاک، له پسر تبورتی چایی، تیزن بیدا که سر ترین چایی، تیزن بیدا که است تعدید برورد خری و منظر دردکنی لیبان دا بدر گدایرتوده یز تاریخی چنمی درداد.

•

مکتعیی سیاسی به بزنی تم شعروه پنیانیکی دورکرد. له پنیاندکددا لایدندکانی جردی بانگ کرد بر پز چارصدترکردن تاکاداری رانگ کرد بر پز چارصدترکردن تاکاداری رانگ کرد بر بر تاکیدری بارس به جنیر رادیرمان کرد بر تاکیدری بارس به جنیر و داوام رو تاکیدی بارس به بر جنیر اوراد کرد و داوام کرد تعملیتکیان کرد و داوام لی کرد تعملیتکیان که سعو بزنیس به ناوتیشائی: دروینگز تعملوم تاکاه تم هینواند له میدواند به میدواند کرد تعملیتکیان که دروینگز تعملوم تاکاه تم هینواند له

هیز،کانی جود ثارا برن بز ثیران و، تا چنند سالی تبشر وازیان له گدراندوی به کزملا و لفشکرکیشی هینا.

که هزدگانی جود له کوردستانی عیراق دوکران، دانیشترانی دیهات له یمکیتی زباتریان پی خزش بر، تمک له بدر تموس یمکیتیبان له هصریان خزشتر تمویست، بطکر له بدر تموس تمرکی 4 حزبیان له کزل بردو، تشیا هی یمکیکیانی له سدر مایر.

گیرانی بارزانیهکان

ثنو کاتنن ناویهی هاچی هزمنوان بر بر به منیدانی گدرمی جنگی هبیراق – تیران. بنصالدی بارزاتی و منوانی پهک به تاشکرا هارکاریبان له گنا، هبزدگانی تیران تکرد دولی جنیشی هبرالی. گزگردندوی دهنگهاسی هیران و هبزدگانی و ، بهارساغی و ریبنری هبزدگانی تیران و ، و هبان و بردنی دیدوانی تزیخاندی تیرانی تعب بنشیکی کمس تنو هارکاریبه تاشکرایه بد به هبرشدگانیش دا ننوان ودکو هبزی بارصدتهدد و خدیککتر و لهدانی پشتدوه بخشار تعین.

بعر له هیرشه کانی تیران بز حاجی هزمهران، بعص و کر له گنا، یه کیستی دمستی

یه پهیرمندی و تاترگزری بیرورا کرد بور له گنل بنمالدی پارزاتی یش ها هسان کاری دس پی کرد بور له پعر تعربی تعران له نار تیران ها دانیشت بین و، تاشکرا کردنی پهیرمندی له گنل عیبراتی، تغیر به هزی غنزمی تیران، تصمیان شارد برود، لعر کزیرندوبهدا که له نارزشگ له نیران ترینمرتی پهکیمی و ترینمراتی حکومت ها کرا، تغیر تنصمند (مقید رکن خلیل محمد شاکر) چیگری سعرفری تعرسای دفزگای صرخابدرات بارزان تکریتی، به راشکاری دائی بعردا نا که له گنل بنمالدی بارزانی همان پهیرمندی و تاارگزری بیرورایان گردو.

بعثمار برتی پنسالی بارزانی و هزرگانیان له هیرشدگانی ناویجی حاجی هزممان دا، له لای صددهای چگه لدوس به خیانشی تیشتمانیی دانشرا، به خریشی به خیانت و دسیبین و فیل لی کردن ناتوادرد، بارزانیم آیاز له عبران مابرندره له ترودوگای بمحرکه و فرشتیده اگر کرا برندره، زفری پیاوکانیانی ایر به بهکهنگری دیمیشی م به داستری ترککانی خوان به جی تعینار

شیخ عرسماتی گوری شیخ تحصد و عیساد و تدهمی کوری بربون به بعصی. عیساد سکرتیری معطیسی تطریحی بو. هربید و ارقدان و صابیر له بغضا دانیشت بون. عمیمد بز شکاندتی باوکی ماویدک له ونزاردتی بعصسیمکان دا بر یه ونزیری دولدت. دارددزگاگاتی بعصی له راپزرت و ترسینمکانهان دا به بتعمالدی بارزانهان تعوت: وسلیلی اسانه:

صعدام بز تعربی تؤلد له پنصالهی بارزانی یکاتدوه هیزیکی صدرسی جمهوری له پدخداره نارد دهوری ترودوگاکانی قرشتمهه و بدحرکمیان گرت. هدر پیاویکی بارزانهیان پدرس کموت له گنتج و پیر هامویان گرتن، شیخ عرسسان و کوروکانی وه گردکانی معلا مستفا: عوید و لوآسان و صابیریان چنیدود. سعر و سزراخیان نعا. دولی گرتنهان په مساویه کی کسورت صدده ام نه یاکی له زیاره کسانی دا له تعلقستین دا وتی: تعوانه خیانتمیان کردوه له پس تعوه: وارسانالج الق الجمعهم، و با باو پس که مصمود و تهدریس، هارزمان له گنا، هیرشدگانی تبران دا بز حاجی عزمتران، عموالیان بز بارزانهدگان ناردوه خزیان تاماده یکن بز چدک مفاکرتن و گذرانده و تا بادیدکانی سنور.

لم کاتبدا که یعمل ثم تاواند گلوزیهی بدرامیدر به بارزانیدکان کرد من له ختی
برد. رفتگیان کوریکی بارزانیهان هیتا برد لام ناوی عبیدرلیاتی برد. باسی کارساندکشی
بز گیرامورد له یکنیدی دفتها نبرد. چرنکه تازه شدرکانی قمندیل بریر وای نتزانی نبسه
رفتان له عصر بارزانیکی یکنیدی دوای تعرص له گلا مامجدالا قسم کرد عبددلیاتیم بینبیدی
در نافی سعرکردایشی یکنیدی بهر راکنیاند: وندگتر تماندی بران بز تیران نبسه همر
کارشاسانیدیکیان بز تدکین بز رواند کردنیان. تمکس له کردستان و له شریندگانی خزبان
تصییندوه همر بارستشیدیکیان له تیمه بوش به بی تیمندگی بخرسانی تمکسیان تمکسیدن. همر
کسیکیشیان تمینی له گله یمکیتی بین به پیشمترکه بخیراطانی تمکسیدن. معبدلیاتی
خابیر بین همیشر که در گله همتنی لوانس ماین قسمی کرد، دیسان ماتوره لامان و برباری
دایر بین به پیشمتمرگه د ناوده بز لای منامیساناد منامیهاناد دانموانی زلیلی کرد برد.
میدلیاتی بر به پیشمترگه و گرا به فترماندی کمرت، کردیکی داسرز و دربا بر.

جاریکیان یه کی له بارزانیه کان وتی کرشتنی نعوانه به تاییس شیخ عرسمان و

کورهکانی مثلا مستبخا ودکر پیشاقه واپر یژ مصمره ددریچی. بعصبههکان پیم کاره مدروگایش عشهردانی بارزانیان به تغیا یژ مضمورد هیشتدو، به تاییدتی که تیمارس مرد. له نار کوردکاتی مثلا مستفادا کسی نمبا پر مرنافستی یکا و. ودکر عشهردندگاتی تر تصابیش پارچه پارچه بیان و، هر کنوریگ چند تیره و تایطنهدی به لای خزی در رایکیشی. تعواندی مایرن همویان له دایکی خزی و، له خزی مثالتر برن.

يعردو ثأسؤس

هطرمدوری کروهستان زور تالززا بر. نسانتمترانی همدر تعدامانی سعرکردایتش. یاخود منکتمی سیاسی پیکدره له یک شرین کو بیتنوه، تعیر دایش پیل. له لایدکموه پز سعادمتی طزمان وا باتی بره له لایدکی تربوه بز تعربی له تزیکموه طزمان سعربدرشتی کاردان یکین، من له میز بر بیاره دایر بجب بز بدی معرک.

یشتی کاف ناآروزشگیان به یعکیماری چؤل گرد، سالارم عسرمدر چور بو بز کانی کمنتر له پشتی کانی تر له بعری معرفه، ماویهای بو هات بود دولی بالیسان، بربازمان دا پهکده پگتریهندو، تاوات قارصاتی بیش باشک کرا بر بز لهپرسیشدو، و ریکای درابر بگتریشدو، تاریخان تعریش چیکلای کارواشکنی تیسه بیر.

ریز، نخویش نیخدوی خارواندهای نیده یز. هیزدگمان به ترترموپیل بدردر بناری هدری به ری خست.

چوینه سکتسان، دی یکی گستوره بر بدلام به هزی دورمنایمتی نارخسیزیانمو، گرند،کهیان ویران بربور، چهند کسسیکهان له پهکشری کوشت بو، له رقی پهکشری همر لایدکیان چر بر له لای پهکیکی دسملاندار بربور به جاش.

شعر به لای محمدکمری هیزوپ دا ردت تمهین ترترسریهلیک له سعر جدادکه لایتدکانی له تیمین تده اربچکدکاساز لعر شعره تاریکندا پریهار تنکورت، معسر خزمان دا به تعرزدا بز تعربی تبییزیس. له کابرای شرفیهرسان خبری لایتدکمی بکرژنیستمره شرفیبردکه پشترگا بر تعییناتی چی یکا: شتیمگی بهارمی تحکوار بر لم شوینددا ترش تار تیستمرکه ییس، معریخان بر ترفرمریهلاکه رؤیشت. تیسه هیشتا خزمان دا بر به تعرزا له ناز تیستمره بهیستمیکی گلوره پمرز پروم و گرمهیکی گلوره هات. له ریزدکندا هرممر له پیش منتوه بیر. به دام ریگاره قسیمی از محری کابرد، ماریک بر نزرا به زیر تقریبام شتیمگی پیش مان بی.، له ناز هندریان دا خمی تمرم بد یکانیم ردم: و کاک هرممر سالامتی که برد، سعرتا رامانزانی هاوش مرمهسکترهکید. کنرتینود ری چینه داری قدمتمان. تا تارسبحب کسه که است پی بود، له شاواری دا له دهستی درچود، کسفله سمزی تاریب جسیدکسهی که سعر پی بود، له شاواری دا له دهستی درچود، کسفله سمزی تاریب جسیدکسهی که سعر پی بود، له شاواری دا له دهستی درچود، کسفله سمزی سفید گهدکر، بیندار که دید.

تاریدگه به رمید و مرعصکار دنترا بر نسانتخرانی بینیندو. شعر چرینه گرندی میرژدی مهرژه له بناری کزسرهت و، رزژهکدیشی هنر لدری مایندو، بز عصروکنی چرینه ثالیقه. پیشیشر چند بطعمهکهان بز تاصاده کرد برین. له تاریکایی شعودا به بطام له تاری نستهایی درکان پدریندو بز بدری مدرگه. له کفتاری تاردکه و له کفکی مدرکه پیشمغرگه چارمریبان تمکردین. همر تمو شموه چرینه تباودژی. جمیش به پدریتمومی تیسندی زانی بره. روژی دوایی هالیکری:۸. پهلاماری بملمی ماسیگردکانی دا زوری سرتاند.

چهای تاسترس لدودگایه کی دولمستده یز به خیبرکردنی تازبان در گینا و پوشی زوری همید، بغلام تازی کنسمه، چینی بدودگانی تفسترنید. له بعزاییدگانی دا تعنیا چالبهطری لی ید، هاویتان دمری تعیان تعیان و تمیترینتور. هندی جیگا و صافره لی ید، له در دوجرخ به مافز تبلین دهرگادی، مافز تعر تازدید که له چالایی سعر بعردا تعیینبدد. کعو و کبری له هاوین دا لی ی تعفزندو. وگادم و و کرویس، له لرتکه بعرزه کانیش، یه معری گری شنز تبلین: دکویسی، یعلام ناوی دگادم له چند جیگای تریش همید: ناده بز شناخ در ناو بز تعو روباری که له سعر ستری عبران – تبران مطتقولی و بعرم بیترارد،

یدری مدرگه

بنگرد، ناونندی ناویهکه بو، بنکعی ناحیمی لی بو. نودهگایهکی گلووشی لی کرا بروه نزیکمی ٤ هنزار مالی تی دا بو.

ناحیس بنگرد پیک هات بر:

گرندکاتی بناری تاسزس: ویسی، پیخری، پیترغی، بیاته، دوله گزم، سترتنگ، نیززکی، خانش، کاتی همامیر، سعوچیا.. واگریزوا بون و، گعرمکان، ناوهشت، کعلمکان، بناویلی تاوهان بون.

گرنددکانی بنری مموگد: کنانی تو، چنارنی، تاونلی، هنوارببرزد، خروخرود، یاخیان، گزمنزهٔ راگریزوایون، لزندر، هنازند، نزلیکد، سزلیان، مدرگد، پاشکیش، ملا سنفی، بیردکد، بیگنی، شارستین، دوله یی، سینتر تاودان بون.

همردر دیری تاسترس گرنند تارددان ر راگیزراردکاتی له ژیر دستی پیشسدگه دا پر، پلام گرنندکاتی: کیپردکاتی، هیاهپره، بنگرد، خزشار، پیسرشه، پعردشان، سیرکان، سیناجهان، قعردتهه، دیبیژه، مصنفارا، پعردکرز، سعرسیان که هندیکیان له سعر جاده و، هندیکیان له لیراری تستیلدگایی دوکان دا بین، له ژیر دصمالای بعص دا بین.

همندی له خطکی شویته راگویزراودگان له ناوچهکه دورخرایونموه یز نوردوگای تمکی له سعر ریگای چمچممال.

له روی پیکهاتنی خیله کیسمره تاریماکه تیکهلاو بو له: شیبلانه، جاك و ترکه

ترکه رشه تیره یکی پچوک بون له سنرسیان و بنرده کنز دانمنیشتن.

شيلاله، ٣ ليره بين:

پیره، که له گزنندگانی پیسرشه ر هنلزنه و، هندیکیشیان درای ژیرنارگنرتنی گزندگانیان چریرنه چرارقررنه، ژاراوه، رانیه، تمسکی کطهک.

شوانه، له گوندهکانی پنگرد، سزفیان، سمرچها، همندیکیشیان دوای ژیرتاوکموننی کاندهانبان له سالتانمدی و ۱۱، اد دانمنیشان. رمجسعب، یا ثالی (تالی کسوری رمجسعب بره)، تعمسانیش له پعردهسان و. هندیکپشیان درای ژیرتاوکعوتتی گرندهکانیان له بازیان دانشیشان.

گرندکاتی: خورخرو، یاخیان، گزمنزها، دولهی، شارستین، سیدهر، کورو کانی و هماهیره بعشیٔ بون له ناوچمی جافعتی.

تاریخکه چند گرندیکی تی دایه ثعثینی له ثاستی دا رایرستی، لعرانه: معرکه، پدرمشان، کانی تر.

- صدرگد، کانی و ناوی زور و. تعرزی فرارانی چاندنی دانسیله و، باخی هاهپیری
هدید. چرار مزگدتی تی دابرا مزگدتی کانی چادان، کانی سردهشد، گدرمگ و جافان،
مزگددکان به ناری کانپکاندوه نار نرا بین. چند گزرستانیکی زیکد، هندیکهان گدرود
در کیلی گزرهانیان بعز و تسخیر و معندیکهان تیگاری شدید و مطبان له
در بیل گزرهانیان بعز و تسخیر و معندیکهان تیگاری شدید مرکد له کزندوه نارددان
بیری. نام گزرستانانه تعینی لیکرلیندوی میاویهان له ستر یکری. دانیشتیرانی نارچه که
معندی روداری دهماردم تمگیرنبوه که له سعردهمی هانتی لشکری نیستالام دا معرکه
پایتمندی قدرالیکی گدرود و و دوای شعری قروس و خربنادی تینجا نارچه که گراره و،
پایتمندی قدرالیکی گدره و درای شعری قروس و خربنادی تینجا نارچه که گراره و،
تمستاید از سیان کردود، چشدی بیدی مورکدی، تدرسا درجیده به شربیکی پیراذ
تمستایدکردا به معزاری دپیرود سور له گله هانتی تیستام دا مرسوفان بود و د له شعریکی
دریراده و لموی ناشتریانه. گیراندوکان تخساندن، پشت تصنیر پس به هیچ
دینی، داکنون موادی.

تموسنا ناوهندی قمتراکمیان گراستنوتموه بز قملادزه، ممرکه مصودمیک پتکمی تصارفتی بایان بود. به چی ی و دیمینی کاکه شیخ و کاکه میبره، هندی له میردکانی بایان لعراته تم در میردی پمیتنکمیان به سعردا عقلداره، له تماهامی زورداری و بعدوهشتی دا، به دستی معرکمییان به کزمنا کراردارن، تا سالی ۱۸۹۳ معرکه ناومندی قمزای پشدم. بود.

و،کر تبیانرت: منرگه و لزندر و هندی گرندی تری نارچهکه دریشکی کرشندیان هیر. تا من لنوی پوم چند جاری دریشک به پیشمنرگه و خطکی کنوی دا، بهلام کسی نهکشت.

کاتی خزی سمرگ تاونندی پدرپرمیدرایدتی نارچهکه بره. هدر بزیه یه هممو نارچهکه نموتری: ویدری مفرگه».

[–] پدودشان گردنیکه کاتی خزی ستر به مترکه و دواپیشر ستر به بشگرد بره. پدکی له به تاریاتگرین بیتیپیودکاتی کرود: علی بعردشانی، لمه دی بده له دایک بره. حاجی قادری کزیی له پاسی شاعیردکاتی کرودستان دا بعمجزو، متایشی کردو:

در عطین راکر حسسان جدیر و بدردشانه مصکانیان

له در عنلی، منهستی: عنق حنوری ر عنقی بنزدشاتی و، له حسسان منهستی: حسان کرری ثابته. حسسان شاعیریکی عنومی گنورس سنزدمی جانیلی بود: درای تیسلام به ستایشی پیفهام تاری درکردرد.

ژمبارمهکی زور بهیت، چیبروک، گیزرانی، قسمیدی نمستین .. به سمر زمبانی خطکتریه، تدریده باقی، که همری تیشاندی بلیمش تعرن، کجی سعرگریشتدی ژبانی خزی رون نیه و، باینتمکانی کصیکی تعین، که لم سالاندی دوایی دا تزمار کراون، تعوی تری نظرسراوندره، یعلام بعودها که یمکی له یمیتمکانی یز تعربحممان پاشمای بابان وتره، دیاره طاوعبرش لدر بره.

بعردشان معرکتزی عشیرتی شیلانه بو.

رسارل مامنداً له پُعرفشارُ له دایک بردً. که من له تارنزی تهشتمی برم، کریخا پیروتی برای رصرا، یمکیکی تارده لاسان بز بختیرهبنان. بیگرمان تعمی له پیماردی خزی بر، چرنگه هیچ پشهیکی به تهمه تمیر، جگه لعرش تهمه لعر کانده! له گلا حسک تاکوک بیری

کانی تر کبرتزنه پتاری شناخبره له کنزنایی دولیک دایه لایدکی تاسترس و.
 لایدکی شناخی چل بزنیه. همرای خنرش د دیستنی جبران و. چنند کناتیسدگی سنارد و سنارگاری تی داید، دوانیان له پنزایی مطلقظراین و تعرفهند قبرلایی دولدکنرد. زستمان بلایکی زوری لی تجاری.

زمیوزاری کشتیرکال و دانمیلغیان کممه، تعرز،کاتیان به دمس پدردیار ر چاک گراوه، رفزی تری و باشن میره و ترشیان زوره، پیار کغینی پشتانیشتی شفلگی تم دی یه چفند رفهیان له گنان باخدکاتیان داوه، میبریمکی لی بر، و،کر هفارژه رشته بلام چوکزتر و تامیشی خوشتر، پیان تعرت: «سیکنری»

تاژهٔداری آدکنن. هنوای ناوچه که بز پدرونوده کردنی ناژهٔا، په تابیمتی بز راگرتنی برند معرفه که بازد.

دانیشتوراتی تاریخکه له کزنده شاروزایهکی زیریان همیه له تعونگدی دا . تافرهت له تعشی رسان و بعرهمهیناتی داری باریک دا و ، پیاو له چنینی برزو دا . شالی کانی تو و چنارنی بز تعنکی و سلعی و جرانی به ناریانگه.

. گانی تو و کاتی کروکرر تفقی بکرین به شرینیکی توریستی خزش. به هارین بز سیران و به زستان بز یاری سعیعفر.

.

تم ناویهیش وه کر خوشناوش و ، زار ناریس تری کوردستان بزن راتمگرن. بزن له منع هبززاندره، به خیبوکردنی تاساندره، زارتر بعرگای نمخزشیی و سمختیبهه کانی سریفت تمگری.

له کوردستان ۳ جزر بن همیه، یزنی رحش، یزنی معرفز، یزنی کیری. بهیکش بزن: کار یا کارلزاد (له برنبوه تا تصنفی تعیی به ۳ سانگ)، گیستک (له ۳ مانگیبدو تا تعیی به ۱ سان)، چنیر (له ۱ سالیموه تا تعیی به ۳ سان)، ثبتجا به نیردکانی تعرفی: تیزیم، سایرین، تفکّه و به می بهکاتر، بزن. کار تا له ختم ثعرمخسی له دکنزی دا پعروبرده تهکری. کزز به وتعیسان» چرار دجری تمکیری، بزن له زستان دا تمکریته دپشتیره یا دعزله درد.

ثنو سالتی بزن تنزی، شپریشی تایی، بزنی بی شیر پی ی تطین: دقسره. بزنی رش و بزنی مدوز له گفآ تیریی یه کتری جرت ثهگرن، یمچکه کمپان دورد،

یا دوردگی دورتیچی. صری بزنی رش رش، زیر و رطه یز دروستکردنی جلیبنرگ به کبلک تاینت، بعلام

صوی بزنی رطی، زیر و رطف پر دورستخردنی جارینرگ به قبطت تاینت، یکلام گرریس، رطمال، رطخه، جعوال، تی، خبرار ..ی، کی دروست تمکری.

مری بزنی معروز، رهنگی جزوارجنری جرانی رهن، سپی، خورمایی، شینگی.. همید ر، ندر ر خاوه، برزی (کر، شال)، پدرمال، پزیهشمین، جاجر، گزوهی، پرزمرانه، دسکیش، بلرز و، له هندی شوین پدانی.. لی دروست تدکری.

زین رطن بهرگدی مسختی سروشت تمکری و، له شاخعوانی دا وریا و سرکعلمیه، بهلام زمروی گمروه له جمنگدا و باخ تعا، چونکه چرای تازه پیکمیششوی درمات تعفرا و، تریکلی قمدهکمی تمکیزیشتوه، دارهکه وشک تمیی. له پعر نموه پی ی تعلین: وکوللمی روشی»

یندی زور له ستر یزن همیه، ودکره دیزن بز شمری چی ی خزش تمکان، همردها: دیزن تبیسلی بی نامی شبوار تعضراه، همردها: وخبرا همقی بزنی کنزل به سستر بزنی شاخدارده ناهیلی»، همردها: وگیا تعربیه به دمی بزن خزش یی»، همروها: و نمخراردم د نمکرد، گیسکر: جینگاننم».

یز یکنی که زر زو یکمویته خزهیمو، تبلین: دودکر بزنی دیلیوه سالی در بعدار تمغرا ». بز یکنی بطیندگانی به جی تمهینی تبلین: دودکر بزن رایه دستریز همتانگری». بز یمکی همسر جداری له درای خزشیسه ک تاخیزشیسه کی به سمبر یی، تعلین: دودکسر گیسکدگانی همیاسی خاصی این هاترداه

باردگای تیمی ناسبوس له ناووژی و کسرندگانی به دریزایی بناری تاسبوس بلاو

پریونتوه. پاردگای تهیهی ۹۸ ی صامعنده له لزنجر و ، کغرنهکانی له پتاری تاسوس به دیری پشتمودا دایش بربرن.

باردگای تیچی 23 ی چدکرچ له گدرمکان ر، باردگای تیچی 21 ی کرردکاژار له کطدکان بر. نم در تیچه له چار تعوانی کندا به ژماره کممتر بین.

. هنانیوه، پدری برنموه بینری تاسیس ۷۱ ی جنرتیباراتیش، به هزی شعرهکانی عبیراق – تیبرانبوه، پدری برنموه بینری تاسیرس هندیکیبان له کنانی تر بازهگایان دانا بور. تم هیزاند همدیان سعر به مطبقتدی در برن که بازهگایش له سعرکشر بور.

كاكسين قادر ينوپرس كترتى ريكخستني قدلادزه له چنارني يو.

که گایشتینه تاریهگای، تازه خبریکی تاوآگردندوری گرنده ریرآنگراورگانی بین، له پدر توه شرینیکی تعرفزی تامادهی آن تغیر بیکنین به باردگا، تغیر خزصان خانر دروست پکنین، پیشمرگانا له تارهای و معرکه جیگانی کاتبیان پنیدا کرد در، منیش چند روژی له مالی عبدرلرمیم برم له تاردی. تاورای گرندیکی پچرک بو. پشتی دایر به تاسزسدو روی له قدرسرد بر. چند کان ر کاریزیکیان همیر، پهلار ترمیزاری کشترکالیان کم و لیو و، بعرداری بر. تریکس کان ر کاریزیکیان همیر، پهلار ترمیزاری کشترکالیان کم و لیو و باشکاتیان رسگ کارگزنالیان له تنکیسود و باشکاتیان رشد برور، تازه شدیکی گارگزنالیان بهیدا کرد برد. دانیشتراتی تارطی کم دربدیک کارگزنالیان همیر، کارگزنالیان بهیداری دا داد دردون فرادان بود. بهداد این کاریزاری داد در درون فرادان بود. همیرانداری دا داد دردون فرادان بود. هداد این کامیراتی بعجبتی همتری، زیرای عمیدللا ریری، تصمیدی حاجی مصدیدی عاجی قدرانید، عصدی عصدی حاجی

خطکی تاوچه که به گشتی پیهان خزش بود، تیمه لعری جیگیر بیین، لایان وایر تیتر هیز،کانی جدیش ناتوانی به تاسانی بیته سعریان و، جاریکی تر رایان بگویزی. ماد تعجید

مام تصنعد له سنوهای دهن پی کردتعوش شورشاره بریو په پیشسترگد. زورجار کنه له قسمگردن دا تازی پدکیکی له پیس بچنرایه دوانیکه ی به کار تعینا به پاسس همرطانی تمرت: وانیک عمرطات و . به قاسماری تموت: وانیکلر. له پیشر ثعره ناریان تا بر مام تمصمت وانیک، تمکیری له پنصالعیدکی ناسراوی خطائی ناویدکه بره بهلام پر مام تمصمت هم نارچیدر فهانتاسی.

دوای تعرص ریگای معرکه - پدرگلار کرایدو تراکتور و ترترموییل هاترچوی پی دا یکن. رؤژگیان دلیر به ترترموییل هات بو بز تاروی، مام تعمید تعییست بریا بز پدرگیراد به دلری وت پر: وکه رویشتی منیش له کنا خزت پیماه دلیر وت بری: ویاشه، پدام من زو زو شتم له بیس تمهی پز تموم له بیسرم نمهم له سنصات تعرفندو له سنر ریگاکه چاروی یک که هام سوارت تدکم و مام تعصد وای زائی بو نایدی سواری یک! وت بری: وندگایر تعوفند زو زو شبقت له پسر تمهی نمود بزوی بروژی له بیسرت ناچی له پاتی پدرگلار بچی بز بنگرد اه پشگرد تموسا هیزدگانی حکومتی لی بود.

خاله مین

خالمین، یدکی له پیاره ریش سپیدکانیان تارطی، ژوریکی له دو ژوردکدی مالی خویان بز من تعرخان کرد. به دیوازی ۳ سانگی راوردو، به هزی گنبران و سیروان و شغروشیزوده، له هاوسنودکنم داور بور. ناروم به درای دا تعرش هات لعری نیشتنجی برین، تا خانروکندی خترم تعراو بر، چند حنفسه، یک میسرانی تعر پیان، تعو ساومه بیکلاریمان ژورتر و دوستایشیان به میزتر بر. خالمین طری فرندی پیاری جوامیر و، هاوسنو،کی فرندی خافی خاندان و، متافکانی غرندی مراقی بعز بون.

مام پاپیر

مام یآییر، یکیکی که له پیاوه ریش سپیدکانی تاونژی، کانییدک ر پارچنیدک تبرزی دامی منال و باردگای له سنر دروست یکمر، شعرینکمه ناوی دکیروانه بر زنیکی تاونگی در ما باییر بیاریکی ژیر و بدیز، شاردزای کاروباری عشاتیر و لسه خزش بر، سمسندن کسرویشی به دلسسززیدکی بی تخفازمره کساروباری هیتان و بردنی بدید و پسستیمکانی تری ناهام ثندا.

خاله مین و مام باپیر خال و خوارزا بون و، همردوکیان بادکیان له شورشی شیخ

ممحمسودا له سمرهای سیسیمکان دا کموژرا بو ، ختریشیسان له شمورشی تعیلول دا پیشمعرگایهتیهان کردبر ، بهلام دانوبان به یهکعره تحکولا .

خاتر دروست کردن لیره کاریکی زدهنمت نمید. جادی قیر بز نارجدک راکیشر! بر، استانوالی کدرستمی خانر دروستگردن: بلزک، چیمنتر، گلج، ددرگا و پماهبرد، له شار بگرین، دیسان کدرلیندو خاتر دروست کردن، بناهٔ کمیسان دانا، خانریدکی دد زوری بز پیشسمترگدکان و، چند خاتریدکی در زوری بز خزم و مالدکانی تر. له همسریان دا تعوالت، معمام، چیشتخاتمی تاییشی مان دروست کرد. گلاریگیشنان بز تاژه ا در تیستر دروستگرد در له دهروریشی خاتریکان چندین جالان بز خزباراسان له هیرهی تاسسانی و درواران ملکنند. وستا و کریکاری همر خاتریکان پیشمر گذاکان خزبان بون.

خباتر،کنان تعوار بین. کناتی خنزی کنطریطی بدارگدار منافکتهیان که تارزینگدره گویزاپرمنوه هفرزنه و د هزای تدویش ههایهانه تاروی، پیشنمرگه باروکانهان گرمرگ کرد بر، تعوی به کملکهان هات بر بره بریان، تغنیا شعن نمیان برد بر کشیهمکاتم بر، روکس نفری ماید. معرفتری مشوری کاطریطی باردگا و مالان خرارد.

274

אינג

هعندی شرینی پناری ناسترس دارستان برد داری بعرو، قنزوان، گزیره بهلارک...
ی لی بود، پشتی چنارتی له هعموی چرتر بود. پاش دانانی بنتککانی پیشسمرگه، کمرتنه
داریرین یز سرداناند و بز داروای شاتو، چنند کسسیدکی ضبطگی چنارتی هاتن بز
دعربرشی پهازاره داروایی، شسارواکسانیسان نمیانرت: لیسرداره کسمی پشستی چنارتی
دانهشترانی ناریمکنی چنند جاری له قاترقری و برسیتی و، تازهلمانیانی له مردن، رزگار
کردوه: خبلک بعری داریوریان خواردو و، تازهلمانیس گداشی، له پنزاری تعودا بون
تمر سامانه به ترخه لد تاو پچی.

دارستسان بنشبیکه که سیاسانی تعتبرهی، که زور جبیگا دایش کبراره و ، همر چرتیاریک وقددهه ی خوی هیده کسی که بزی تیه بیبری، گلاکس تدکنن به وکناه پژ کالیکی زستانی بزن و ، قو و پزیدکس بز سرتانتنی خزیان به کار تعیبان، ثم جزره بریته کاری تی ناکا، یعلام بریتی بی پلان و خطور کردن، بعشبیکی زوری ضعوتاندوه و، پارتندیوس ستر که نری ی کاریکی بدگجار دوراره.

داری بدرو، چند جروه و، چند بدری جهارازی هدید:

۱. ینرو، دانس بدر دروکزاه و رمتگی قارمین تهره. هندیگیان گدورن پی ی تلفین: دوغلی، گلایکی پراویری ستردکدی له سدوایه پی ی تلفین: دجموت، پیشینان وریاند، دخوا کلاری بو بعور کردو». جنوت بر خزشکردنی کوند، ممشکه، هیزد، به کبار تصییری و، بدریش به زستسان له نار ژیاهمسزدا برژاندواند، یا پیستساندریانه ر خواردواند. له قاتولمی ها هاریوانه و بز خواردن دختیله، یان لی دررست کردو، به نری تامکس تلت و تالد. به زحست، به بی تار، فرت ندری.

ودکتو دوپریتی پیتزاری له دوباره برنتردی خبراردتیکی تاخیزش تنظین: دیترو به کالی، بدو به کتولاری، بادو به برزاری، » د، بدکن که به بدله در بی پساندود قسنه یکا پی ٔی تعلین: وتعلی ی یعوی له دم دا تعقیه بردا و روکس تهاشتایی په ک کسوتن و تعزیمی گران، تعلین: دیله بیا و ، یعویوان تعفرا د.

 مسازو، پدریکی خبر و مسخصت. له پایزدا ثمپینان راه پازاردا به کیسشسانه ثمپلسردشن. بز دماخی پیسسته به کبار ثمهبتری. پیشسینان رادیانه: دید زفر بیبیسی بز مازرچنین به داردکای دا تاروانی.».

کاروانچی و نموانس زلم به ریگادا نمزین، که پسیان دنلزی، نمکات ر، پیستی نیران پهلهمکانیان تصریبتدو، مازر تعدارن و له گدارخته دا نمیگرندو، له پیبانی تعدن، پیستی پیبان وینگره تمکاندو.

۴. گزگل.

 سیچکه، له هندی تاریعه پی ی تطین: وگؤرانی، بدریکی تری بدرو، طره له شیردی مغابرای درشنداد. تریکادکندی برش و قارمیی تیره، ناردکندی جزری له تاردی زدردی تی دایه، ترخیکی بازدگانی تعوتری تیسه. پیسشیتان وتریانه: دیه مسازدان تی شکاره، تندین به سیجکان دخلستنده.

همتنی سال گنز<u>ا</u> له سعر گلای داریمور تبیاری. گلاکشی کؤ تککنتوه و تبیکوتن له بازاردا به کیستاند تبیلوشن، پاش کواکنتی منشرکده و دگفترای ی لی دمر تعیزی لیکولیشنوری زانسستی دمری خسستره گنتزا تاباری، بطکو بیماتمومیکی پیسوکه به چاو تابیتری له سعر گلای داری بعرو زیاد تبکا و. له تعقیامی هندی وتفاعلی ی کیسهایی دا هوست تبین.

داری بدر سعخت ر قورسه، یه کفلکی داربرای خاتر نایعت پوتکلا آنونفه قورسه دیرار بعرکسی ناگسری، به زفری یز سسرتاندن به کناری تعییان، بعلام له تعوروپا دیکزری قششنگی لی دورست تدکنن، تعشی جوان له قعدی داردکندایه.

ملبهندی پهک له ناو شعری عیراق - ثیران دا

هیدردگانی آبیران تا تدهات که گیرودستانی هیبرای نزیک تهرندود. زساندی شعر گایشت بود نارچه ستروییدکاتی حاجی تزمتران، قلادزی، پینجرین، عیرای و تیران، هیچ لایدکیان دهستیان که تهمه نشهاراست. هندی جار درصده دکاتی تیران که به جارساهی پیشمترگاناتی پارتی و حسک تدهانده پیشمره، شریدکاتی تیمدیان بز تدکردن به نیشاند شدری حاجی تزممران کاری که معلینشی می و، شدی قلادزه کاری که باردگاناتی

شتری خاجی ترامتران داری له تعلیمتنی سی و دکتری فقدوه کاری له پارداداداری سارگردایمتی کرد بر . تاریخی تاوزننگ – شبتی مان چرل کرد بر ، تاریخی یاوزی بشیبان پی چزل کرد برین. دلوردترگای راکتیاندن و رادیر گراستیرباندو، دولی جافش.

شعر به گعرمی کموته ناوچهن پینجرین. مطیطندی یهک کوت یوه مطرسیهباره. هسر ویژی برورومان تمکل. تعیما یهکری حاجی سطعر، که چیکشی مثلا پنختیار، گرا بر به لهپرسراری مطیطندی یهک. تهمه نگافارای یکری حاجی سطعرسان کرد، فعرمان به هیزدگانی میکیشی بها پلاهاری جیشی عبرای تعدن، بز تعیبی بدرانی ویرشکاتی تبران رایگری، چرنکه هاتنی تهران بز ناوچهک تعید به هزی چرلکردنی ناوچهک و ریراتهرنی و. له تمایامی تعربیش دا تعید بارهگافایی مطیطنی یهک و تهیمکاتی هارائیر چول یکدن

ماهیر هغینواردشیت تکریتی قاتیدی قنیلنتی یدک بور مناهیر بنعسیندگی

راگیزپدست برد له یمپاندگیانی دا جنهری به وقسوسی معجبوس و دندوکانی دارا ر روستیم و تعدا هندی پیشسمترگ و هندی له دانیشترانی ناوچهکه، گریبان نه دایره فیرمانی مطیند، یز فرمغزری چهک و تطعینی به دزی مطینتیوه، هندی بزسیان بز هیزدگانی جمیش نامرمود تازاریان دا برن. تعریش چند بمیانیکی بر هموشه و جنهری به سعر تاسیانی شاریازیردا به فروکه پلار کردبرد، چگه لمدیش و تعمیم یکی به بروسکه به سعر کردیکانی فیلمقدکس دا پلار گردبردود له یهکیکیان دا نرسی بری: وتلور ایاحه مرض و مال المغیین ودیهود.

مطیختنی یدک فرانی گیبرگرفتیکی گعوره بروبد. نارچدکعیان بدردوام له ژیر از پیاران و برورمانی هیزدکانی هیبرای ۱۰ بر. ناچار بین بیر له گراستنده بکدن. لمر کافترا بمادین لمر تاره بر. که تم پشیبرانه تعینی، له سنر ناوازی یدکی له سرددکان تم بالزیبوی ریک خست بر؛

تدى هاوريهان) من ريامدور

منم قوری دنیا یه سدر سنوم جاتی و عصبگدر هاتنه سنوم مطیطنی یدک بز کوی بنوم؟

شعر له ۳ معیدان دا

تیساً له ۳ لاوه له شعروه گلا یوین: شعر له گلهٔ عیراق، شعر له گلهٔ تیران، شعر له گلهٔ جود. زور کمس یه شهتیان تعزانین و، تاموژگاریهان تهکردین یو ماویهکیش یی، شعر له یهکی لم معیداناتندا ساره یکنیندو.

هدوله کانی خومان له گلل جود بدری نه کرت.

همسر تمو وتاراتمی له وادیر به نیبازی یانگکردنی لاینندکانی جود یز تاشعی، بمر پدری ترتمی و، به جنیوی ناشیرین، له رادیوی پارتیمو والامیان تعدایندو.

ی ترتنی و، په چیزي تحیرین، ته زمیری پارتیجو، وندعون تحاییرو. همتر تعرانص تامادمینان پیشان دا بو یز تاریزی له تیزان یهکیتی و جردا، لیسه

قریرفان کرد بر، لد نار تعراندا مقلا، ریش سپی، سعرزکی هشیرت، تعدیب، مامزستای زانستگایان تی دا بر. ته پارتی ر نه حشع گریهان نشدایه قسستی هیچ کامیکهان. پیرمندی له گفا سعراتی جرد بز کصانی که له سلیمانی ر بعفدا تعران کاریکی دارار بر، چرنکه تعران له تیران برن و، کس به تاسانی دستی نعیان تهگیشتی.

مامیمنال نامتی بز کاربندستاتی سروی و ، بز خالید یدگذاش سکرتیری حیزیی شیرهی سروی و ، بز نایان حدواله سکرتیری جنهباس دیسرگراتی فطمستین نرسی بو ، داوای لی کرد برن له تیوان یمکیندی و هشت دا ناویژی یکدن. هشت گریبان نداتی و ، اندادی فاشیرنود نیون.

آزیمدیکمان نمآیر بعر زیکاند له گط جرد ثاشت پیپندو، به تاییعتی سعرانی جرد لعر کانددا زیاتر کموتموند ایر دنهمتیوازه ی شهرانهدو، شهران خزی تاماده نمبر له گمل پهکیتی پیک یی، له پعرتود ریگلیشی به جرد نشدا له گل پهکیتی تاشت پیتمود.

تُهمه له گفل دوروه پیروندیمان زور کو بو. زورجار به رادیر پدیامی کررقان بز

لتارون. له پنیامکان دا تاوی تهیتی تیسه یه کوردی: دناسرده و ریه عمرمی: وصایره و. هی هفالاتی دوبوه که له شام وبیان تفکّرت به کوردی: دناواره و به همومی: وصاحده بر. پنیاسککی خوسان به راویرکش یککیشی دا تغاوه ره پنیاسککی تعوافان له راویری دصرت العراق، ورتدگرت که بعصیه عبدالهاکانی سفر به سریها سفرپخشهیان تفکره. پنیاسکنان ناره بز مظالاتی دوبود. کورتیهکس تعده بر:

نیسه له ۳ لاره له شعرتره گلارین. هنرلی زورمان داره له گفا، جره پیک بیین. سخری تنگرتره. له گفا، سیریا و لیبیا و فقاستینیمکان هنرا، پفت شعری تیمه و جره رایگن و : تیران تینمان بز تنفینی، تمکینا تاپارین خزمان هنرا، بفتین شعر له گفا، میران دایگرین.

. . یامترنی، حسین سنجاری، له شام برن. یامترنی، حسین سنجاری، له شام برن.

ثازادكردني بيتواته

بیشوانه گرفتیکه کمترتزنه پناری چهای ماکنزک و چهای شبیشار به سعری دا تعروانی، جیگایدگی خزش و تارهموای سازگاره، پی تنهی له زود کزنوه تارهان برین، معندی شریفتواری دریندی تی دا دارزارهترد، خفاکی بیترانه له بعضرکردنی بزنی معرف و دروستکردنی کردا شارفایسکی زاریان معهر، زور مالا دهزگای تعرفکدی تی دا بر.

له سربتای شورشی تیاول دا عرضر صنعطاً ینکس پیششرگی تی دا دانا ر، بر به پنکس هیزی کاو، پاشان مملا صمتحفا عملی شمعیان باززانی لی دانا، که یمکی له هارسففررکانی سزلیت و باورپیکراویکی نزیکی بر عملی شمعیان کابرایمکی زوردار بر. ریزی دانیشترانی ناویمکس تشکرت، بیگاری پی تمکردن و، خبریکی خو دهولممن کردن بر به زور کیس یمکی له پنماله ناسرارکانی ناویمکس هینا.

تعترم به گ، که له پنصالی میرانی خزشتار و، ژنهرای عنیاسی ماممند تاغا بر. له پنفهاکان دا کنیکاری دانتیرس قایات و، له سعردتای شنزدش تعاول دا بخشناری بیشاندانی چنکناری معتالی برد، دان برزی شنزشکنود، له پیشتراته داتششت، به پیاتری گنچنلی صفل شعهاندر دلات و، پنتای بز حکرست برد، هیزی جاشی له ناویخندا پیکور، تا، تم هیزد تا پنیانی تازاری ، ۷ ساینود، درای تعرد چر بز بعضداد لعری دانیشت، بز داینکردش گزورانی خزرانکی چاهاندیکی دانا بو.

می پیمس کنوتور بیاش گرتن. تینور یدگ سیرلمتری پیدکی پر حکرمت هلگرت دری شروشکد، دوای دانیشتال گیرایدو، پیتواند و، بر بر به دسلامدارتین کسی ناویسی خزشناردتی، له دوای می پیکردندوی خیالی چهکدار نغزیر یدگ سال ۱۹۷۷ دیسان معنفی جار خیزدکش تعاوده راوی پیشسترگد، تدگیر جاران بعماندی تعرب بر له داری بارزانی بره به جائی تسجاریان خیچ بیانیشکی لتو بایشتی نیور، چرنکه تم پیشسترگانه بارزانی نمیزن، بلکر پیشسترگانی بشکیسی نیشتمانی و، هندیکیشیان خرشنار بین، تنزیر بدگ به خزی تم دستالادور ترس و لدوزیکی زوری خست بود تا و دلی دانیشترانی بازیشکوران بازیشکوران بازیشکوران بازیشکوران عدرکس گریرایطیی تدکرهایه و، دلسوزیی نطوانداید، تازاری تعدا.

میتیک له ای تزازمریهایک دا تطبیعرد، یمکی له کردکاتی تطربر به گ له تار نزازمزیهانکندا کرارا، له ستر تمت ناروی کریشا رصرلی پیتراله یکرد. کریشا رصدل له رایسه دانیشت بره دارولاتهمکی تاسایی بر، تنیب ادرانی تدریر بارکی رضیز پر کمه پیشمندرگافی یکنیتی بود کریشا رصدل به محق زائی له دستیبان هلات و پنای بز بارگای حیزی بعص برد ام راتید، تعتربر یک ناردیه نار باردگای بمصی کریشا رصدلیان بد دول از تزنیزیهایک دا تا بیشراته راکیشنا و، لعری به یمر چاری خطاکتره لاشمکمی به دول از تزنیزیهایک دا تا بیشراته راکیشنا و، لعری به یمر چاری خطاکتره لاشمکمی سرتاند، تم تازانه بی سزا تی پدی.

ثمر کاتمی هیزدگانی تیمه هاننه خراری یز دولی بالیسان، سنری دسدلاس تندر در کالی بالیسان، سنری دسدلاس تندر دولی به که به بادرگای ساسجسلال گریزایده بز دولی بالیسسان در دراتر بز بزنی له دوله درقد. تنفره به گل درستی دس به سعر نارچهکند! بگری، ریگای رائیه یز خطیفان بز هیزدگانی حکومت یکانده در باردگا در هیزدگانی مطیعتدی چراری بدکیش له دولی بالیسان دریکا، کردیه سعر همد گرندهکانی نارچهکه که تمی چکی جاشایتی یز حکومت هلگی، دانیشتمرانی نارچهکه کردیهرودر بین تنهان تعوید به جاگی کودیه نوردر بین

تعتربر بدگ به تیسیک در تهشانی نشکاند. سعرک وتیک جمتگیی به سعر پدکستی در داتیچری به سعر پدکستی در داتیچری هستر پدکستی دا بز حکرصفت به دمی تعینا و در جمادهبلکی سعراتیجی بز داتیچری هسزه پدکستی جردی نه خزشتاوش دورکرد بر، تعریش بدکیتی دهر تمکا. بعثی نه جمکداردکانی پدکستی جردی که خزشتاوش دورکرد بر، تعریش به جاش و، چهندین جاش - پیشمعرگایی پارتی لای تعتربر بدگ تامیر مطارزه برن.

د. کعمال خزشتار، لهپرسراوی مطبخندی چرار، تعریش بهگزادهی خزشتاره. به زمانی شیرین هعرالی بر تاره که ززر له دانیشتراتی تارچه که تمکا و ، واز لعر پلاته بهپنی، تغیری چدگی روانی به برای که تعریف که شیری کنیری تارچه که نمی خزیعتی، تغیی مامیدلال و مطبخت تارچه که بی بهپان، له همان کات دا کردیه سر سترگفره و ریش سیپسکاتی تارچه که، همیریاتی گل دایعره و ، به ززر گرندگاتی زیره، هدرتمل، وبری، نیروه سنگلر و ریش شیرگسیو، پهروه، ی به کلیلز کرد و ، به شیزفل و بلدوزم سنگلر و رمیشی به دوست کردن. کار وا بروشتایه همر نارچهایی تمکرت.

له نار بیشراتندا کرمناه ریکخستنی باش و بمهیزی همیر، ناگاداری رودیان له سعر هیز و شرینه کاتی چهگذارگانی تعزیر به گ و حکرمت همیر، ماسیمهالا خزی له بزتی بر، که نزیک بو له نایهکمو، له ستر بتچینمی ناگاداریهکانی شانهکانی کارمناه ر، به به پرس و راویژی فوار، تعقیدیکی دانا بز گرتنموی شعر گرندانمی گیبرا برن و، بز دمرکردی تعزیر بهگ له بیشراند، مامهمال هیز،کانی معایشتی ۳ و چواری ساز دا و، له میشیشدگانی ۱ و ۲ هنتنی هیزی تری دارا کرد.

تعخشني ستركموت

مامچندگار ندخشه کس به ناری حیزیس مامزستا چندبال تاهیر وسترکنوت و و نار نا برد که تازه به هزی ومرکنراتی ترتومهیلدو له دولی بالیسان گریهی دوایی کرد بر. هده کاتر که در ده ۲ مدن تا تعدید که بد کا قدامه میکارد. مدن:

هزدکاتی کرد بر به ۳ یکی بز ثعری له ۴ تزلیره پیلامار بلین: تزلی پدکم، هزدکاتی مطبقتی جرار به سدیدرشتی شعرکش حاجی مرشیر بز

شاخی هنوری و گرفتدری چیزه و ستردول و میرگه ستو. قازل دوم، هیزدگانی مطینتدی سی به ستربهرشتی حصین کریستانی بز شاخی

شهره و گرفتاوای داره زیره.

قزلی سپیمم، هیزدگانی مطبقتی یهک و دو په سعرپدرشتی مامجملال خزی، له درلی شاورده پر سعر شاخی ماکزک و ثینجا داینزین بز قار پیتراند.

رَدُلُی ، ۲ ی تشرینی یکیم قرآدگی مطیعتدی چرار هیرشدگدی دس پی کرد. گزندی ترزیان گرت و شکانی جاشگان دستی پی کرد در له همس قرآدگانور پلامار دران، بر رؤای درای حصر دولی بالیسان و بیترانش کمرتد دس پیشممرگدی یدکیشی رد جمس هرزدگان له پیترانه یدکیان گرندو.

مفاوحته له گعل بعصس

تەركەكاتى كۆنفرىنس چەند شتى بو:

۱. هلستگانتی ملاَرمترجی ریکخراوجی، پیشمعرگایی، دارایی.، کترتمکه و، منارمترجی سیاسی کوردستان و میراق.

۲. عطیزاردندری تعنیاماتی کمرت.

عطبواردنی نویندوانی کعرت یز گزنفرخسی سیدم.
 درگرتنی بهرورای تغندامان له سعر گفترگز له گنل بعصی، تاخز زورایعی له

جگه له میان، د. سمید عمارزی شمسزیش و صدلاحمدیش میوهتمدی و چمند کصیکی تر پدودوام نامتیان له گله مامجدلال ثالرگور تدکرد.

.

چند رو<u>ای</u> خاند له گفاد تحصید بر، جنیش له ۷۱ ی حرزدیرانی ۷۸ دا هیرشی بر کردن بر سدر دکاتی بیشره له تزیک گرندی ددری، له ناوچنی ماوهد. لم هیرشندا ۱۲ کس کو<u>اران</u>، یمکیکیان تحصید و لعری تریان خانه بر.

خانه، ودکر هاوریکانی تنیانوت گفهیکی روشنبیر و تیگنیشتر و تازا بر. برای شعیدان: سرانیمان و همدوللا و، کرری محافظ تمیتی مرهبتی بر.

دوای کوروانی خانه در کسی تر له هاوریکانی بربار تعدی پین بر کرودستانی میبران، قدودم لیسته له دوراری گروگان بربن له قندنیل، هدودکیسان گنیشان: د. جمعفتری شطیعی خلاکی برکان و، سامیدی وطنندرست (کاک برایم) خلاکی سنه برن، سناهید له گناه خبری چدودیهک پاردی بر هینا بربن پاشسکنتری کنرد بر. د. جمعفشتریش لتر کنانده بر تهسته زور به سنود بر چرنکه پزیشکسان تعید، تعنیا یمک برینهیجان عبور، تعریش عدر تبرانی بو، تندامی وسازمانی تیشهانی، بر.

در پیاوی روشنیمر و تیگفیشتو و به زات و ووه بغرز بین. حغزیان نشدکره کسی بزانی که تیرانین و ناویان چیه

.

روژیکیان له پدردسی چادردکدی خرمان دا دانیشت برین، حصد سعید له دوردره در کسمسی به دی کنرد، پدکسیکیسان جلی کنبردی و، تعری تربان پانشنزلیکی جنینز و کرامیکی زدردی له بعر دا بره پرچی بدر دا بردود. ولی: دوایزانم روژنامتزسه».

که نزیک کاوتنمور پانتول له پیکه عرصتری حاجی عمیدوللا یو. زورم پی خرش پر ٹمویش په سفلامدنی گفیشتمور لامان. کاک عنومنر له گنا، کارواندکندا رویشت پر پچی پر سوریا در لعوره په پهکچاری بروا پر تعوروپا، قم نامنیهکیمان پس دا نارد بر پر سعرکرداینش کومنلد. په ناو تیران دا له صعایاددو، په نهیتی له گنا، یهکینکی شارنزادا گنرا پردود. کردم به گافته له گفی، وثره: دسختری دونوت کرد. دو ولاتی بهگانت به بی پاسپورت و قیزا بینی – منیستم تورکیا و تیران پو – تیتر هفی گلمیت نماودا» - این پاسپورت و قیزا بینی – منیستم تورکیا و تیران پو – تیتر دختی گلمیت نماودا»

کاک عرمتر لای ثبته گیر تیر تیزنی خراست پر سنردانی کسوکاری بگاریتاره نزیک سلیمانی.

سنواتی قم، سامی سنجاری و هاریکاتی، چند جاری له گفاد تازاد هنورامی و عرصتر دانیشت بین، یتو تهمتههاری هغودو ریکخرار: دقم و و کرمناده مارکسین، یاسی ریککنوتی دولتولی و هاوکناریهان له گفاد کسره بین، بو دهریرش نهائی باشی خریان تم نامههان ترسی بو و، دایریان به عومتر بیهیتی و، دریژهی قسهکانیشمان بو یکرینده،

قم تاکتیکیکی زیردگاندی هطیزارد بر: تمیرست یدگیتی له تاربود هط پرشیتی. پیرضدی له گفا کرمطه و بزرتندود، به جیا له یدکیتی یان رودتر به جیا له مامجدادا، دروست یکا، لعوی، له گفا تازاد و عرصه له سعرکردایتی کرمطه دانیشت برن و، تم ناممهمیان بر کرصطه ترسی بو، همر بعو جرود له گفا کاک تایمر و سعید کاکمش له سعرکردایشی بزوتندو دانیشت برن و، پمیرمدییان له گفا وسول مامند کرد بو.

تاکتیکدکس سامی به سعر تیسده له کرمناه تی نمینری، تیسه سور برین له سعر نموس که ندگتر بیانموی ریک یکنون نمین له گفل یمکیتیی نیشتسانی ریک یکنون، نمک له گفل یالدکانی و، داواسان لی کردن چارخوسی هطاله بزرهکالمان ناشکرا یکنن و، له گفل نموان گفترگری ریککنوتن دایمزریان.

یه راویژ له گفل مامیمثلال و د. مخصود والامی تامهکدمان پر توسینده. همر ثنو کاته تمسلی تامیکسی قم و ویتی والامدکسی خوصاتم یو تاکساداری و هفگرلن ناوه پر هفقالاتی دوبود. تنبی له لایان مایی.

بعلام تاکتهحکانکس سامی کاری له بزرتنده کرد و، پشهویهدگی زوری خسته ریزدگانیسانده، رمسول و هندی له هارویکانی شناری کنه صناویه ک پر نارازی بون له یه کیشی، ثعر کارساتدی به ستر یه کیش هات بو دائمنا به یعلگاس راستهی بوچونه کانی خریان، به تغیبا کعولته پهیرهندی و گرویندوی نامه، ثممش پهچهواندی ثعر ریمکاورتنانه بو که له نار خومان دا له ستری پهک هات بورن، پهیرهندی له نهوان هم ۳ بالمکه دا: کرمناه، بزرانده، ختمی گشتی، له ستر پنچیندی جوری له فهدرالهزم ریک خرا بور. له نار یه کسیستی دا هدر باله سسترکسردایش تابیستش و، سنمیمخسوی تابدیولوجی و، ریکخبرادی خری همیر، بعلام له کاروباری پیشمارگامی و، دارایی و، پمیرهندی سیاسی

ببلكه

- ۱. رتاریکی گزفاری ورزناهی، شام، ژماره ۱۷، سالی ۲، ۱ ی ثابی ۱۹۶۳
- ٧. شيجرس يتسالس بارزاني. دواي ثاشيعتال دائيرس وتسن و تامادي كردود.
- ایندوانی دیرافقا به سفر شفری کبردستان، رفازنامنی دالاخیبار بهبردتیموه، رفاری ۱۳/۷/۱۶
 - ليدراني رؤژنامدي والمهريده ي ينقدادي، رؤي ۱۵/۳/۱٤
 - ە. گفترگزید*کن ر*وزامنوانی شیخ تعصد. روزامنی والیلدی، رو<u>ل</u> ۱۹۹۵/۲/۲۴
 - ٦. نامنی جنهیپ محدعد کتریم یز تصیر.
 - ۷. غرنص موهانعراتی سالی ۱۹ له وختیات» ی معلایی و جعلالی دا.
 - ۸. سارژمیری چوار سالی شاری یاگیتی یاعس. والشراردی ی مایسی ۱۹۸۰
 - ۹. تطریری وثمنی عام» یز صعددام حسین له سعر خزبیشاندانی شارهکان.
- . ۱. پیرنامندی گنزمنطه یز: پیشگاوتنی گنزمنهلایاتی و، چارمسترکردنی کیسشندی نعتمرایطی.
 - ۱۱. غونمیدک له پلاوکراوه ناوخزییدگانی کزمطه: وژیانی ریکخراوهیی.
 - ۱۲. بنیاتی پنکیتی و بطگه دمهاردی شعری پنکسی جود.
 - ۱۳. پدیاتی پدکیتی و بطگه دمرباردی شنری درسی جود.
- داپزرتیکی تیستیخباراتی مسکدری باسی دمری خزبان تمکا له خرشکردنی تاگری همری تارخزی کرردا.

SAL 2 HEIMAR 17 YEKŞEMII 8 TERAX 1943

RONAHÍ

ANNÉE 2 NUMERO 17

DIMANCHE LADUT 1043

SUPPLÉMENT ILLUSTRE DE LA REVUE KURDE HAWAR



De et pard nednaver de begillense au ini tant di gestie vor de, ill di her varif de nebetabe oor nebelige, gant days collentyd ji Resines jorte gasellik legifler parif dide på he digst kaca eve plans new dektylen. De meté dényt he legifle plans new on it nes land helpiran til di over-orekse dektylete

> ÇAPXANA TEREQIYÊ SAM — 1943

ŞÊXÊ BARZAN

In all nav harden after gets got floren side gelle, per Ehmede he bi Xudand florma hadys natio it birs mirev. Ev yest he hadys flrendin au Xudand floren per Ehmed, burk o 1 jin Mhamed e. Der hoge Xudand lin rane da Ji, di bejmara pë vë da, më zunke ava historika.

Ev ctroka ko drawazione bėjim, me tipiekš noyali yr. jė tajanki qostori ū rasi o Berė, mio ov ckrak ji darė pėtė tiarisi pieki didirinkama biblid. Papt min dūr ū dirtį pieki, dantya ko mio zwe gilandė, galina pžaš Garisi o rokmoti bi tovoji sast bi derbat.

Sên Mihemedê Burann yek ji pênên leriqê hê. Ji wan pênên ku nizanin pêzîtî û mêrîdîtî ci ve; hi senê bi nasanî - mîlet destkewtî dibin 8 www di bin men's skullyst da it nor outer har dan reihm dikin manin a rive dakunsin palman Ji zwa ra, riya meninahiya cihik ba ta da ji ji harin swa ra pik time. Li bi saw vyan han da, pia tiliamod ma mirwahi bersidiyi bai. Toqua ji jakin jama qamatir a çalitir ba. Qa sa wah pisian meydi di viya belmiriya Ximada da paja da na diga. Halo gasahishi vi habi, ba ba qersidisi manwil li cam belin, zwa zwadi manaviyat da ba santa di quan Zibard da galak niewa bi mirifali swa zwa zwimbi bon. Ji xwa cer garabhi han ba ba ba ba seksh Rimadian 44.

De oert behilding bisien de jil qure Ziberd qua Mihemedd Barsen di nav quirte blizoft. Servena è levojiyan de novaki hen histo bi. Kaller ut, ewçard ja bos dibirio he di riyayay de di jib denwante ut miris, hamiyariyahe main dimeks. Il dilpoqliya soliki vi pova, dilqali d reinemiya qër ji e vhekivisa



BENDERA TÜNISE: Baja be geodral De Gull gebagetje Tabriel balelirde bysonal per Scripton à bajion serulé Prons Servent sablest baries.

hos yet M yet adds dikirin. Her ruj pigrī minutio drurt, gan girethe died it meriden and Albiria a dej vartea raja pladanné a ayirt dajahe if dietes birn nan.

tês, rojekê ji rojan di navo ran stroton da, offic rebuine ceneba bishell date. It ve nave da, je merkilên apra vak pirea nev o raciben Metidi a tevi doine rabone uf ji gen dibe. San bersive miridt sere, be-M disks

- Mahell, piğti pösombur ptvayt Ewadt 4 asoctic c. Nave wil

fit ham! buses directly to binarwhite roys wit nor it diberte. Cawon he gar of nabire tiling it pe de nace. Derse rabane wi, weberring a policki stalk or flaye to tro tail be dind a rive roje to I would in re fromes birt diatro.

Hings yok ji miriden radike nor yeu b distant

- Qurines hi aways bu me ji gan bilabi Decal B test Mobili radillo & bard wi gaints I beza ye; rojë riye selekë dikere bere. Ne geto, country Madell ofto 16 her of softest how siles dibe? L.

Då plit, dame pån il snirfilin gwe ye påle Docat a bard of a buse kiel his, aways II. pte wi solar bine Mahail ne bail bù bles. La nike miritiski er yuku ken je dipiret û ji vê pirot re il bessivek diviyo be. Missoln on ji riipiktu pinan e. Gero pte dit, gaven bami policieran otan aur wit it herrivaks je havi dikin: of reuse dibble:

- Differe, differ kurs min differe,

Di to kribben de cale firfue biobili time:) ji lin ku gés awa aman rave naka belé poti a 0 mirblan fi bawar hirt be. Le utsam, Xwada re derwee ban ji pên gebûl dibir so ne.. Vê the aged all decembes sets the biblioto. Pisti his z giretio wwy dika, li miagofid bi dordibava duce divent.

En ko male pint Bernen éltim dissele ko d drouges pax cigas I billed a. Toya bind tanfi û yê dwidyno naneşe (takiye) û yê Jun Buss 4.



Gove pto il columbi dice divent, michi di nav xwe da li ner piroin piu a n.t roti (ristikto Mobel) diportrin. Macania bimala, ter ur recités has hi kê dikevin. Ji lier ha răçiliên plu golf, board hi you dikativ, black ji miridau ajin kar habu, tinobe mtså om Mahdit hi srea ye. Hacker was # dibbjin: on blogs per rael If no reportlys he fruit region; hahe on Mainti héye wê jî me re higote. Li nervê golînê bire peein dietje:

- Me neyt bles we ke ple get: e dame rene wi geloid alaik a Heya ha tro but be dint d stru role he Xweld it to former history dige a. Bre pen. Nobell bi awe ye: is rive farmana Xwadê dipê.

Met dudtyen dies if getien zwe digler ho për na Mahell ya. Li mer vë dikevia gereriya her. If her de seriyon yek nihere à din blos per geline www. Hings yakf rhip! ji mishine radibe a dilaje per de biren:

- Me clin he apil hobe, howaye to him halê zîkên hev dibyînin. Na neyê lûre we ha ger get: tifing hi Nobelt de seço. Worin ami rin djumes û Bostek Wilag bardine pêr, beke Mobell he, burth to necle-

Vs agliments Beress neithire he hake is no Mobell, he dá himire. Ev yeks han nord hiro mirbito har du birm II. Gotion bu il me ve bereitre dibe yok û pop peys Affugin awe rudihin a diçin divanê. Di nighe ve devê her per tillagen didle plains pla è l'Oyèn eve devejla lingta tidages.

Bi dongên tillingan di rabûna diê ra, qên dide une û dierev. Virêlî sel dikujen. Ev jî dide une û dierev. Virêlî sel ûn til dierê dêrê da digarên bo hemî bersh li cilan ketime û bi cên ne ketime. Li nar vê teeriba kon êdî şika wan namîne ko sek Meldî ye.

Lé hinekén miriden dísa naxwazin by vé veké haver bibin. I I sar vé, di navbers van a én mayl (naé piranya ko li Nordditya van bawar biné) da qirén dibe. Hinga en oqilmendé Lo riya hing - berdana séx hi ber mirlden afeti bû, dikeve navbere wan û dibêje: -- Na ev getinên we heweştî şirênê ne?

Ha neys bles we he set got Mahell dikere bifre? Weren eme borin biceribinin...

Ev gotina kan be nerd homlynn dibere u ter terin nik pêx û danwasa xwe holê jê en dibêlie:

— Qurbant piraniya ma hawar ia ho pix. Mehdî ya. Lê hinekên bê-îman di ma da îmas ha bi tê yekê hawar nabîna. Ne divê pêx vê pîka han di dilê wan da bi deretas.

> — Ma ez pawan dikarira vê pikê de difê wan de bi derxim û kê ji we ra getiya ku na Mehdî me?

— Qurbon, dilê me homiyan dibêyê tu Mabdiyî. Na şêz ne ge sye lon dilê çel mistmanî H ser çi tiştî bibe yek, aw tişt nanî n û nabe derew. Heçtî yika di dilê bin mirkin da heya tuşîyê ûrûnê ja bidacaî.

heye tub'hi firina se bidarat. — Kuro ma kun ahmeq in, us çawan dibarim bilirim?i.

Hings optimende flaruen, aw miride his berd riya tooriba itings sont havalan xwa daya dibeja.

Gell mirkinni Ji ber ke deme rehûna Hohdî hiz ne hatiye, pêz xwe eşkere nahîye. Lê me diharin hicurlifalu. Werin smê denî û lingên pêz higirin û li ner zanoqê havêjin jêr. Hînga wê bi hotêkî bêke.

Hin gotine sejlementé flurenn ne quelipe les mirés hi dust à lingün più digirin à bê les gals bodio qir à noripin sel rebeut, ii our annoqé deréjia.

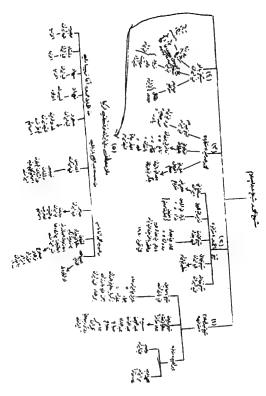
2. Mills mendt he oar par der in 1. It is der



TANGÉN URITANI DI ENIYA BIRMANYAYE DE



TOPEKE INVILLET YA OUT DE SARGEHE DE



داع رادو موسكو الحل الهيا دين سرته حريدة به الواعدة دول سرت الإلاد من قردست! الراد بالرسليمة فيكود مايشكر

مدل د عثدام د ال با در ص . وقعد ده ادرعه پرهه هیایه اینترین ، ولد دی ستی التولت آل از تحول مسله امریه دی فرمستان امراق اگی مربیعه

وسل البرمية هن نوو به جرسناد

وجد الى العكومة البرائية والذكري فين معيد با الرافدة 6 ، وكذلك فياليناف عكومك أيزل وبركية وسيره ه وكالغ و سمبر برمن هی اودیل کیشر سن در همدن دهنسته محد د افستو د همدي برهمون هي نوي بيشال

لرای اناموا کرمنا گیره اللبیبیترین . زمر خطور از مسینان د اطب کرد! در كليزت والترسية ۽ وطيعا أن 9 بشي عامر الهترول جوجومة في ال نیاف کی امرای کرد کیا ایل کردی ر امران د کاب بستویل حکوالاگراد رای کنتین حوایت اکارستا د کاب

م بن سيطه مع صرف بهد . وحول المستف كالرياة وكالرية اللسا لر بيوند كدت كبرى الطالموالقاري ووتبري في عبد القرق الكربية د كسة عرم بنايي الملك والدارية ورساند الني عرسل لاها کیا ہر افرید اسپینا۔ فرت السند ہر عابد امران سب

طعيدية كالهنسبرات كالراش العرب . وهيج هذا متي الهدط أليكم من جلب صنيرن ۾ آسونت جيم ۾ ساق

جری . ولایته شعد طب د خبتو ه الموتي في الذول الابير سكل جسيدي ر سوو ہے۔ المرد مد الأراد ۽ كليفن لڪوڻ ط چاپد بوال تحسیم سنزد به نادمانه فالهباء حماليس بر + ايستو + السرال وسورت د وفي نيدا اليا برب المتسبخ

حرصی چیان به اضام نو برسسین محمد د لوم د دعرسید دون بیشق مؤامرة خطرة (عيد هد امرهب مقوبة حواق غيسيد -اد أمرن جبع البيل البضية فقاطعوا -

ن السيند الصحيل في خد مرم

الولاطات اليعدد وخاصرا .

الرابطية موجاه الاستعار الترابيدية

بحصا بأبا بج الماج الموب المنسوب

للد فكل ورم البوله البرامي م مواهد السنيد المناه في مردع امراد من اه خلف طعاء الرف فوت فر المناع جواد مد وطا أمر شد. ال غيراق ليسو سده اندا همه استوار بند فرون بديد وحي سيده حبوي نبد شد اد حرسان اسات ی امران ار ها = السفرم = الدي س فوضت وزير الحفرجية نبيب ديسيبراء الورم المرافي لينتران فيليل الالشناء مالكات مع المكونات الشار باب جا الدي بسند آلي الربيان والصق بالمين 2 ينگي او يکون وخيما ال شيء بالمراب ۽ وڪن خوطوس طييس

برد بدر جنوبه جنوبان عنوب جربل - در جنوبه جنوبان بسرو م المروري ان والد نجوم بال مب المكونة خراجه أض المصد أجرمت ومند مشرڪ البراي في ڪال ڪسوبيء عول حسيرة فدمل في مترب تلها ينو كالسيف دعوجة دابريد لامن وجوسف ، ان مده هسیمیه ب بي توف مدره عبيما خلي طل فيا السليون وزمروا ا دن الرهبي كيفا الرائيس ليرمسوا في المحالد حق الرحد سيا سير الس

ان ازداد ساط خول السنارييية وطفا 6 السنو 4 خفوان چلق بزمت عدد النول نحوي طي خطر باهي ياكسية النميسة البرحي ووللمن سهري وفي نفس الوف ء أنهجوا أسباسه البنات والمسهرية البرجة اللمسة ولسند الترفي كاس والوسط اليا اطل سأو مد عماج الشون اعرب , ورو حبدا البنيا أبا سنع بالقماد ليم فيسر البنيا أوفا أيما بر اعظر جاروا الر ار استر المدور (195 واستر (الرامق این عدر داد (۱۹۵) او اعل (استدار دان سيره بام ١٩٥٥ / والمدهل ال*امر ا* بمد یا خام شد . عبی در عبسال ال الساد و ۱۹۵۰ برای افزای الرسال و بایدها ۱ المنته از پیدانبود از در ۱۸۸۰ از بنیش هیا السند ایرناس بد رن and when the deat the said and کر برہ ہ جی وہ ج افغالہ بال شکھ عرب ميد ۽ فر جد مندي الربر مال عسير، بدست ولقما خرمج أعط امسرات صفيينه خرى در اجيساع العابر علب برادر چنج آموز طف للسام المعاد واحدر دو ب جر اقتما : هن الم الدوب السوابسان اهد موادر در خبرو اوبر سه بر مسكاه غزوره الطد حرمات دبيب دايد ----مريجاله أفر شينيا طبطعامرات ال الأماد الدوليان لا تسطع في

با رند ۱۱ دن بناد المواند حي بميري ديرت بر عبوره العبوب سمره أر البنيزار أأعط في جنومت مدارت این شیخر آخری د به نصر بر انصاب این امیاز ۱۳مرد از سند امرابان برخید عواديا جدئل أوسيانا أنيو

جربية الجهورية .. الجدا د ١٩٦٠/١/١٨

لقد النقيت بالكثير من زعياء الإكراد الفطمين والتليت باللا اكثر من مرة وانى اذ استجل علم الوفائم فرائدي الإمائة والافلاس وتحديد جزء مهم من للربخ العراق وقلا ساكون دقيقا وامينا في ما افلل واسرد ١٠٠٠

لَّكَ أَتَلَيْتُ بِاللَّرِّ وَهُمِ مِنْ مَلاتِع وَجِهِهِ أَنَهُ فِي الطَّدِ السَّادِي مِنْ عَمِرِهِ ، يَسِمُو عَصَى الزَّاجِ مِنْرِدًا حَالِّمًا وَقَلَّهُ وَمِنْ حَرِيعًا حَرَّكُمْ وَتَمَرِقُتُهُ أَنَّهُ كُمِنْ وَلَمْ فِي وَشَمْرِ بَطِيعًا وَوَلِكُمْ مِنْ السَّمِيةُ الأَخْرِي لا يَسْرَقُ بِهِذَا الْفَصَالُ وَوَاقْمَسِهُ وَلَكُمْ إِذِنْكُ السِّمِلُةُ وَأَنْفِعِنْ فَقِيلًا * وَ

كُلُّدُ الرَّ إِلَيْ الْمُرَّةُ الْأَكِلُ الْمُسْتِ وَالَّرِلُّ الْكَلَّامُ لَشَيْءَ وَكُلُّ مَا الرائد سخاء • فسطانا من الحكومة الاحارة : والحكومة الاحارة بن عبادالله ، بن احد وبن احد -- ، النِّ ماذا 11 يريه • فسمسانا الطسم - --

وهنا يعار الر، في تفسير ذلك ١٠ فائلا معاط بثلة منججة بالسلاح تعصى حركات كل كادم فهو بهذا مضمون إيضا ١٠ مثن في ضمان يريد 1

مَّنَ المُتَمَّقِبُ للاحسانُ والقريقِ عند الحلا أومَّ الآكرةُ بالقات الاموا ان القسَّمانُ الذي يُنتَسَمَه هُ و الآلياء عَلَى الماتَّ وصيطرتُه وتأثيرُه في السَّطَلَة عَبْرٍ وأو كانتَ عَلَّى حسابُ الآكراد بالقات وعَلَّى حسابُ مصلحة الشّسبِ واليانَّه ، ولم يتمالكُ فلسه في آخر صلمه اللّيا أن يتعد وسينُوا بين بكالب بالعكم اللاللي بضاوب تهكم الآليا وحركة .

ول آخر كانية " أن يُقل وأ على الطباع الجائية الكوية أو قد امر مُرّة عل ابن "كون الدرسة باللغة الاردية لحد الصل السلماني بينها عارضه البالون • و كسان بحديثه يوجه أنه الإطهار سود قليلة وانه لايومن الإنقصال والحكم اللائي ويسمه مناطعاً عن لمله سود، من جهة خصوصه لم يوقف تجله الحكومة وقد أبد بعا الإلميسل الجلس والناسة قالله • • واليومة و ضائع المكل واللائم والله و المنافل الله • الا

الشكلة الكرونة ليست ضيانا يربعه طلا اور غير اللا انها تهم الشعب المسرافي كمهنوع واخواننا الاكراد باللكات ، وقد استثروه يشدة عوقف التمرين واعتسروا اعاليم وتصرفانهم وما يلونون به خروجا على القانون وادادة الشعب - وليس المهم هلا يضا - والهم طبا بما قسم من الاكراد يتوافدون الى بضاد بإضا واكنوا ان الملا لا يومن ولا يقر ما جراء المكارة الإهران الواجات يرونكون شهم عكيد صديق وضوعت عفر اوى - حيث قالوا يقعرف الواجد -

« أنَّ اللَّادِ مصطفى قدم المذكَّرة وهو لا يو من بما جاء فيهـــا ولم تكن الا لكي لا يقال أنه قرط في حقوق الإكراد ٠ »

ً أَ مِن مَّلَا يَظْهِر أَنْ تَقَدِّبِها كَانَ للاسْتَهادَةِ أَلْعَلِ ، وَأَنْ اللَّفَاآيَا الْمِسِرية الهمسـة لاتمل بِقِلَا الاسلوبِ •

وامامي مشروع لحل المشكلة وافق عليه الملا ووقعه وايده متصرف لواء السليمانية السابق السمسيد الحماج محصود ووقعه الضا

وحه التي امرضه على الراق الله وبالاتكواراف ليرى ما يريد طلا في مثا المشسيروع وما يريست را اللائزة التي فسمها والتي تشركات سابطه ١٠٠ وليتكون ١٠٠ ولينتكر ١٠٠ وليلسيرو ما يراه مناسبا فعسيل الشعفة ١٠٠٠

اه اللا مصطفى عنه وعدم امكان بحقق الإنفسا شاهد عيان بحدث عن السلام الذي بمر منطقة الشبيمال كب الإسالا اخيد بينممجيدية متويا عربية الأواريالمورسة كل هر دبه نوار

طرب و فله السعد معالون حيث النص ال وزال عبسم کاسره کوزید در شب غراق ۽ وهلف ايو اعيب الوراي الشفق لآكير الصلا فص البرزائي ۽ وائيسيسانا ش هرزاي بن شفيق اللا

رست می از همسال ڪر جن افرزاليان تعسم الاسيانة ال النظاف البائر ق

مرب و الدال و الماسير البرواجه التي سلع متواهي

of white to clause or

المرا اليروف والسب فيه أمسره ولركا العربة التي ميم

میر باد انعل می براند ۱۳ ستمرار

عديدة على الله عن الاشتباق راکبه کر یکی محق با بمید به از رایخی حوات ۳ کنند دک: داد با داره سیر انست. دین وابلا رحید البالا اسنى وامام رحيقا القبائل وسافت الشهيع الصد فركل للمانية أباي الأراي وأفرف أحراة الا الأعناق والتهوسط 2 معطى يرية الانصال صن الاكرات أن رضاء الاكسسراد أوالدي حلف احباب كسر الا التنهررة الراقية دعاعات أيعرائم طح الزلاسة رسيرف انتقابات ورود نود بنا سنر

سب دائيا آسيل آف ۽ وٽ آمريا۔ وارا شخصيا ۽ او باب آدا بخات دالد ج بابرا نظر فاق ۾ کل گرم مرل بيدا ۽ آمراء من مدا الوج ۽ سوب بر ۽ ال مطلق ملت ۾ اسال ال البردادين بالرحيل عبدا ينلته بال قرته باله 9 برسيش Street Married يعبط فجازي Marie Control

ـــ تسبيد الحجا سيرياسو كا حنائي د شسوك إمر اللاحيش وحدوث أر الله البراي وفر احب أخمه همراوي و عد صرح و إليك ١٠٠٠ و الدر ي بسبار التعود بای شورای 9 وست انتوان آن و سنه انتدار ای افتار 19 الاسط 9 1 (Parent), 1 وده النبيع حسيمة على المراق بر احسر المات الي

وده السبح عصب المان المنا مستى السبار 18 مستقى 9 سورده على الوردة علم الكر المان الراد الدبول الى يرول موها مسى هسه منها الرسول الى الراس ودلا في ودي لى الله مراس بينه الدرمول الدوسي أمرف الداكا يهنش سيسر وسب بدرال والل عرف له على خلاف من الرب العلود العال المسالية مار النبيج احدة بعير السيم إدافيه صد الله والدسر اللابر إدامه في الصد

المسكاح بعر البطان سب مد الاتراء لا رمانت إيماً (وقه) ال قرية الري أ - وعد ناكات سيس أ. السود ويسه ورميه فيأحس الرغب أخلاي عارد برزاها المستبرع أسر النشبة الشباب أنزار إ اللا صبقى ويه الانصل النجة علوله بن حال بداية إذاة النب عديد مرت سير وهدلي الله لحيث بن اهيه أبع الداس وبع ابرجر اليه - ألم ب والراد - ودليل وليدر الاحماض قوله اصدرصيل الساب او باسادونيه أسا سرنا و ال الديراع ر سنة بيرق بلسله منافيس و أوده على سنه اب تجره دار أم اعباطا ال الصاب حسر ومخنا راوشور طي العسشود ال علوم موقة كردية الرائد الدائد و لد مديدة

ولا اقل لها نسير اكر سين حول العرب طا بيدر الرب - معله وهم أخري العربيسية في سارا لم العساء الايل ساول السائريل

المتعطف المش ة طبق علله منعة والتخسيس | وطرب عد دلك الى دراب، أو النطب الده ي التعالى دائموق ب مرسار الجود بر قایه کا ___

اداهن السنول رهى ابت راقية بدا كالرائية للسبراي ليردائي حنب السلطة البراب المله أفهال معم شدجين بادارة فلنسب وبرعا سيسر 4000

ففالملك خاروتي وسؤءتنا يسفيسا سترتيزه

(درود) در تهایی داندی ایشید با رجه گمشکون شریعهای ک لتسبئت تكم فيهماك الاسبينية بإسالانك أخوصبو أرجدً أبك يكوند فدريستك والمادينوسل هداستريعون عمالان و معلم على والما والما المالية المالية المالية يربه الشب الكرام لنه إلامنية وعنيث وعادات الندايامر - على إ ساسة الشيخيع الكرة بيت المقتعلين ے رانکرزیدی ۔ انکھ تفتر ، من منبح الإنبانی متابہ

ال منية المحدر عالمية الاستوتوالمال معلية و وال فاره ا حادث الأصلام سرحودة لذن عبل مكرب والمذاع تغير. ؛ ما مدة رضاعة الداحية الماحة خلائداله كالبرك المثوانكروس ركى دى كديره ركرنه لوكدداده) فإهابا رافي مسينية بداسسي و راعتاجه عنيا مانوتها رس درداد رافزت دانس مراعب کم اداعیة اوراد ۲۰ مد حصوصیت بردست

بيث ويد الانفاعية سند المعرف سدادمواك المدوس ، فكرتُ مَأْنَ تُدَاتَرُمُوجِ شَرَاتُ الحزبِ مِصْعِهِ مُتَثَمَّ الْأَمَارِ

إبا شديد مقبرت انكوادر سدهساته حاشيكن تربف إسالمن ى : ملية _ دامدها للية _ معن حلة متيسه ال تكرمين ع غير فاشعيه كده اداة ديديد سينها كاب أدريد ت عدل) سار-الهيات - " حدد الله به أو مصر دا - يين سيرومعت سيوسه رعمانوالي يرشد تسبي معماني بيست مد سعف وقدتم المدَّصل سدُوا الله لديم ريونسان يُسْرَ لدسا كما شدة على لميريل تميد البصحالي مايم مشميم وتمعونات لحبير 1 مسفاً و شرقرا لمرث العثاث شعم بلترم بسود الاثنات في * * * أ ما الوقعاء اليوسندة سهم تبرترك أصوب ترائ المسلمة سامسه تردي الندمع وألن نسركو سهم بالإروي ويتريع - س بيد - ۵ - ۵۰۰ سم مبطه يه أزديا دخيالعث الحاصر خامت للدحددولامتر رقوت ريد المسارية من المانية والمناسبة المرتبة المانية المرابعة بهاية أحيرة بيرجبح الألحاف بسية إجأء الثما تساية بحثثا نتزأت وجيح تملع الدب لامتحاب فإن ممارحهم ومسبري المؤثراكهم وتسعاف يعه الأماره تكردت

يت إنواعت زرجاب كشف لايتهم بيهذا إدن كالب يادا لتدلعث بدادح في الدير سذسة الركيث مكوممية متأثم أن . تدعفت برم: سے : نرق م ما لباجیہ ط رہیں تکم ہے جسالاکرر

يتوالآن ترسبه بارؤن كاملاهيطه بالوينهم السمارير والعديد مدكوا در معسناري اغزب كما أن ص ب آرا برمدشع بالمشف على ١٧١٠ رمدال سا سد شدنو الخذب ، هذا دمنانت اخبت ت مارز وارك الله مهدا الرسن الهمشره

And the state of t	التصية الكردية في محانة العالمية
	The state of the s

100 mm m				
ان المعدد الارتباط المعدد الموادر المعدد ال	The second secon			
A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O	The second secon		A control of the cont	ACTION AND ACTION ACTION AND ACTION AND ACTION AND ACTION AND ACTION AND ACTION AND ACTION ACTION AND ACTION ACTION AND ACTION ACTION AND ACTION ACTIO
	HOLE	15 1938	annanna.	14 14 14 14 14 14 14 14 14 14 14 14 14 1
The state of the s		and and an experience of the second and an experience of the s		Marie Company
	The second of th	when the state of		And the second s





ــة ونهجنــا العملي لتحتيق الوحــــدة الوطني



مرمان ملانی ا 🌊

	The state of the s	14
Ann 195 day days again and a said a said a said a said and a said and a said a		2
A control of the cont	A CONTROL OF THE PROPERTY OF T	5
A Common of the		1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1

The same of the same of the same of	The property of the property of the property of the party	•	?	l	Į	A S D A S A S A S A S A S A S A S A S A	Ł	The state of the s		Ľ	-	the state of the same of the s	1	ļ	1	1	>	1 2 2 2 4	111111	- Salara	_	1	•	ì	the same of the last of the same of the sa	_	on the balls a Brand a b add	100		-	-	ì	_		_	_	-	1	-	÷	_	;		3	1		-	-	alternative.	-			-	ī	ñ	大人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の人の	*	mayor nearly parties	The Late of the la	*		
	Sales and the Manager of the Sales of the	Country of the season of a series	the state of the state of the state of		まれのかんとうかんかっちゃ こうちゃっ	こうしゅうと かるしゅるとうとくし		and a second	The second second second			-	The state of the s	The second second second		The state of the s	A		The same of the same		ble file		ある なる は は なる					to be left to be to be to	All the street of the street of					r Tel Hiller		The state of the s	And the state of t		The second second			 BATTE ATTOCK	とていること そうなる		そうしんな ととまちる	Mark and a series	The second second				Bearing on the Banks of the case	The state of the s	S S S S S S S S S S S S S S S S S S S	日本一日 日本日本日本日 日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日	The state of the s	C & D & C & C & C & C & C & C & C & C &	AND THE PARTY OF T	100000000000000000000000000000000000000	-	1	!	
		1	Contract of the last of the la	1				The state of the s	1	一日では、これのことには、日本のことのできるというできます。		The state of the s	Salar Cale and Colore Server and	-	The same of the sa	The section of the second	A THE CHAPTER STATE OF THE PARTY OF THE PART	•	こうしゅうしょう かんしゅうしゅうしゅう こうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅうしゅう	The same of the same of	これであるのから いっちゅうちょうん	The same of the sa				Canada Michael Park and State of	the state of the second section in the second		_	The same of the sa	The second second	こうしょう はいしょうしょうしょうしょ しょうしょうしょうしょうしょうしょうしょうしょうしょうしょうしょうしょうしょうし		-	_	-	_	_		•						الموسيسيري ميميل المواع موهم براء معمل	The state of the s			1	1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1		している。	Control of the second	6			からが ノラー・	できるが、インティングのイング・ノー	日とこところいろうの名	ではいった。	

And the state of t	LASSER ASTREE PRECEDENCE AND	ر منه) المرا الارم الرامه رسية الإنبار الريار منه
The control of the co		مددها
And the state of t		نیاده فقوهی بدر در این برای در در می همهایشنایش اید رینها دردادات میداشد همیشگرد براهمی هرای این بازد در در میاهیهایش میازاد و در در
در المراق والموافق المراق الم	The control of the co	. I IN

ليكناندودي مهلاي معزبوراته الإيبارف ليكناندودي ديداله كشيكى ا

خفارات وبكفتك الجهزامات استعابها كالمعلى 一大小大小大人の一大人の一大人の一大人の一大人 بلدها ورمالها ورده كالكرواليكا ارمالة لالمصارح كليلذكو دعيل سعيه كمارشتين ستضوكم لاباكح يتن خربيد علاسته طيق رست ضوكان لعدكوساكم بالأزكامهم ييينة بالصفوافعاتي المطلق خواناهم أشدة خطب مانكسيل بالمتح شكر مدر مطرفت مشاقق معلود فيص خطوبهما والمواقاتي المواجه والعامة كأوجه أعجى فالحاواء الموكناتي يدعوا وطواعتيني والعص طونيهن بمصداله لجنيلان فلكامرة كوماسطيكم الاسراق، على على عيض 1 سالال فيرم فسدا على عليهم وأبالمعتباط ا مان دودور في سالها و مرميلها وعصدار لهدي مرجه كرينك ودوائهكرار والتردوة كالمطالط المفرعيداللجود

مرايسكسور معن طايوار ليال يلادن كاجود مكيا احدوامطالكم مهلتها مزياق : عون سالا فرقوق والقوامب كنداء سالاستعاد وتعاصيها إدكابي وكالمعيطانيان فوشاء وحاجما ويطرونان ليب . لعيولي يلفل يقرف مربعينيه حالا يكحله مرستكرين فبركونيكنا بلتقهطيا فيإسوا وكالكيوموافسطانك يرد كولوكما رخوكسوكملا ميسيي كرميانا والويالكيولي وساجدادكان سالار لدرقا حراج ونعاكل إملاككت خل ديكي وهرا ويوه . خويمري رياضهي ويوسيق ، إغالت من ناريتية مستاة فإعلى أمهين مناكرة كهي سال وأزيدر سيهاطيه كن يعدونها فأبد ويطيعك احتدا

زرماة مسامت مسيكمورالا بضودوره كالميليطون كامتوه كراح عمريها ودل يتهاكل فدين مع . كمهلم مدمها فلم عويد ك مررية يحترجه والكواريطوات بالتهمل فيتيال بطوحتانه يرق من كصدومتهم إمدًا كردانية الإنهامان كلك معينا دعل تتم پرمهای در سلکی ۱ سویکوز فصاف ش که شوع کها دوخ کما كعالارباعه بكا فعل عام خواعطى طواقة جائل خيساله مهالاي و طليكل خلال وتكيلون ويقلى هر ومسعيس عريها " The said of the

خذافها عقور ومعموسه عنوكول فادارا أناء أمراه بيأنسه الأكو

فعاسيانين، حياري، معاييس، حوفيسلين، انجاب. من كسير ، كي كينا يؤعلون، كودسيانه، إنتيك الكوامل أبن يلام سلايعة إن الموريكية، فعلى كليتن كطعوب الطلق م كار الدين مه فال خال المطلكاتين عليها

كنديهم يتعننون علادن سيكيسوله ترميا هرشي كره كهيهزكم بإدينال عكوي عقوي المعتمولات كالحياط الافاقات سالملهم البتركام ويودونها علين كعددات

ئەگىر ئىمسالىحى مەلانىدات ا العربيدلين وحزو يأفتها العرمس ويتكليهان يوداد عصراواط بكساء المعرمولطين دلويكو استستيس ولإيارة كالمصاف رضهم ويؤكيفوه وبلعص وفتري وظاعوة كلي إحوال لياجل الاه طولته وضئ حطينتي مودعضت بنزي الحويات العركاوتة جب عديق إلى ومطنده فالملاوكاتيد والجعد مفينة بالروادالكم المراجعي غذاري على عبدوري مستدوايدا كالمعاري سد خستي بعيوً وعقال، طوائي تا بيليتود من يؤي يسبركو في كوريسط وجعصيك كالدواولالكيواولا وكالوموار خدسها فاجعلهاه يكوميليك عناصيليا يكلف الايليك والمتارومكي الميستن حيال بالاه

مسروون سعول درا معلكهدرا

عيال عيل ويكينونا للرسلاس المريد وكوا

المسكي المياز موجد سهر الأجاز المهران أيزيا كار المكابا يطويتسواق يمو فسو لتكهوبون وأعصلهم ملاسوفه عزال حالينهن المهايمة الدرادا والإمكا - سيراليفلولي سلا سوميرفيلي مويراتك مكابك عن ا المفاق توسعها يحواه تعواموسوناته بأدعسو أبهب تدكفته ووادعك عدم أيت عصفيس والسنطورات أوا وزيادس " " عيكرون كعناني فسعونات تاتيا واكافران بالمحطف رس من عسلان خذتي رفيقيست كامتكل المايط كل يمك با فريسو فروسويو - غياميكانيان سياليمويون به استاد بالمعادية كارسلادانك كما كلين المائدة الصلحاء والحق فهم بدان تسوده د کان حرشان سواعق کسی گریود ۱۹ لردسك ساوكوميها لمهالي غذائي تعيصوه البيه

جيكىركردنى چـــار.ممموى ئاشتياندى ممــــمادى كورد

شمائهن ومريك پیویستی سعرشانی منصور نیشـــــ

ام ينسرك للرشاعي في منال.

ومعالى علاق عليك عكيه في مقيطة كرمستان بدويه كل ميتكران ريكي منطق كال كود

حوال تكافينة أوعاء كريمهكك والوقاء مقوحواناته مالكلب فديها زيج خيطنا أيتمهك أساءي كالمواق بالرعايا والمطاع والساوي عومالينعف و تواومت الحوات والحاجها كالسمالايسم كر و 10 كار الملح يهي كفلي المنكرة عبهم لمؤمل والد مر كميها والاداباري إيراس لايتنعر مزاويه كعفرتن كمذوبت لابق مكلم احدا からかられるないとうしているからないのであるとうないの على كوسطنويدم كاكرة كادويونوهم دد الان در كالافتكل وطيعستك جعظ طب كالوينسس، دينهك إذل معتواج وأجدونها والادرة كحل كإمامية والسكط وسوكروه كرا ميان والرواعدي الله الما الالماليا المالية سرعيني كليات غيوان تبسطي ليلن كك ويعاقده كومال المكتل بل عندوم ومعلك فالمسامية وعراء وراموعي ياسع عيلن مرسدكر مدورسيع فلعسلي كردون كموف مريد سدرجوديه علا وعصيد مصفيرعدليك إصلاكرت وحدكره عليتس كوزوه نيز وكيل زينسال كوده خرميد هماروكل للفن المؤرف فليوي واستفهارت كريطاني فلعواء كررسطا المربك كادر جليليستوليه كالكلوكلط رحاحه الإسرانين وا. فاعداء فتيه الطفر ماحركون له غزائي مربيكل كوروهرب كليدكليو. معروفيكودل (داراس كريكان اورود وراعم شرق دراكوي قوي الدر سرنسال المنكوي كرمارش وموسئال مدروه - ورنكسونم بقراءت جش ٢٦ ميزي ك يلاءكوجه ويتأرس كارن ندب ـ ندروقهاي كشاكان در خول كليلور كرماوي تدر معاد کرد بریکا کراهی کار برادیکی یکال کود بلسانیان يتكون سلامل مكيكر غلق فيراكنا ومكليم كالمربه ميكوكوش يتوسدن فلعلص مسطى قرزه - Margary States megalament

المساعلين كارد بطلبكي ندكرس بعنيله عودر ضعمومسه يهم كولهم كعطم كوسطا تهتموها إريدا جنفي يعسركي ليؤد موقيا غورن كمستكوما وارتجان مرت فالقر مرفنها وعلما فللم الرحم توسئون میلیکه کاکرستگل دید . برسمیتو دیکه هنیط پیلمعل کرمن مقدمدو ليدسكن يؤورونكوا كالك كعوس الماج مردوغ بيوني يعوياهوا يماس كالمصطراكم كرحتاج والصيائق الوادد وأرد وشور والكر اوستهاد استواكما - كالوستوجاليان وستروبها يرشد بلكل مايكي ترويون بالمؤرجة والمفاركة كارتنى مستعوق دساليد موراه الرواساليون كاء

نريد " معر عينموي عام كردعيس معلد عقالان فيهياهم و كره و

يونقائد شناديكى جاهري عززنه يحذب ككافأ كساب ك عوطهوموكا وذيوم ونعجا كالمش وياعهدى يتوجه والمنتكول ييستركها كيانكوديه يتراء مستعصده والمسازكان عالاتمان الماق بهيديكر التي كارو مستقيش الوعلى واعاض والسوال العياموان باكر ودينو یه حردشد تحمیلات میرکزان کورسنگ شا، اخیار شکف که ، یک كنعبت ملوال ومودلسطاران عديكي كإمال حفعليه مسطق کرده – بازل میوکزال کادمنط عندمروش وتیوننگی ، تظهر رائنالا مردا

غوفوده ومصاعوها فكالحط معاضو ليهظيمل شاد تكبر

رز کاری انگله بریشمر که داسته کان

and was being

1 لمان بسياري كوسط وعرمن إيسركه

Will was worked (i

354

غضلسته كورداجتيه كأنى بلززانىمه

طلولوعكي - وهر عضرد حريق سنولينوروه كله الهيوف المراحة الإسداد والانتاز والمكاورة شوس على دان استعنیسترگردی بیشترگا دلین سکار کوش * " تا والكهار كالمسائيات يرافي عاراد والمهافزوني كالمبردوات عسه که طهیدستان نستانه آدن اوریدفده و دی پارخهاری نسریم ی ۰ الرسلن إيكات والمساداري كارياكي البينا الهسلاسانا ي بكن أو الراسان - والم الراسان المستورة على أسم ماسان الم فيعلن يمفط كحرط خصوصيلي كجوديا عطك الخاز كوصف بالاطارع مقيل ناينزي فرجعامه كنسيكي الان سيميلونينا يعسركفنوا كوشوا كفطيل المنصص كمسته كسكاا الهسا ومتروده تصيرهوان عيمل ليرد على كل ١٩٠١.

مهاكل تسطرها فانكره خيزطوا بطحائل سوط حنق شاعلاط الطيطينية هزناه مجري سنطي فيرماكه كدبل وتبريزكين م.ه » تحقیق علوییی مشوح دوده نویل کودن : حلول له نر یکخ خوافية عضيماء السهامية الموسوطة بحيراء إدامة يتيم كالكهر أمراكم تأد فياضلها فكالأ جرة ووشنها كلورة أضحاء ووودى ويسمسس بالرواكم عالمية والمراجئ الماري عوامواه المتعربة المتعربة المارد وموكل عهيوككس خدوفيعت طعر أيوقه أسيت كلغ ودرباهه أط يوافراكي الموهمة مواعديدة أيمرون المروابدر كندا ارديسي فهنامرد

متاللكم مالاستعاد وسنتداجه أكلي حرضيه ليبريه مرز دوي اب ميلي الاروادي المنطقوي ويكوراسه والمدكرون مسطور فالحف وسلعطا أواح بينشطنهم وادرت والبواف يوه السانواي وووداوهاكم كادانيه كالى توطيعكالاسع أمولمتهان موءوسل عضطبتها ح جوس فلص که میاشایش ذاتم کمس مراحلیه داگرید بیر عکیخ لتعطائيوه وكالمتعاق وكجزاء علامين كالمطيط ولامليل احبرا فيامسط الطيئها والتانكل ياسد كاونوا خاطا كباء ميوسف عطدت وجنك كردف عويل سركرة كلنيد مستاكل شاكر وينسينه ومرضي يتطربهناني حسود المهزائي كارموكيو مستفداككوم تو کمیکیل فیانش دیگاه کمیل برکنی پودیق میں امیرطفندل فيومسك ومراق وحابلته تويقه ورحودان وكرزكي دسق

عمراهم والمراء عراء كالمح فرياله ووالركاكات

دريده المتحدكان كيدمكني طيليكفونهاكي ابن كلورق

مريد المعدد مريد ليال المدوك عر كيموالي عود مه これのことのなるというなんかんかんできない يعوله كورستان حوال و در سيهان فرحل ساكميان سيسهه عسيس والوكرا وكرايكهماه ودويها فعدواهام كعارتك ر مداخت معلق مودكي كرخان وسالة كا . م مولان إسرار والناد والمعينال وراويكم والمطاطئة والكافئ ونيور والمقعيم كاردوكالهب كمهلب كلفوكا فيعملهم شهرانهم وكوعيرت مجدين سرائل نشود تيلنائهواريكى رينتكي الوزير أيني كل دومرب يتفلق أيليا فكيل يعوان ر حسينسل موسا محالات عمل دعو ميليومي مي كر دي الوود كل وردوهرمب والمقمعة الأمارة والموزان يدأف الأددال عميكي المعطارة والمين كرمنيم فهميات يعقبونيشكي جلاميشي جيلاعترميناكل

الاسهاد مدمنوالن سموكس خلاله لينطي ودي فدور مريطيدة المعاطر فردور مطلقيان مطالك كردموهم م سعار نگار دانوان معراجاتهای دستگوید . سیء می منفق مقس وتلهكولى للميسري كليكيسية ليسروالليف المياء مهدنا كالمنافلان بيكانده لطائها ودائق العورة ويزنل دريكم لايرص باستيكاف كالهرموس ليفولون هكه ودد زيدان لايكر بعدان . وي حيرواجيم الورجاد مخده ریشنگیری حیلی ۹۰ امروز بر فید کنوریک کافتینیات کا مدون به حد مسیلیمون يؤسع كردوها أعيها سلطيق كمحاكم وخاصمها إشكاج ومئراء عاس كالماكوداء ومزيكمها فليكان سعللي صحيدا عاجاتي ملار علم كل كودورد المسيق مرس كردن الملمرورة راكوكها جهدنتهم اكرمنده المنبهة يطافه كركرينها

سروخالامتكال كرديدي وستكاري فيستورس دليدكوه كالرفاق مطارت سيتيسف ماشكال بالهلامك بين كالواز تصالبها ريانا ببلغل كريكيل بدي يسلما فللرفزالماء بكسيم إوكا ١٠٠٠ ر ١٠٠٠مري فيدفيكون مركون توبيطستكى كال كان راءات ليوزر سيرولها المؤركية الياملي ملكي شهود يؤل والكاءود أحن الاختطافة كليمان يعطىك الكوملي | 10 mm | 1 m ومراشير المائلة مردود داويول

مستروستان دوالي سراوالكيل الاجروب - الأرداك وردالم المدارية المتكافئة المؤسود - الميدافرة كا والمريد المول كردو يتكريفيكي غوطان - وا تكسيمينون إلى المسميك كيفيود ي سم إيرمنان بالياريس دار سيمنالدي ورمسه ياذبان الر حميانكي الميلاد الموالي شيقه كراء وي حصو ديلي بسيت به كعلوات كجهاد الملقمة الوقية كالعاملي استفادكواءة والمواطئ متعالاي عماله عندة يهرونكي طها عسى. كمنك شعربها

جزورا براليكرت كاري كرد جلاطري دسوردايستك كان داءل لم رافلومكيا فرايحا دوينور منهه كلكل وياف كدايد ساكره المار كالمدودون كاستدروه وسأد كالمهاكوروروف يعلم المنظود عرفها على الملود كراس و المعلى دوارات مكلمية حافلته بالملحع وأيعراه كمه سيتها فطوكا يتومثم اق بالمردومة مكان والمعادل المراق بالكيان والمحال والمحال معينكم والمتكلفات أفلق وليق همائه وجهناه يحيش مآء أويتريه أن المها فكالوسائل أعتميين استرياد التستويلتيين تطايد والماكلي والراكل سائهم يسسور كالبيزيم غراق المهدوي إنواح بالسائة الما الردة الدورية والمرد المريطان المراج المراجى mark has been

روري واللك على .. دولهو يوداري مسري كورام مواد فردوي مدن يوادده شعبه عجه روي قرده سيائمه ووفي تحلق عدين براتكم بس الرديسة الراجل كاستثلاداء وسياق موطقي كالمف واكوريك مت يعيني ومستؤل فيكلود فكلوشيط المؤن الريارة كهلامه يجهون دست والزو عاقردتك ليد زيدى بالكنديا والواداد

يلاكيك المعتولي والمعتاري - سطون والكن وابكي وم ويؤوروه

مهمتماله كارمانية كارم سيدالوهل عوداده عنها اليه فأكار مها عقوق إيهم عزائل يشانا فالهام كيدعمه موسلال سا فرشعها فادر كالمطليما بمراقيه كر لطوطلي باد المهاسطان جوو كه وراؤيكي التطيب كامدارساب الزوائي يونع طليه يعيل المين

الى دهى بالدكاري البياق دموي وابع ليهندوه معودان كر لودى ؟ به كك مهمراه معمي ويا والردسي كاليدا سرياباند بيرا The state of the s ومهالي لمكاد وادكر يسوانه وأوكرموان المتطلقاء يمج وتعدائها في مرواها and the Same 本人をかって かんな عروق حيلته مستار

> 一大年代 からからからからか لاه گر د عوص در وصفحتون مثان

ST SE OF

· Karlaman data

State of the State سروران ويهكعه اخزال يلاقى: يىلىن ئودىكى يدا كمرشود يعدكن جاورسي وخطافي الالمن والديار موادريد الد زيل مرميش كه عدولا بغائر من ويعاء بم رفلاطه فيستكل مراك

عكيا مع ويديد المعالمة الم مهدى مهدهناكي دوياب سروفيتك ومرجاتكم يعمانى رنده سريد كراسيد فرن يقويل مرشائي فاميادي شدياة عبدالرمسن طاف بلوكل

かちゅん かった مان به کرفیزیش ام معلای موزس ريككميزويد كمعي واعلا Mary A. Galler 一年の日本のこの まちん April Bright Brief of the Cong Service Control But her with the علودة ليمل لايران الكي المراسيوروك مترايد The second second

ه خومیرفریا وگرفتهای کال ، در بودکی عقبیدی بها Marie paragraph ... bras · According 1 عدادراكذه خوزيها إدالى نبلاي سروكنقل ويراكنكون رجابة كمي فرطني مسطع فرن كرمنة لايمالات الأرام Bells St. S. S. S. and many only E. off any of the party of

一年 の 大大 大大 一大 いかんんかんかん

ئىڭ ئىست ئىلىن چىي؟

355

Mary of the Art of

かんきでから - يعلى الدو كرد ك والصويات Marie Carlo Marie All and special and place William July and in Som دی ۸۸ میرکزال کارسطان The Control of

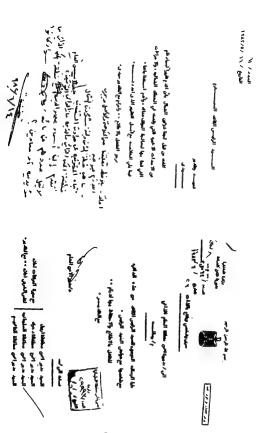
احصاء موجز للفعاليات التي قامت بها فصائل الانصار الوطنية التابعة للاتحاد الوطني الكردستانسي منذ تموز 1971 الى نهاية 1979 ضد قوات السلطة الفائسسسسة

ــ سنة ١٩٧١ وقعت ــ ٣) ــ ميلية كانتخسافر المحدو نهيا ١٦٥ فيلا و ١٣٧ جريمـا و ٢١ اسيرا وطسافره المادية تعير ه الجماده وكلات فلقم قرائل ١٥٩ كلاتيكوف ، ٢ رشاشته ، ٧ جميلا لاساكلي ، ٤ ينفقية ، ١منع هاون اما طسافر السارل كلاســـت ه) شمودا و ٢ جريما و ٩ اسرك ، ا

... سنة ۱۹۷۷ وقعت ... ۱۹۱۱ ... معلىـاتركانت خصطار اقصد و ۱۸۸۲ كيلا در ۱۸۸۲ ميرها و ۲۸ اسيرا وخسائره الخامية تدمير ۱۲ سيرتوسخوية ، اسقاط هم طائرات عورسية ، هرل ارتبائدة ، ۱۲ درسفس ، ۲ جهاز لاسلامـــردبلية ، وفتم آنسازنا ۲۱۱ کلافينتوك ، ب رئياند ، ۱۲۲ مسفس ، ۲ جهاز لاسلامـــرهنفع ماون ۸۲ طر ، ۱ اقاصة ، ۲ مسفول متلد ، ۱۲۲ مهفرن کلافينتوك ، کائنــــفالحام وفسائر توانفا کلاف ۱۲۲ شهيدا و . . ۱ جريفا و ۸ نصيرا وقعوا في الاسر .

.. منة ۱۹۷۸ وقعت ۲۹۲ میلیة وکانتخسافر العدو ۱۹۲۱ قتیلا و ۲۱۷ جریســـا و ۲۲ اسیرا وهسافره الملایة اســـاکه اطفارت عبودیة ، قتیر ۲۷ سیارة مسکریة ، قتیر مورل ۲۸ ماکنة ، تتیر نقشات جنودوکانت غنائم ترات استرانا ۲۲ کلائیتکوا ، ۱ ۱ رئسانت ، ۱ مسدس ، ۲ جهاز لاساکی ۲۲۰ بندتیة برنر ، ۵ منافیق لفیرة ، ۱ نظور ۲ بندئیة سیبینیات ، ۱ طبیة ، وهسافرنسالا شعیدا و ۲۰ جریج و ۱۱ نصیرا وقعوا فی

ـــ سنة ۱۹۷۹ وقتت ۱.) همایة ، فسائرالعنو أبها كانت ۱۹۷۸ لغيلا و ۹۲۳ جريها و ۲۱ نسير رفستاره (المنهة تغيير استفدة) استقاد الخارة معروبة ، تدبير ۲) مســـيارة همسكرة ، تدبير بدغم هارن ، هرل) فيــلوندين ۳ بكان وفنيت توراننا) ۲ كلانبلنكسوف ۱ رئسائلة ، ۲ بمحدس ، د بشيئة برتر ، ۲ مختم طورن ، ۱۱ صفدول نخيرة ، ۱ الخلفة ، ۱۲ تقيلة ، لها فسائر فواننا نكافت ۲) شبيداد ۲۲ جريفا ووقوع ۷ نصيرا في الإسر .



1 į

٧٠ ك ١٠ ق ١٠ الم والله ١٠ ١١ ١٠ ١٠ يايا شيخ – انام ويماني، جامع (جيال) في مرّز ماية المنهموسي ٢٠ كتال الدين نويق -- ادام وشطيب جامع(انهـ٥ ۴ هنان محبـــــ

الدر سالم وندليه جامع ناسية الله جولان -

١٠ انادة الياسد الى سائطة السلينانية ١٠ انادة امالي السهيمات

ورا فعل سية لان فقا The Party

[[المني فيح للمفعد -؟ فقره ١٤)

يتود مثاليب رجال الدين التي الدومنا لدى اجتابهم بالسهند

الله الحين الجهورة الراء المراوليان في حافظ الملهان

ï

1

هارب أأي جانب العليمن وطولبتة الوريم العائر لبعاط جسسائل

HILLING

ا - معد عدد عالم ا علا دركان ا الاروشان، جامع بادر - ابعه

لدينة السليانية ١٠ استاه الوذائف التكراد في مدالة المكم الذائمي

• 4- فقيل القود داخل الحدن واطائل سراح ذرى المذريين المعجوزين •

استاد طناه الدين في السلينانيه

حدود خين سافئة السليانية له، الغاه فطية التصهم الإساسي

الهاريس والتطلقين بن القدت المسكيه ،وتذكيل الوأج حسسرس

358

CAN THE 121 عمرته

> مطلاة المكم الذاتي ٥٠ المَّاه المساكم الناس ٥٠ فتع مسمساب سألطة الماميم وفقائي خلفين وسنجازا ونم قفاه هزه السسمي

في المرطنين الاعمالية والعوسنة ١٠ اطادة الاكراد السسيسي المنكسة الى قرامع السلطة الأد يمثل التدريب باللف الترديات 1 mg at 1

اسسدها فيلال الثالثاني واتفى لسمرد. البارياني والاهبره للديونهن أأه الفية الهمهات التعاديب بالأطن من حمول حالة من التولقل والانسهام بالإطاف الى الأمي أبران رسويها ، سها يند الأطام الكتف بن فيسل في أستقاد المكر، وإن اعظف اصهاءا وحال واجتواد اديا في مذا السهال -ون غائل الأكبرهم يعادت كيف اليكسد التي انطامنا البغيسيون وأدبيات مناقع بين في العنزي، كانت بالدائر لوجدة الدافر ____ الرديبة المتأدية والخارما ((السوم، بن خاتل الادة الاامات واستلقت غرارة التمغب كسداه قول في تركو اطاعزم عي العمة دن

والمعالك النأد من النكامن الإيراني والنويق واحرمنا طسسي يادنا فك البديد في الأب المدار حقناه التامر وانتساق يداء المامور في المواني الفردي في العاكمة الفائلية يملسون عطفها وهلاليا ال الزفع طي الناب علها .

وران القمارات وادائل الرخفات الساديية ، واديا كانت بسفون سائح والملاحظ أن الدي في بذا الشبرة اجلي النسيب 19 كر هد التي ان العاق النكون النازد أن طيات النشب . وبدل لنا واسما الطلب مية عفار البن عدم وسكان البيسات ومعنى العاسيات اللغ المشيرون في دفدت خاص علم علم الترب الإجماع، بالهالم المقلاب غامة ، في التي معدت بن حالات التغيب والإمــــــــــلان أن دميله، البحال الدوروب وباللمر النسدي لدى المرادفين سي الافي مالات دادره وسدوده بهدا ۰

واجدمم العسلج في ملطق فيصبه بن حاكو ألندن. والاصمات والنسبني وقد عابة العليدي والواعيسي ملك الماليكوم وكواسي وأصمت خالات القلب التي بيات في العطاف ليداء ____ الع مد حق رش قب أن الله ما ومده م العظم ... يعدًا كام علمي بن فقة وتابد اقطعات التسكية في العطف . - 1986/ Study 186 as 40 1986/

ولاهسان داغل الجاسع والدارن والاحداء والنغريب المسترو

طي متناجحه الدولت وتسارات السزب وسور البيد الإوس الطلب ٤٤/يمان وعق نواينة ١٤١ الاسوج ، يعالين القيمع ، والطاهسيم

E 2 5

الوري جلتا استانات في السخ المي الحدد في الدخي ومسيسوا

مدة درأساً مهل الأمار والطور أني ومث اليا من مسدة

ابمناد للدم والتي الأقيد في النميط الكوري والمدائب الحاليسية ،

اون العقيها الأوريب وديكونا وقل براج والجامات ننقب وذات

هوات أجثما وتنوآلن الدائب العايم وطبئ الوائن الكسسردن

منعت ليطنا الجانات المي في القدم من المجهزات الإمساراب

يأات هذه الاحداث حواهد عيمهمات العدو الكارسي فسيسي العفيمون وهام طاحمين السطيه لسسيرم وأمزم لا يزافون ليناه المتسبيره

] الأخع البنوي •

أغى السميد الفطي أخدى طهل الوائس لتكل مذه الاسسيال، واقعدل في الدائع) لكي يرفض رسدتم قدل الداام المسلسون السعول والجزات اللاي عدموم ووارادوا ليما ادوائه مقهقسية التاهيد لاسيادهم ووجهدتم في حواريدن في (التاميسيم) رفة قادات في العلهم، في قدر رسمة عن الطباديس الجرجيمة المرأتين دو مايزاج ويوهد طبه بالدرجه الإبلى الدخلسام الذافي فعد عقذة جيها أضعاؤك المديب والادخراب ووسيذا خلل مزه البيرة الداخلية في التدار عامة وإن مسلكة المكسم جس مجن المشات ووجهادها ازاه على علم المعاليسات

في الطعور على الإرساد الدينية في المدافق السويف الدعيل اللقة العطاهم الوجيده له .

4





ار الماري الماري الماري الماري الماري Section Property

محمدًا وي هم فقع الخطر بالمرة - بالرغم من قطف - بأمويار أن دولاه وقد أستغربا وقف المعلق الغي ولع يجا الوقف لونسسح مطود مدن الدامي الديد التي طلتن الطيف البايدي المثق وددي الترام المعاصر التي حصاطك معرم كلانها او هميها بهذا المطامين عوضن فبأولس غوة بطه الاعال نفيه داست ٠٠ أرادرا جرنا الي جافل ففعالهم وردار فيها اعتلاما وكسوى للكفين أجواءك الخود الانسانية وسمة مدر الخياره ومكتوسيا أمي، بالرد الدلائق على الطالعيات والتيسات ، ليعمل مساس بقسائر من قال التقهين • وكانت فين الدميب مثم ان دعليق فيأها شوافية في موجه يطلوه ، في عدد الوق طوياً إزاء أيماء شعبنا الكردى (كان المعديدين من وجواء العطل ان قال ساكر الكاس بهادياه نام فيقعل كل القرائع وبأكل جهست والحمي جديده قد نطقوا اختافنا وهم بسيرهماء العواف البديد وللوافل المشابهه لرياء

لطب هيده دي النسن ، وقد حواج المغيون ، وكذاته الســـــــ عابل فأكرمن بشحارا حركة العقريب والتآسي الجي راهنتها المشكف . في موضى - وقاف أستطار طام يعنى السود يزه! الادباء سن

وأن حالات العلب مذه كامت منهدان بالاساس جلسيا والمياب أن جاف الفرد سياس شميشا أدبياء طاء اللساليان .

فات فاحي ان القامد موا بايلي :-عاليا وي السطل .

4

٠٩ - لعنا أن الوجهاء والتوجهن والتنامر اليارية في النبصع الكبودي آلان من أموز أعداليه أيجأد سأله من القلق والإيااة مناه هي عز

البهه الداخلية بن خاق المخط البدائية .

٠٢ - فقوة حفوس العدامر السرشه والوارس الديره لمطهسستان الم الاد داد الله الله والله

> قعه شن وقعه نامق عنوس حياس مرالهم م القارمي البلي لايسان اعدافا واضعد وكلوف ولاحمد يمني المثالب ولا انهيا

اللهامية الى لهجل • الآلن العقيقة من أعداث عزه داعلهم ان ليحجل أبياء القي قي الميدات الكيه ، وهل اليامه من في الثيمة كا أسلقا علية ، وقد مجمم اليسن في التمراء الامور

الكمال في خول المقوات الطاريف، التعمرت ، وكذلك تعصدرسم الطائفين سب هنام لانيادم اولهاء أودم في مسؤدن 4 - بة اليام من في العالبات لا مسل لددانا تكنوف في الكامسر واحة ابتغلت بدةين القار والعقين ما يجول في دواغسسيل

والبيش الكسس والخائ الناب والفرث في الماطق التي يستسل مؤسا في شبيء بن اللطفات المسكية والأجهزة الأخيسي لماقيمة البالات التي هم بالتقاس والمروق الندرى -

والمكافأ أجان أعيه فيكل ساطقات وقعيدة النكر الذاميسي لعه دادایه د حربت ا در السووله د

الغراق فسالية اسال النغب واشركا اللا الإجهزه (مكيب تسوكا الى دينة السلهاب يتايع 1147/8/1 ووشربالوبيب

فرعقس الاقهم دقوس بدرهع الغوف توالط او اللسار كميس لسياة وإيادًا ووجهاها ارامم - يهالرم عن أن حطموــــ ١٠٠ - ٢٠٠ مغي ، ويعظم في مذه السيه كلت متعلسهم كأنت فأفهآ حالات التجمع والطالمر لاطعددي نبيتوا المدديه

هيكت يها خامر التشب والطلامر ذاتها دحا يدال طن ويببا كانوا في القد من \$امي الشفيد عقده ، أو فير مطافين سبها ، الأفهم فدة يشورن باحد السوولون يمرنون طاليسسب ملک بها بعوم ان لمکن مناهد صبق میش فی دناه ۰

















لغلق الطالمرات المعاديه ، وكذا بالصيد لظرامر ادر ناسهــــم

س مغود المسلس في النواح ١٩٨٦ التمب.

لوقيم هندم شهداما الابرار بن خلال الابدساس في متولهـــم

المالاجة سلماً"، وكذلك ميهنا عن خطيرةٍ استغاث المناسر النمايه يعلي أيداع جنك في السنتش وينع مراب طبها . وفي "السنا

والديجه البرخيء دكاءتم نشر أعاديث وطايلات في البسط والبيلات العشه سية العادرة هوا بالله الكردية للعاج الطريق طسيسسي الأطلابة دحيث مم مطهل لماطمه طفهوده مع التغميات الاجتدامي فأن منقم الأجهزه الحزيم والاداريه والاحيد ومشطف الوسائيسييز وفعلا جوي عمرة عيد في الفي الاخيم بطباته المنكم الذائي سن والهولات العربسية - ويتسلم الأم سواوليانهم الرسيد والتدبيد -

١١٠ - م الوجه الحد في سالة الصدى لنبق التنب وهل احدم

السائقات الرسطى والبنهد دياود اعرى من العرف -

الاستميار بالقعراه طن وجياء النبطقه والبوحوين وربال الديسن الله الحجار بالحق جاملا من امر الله ، طن أن لا يكون الرسمي الاسلمة دوقيل طبق النشب ند الخود الكلاب بالواجب ويكسون

المقدام الاه الرحاق في طيق المطاهبين وفي عالة المقدام وتشعون فود طاسه للتؤجد فيزة وشج الهيمه بهاء

الطاع الدواطن بأن الوضع في أعوادي ،ولطهت الدرب طبيس المثل في مهلق جمع المالات الفقاء والتي مطسسي

· Marile Justine

:

وإلا مشق المائق يثوه بن متسمي جهازنا فوسمهم سبن

ودؤكر أأدبؤه بأستشدام كل أأوسائل لمح ذلك وفتح السلسار العلوات دون استفاق عوى الشغب للجواح في العطف هم الطاعون أن دغول القوات النزيمة والينامي .

الربة كالأأسماب السعلات بقع سأتفهم ومهة في الطريف

: ÷

فللغة الههات العنيه بالاعبال بنا فيها نظل التربيب ان حالة امين ان وقف او حون اية عان جديده .

لغرمهات الساديه بهذا المدد

ومنك عشقة الإجافات بطهم والناظ الي طبعاللا بيا

الوطفن التفشين بن اسالهم يدين طار علوج •

لاحداد ظله المدامر شهاة الاعطاء مين المواطنين والارتهسم til at

















Ē عارفنا فدر المستطاع هرزج الجيترفي الحمدى للحظاميهان الدرنا سالة موضومه الاومي أخطأه البهدى المستشف بهنا فلين المهر ن أغطاه البهاء المفعيه الأغنى ، لكن البندى لا يبيسنا السيطن وطسي الطاطق الدرب ءالان النفريس كابوا يسمنسن افي مر اليسل واعداله ليكون يُحد آجن اليسهة • فم السنسا الإفي حالات النسورة القمون جهلون دورة بالنقف لويتقاحاط

وشعها في الأكن أنيد يسترولها ادليقها ، لانها أستخلت مسان السيطي طى كان الاجهزر الطيام، والأذانات العربيب فيل المشريين مد دخولهم المداري بر المهوايع . الما مالم الامراما

و ﴿ ﴿ وَ إِنْدُواكُمْ فِيرِهُمْ مِثَكُرُ مِنْ فِي آمَالُ الْعَشْبُ ، والقسيقُ ركداري السيي ولاحداث والطالبات من البعد الدمليل سماعه لووا والخزل الله يمني التقوي طمهم دي في الواديات

لطديد المجزاء والحالف طبها ورشكنا دوياه منفره لممي بالرسول الى اللهات ، وسب افعان في الامان السبه العن لمألة طلق مثل التقيس ودم لمح العجال لجستم النافيد على دمديد النوالع النهم والمقاطئ المساسب للاوجاب وراقه الدناس الطبوب ليا. :

يليقاً في القوسع بالمواكمة • تيلول سالة العمن العامل فسندى له ، وقد وخينا بالعمهيل بن قا الطعات المسكيه ومسدم

العائل الدي في طل عدَّه الاجياد التي تمكل جالا بالماجي

الإجرافات خاملن لسها يسهب أولم فاقد الخيلق الاول يعدم فسسرب بأعللتا فك الإجرافات واعطدنا مذه المهجمه ءفرها طن المغربين عمن ال المقدل وجود عو قاده يعقد السلط البركية في الوجه مطلة المئم الذاني - والي حاسب مخطوفها المدفده والمسيدة العوجيه الدوكئ والسلشاء المهاشره هوالمعرره فلمطى التي هطر الهربيا مامهم في زونة مينة السلطة ، وخلق غيره مين الفريد والتوطيسين را أعال الاجوزية المسكرية والتداية الآن البواطئ الاستردو والسأس كرايتهم (باستفاه الاحداث في رابعه بالذات) مهنالات خلادة لرمزاها بديده ويطألنا مدورينا افي الإنطاد يستسان العالات التي معهد ، ديه[جاهرا" في اعتماس لية طوامسيي الاستقالية أفتي نامتها المطلة ، وكان للوجيه البركزي في يلاحظ الإجراءات التي أهمتاها كانت عقيست وفعاسب مزالياليس الواشون في النفقد الناقية بشمل وقعا مداله ومعديسين مرطع كفوا الإجراء الق همز عظام القرد والدركية والاست ش الله الله ورد اللم الله المول مدليا في -



٦











كل العرائع الاجتناب في المخلف طيها ومنطف انتاطبها الكيب -الإماح أفا أن حوال الكلامين والمعال والبرتكين وشوع الطسيل ان فأمرة النشب والعفهب سيطرت واستعوذت طى امتعاسياه ان العقائد السادي فقل في أيهاد عالد من الده البهامين

لي جهم المطقد وبن المطرحة دوان المؤمده فصب طبه بالذات والاسطرار وهيضب المشاكل دوسقا الوسط يمد من اكبر الاوساط ومعظ يأن عذا الوسط الما تعر ونمسى يأن اجراءها

والكوم على الوقت ليسوا في الفد، ما دفهم يعلون للاسسان البينة الثاث والسهم د هم المتأمر الذين لهموا متا . عكلون النطر الريسي والاحتياط بالنئحن لصنيد الوقسىف

المعور باي الط

مداء الطااعرانة) ، من قرة ساداة النزب والديء في الطره





مذه الطاعرات في مهمها ٤٠ هناده بأن سألية الوقف بألمع

السلمية افضل من مناليقها بالقره • امع الفلاحظان والاستناجات السهمه :



*** 5

وافدة الطد بالمهدي وسابقهم باستمزاره واطالهم دم وزنس هامر النفيين أو العناسر التي تصاطف ممهم ،وهولاه

عَلَمُ النَّفِي فِي صَعَلَ السَّارِيْلِينَ • وهم يَعَامِهِ إِلِّي عَمَلَ لَلَّهُ أة الواشون الذين هم مع القورة ، وهولا " يمانون مسسسن

يتكن طبع التركع الإجفادة من خلال مؤلفها الإداميدات

العقب الي ما يلي :-

فعلقات لايمال المطوبات والقاحير طن اولادهم فلالحماق بشبوى اللادية في الاستقادة والقامور في منا الوسط من غلال ببطهم ليلاك المشربين لهم في حالة فصهم فستلائهم طوة [• وللعفهين أجرأنات خاره بن السلطة يلتع مسلاتهم هرة المنطبوا مسن 4/4 حيث كان مولاء واقين بالقريدين سائعهم بانطلسسا الافياب الجباني لامسان المسائن في الطياب مناح بسبوم اسياب عميله وطعدده نست يمنا العليهن والخرافهم واله طبعى الزلاء للتي يهمل الى رجمان كلفها ء 14 ال.1 عبراه والخلاماها جاده وعقدورها حطابه دن العفوين والد مياني

العفيعية فوايكافهم كسطات لدم المفهين خاديا اوفتاحيسين

سائق سیراً وهطراً کن یتیالاب ویقائی سے الطین (شیل



في الصرب فالجلا في طف العجمات الساديه طاركسيه

-

, , ,

الى ان مساس الموسس الأكراد درن الدربات الدربات

كان معية" سيها وحنادلة ولحظر الى الغدر اللويه ضمي والأجاران دور المائات المزيد والاجدزه الاداريه الطاهير والسم وتعمل السووانية واعتداس الداره الابيسيسه

ألفين المائان في المناق ومهطة المطلين بن الخلالم

الوالية السلاء على أبناه خائرتم ونمك العاليسسات الم وقط الله الموادد في دوق الده المال الديال وهلاه ، وأضاح ١٠١/ المشهمين ولتذاريم ، في حين ان والقسبه من خائل تأخرنا بالاطنم الساد ، والعمديسسم لي السليمانية ويعنل طاءاق الهمل وحتى مع أوساءة العسب الكالهامي الدم واسمر فاقل طي حمدام الدوائع الإجهابيم

كان للاكتب من دم بن لياء معادلة انطيبابيسب السياسية السامية حداك فإلما "ليافي القوادح الطائرية -

التي احدقتها اسال الشناب التي طاجئوا بناء بالاخاف حسه

365

طعها ووم مده ومدنا وتاليما والله فالمحمد الوجادتم هم من البيداني والعر يطوحان الون التقييب سبب طيليا" وتماط مع المفهن ونامة في الملتفية وكامه ومينها في الوق والطف دد عاامر الدمم والعارسب، فليقع ميه ايدرا المعدادهم آليط يفكل طئي لمطبر كالبة الديهة كان جيداً ، أما شحوح المشائر فكان حراقهم أفال س المهنواهم لغدة فقري والمزب وأمنا ممهم عاودا

معطف أن ولائنا سبوم اللهرة ، أعطل رجلال الدينسيين

كا وأن الزاءات العليهن كانت تراد بشكل خاص ومضمي الجية الأستر وبوافيزا تاكل ميرك ميز جديد معادي اسان

هي الدكارب يكلفات لديهادم من علال الحالار وأخاري ---

مهن انا ان اون النمايي، (ريامه جاه جــــاح

بأختفدام الخدد لطيق سبود بن الماطئت السميمان العاد نظات خال العليانية كان غر مرطع لامهرا+عسا ساء راسه الاده احدى الخالمرات السماديه، وفيستسر فسلمه او منازلوا معزا علمة أو وارض أل ولهمة الجماد

بأمسطة عدليس بالاهيل من رجال الدين الذين الامواكار مراهم

دعل من على المع في السلمان 1

احزاء العواجدين عجم في أرطف مجامنا ملاح الديسسين

او في الصمم أ . من أمام في احداث أمال المعلمية

E 42 F

أموء والخصو مطلاة اللسيات رحش اللهم هرا بخلسال الى الداخل وثم يتستى كما دخول العدن والانتفار خكـــل وواعه مع حالا الشفب، ويعد ذلك بأدك الكانز افعليهيه

معدود جدا وطال من الكامات التأمهم مكيه" •

£ 1

كانت العيممات والد؟ -يات هممل دائناً في ميلة تيمور افي الإفقوال في مشاد التلامر دوان كابرا قد استدروا مثك س علاق العطوق مع الكاتب المعاركين في المكامسرات طعر كا أن العناسر السرده والقاديه كعلام خيسسي عمع داخل بعش الاسواق والدرائز الدردست في انسسد ن يمتعدون أماما طي النسية العددية الكهوة بن الأكسواد إلى مشؤل المركات العمرية كان مسها وهيلاه والأوا -الإغلان ، وقدا الأسوا في يذب وسمب الإرساد التعبيب سعة في الوادين ، 15 وا يدهمون في ذلك في المثل ألفقت لتحسل مسه كسره هزم الليهات اليمامه المسمي مَى مَاؤَدُوم بْرَج بَرُّ بُهِر بِي الْكِاشِين فِي وسط علمان والعبسنات السكف ، وكانت ناية للعليمين الاساسية همسب ادمان يمن السرفين في مطوع ، او كانت طي مهستا مخل الدائدي في الحداير. والياسات والمساعد بتاجيسيسي السهج والعنيان الاي سيدا بن اين البلط جمست اهاد هوم ياصفتك ما وقع في بمن المهممات "

سعب الوجود المسوله التي فلأمتوا فرن الفتريب طئ بلسها عنى البيمان الكيه العراء وترا" وقولا لاحمال المطامر مذه الانتخارات في كابات وسمامد بنداده كنا كان مكان والعميدين شيعة د او حتى ادوم كاموا يتورن ادواده طبيل

بأحقدة الطاكويين للى فرام الاسليه ولن اطب المبيعـــات

التي حدده في الاددارايات في مسن النام السايانية . طاقد قا أن أكانات المغيين مكيا كانت محدوده

لاستثناءان القب طاؤدم الدنيسة السلمه كانت في يدأية طون الاسهان لامواز مكره كان مضلتا لذا مكالماموسي

حدوث علوات الشغب كد يم سميدا الى ايران ،ويمسسا

بالرام بن نجاع شامدم في ضيد " يجان الايما ، وإسا

الطهاب ال بالي حاطق العكم الذاني بامتحاره حبت الطيان): يطولن بكل السهد السك لاجماع عيست

الجامد في ابعل ، وهون طائمها (سن مم بن ادالي

وخديثن بفية للمثاير الذي يداء هو ١/٥ في الباسب. ستغلوا هم السبت السادق ١ عمى بالعمر مذ يسسوم

> يبلاق ٢١ مطاهر دودد يسادة سمود كالطفأ وبالزم والمرابطة المطلم على " في التامم طلا الماع عاد جاه

سيس الدكتاب والتكلب في أدالي البليانية الديا والقسي لي جاسما علاج الدين اؤة" والتي الأرب الدوة مصممن

وكراوف عد وات مثان النعب طن المعامر العظم ... الإرب الـ 100 موم ، 14 في الحاءلال المنطخة ¥م_{يت}ــــل

ماك الى ذلك خاواش باق الهاسد بن السلمانية السبى ففعن ال دووم بالبليات ووديم اليما عبوبسين

و مو سام الان طا 中

الى مندودية الكانات م في اسلوب العماش العامين بافرطة اب - 12 rd فلك الشريحة وظريهم تدغيروا وانتأثانا المداكا وجسبود الموردة في الوفادنا وستقبل التمرك في سلوفنا ، افالسنة مايدور في ارجان الجامد ، ويجلس ايا فقيسسراه الرئم من كتردها وهل تواجدها ، لانطان مطرحات واضعمت

خموه مركا سعودن إلى مشكل مورة الحقل شاري طلبسي يدين خوابدًا وبدين ترجير وجيح الاخسام الدابتها والاعراق وده های کا انجامه فی داه اکله است والمادرا الداعليه وهم وجود الاهراق طي الدادرسيا أيعل جن هام الدائم الدراسة فهما وخاص واقع كلهادرسا

مداهة أرسال الماداد فأريابا بشكل ام .

استغاب وهول الدائم الاواد الرافسن بالدراسه فهو ____

ون الاحد التي سلمت في عامينج اليوف ال عد ساء

الأجوائلت المكاهف فيعنن الأجدره الممهيه والاداري خيازي

الجام عند اللين فطوا في المائيرة يذكل ماغر (١٦ ادعاس لاحثنا أن الاجنزه الاميه والدنيه والنائيه والبهاميه

والمرمل (10) دياما".

أيون اللغة كان ب الاجازة أحياه أسؤي والعبد أحب ان الأهرم لأن كنوا" وفدت رجد اجمارها الى حصيد ين اللهاء بمنزدم في الاستقاده من أرساط الهمامير الا يها هجد مله المقاتل والاحدارات لتاميد كابما جديدا مر السفيد أن يظهر الوقف مود أغرى أو مأت في العائلة واطعالات افر السفيون في خلقرا ومكورا من استعاداتنا الحسسن بالرام دن أن الوضع في المدكة يمكمي حالها دن 10 م هوية فإن رجأل الدين في الماريسن لالن المجادرات التي

علاقوم ، مسن خلال الحاليب والفرمان التي فدومــــ

وادرندا الصراح المحادى في المسأته الاطلب برق يسهد معدار العشرب التني مسعل ويؤسع مرادة طناه الدين الإكراد والتي

إعادم بالمدد ماي شراله في الدياسوولين مسي وأنا ينود حالهم، رجال الدين التي قدونا لـــــدن ان يجوى العسمل يهزم ومن حزب الدوره المعمل في ممن نوهن وزيدرا باللغوس المربهه والكرديه الإياديه مسسى لوالون الدوله. والأحدة المشميين ليمنن السيرولين ، وما لذائي ، رخاصة المعمق من رجال الدين الذين يمجيون من لسعد ناک، رئیس البحدی، والسوولین في مطاة النفسيم مؤت من خلال مسوداتهم وهد طي ويود تمرك مدادي لمسمي

الطقات السيه ولين مذه الهيجات •

ساداة السلبانية (البرقة في نماية القريع).

والمكارسة المريم والمطاودين دفارال الاسابهن الخازام سياسة الشورة ، اطاقة الى ان اجواه المحركة والاقلام المحريمة المعادي المدور والربعان سيتأروح والاستاماء الأهلام نتأياة ورفد غمورا لدن المغربون بألن حيئة الطيناميس لتعامر الوخيد في كل طلبه فير ديويه / الآمر الذي تدراه لعطف وخاطة السليةب حواء وهم طدير طاه الإيمزء الجأمون الزامج للتريء والإخم الكلف وقر للحارين لممي فعالب في اعظار العاميات . والطهة: السمر في كفيف ية الفقة أدمر التمره) مر صميد طامر اللام while the same of the same of the same

£ 4

صود عامل في المستقد الأمها ، طلا يأمن حذه الصاكة وات وجوده التطاليه البلة فترات الجين والمحل السادى للدساة فيهاء

المهقد فدغر طاة جديدة لرطح نابط في الكافسيسة

أولا وربحلها كبدايد لاطادة اطفال بذكل وأسع ومعبلسه وبيدنة الزا تحتل عللوايا بعاديه دفاحي في طفيعنا غلق

مالات من القوان والايامة العاصم على أنهجت الداعليـــ



ال يعن لأهسسا]].

وقا لأسعد داء الا منت معلاء الدامي وقا الأستيد علام الدامي والمستلد في مقدم من الدام المستلد في مقدم من الدام المستلد في الدورات المورد في المستلد المن المستلد المست

وُنمادا غناس، ۳۶، الطبهن واقوی السرکه لزم وسسن بعدافک سرم بجدی صعید الوقف، بغان اگرامهسست

 لا عشا في الإستارة التي يصود لوجودة في استقصصها المحالف بحصم حماق القول النصوج السونج بخوات لا في التي استها النصراته السامية الاصود في القديمة ، وفي طديرة في طف الاحدادة الا لا يد فيا دن في هيلاً في دو النصف الطريبة الدولسسة

ان خلاة الكوافلاني مماني دي طوف علمه . وحدائمات املاً جي بناجب التي عمق النوق التي وبرية الاجواء وتفصل الانفالات التي فد نبي طلق جالات علي مطلاً بأن البلابا لا معمل في الطرف الرابن طولا وساليات جاهب .

بالإيمة ولا وقدا الهاء بالمنطقة ولا والدياها والميدة الهوق والمنطقة وحوا ولي الفقي والدين ، ولورافها الاخيسبسية الهند للوائن اللوي هذه السلد ،

٨ - ١٥ التوليد المتماملة والمعترفات ما معتب الموج مهد المعترفة رَمْ ﴿ وَإِنَّ أَذِن فَكُن مَو مِوْف وَدِن البِهِ وَالسِّنِ وَالْآ تَمَانِ الوَجُي لِطَلْبَ الم الله المواد الما المواد الما

اراً في مساورية من سياده المطاعة اليه القالمة العلاقة على المطاعة المراجعة المراجعة

است تعلی افزارتخشده او مود افره ۱ او ان العبه الباقه الله قدم ساست المست المست الله الدولة المدر المست المست الله الدولة الدولة المست الم

نهم اجواندم المناصر التي الدخلية المنصدة في المناصدة الدخلية المناصر التي المناصر التي المناصر التي المناصر التي منصوب بن جدا التي حراة بمادر السي والمناصر من منه المناف من من هذه برائم التي المناصر المناف من من هذه المناف من من هذه المناف المناصرة ؟ ابان موسار أن أن أن المناس المناف المناصرة ؟ ابان موسار المناف المناصرة ؟ ابان موسار المناف ا

مؤسسة مور في هي عليارات الودن 1.1 الفلاسطة التي يوت أن أوجوها ولمدة عن يحمر أو مقد ولاء - الا وط الفركو أي الاحقاد على أن السراد الاماس قساف القرية في الدنكة المناقي موسي أم الرئي - ابن ا عالم من مستا هذا الامام وطفية مذا السير بعراد المكون الا القرية في مذا للقولة بالمنطقة ، الا ومن المهاد الدنو والمهاد المنقد مراحاء ومرافية ومؤولسيها المواجعين أو الحفر اسين المنظة مراحاء ومرافية ومؤولسيها المواجعين في الحفر - سين خلال المقالاتهم بالافراد المهمين في مضاد المناقبة المراسية

وقائان وفي منه الاستان ثم يه: طيستا وسيمة حيالتروه السنادي العام - التي فلا هذا أن طبودة التريية في مستاء العرفية باطبوء سيج وقتق السابية علمة المجوم دون أن طميع وهومة طبية خاطف فد على داديها مسأل وسطح الى طبستان وطبعة عدد في في منا بالذي الليان

وقتاء فرودت أنبره - وفر فريق هذا الدينة وسوجيه عا ان مخرج - موجة - في انجاء الإسر الذا فرجة الدينة الدينة في هذا القبلة - إذا فرجة المنطق المفرس في مسلح ذكة ان عدالة منية مني من كنيف لاجودنا فد يشعر في وقسمة لاحق فد تاميء بد هنذ -











\ •	الوتوليسين المحال مراجع المحال مراجع المحال مراجع المحال مراجع المحال مراجع المحال مراجع المحال المح	الوولسين ۱۸۶ اطل برامهم دا (۲۱ امهم لا زانو ا دل (۱۲ امهم دانو ا	الوزاين ۱۹۲ اطل برامها دا (۱۱ مواد الو د) الوفت .	
# (Japan)	: <u>}</u>	÷ }	۽ ع <u>ي</u>	أن جميع اللوشيع من قبل اللوات التفتيك ؟ أن سفاناة السليقانيسية :
	; العلم الدي 1 عامل العلم - العلم الدي	-]		في جمع اللوشع بن قبل ا 1- سافاة السليةييس :
				[] <u>i</u>
	ن خاتل خامنا بخر ومد في:حل غيفافزم وطق مرمسوا في احداد الخط	ی دیگه الازاد والتغل فی اندائت کما ایل و مهم : ایدا ای هم اجهزها از انزر شبه اظهاره ،	ده مراح الطرون والمو معد الواطن مريحا ، اليده بالدان طبيعا ، اليد بالدان طبيعا ،	ل أمية فن اللانطاعة لا الكردية إلى 17 فام 14 ينس وأدمه ومعرف ، أذافة ا
	فوت شنخ القون بالمتعار ، من نتائل خاصا بني ومواسبات الوجيات الوجيات الوجيات من ومن المتعارب وطئل الوجيات الوجيات المتعارب المتعا	لوه القرف الطفل درات دیاه الازاد والتفسسة وی مش الازوات الاحقاق، في الدنات کا ان داد ماه". والاطال علي الزوار المان موم". ولي طبوط الحق در العبد ابنا ان طم اجوادا الاحسب. ولي طبوط الحق در العبد ابنا ان طم اجوادا الاحسب.	المعار قامرة الدولة في منامدة برائح المقربين والدوســـن ويا باجوة الدولة في اعداد تحمد المواطق دينها مـــن الانداد القطيبية . (١٠- بن ان بي الحيد في مناه البيد بالاان جيئة المرابع المرابع . الدولة في المنظم بني استدايا حجر المناسخية بني ويسا الرابع .	القلاحش الاخرز التي 9 هي امية في الملاحشة، الداخه ، مي مضوح الوطن في الداخه الكرب، الى الاختر 10 وجســـمي ولسمة بي لددة لسياب ياضه ولاجت وموجه ، اطاط الســي ولسمة بي لددة لسياب ياضه ولاجت وموجه ، اطاط الســي
			1 1 1 1	

ا بنشن بدرنا سه اد به از زگا و در گوراد و گا کردی گوسال به در حسالسر ، به گوده و مسطوس نایبتانی کردستان استر بشهمای اناون و مسموم گفته گانی بارگسترم - استیمترم و داده و مسلوسیاری مسالسهای کرده و کاریکی مستد - بودک ده مول مسالسهای کرده و کاریکی مستد - بودک ده مول کرگرینده و وا ما دوگریش قا بازد نامهود و سیا

بر بتغدونی و ودویدی ند هردخت در بد تحصی بر اینغدونی و امر جیدا دیدا بغکمی به گرفت از آن دافیکر ددوره امر جیدا دیدا بغکمی به گرفک از آن رامهدار آن و رومنییر آن مطرفکاری گافت کسما

عميد ٠٠٠ وا پدرتاسان ۵

دیکسین: لیمز ندود دارا ان عنو فادونتهانی گوسیال و ملسزای بوالدون، سورسگار امد، گلانکسان اعلیمی که توجیش و رمنت و بیشنواری نوایا نما در مرسسارای کامزگیریمای نی شرم بعرفاسته بو بنتون تا بیتوا نسون

ن قدم پدرفاعید بو بنتون تا پتوانے در بکرننسور کوعاتی رانبیدرا نی کورد ا

فهی کرنکارلی و گفلانی زورفیکراوی دنیا بهکگرن.

رادرخواهی میریشتا میدمامدی شریف سروی کادم

whire of in the sound

ندنوایهٔ تیمهٔ گانی گورشهٔ آن و خوهٔ سگرندسی و میشه و بازامتنی ماشو زمان و ندیمهٔ بدندوایه تههاگانهای دا ومری (فعاء) سریممتر و دور له دمستومردانی میساهی بدره ودوره ۱۵ سال بهی جها داری دهگاز و زماند و مستهدی کشوشتری و مستوحت میهمیم کشرس لست لاست وفيئتي ويه يمتثار يون عاسو تأنسوت والمساويكا کورنستان دا د پدرینکدر معلیزاردین راستهما و سرید. دابعن کودنی شاند معمیکرانی و دایشتیمههگانی کست س ديموسيل گالي كورسيةا ندوء مسالت ميزشو دري و مس د ومعنى تدود کانی تر قمین .

> متنا نادی عراضین کتام فوناهم و تدرکاگانی و بایس میندیکاری وزدر نوانای شمو جما ویری گطانگان و دیمه به نابین کریش فازادی بو کوسالی شملک ردیشی بونسو

سلمون عاريولى والهركار ويعرسوميسروكساني مارەكار بەرىتكىن مەلىۋارىن دا ئەشرىتىن - ۋە كەكسان ملاو له رنیازی تحدیکردنی کوسالیانی کورمستان پسعره

ساریهای و دورکاوتندومهان له بدرزدودندی کوسیاکی

تەنبومەنى گەلى كورىستان بىمزنرمن دمسەلات قىمىس وسالين والاورد كالربوبان عيد ليهان بعن

بنزن پندسرگ ک باربزدری نازانج ر نمکون و نازاند

يهاني كلريق بالارتكى معال

عومکرمتی زه مهندی زیانی مهموکراتی و فارادی فیسکسم

\$

وه لمنموستی عار ك مدمو هارو هاروچكت كا د بدرنگهای را سازرا ندنی تخیوسنی تا وایی له همو لادی و گوندیکیا ه نوسران و ومرزمنگاران ۰۰۰ دارامیمتوسمانمان و مانگرمن یو کریکاران و جونباران و کوسالای مالله -کوسالدی مونیاران ، ریکفرآوه بیمتمی و مسرکرانیدگا سی میهندگاران ه تافرمتان ه ماخوسایان ه لاوان وه تازامی نازامی روزنان و مریهیتی بهرریسا ودر ، فیسازامها پاوزنا به نوست هازامیخهیکهشتنی ساس ، بدلسایی ه يفكهناني كاساله و باددي موندرماندان و تدابيسب

دمنبوهندگایی دا وایی و هاردگان د کاروباری کوسالایشنی. ناموری د کارگوی: ۱۰۰ دفاوایی و هساردکنا می خوبسان دمگرند تعملا و حدربدرشی جوهودبردن و کمه بخ<u>س</u>دا اسی بها وازی رمیخ و زمان و دمن ه دوود له دمسستهومرمانی مطيزاردني راحدوموي سريعت والهتني ويهبعساره عدمو فافرمت و بعاويكي بعر وزورن ١٠ سال ٥ سنب بدهافي سركاري.

3

به مورم طبحالای و دریکی بنیستان انبدردرده اگرمترالدگای گردستان با تاکیری و تا توسستا ان برازه طوارمزد با برزن باس و گرمالدنیستان ان بیازه طوارمزد با برزن باس و گرمالدنیستان از بیان با با سوئون مگرمزه ، گرمان ان در درانکاستره با فرمانی بها و دورو کار و دیانان به باکنان دماهیا تمکان مورمواردنی دایکی عدالدیدر ، هم له پیسو به بان و هم نه کم کردندوه پیش سما شروری کاردا . دمانی ۱۵ سال د. معرفتان بوریگه گودن له فرمعاوسترین . به کمانی تالسرمشار بهما و له مصحادی شاقان فعرجتی میشما آن با . رمتا ندگری که نوانا نیجسندی زقرن بون: بدگانی ون و بهاو له پدراجر همو نافجگی تا نونیها ۰ نارادی بهگاویتا نی متران و هالپزاردنی هاوسسار چانی مور مواردتن ساوا بانن كورد سستان والددمه كردنى تيمى داونتری و بارخانی دانی قافردتی توگیان و تورهسنددوه بادانانه کاری فوردن داچین گردنی ۱۱ مطقه پتودان چه مودای تدوا و چوپان جلای کدسود داچین گومتی تا زا دن قیق گرفت له همو کاریکی سونیستی گونیسیا ددا د اند همو براریکی زبانی گوسیسان دا پیمسی جها دا ون و پیمسریج تا فردشدویها رن کارن سعست و گوانس ع واقيع و إن ١٠٠ر-٥٠ ميلي دا نديري ٢٠٠٠ مدرومنا لايدني وليمكن ومعاك لداءل جيممن كردندا كونجاوو جووتبئ و افيتي و قول كريماوه ل متوازي رائيتي ب كريته فوريام لایمندگانی تری - سریتم بدرنا سا و براکلیکی له عزمست رزگاری نمیمتسانی و میسوکرانی و گلعاکردنی کلاسالایمنیسه 5 5 \$ \$ ζ

> محرفها می افزارگونگاری دایشن کودند ما زمیده ، بو حصو موادامته ، به کامنسدین دایشن کودها و به کود دو احتراف این مدیر دایشن مودها و به کود دو میشند از دادند ما دامید ، سستا جها ندون کودکا را در دو دو دارد کارد سال به به سال

بایین کردن تا و کارمها و تعلمون و تعلگران دوتراپ و رنگا ویان و موکانی مافویو بو عمر مار و ماردیک و تاوامیسانه به را دین بهوست:

\$ 5

بحطرد زودى كوماسيته

باراشتهان له فمرتان و لمناو بون .

According to the control of the cont

گرشگی دان به معلکه نمنی بیری فعرتواوی . گرنگیما ن به دا سازر انعنی بیمهاوی گفتوگالی و کردندودی کا رکای بهوقه یو ما نما ن و گفتهیگمانی بدرهمی کفتوگالی مروستگردنی تعسنطی تحوره یو کوکردنهوه و معلکردنی تابق درستگردنی بعشی ناو له سر روباره بهوای گاوره کان اله ۱۰۰ ـ ۲۰۰ مال به این تله و یو گفراً ندودی دانیمغوانی هجهاند چولگزاوه کان پوتوینست کانی خوبهان " اید سرا بستری دانوچه را گونزراوه کان دا مساوامی نسوتک کوردستانی مراق له پارچه کانی تری کردسستان خابیسری به گفتی ناددودیی کورد کارت پارتیکا و د هملوسرچکی دورار چواکنووی رژگاری نومتمانی و جوژی پیشمرگاری از یکسا خود زؤری گونندگانی کوردستانی راگویتراوه به نیساوی فسسهودی مکوسانی عیران له روانگلیساکی ره گاز پدرستانه وه بدهنگی رساند لدو موتناندنا که فاری زاری تها کو فدیتموه که هم یو داوداعتنی کنتوکال سودن لن ودریگیرن وه مسه ریترموبطا ندی بو فارآیمهاگانی تر ما نراون . بو بدرمهتیان و فراوان کردنی سرجاوهگانی فاو و جوگسا میتنان نور مستونده و له تورموگای زاره طن و مستربسازی د سامنان هزار جوتهاري ك وديموزاري عقينان و له کارو بسارهسا ناودلی و ماندانی مخلکی دنهات یؤ پمنوکردنی تاودل ېز دا سزر اندې ديستگدن کار دناون د ېز داېين کرد. کاربها يو ناوچه جناجيا کاني کورد.....نان -و جرد ودرگرفتنی زانستی و نون لمو سفرها وا نه ۰ بيدميازن عبراني بو هاددان و كمديهاني احب كۆن كرىرىدىدوە " بۇيە ئەبئ ھىياتبكىين : گوره داېمازرۍ که پ S \$ همین و هییت سلکی گذش داراسدی . کوکی دان به هرگودندو و بهرو کردش دیکان دارنسس کهنوای در حور میاند و بهرومرکوند و هناکسیان و گواستندوان بهروم دا و دیگارهنای می کودن کسیان و جارمیس کردن معلقساگان گفتوایا آن ها نما نی مونداگسیان و فعلموستني فاواس سدر له نون زمون و رار و بون وبساول هو کمیا دن ان بریش زدوبوزار و رمز و باهی طوسیان پارمهان ان متولمت ومرکزنوه ، ملکاکمهان غیبهند ملکسی وجوكة وكانهاوه كان تاواس دايمو عكاندوه بدسمر فأوامعه كان بعني تعميلن و تعهد له عاره كان تعملهست زمهوداً در کاش و بود و با داش دو جونها روسلکا را می یاز باختنانی رئومونش برن . همولهان بو جاگینددار کردنی کاروباره جهانها کانی کنندو کال و داچین کردنی با کنندی بغوبستیم را دون ندوا و بستو هومكردان زدسندن يمكيندا س كوسال همردودزيمسيكا نبي (مقیماً ده تحلیه ان لوک دول ه سقلباً شه کا غد مصیم ۰۰۰) و جعیشمازی مهسوای (سببایی ه تحلیمهایی جنرمیست له همر ناوابهداد، ا به گوتردن ندو کندرمست مساوا نای موقعاران و هاندان بونباران بو بیگیونسانی کهاکسو به گوسال ادو دارامهای با بهمايهن عول بدوءو داساردا ندنى بعنسازى كنوكال كالمويعلى عودي و كوده فالعسال و سليات ... بهگارداوی دارد بیت نها دایموری جوتماراني فاوايه كداء يو ميديه

کان بهودی، و جهیسی کردنی تدرای دفرنات مسسرهاسی و تارایدیکان ندر یکشها ندود ده همروها دیکشنستان بدرگی از میلمه کان بیمماری و کشوکالی و بازرگافی بهروشهدی هرودرگردی نصفیمای و دارای تدوع که وراک ند کیسرو گرفتی،الی و هکستو دمتوافایی دارای به دور یگر ی مو معولدان يوا دا سازراندني بالكؤكي سركازى له كورد ستان پهرومومکردنی کامری هوندرین عاردژا له همو داستیکد! و سود ومرگزشتهرک داردژایی و تکتولتیبا و توادای بام ها تنا ن و یه گار خشتنی همو وژه و سفرها بعیه کی تبعثها نی به کی بیشمازی قمونو کمنا سزرا ددنی مرسها لیزم تا ___ا ن پکیا با تا نی تعقیمگی بانگویتگی سرکدری پر طوناگردتی بینه سازی سرفتار تاودنی و قریر، بینین ندرا نون گردتی بناهم بەتىرۇكىما دەر داچىن كرىدى يەنىسىدە ئانى برۇزدىكەي. ر ئويسى يېممارى لەر چۇرانىدا د ركەلگەرمرگرىن بىسىق مەيمىلى سەركەرنىي دەر پرۇزدادە لەياشرىن بىسقى بایین کردن توریکی ریگاریا نی مانویوه بو م:یمینگردنم مینانز و بردنی پتویسته کانی گدید کردنی کنستوکسال و عمروترسنی تعمیدی بازرگانی نارمو که گونیسان و ماوزامنگ تابیوری نئوان معرفت بوزارمورهکسان را من الله المديكي ناجرتي بأمي تدونؤ كه يعطاري مويال ناه وه پمشنده وه یبا نکه کانی که رنه نا و په بهه خوراً وجساره گرنگل دان په معماری تاسن و سرد کوکردمو بعصبای لديتناوي گنديتداني داجوريدا سساره و بازار و بازرگانی . مكتولوما و عاردوا بي يكانه فودسودي دمسالموت يكائ و بينگونوي بدة نس. ز م \$ S که هم کارشت سرمالیمهاگانی له کاردستان با تولان و هم تا ونتان کردندودن وواکنان گفتگرنتی بارستانی بغربستی پدو بوله کارمنمه تالده و دانیستیکردندی باری نفرجی وواکنتوکفر دیگا کترمید ژیژزمیشه و چه هریچ بدرآددی پشسریست درمیتانی له بنوری پیویشهاگانی کمهاکردن و پیشکاونتر كرنكيدكن تابيدني يترؤب يبتمازي درختنساني فعو كوردسشان والحمك ساسانيتكل زهرة ممنى رؤرى له يه تدول ما سازدا ندنی کارگاو بروو مان بیشتسا زی کفتوکالی وسهسولی گفته بینمانی بینتسازی که کودستان دا ۱۰ نوانای مزایی و سا با بی سرچتی و کفتوکال و فاونگذاری و را دی کافکنسیونی گسهدان بسساری گارسده ا نویدر (امراد الانعابیما گرنگی داریه بیعمازی کنتوکال و بیسازی شازمل ب سعرنایموه نمستنین کنگا ۲۰۰۰ له پیشینمازی سوف و تابیست به بایمن گردنی پتویسته کانی ویان و گزرمرانی مطلقه بیستردو گرنگی دان به زیبادگردن و بهرمیدندنی در، وباخ دبیشنان وه بهربوعیهنی زاشتی بهردیددیگردن و باریزگاری بان " گرنگیهان به بهیمهوگریش بالنده و بروزوی (مواجئ) " داید را بدن ساید دو نزدن . هوشسها دفونسساوه . رویهها بدانن جونها را داله به کارجتمانن ریونسسویشسی موسار درساوه ر معولكان يويه كارمتناني ربوهويتن زائمتي لسه يعط کردن مدفق بدر بهدانی با . پاراستن و جد ومرگزشت راستی نه جنگمال . و معددي له نزياد عاليدنده كاني عوبا ندوه كرمسه دون و زانستي كفتوكال دا. معمازي فارنعي والمائيا فنورى . . مقومه کی ضراوان

S 5 5

ŝ

كوسال نيتهم نه كا

کوسطادی رونیددرانی کوردستان _ ناوانید _ کیوکوریه کانی تدم پدرتا سید متر بنشرن ، دایشوا مرق کانیندگانی بریگرینسدوه . که تهییش و رست و بشتماری هیا نبان بدرساره لمهم دموه داوا که همو هاویون بانی کوست که در استارانی بولاندودی هارسگذاندی گذاری کمان دیکسمین یو چارممرکردنی کلندی تدنیرایتنی ددندردی کسیرده کا ک لایمان هومین کونفردنیماره بمسند کرا را کوکردندود و تا ناددکردنی قاباری تا بیردی و سماسی و کومالایدنی رنگویگاف کومان کاما بنا همود د سم لیکولیندود و نومینی نیز و بدول مانتمان لویداردمود روكو يمكدس بالميكرندود الدم ساءانتنا بتتكفرينا يردسنان له سم ينهندي فانون و سعرها معهد ۵۰۰ وا پدرناستان کوسطادی رونیسترانی کوردستار معملهای گزیگاو کاریکی سعت میونک نه دمرفه نالوزی کورد سفارد و معراق و ناوجه که و دنیسانا ۳۰۰۰ عليه ان ماركمرم - لينتنزم و له معلوم المرج گریکاران و رمنیشمران و ریشتیرانی علیه-کماری شان ته کهین و بارينتي يعرنا عمياك مجارز الأريادا في كرنكاران و كلاني زاريتراوي دنيا يطكرن:

كغدلى كالمتجث مالماكا كالسيجان

سروعته که بی سدر تا بهلما رق دموله ته د جوییوا زق بعودگوا تی تیما بستندومتی به هرزی توسیالیستیده . ان کوردستانی مرایداه که آن زیردسستی رژیمهسکایه کما قینجامی روباویکان و ریوش گوران و گلمکونله—ان همو کهکارایی کورد ستان له پیمراسیم بدگ تعرکی سؤویسی موی له معیانی برولیتاریان ندو گسالانه و جسولانسبودی مهوار وناعبانها بدريري موكس مهكامون لطالبي باون يمالانداره داله مصالدي ددنموا يمتى كورد دا روكار يمرس ليمان ندندوا يدنى كورده ك بهنا وي ندوا وكرمني لمركه كا نم مطومريت بايدتي وخوبي يمكان له كوريستان وناويسا ب زن و کورد سستا نیو درگیا ت دانگهاگی جوره ساگیرا نالد مهدك كاريكير ك يعكينا ن جافتوس كل عورمسيكوا ت مادیشر و پیشکنست شیکوسان کریکساران کوره سستا اریکال کریگاران و کوسانی مطلک میزدگیرن کسانش تش سرنسیا امریها خیمنی یکا -بداکشتنی شمو گریکارانی حرا سرن کورد شتان له جنوان چودان یکاف خرا نمی ماریخی با دو و گریبا ندورن میساید سوره نکوا نبهان و لدیمناوی رزگساری و نیمسسوکوانی مصنون و تدبی له مدم سرده سالادا حاوکاری و بعشه از چوبه جینی کریکار آن سر بندیکی کرزدشتان باه قسرگی مارسیانی و بحکمی تیکونا این اداکان کریکسارا در جیست مهردگورکا نی دیو گذاری آداکالیا ریا فسوری تحکسترینک رزا رمدستمانی و بعکوننی کومالیمنی و مربزههمان بمولدنا بدن كورستانها ديد عربا فايمو كراوه والعهش راد معالدور دار ادبيد ديموكرا تيه كانها رطفار فاهمه المهاندود ولموارجودي يافسينام -پیسر بشیکی ندندودن کورد اداکال بشیکی ندندودیه کرنسره پان اداکال بهدند ندندودیه کهاس و جدندگامه ندندوایه ته گهار كرنداد تا تأخيراً لدين طبعه الغزم التي واز يارجه و وافعكما غير كرا و دايندگر ونا تجود كه : با كير كرا و دايندگر ونا تجود كه : بدر تورندادن جينا چاديا دير لام فونالندا ، دانا ما نموطونس و پيرتورندادن جينا چاديا دير لام فونالندا ، مون له رئزگيا راي ل، عدر بارجهه کی کورد—شتا دیا ۵ بدای رویسی سیاسی حسوق نیمتیاسی و دارادی به نگرندودی نحتوابه بی و بهبرگرا نس و بیمکدونتی گرسلایتی دا فهنویسی " یارکیم - لینشنیدگانی کوردستا فیوهنان دهور و همسان وابایی گذردی کربگارانیان هیم ه که بو بعنسساوه - بسوانس مدارگون بعرویوچون و با دیترمی بدرگرودندن و ویسستی کریکار ن و مدارگون دالای گزرا ن و کشته بعدا نی کومنادکا بها نین بو مینا زمین فعو تا با نیم گاورمیه که را مدارا نیش سوسا امو ته رزیمن سورایمهاری و با مزراندی سورها لیزه. بارکنیدلینینمکان له هر جگایدگی قدم دنیهایددا بست ههای دیدگان دیدها به بدار معمولان آند بدای خوناگی کنیدکلور و ودی بداده در دربدرون معان ندرگی و استنبوش فایندو ۱۰۰۰ ساکان هها واری بدو فونات جانها و فدای و فرماند راستاوش و جدا و به الادوزمني سدره كي ها ويعق و للمستر فأسيني عسودهن سوحالمعتم کردکار این دنیا ، تدکیریس مساق نا سانیس کارسسایس و جارانیمریا ، برا تا بایم معتربان ر جوالدر کممان را بالیت يهندون المسترية پارمىدر كارىتى كقمىسەر ادىئەراپەنى

400

چود را الدين و منظاي روزي مرا عامل دو الراستين دستان مسوولان عرب الاستان و در منظاي مرا دو الدين الدين دستان مرا المنظال مرا الدين المورد المنظال الدين المنظال المورد در المنظال منظال المنظال ال

مادیگوا دار عبوق سترمکی و عبودگامی ترل مشبات بریسار

روگاری نیشتنا ترین و نیسوگوانی میزوگرد: مولاندون میژوین متناوی گوستان به روو ک ما رممرگزمی فعوا و و بندونان گفتسسای نماستوایهای کوردستاند که بازچهارچه ناگری و و مارسمرگزمتی اس موان ندندودی کورد بهرموی ددکان د جارسا ندود ویامکهرنتم يعلكه تمو حياحت عاويمهار له يدكهودي واكهركفران له نعوه په بينګاودي له پرونن پکدرۍ تا پوه په چولالسمودي پره ه چانندها ساريدي معليون و نيمتندودي په خويسوه معنا وبستیدگانی گوران و گفته گزیش کوندگایدتین جوالمنج بدگی بزگاریخوا وات له همنا ون کوسلی گوردستان کابهها نوبا بارجهدتی دا سای در سره بسردس نستول بعمرنا لعمييلن ، دافهمر نوانان له يدكر ترازات پارمسری بشده ای خصی ده تدوا بدنی کورد ــــــــان د په معلستي معلكي كوردها ومؤونهو جهوسا دوويه المتديها ۱۷۸۷ ریزیشننی چنایدی به عودیدگی لدبارتر برهمسن بستا همنازش معیاتی چنایدی و به نامگرا کمرنته سرهارتی ما تمانهای و تمیمند مون قدودی: ۱۹۸۷ زمستمهای لمبار بو گفتاگردن ساسسی و تابسوری معنگاوتنی گوسالهای پدردوستاگفتر کاردهسستان خوبدا که کوی که دوندرجوی له رزگاری نیستسلی کهستا سسريعسستي تنافقودن كورد له مهاريكودني جهارمتووس بأرجه كاني نعبوه وجعلكه توانان تعكفل كرمن ويعا لدو بدما ددي كوروستا تهمها ن نديره لدكل و لمرا مرکدزیه کان مآ . له دا گهرگزمن و مایستگرمتی کوردستان و چیوب منايدي وتعنبوايتم · King 5 \$

رگامهزار دسیایه تا به بدرگی گرای بوشهست هیان به فضیت - بعضاری توسی کاریکی ویتوانیستی گرمی هیو خوالدوجه آن الایس گرمکار اندره نویشسترمودی کمانی را معطیعای فیشترنامها با ایزی زرایشساریهایه فاساسى فوقاعتك ويركارن شيئا شيدكيردستان ومايه ريلق معتوكراتي وتحصيمان توسافتنيه ويردنين ا پيروووساليو ۽ مون ديوينو . کوردستانیدگان دا بیگفتهم فیگفان بیگتر اور (کا نتا جنابیدش لمهوار جوزی شرافیمگی هئ و معرف آن بر گفتهبردانی در جار میبانیدی ونافي معياني فيستان نبيرا \$ _ \$ 5 5 ξ £ پیهبرا ندن پدرتروندی و باند روزن کناتی ناویدکت. کشی و کریکار آن پد تابیتی نبید ، نابیت مون تاک و ناتمهاییان ، بنگ موبدگی کارنگر کمی لبی اس په پارسترکزنت کیروکرنتی تانیزایشی کورد کلیلی کا کنورمید که روزمافی ناورانتنا - باری ناویهاک بازاینی کافز و موری سیمالیشی هیبان کافرد د ها درمنی کردن له ادار دان و جهیها ندودن ندادودن درباز بگا و مطرحرسکی له مارتریش بو —سرکم پولائمودی رز گاری درمندا فرق کورد – و فاسايي هميز تعلموميدگي زير بم فونهان په ساردا مايمر ک کلانی ناویک ل کیسیا Š ξ ξ Š S \$

را رکیدلیدین کانی سر استری کرره ستان به سستره و پسها دندن مورن موزین چنی کریگار قد حرکرها پخشین کریگار قد حرکرها پخشین کریگار قد حرکرها پخشین کرد بازی معبانی بوردگیر آن در بازی برد برد بازی کردها دار و گمست کرد حدید کرده این برد برد الستره به بستر کردی بازی این به بین برد برد الستره به بینی کردگار و مورد بینکاردینواز و دیسترک ادخا بازی مدیر کردان برد کرد برد بینکار در میسترک ادخا بازی بینی بینی برد کرد برد بینکار و میسترای پخشین در برایات و می و میسترای پخشین در برایات و ما و بینی و ما و کرد بازی در در در برایات و ما و بینی و کرد بین بینا در در در بینا وی نمو الدین بینی بینا وی در میکردان در میران میکرد بینی بینی بینا وی در میکردان در میکردان مورد اندان بینی بینا وی در میکردان بینا وی در میکردان در میکردان در میکردان بینا وی در میکردان در میکردان در میکردان بینا وی در میکردان در میکردان در میکردان در میکردان در میکردان بینی بینا داد بینا وی در میکردان در م

لعنوای موقندندودی پغوسته له بمرده می لیژندی کفرت دا ایسوتیتنرن

ماکنوره و ند میابا بافر پرونور و راستگای بندا میر ادنیا با افر پرونور و راستگا و کوسپودر اسکند و کرسپودر اسکند و کرسپودر اسکند کرد و کوسپودر اسکند کرد و کرسپودر اسکند کرد و کرسپودر اسکند کرد و با با بازی در این این کرد و اسکند کرد و بازی کرد و بازی کرد و این کرد و کرد

برای ایران و کور ترای وی ارتباط این المرای وی ایران وی ا

تابهان بو تعقان ت<u>دخان تعهاد ر تابسی</u> : مرکز له ویردان کسا

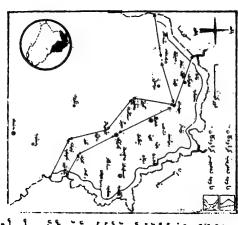
والله والمعلق و المال ا

ته پیشن پی اموران دون یکته میرموگر و بداگری امور مشادات است. میرماد و جریان اینگر تجهای باشد اگسترس است. میرماد و میرماد است. میرماد در میرماد از است. اینگر از انهای آگار آنها بیشان آگار آنها بیشان آگار آنها بیشان آنها بیشان است. میرماد می

کنده (اللیات) و طور در مقار گردن به را داخلها د." مهمیم، دروال میدان مودان خوجها با باس (القیات) ای گرده ایو —سر کرده امران کرد ، و در باس معنی (القیات) ای گرده ایو —سر داخل و در استین ، با خود میگردن با امرا<u>طوعات ب</u>دان ... موان و استین ، با خود میگردن با امرا<u>طوعات ب</u>دان ... ماری و میگردن به معرف میدان و توقیقاگان مدسان بستر و باویزان به بهسران دیده ...

ا بدس لمدارم اعن طباقانده ، که طبعنا موافعومه کی بعواه بدر الد خرار امورد به خرینگی بعض و خیتنا ترخین که درست درساقی جام به گفته مدت به معدولتردن بخش میشو میشو ، درست (۱ اقلیات)ی با از لوشی مربی که بد تاکیز اند با طباعکم (امد ا و با یا بازیا باش ۱۹۹۱ - سومهای میشود این میشود از این ا با مدرا اندم خرین بیشود با میگوان به میتان این باشان فیکرده ، کنده ((اقلیات) و خون رمتنازگرده بود ایکافیاد :

گیان ترماندن و دواناندن ، گرفتند و بریدن و بدول سوری ادامواندین . از دار گیر مرمین با پیهمیشتن ، امنمیزیا ها نمده ارمیکاریکار دار گروم رویکا موسلم و داریمگانی دندانده . در —سعولیدگانی نیمرا امیان باکندوه . بارمن ادعریها همانشگی داده به چند بعد معاول میزمای دستویهی این بازمن او مولک درا او به در منکا آمادات است از می در این نوت او داد کودی بی حال بازمین از که بیر درو بالگی خوابه بسوار منعمهای کود میتا در و که یکومیدوده زیارده کود ک کود: منسسها د داید بورناه دارمتوه که لهگال توانای بعضمری و فابعری و جسانگسی ۰۰۰۰ . فتسرانمین در نمایر داوید نیرنارویدگان و نمویپ گرندان. ۲. معینی نکرد آن با وجه سوری به کان به توافی ۱۰۰ - ۴ کی پست بهانوی بخشدی تدمین (الجزام الاین) بود: کم معینی نمو کردیا دی که داد کنید در نموین بارویس. ناگار پیشر<u>هنو تیکا نیا تی بشتری شروی بر</u> مرافی به کار بات بنیانا نامواین گورد آد نام خون تا پتراینندوه و م**همتا** ناشسواسی الا بعض لادمنها من جهابعين كردني بلكن تستيروندم بيدوتيميس دا له ساقتي ١٩١٨ - ١٩١٢ ما نوبكري ١٠٠٠ معوالي كوردن به بهسسا نسري بعص عمولتكي روريءا بو تعرض اعلمون يوتهاري بيسري بهندي الوساميستكي وابان دايد كورد له ميران دا له جاو سيبادا مكت ا - معرکومتی کورت فعیلیمکان له میران په پیانون فندودن ک عامو لعرون كوروسطان عوال تعريبهات الستا وهوي دا بگرامسي كه بريتي به له : و کموگرفت و هامعتری ۱۰۰۰ یشتر اداودی پذت سر حرکم همری بمکان در عمر عادی و دندگاه بین هماشیندی و دارازنانی کردندگاهی تعهدینات و ممرکزدن و موسستندیده از میشه بهای ندگردند کار دست همیدهای ای تعمدیگی بندس بو در سریها کنیدینگی است سرم خوان خوانشدود و آف داو برمزد و زمزگردند کرده از میمهانوسهود له موامن تا چو به پنجيده نيساندي مكومتان سنديا ك مصنفان مو ميته له خوان ۱۳۳۳ و پي<u>ندندن سنار (</u> الفرام الخدر) يا ن د دا چه گوره دميد کان سندن دي<mark>نيا سويدا به</mark> دولتي د کم مرستاي د زدمودار درموجهار و داده گوردگاني دادره با در دوت گره و معرميان به گوگان گورد بر استهای خود ده چا هنرمهای مراز دا که در کسید با چا دانیمتوانی میگان میگان میشود: و دادراردی بیرداری کردرسیان میران له چار میزدمین گفت:میراود؛ و در ممیرای جبرالاستومیگی میاب جکاران ارازاد و بستار له گورستانی میرای میاد. ۱۳۰ مدوار کوره مدنده و د و ماش ها ومتیتی تورینزار و مساخی ما ومغتی ما نورمال د ماکی مینندن لد فردا بها ند و را نکس د مساخی کاسین و کا رکزدن لد فاعیره و ما سرزا ودیانی مدولات ۱۰۰۰ سوری بان وه سرومترنگهان سازگرد چو تمودی بالی هاورافی پیرن لمگورده کا بی سریها چینشدوه و له تمنیایی فتونیا بیالی هاورافیتی یان له زیا بر ل جویاً دوه کاریعنمشتر تطیمره بنصهمگانی میرای له بوسل ویا بینان بالودنة فيكرى و فطيعه كاني هوان بنا تد سبينا في جن به جن كرنتسره . لمواقد جاردن مقتار كرمن لمكان (اطلبات) بن نا و (وطنق مربن) ك سالی ۱۹۱۳ بنسرله موان با مانه سدر موکم . مينا په مونده کا نهان .



د استان کمینیای این استان کو گوردیتران و اطبار نام و دود او در مساور در مثل ادامه کمینای این استان کمینای در مثل در مثل در مثل در در مثل در م

د کوردگانی رنگسین که مدندن اد گرند و ناویهگانی کارتونیس پدر دافزو، رکتار درجات درباند ۳ درنگستش دا و نمورگا ۳ درنگستش دا دمیاری دستم کر اردگان ۳ درنگستش دا دمیاری که بد ناراده درجان میرمانی مکهم کوردستان با فروستان کرنزن . - بر برا اندو ر ارادان و مرکزدن ندو مورجا ندو، پمتیمیتناونسی - جرام کو فورجه فوا ندو، تجمعی فیواد ادکان و مدرلدگان بعضی - شرکادان دیکون . ۲- دیکیماً نعنی رای کشی جهانی له کاری داگیرکترا دی یعنی ها بعشوا نی له جرافدودی کررد یکن نوی بعضی <u>۲ - له سیما نی بغشمرگتی کانی</u> ما ه<u>دان بعضن یا</u> --مرانسم، ریکشتن و دوستگانی بو پلمتهارگردنی کــــاری ١-يىرگرىنى قدو ماگوكترآندى بىمىرك كورىسىقان ما دىملەجىئى ره دمرضتنی مدنمری تدره بز سر با معروزی نوستا بمتی لوید و و سمنعطه کانی جوزب و کاربیف و قلبی سرق مافهره کانی معولته: ۱- میکان دو گوند و بروزاندی بعض بو حوادودی مدرب له نصیر و نمطیر و نموستان تنهیس «دیوسر بناهه—دولان کلیانکها دو گفتگرفت و بلتگیرلش - برای گریدون بدهترین کی در لتا شرا مسرن کورد سازه با است با گاوی رکان بر برنما ادارای کسیر برخر کلی کورد ، بد تا بهدشی در مندری تولار دی تا وجاکان شون و «نکاکان» — کتب و تعریب و تنهیمی و دبرخنتن هدندری فتوا ند لبیدر یا هدروی » رووا دین کمواندی بدر تعمیر از فیستم از تعنیان و تعیمت کدونون یو به گراچوندون توند وجوی پخسب پرداید مهمانی فیمانی دا. هوان پخشین از ۱ _ وشکلها دونی معلکی صراق له نام:یوانی دعیسر و شدسلمروشوسک ران میدای جانی تا هوال بختین بلا در در با گردندردن گیلی کررد له همز میرای با لیه جساندری بشناهین در در صوبی میرانی گوون شایشتنی خوان از انکسسیدی گووندیتا از و بدهٔ الامدون مثلی گود و آن بنا آدوزمیشیوز نامیتیا- میا بهای میصفی تحریشوارود از مدیری میشمن میاستیداناکال تنواز بیناهم بیشیم، سلیوان دمیو گودوانهستاز کودوان به ادادشی لد سمرا سمري صواق بالتي بناه وه دينواني همو بالتدكاني النسالة مون و صبریهگان و بیخهستگان ویشتن گالیکتیان تایکان پڑا ن عصو نائیعلوائی عمراق بینسستگ باندو. اله يعر ندوه بغريث :

بجرا رردگردنی کا ردگانی بعض فاگدل هی قیسرا فیلمدکان ف فعلمتهن د فیعالیدگان له قیهها د فعرهمهدگان فد جرا ایرد۰۰۰ میسران ۲- دیگامها ندنی دوندودی مترمیاند کاری باگیرگیراندی بخصی – وه ۲- دیگامها ندنی دوندودی مترمیاند کاری باگیراز میرفیسرافهاستگان نه

+

نی کارق بینشسترنکیمی دون دانگیرنگوا ن و بروژه و گودد کلسسا می

ية مستم كردندودي عالوكرا ودكا لي يخمومان

به بنتا ون دازادن ، مسوكران و بلكينتا ان دولان سريمودا لادن يفعكونعوار ، طريكتر ، فيتركران رالايو بهالم درسيوه

عبنالاند ، عميان تدكرد له يتناودرزگارين تحموايمن معرميدا ،

معسر بزونندومهمكي دعدوايمن كد فونا نماكا ني كوران و كمعاكريني

بزونندودن نهندوآیدی که پرونندودریهه نمین جسن و تالمسیم کوملایدین جاوارد و تمکری زاده و لونانی مدرسیتنان و لمطیهون هوی ته بیتون لد سر دمستی چینی پهربوا زن دا دا و مروکی ر دوا ومیسوکرا نبی و بیشکدونتموا زن ته کل بیت شرفها كايدنى وتحصاكردني عنواق يعره مهتنان ويهيواندل سرسسايه

بجوبازان مدرمی کاریمندست، تنبتا نیران فدون طاوردن سرموکم بردندن قد درون کورانستان و در در این استخدی خون بدرا است. کلنگای طوران در دادرمچیکی کامی هاوردانس و بدرسترد در - الاسان موافعیات در کار بدرست، پاکاردار در معمولون کدرانس بسر باگیرکزین زدوبرزاری تحویزگانی تر در معمولون پدسم سرزمتو

هم بنو بوله بؤیوازی مرای زیر نمسته بها به له بازیوازی مرایی کاربعمست -تورکن با فرسترکتونن بور فلوناغی جای نا و پرونموردی بین<u>د سامهی</u> نورگیا چون و مور معلوشتی جا رازیمیا درمهم پیرامیم دددردی <u>کود</u>ه سم موگم ۵ همرودگر چون پورجوازی تورکی بیش سرکمونن و پورجوازی پی<u>منس بادی وازن بند</u>ی فوناهیرزگاری دوسدویی و سردیی این حسامی و میکنش : نا ومروکش پدندواوی میا وازن هیم ک <u>درسود</u> بد<u>یمنس بازیران بازی نونانی به مسیدای دستانی</u> میاس و هافت

بالورمان به بالار تارانی و بدگیانی و نیسرگرانی و حریفسستی دا دهگرش دراس تریم گادردارین دار و دورای ادامیمربالهسستی بسیان با مترز اند و کارفته جوییا نندموان گظاری واقعای ای خوایان و باگورگردیی فکاتک لنگال دستگونی جهایش نوی را یگونیت. ممر ده جند جویجا زیاده و قدریا چون که گذاش و بحست و

مافن و قارانج و دمسکوت و بیمرگوندومیدی - بهگزاه له تابیسه به کانی یهکانی چنی بورجواری لایدنی نمستغریز کاران - بسالاسا رمولده ماگیرکدرانمه بهرامیر کالای تر کانیکاک نمسیلات و توانای هیو ورجوازی معرمیاک منعتا له زیر باری بهربا ندردی تیمیریافسترم با جینی بوروازی فیگیر شوروپایی بیئت، شاگر کورد بیئت و با حیود معرب بیث ، لدیال بینا س و طاحه د دایینانی ندگانی طوی دا مدینشگ ماحیت و دایینانی کلتی معید که زادش سرویتی جدا پدین و جورن بیشگ سها وجورا الدومان.

بخسام لایانه هرمکتره بهنگدونتمواز و بنیتوگرافی یمکانی دا . کسا بخساس زاده ن سریطنی جنانهای طهامی که تدمامیگار و چارینسوای . و بازارن اعكرمندوس كطويط ومصنى كارى مدرافهان دارال بوه نا ما نی ما دی و متصدری یا ندا ه بو مستگرین بصعر کمرمندی خیا و وه



يەكئى ئىقاشاش كېيىستان ئالائىماد الرطني الكردستاني بىدىيىتىدە سىجىسى 1878،140

(النكب النياسي)

الى الاغتوان و الرفاق الأمتواء.

يتسرب النكب السباس للاصاد الوطني الكرمستاني باستافكم جوسات النشالية الحرية ويرومن المفيد والغروري مرض الطالق الثالية عليك :

أيلاً عنما تأسرالاماد الوطن الكرستاني لقيانة البركة القبرية الكرمة على نسيج
نتال جبيد و بعد البيار القائمة البيار نامة المسلمة للتسمار والسبيزية و للسبات
نع النتال الدورية «التسمار والبيونية والمكانوية الملكنة في بناه وحد مارما
للأساس بالاستلال الوطن للبران والمسترافية لمسبح والحكم السئاس الخياسات
لكرستان الراء عالى الوطن المران والمسترافية الكرمة الملكنة المسلمة المرازمة
بوريين و بيني معاره الاساس على احتيار العم البيريزان الميروزاني المسرافية
تعريباً . الاستراكة في المران - فقد كل السبار الدينية والمرازمة بدولة
تعريباً . الاستراكة في المران - فقد كل السبار الدينية لواحرة المهاب المتراكة في البلاء "- و بالهائة سرحة المساسات
الناشي فيها و حال المراكة في البلاء "- و بالمناسفة السبانية الكران الموساسات
بعك بهذا الإطارة و بعكر مناسم من النظام و المتراكة فيه ما الأن الإساد
الوطنية الكرميناتي قدم خلارات رسائل منهذا الى نيادته طالياً سيا المنابي والافقاد
الوطنية المحمدال الميانا الميانا والمناسفة من المنام و المتراكة فيه ما الأنها والوطنية الكرميناتي مناسفة من المنام و المتراكة فيه ما الأنها والوطنية الكرميناتي مناسفة من المنام و المتراكة فيه ما الأنها و منا المناب المناسفة و المتراكة والمناسفة والمناسفة و المتراكة والمناسفة والمناسفة

اللغ هدما اطرا الخاد البلز الكريستان الكتابا السلم بر الكريستان السراق من الكريستان السراق من 17 من من الكتاب السلك من 17 من المسروب المبدوب من المبدوب من المبدوب من المبدوب و المبدوب و المبدوب و المبدوب و المبدوب و المبدوب من المبدوب ال

و أطر الرقي م البيولية الويسة التي تعلقها فيناه الديرة السيفية التيسولية فيها التيسولية التيسولية في التيسولية التي

The Board Man-

" العبية في يشاة د

<u>0.14</u> مدما سارة الدلاق بين التكوية الكامن والدوب الشيوم السراقي و طرفت الناطعة عن مرحيتها الاوليد من المرافق من خرجها التواقيد من الرحيتها اللوطيد من الرحيتها اللوطيد من الرحيتها اللوطيد من الرحيتها الوطيعة المناطعة عن اللوطيد و المرافق المناطعة المن

و خلف وقت ادم المتحد المراح المتحد المتحدية المراحية من عام حداث المراح المتحدول عن الفيتمة. التحصيرية لليهية الرائبة بينها الهائم المتحدة المتحدد المتحدد المتحدد المتحدد المتحدد المتحدد المتحدد المتحدد مع طبعتم المتحدد المتحد متحدد المتحدد المتحدد

و هنما عمر أليو قاطينه اليم ؟ الإنه المراقبة فردنا الأولاد المستوى في المعلم عمر ألي المستوى في المربحة المراقبة المراق

وكنيكر والمامر التوبه العرائه الرائية هرأ وارتعت المتهات وعرفت البركة الولنيت. التعديد نيونا برياً و منا جناميراً بحداً بالأمل و بالأنسار -

طلط أوكان سرفان ما الأشد مذه الامال بسب هام الدوب الديوي بسبل انتظافي و تدريبي بي الحيث الديوي المساولة في الديوي المساولة الديوي المساولة الديوي المساولة ومن اللبسانية أما يتن الديوية المساولة حيثة المورد ومن اللبسانية أما يتن المساولة المساولة المساولة والسيادية والمساولية المساولة المساولة والسيادية والمساولية المساولة ال

لقد أدريتام الحربالميوس بيئة المثل(لانتقاق الرعال البيئة الوطنية القنوميث الميمولزاطية ومدم فوجه القرن(لوطنية السارط عد الفكام العراقي -

المسالسية لقد به الخاصة الوقوة الكرميناني مقد الميروي بهذا العلم الأطفاق بسبب المسلسية المسالسية المسروة بدوا المسروة المسروة

العربين أعان حايا مع طالعيدة والاكتابي بالهيئة الوطيعة العراقية العاقدة القراف العاقدة و المستقد المراقبة العقدة من حسيان و مسد المراقبة مع من حسيان و مسد مراقبة متليا على الماء العراقبة الطبقية لها من العاد قرق السارهة الوطيعة العراقبة و يبيعون بن يجيدها والمستقداتي و الفساعة يجيدها الويلية مع القيامة العراقبة المستقد يجيدها و مستقد ترفيدين موسان موسان على المراقبة المستقد بالعراقبة و معتاجها و معياهها الموقعة على يسان

أن منا أليخ ألادها في بقدار عبدالع المهدة الماطة المراقب والبساهيم السبة المراقبة والمركة القضية السارية للناهية الساكة - و يعزل باستوارتهمة سبة القرن والقراب الوقية والقضية والقرن المراقب - و ها المنهج ما المان يشود شاده المنع الى سادة الثادة الوقية الكرستاني : القوة القسمية و السوينة الرئيسية المراقبة المراقبة والمراقبة في مستان منا المراقبة والمراقبة المستواطية المستقدة في كرمستان - هذا يكسر سادة لراة المعية الموقية المراقبة و مريق القردة في كرمستان - هذا يكسر سادة لراة المعية الموقية المراقبة و مريق القردة في كرمستان - هذا يكسر سادة لراة المعية الموقية الموقية المراقبة و المريق القردة في المراقبة و المريقة المراقبة و المراقبة و المراقبة المراقبة و الم

ستياً لد يذا الله د الرقي الكرسية الربيويا بتنيه و تمان كوسراً من ها بلسات المستوات وجيد القدمال المستوات وجيد القدمال المستوات المستوات وجيد القدمال الأمرة ، يبنه المستوات المستوات المستوات المستوات والمستوات الأمرة ، يبنه المستوات المستوات المستوات المستوات المستوات و قلمات من رائعا من المستوات المستوات و قلمات من رائعا من المستوات المستوات

د. في مرياد (141 فاستانيا مه الماطل للبسم بالعالم رده الأوله بالتماون حالفها ما الباطران امه السيالة و سيامة كرمية يميدية سنيرة - 31 دكلت الووائق السويرية لمينا والسرافلة م حده البيالة أن الهيامة الفاحل للمصم قد مطالبم طيافتها الساكوراتين للهجوم طاسي به رضا في أيضان القارئة في قريبة ورضي و النيب، على عقر قيادة الأوق سنية مطلب ولني ...
على وأن قد أو تعرف الوقائق المرافق بأن من المنصف في حوال وقت على والله سيال ذكون على والله سيال ذكون على والله سيال وقت النيادة المياز والني وأسيخ وسطاً الاراضاء الأولى وأسيخ وسطاً الاراضاء لا عولى إلى النيادة المياز والنيادة النيادة على المياز أن المياز والنيادة النيادة على منافق الاراضاء لا عولى المياز النيادة النيادة على منافق النيادة على منافق النيادة النيادة المياز النيادة على منافق النيادة المياز النيادة على منافق المياز النيادة على منافق المياز النيادة النيادة على منافق المياز النيادة المياز النيادة المياز النيادة المياز المياز النيادة المياز المياز النيادة المياز الميا

٣- و حضا تعامياً في فيهم و عقواهبواً فاداً في طرانا الأماد الوطي الكرمنتاني في لهة يرين دوني رفاقاً الميونون ما له الميومين باستقياً الميومين (الانوسير) منهم الأطباء و به المراجع طي مواحدة الطال المنت لم يود مراحات الأطباء الكرمنتانية البطلة فعامرتها مهما من مدين روان و أطبقت طبيح مرجع البيات در كان مع الميونيون المنا عن صاباً : القيادة الهارزانية المسلة و كانت فرصة بارة الالاستان مياً .

وجللته فهر موقفان تعارضان ؛ أ... باسائهادة الناخل للمنع استقراري يمر ملي القفال بي ... بوقف للأفاعشم بالممور بالمسؤلية الوقاعية و عب يعيد اراقب... العما , رضم الأفصار النوكة ؛

ن ريالة للهامة الناخل للمنع المؤرم الله / ١٩٤٧/١٨ والبرقة ١٠٠ يقولون أنها يرقيق للهامة الهارزاني المنهلة واللجة القنيير المرقة على المطلبات المسكونة في البطلة لقلهاة قاولة واعاد القطهم و هنامبر، جيد على الأواق و مدم احال أية فرية الأسار الأواة المسلمين .

أما فيامه الأطباء الوطيع الكرسيتاي نفت الميترا وارحا - بعد تنهي طفة المسار المؤسط من المنافق المسار وسعة كانا المسار و فيه الانعا المعراء و فيه الانعا المعراء وسعة المسار منها و الناج ليسا المؤسط من المؤسط من المؤسط الميام المنافق المير أم وسعة المؤسط ا

سيقة الأنفصائي على الألماد الوطني الكردستاني

أن الوفاقية السويونة لفيقا والتي تراق ينتها مع منه الرساك تكنف حلة طيرا الريا قيادة الفاطل للمنع مع طيقاتها في البيئة الافتقائية السرولا ياليون للأطنساق على مقرات القيادة الوطني الكرمسائي والقناء على قيادتنا و قرائنا و بالقائي أمراهنا من سناحة القبالية -

و لقد يصت الحك بعضا كام الأنسار المسيونين بع طقائيم في يوم ١٩٥٥/١٥٠ ياتقبال رضافا المسيد مينا راحد و يهنا رضافا المسيد عدد هذا فاقد فرات كيسرترد سارت الرفيد المسيد مينا راحد و يهنا كان يستقلاف سيار ما في أيمنا بالقدار و دعدا مراح ليجله بابان الإطافا المسيونين فقرارا المسابغ طبيم مكان أي لوبان مابات الرباد المدين كيراً حصا كان يقالها الأست بالتكران المهيد حيد هال كان فدم الرب الصنوني كيراً حصا كان يقالها الأست لمنافر ابنا أو أورت المرفة للمنافرة المنافرة المنافرة المنافرة المنافرة المنافرة المنافرة المنافرة المنافرة و و فيرن الواقع المنافرة المن

د البيرة السلح على مثر أفرى الزايم قلاية الآثارية بالسان و كاريتم محامة فاطبح البيرة للأفرة و من منظم المنظمة المسلح و المنظمة السلح و من منظم البيرة منح من المنظمة المنظمة و منطقة و المنظمة المنظمة و المنظمة و المنظمة و المنظمة و المنظمة و المنظمة الم

ب اليور ليكون لا المنطقة والرا والمنطقة والمنطقة الكلي والى كا يرمدني بيك الكلي المنطقة الكلي المنطقة المنطقة

يونا على يرق الكتبالها في المنافق المنافق الدول من المنافق ال

" ورمعة البرائية الغالبة ترجيك و " إليوب الميتواط الكوسستانيني " " برفيكم - أي برلية المكتب البيائي للصف - البرليلة " و البوسسسا - 7 / 2 " حدمل لواعة من سيرين الأول الي سكران وأيندوي - و التساني الي مزلة دو ونا يونك - ندر علي ميل طلكم أيسا - "

أن بهدر أن ألسكتها لنباس للصم كان طيفيل بدأ أبور والاطعال على طبرات فيادة الأفاد الوطر الكوستان في طورات قبله بن معرف ... و منا بكشا المطم العقير الأطفار على طرات أيادة الأناء الوطني الكرميستاني و منا المعلم للكندالولان و فعده الرفاع إيماً

أبها الرفاق و الأعوان الأعزاء

أرسة الرفاق والحالو المرفلة ديرس أو قادة الخاط للصم كانت مطلب سبداليا في الدينة المشعافية المسروف باليود وحاسب فالمادا البينة المسلوف المساوف المرفقة الموافقة المساوف المساو

أيضاً و معرها و استعمال لغة القتال الوعيدة سها - قتم في بوس ١/٥ و ١٩/١ الاستيسال على مقراً إِنَّ المعتمين في قرياً كا و،

وَلَكُنْ أَنَا كَا مَتَعَالَبُهِهُ أَحْسًا. إلىكتب السياس للمصع له فرشمارية بن االعبسيان مون ير الأور و تنظيم المقاومةوالأسماب، و أنا كانتالامرد غير لقة الأزامر لسلميًّا » بأ اللهنام كالأسرد » والقتال عنى البرتار في يعيده من البدركة و قد اكتلت فسرارها الي الأراضي الأيرانيية. مقانيا و جوات عن سوات من يعيده من المعرفة و قد اكتلت فسراره. الي الأراضي الأيرانيية. مقانيا و جواء تتمان سوائية المسافر التناجد من « الأقصارة كا لأسورة « ، « السيد مد قانيا». كالأسود " و " الصنود على النون" و من رسمًا الصيولاء من الهناء البراف مسلماً و تبنأ والرياح التي نفت الى أفود السركة فضاً مودسيب أو ميرر منواياً أكانست دماء فساقله الأسار الوطنية الكرمستانية أوضنا لل الأسار الميوميين «

أبها الرفاق والاخوان

هذه هي المتورة الطيطية فلمتركة التي اعملت بيرانيا أكرية أمضاء التكفي البياسي التوبوبين في الباجل مع الاواد ركان طبيعينا أن يقافع الأوله من طراك و فواك وقيادت كناكان خروريسنا بأديست المغلبين ودفرهم و أهلهم من السركة - أو يعد الأعلسيار المسرق لقساقل الأسسيار البطلية الكردينقائية وأسر هوالي العسين من الفيوميين و واسلتانها به الأله سياسته الوقعة الكرمطانية وأحر هوالي المسين من الموسيس ، واستدنيات الأول سياسته المجتبع فالفرت طيالات وعيالكي أحد المارد حو الكبرالياس للمع أسعار بيان صدرة عيالات القال وعدا إذا في حيايات تروية إلى القاليات والمارة والتي جمالكي أحد العارد بمعر الرابعات القلال في أبين الأول والمع ، وكفا كان سأيمل دالة أقيمة وراجحا أن الأفسار الساحد لقرات الأزاد لم يمسمل من سبيماسته البيطية السلط مرزّراً و التآمية اليّ المايينَ مع المصعّ و مِلَّ الْعَلِقاتَ سَمْ بِالأَمَّا لِيبَ السياسة والوقية والي تعِمَا الأنشال دوياً حمد -

ولكن الفقة المستولة من توريط الحمع في حرب لقرة نند الأواد في المكتب السياس للحمسم س الآن بالتهريج والمهل والمراخ الى تغريه الحقائد و تبنيل الزفائع فتتصرأ لأكا نبسبًا والإقتراءات قد اللَّهُ وقد ملَّوك مِثَاَّطَهِ ۖ البِّسلجين متناسَية أن الأَسار ٱلْإِمَا لَأَدُ أَمَا طُواً اً لُلْمَاذً مُعِنَّا لِكِيمٍ أَحَدُ القاودُ بِالطَّمِيمِ و أَجِمَانُمُ كِي يَسُودُ مَنْ رَفَاتُ الرَّمِاسِ و إبالُ الغيران معيناً كافت المركز على أمنط _ و هنا ما منهد لم يه الإُستاذ حينا لكريــــــــــــــــــــــــــــــــــ أمد ينفسه يعد وموله بالمأ الي ليانة الزك حث عول مر و رميلة أيوسريا زو أيوهـوان وكل أحدرام و تقعيم لا كأسرى بال كنهوف سرزين و مكرمين قم سمّع لهم يا لذهاب الي حبست بن يا العرام رالتكريم •

ومعاماً فأنط الأنطيقية المقادد أمام أطاركم بتموكم الى أرسيسال جدوريك رحمات الدها الدهيم هذه المطاق اما اطاركم يستركم أن أيسبال خصيبك أد متعديكم أن يوخستان لقيض الطاقة ويشهق الرائع وجب الأقدام وأسما الله من أسار الكياب المسابق والمسابق المسابق والمسابق والمسابق المنظوب الم

ر تغييلوايثهول تمنياتنا الساملة



الوثينة رتم (1) يج

ر دریدا دریا کوروت در عمرار

برانسها کوروس بر د (میکتری عاصکدی د د در د (میکتری عاصکدی د در در معيمعه بالت وبشويش هراداس سنددرون دم ات

فيتركان جومة خواره وديوسره فجغهما ثلث نوسروان كتمعاب ، ما ترسسته پیوسه تا سنه صد برد بر کا مصسترکردار زای گفته ش ره خرمامه وه ندورمه ترسدی که وشیقه درای حدیومه کار

له ععلى هرموني برا ليسارة در ديمسنتيان بمأكرو به رازما ومولك مروبهان تافيت نه دول عرشنارم في () م بويبار م ل كرويه م برکیلیار کاره مه را ۱۰ ک حرمانشوی زسیلم کردبر ق و سه وران ۵ تنزد (نفات - ۵ لانه کا رکروره وه ثبت ش سريد أيميد و مهم آن و أنت المعالم المعالم والمالا بعاد گرومه می برکو مال بست برمان آدی درخا کمده در کامان بی متربهشود شدسته دود ده برز و گاوه ۱۰۰ – بین کسترز از که ۱۳ تارس هرمهم ۱۷۰ روگهم رق عشون شدن از ۱۳ آ

ر شت شاد £ 10 س د سندگزی امریسی رردمنورم هرش (۱۱۱) والمانًا عند به بينت كه دم الكفة باک ین میشیسترد بسرد مهرچاهد دره رشیاب وابود ترثرر بالإمانار خمثا زمسين و ودلحديسسا فجوبى هزنا بوخا والرج بالميكيل

	(1) فيمرز الله (1) فيمرز الله		ولتم ون بطيدان با بالمعرف نبو هد اما نماني واطراعا نمانيا امانيا	ابل دو نفوه مه مرف م رسا مرف م رسا مرفق م رسا رفاقمرو ت	ار می می استان اس
هم توا خو هر از میان داران سیان فاق فراران به در می ترکند خوا دروه میدروی غیر در کاری می در کاری در داران در در کاری در داران در در کاری در داران در در کاری در	مستواد و ترام وجد ها درای از که درای - مگورم، درای از شه براد درای بدوه هایگای داری، درای - مگورم، درای می میزند چی	کا دعی ان هدوادیگار دکت ندریکی. هر دما طبعتی مرد علی مان کودود مربا رسیان که به معمولای کا وی بیدیکی مدخدیکی.	ا المستعملات الما الما المستعملات المستعملا	۱۲ کارس ۱۲ دوده ۱۲ کارس ۱۲ کارس ای ای ای ای ای ای ۱۲ کارس ای ای ای ای ای ۱۲ کارس ای	ما المارس المار
			20-		

الله الله	تنباني واعتراباتي لكل كرفاق بوين كتنتمن اطاح الافرة في ياوان فيقعطوا على كميسا بيده فينكا وان تنكنتم بن اطليع فين كتنان فيز كفرية فينا ميكرة جن كفاقل: :	رفظهمری فت الدوان فی فیترمی() یانیم میطون خطه شنگا کی دوست - واقلت میگر درانیم به باشده ایند حدد استخدا	بدارستان - مرونا في ترسيل لنميرك فرومي نحو هذه المنطقة ، وأده ليمانونها " لننا مستعلق واطفع المدينا نموام : « إد معرستانة براد »
	ł i	ř	1 , }

ليل ان مكرسرا معتوطين وجولكسن ** لعلد نوجه طبيكم كرامين إليكارم همام والرضيق ليهادك الجنسيق #اسدال معكام عم جاويان لمعولي ایل در نکوی میبانکم کانتدیارا(جود وان طبخوا بیواژاه اقتخیابی اجواحد) مراحد اب الإسال بعدم S. L. Sandal

مرفيق المعترم أعهم رسول (1)

1. 18:

ال برس صبط در برس مش

درمت البرقيداتانية من حلط (ستندش متزائنا متحدين إدل ال رئيندرى ريمان الل رداد الا ر شنا عل عل شكيكرا بفتائج 410.15

ال درس مال ميس مثل

میدل امیں مرہ ادگیوص مندمیرد پرشکی ماس مند مشکم رحزیا ۵ اصفور، انتسسی رسندی امشکرل میتریت مندوست آویبید بهمین ریرسیاز آل (ک ۱) معقول امتیزل ای رم ارسال مود م ادای فیارش عمورز با منطقه مییژه و رئینشه عمود مثانی ط می شکانه اعتبارت کا که او میانی

100 / 34-0 1 / Tr. /#

> ی از ومیرمنگ ، ومیرهنم من و ، برمنگ

عيل اطن عرب الطبورة هد جود ويفاق غايرة، حريكم وجرسنا البطور، المعديق البطب وري المغيران لتوجه طبيات فاحيها لجح ، و (ايماز طن (اق)) العمران الطبران ، جرس ارسال السيوة من 16 ينجوللنس الورواني الن متافقة لنيوره وفيطرة الفيل لملين غريق لوائدة المفترانا في فاطبح ارسان ،

دارد / رسياد

الي م دي ضيسك من م دي طلبيسي

وربينا فيرفية فتطبية من هف (بركيتكم جمع ١/٢٠) "معط فرائنة من سورين:(الأول - السين بكران وتبستري وافغاني: الن مولدهو ويتاوودنك نمن طن ميل مقاكم ايضاني.) الوثنقة رقم (٤)

عز داسيه مأمه 1000 1941/1- 14. 122

هدالمع شهديمين اهديو سياسيسد دهاديه بأكمان ب دوستو کور نشق بالب تي . حيثه ي داع داري ميسيكي مازيم كورن . ارا سنيا ولالترفيو الواركي بعدي والني . بال بعد يده كانت مشاخران دوره هدمند رند شادره کیوی شعیلتان دهرکانده بالای کم شاسیدتردا ويتحاني خعان روهم زميء رماشير يوخيين ولانشارا دهر وكريدي ليم مدودان سيفشروا. كيدهمان مرفودا سيات دور للدت رايانيث م کفرچه دماداره غرای اسده نیزد ریشهد . صرادان عاشمهان بيت برهداري و مريكروبروي شون موان و بر من واليان . ولا و دوت منع بيد كردن وعشه و مدد و في صيان . ون روز جده و میشود به بروی باده و دو شدهداد درست به میشد دارد و دیگری مزدان رهمهر شیان کاک نهداد کردیش لتيربرشيده

> كمنزب كشيواي كمراكي عرضتم و

1941/1-/7- /44/1401 فرغاق في المكتب البيانية - ومزية وفتراكي الكريسلاني ــ المزاق المنادل

يبيحان المريها

كلن فنينا استقهان كرفيتها ميداك سور ورضافه حلى بته سياميج الاعماد وكج حوالم ارمحون لعيشاء ولي كيتيكة عيدب فلويت بنالب والسلة كليرة ،خامة في هذا الولت وهذه فمرطة ين كوادع مينه عكن9معرام و 9مكوال كفيدا الن نوفيهم حليم مولكان بيخه المناسية ، تعبرلكم بن سماركمنيا ككم في الابت والنون في هذه السمدة يقيس فتناطئون فينفهم فتخيفها ملعما يفعلون أكر فرجة الرفاء بالمقياهم ١٠ تـأســل ان بنا يقله بسيمة في فصيل فمفترى لمله (ماكنيم بر18 فد بشارهم » واختمل بالسبيل ومراب وبكلة عليقا برايل از بطهم افتر أن افتام -بباسم فيتوب فهيرمن كمرطي وفعالتها فتعياري فمركزي نميرلكم من مشاركتنيا لكم الامن ه

والى الاستسام

فرماق في فلطف فيسكن

لحزب لغيومي فمرافي 1441/ 1- /5-

() فرادسشراش (- المزر- الميسشراش الكردستاس - ايران ١٢ عمرت المستعراق الكردستاني - المراق -مهاد معسود به باید در باید در این میکند به در در این در این میکند باید در میکند باید در میکند ... باید ... باید در میکند ... باید ... ب Later of the world of the contract المقرقة وترد معراها والأوروان

رستديا الى الانوة في همله .

ایان واحد برای اندهای از ایدهای ایران ایر

12/11/20/20

مريدة والمراب مراس مريدان والمراب مريد الراباء

فسدمل مي نوازن الموكا فكربية في ايران وتسوء الرسافة من شعيد فتزب فتيومي وسله سعبار— حو ١٠٠ غنواي القرنستاني والمربطفينطواي القرنستاني في اليواد الحارة الافراق العراف العراف. العسب [1] "النشاق" "فقط منه القلق عقد يين المرساطئيومي المراقي والأسماء هوهي لكريسياسي ا) طعارات - شند كتر، فتيطريق فكرستان - فتراق إطيف طهرمت في برد). لعمة على المعرب الميسفراطي الكرميناني – العراق بالالتزام بما ما" مراونهاي -

1) مرم، المدل طن اعليا مسلاموليط سيه لنا

وعداء) برش لكم يرئية سيقلق والرة فينا النبسي رس فعد على لغي أن طوع الطبق بوم ١١/١١/١٨١٠ الإ المتراعات وعمال مراعي

ليما التقوم لما الثارباق من نشروع هذا فنظرة الماء ومية نطركم في فندن و المان برسد فيها: (معاميم في فيواد والطاركيم في فيعماراه في سمل الوفاد و المكنة، المراهيم --

ا الرام الله والله والله والموالي ومها طراح علم الهناسة على المل عكر المسار ال معنداً من هذه الشفاط ... ومرعلها أميم موطورياتهم مطوعي شقطة ((المستعرفي ()) اينت. مقارم في المساعدات مودودهم المسابقة والتي أم يستر «القرط» . ومقاطة التنا أم نتمية سألها المواصات، التنا مرنا سألنا ومنا فدلك منذ المواسس، واحدى ملامطات رضافنا هيائ لايتهما الكاميم إان حلاغ المرب فلينطراني فكرمسياس||1|

فينتا را ينفرنا الزر

ستنزدك وزعاقي دنوبود يعق نقاة قعنده ميباء دنئل المحدث بركاوفات فيعددا كمعنزا لمعارد زو

افواني المعترمين فعقتب فعهامي فعربها تتراقي اطوبيتاني فهنابل 1

Wed - 0 >

(١) من شغه مم (١)

ومرسان أأمو أعتدنا بالمطاعي طواهمنا المترفزية ويسواوق البطب فتسطري فمركزي لتفح اءً: إدائد - مو فطارة متر متو فتكت فصفره فيوفري فيزه فضوبي فيراقي مع السكب السياسي فعربا الشراقي القرمطاني - المراق -454-11)

سط بنده او مراتب هذا العبدة . قصل التي بعدولت الإطار فرد . هذا بلدنا ال إنتقاد الموجودات التي والمدار " <u>المدينة المائة </u> ليا احتماع مع شاكل رزگاري هيك بسكي ليوجرسار عموم) «وی پیشندیم) شیارات بردن نوستی ، درجار هیدیدی ماجیمین هیتن میزادات دران بندودید نی تیسیان کرد در باملی دری میتیان شید وشایش - دران هستی در درید کرد تا دیگی شیده میزی و سط - دنان میده هستی در درید در تا دیگی شده حرقی و سط - دنان میده هستان میده در

صیارهٔ بن سینکه دمیره از دنید پرسیایی شام الرئیسیون ۴ باین سینکه دمیره کد دنیدین مصروشین در ارئیسیون ۴ سیمودی - سینها وارشدانی عدد چشین در میرود همه - سینهای ۴ شیرورش در دران نهره انگاد باد کران

ربعتنا فيزية فتألق في رماننا في شدهندي بند تلق هوا. . . إ كنا كنيبا للم حاسلا هالسباء بلك رازيا حمامة عاوطيل مرتبي وطبواسا كمياد في مطلا الدوانا المسلما المندر في معيناتركا المعداداتاتهم للقف

بقاء ، امتناهم لم ولن يكري طله ، طبوا هنه جرفتنا لعين فقوط أن طروط ، ايساهم نعسن

را ، شند اس برسد اأنوا مسلكاله (() المثلوالوماند(ا) بشطون وموليم طالعاً ، ميطون أسسدا يء ان عقوموا سمر

ستاسي شريفيان.

الإموا فيعترين والإمزاء في المسطب فيمياني كفوب الانتراقي بالما فالما

زند شریع میزار د نوع از ۱۹۵۱ (۱۸ میزاند به دارمیته و ساه دار ارتبار میتا میزار (۱۹۵۱ (۱۸ میزاند به دارمیته و سام و دنوارمیته میتا

يعرب فضموني فعرائي

فارم ١١١/١١/١

الوثيثة رقع (٦)

401

خبتاق واسسوري

وبرت (لاشتراک) الكردېشاني ب فعراق اصالت كسياسىسىس

الي الرفيق احددد في رداي المتاحل (1) وقيتاً مطيناً بالداد المتاطلة *

حيسةمسار

له المقدول وقتل فيواديون يشتريني التطاع فيريدها (ويود) . بعد خشل برينار واستار¹¹ملين بد سسرك في الأخرور وتشايغ والولاية هي مياياريندو واستاري المستاري في مناطق الرسسين المورا الماليدون فالمراكب من منطقا ماليديان فياليورو (ويواديان يوران ما 17 ياران المالية الأولى والدر المستار الموران المناطق الماليدون المناطق مناطقة والمناطقة المناطقة المن

فرسل ومشاطق كويسيطن - كالمت مواقف يوق سوهدا جدا كي ممارات بشخطة الربيل عدد ولاحل عمان طريق آئين ومشطلة آستة كجود بيجب ان شعرجهم من ودوركن وجواليبيدا اينماء المعا ال

سترما كل كولدكم مع كرة الأهوة في كنوب كليومي كل فيوهري مون شاهيس.) فقد الرسلية لكم رمالهين التريكين يعقد سيسلكم دويبكو علم استلامكم ليمة

مرس الاقتدام جدا بهت الرساقة وإن تطريقاً دون فأطير مع فوض . وفي ساط عدم مسيداً العرزف المتوس ال الارتبى قد هركوا البلقاء ، يهم علياته السيد - دواسلتم مساد و ٧٠) سلمى الالبيد به توادي فوضع خلف قانين (٢) ، كونوا بالى بطر سيد ، يبب ان تسكوا طرحت الساس العالم ، ان فأمركام بفيد عليات قبلة العدة فيساطة تساركام ان نشاط بالعدة برسوا والطاقاتات الله

بلامقية از طريق عدركدك وخانكاه غيينا يكانيون بخطم ء

المكتب السماسسي ۱۹۸۲/۴/۲۸

(۱) استعلى ردى : مئواقينة المركزية كسك ولدر لقطاع ∀ لسلمين

(٢/ برسار وفسال - فغاني قائد گفرقالا) كوسرت لانمار الاتماد البرطي فكرميتاني ر الول بمارته -اشتارا مان بد مبلني طع ومبك في PAST/E/16 -

(٢) سرى فرية وافعة في منطقة فيددو جوستن

كرجم الوليقة رضم (٧)

12/2/5/

والما ما ما

ميلق فالوريزيديون

ردن دهی فردندی و فروندی که بود می فرد از بری که بود می در این مده می و می در این می داندی می در این می در مير واردادان وركون و م دوي و يمونون والمرون لعن نور وهمام سدد بعيم عديدو يدور میای دو کو فرده ت . ملیان دو کو فرده ت .

دودی رواید از استان استان این دیر به ی بود بیرونید دردین در بازیم بیان سویین پیرمین هو نوندی تا در در دادی تروی زیاد حربهای بیروس د وررته موثقارت رديان فاتوه الدور تواحر <u>ئ</u> و. موجود محائلان ماريان والا للكوال فالمرسات المعتربات ويهون عاق الايعام الايمار محوية وتعمير فالمالسان جائده فيرادي لأواء لدویش عدولمها که سلمبرریون طورکت ب فاید ب المراقع الله مول الرسوم وي سال و مرسد ميردسيميونان معهيد مدئىء فيسان سرسا ندیادد. ها توسش جد سد مرحتر بر له) شراخ م سنطنق م جد در . و معتن ه وليزز جري مويد يال ميزل ميا موده نده ومود) در دارند است است وران المرامن معاليها را باست الالها المها ان از هرهندهٔ از مدر پتیدهٔ دیان مد مارور المراواتين المتار والم

ردان

11.00 ره روستان در ماید فرد

403

الرثبت رتم ۸۱)

الدع بالمنامق فالمرجبة إلى الربي

مهلتنا الآن يسادما، لا) . قبات شم يؤكد بيزما بلي

١ - سحب كما تسوم . إدوريا _

ے رتاگیکام مشتق ۱۰۰ تناشیه ۱۰ ۱۳ اورلوات انسوائی شهروا نیزیم

- الوفرات البلات + عبدوا عم عام -4 - وعشدًا بر حول فصرت فعظ مثار .

ع رودا با على وقشيا أدر با تهم سيداد. ع

تُكُولُ وَشَيْعَ هَزُوكُولُ وَشَا أَوَا يَعَاسِنَ لَدَّ اللهِ مَعَالِدَ ا عَنِي الرَّسِنَ فِي الْمُعَلِّقَ جَوْمِسْتَحَوْفَ وَا مَا فَلَقَ جَوْلِ إِلَيْكِ اللهِ عَلَيْمَ كَا يُوسِنِي اللهِ حَرْمَ مَنْ كَلِمَا فَيْ وَلَا عَشَدَ مَنْ إِلَيْنِ

نحزینا نو دونت پارهن امامه عدد تا براید است. ام خف دوبیان هن ایسی رولیت کیف الداد ترکزد.

141

الام المناضل قادرجباري السحرم وهية اخرب ة

وملتئة الآن رسافة من الاخ عكزم دس وليبية غميات لكم يتوطد ليبية سايلي

وبالمباطئيم والدورينات بشاء طي طبقة

ج، بأكيدهم ببلتغيثة الانشاقية المطلوبة بين "الأفراطقلللة" سن وانتم وهم جـ انتظار حول عمرت بعض مقاروهم ووملتم بسمانيتيم

اب وجرابا على سرفيتنا الكه بالتيم سيطلون البيواء الحدم تكران حتل عله الجرادت وانه ليسن في يستهم مطلبة وريه في الرسالة "طق جو مقوري وانتنا خلق جو ليهاني " .

فاشك الروز بنجه (أع) معيد من فكمائن و اعتقد من قطيه ليونيندا في فوقت فراهي خاسيسيد موتمان المتينية الحيدة الرياضة عنى فرينج ، وقتمة على فعماقة مرتبطة بمرفعم ، در ارن بسيسي فيرون عدم السناع لكل معند بمعرفات تربيبا كالميدة بنماء .

> نمهادي لرضافكم ورفتاق بانواد . مو شائق احترازي

المرسكية الرجم (الوليقة ركيم (١١)

حصدر د حداریم: ۱۹۸۱/۸/۲۱ غبرينالاغتراك الكرمطاني ـ كمراق

لربار المكتب المعكري المعكرم

تمينالنشال والثورة

ساباران دیگاروا دوطنتی این کشتال، انتبا حصاء درجیات آمراها الانجار بدولا درای اولسیده التی کالتیاب می داشت. ا قدل کلفتید ام رساطه این درایی سرزش و رسالیدان محاوطتهم و درج قصاح جنوب دولنده آآن نشرختا استطال (-) بن شرح التیاب کارانامید اشد شد خاطه از درجیات مشاده التیاب برای در می در استفاده این استرختا بدانجالیدی درجیاتی استفاده این در استفاده این در استفاده این در درجیات و درجیات در سیافت موادد اطلب استفادی در استفاده این در استفاده این در استفاده این در استفاده این در استفاده استفاداتی در استفاده این در استفاده این در استفاده این در استفاده استفاده این در استفاده استفاده این در استفاده استفاده این در استفاده این در استفاده این در استفاده استفاده این در استفاده استفاده این در استفاده استفاده این در استفاد استفاده این در استفاد این در استفاده این در استفاد این در استفاده این در استفاده این در استفاد این در استف

وقد ومل متمتا بريناوتيشاء، ويعتوينان الييشدوك باليتون اليتاليون جيمنا باليجوع صلى طراباتيانتيم والفراجيم من متاكاتيشا «وانا لي نظيرالزال»

اما بحد ارضاع بیآزاربیان قداهتریه المطیعات لقطاع (م) بذرب و داخط الجالیین فترویرسید مراکز به درختی بعورشا قد فقت اظهاری فلیم باشری و انهیستانزان و آثار و ندر و غیر روانه پیاست رسال درخد برباز این جهاگریرده ایشان فاطری طبیع دن ختاف برگداربلند فقاع (۱۲) ایشانای مطال بدران و درگداد است و الجالیدین ۲۰۰۰،

ننتظر اوامرگم ، آذان مبداگا، ور وبرهان ماهبوا طیران بحظوا مامنده (۱) بناپیجماحات ۰۰

اما من مادیگر فیلفترا فصور فیکس بدریان بخشود اطبیع جانب البحر -([]) ویکشرچوط داموستا حدی فی ملکان میده می طرفزدریافیترین لیمیر اصال فیمیدار آن بدندای فطرفیاب سد اعتفاظتیس این ملاقت انجاه فی ملکان ویکا هیا به مادیگری خلاصانیها الاربانه وسالسین طیافتسیم مید آن فی خد الایام مری تجار بین آزاد فراسان وماموستا ایرامیم الا فی آزاد اجتمع میافیسانی وانسامی میگری فی فطرانسین (آزاد بارسانی) بینامیری بینامیران بینامیران ایرامیم شرکر وراداد بیم بیافتاد فی فیکلیس

و أن أسلن درسكل موانده بقييدة فوققة و (er)ملم في الهانية؟ مُرَّأُ الْفُرب فيامة البلاليين ، أن كان ذلك يعلن بداينكم ، ،

و ایموا بول کوشانیداک و اغیه کل منظلا بدرگذار لائیما بمرفان فنتگذاروان یکتب است. غلی ردی ایشا کل منظلا سرگذار فیکون فلک بیداجه

وألبى الأمسام

....

- (1)ماست. ... املى فعامغرهاچلى طرفتخيانغ المعاد الترفت لكرمتناني -
 - (۲) اليمس ـ يقصفنته بحيرة فوكسان -
 - (٢) الجلاليين ... انصار الاتماد الرطني الكرمستاني -
 - (2) الهائبة آخر ـ بقعد المائبة آخر من الحدود اي ابران

ترجمة الوشيّنة رمّم (۱<u>) ب</u>

ديخ ل دِلةَ دودده كام رُودوك جاش واسيت كور. ره مه بادرست در جاری می مرم مرم بربه عوامیا رد بهات در شد می کاشت درمن تا ده رای موده مشد هدشتوار د م به ه درسیت در ده کارمترا منت هر دوده این ایرهای برده شد بیشینی در مدام ار شنگی با مدرم اینیان شد سنبودن دو بادم مرم داکل. ع رئد ره دوملکان کی حرب هری کیوشی کی بردگیش کا برا م المال الما ه المرورود ارش مي نه ومون رمايين و المهارمندر. ر نشار داده که رود رست سام مدیده ما وی به می دردن کارزگافتری کار د که رودکه مواده مورد در نمون کارزگافتری کار ما موت سعه شدی در نمون ره بیشهاردی می می موت سعه شدی ردره سیرد دول مدی ای فرون . مکسردار ماده رویه سه محددا چیشینهای دادرست آسه زنده در ریاف تیترنینین در من هر تال ره کیدلکس تا کلیا بروندند و می کارد میلانی دون هر دالییان سدن مدارد با رینش مرفوه شد که کام خرما به وه بیگا کاش فی گوترک سه میمیم مدارسانول و کام دن و با روژنه در برسی صیلتری سدران ر ومیکوادی دکارنا ده بو رم درسویت و رغبریا رمی ممرتبت و مده هدین (۱۱۰) شما ت رط) دررباره ن نقاريخ: ريجستن هدريون ن هدرين ۱۸۱ ما ن مصررة زشتم مستشردة دد مه ينسبروكا رسيع د د می آرا آلیا (۱۷) (۱۷) می آرا آلیا کررخه ده می می آرا تیامنی يزد معدات مده وهدما روادا لام تا هدا درده دروی این است. برای و در (۱۲۰۰ سال ای بای گری و که آن کوست يومين دوي لأراريمين تاديان سرول بات مکورسرون به بولیه س

ما مه سوار دامی کیتره می و عدداندور و مورها ب

به بالتسلمهی مانکته فی سیاسی به کینتس نبشنمالی کورن سسستان

به پرامی سرگورتی <u>هنری پخسرگری کرد ساندر</u> بستر یالا ماری جاشگانی <mark>جههر باند ارانی داگرکسمی</mark> نیشیانی

هاو يا الى خۇدىرىت ، ئېتىدرگە قارمانكان

انکانیگاه او می سرگزارش میزادی پیکسیگی کرد سال بست رسکه ایانی سرتیدی جوانده ایست فرد و میس میزدند ایست فرد و میس میزدند میزد و با بدند و بندگان بی گذشکان را نکشیان را نکسیس سازن بن سرد براید و بیشتری بالدی نوب و بیش میزدن و بیشتری بالدی با بیشتری بالدی این بالدی بالدی

تم د بر نیربانده جوانیز و تم و سند بیکمراد کارماند لم شم ر کپیشده اشتهید بیون که میژنگا بسی شرقی جناشه به نیتی دائیرکمانی کهه سال رو به گزشکی جاشکانی میزای بز قمی لاد آن ر لخاویره ای شرقینی نوتری گفتکمان ه سمیانه بان بصدری بن اله ۱۵

کیر آبارمان سفوت کم صطحه کار بههمه اینده به بسید که پیگره دارتگاهی مؤزی باشندمراهای فهره سالان بر پاراستی گوره سفان و مقورتی دولی بهنگ ارکانی داکنیایی نیازان و مصور هنز و بوانای جود «مرکویتایی ندیابان را دار معرفتاً جانون رافات که به مقیش کشتی مقوان نحضه ریالانی جدیگی بیانی توکیمرسی نظاران و بیارهایان نیکه شاند در و جهای سرکمتی نند بلال ادخال و دالا کمرموزهای یاکاره مود، اسم نظران بیون ا

شنمیده دور کزر و دورکج و سمرترغمکی گئیرای لنیاش بنیش باوه ۰

٢ ... شعيد ناهم جيس سلهان دسياند اي تيين ١٣ ي.سيداش بشايازي شؤن و غاي يزيشي بير، له گرندي (همزه) لند ايك بيود له سألي ١٩٦٢ وه بيكه پيلسرگه، لميم فازايش و لڻ ماتيي همر -زور کیا بسس فر دیاشان سعران و انسائل ۱۹۷۹ دا بیو بطعیاند بی بخالتینی ۵ ی میزی ریگاری، وه له د نیان نمبردی گورمی شارختی کمیلیل و شرخی نویلی گذشکه اندا بهنده این بیان سیوکیدآییلی کی نورم. شخصیدی نمبر سنزمای تعزیق که تعیانه بینگی حککمونید بیوه برنالینیکل خاوین حکیب شی گذشکیدی بیون.

دم بور لکزترمره شومکنی تاشیعالی ۲۵ ی بنمالی باروایی دا ده پینجوین له بوری **دند ایگی کیم** سیاسیاندا اولی دایشه همیوندراند دی دستگین تنگیر بیاواگی وکر تر سیاسی بی معینوشتیان یکسیا. لنوا چناد اری ناد بین و د رود به شوش لند بین و شنمیدی نجر بنو لیبرسراودی وت: تربیاوی معتقب لمریش فعرس له مخترف خانگانی فعینها دا بس، تعمیر فنیه سیدان و لکطان وجود بیلوانه لمین بعیدیگی کم گزود ستانندا له خدات و بدیگری دا شعنید به . کنین سبرگرداینش بارزانی لمستر فاشینتال وهیگیالان جویز برؤن، شعید ی تصبیش خری وتحی همر لطبیات و پمرگریدا شعید بور

۲۸ ی کارتے ، تارمانیکی تازا و دلیر بیولہ چندین تعجودی رزگاری نیتشانیدا بعنداری کرد بیو۔ إ - تعدد عدالرسن صد تعين بلسال ١٩٥٥ لدگرندي (شيريش) ي.لاي. حاجي تشمران

لعدایلا، بیره «ندالیکی نمیات، پنجی باره ۴

۵ ... آمسد جنور سالج ، خطَّال تعهمي سيروان و پيشسرگينكي دلير و چايوله بير له كتران (۲) ی تیبی ۵۱ ی گعربیان ۰

٦ ــ ناريز حند تمين ،لماڭي ١٩٥٥ له (دِيُكُلُه) ي كينه لندايله بيوه بچڳري فيهاند س كرتي ١. ى تىيى ١١ ى سفين در پئىمولىيكى بارمان بور دامسالى ١٩٧٨ دود پيدسوگ بورد سخير

۷ ـ حاجي ستفا بخگل گرندي (بيلنگان اه ،جزيي غنميد وسيان بگي نمره ،لعقيرگاد رَوِي بطعدا كَيَاني خَرِّى به تورد وكُورد سَيَّان به فشي مينگسترگه ييو له گفرتني ١ كيانيس ١ الجي سُوان ٠ " ٨ ـ حاجي كوري تحصد ي عبرياً ، خطكي كالألفية و براي تنحيد حمد رحد كه لمهياي كارتخ يعد معي

تانب خونرزشكان ق م شعفيد كرا ، براى مقال حسن كريستاني تالزكمره - شعفيد ي نمز نعرات عوكماني ه ی کالاً له پیر ۱ رولمیکی تا را و پیشمرگیکی تارمان بیر لمجندین نمبردی گوره ا بخد اری کرد وه و به د مستی حرّی چند بن یارچه چکی گرتوره ۰

۹ _ تنمید بید تصیید سایش بخونگ زای رمیبان سعیده و شمعیدی تمرینمود سعید بهانارمانی

کورد ستان بور که نصائی ۱۹۲۹ مره پیشموگه بوره 1/ ستحید صام آلدین مید ، ناسراو به شورنی بخطکی گردی (بایله) ویشنوگیکی تای وینه

جمرکی کمرتی بنکی تبینی ۱۳ ی کڑے ہیو۔ ۱۱ ـ شعبد شوان بعدد نمين رفعهاند دي بغرمزه لكوترج ي شعبيد سعرباز له تيبي ۱۲ ي كهه ه

رژلمیکی فارسان و تازای شاری کی، بود ۱۲ ــ شعبه علی ستنفا ،پیشمرگیمکی جوامیری کنرتی ۵ ی تبین ۱۲ ی کژبه و خطکی شاری ملهایی

۱۲ ــ تعمید عوزر نعرمان صد مخطکی گوند ۲۰ (تیمارؤك ۱ ی دمنش گهه به و پیشخرگینگی بسست مطَّحَى كَتَرِينَ ﴾ ي تنظيد حتيازي ليس ٢ أي كيَّه بيور •

١٤ ــ تعليد ليبراهيم لمبعد رسيل ولكرداي (أستركان) ي دوَّلَي بالقيريان له داياي بيوه والسنة ۱۹۷۸ د ا پژنه پیشیمرگ ، لمیمرفازایکی و بعث آریون له چند بن تعین و شعرد ا بور به جاگری فعواند ک کترتی ۱ ی تیسی ۷۱ ی بالک ۰

نم شمعید د نصوانه بعضیتنی گفتی حقیان قم راستیمیان دربیات کرد مرد که هیرکانی هیوشی **جمواعت** دراندی لهارمتی د روینانی کهه وکورد سانم، میرتی لهجه سعر میزی پیشسترگدی گیرد سان «اوالسسا و وبارمان همهندتك بثت ، چنك و تخصيريان جمد زوّر و لميان بمعافير شدء بتشواصيات مثلاًكسى ربوای کیفیکس سویتر د میل ددیاره لیت شومان لا پیمست بهر که شو حرّجروش و لاد برا ته لحظه د اگیرکسوما

ما و گاه آنی مؤتمهای ۱۰۰۰ توقاعدا که افکاراً مؤتماً حمله یاز و نوازی براگانی بیدایی اسسو تالک شعبه در به میکه نها اندا اما تقدین در سرختر به مثنی بشدهراک کورد سال در بعدالی با شعبه، دهوان و جماوره داخین به بازن بازن که نواند با بیدان به از بازن بیزاز مورد برای که او خصیه این در سال خصی که نهای دن که میآنای بشت بهما و رستن به وایحل کرد ان دادگیران و لابهالیزی در کاردان بهای در سهایش و در میگران برای این کرد ان

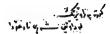
کید آغازانگذا می ضرفتی اما سرکوت کارساید مثلق بیشترک بسیر جامقال جودا افزار اماری (در رحد کار سفالان مؤالی ایا 16 کنتران بروی داریت گارمزارند آثار مؤارد سفاری بروی سان روشنیشتیدرکت کرور سان روشکیتری و اما شده به مؤاله بهای نشون ، نصمان کاده العبور می کونا آن مفالس کرور سان روشتر و و دوشکیای داوجها اطام می خوان جعد بازه اسکیدرد رو کهای میان بعر شروی که جامقال جو به مشوری استرامزی فطولی بر مربوری ا

- ۱ ـــ مَيْزَطَا ني جود سميمه قبي سياسي خيّان بسطيكن و يعيان بد دن كه ددي بارتهاج ٠. ٢٠ ـــ واز پهيلان لملم وليوندن پهشورش كوره سنان له همره رو د يوی خيرای و لوژان ٠
 - ٢ _ له كرد ساس مراقدا ، ياكيهاني لمدكرتكي جماد ارى يظارتيو بسطيتن ٠
 - £ ــ تازاد ي كاري سياس وحيزين برّ همير لا ينك د ابين بكري .

تیتر بر پتشمو، بدور سوکویتن له شوشمهیری کاماند ا له پتناری روخاند نی ریتم و هیا له سرکاری حوکیتی لیتتمالایی د بیوگواتی که سفیختریی و د بیوگرانی بر طرای د ایین بنگا و مافی جارطور بو گطفسان بیسفتینی " گطفسان بیسفتینی "

بمری و سمودی بر قط شخصه اند و همو شحید انسسی پکسندی پزکستانی کسبود سنستان. معر شکا وه یشت ۱۶ کاری پزگاری نیشتمانی گرید سان برد در و سوشتری باز نوانوان و داگردارش گرید سان

یکمی سامی باکنی نیشتانی گیردستان ۲ ی تعلیلسس ۱۹۸۲



کرسائی کاردستان درخاک همر کرسایکی فرمهینی تم دنیایه دیبای ماتود لمجعد جین و تیواری کرساز بخیر جها واز دکه همینکمای بهیری کنیانی کاردی در استانی می مردمی گرفتا بخیر به ما و در اما و می تا واتا بود. د سکونه دیر رویان به بایک می استانی تا پیشن خاریش فرمیش در امورا کاری چها بایش با بیشن خوبوده سستمری رود اونکانی کرسل نکا و ایالی ده اتفاد و در یک وطیقی جارسترازد در به تا واجسی خوبی داد انجیت د

سسانان بنهادی له شورنده ، مناه هم لحورتش گوردستا ندا ، بهاگر له همو شوردیگه ا نسست سما تسری داراه ا معدادی به سنینانی د صلایی سیاسی» مصطفی کوریه که کی سرگرد ایندسید حرال مرک دارات به سته سترانج و تاکیکانان ، بنزا مکنیه ، در سد ودر بودناکانی ، دریازگاهی، ارسایست کارگردی و تبود جراوجز گانی د بازی نطاقه نا

مدر آمبرزدرد اکثور دنیا ند آد نوزانی ایستاه ۱ دک جزا نوریکی پر توزی بهجرای امعناری کرملسی گزید د ا به شمن واتور دیویکه امد شورگانی طلاتری جنایاشی بعنی جین توزه کوبلا چرجیها را کانی دار کرملی گزید امدیاری بخد صنیفانی و صلاتی ساسی دیان به واتا یکی وزنز دادهها ری بست د صنیفانی بیشروفیایش و سوترده چین جوانا نوری گزود ا

تردد ویزای با نمونی وخاری تأکرنگان و تختوه با سربونها د دیارد به کی بایعتریه اصمیویسست و تارمون کسمنیه فروز وجزنردیکیافترانا امونه رینگو بعد به تموانیت معنی جیمکاندو، دامواری تا بریان در مربوک بیشن رسترکرد ایشن خیانگی به تارمزی مهان امتا نیم مواری گود دانا باین در جنی روجواری

و هموا به فاسازی نوو رفسانیی سرگرده ایش ولانمود گود آنگیل چینی بیربوازی دادنگان. - روجهنی بیرجازیها سرگرده این توجه میوخاریش، به فرونهایشان اد شانی موزی موزی کرد. داخلین را بوچنی کهار و روخیه وافزیکهرده مان زمیدها با با باین سور وصلیفی سرگرد، این بیالا بروی که لنگل رمید داری کیوستان داداکین بینگرد و در احتاب پاداتاری با نموی د مسلانی عیان لیکن. روزرنگ بهار لمیخین، نکوشت وگوشتار لنکان شان بسیدا لنگرده مت آنگل بیالات پشتانت شهان نکار اختران بیادی و این این بیند سیخان جهان بیان در اسان

ستویی گربه! یخی و تا بیری وسایی و معرفهای چین و تونیا کرده! بینته! تینی به را بر و روزتر و با نگل ا بسیر بین و له اللی بر ریکافرواد اخیان بریاف خستره وقد شبوخه بیجهین بیبا و از د اما شهان در درستین که نیندوم به بیانشن و اید و ارویی جاوازی چین بیزی و کیدا بیده به جاورگا است. چین و تیراه کرده! بیده د سکلات داره کرنمورست وارانها برنجان و انتخاب کار بیانا بیانا بیانا بیانا بیبا بیشی خیسسساید بیم تر ترییاه نیزی انتخاب کرد در نموند برد در کشواه بین جواز نمون فرود بان له صدر در بیچی «

جین زیوره گرفتا بچه کشفاره در دینهازگانیش قما نبوی جیئر بندیده در میگایش در بیریها و فیمکریت فیما نوی اوره آنکان حیبا اینین میاندره در سر در ویش جرالا نوری گوید ، دیبازگانی در افزانو بر در شکا فیملورت و بیرونزق به در پیمینان و تعلیبی ما نوش راستخیفی خوی راده گیگا وان و رسید در آن گوید ستانی یکمزر به در ترفیک سخوانیش یکهای بیدن . یکمزر به در ترفیک سخوانیش یکهای بیدن .

شمری ناوخوی فرناش ایستا ی گویه ستان لمیشی هیز وحیزب و ریکشواره گوره یهمکان دا ، دنیاند نمودی نما تاکیل و طفالای ب یه که له بیعتی جهیزچهای کینلا بخیکانی بورجهازی لفلا یاضه و کیگاران بو هجه موانی لغلا یکن تروه ، « دا به لغا یکن ترو» *

ميز جنهي بيكافرانكان سعر ادري كون سائي موال لحاد أيسان عن مناحيد مثل لها ادري دهم. يكيان بنينجا بحل له جنن با له لتروان كونا يقرف با يكران و معاولات ميد ادبو وسعها ودى سان واينهى لمويد هذا لتعبيب معمر كسيار اليو بطالها بي مها واي لميني بيونكان من أدر يوجود كانى حرياني دركان و يا مود حقاجة السعر هم مسلميكل لميري كود سان معراق داري. جهيان دا * * * * فين ا

هم بینزده مطای ۱۵ ای ۱۵ ای ۱۵ ای ۱۵ ای ۱۵ ای ۱۵ ایسب کا این سیاسی ریمانویانی میداند............................

۱۰ بیرکاری بین بر پاوری به بینیا این میدانی این بین بینیانی بینده این بینیانی بینیان بینیانی بینیان بینیانی بینیان بینیان

ن که معرکز که شاواتری تا په رئیس معنیات اسکی د شکامری سیاسی زیواداری به بر بیستاوم نظره زمزه «بولا لا ی وارد باشه یوز معر در کهایان در درجه مهار در بیر بهاوری بهنگهوزها از رئیست. هم له سایدی دن که رجهایونی دن که داد بر سسله البخشکی دوزانده ولوزانی تعمیری با رئیس به ماهدان بهایجتره این متاواتر بروانی به مادن کردن کار .

وه همر نصایحی بی ن که دایو که پاسوای پیرای به فاشکرا بیته سید انی کاری سیاسی و چنگ اربزد ... و خواه به تاسین بدات ...

ره غیر انسایهای این اف دانی که دانی که مشیاه برای این مخبر رای آد (جیپیتای بیانی طربی - - حدام) دا ایر دمرده رسوای کرد تن تهیمی کا در و تعدا مکانی به امتیاف و تعید کی ورگراری بخوی گرانسرد و خوی بیای خیبت و ها دوره شیما این کاری سیاسی و چنگ ارزه -

نمزانه فکم ایستا رکار (دارکای شیغ حییس) له گاردانی بی ن که تا^{نا}ین «تارانیکی یکیتی تید ا نبوه رد تعدیاس چاک مخلصتگاندن ر بیچیزی تاراست نمره «یخاکر له لندیانی راسکیس بی ن ک دارود لمگل کرده و بیر ویوپونیکانی خوی دا ، لنگیل ریهاز کنهاحویلی بو د بارد نکانی نار کوبیل دو تعجاس برا عصواوی ی ن فدیوره به میزنی جیاوازیدله بمنی چین وزیرکانی گرنشدا درد له ننجانی نشنندا به همرنسی نازانج و د میکونی جاراز ریمهدایونی بیر زیاوم و ریبازی جازاز ریند ریستایی حبوب و ریاحسراری

فيعه ليستا أقيزلا مأن وايه مكيمان كودستان كومايكي ترمييته محيزب وريكام إدي جياوازي تيسيدا ينيدا الجنَّ وه چنينگمان په بيها تا زانجي خيتايجي خيق وله ريانگني چيتايجي خريتوه سميري بود اوڪالي کورد ستان پېپرای دناوپهگه بچیپان ۲۰ دکتا وهطريستي خری لي د پارې لځات دره لطرناني ليستنساد ا لا با ن وا به طبلانهای گفوه وهمها سعرتکی کبید و همتر هیژه کورد یهمکان تنگش رئیس بیرجوازی سیزگراتی عیرال له پټکاری بند یبینانی بافی چارهوسی خوی د اور نبای لڪل پختری ره زمينو هنل ومرجی پيکموه همل کودنی هینتانه و پیکتره **نیانی** بخاشتی بطعلانی کیاسی و دینزگزاتی وزورانیازی تأید ولوجسس و له روی با بحریموه دیتیوتر ویاتر و زیرتره و خالعتمی ناوندر ریگا دان و بنگارهینانی زمیر وزطک بسست تا يبحى لطَّم لم عبرًات لا يحق كسي عبريه فين خوبان لند سِ تيوم الى بينات بيارين ونجت لاريسى لپاری پاری پیکردنی د بیلجان قد مستانی کیدا 🕝 ۔

ى ن أفره برايكي زورى داليه بر الأربيق عمرى داركو درحلة عنها هيزي ك: زورترين تا زانع بكا لــــــ عمیانی جنگی دینوگیاتی بو طاکانری تایه زارجی و نورانبازی سیاسی له کردستان دا ، ی ن ف بس، معربية الواقدة بحثاً للوسطينود لا يت و هنيشة اللامطاري معيرتي بأوطى لا زادي بير ويلوثر وسسار بمناني كاري سياسي بوه ***

د**ایا حدثنیات ج**ستولمدالی مد

مرسراوتار كسنت تثبك

رزيد فوعد كال هرست رهداده

ية جارة عارساء ندما ماشاك ال يبر ميشه بيان دوا شاكوم الميزسان م

الفريائية ويدري مهورد در العدو كأصر

ھے ، ڈائیکی تری می دکٹ : بع کا گزیری سسنٹ بی نارخوّد ہے تو ٹیسٹیل میں نائیجانی ہے ، کرداریت ہے الیٰ ڈھیکھرسا انڈ ٹکا ششیح

ستربرای فتر همر تارانتهای م هنر له ۱۹۷۵ بره تا ۱۹۸۱ بمرانیس په ی ن فدکرد بوی لنگیل فترمشد ۱ له كانيكدا كه له يايزي ١٩٨١ د الطكومكيي سياسي - چاكداري جوارتولي حاشطاني جودي تياهشكانده شعری لنگیل رمستاند ن و ناماد می خوی نیشان دا ایر بیکتوفهایی هیمتانه لنگیل فی م لنگورد ستانی عبواقید ا نوبندی خوی نارده راوان ۱ بارگای سترکرد ایجی بارزانی ۱ برندری کات وشوینی چارپیکترننی نوینترانسی عمره ولا المسعر همر الأستيكي فعوان فتيانيري ولمعمر شريتيكي فعوان فعيانمويء دياري يكمن ، كميني هسمره و جارگ نیهندرگمان بند سش بخال گوایتوه دتا له پر رستیان به کفتایی له شارنور و شاربازیروه خیبان بكنتره به كورد ستانی ديرای دا دلگل تعرفندا هم لمستوری سايناني دا وهم لمستوری همزليزدا ... در ریکتونتی سید انہیان لطال لینزا کراہوئٹوئی بن شعر ہیں تنگثرہ ھیزمکانی خوبات لج ہوی لیران۔۔ بهیننجه بونا و کورد ستانی جواق -بلام تعوان نخه هم هیزی راستخینمی خیبان و سعرکرد و والوسواوطانی و حربان تحینا بده گرید ستانی میزای وه نای میچ تورسایی یکی عصکتری ان لمستر مراق د روست نکسود ر شمهان نکرد. دودها هم دمیتهان له هیرای برد نه سم شورشی گوردستانی فیزان همل نگرت، پطکسو ریستیان له ریگی هر گهجدر وگرجمزاندره که فارد بریاندره یو شاریاییر وخیفاومتی هم سعرجاودی زیاد کرد نی بعشمری یعیدا بگنن بو تأود نیان بو جاشیش بود یوی لیزان. دود هم به شیونیمکی زور تاسور انه گترتنه شعر نروشتن به هیزگانی یکینی وختریک گردنیان به دروستگردنی رود اوی لایتلاوه «تحه سعرترای تتومی پسته جبهکی بعربلار کوتنه دمی تیکلاوکود ن لگل تعرتعتی بهاسد از و بصیحی کیوانی دا بوداگیرگرد نمودی مبحرمری خانه ... سعرد شت بهیلا ما رد انی بلکگانی حیزیی د بنوگرانی کررد ستانی لیزان و گرمطنی شنورش گیری زمیمحکیشانی کیرد ستانی تیوان ۱۵ کا راگیشته نایمههیزمکانی خیران له ناآرهان و دیایی تر لست کوتمیشک له نزیای بارگاگایی سفرکرد ایشی ی ن له نژل دا به تیانی بهلامارد اتی تاریمگانی تاریمگانی دارمگا، رفی، شینل که ماردی ۵ سال بریارگا گرنگتانی ستوکرد ایجی ی ن له ی لی جیگیر بریو وه بریره بتکته معیانترین جعدین تانس نازاد یخوازی میرانی رکورد ستانی ۰

تی و داردی چند مانگ به میتیای گزیگل هوزخانی بی آن بازی بخوبانوم خبریکه کرد. همهههاید ترکتی خطاف ایدرس میرود از سماری به نوازی شد و فروشاندی و و «کویتنی سعود» (« . . . یکهلسسی پزشت سیالیسی کسیود شنستان و بزگرد توبیکی استومانش موزی و پر میتران این سر بیرفان برسوگردی بیران که بیاری جان حاصران بترانیم بارگاگانی سترکرد اینخیرد سیبگردتی تخت د برگرد . د برگرد :

سری و لیس و چند حترب و ریکتبراوی بیگا دود دره انتیکایی حقیج و جدد بن کسی باز بحض ترویه ، همهاییه . آ که ند امدادی در معرفان و بازان که این امور که این است در دارد بنا اما بی داد و بازانی کو ایس بازانی که این بازانی اما که اما که این بازانی اما که این بازانی به از این بازانی اما که این بازانی به از این بازانی به این بازانی به این بازانی به این بازانی به از این بازانی به از این بازانی به این بازانی بازانی به این بازانی بازان

گرید ستان یان نمان بر/ برای بمیز کاف حصو بیرخان

سلاریکی شپرشگراندی گفرم همیاد ارم سترکونین بوختهایی رمیای گفه زیرد مشتکمان که سالمعای ساله گلفی کورد مان چاوموا تربیعتی

ريجا دكرم وسالعا لدهدو برايا كم يُدويت رایا دره می هشامد شرحه هروشهاری صدد یا سرم شدد هاروها رست للك ماكوده اجاري لواد دوركره ادیم دید دمست به میدادی کاری کاری کمه هذا انام همو هیکار هنا يمرد دوره عاديد في المرين. حوكمو فدعمد بهصابا خذكاني سيت 19/1/18 الما عنى بار. كدار المجدي بينين مرسدولسيت ديه محافظا جما عرق کرين ده ۱ سامعواديس بوصوفاتک بالمتي وورسالتها بوهكا وديدوهم براست بتهكر ريداي داكد مساوره تا طويكي برسترسكي فيك لوز بيني لرسوشيناتي لمقولها يهويم صد ول المكار لوز بيني لرسوشيناتي لمقولها يهويم صد ول عناو سارش رافي مملنه هدر بهينه ناف لا زم سيروسي كابريد طروب لمن كر يلال هي لقوه تاهتك بمكا هياس شوه لاحلادياكو صروميا طورتاويل عرن بامثي وكر حقة هميا بياريهيت لمهمو بهلايا و- دوايا مع مرازلي قودنا طوسه وكي بيثه لو ثيجا بدهنت وأكوسيترسدره تاجو كبه دهملاد ممر هدول مدوده في المرب ره تعررمكم سيخ إجازي دهرتكو كرهمو برا إ هريد محترم الال عسر سيرضا م

را بهمنوم کالی حدوسیرخاند بایت دورسدادها

لحدي ملكوريرسم د هيني دكرم لحدديد هديا سيومو مقيدم

اخده لنبيث باستوسدلارت

له خذاهگو یا دو ۱ ما ۱ ما ۱ در سته دومتی مد و د شوهوات به ادر مسئولیت دومت می می دود شوه موات به داد مسئولیت دومت علی هرو مدیوی به در ما می مود کوهی عاصوسان مدیوی به می ایم می مود کوهی عاصوسان مدیر کرد در مدرمایی نوست دور مصلی نه بیت کرش و ده هدیج الذیج میدید بیت کوی دو در ناصبه کرد در

لله لبدر کریا خانی نوکر درزی به به با بارش خبو جاری نشکورهه در کارینار صرهناری همتا برگنبه به نکوعبر جبکی نکه س

٤ - كال وصى صدورة ومدوريات ومدور

سیدلنها کیجهاری همیها دکه، و مصودی هاردگارست دو سه و **صنک**و

۲ ــ تأسی اد ریس بو حسو واووکی

100 ml 9

سیسی ۰ - جهای جاموسیات لحر لیزنگه بلند ب که لموانی بمستر ناورطگه روطّی وفرقه عمرس رعیّش و زوّی ۵۰ د رای واکه بارگاگانی بهخوی سماری اینتی بنگیش بشنشانی کورد ستان ۰

معيم بمبيم بوكشت تعويرا د مرانعي كبلا بان معوجريان

پرای بعریز وکر زانیومانه شوه تیازی گنوانتوهان همیه یو گیرد ستانی د اگیرگراویان ۱۰۰۰م د رینی همندیک ييلني دورم دورو يوي داره له تيوان هيزنگانيان آجا پراگيان تاكم ثيره تيازي گرانبرهان هيه بحواري ر تمتا تعری بیشتره بحصرد ولدلامان بمهوی دولینی داکیرگنوا بوستین ومتوشت غنزانی بارس بعضد ساله لیمه د وی شعری کورد بگورد بخوشند آنین موه لیستاش معیشه تاباد مین بو هاوگا ری بوایحی لعربگای کورد آبخی ر آ۔ جا برزمان ہے حرشہ کیکٹر مجال همایہ توشعریکی ٹینہ وترینعریکی ٹیزہ جارہاں بجیات بکتری وگلٹوگولہ کیل پکتری بکنی وه بهون کرد خودی زیاتری ونهی همود بو لا بان ۴ خوشتان تعزانی که تیستا هیرکانی تیحه ر تهود له همو شهمكانی كورد ستان بعيكتره هاوكاری بكتر تكم لعباد سطكردا المجنگ داری داولشی ر اگرکتر عبداد ارین لگرش عمر بنم شیوم، بیت و جزئه جما رمز چاوموانی برایش د کات نتوشه شمنتری کورد به گورد به گزشتن دان وه به نوسرار هم تموهده تکری بلام تگم بیت و همود و ۲ مان بهکتر بییتن يطكو تحجامى زياتو روون بيتحره بهاشتر بيت "

شعرى تاوخومان لميدرومندي داگيركتراس كورد ستانه بعوطه لميدوموندي كطعكما ٥٠

عبر ستركنوترين

محمد رحبان والسوزنان

13AT /1 /1 -

تی ہی نی 1) کہت روزبان ہی خوشہ لم روزانجا کہ بنمار گاری لمستگمرگانی

کیرستان دا بین و داری د بزرت پیمنگن ۰

ا تگایه حوایتان یو رموانه یکنتموه په زوتریس کات *

حمسوش ولاً من نامکنی به هنگگری نامدا دایوموه و سرافطحی کردیو لمنعر دینتی بهنعرکتی بخشسس، سعركردايجي بطيتي برشايتي واي يمهاك زاني ترينعري حشع يشيان لنكل بيءبييه هطال محد لسسه تاسی درمدا یو حصری ترسیره که کمه دختگیجی ۱

كوردستان يا تعان

برای پمهز کاك حصو میرخان

سلاریکی شورشگیرانه ۲۰۰هیواد ارین سعرکتوتو بن

ھائن تکایہ ریگایان ہے بد من

برای بعریز توسراوت گیشت د مهاوش چاویهکنوشتگ فاگاد اری سعرکرد ایمتیم کرد. فعوانیش زوریان بریکا ریکی باش ویرایانمیه بنلام تنگم بیرتان باش بی تموا براد مریکی حیزیی شیرمی لنگل خوبان تعمینین بولسمودی همر ۲ لایان پیکموه دانیشین و قسه یکمین جا فائم بههان باش نبه نمواسان لیگیل بین ۱۹۱ داریان یکشموه همر خوبان لگل فیوندا کو فمینموه ۰

وه شوینیای دیاری تمکین بو دانیشننگ که بو همردولانان نزیای بیت ۴ هیواد اوم توی رهت همواییت. هاوگاری ویرایحی نهای یکینموه خوبان دورخمینموه لمشتری لابطا لمبدرشوسی جماوم داری شعری تاوخهه ر پی خوشه کینه هموبان بحیکموه داری دووشی داگیرگم لمیخد سنگمردایین تكايه بميغه فاكاد اربان بكخعره يطكو بمياني جاوبان بعيطه بكعرى تكمر هات ويبك د يونضر يعربو فييه

همر سمرگترترین

بحيد وتيان د لسورتان 15AT /5 /15

حصم بوأنطنى لمسترد يتني تويتماني يطيش وحشعكرد معطالان سبت وشان وطي وجيس يسته توینعراباش بکیتی و ایوشوان (قادر رشید تا الله) و مصودی حاجی خدر به توینعراباش حشیجونسه د منش ووزی و حصو بپرخان واوکی و حصد بگا نزیان دیت ۰

تهتمانی یکیتی لم کیپیتوبید: به شاید ی نهتمانی حشم به حصر بان راگماند عگم تم نیاز ای هاختمونی همیه بو تاریمین پند در یاخود. بو همر جیهکی گورد ستانی میزای دفترا پیویست به شاخ گرفتن و تطاکردان ۱۱۵ چونک میزنگانی پاکیتی له هینو کریپناداریگان بی تاکرن ادبتاییخی لمرکاته که سلیبانی وله **معولیر در ریکنونتی میدانیهان لگیل نینوا کرابر موه میزگانی نموان به تازادی مانوجهان تحکوه ۲**

ره تبهتمرکانی بحکید. بهیان راگماند .که تکم تنوان له مانتمزه بن تنوا ناماد من به کیلی خریسمان یمانی و کطبیطهٔ نیشیان بو هطیگین بو تاو شهندی خویان تایا نتوی لخارزدگاه ، زطی ، شیتی ، رخگسسه ، بارىدو دقطا توكان٠٠٠ يا هم شيهتيكي تركمتيهان سنز لكن ايميموجدي هيزى ليواني لڪال خويان بند

مسر بعیمری بی شعرمهموه گرتبوی البته تعرزد اری تیرانیی دبوچی تیران لگیل خوبان تعمیلیسن و دیانیش شنری عیرانبا ن برداکمن ۴۰۰ انگام لیونش ری کن , س بطرلتی تیب ریگای خوم لیکمیوه ۳ هم بولمون گهرگرفتک بهخوشی چارسمر بکری و جا ریکی در شعر له نیوان هیزنگانی بیکیتی ول و و ا همل نگیرسیتمود دنویتمراش بهکیش به زمانی سموکرد ایکی بیکیتریمود به حمسیهان واگنیاند بو دکه بیکیشی

تاباد به نهندی توان که فاستن بخکمی سیاسی یا سعرکرد ایجی یا که همر تاستیکی دردا که فوان پیسه بحسندى لغزائن بيهان بولغودي وي وشويتي دوستا بحيكي بمعيز وييكعوفوالي هيئتاته دابتين

حمسر رولاس د ایونمره که تاگاه اری سمرکرد اینش حیی تمکات ولیتر د وای نمر کریرسومیه لعنا وخیرهنگی حریا له بخر رستجیل بندانی (ستری گردی بیران) ہے. رطام خوی بات کرد تا کتوکا تھی کتلہ کرنسٹگتوہ بدرم کوننگوتر بعری کنوت و لتوی سعری خوی دانا - چونکه هموطر فیستا له یاد دا تشکافی حمسودا - د هر تکوی و لمناحکای جاشی تیششانقروش دا مسمود برحمسر ساغبوشوه دی م نمک پیکنود زبان دینلکسو بیکوند انیشتن و گریونتومتنی اینتاران داناوه ۱

حصبر واورکی دیای اعومی لگوندی تولعی (لعناویتکزاد آن) سعردانی مسجودی کردود و گیراوشسخوه نه غده ولتری لگل چند کمیانیك تسمی كرد ون ، لماد داشتگانی روی ۲۱/۱۲/۱۱ توسیعی ۱ براد مرمك به فيمدي گرت درانيوتانه كه ليره ديمايه بالا و بيوره كه قطر گيراوي لملايمن كاك بسمسود مو ه چرنگر گوایا فتو یعی تاکاد این کاف سمو د و به اس چارت به جاعتی جلال کتوتره؟ نبیش جوابسسم د ايمره بيهم گوت ادالي بارزان حقيان لصعر نبيه هميه حميسان يکنن، د بريان يکنن، بيبان داد بن خريان ليمان عاجز يكمن بملام درويه لصانه هيرو نمونه وبه ٠٠٠٠٠

مطه واستك موسية را المدان كه له مر ويعاد بكا سوره که لوتوکدان ادلاید کاک معورود و یکو کال لدتر مهدا كاولا كارسعوده مي . جارت معاملة صلا كدوترور منيش عدر واسود ومع محرت : ال عندال مقبان له سهرتمه لكابه هيسيان كمانا دورة ك يمان طاوون و فرياز تيان ما فزيك بدلاي درد به شمانده مورة مدم هودين نيوه م خارف کا وریزه تمنسا تا دره نگرشهود منطوشی دوال داده. اک موق: ترفدا بادیم بست ساخشه د. ی جنگ ۴ صرفم بعد زانه این

هم أمياويهشدا كه مصر ترينماني بكرش ديره محمود تاميكي بخورمونمره بر ترسيره كما كت بهت لجئو سيتجودة

برای مزیز حسر بیرخان زانوکی

يأشن سلامان ٢

لَافِيزاً يَدَكُمُتُنَا مِنْ وَمَمْ جِيهَا تَدَيَّقِينَ مِنْ رَأْسَ * يَنْفِيجٍ - تَسْرِينِكُنَ حَمَّى تَمُو هَنَّكُ ذَكُلُ لَسَمُوانَ د ایپشن تبیدی نمو ایو شوان و محبود افضا تعیت دی قم درآزی نمیین • و مه بروسکای کریو کو تأیس، دگيل وان دانيشن - فايا چما لڪ دانيشته بريه -

تنزی چاڭتری کاعداد ریس د. کم تمغو دنز پخو دی هیم یو وی شطانی و دو توطأ من دگیل خسیسو لينای همسين دی ليتم و لطبيا له همو ترجا خو دی ليفيله منطقا طعمدزه و راض + و ترک ميم ليموه حراستكا باقي عميت لوان جييد صناس ويوصليانا وهيئتا تقدس لتزيخو دى هيم انشا الله ه قرتنا تعريقها سعهاجا سرمان يفتا درزمنا شكاند والترسهاسة عصبا دكم ببعد زحمت كيفسأله و

ا دعا" الله شایع دی برتمیکا مترن دنش ٬ همورکی در گوتی باشترین ترجیت خو اتفان دی تبحیته وی منطقی لیم هندی پیوست تاکمت رید نتر جمعه تاکه غضبالات . جمعه تاکه غضبالات .

د وهای حرشیا هنگر له خرد ی د حازم ۰

برای هنگو سمود بارزانی: ۱۲/۲۸ کم

برای عزیرٔ جسویبرخان گرا روکی

يائي سهومال

کاندا که گهاشت می رهرچه که بیشی من ادای به هم شده برگی جدی ندتر طنگ ا مگهای شمان دانشگی قهری ندید اید شوام برخود تدما تدوی تیم و داره تدیرسد رسم پردسکرش محربه که تایی دگداد دان دانشگ که کار جدد کشی

ه عاق بتنفسدت دوماي خدشي هادام طرزه رمازم

بات آن جود: چنانده کشیشه هنره به نیزن کهنه پزیه به مکرد سان میزن کرد بر سوان جنگ 9

ینگان ام قرار گفانی با دوری گفی کرید به در الامتریی ر کرید ستان به ویژانی دیتیتی سترانیجسی کرید ستان برد که کورک سیختی کیافت ها مقدر که های با در بین از می در ویژوا و ریک میده انسی شعر و خطائزی دادشگرفانی بیانی و فارس و معرب و منیل دیران انگریت ستا در این بیان در معربیستا کرید ستانیان کورک بخت میدانی جنگ فیگی هاین و جویی حقیات ، کرید ستا نیان ریزان کرد و د، سیرفت و سامانیان تاکر کرد و کندگرانی در بینام و و فوسانیان کیل کرد زشود ، مثانی میترییان کرد کسیسرد و در نیشتا نخصان دیگریت خزن داد نیو و که بهجود کرداد ریش کرد رسد .

لم روداً باز له ترکین تحویق گورد! چنگ بیز جار دیهارد بازند و دلسمرد می د مسلاً تی موسالی و د مولت لوزایکاند ا لمونده دیار و فاهوقی بون که هم بترو نوسی بایه بعزی کورد شعرف خانی بطلبسی ۱ د اعترفتای ۱ دا و دهم فیالمسری مؤتری گورد که صددی خانی که (دیها چیک هم زیبن) دا به چاکس در ناز بطائز بود بیان کرد گذایده *

حتی گفتاند مگر رسور در مرحکگانی کوید که بیتانی فازامین تابیخی متیاند از میتیمودی به بارسدی بیگانسد حتیان بسیشتر بیشتر مشکلی در میشود امدون مشروعت دکور تصدری بازی در این داری برا و نامی استاد در وی طاقتها که در وی طواع بیخت میشود میشود بیشتری این میشود بیشتر امان در میشود بیشتر بیشتر بیشتر و در میشود بیشتر بیشت

ند نترین در جرتوره دسگینانه میهانمین جاره اد طوی کسنستان کریدا که کلی کرید اندازی (۲) سال رابرد رود پاچش نوش که ندر کوچکی را در اندازی در خواند با با با کار کار در خواند با با با کار کار در خواند با بنید سرنمتن برای در میاری بید به برد دمشهری داگریگزانود و شارد دارسگانی بردان بین، که نمه خوی ادخیقه ا معروبیکن مزد در خواند

یلا میتر توجه اد نیوده درس عوضی میترضد باید ترد مدر درس و بندا تدی له سیستوی د برلمت و پر لحالیک دیوری کرده ا همید میشتا خونیزتا نیام مدن بر تازنجی شخصی و د میکنوسی به مشیرت خیان بید ترکین برویل وسوکی بهاند در صلیفتی د آگزار برسر خاکی کرد، سال ، مصدر میتران واورکی له باید داخلی بیخ تصد ۲۷ ای برد، اد برنام برای تایاس کا کانی سردانکن داد برای تهدرس میترانی له آد میزان شدار آب و روید دراید از داد برده باردای

يئتى (گرنداجان) ليران توسيهتى د

۱۰۰۰ به نیز جوید لاک گاک اید پر پیرها واقی با بزانین داخر ایجازی ایت تا در منبلا و با بایر واق حری بر گاک سدین چیس بو د میآردی قید جواب نصاتیوه بین آگاد این گاک سمبرد اینکشک قیست جریهمی ند کرد - بهام با قیمه لیوی بین چیت به بریکیاف مان لوان بویسان ریفه نوجو که دولمی نیزانی همربی چیای گرد مند یل کرد ورد گزینگی و د دولمت میاث نیزان نیزانگیزی بوده کمی کشار حاصت بدن مک کنروان پیکره کرد ن در فوا دریشان جیاست ها تا تا کال کرد باید بدن مک کنروان پیکره کرد کاک کال کرد بود، گزین د

میدشی بن تعویه د برلحی تیران بهالنکتی رسید نکان رناوجدی یند دری باک بکتاره ره تیر بالاندی که تیرانی (عقد درزیرد) بگریزبناره بر نام ناوجا نمی نازاد کراری تعرجا سسین لحرائم عصر شنڪن پکم ٠٠٠

گوره خالینگانی مالا سینتا که جامرسیان کردید کشی حمل کر جامینگیان کرداده پیشه درد لمندی دسکه معدد بهان دورد کوروسیسات میراو بیر رجمه بادی جامرس امنیای فودانی و این که برگار به بستانی و باشد با در میراد ب در میرای بلگانی اساله لاسان به جدت حالیه جانبش خوان در فردانی و ریاسه از این بین است بین کرد باوید به پایش نده وای مطالبات میراد برای میراد و با در میدس خوان میراد می معدم خوان موراد می شود. حیا به بازیکن نده وای مطالبات کردید سازن نیوان و بیرای بکند شمولی میده این بیگان اس طوابع

کا فومو لمسوطاه ا بهری به عمار رشی مر لمشکری د اگیرکدری تیران رکونکی دستی یا سداوان بسیستم گواند نموش دقوق له گوید سالی بهرامه ا دومو گزشتی بخوشی گورد کان برای بیمان به محسست خطاف کوید سال دهمدگلافی لموان بوایشکه به یکش لمشکری فیران کونی بر در افزایش در دوم (سنتها در براز دایشت و تمکیکر در مذکور مناز خانوسید، شدن بهرفوان ر بازه : ۲۰) به بها برای دوابحی مانشست ه پیرگوانمود بیاغی عومی نمو نشوکه ناشمهاامیای نمود بو تعدمام دا دربیجا کنونت شم نیرشتن به پیکینسی نیشندانی کیود ستان و معزطانی خیبان که فاقیعتان وکزنستگ بعز نبعر به بارگاکانی سوکرد ایشی ی ن ک لمناوزدگ درنمی داشتی ۲۰ مکوکرد بود ۲۰

د آمها ن آنود بعدت بالگ هفتو م<mark>میل ا</mark> وقطلای خیبان و ممر هاییهانگانی تیهان له جودا در امان گزدود بر الایالانین کا بعد مطابی بوانوان که نشر بگزینود بر کرید ستان به بدها ندی تعرف که گزایا همسر مشکل کرده ستان لیگانی الدود همر بیگیشتهان مصر خشک به پیشوازی دنوان و لندگری داگیرکسسمی نیزانود انجه رو بیگان دو هل لیکن د

در سوم این پیمان پر سان سوی حصر واویک له یاد داشتگانی خوی دا است کانی گاترانی:اوجدی دیگروایش ادرپاردید بمرموانی نیست بخت. ا

برمایدی. چوار شصه هی بیرد آن بمای زر هستامره چوبه سرگانی تما شدی نارجدی بشد برای ر سنگستر کرد. کونگر اریندی له پیشی

بهایی نو هستانموه چوب سوکانی تعاقبهی ناویدی پخت بری و سنگستر کرد. کارنگر اریندی که پیشی چاوان بو گوفته نگراید نفوش رویش واید وی خوان در کانی خری خطک تم ناچیدی کرنوشی بر کهه د مرد و بروین دوریج در کنیمهان کمیآلو که پیشهر نمانه وانمکاری تصورش تم خطک چون خر له لهه دور د مرد سال میکان

ه وکل اسلانی کودوه بو سودادان بسان بسال خزیل که بهادان چینردید نادیش جرا کین چایک دوسته به بی شدن چهلاخت و هماه کین چایک دوسته به بین شدن

The state of the s

421

د منیتام که میرود گوند داهم خطکه و باز گزیاره زیاد تر د میری انتا تیمت د گیری رفتک بیم جریطی و نزها که نصی الای نه اورنگی گون چهت مناطبه بین در سهرس خراسزد بودار جماعیتی با باگر قد حصیان مصنا بین نعیز ان فاده داده کرد شایطه بازگاه عصور در اینمیزی نیسی و د وکسم روانه کرد ن بو لای درخسم بوانامگون بیر سعر بین کان فاده در و تیکنا پوتهان که لفارتا ویشان ریگاه دوست موفوانی خوب بینود لهمیگای نین ه

ی به اینکا این قام دن خانین اندازجگانی تمهاوستر و میگوید ریا میگواد آن در شدر و منده بیل و خانه و فیطیعی و به اینای و ژونط ۱۳ دن و سیاری و تالوطان و ژونمستاند بر تران و بیلاکی و ۲۰ - «نیین را بوجکانی بی تیل می خود منبول میکانی دستانی خوان که نمین کسیده شاره را در و نبید دسته لخانیگه ایک تحوانی معمومه بیرنگانی میخ^{اد} به خوار دونیا نمینکی در تالوی کورد ستاس میرای و نماز گورد ستانی میواند اینکارات بین نمین دوزی رویس میرای بینکنی د

را ارا هر موده اک فوان هیابه متوانه هرخانه مد سود شد و گرند و دیباندویهاگان دو هر است و میالا دو هر از می دور ر بدنی «مانیکانی فایه دهد (مانیکا که این متوانیک و با متوانیک و با متوانیک و با می داد. از این می در این داد. از می در این در این می در در این می در در این می در این می در در این می در در این می در در این می در این

نستالید این هرفتانسه اکفتریشی بیاسد ازان هبایان سرحایی قوبران بیگا نمد بری هاند هرایی گزارانی بط سنتام بر دارشان میرشکد، به اظاران میرشک، به اظاران میرشک، با می خالی استان برانیجو بر جارسالی و خطالی ناویجک بین با خاروای شینگان بین ، خشته ایره مشن کاربند مستانی تبرانیجو بر جارسالی و پی پیدانده این و فارسیدان و از می می استان بین کرد و گرفید بود می در میگر نظامیان ساختان حاجب استان با پیشان ب توسوان و فاران و این می ناوید و میشد و شینگانی دود از

م المراد المراد

ما الله المواجعة الم المواجعة لید ریس بومسمود که بنگادی سیلوگنگ لای خانه بیوه که یاد اشتی روزانمی خوی دا گطبک واستی توسیوه و کارا همنه یکی تان ویکر حری بر تعنوسیتمره ۳۰

پينم شجه ٢٢ي لير پيرانيم ١٤ ي تيسيز

لمنو آن شیک بیرم (میمنشی ینکش سیلری به تزیاد خان) حمارینتمنوار زیر کارت دنگلیجی زستان نیر بخر با ایک بیز ره زیهان حارث بر بلار م نه کتر پخر باره و نه کتر سنویا یه بلکر منتا که کهستا نگسان وه ساخهمزنکار بخر کمایی کفن بیوه وزیر کم پیونتری و

گراستنوش پیشمرگانی جوپنددستی بی گردود دیکم برشوی میرای درم برشری جلالیکان: « جمعه ۱۱ی تبر بدرانیر ۱۵ تصیر

ا تعور بها آن جوسود بر نه فقد دی «بر تیونر همر لماآن بیری «بربا ای تیونریه به اوترسیان نام دیسمر له دند شد نگرایندو بر طبقه اد سواری » حکرتش قبوان هم برده بوله له تمکن گرفتان بر ناریمی خانی ج

رسان خوان سریان و دویسان داری ج شعبه ۲۵ ی لور پیوانیتر ۲۹ تصیر

لتدو له شعری لمسابری بینه " به بیس بارزانی پندوای بار نموالی دانارد که پهینه لای از کونسه لا جان دکه با تی نیوس بارغزالی لگفل حسین انصفت چورنه کرنه لاجان بولای تیدریسی بارزانی ه انومبداخانی خورش نمود چند، جارد دین به دوای بیشمرنگانی حیزیی شیوس و دوبان پات لخورد ه

دوشعه ۲۷ ی تیر بمانیتر ۱۸ تصور

لمو لمشوی او سیلوی بیری - ما هنزانی بیانی لگال حسین تعسد نگوندا بنان ماندور بر شوی بساوی دخوان ژنیان که فه بیری بازگری لگال جماعتی خوی له گردالا چان بیری کوئن رو جورلسم، بر در بری مراق به فندش بل ه چیون دکه بیشمرگیدگی رو چیونه کنواای داد گزشتنگ در بیان جماعسمت جود بولا بیران د

۹ ــ د میتنوسی بیرجان حاجی بیرخان یاد داشتگانی ۱۳۹۲ خورشیدی

MAY

Charles of the control of the contro

عوال

مرد المستوان المستوا

A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O

نین شفته ۲۸ کا در برانیم ۱۹ شمیز وسرو بشمنی مکیمت شاری خانه چول کو که زوردی دانگان له خانی بازبان کرد روه وجراست

همو پښتمای خومت دارد که ته چهل دو ۱۳ رویتای برد که خدن که خان په پان دو دو و ورست. پر د مرودي خان - د ترخيکي زوره ايرانی د پلای و د دچينه خانه که خوی کاناده د ظات له حاجــــــــــــــــــــــــ لينيا لوم ميرني بيانه صدرعياق -

پوارشت ۱۹یبر بوانیز ۱۰ تصرر

دریکی عموی له سه بات ۱ هر ۱ یک ربینجه ا دخچه ایران تخدی د ستی بی گرد بود بر سعر حاجسسی درسوان سه رایات سا قالان بوده دریخه در پیشمهگانیان له معربوای جاد که لنگان مسکر بهاسدار ای انیرانی چوریفه بر سعر جاد دو بچهند و بهیمان له مسکری فران ساخد بود رد اندروش عدر شعر بهیه بواند : نریکی مراق تا چهدی خانبهان بهیمه بازان دائره . «

پيئو شسه ۲۰ واير بترانيعر

د عمیر له خگیری له سیلوی بیوید ۵ شعری تیران وجیرای لمیدرت حاجی توسوان که له شعری پیشی تسسیر د ستنی بی کرد بیر هم در بریان مهم به نیرکیک میگروی میران برینها کرند ی بیرخا نیان ره نتیانه گرنسته ی خالد ایان بیپنه باران کرد که له خالد از دور کسی تیوانی بریند از بریته

TT maller at at T1 acres

نسور له نقیری له سیاوی بیوم ۰ شهری حیوای و نیوان همر دریزدی همیه لمپتردی حاجی توموان کسد حاجتی توموانی که کاپلوشه ۱۰ به ۱۰ بیواری هیرشیان برده متر عصکتری صوانی که له تنجیاید ۱ حاجسسی تومیان رو تا تازدی و وابست رهایمگواری کنونه دهست مصکتری ایران و پیشمرکتانی تیمه که مترکزشیکس ک

ای سیداد بمراتبتر ۲۲ تحم

ت لمبرو له بقری له سیاری بورم آیا بی تیومو لگال سالح عاوس به تیزسیال دا و موم چهینه تینسازی ۷ بی مصمید با ارزانی و له یاشان گاراینوه بو طعیمه خیران سرگردتگانی به عوضیوه له واد بور بسسدگر د گرد و و مصمیدن باززانی درینان له تینما عالیت جایی * ۱ در مدانش سیرجان حاصر برای ۱۳۷۲ خرود به در استفالات ۱۳۷۲ خرود با

مان حوان فراستون و المان ا المان ال

لحور بنها این اور مده تات گره ی بنتر لمهیانی مصنود با ارزانی له شینازی های لای دیده نفرنگصان وه بو توجو له سیاری با بدو ۱۵ کیواری بو تا وا له میلوی بور با نان کهرا بدو بو شیناری ۳ شمی کیوان کیوان لمفاریعهای دربخت و فازادی وه ناویعی شعر که لریمتنی همر بدو براید و د رشتند ؟ که بویداد میر از دخیری اد مثلوی بین فروکان بوران نوبر را رف س روز که دید ناریجن خاندره ناریجند بهیمایان دکان بلام ۶ ایستان که چند جار له دیریبتنی نبدی دارد خرنیختان زبانی گیانی نمیرید تنیها در نشر انخلافار بیشه از بیهه ۰

س عميه با يوبيداد برايم ٢٦ عميز

يترانيدر. ١٩

لمبرو له شعری بیرید. پیمانی آمسند، خطانی ها نه قبره آنگل مالا میبرد والا که پیچنده میزای بر لمزدی آثا در تعلمنی گلهچنده میشمنی بازگر پایگر در امویی ملا میدوارد زمیانی در منزیز حسر لکطرای به جنوبی بر صوال که چند ریا هی گوند بیان بر آن خطان مرکزارین و امد استیا با نمان بر گزشتود بر میزال :

يكلفنه البريداد بترانيتر ٢١ تصرر

کسور بیهانی هسمید باوزانی هانه سیلوی خو لواندی بعرقای بعرض نیشندانی گزیرنومون خوی که سیلوی ده مدینی گرد ، دیونیو دار سرک لفکل چنت نطعر که بنکد از طاقی سوتهالیستهان شعری کرد بهسسلام لید این خوارد ، حسمید، باززانی که سیلوی گوارنومیر کزینلاجان رمیان شیناوی ۶ کیوان که میبوان معرضی برده موزنگانی میوانی که زیر که خاکل خوی اصورای ورکزندوه

ه هیزطانی عبوالی که نیز له خالی حوی له غیرای ودرتاره * دیشمیه ۱۰ سید اد ، بمانید ۱

. لا سیداد

تصور بهانی که سجعتگ نیآگانی مات بر سیاری ُ و داوای دخود که جاد دی له سیاری بهانسستوه مطکورد بود من و مالم مارس ی لنگل خوی برده پادگانی خانی و انباتان لینه جوینه غیناوی وه له رشت و چهپلوره سیاوی :

المالية المال

الموادية والموادية الموادية ا الموادية الموادية

من المواد الموا

میرندان لیزه بند واره قماد داشتگانی دا پاسی فره نمانت که بیژند تا آرندان بنکس پشتوری حصیر و لمیژند لمکال چند کسیکی در به کانی موزیره و هموارنگانی خوار ، گرنزش ، بیرنجگ، بعرخلیسله ، تا تی د ژی کے وال مگوردسوں دلینجا ہو گوندی فاختراک دفرناقام ۲۰۰ وہ روزی دواہی کمشتوند لای هیزطنوں ماہی ز _{با}ی میسر واورکی با که چهای بییه و پتم جوره دروزه به یاد داشتگانی تندا به ₩ 11 ۲۱ بیداد درعت

بمانيعر

لمرو بنیانی لکال حالیل فتؤالی وه حصمن لمصند علی له ترنانا و چیپینه ستر شاخی پشت لینزی ره پیوانیتر به چیای لندیل بام حصر و جماعت لتری بیون که بیرانیتر به چنگد ارکائی جیلائینگ وأومستاون كه يمشتعركني عبدالوحوم جمسهم ودحصو بيوخان دولتندى ومعزيس شيوعي وحيزين سوشهاليست ر جماعتی للی یکی یان این ^د

يتواليتر

تعزو لمستر شاخی سعری ہی و پشت لینزی وہ لیوزی باسرہ دشتر لگیل چنگ ارتکانی جنلا لینگان عمر دروزدی همیه «که تصور پیشمرآنگانی بدردی نیششانی لسمر جاد دی که له دولی شعبیدان رقمسری شکاآن و یا شکشتیان کرد دیلام لتر چه بهتیه همر د روزدینهمه رحمه جار جار له ینکری د کنن بنستلام له حیزیٰن شیون ۱۰ در کواراره حیایی سوشیالیست ۲۰ سی کوارایهان همیه ۰

جزارتت ای تحریوم يعوانيعر

لصرر لمسعر شاخي بيرين يهو لكابل جملعت ودبأم حمسر الكلبان يبرزع سوبان غيزالي ودميل مر له قرنانا رجرونتره بر له فحاص ، چونکه تاری مهان ماترتیزه بر دعربره که پچیت برخیندن، است بمائن بروسکیکی مکتمی سیاسی پارتهان لندوای عاتبو کبیهتمره ۴

-8 10

لمرو همر لمستر شا می بریمی بهیم لگال جماعت که نیودی زیانر به د مست پیشندرگذاش تهمویسه وه همان یکی تر بعد مست چملا لیکا نعرمیه که بموانیم بمکتر جمهیمه ن بمستوره درد روز بمروز تنابه لمیکتر د طمین له یمکتر د مگولین. عمرمتی دمودی ومشی، کورد بان دمیان تاکا، بطکر برینی زبا تر و بریند اوار د سکات: **-6 17** بتوانيعر

خر شاخی بیرین بیرو ۵ شعری لیده و جلا لیکان هدر د رودی همیه ۴ بیش نیردی چطت مسکتری لیزانی مات لای لینه ره په لیش هایین که دنیانتیت شارنزایی لطاریته پنیدا بگتن پر تاژانیس . تاييچى ځيهان ره نځلندى لى پگړن ه

موال سوال سوال موان وقوم ملك ما المستود المساور المستود المساور المستود المست

مرود المسلمان المان مربعة مربعة المراد المر

له دولی قو کلپیتومیش لیومنی با آی حاشکانی جرد کرد بیان یککه لم بیاراندی داریا به لسسه» بازیرد نی بی دی قابود - حصو واوکی نه یادد انتکاف دا ترسیشی : چوان شعف ۱۵ تا میگرداد . بیارانبر ۸ ک جرنبران

) - دملتوس معر وارزی بادداکتنگان ۲۳۷ غرزم ن معد على رفزان مرودولمن عى مواد ك درايد وال. ماسليد • بعاروه وأص جهارشب ۱۸ حقور ما مه مه که کار در از در از در ما در سازی مردن مینا بکهان میدن دید ایکان نیزارد

) ترخی نبته له جمهدی تالوهای زیاد کرد به نیازی حرکمت کردن بر داخلی میرای ره لطایع به ترخی جعلا ل لطایعت

 ۲) منبیحیان او د برایتانی خلیج فارس پیان هات ره کنونه ها توپوگردن او بمیتی میرای و لیوان بحو د وینهموی بها بعاد بر ها توپوگهانی گشتی توبارت او اول حلیج فارس وه همواند این بسست د خاند به داد.

ه وینمونی بهایت بر هاچونوی نیسی نوب ارسانه ۱۰ روز ختیج ۵ رس و عنون از معود ۱۰ رسانی وارمستانه نی شمهی عبرالی و فیوان ۲) بعرای پشتمان (جید) بانی پارش دیمرگرانی گورد ستانی میزال د حزین شیوس عبرای وحفایت

بروی نیشند ان اجیون ؟ یانی یا واری دیبر ترتی گرود سانی مول د حتری خیون مول او جایدی
 سرسالیستی گوید سان مولی و با ارش سرسالیستی گوند قراییان د اشدی هان رفضان لگسیل
 جلال و تاشیکی یکنی تو گاک لیدیهای با برا ایان کرده قالدی حرکه (سیولی سیها) و کسالگ
 محمود با با رای کوایه قالدی دام بزشتودی گوید «

ک قرن ندگ در این به ۱ کویا ۱۰ را در حرر سازه همان (کا مدرامی دران و ای ایران قرال این از در اور از مسئل کم دران و این ایران قرن قرال این از در از در از مینندامه در داده تا در در در در مینان میکارد.

) حیزین تیون عبرای و حیزین سرسالبستی کردستان میران به حود آگانی بیانیان لصمع تافتدی جکال (یکنی نیشتان) در کرد ره حیانمت و جانشیان به یافدا (قداداتدی پارفسیسی خیرد را پوری ۱۵ جیشی تروکینی ۱۵ کیلویینر داخلی حاکی میرانی بر که کردستان عبرای بو سرکیکرد نیسیسی

My the state of a solution of

مقدم المرابط مع الميلادية والحداد المؤلف والمدادة والمدادة المدادة والمدادة والمداد

بهیرکه باید بیس و مسمود که بیزمه فارها ند و میگردودی ما شخانی صود و حاشکایی جود یای هاوری انگلاهٔ هیوشکدی بازاد با میسر حاصی توموان کوتیه رو بدور با رستای سرنیز بازیری به بهدین نظم با سد اور تعسیر و در موصد اور مسهاری نگلا هیوان جا شکانی حرد، بارده دیری کورد مشاوی بهوانی e) حیزی شیوی میرای و حیزی سوسالیستی کرد ستان میرای به جوداگانی بیانهان اصعر تاضیع چیلال (پیکنین نیشتال) - درگرد رد خیانمدر جاشجان به بالف (که ادامانی یارتسسسی وی بیشن بردر رابود) وی بیشن برگریدی 6 اگریشیز در اعلی خاکی خوانی میرانی بود کرد. حتا ن صورای بو سرگریگرد نسسی بیشنوعی کرد که هیراتی استر رواحد ده دوطنی میرای

بزرتنمودی کورد. له عبراتی لمستر ریزاعظمای د مواطعی عبرای " ۲-) در پیشمبرگه لمشتری من ختیانتهان کرد. و اقتحاقیان به دورمن کرد. "

کسیندل للای تأثیری تا سلوی د اترازه بر تونی تید له خاتش ۷ شعمید و ۸ بریده اربان د ان
 ۵) د بیلدی تیران به ریکای سرز شت و تبلاد زبی حرکتی کرد گشته ستوی عراق و تاقیعی تا سلوی

عاد : ته ما مایچه رادود کلم شتانمه خهوریمرا دوداون: -© قرمن که لدحههای از واتای نزاد تحریر بدنازه حوافق کود) لایدران می نزان وه که ناوریی قرد تر عجالا که در کاودهای سعه

Estated with and planting of Sand in

pur se un se propins est de la como se un se

white with the second desired

مانيان لىسمىتات عالم لاينيان المانيان المانيان

in the side of the side of the state of the side of th

المان من من المان من من من المان ال

د توقی تی آن کن شک ما شهسته به به زمان وان آک ده دادی توان مه دیگل سروخت و شکاریده و که که صحرر می توان مه دیگل سروخت و شکاریده موصول

بچیزی، دید ریس و مصدود که بیزنت تعیانده و سترگیرون جاشکانی جید و جاشکانی جید یشی هایها لنگل میرشکدی نیزانده ا برستر حاجی تیمیان کنیته _{یک} بدور داریمکانی سنیو دائیه ریس چند بن نظیر با سد از و تخستر و دارجده از و سحیانی لنگل هنزی جاشکانی جید دارده دیوی کررد ستانی میزال از لمبارد مشد بارگاینگی تابیختیها در دا تاجی که کابراینگی بازرانی بخاری ۱ برب سمید سخیمرشش زیانی . تیکرد در دست حکه فنواندی که فیپیسازاری حیباری بیشل بین یاحرد انگلال تاقم رد مشکلاتی سونسساخ چیرین بر گلنانی نخشتین تاریخکه

ممیرتی یا سد از و تطبیعر و سریازی نثراتی لنگنال میژنکانی جرد ا مطبعته محد ی پرسیار و گلمی و ناربزایی لنفار معند لکیان دا دروست کرد رد ، بینا بیشی تفای چنگد ارد ساد نکان ، بیزیه تفای معندیگ

ا نگاریان کرد رود و طاور رود با با نام در انجام این به با بیان کرد و دا . امیریکنیدگاه که جیباری (حتین) را به بینکشی نظامت کرتری فایرسراری افی ۱ ی نیستاه ۵ برخته بر جیبازی (بازان) واقد پیشخشی مصرّ بیرخان دو آنسری ناره و در از سکی ها ناشی ۲ با اسدار تمیرس : حصرت در قصیهای و والاند انظر را ساعاتی رو نامشان دخی برض برخکشیه از

> یر سین که باران

کاک راسته هاتین بلام بر چند رویک رصدی طبین ۰ بر تاکاد اری ۰

روا سفن

۱۱ باري فاكد را شاها قد فالم (4 بلا) بعد عيث روزيكم شده طيف مود كالماين

مر لم بازینوه ایوپ سمید که ۱۳۲/۸/۲۹ دا تامیکی بر حصو درکه نفری توسوه کنوا د طکسی تعریبتوه : تعریبتوه :

> بر مطال حصو بیرخان سلا**ریکی** تورنگیرانه

د اوا له خوادی گورزه آدگین که هنر سرگرانز بن ایست درون ۲ حیابتنی حزب شیوی برتیکان نوسیسه در مرازش سهارگانی فیرانی گوشتان د اوا له خزبی بازنی دیمرگرانا کردیشان دیبان یک له منظست و شراخین دریان نظری به کایه کنو برتیه مدیر بان نه ولام به یک ثبته بیدان بودره لا حکی وارستان فیستش نگاری ولام ولام ولام

هما ن اپوپ سمید: نامیکی یو حصو نوسیوه د مرا ردی گیشتنی همو یا سد ارکان یو لای کو که کمه د طی نامکیش ۱

> برای بعربز حسو میرخان سلابیکی شورش گیرانه

ليكر يخواكنان كمسينري

براتان /ایرب سمید ۸/۲۱

جگه لم چند خلاف در ای لدوری که روش حانکتانی جود بدور خاک ر درانی بین تصهیت لایگید. گزرنای شفتی بستیدگاه استانی از دربین با بین با در بینک با بین در بینک بین در با بین در با در سال بین حود فرانسی لا چین نمیاند نکانی تیاد در و لا نیکانیات بیندی در بر سرگره ایش حصیتگ و ماننی مثیاگی رفتر و لا بینکار و در برجیت این در جما ناچاند و بدلای و بینک ترازی لم بارجود نا بد داننگانی دا در سیحانی

چىدە) ئىلىپىنى بەرانىدا 17 ئالب

الواران تا درنگه به بینهم کمین ره یو خمونی د گدرا دو در بن بدرد نکس حرم زیر درنگهای د مختردم بنا و زور زیرش هماد ستا دو دچرنگه جمیه در جمیه کشتان که حالاتی د بنا و بر نماد که حالاتی هجستور

يماعب لهدير هيدو ميان معديمي بندرتها محرانه where is the يوهنال صويهان

وادا لدمون عمر مدم عرب مدر مدمون في داراً الدخداف كدرة الدين عدر مدرك تون بدرادي 500000

يك له منطقة علية والبيش، وريان تديمونية - في ونان سائه مان يمر، مديوني رمنع مديما نسطك حنطك ناجة كه ويوفيه دريق يان ته ولاج يصيفه في نشيخ يحق آودو مدت رسكر براج باستركان هديان يه يعانًا ورود والمنطقي رادستاره يئين ناكا. في ما فنجوي عليه عن السيامًا في علاحد فالبيش هذ

ولاية شده معقوريات حروده و ماميز تجريما ن م الموياحة عادما مريع رك حيد ميريان ميرما ري

10/2/10

ر میان گهرونیوه فالی بیزنه پیش دها تأکمه بیره تیمش دست بجی تانیان بر ربوانه گردن وابر هاین نصمه فاق نهریوی برانیم ۲۷ ی تاپ

وایو فیاری لنگل جنامتی چیپید کنیان تا لیزیك سنات ۱۲ بری کاگرانوه از خنوع «بجانست هیمهایمو، له سنات ۵ جنامت لنگیرنی گرانور من و درکستار لنگمین لعیین جاین بو جاگ گره «

0 اختراب کاک اومی برین کی بیست موسان ق و شران مورد مر

هندی پیشمرگاه به کبک له لا شکان کنا کی پاسد ارتکی نیزانی بو به بعرکی ره سرپیموه ،

والمعربها تي ١٠١ دا لكاتيك ا درا نؤناش ياكارد نعرى باريداد لحاشكا أي مرد ليا يسيسان پیشسترکتانی ی ب له تصحام تحدرا حصو میرحان د ولیموی فعرماند می حصیمت وزیردی تموان نیکویست د ست پیشمرگ به پطه رمواندی لای ایوب سعید ی کرد ون که تصمی د می باسکید و يعيز / كالدابوب

له دوای هموال برسین ۴ بیراگیاں وا ۷ حب سیربازی وربان ناردان برلا یا متکر زیر جاربان لی همیسن له جهايكي به شها بن ارزاقي بأن بدخي خدمت و حدد حالد لطاي حيان د بركردون بهم مجبورين کمی کہت چارہاں کی ممن تا کالداد رہیں کر حری دیت و رصدے باش دہمیں

تبتر خوشيثان حسو میردانی

11/1/1/1/

به نبرالی نے کی چوب سعوتی گئی درڈن ھالی پر بنی برائیان را پا حافت سدروزی تؤرمانشارون

دولای هنگر زورعاوناً کی شهن ارهای سی تسهاس کرزا ورکابسته

ملائحه و محدضاله اللك هو بان د مركزون شو نه محبوريز. يك في مكمه

جاورانی همین تا لهت ا در سا بوهوی دید و وه مذکه باش دیمین

كمة خدمئيتك عدو مرعا

> ۰ ۲ ـ. تأمیل حسر دارند هرای پر آبوب سدید د برباری سمریاره، تیوان

ماد ا ۱۶۰ Carried Street

هنگیت سیستر غیزانی نمونه وطک بگیران بال بگوارش ما بوده با بار انتیال بنیطه ومواهی **لای قدی** کرد ون ولیکیل تعرفت ۵ کتلاکی د و سعیار او یا سداری تیزانی به بازان رمسی بعره اسمیدانی شعرد ا لسه یال کلاکی جاشتگانی تزی جُود دا یجی بان کا پاکٹیاں بخاری میدطی محمد کوری مید فخرالدین و ناوی سانتوادی (پرتشت) که (یکان) ی (ملی بین) و مطکل شاری (م - میآبار معالیه) فیکل يمثيُّك لمناجعي شمخسي خرَّيًّا ن و كمي وكا با _ بعزيا تي فارسي "

تطيئ ووداوطاني مؤود وياره كمينود دبدأم واغمجارمان ديسانعوه دمستثنى بيكانه للايسسمان جاشتگانی جود او بنتا پیشی گوراس خلا سینما زده که نه موزوی آبرد وی کورد ا جنند ید جا را روی داود ا پنجیزیکی فائیزدر و در زیزدر و خااساند (بداران دریات فییندود داشکانی حود بصدرکرد) باشی گوراشی ملا سيتمايه مامو دواغلوه هميل فعدمن شايق مراق بدائقان بأديار الوه يؤناو خاكل كوراستان ا

گەرد طراس بارد ایس که آنه داری بزنگی مثرال و بمعترتین نقا ی بهرسرکانی صدام و دا برود سنتگیجسی حا به نمایال حاوی حقیان بخش رژری مطلقا نگول تبواس و هم که گمیشته کورد ستانی میزان همور گفتی رژرد د بیشترارینا عرد کمیان و شان بخشانی فنوان و هبرنگاس تبوان د مسالمدند چناه برژرساند لیسی رزیکی میزان »

آ آ آمیآدوی شد: گانی نیزان تانیجیکس که نیو شکت نورسدی نه حدید و ناومراستی میژان خوارد ریاند و رجودی کانیدی و دائی نیفان این گرونوم می تعرف مید حرکومیتیک بعد صد بیشن لعیزید ایرفاو خاکی میزان و بیشتروی میرو کمیکا و نحصف و به ند ایماریشن تمان تعیاس اگورد سنانده تولیکی یکندود نیز و میرو جان نیمانگایی بیشتروی یکنی و دس میگین بصدر شاه میاری تامین فیزاندا .

۲) عبادتری عشریاتانی عیزگی قانویکس ف سواب ترکم و تعلق به گیری حقیاتی موزانی و همرچههای عنوان بیشتر و حضری حقود بهتایی عنوان استان استان استان به ایست و تعلق این استان به ایست به ایست به ایست به ایست به در بخش استان استان استان استان استان به ایست به

 اعادون عالی الد الصعید الدین معایین نفرزشگرارت در بیشتری جیرگد از بال را به کرمندا عی این الدید دار حص برای داخل - تیقی باشتر به این می است.
 می از این بر معرفی در درگاه می تواند با می این می این می این می این می این می این می در می این این می این م

۳۰ ـ مومینگ به حقوق ریکختشی بازی خاشتگانی خود که - لیستای (روندگان) دا

يسته شدانسر مورب سای او إن رونده گیا ۱۱ (یناهنده گردمرق) مستقر در مطقه

بلا مطات	ندر ادناری ماده آدری اساس	سیار شده و کارت کارت د که به سگری د که به	est, in	شهرت فاو در ایک دهو	
	٩	نده	كرز وا	ارديك برفان	المسودة
	V .	ال ره جالة بالنام	٠	4 1A - K.	المجهاض
. ~.	1	CY-444 000	6	مسائد کور	7 194
}	٩			بوارد مد مادد. وفاق عسو	4
]	14			مَنْهِ مَدرُ	المث
	j b,	+	•	عاقم بانر	المساع
	V	*	•	الماح رمول	6-50
· · -	1.4	٠	•	رائب أشادر ،	۱۷ ملین
	1	•	•	من عه	١١ سنة
	ب کیا و وسط			والطائد الدائلة	— u
				AND THE PERSON NAMED IN	

436

چیاں بیرازی قرنول : عن عقیرتری قدار دالا کم اغزاں کتیا کا بختیرہ

راری چند با بایگیاند و واید درگرانی جاشگاس شهرشی جمواشد که کرد سانی میژان بر ناو واوشی ناه کا این از در نیری شیزال ایلودی با آق منامکاس جود به سیزوری، ترکید با شان در نیروس کوناه جان ره با به باوی در گرد سود جنها وی کا افزانهای و منامکاس با در این نظر نیز در با با در ساخته با در میشود با با در می سود منتاب گردارش مولکای کوارد مون میتره شاو و بهرت ریلاره برا نرد و کا برای در ترکیمی سعراهیی بسته بهاری و مفرشکی در خود شوزش گرد سانی میتران و با همرت رسیم و جانی با حیان شهار و اشاده یکس پستر بهلار و مفرشکی در خود سر شوزش گرد سانی میتران و را بودشدی در اند و

عم حالت بیشنان فرزندان توجد دی توانیان بازمتی هیزرگانی نیزانیان دا بو هیزوی هیگان له قُلِّل پند و بود ، درای نبوش انگلال هیزندگدی تیزاند ا برا سو بازچدی حاجی تومیان تمانیتی بین پسست. رمیند لاس سلمانی هیزان و فخان هیزسخای تیزا ندا اکونتور وی بنوم ، بری هیزان «

. همورکر حطکن دارجیکانی سنور کاگاه این برد عوص هیگرگانی آیند نیکوند بدینی بعرد اشی جنگسسی میزان ... دیران ، هیگرگانی بهگرش اند در ای دیگه این کرلا دی جا سوسی و بیالا نگزانی تا شفولکه و فرناقه ، و بشت تا شان پناوجیکانی سنوری چول کرد ۲۰۰

ما شکا تی خود بنگانگا و برگزش امو برنامیدی که ته نجاس جرگزد نی با و بنگده بجههان میشدود. نشکل طرفت میرگزشکون نترانده از خصر حاص ترسران و جهای گوتر تر گرد صدیل ، دنوانیتی میژو قطور شرکانی حرقان حر کردیر و له کزشکا حاضوه بعرب بدرد یان و گزش کردستوران و با و بنگانی تعدیل و است. کرد سنگوه بعرد ناود شت گذشتری ه

جها شکانی خرد کند و گلیکای تقیان کرد که گزایا ها ترنیم برا ترانستند نود و داگیرگرد نی مطبعه ی ۲ بجما به با دارای مطبعه ی ۶ و د فرگرد نی مکانی له کورد سه نی مترای و گردن و کوشتن و فعازیوه نیسی مترکانی و

سرمانی . مانکانی خود. یژ کم حطمیه همر توانای سیاسی و ماه ی و اعلامی خزیال ینگم ِ حست. هموه**ترکانی** حزیان کارگردیوه

نمانت نیاد در برخود نمانت نیاد میروند خستید ری بردر سواران درگذراری حصد سالع در یکنواری برگاری سعر به ل دن راجر و پیکنواری هویژی سعر به ل دن د مرکد و پیکنواری حصود برخی سعر به بارگای لئی بعاد و دارمیند له بما بعره ایتونوا و کاف

حشعیش غربهای فت. عنالترمگان، بادینان و هنونتریان گزاردیوه ۴

حسکمیش نشد همریمکانی(ود و ۱۱ و ۱۸ و ۱۸ و ۱۸ و ۱۸ مند یان حرکردیوه ۱ حاشکانی حرد به پژی برپاری لیزادی بالای حود له بانگی تسروره له ستایی و کزندلاجان و گراسته ستفرد کنونته یک بعرض گزش کومتیوان که تعله یلی و لعیژوه بعرض کرآن کونه خاصوسی،کا نیان که پشتسست تاشان را باشا نشوینجو به و گرگی بالعین و تاریخی ناوه شت. در شکلانی باکش بان خاهیده را بیازی جاشکانی جود و میز و تراز در از در ورد معنویاتی مترزگانسین

يه جاكى تنزانى * * *

المشيري ١٦ ــ ١٢ / ٨٠ دا هيڙه دليرهاني يء "ن الدله ٢ نؤلمره بعرم لعر شيئنانه کشان که جاشطان

جود عربر هاتيون ١

' نوکی بیکتم '' که دیگل بالکیمیا نود کوت باونان و باکلوشنوی ناویمک و بایی تعیین زیرمی گیانسس نوک آن از ، حد لعیسان بهای استفائی جودی واژنا بیمورگئیری کوسسیوان لعسو نقد بل * نوکل دوم انه کلفک بالکیمها نیمو کلود بازنان و بسسسالکرد نیموی ناویمکه و با تی تعیین زیرمی

گیاتی <u>زشی ل</u>ندآن هم لعصان بود ا جاشگانی جودی راونا بعرم بالدغ ۰ نگر سازه اسم جاد میجاد ناسخان سیمانی میداد از بازگران بازگران میداد است.

قول ستیم و اصدر حادی آخاز سخاکسرد داند این وارکشیم کنند پاران و باکثر دستم دی ارسکد راسمان پود اکرنترانی جاد کلی و در و جادگانی بردی به بردی در در در از ا مدر اور کاند ای درشت مردیایی شرکه بدولی به یک اختران درشتان به از میانی در از درجه مالیکیتمی میزانی ماده خاسان بازیدی و معرد درجارگان ندشتهای درشتان به انتهای در از درجه مالی بید در مری درند ارکزد در ۱۱ یکسرگانان دهمید درشته و ارکزد و درخان این ندیگری با در و کرنترون در میزان این در درخانی بید درخان درخانی این مدرخانی در در

بعردی سعربعرد گردبوه و همندی سعنگم و رصیعان تیدا داستواند -

له زنجين مرفقاني پيگه بنگهر به فان جال لطائيت جاوازيكاني مود له دوآني باقسهان لسسه سائة اسان مند بل و له كونگوتر و له لازيكان رئت نيك گوليان و لا شكافهان له سهدان شدوه بهميان معروسا جدد باسدار كوليان و بوشكهاد ميكنه مركزيكاني قياد بهاي از آلاز ق المكل جنسره د د منتري دريك و رمنگان كه بهگلامانكاني پائلسواري سعد سافس سو به فرادى فارجدي زاجز سافس د و رمنگان امكان غوزيدي نيامي سفين سو بطني ا رمنگهانه اوران و بادد اشاس محمدسسي چند جانين قواده و مغير مساخ گوان »

می به میرود متر از امامانگانی به کتیجهان عبر امی<u>تای به کسی</u> شده ا ۲ <u>بدانت پنیم دینتین</u> اساویموگریشتر جمیسهدد اداکرنا که جاشدگانی جود دایان میزاند بو رمکونات میگویویی و دینگس فیجانی جاشدگانی جود انساوی چنف ب<mark>لای ا</mark>درودها جنند بن عیزشی نالوید انتیان کردرت ستر عیزمالی

یکیتهان له تندیل و له مصر میرتنگاندا کان و به دمان کسیان لی کوراره و بریند از بره ونسستا ما در در در دادی و ۱۰ در ۱۸ گری در در د

زُود ی و خَامِی حَسَنی دارخ ویی و کرکها حمّد ی پیکارّات منگشتر و بستمشین و وانِی وَبُلاً د زاوه بست. خواره سنی داشتنی و ده علی بایستان ایزانهای داوی: که استن نونهکی تری هاوچارتوس معرد و بایت خاشکن بهر ساداند نی تعمیّ له تروز<u>های ۸</u>/۱

ب الطا یکور جاشعاً این همهامی آن نوازندگر هرزنهای هیتایه ستر هزارگانی باکتریهان الطایکلی تسوره جاشعاً این حود جمودههای تری کلیت و یکانون کوتند داند و مترقی و به جهاز دستیفان انکار د کمر نیزاننده ادام هرگزانی کیده از پزاری یکسی شوره اکه هرکزانات ان ۲ کزگرد برنهای کلان و ۲ . برای پشیان کناومرگی مترکانی فوانده اماکواه ۱۰ بیشندگری دانی و بازمانی بکتریهان تنمیست. مت ^د انمازم چند شعر بهزوی وارد روه جاشکانی جود تنخا بکی رقهان داره بز گرتشوی نیز مرتبانی که د سیان جود رو دمرکزت مترکانی بکتیها ریشنواری مترکز در بلا بارکا بانده ایسمرشوی ردیگاری

گدرارنخده * * جاشگانی جود کم حمله لمارچونهانده که مصر مرّز و ترانای سیاسی و مسکوریهادی و بمنسوری لیملامی خوبان به پشتهایی ترژان و جاشگانی تارچنگ له مرّزان بر تمرحان کرد بر بجرگزین سرکورتهان

بد صند نصیناو و گیبرگانی نظیان داوه و بعد میان جاش و تیزسراریان تر کزر اوه که نه پیدا جاریرگانی نمند بل دا گزیران :

لهٔ چنک آرگانی حقیده بیان چنک او ولشرسراوی مسکتری و سیاسیهان گزاراد». به چنک ارکانی ق دم دمیان چنک او و لیورسراویان گزاراد»

له چنک ارتکانی حنگههای جندین چنک از را نیزسراییان کریزاوه ره لاشدی زیریمان لعمید انسسی شیردا بنجی باون و واریکی کمیان کونژگره دهست خوان د

بهجوره حملتگی جود توتن شگانگی تا برچچان در دورمیکی گیانی و مدهدی رسیاسی زلی است. عجوری دا «عاشکی جود نگفر بایان را باین به بشتران نیزان رسانمگانی بند مرز منگرایش نشوان عجوری هم شر سرونگانی قدند یک دستان ۲۹ – ۲۸ دا درباره یکنجود درباره بمعدهد ایری جونک قدند یکی بیرین صرفیز جایز در فل و داک گورش تا تازان میلاندی قدا داستن «

المدخ العرب حسسوصردارا

عبة طیب، أرجوكم 1913 الحصر وظئونور - رحصہ بهت بائز حسب طراء مورد انطح انحیۃ الدمائی - ما كرين ويتن سبعت كورتموتور ردانا - الداست. حال كورز درق بندر ویش الخطائا الذی (جادہ)

کاربوج می اس العدوم آور آندار دور شایدن ایران از افزیغ کوایش و آن درسوری اورتک گاری کاردن فرا علی می ایوالسن هسات او چانه آی قربت السعامت مایکی ایدا افزاعه الاهترام نواد الحاجوزی:

كده عام الایتاح دوراً، فستنی فیگر كورو رساد عین و فروند هدیه طور رستند تورا و دوگورد و گرورد و گرورد او پس ف چان میز عمل الحدی کورد اکاموزات شد را رساسی من آهای الحسانید - درفقرسا دیشتا - را در در بدر ای اطهر و فضایا نمور در و بسید من است میستان و ایتاد تورا درد. نمورد از و سید من امن میستان و فرد افراد بسیار و فیترورد،

رَجُو اَ مِن هِ نَهُ ل حَسَد . رَافَ رَا مَدَمَّنَكُم كَا سَدًا ! عدل من ح: ز سسنس

ا لاديد.

۱۹ ستانین لیندی میگری جود بختری (نظاره شدر سابر طالد) بر میتر دولشمی بر بید بیدیت را () د. ادر بیس بازیانی) و (م * پ * سعد

مستون علی است میری در است است استون میری میری در استون در استون میری در است استون میری در است استون میری در است مردی است میری میرین از است استون در استون استون استون استون در استون استون میرد در استون میرین استون میرین استون میرین در استون در ا اءم العموم ادد والدين كدميزن فونتهم شكته تغرق باريان وزومه مادة والمؤرث ندی معیص ر ندیزی که ه روزه مزيد ١٠٠٠ . . ر یکندن روست و صد درای درشت مثل معوران این مید تاسید و میداد این این میداد در این میداد در این میداد میداد در این میداد در این میداد میداد در این م منصد خلاديات فناق الإمرائيف والاندمانية فأمد بالمدائيف يرمرون ميدارون عراران المعالم ا مدی و میتواندی و بردی ایسودی بردین در ۱۳۰۰ ایسودی بردین در ۱۳۰۰ ایسودی میتواندی متامذ مدسه موتکهای کاد میان حاوه که وص دارق) ندردی کردن جیس حالات میشندند. مرتبطهای مطلب در وادد گذاری شده به کا ره می می شامندی · Ulova video vt Section Control

بربان بدر عاق صد دوجه ما معظفاولات هربغامسسی رفاط عالمین سیستدر ساعدی شدهشت

۵۵ - بریمه در آن نواری میه یی مسید و را نیم شاید آن بیام شود بن رست دسد بریشده یی در میام به طرف و سرته و داست بن راید و در میام که نیم دو به صدال در دریت ده میروشتی در میرد دریت می نیمیک دو د باشی ده بیش در در دریت شده هر دو د باشی ده بیش در دریتی

و سن ان عصور سیا می هدامان می در سی می در سی می در سی می در می د

منها کالا وی تبدیره کای موب سند کاکرو لک و لک یک مستحکوده کشیر دارسیک جدیان جا در بندک هو دل منبوک برد در دروزین بهردت و برهمال میشد منبوک ماند کرد.

 یسوسته دست با حیارتا شان کرودیماو به میدارد ناعی هدیت دعواد شیده ایناند.

۱۲۵ ایالمتی اجتمای صکری جود. بر حدد خالد نمیها ند مکانی حتیانی ۱۵۰ از د میازمی خوتها زد آن بر میترش حیّانه سعر پیتشمرک ۲۰ از که شعری ۱۱ افسعر ۲۰ از ۸۲۰۸ دا

مین میرین نود وید (مند میرین) کان مهم دن میر راب الزور (در المحمد ن عدد عبقو لدود الحال مي VII at my 6 ev my المريد المركزية من الحديثة (المحكولات) الم من عكوم عن وكين إد-ود ولاعادار 10 دفته مه مزی من عیدش دباره مه روی عدد تنسک وی میش بست هدیما دره از کش ناخیها بادش نیست هم ر معلفه واداتی هید و درمهیدین از دیم وجای ده ب دیشت کبود درمایا با معلومی اثر بگراه بها. ۲) شکود تاکسیس کرد یکره خودش کرهاده تا مه این درم بارمکار، حدمل کیونی م یفی مرشاوی تکنید کیون خودمو مایشهای حمال که هرموشی غلع مهونشر قرمک. م مرسامياط توتيل ديوته مريمو موريو مية مرشهره 011 VICE

الحريمة حال دده : حبهل ۴ زوا متم يم م ال أنو يد ساسا أم رموة مورلال موخنوم . وی کو ساخ مرکزمرس د لاهد نبصیره جود. ب در منتل مقوم و مونسای برندند ... از دینو . grand 15th Demich / NM/n/c العمنازي ليرو منهداهم يلود مثلها از معراقا هذای مردوز که کشف تعدیق وی ده اگر رخیای دیم دولا قرز این ن دی و ده المع المدايات المعا مل المعضل -) رالت Prai caso ی صلی میں میں اور اراز موت در د بدست مثنی ادر درسدهدن دکرمون برمسلوبول مواند جمیود ۱ مساوه آنگذند و خواد سامعود درایسی یک تابیده غیبات از ششق و دافسته ف مد رونامهم مرسه علىمد موم ما وملور ، مد موصدر الصد الن بحريج الملولسي عالولواء عزر مواليم وخارات راستهم وخارا ما تا را بینوی جمع در درج حکونف شیکه با آزاد امراد این سازم هموس نطردهم میمامنود و میرک به میومید و وظیوا منه طفتا د آنعهوان سدی بر سر دردین دان می می که بود زیوکم دی مشایل دارید. در تا برخویشان مسودیات بیده هیم ما موی بارموا ایونصل وال منها وجع عدم و سنر مهم ومو ما مع المعاد والمعاد وا ريد افتقره مسعورين مستثار المعاول المقاداح. رشد عدين يواقع واقعت معودان لنوا ?

بزويمزخ دممشتم عسدسيرطان وأومكي

بالبيان ديد جدانها ه

شعدي عالا ديرس ورعيش مكام العذري كو حدثها ساترمونيين المسهر

ركمكا مندق وم بعايات هرسيا عليركات

عاشدا ته گزشت درستیامت - مثلته هدیگان شعزمتی و ، در رو ری طو هرست حيرتكو لدم استناشق ترحيض المنزاء رأوان الكهافان هدر تدرصتها كوهاي لدند سيركل عزديا كدبن جركاو لدو حاليا لدم عبير فريش الري أهر بالبيث الدفير عدومش بريا ماج فد كته تر نقرد كاري علي عباس ياره جي هري الماليدر ته أجي سيردف ناكرت الدائد الدارية المجوكان الدائد بيك سائم مدجد سيزاليه ننه ب عالم هدر نعدا بدرستانو برسد الم ميشدرم، دكرشدهر الم عدياني هنالو هدسيا سر محكفه مكتدباسياسي نوكر هزران دينا را قدرزدارين باورنك سرسيأن لبدريته نيه حالي مديرعا) همار نؤكم المردي الريان في العدي طرب بو النانه الوسية العدى عال رورا علاجاك بيتم كرن ومدرد مشطله بينه عدل كرن النجاموس

برايات للشهشه سيالونهانه عثك هنونهي كندن باستند بيدندسد عدة المقان سبت دهرنا حزري ردرك مند يا بوم قددكرت وم ماكنتره عدل براست هو مدسيرطا آله رولدسه و سبعيد أحمد بدردواج هاروكاريا حزكري بالمشترة به أي كافي لديم نيه مدمعالات به منطق به شرعها عرق وليسار لكري ما لاست عادي طارد لاره ما دوسيا هري الرور لريرستاعلا حال جي

غددسائل جدي ده ايره لمسرر مدهدي غركرد اعمنا ركد كيسن باري دي بدراي شيره نلك سه لدريه عبراجري بوكم ف منعاجز ندكري بدسيدلها لمجاعري ذكرح سادعنكو

ر تتلا شاشق حددی بعد

ه ۱ ب نامی ادریس بر حسر وازوکی

واسي الران 1946/7/11

جان دور محملے عسرسبطان کا دیک ۔

وبدأ لدهواي حكاد دينهم أأودرسيليها لأهاسرين بيبيسيكا وكنجاب د ، عبد بكام لاحلوم هيدسترسرختي مد جحديدا موياتها رواؤيها .

لاختاهگار یا معدد، بعلمانهما کا سیفیرسیفیهن بندر ندام لدوجيكم ساليسي ليبار مبدئ جهاي بادرينها فبأسليب سيبة سيتهمك دوراه سأتمام محترسة معطيه سليب هاتن بصكوليه ق لد تويدلنجا في العد عضت بمرا عما لما على حصكر دوري بركريها عَدُولِ لَهُ صِيْعِ لَهِ مَعِيكِمُ الْهُ الْمُدْتَنِيَّةِ ﴿ مِدْيَدِهِ إِسْتُمْكِمُ لَا فَتَنَا لَكُمْ دوستك ويدا كرين والمدلف هديد فاستعا معدجهم جهيري بر مرسالا هـ دردادادمدید بات تراخ هدار بایگر کروا و پرداد نبت حد حان شهر رم جرهها های مهتری مهاری های های المرادوني وبين مين الديد عليه ألية أليك تساول الما بارك لسد عده ألماد بهناد ك ت . هاليدر عمالمانية الدلاك م منائه للمد لبدكيميا علاقيا عبيب مع لمر و زي خطب بري موي مويد ما در الله رودر حالم هدروالو همتا نوكم كلدل عال مهم عريشهوديه سزاء تبيا حذ سياريلانه ير حاسبت كو روايا وان يا والمنتفر ندراسهم عليه بده في

كوهاروكاري لدو الطاناعة لومعة بيونسية بوسكايه المثاثرة حدديا بوطواتا بارزيا شاهدحاديا ببطرا ويست بنية مريها والدعري المسيد ين الطاء بعاماء تكميم و، ٥٠ موهكم الميانين واسبوه

ء 7 _ روسکینکی سمید بڑلجندی مسکری (جود) (حشع) (م س) ر (ادریس)

الدالم المراقع ل العربي ورميم الله مدام ب برنتكم @ الأخوان أ.ب والوحكت عديكتُ السفر الى طرقة، ۞ لاتيمانُ مسوانسية اعومندي الخدد اللَّ تطلبو ل ١٥٠ م يمسب ا ناننذ ي لوهد هاالغاره يرج لي لا المدمد مع أن به و الإمك ومو الجريداً و براي عينعمصهم جسمسيرطان تزدري

والتي تدرسولها والم هسيري من هي مي دكه لرضيه كو هدر المسيدي من هي مي دكه لرضيه كو هدر المسيدي من المسيدي معلما و يا ده ي عندي المسيدي معلما و يا ده ي عندي عندي المسيدي المسي

درا ل عكري جود/ في عليمود/ الرياد المامين عالى مود وله يعول .

درم، يه کام د

بر تَبَعَ به مَومَنِكُ باش لفا لمه دو روز و طرك ومك ن برانان ٥

هرمه ۵ شرهکیکه چاکل حسکک د پیت⊙ کمالک اُری دیت ﴿ بِدَارِیکُو لَهُ گُذِر اُهٰدُ تَعَرَّتُ تُورَدُ نَیْسَنَ کَا بِیْهِ لِهِ هِمِ فِحَدَیْکُهُ ۞

صريبيكي باستداكيت ليه بالاثد عد للديامادم الللاءعة كرسا صريدي كام وربهه نك عظم شما حد موه شيت بايون نوک تفاندشینه - فلار در اول، حدود به سم موسیه در عوری القرال المار تدافك بدر عدد عددك الدان المت المستشتر وعيدا عرز رقق فوادكا ١٠٠ – ٢٠٠ مجهوما دريون سيدرجل يبي اس عادره الكال دان حيد المرقية كليم - سهيد حالمد هي تورّ ستررم بوم بالثانا ليور واستريت صلاليا هندو بسال سين - بهدمال عديه لك كرن به عدد لد تك سيت سينيه بايرا استفاء استعوبهم تتناهد بعد بعطائل خلق بالذا برسانيا من شكوراً عَنْكُونُو لُمَالُونِهِ مِلْلَهُ لِللَّهُ مَنْكُونِهِ كُورِ أَكُولُ [] مسودواوسون ماولامد ته معطان وهسين محمد اداري -به لكم له "ميدشيك القولية بالقول في التوكي لدن والتي نبره تناع ويزود عالي صد مسينة حضعان والكافي القوه تدوي سينت ارجاد عار لينها مديث تريا كإز فدملم يا هاير الربد وست ادامه المسيد دي حدادت اريد . - ليكوليه بنها هدسك سيتاكرن جزدي بمليه عدير همه للمر المليت لاله عليهم بيتيء ٧ معدا الللب تماستم سيدون موجعتان ب المندولف سابوره روي كارل .. بعد سعيد سينطريده هنارن هرر به نوف عوليتها يد علا مصاروه الكل المحصوب وو صرعي الماية بالوق ورساع كال مصدحسيب ومعليهم وو تعاصيه بالمنك ديديد ساء ما مناءيه المرابع المنافق الما عليه ما بلاد 1 عالي بن هذا إله و على مهان ب سال W JAJAN عنديدلى وكار دىجلەن دىماناب ـ ...

€7 _ بروسکتن _ مرد بز ل• بعسکتری جود

دراحسو ۱ ل بچ جود ۱۰ ۱ م . ب د صل (۱۰) به بم مثلقی سبح الغدة عرق ورا ایف ۵ سیخوکون کی طفکه خلال ۲۰ ساعه مید بکمینزهم © ۱۰ جاشکانی جرد جگه له دنرگای مترکی توکی لم میرتنده (۱۰) د نرگای بیّنظی (پی تار سی ۷۷) بان بکار لمیتا له نیّان خیّان داد.

یان بعراسید دانون حیان د. ۱۵) بزرگ: ۱۱ گروز ــــادرس ۱۲ منتآرین (۲۰ کریخ ـــــادروهل) ۱۵ بدرس:۱۹ مطاورهٔ خیدادر بایمکر ۱۷ بزیاز (ــــــکرندجان

٨) مائين ساملاً جيفاً
 ١٠) كود رسست خوالد
 ١٠) زيزان ساملى معند
 ١٠) كام سائد الحاص خدر
 ١٠) كام سائد الحاص خدر

۱۲) گاره سدائی، ۱ حاجی خدر ۱۳) بازان سـخسو میرخان ۱۱۶ د بوار سـد بیرام حاجی دوید ۱۱۵ کاگر سـخسو زاورگ

أعموهما جعد جعد ول وجلوي جياسيا بان بكار تصنيا معد يكيان يزيمنى ميتركانى غيان و
الدوس سحد بر در و معدد الكان تربينى حيال ر دركان يكون كم عدد تا ترسيل بسائر
المستود كه بينتين بال موليوسوالوان در والتاريكيوس النوي بعدى له تمام لكيالسيسي
المستود كه بينتين بالى ماليوسوالوان در والتاريكيوس النوي بعدى له تمام الكيان بهاكسر
البرد خاس مؤال بها بعنى مهامي يكسموني المهرد تمام به خال هدات ده مترسكماني بهاكسر
الإستان مؤال بها بعاليان اليكسمونيان عميده نصي يمه و مسكركان جيان و جاس مؤال
المستود كمان بينتين في الدول ميدون ميدون المؤال المهرد نام التواقع الميان الوالسيد

٤ - حشي العديدية التوازي المدد دفيه به قاري خريموه كاريكات بطكر بعناري أن و رحسكم مود عزين و هاتيجيم

متهن راب	w	جي په جي	\~~	بوينو	149	نجاره	i.+		
حدق ياند		جەموجول	107	بهن	17.	احشام دي	1.5		
حتى	١٨٣	جماز	104	بو	- 17 1	آ لؤا ادے	1.0		
حميد افند	Uz.	جندن	IOA	ابين	W.C.	الموارد تايات	1.1		
مسو	۱۸۵	جنيش	104	ابس	177	ارتریش	1.4		
حمياروبست	V٦	جاش	17-				1-1		
خه بد	10.0	حی	74.7	Ċ		ننيون، ا			
حرشق	10.1	حاجي عرات	IV	ني	73	ع نعج	150		
ا ب ا سورت أنو را ملك الدين رحمال لحسب شواره ركادوا									
		-		اد اد علی صدالله	Y X	ند/ هیوا			
تللأر حسن					3	المهين/ دذكار			
ژاڑوکی/مّا س	ىسو		79	°,حورشىيە		المهنيي الرواد	***		
شفتای دا) ۱۰/۱۰ شدنای ری ۱۰/۱۰									
	0/				10/0		شه		
دنای رس ۲۰/۹۷ یشدنای (۱) سامه									

شه تای (۱۷)

40/70

1	"		FN	\ /	ندره	رـــٰ	~	1		مرخا	عرا	مزر	بسالي	_
<u>·</u>			_		٠.	410		_	<u> (r</u>	ان _	<u>ر</u>	5 <u>0</u> -	_	
-		مليات	دی و	-0'10-		1	= =	_	 -	-	ے	- 51)		الباقا
-4		<u> ز</u> ن	=	-	يب	╁		<u></u>	بادك	- 3,	~	_	ان	-
-		-) Ag	14.	1	J	-	1		升	-		-
·		_		95		1		~	يبراند		4	-	_	-
144 144				انية	483	·l			تعریس توه گائر	2	=+	+-		-/
			-	· Ya	144	1			ريد کار ديد کار	3	7+	•		=
64-			سا		•••		. *				+	_		\dashv
996			وران		•1	من	٠, و , تعو		ماهوا		-+		-	_
998				ابارذا	-	10		•	فعرتاب	·	-+			
884				اسر	••	1	- 3		حاييء		+		٠٠٠,	\dashv
981			سي ه	ا•٢	904	,			در بئـــ		-+	2	-	
441			-		17.	1			ماس م	۱ ۱	- 5	. s		
444			اسما	1	977	1	_		دوان	- (4	١4		<u> </u>	
443			٠.		410		٠,٠	ران	حاجىء	<u>-</u>	4			
441		~	ر اد و	· 1	134	1			جوان:	ļ				
44.		+		أبراد	934	1			تبخان	1	Ţ			
441		_	ه عبایا		44.9	ì			ابران	·	ا ـــ ا			
811		رگاشی	ه عدار		174	!			عواة	! ≄	<u>ئ</u>	_	بك	<u> </u>
44			٠	- 1	***	1			كسدون	1 4	/ _		1	اصلی د
499			. 1	57.5	STA	1			استآبا		lig.	*	.)	1.52
9			ديزه		w	}			آراهان	١.,			٠.,	154
4.1			_	8:1.	Δi.	L_	-	ن	نام سرنا	1	۳	. 8A-	•• 1	13-4
														- 1
عاس سا	جلدات) (<u>يف ز</u>	<u> </u>	سر ناما	<u>.</u> !,	ساني.	فرزن	<u>م مرد</u>	-	5	, -	
3 3	1	-	3	1	10	-	4	- *	15	-		7-	+ 5	100
***	49	-	*	-				•	1 1	17	1		19	12
6 0	-	t		1	٧	•	-	ت	-	J	-	1-	۳	3
3 06	•••	84	**) 000	44	٠.	مو	.11	1 40	10		حك	طا	-
	کیبیسیده دان امید. اد													
• 1	A		٧	1	T		Г	.]	F	1		,	T	
1	-		-	4		_	ند ا		44			-	1	•

			_				-
و ارزان	ا د		10.			وباداداده	
	1.4		101			۲۰۰۰ / شورش	
	NA.					ا د / هيوا	
ست کیل	W.	^س لودو	104	الوعائد	KV	بدالين / رزكار	Ŧ,
رار السلام	IA.	خرر مندیل ۱	105			نيث لري / جمال	
علمه دره	W	محرده بولث	100			لى مواقه / جوهد	
بنسئ			107	عاني حاني	171	منورشدوسيره بر فرهاد	1
"دروو. عصراعا	IAT		leV.	الاعتاما	180	. ي حليل / حسن	ļ
سمد ک	WF	پمومان	/cV	وربتها ورث	X	حسود المار وشعيد	į
رولیه شو	140	ناء بددان	109	اروعنية	177	مسوررو الركاسم	ŀ
"سىدگان	W	محلالم	11.	إذان	176	حالوق دري برخيعيل	ì
كلهشين	IAV	سعريدن محلاله	171	جاده	170	مريزي ۾ مولون	
FFS	WA	پودې د بدن	IIC	ړيوه	10.	ء رجين	ŗ
کرون سند	IA:		118	1.12	177		١,
لولا ب	11		14	رديا مود	154	1000 130	١
جاسوسان	111	يروف حاميط	Ţ.,	اساف	189	و عذهرد /	ī
دملريان	19.	أقسرت	118	نقره	16.	د. د مرودالع ال	4
رمواندور	mr	ديذاب	'nν	حاديان	15.	ما ـــان	Ī
کوره د _	13.	المارة شداد	/:A	سيادا	1	ممد خالد	Ī
	180		11;		1:1	بترافر انزل	ţ
هندرين	127	مني حه لان	١٧.	سيناوه	125		ļ
اليان	١٩٧	ليبي	W	حاب	1.2	شار و کوف	!
أثرا تأخ	12.1	دول نت هيداد	WC	بادّاف خاب	i'Cl	ه-سو بعاقی	,
	199		1.7	كر_، لاجاب	IV	464	
باو،رەنگ	¢	فتربأ قسه	WE	ماحي عددات	NEA	موادى	1
	1.	ومرف	We	وه لزي	159	ارده	1
			-		_		

No. of Part of the last	16.5	g in the state of the	43	AMERICA ST	\$cv	2	**
4,4,6,7,	4	بهبري		20.7	44A	wast took	
، دوستان	-	7 (3);7.	~	د دا د د	14		4
الدور من	194	ر، سياره	4.	a your ray		مرود إيالات	
المستعدركة	*	وولاغ	605	3. 加州海	45.	100	12
المستحاكمة	4	ول رزاف ع	4	10000000000000000000000000000000000000	1	No Day	
W. William	41	ودرمان (ر	٠٠À,	مرسوع ا	বাং	ورنسون	
البيخادي	*	. دکنتور ادا	Ċ	4 50 C	ett	08300	
لهليات دليو	S	تراركاه مالك المستخ	47.	سمسوف ف	c†į	45	11
به قعات .	4	سرادگاه	4	ام يوك	cr.	سنرتيز	٤١.
قوه	S	، نشکر *	~	جهاد ج	et1	ماولایان	CR
ي هيرس	Š	سويا	47	ارىجوڭ ك	۲Î۷	. ميزگسود	ck
انيه	0	بسيح	c)	ارجوك اموازار	CTA	زاركدلى	ST.
17. 2	111	استامول	c,V	فأدشه	cty	ميشاشي.	eĶ
المحاداد	e K	فرماندار	417	صادوخ	ςį.	شملاد	<5¢
٠	641,	تيبها	c٧٧	دهمانچه	લ્દા	پرد	kIT
النعا	41	مرمانده ا	c.M	(F 13)	410	سهمات	X
ئەوان	Ç	جاش	cM		- ĮP	مسهك	QV.
تناد	41	حيش	< y.	طياره	4,	توپ	CIA
ئەگەر	<94	جيششب	cv!	هاوكيتو	< ₹ø	rdo Al	27
موتع	474	تاسملو	ck	داب	41	به مام	Œ.
سوا قع	C99	جلال	W	مدرخ	٩v	raho 10.	حدا
مرمت	۲.,	كومةله	cas	ردمره می خاو	CIA	ووشكه	ccc
شكاون	1.7	مشع	(Vo	نيزه	ď٩	1./-	eet
مهرانهو	44	إسوك	cvl	كداويه ل	9.	رشاخي	u i
حيراء	17	حسك	CAA	بان	બ	بدنتو	250
بإرمه قوا	۲.۱	حون	CVA	ىنت	લ	كالبيز	ccl

9.	90	٦.٠	9	۸.	۷o	A٠	۸۰	٩.	10	l
3	٨	٧	٦	0	٤	T	4	1	·	l

چ<u>ستند تینینی بنظاد درساردی</u> <u>هسازگداری جاکسگانی و در درسانگانی میزای</u>

همو کس افزانی که همر لصفرهای د میپلاردنی ترژیش سرزمرانتوه انواندی برن به جاشی پیهسی عرا اور نوموره چنگداری ق م بون ۱

. گفته با شکانی میکیمهال آرتیمیون و چگورتا و مطلوعه و بشد و رکایه و نومهدی سیوان و خونمازش امل این با ۱۵۶ اداره و ادستان (۱۹ این به بردیکا بریدان بردیان بردی بردی برشده با بیشته با در است تمو با شیبانه هم مساوری کان دیوان و معد دارد و رخم با سیسیمهای میکانی دادم بود بود کلوانی نقیلی املام با نظامی دادم شدن و معرفی معرفی املام این استان میکانی دادم نام دادم این میکانی دادم در با درمان ای کور و در کسیر تصدی به میکانی دادم که در کان دادم کان در ایران کرد و در درمان کور و در

ک موتشگان کهها آنجا به آنگانی آنودهٔ باطنگانی گزاری میتایینتی که اور میگیویکندسی و داکههای درخش باین نکورد کهارمیند این بیاشتگان بردن بازاردین را تعکستی مکوارد سنی، به دنگانی باین بهگراوکه نوان بههای درخش ۱۰۰ تا کار گهشته را دین توسوی این بازیردند ۷ میسب در اینامینانی میتایی باینان بالار در خمریایی کردن میتایی بیشتری اندام جهای ترشیخود به با رای بیشتریکانی میکین دا رئیست. بیشتری شدن و ارتفادی با مطال برجه کونید با دار میتان در

بمودند في وقيتا في خوان زيل الموركي جافعةاتي مؤوّل و سأخط نياده مثنيًا عالم وارد بسم مسئر واردكي له تهيئين به الى بايرى ٢٠ دا كه هيئتا له كوستاكي بود بالسي هاتان يقها والهي مجالي مسئر ٢٠ بالوقار مؤتى دودن بالموادي الموادية و المادي مؤتى دريويه كه ماوكون تولى بكسات ، ٢٠ بالوقار مؤتى دودني بالموادية الموادية و الموادية بالموادية بالموادية بالموادية بالموادية بالموادية بالموادية مادي دولاية بالموادية بالم

have color beauth warmer

452

÷

تيتر دايكم زور برهوات دئم يسب ويهمرمان ليدهات



ر ۲۹) ناستی کاگوی جاش بو مسر مورحان

بواد مسواد آ د ب بوتاگاداری الداد مگان مسن

نگایه نم تطابعی به مصور جیهازگانی ۷۷ لوانگانی خوتان یدهن تگایه زور مشیارین ۱۰ لمعرف تطلبخی تیش آورد به ناوی چنار (۱۷۵۰ - ۲ مسخون ۱۵/۵ - ۳ مخیوش ۱۵/۷۵ - میل ۱۰ / ۵۰ - ۵ - مشایری ۱۳۷۰ - سیندار ۲۵/۵ د افعوق که د ست به بگوی

يارص دتيدكونتم كلامعسست وطياق

سعيمة والمستند

	ية هرستاور كالتأكير موسس عباس هن فالم ويتشكو معدل الكار عند التيان ويكا كا
	ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
	La company and a
	- محسونيون سيومس
	ا ا ب به تای کامیز نده نشن کی بنتیت دیده
4	ب ماش میاس ۵ کاسکامه ۵۰
	بهناها صعبين يه وه إش ما تبك و
	Je stanger de contraction
	سيق الكرينسة وقروا المان
ما ريز عبل نيه کا و	معدادی مدن کر رفران دورهان
	سيوم حدث بنا بنالان
المعرون	مه مدان به من است
· 4/ £	يو/ حسو لد/1 - ب

يو /جنو /م ، پ • له / ۱ ، پ •

د / ۱ / ۱ - ب . بوسکتان * می نازام قرانی فوره تدکیدن ه - بازانم تو میگا با نوی توار بو روزی ۱/ ۵ قرانی فیسته بهگیمه چیمینی بوده بان نه - ۱۰ فیستا برخی حبیه نم بازاره بدن * - می خزید قطاق یا ن توانسینی ده جمیدانی داخلی بیدان تکاراً بنشید می می بدن بنا و اخری می عالی داد فوره را خلا بعد یا تا ان . نه خلفی تر چوکه بیدان تکاراً بازشته بر می میرس که چی تار گردود ، ویژی ا / ۸ - ویژی

* تكايه له مؤنيه كالكاد ازيال يكفن - يعرد مرام - ويلام يعيك

ے کہ آنگی تی عیزہ بہشد گرہ کے انگی ترہ جائے گا ف شوّ ہیں جرائے !

 یاش نمونی جاشگانی شورش جنوات بهسترگرد ایجی نگزادی بالآی جورد اند بهی توزانور. بهید یا پیشی ر بشتیانی د برانش بالق آن کردند خواردان او در خواباده خون در بودو امد میستش جاشگا است. قیاده میزنگانی لفی از دانش با و اظمالان میژی سرگرد ایشان او گورد درد.
 درد جاشگانی سرگرد اینید انتهایشمیچیزی شهی نمیجانشیانی د مؤادر دیدیوا و میوشهان

کلیرکرد میه ۰

ومعکروها حسانه عمایته شدن رشیرکانی خوآن خوکرد در سرفتدری خوآن نیازکرد. بهیمکی سبوق و فرزس بژایوی فکل هزارت به برای گرفتی فراندا، بزا سعر سرورکانی فرزان سفوالی له کورد طاعوه بهیست با بهتی لما زمین حاصر کرستانی دهوانیش مازدگاری مکان بزاردید ناریمکانی بالکتاریش، داگانهشی، منگرورندی رید مرد ک در با داری مطبعت کان بهانی بدس «

اً) به بری نتر منتهمی لوبعی با آن جاشگانی جود دایان نایر دنمبر میرناایا ای لایکسیره میرفی بهتیت سرطیدی ۲ و دالیری با اینجا میرنی بیان سرطیند یک ودالیزی با واطلایکی تروه میرنی بینت سرم ۱۰

ا آگا با شکانی جُود کلاره علی و طلاع با بخر و نجسه بن کریونی ساخته ی نمی خطیره احد کشفته امر جا شاندی لکفان بین تعرفان گوابین بر جارسانی و بارستی به اینهری بیشاندانی میرفی ریلا بارد انی علارکانی نمارگای معرد بر داگرگردنی حاجی نرسان والزادی وزایات ۲۰۰

له ؟ أطار نمان المكل طبيرتك متؤلدا و المنطان برديق بمتميع تشريع تراحتون المتوارق الدين بسبب و مسمود كونيد دارد درين عقواطان متجان بن فاريكان برسول به _ " كونت باز بمين أو يكال بالدين المساور المينان من المراكز الدين بالوران والمساون بهان تعالى بكن براد والمراكز المعاريات و ناود شده و دران معمدان و كوالوم و كالا الميكان المان الميكان والمان الميكان والمان المناكز المان المان والمان المناكز المان المان والمان المان المان المان والمان المان المان المان والمان المان المان

ُ کُوُ) کَه بِیُوانی ۱۸ کُ ۱۳ ۷ کُرهٔ گیروش مسکری جاشگانی تیزیشی چوانده که پیکه ها در لعزیکنوانی ۲ لاپنی جود ، بهسمیبرنش جانبی ایشتان فرزش اید رسی بعزائی که تطعایل گیزونو به قاباد میونی ه

ج ـــ ترشعری مسك حاجن حاجن برایس شيرخور . •

لم كرِّرْدِيمِرُهُ آ رِيُّ رِنَيْسَ بِرِّيْسَمِرِكُونَى تِرْفَلَى بِفَكَسَ بَحَثَمَى كَتَسَ وَجِوْقِي وَابِعَكُودَ فِي هَزُوْقَانَ و فيواند فاتيان و رِيُّكِي: دسيلاولني هزِّدَنگهان دياري لويو " تماند بنتايي لديڙي 14 رق 17 دو انزلغي ينگس بيلانگهان جريمچي يکن و هزُوگراد بلغي است

نده در بخته برن که پاوی در ماه دی کنش ساختر (سخکستر در اینزیکتر و طرح کی ساخ و مورستان به در این در میران به چهای کنده بلود کا در مراه دی کنش ساختر (سخکستر در اینزیکتر و طرح کیگی با داد در میرکترد بست گرتش شاختگانی شیکه ر در برس و کادم که کندهای بستر گفت بعد بان و زارگانی و وجرش * * * * * * *

بها با یکی در پژارتی منزد پیری جاد درگذش حافیز — سنگستر ۲ ۹) کم میزشند؛ جگ له جاشکانی جود جند بن پاسدار ر سمیازی لیّرانیان لکنل خیّران مهابی

را هم معرف علی این می او اما میکی ان دا بر داشتن با این می این است با در است این است می این است می این است می و میری یا در ادنیکان میدارد میدود از در سردان جاجی میرمان و میری نامن این سعید بازگایکسی تا پیچان بر را بدا در دخصری انزادی دا دارد و لکال خیان بردیان بر همدی فیایی سترانجی بسرد کیانان تعضمی نابیتک ب ۱۷ مرتبال بر ب ۲ معر نو به مرت دوس و موسوال ما شخال مودی زائن د له بها مرتبی مرتب او با راه ای بیما امری می در بر موده است در مودی می در در و با بیما امری در مودی می در در و بیما امری امری کی در مرد و شده امری کی در مودی امری کی در مودی می در در در مودی در

اً آها) هترکانی ی ای اسبرلمایی کنونتره دانانی تحقیدی پاکرد تموی ناویمکه پمچند توقفیلت د پر جریمجن کردنی ترقیقی مکم بده هر هترکانی پیکاری لمو حمیه پلارمی که درونتی نیاد ادامتوایستو چند برا ولکی پدم امارکونز در چند شهنگی گرفته یکی بریه له نیزاردی ۸٬۱۲ دا هبرکانی ی ای ف

نزگی بیکم ... بز باکارد مودن داران بالتیهان رکتان بیردر جهای تعدیل ۰ آزاری دوم .. له کلیکر بالکیهاندود بر ملکند بی حکمری جا شکانی جود له زدمیره جهای بینه کت

مور دوم - د مسور پاهلی کاور او منت و دولل بالامیان و دولل خیلاب دا ۰

به بسمرمای بریده از دور ۱۰۰۰ بور در سنوری خود سدیده مدید برید جا شکانی چو در معاورتهای در این از مقرض تا سایی مزاو دوگریت و جعد جگایگی گرفکان لــــــــــــــــــــــــــــــ زنجیره جهای بسه گزندو رفکر گزشکیتر و حدی حوار و جالی کنوله بیموعه ۱۰۰۰

بر جریمجزیکردنی نوتاغی دومی نمختمی پاکلردنمودی ناویمکه له جاشطانی جود. دلمهومهمانی ای فعلولدا - میترکاس بمکنی لندو تولوه کوشه چولان ۶

نولی دور حد مارسان لمکان هشتنده دلترانشی نظامی نظامی با بر باقایی تاویده و اود شد به گاهی نزد. در تشرکان جود ی له گرفت کالسیم را نشر در ترکیز در تحق کالسیم را نشر در ترکیز در تحق کالسیم را نشر در ترکیز در قاسان و رست فاشل در دران علی علی حد در در واقی نوس و است فاشل در در تاریخ در تحق کالسیم را در دریکی گرای نظام در تاریخ در تحق کالسیم را در دریکی گرای نظام در است می در تحق کالی نظام در است می در در دریکن در دریکن کالسیم در در دریکن در دریکن در دریکن کالسیم در دریکن کالسیم در دریکن کالسیم در دریکن کالسیم دریکن کالسیم دریکن کالسیمی دریکن کالی دریکن کالسیمی دریکن کار دریکن کالسیمی دریکن کار دریکن کالسیمی دریکن کار در دریکن کار در دریکن کار در دریکن کارک

ر اونران دین تعربی بارمخی و بشنوانی نتران دیاخود هارگاری بیارمخی جاشگانی میزادی بان ها تنسحی بها سد از دفتسری نترانی دادی جاشه خربتری کانی جود بدا دجونک رشازی سیاسی جمود و خافینادی ۲۰ کنور در داده این دادن در است با کار کانی دادی دادی در کانی دادی

گرتژنمبر و بن بمش له بتیوانی و بارمتی رفاریکاری کرنیانی خاکی گوردستان له عمرو و بروه ۱) جنگدی داخه لنکاتیکه ا که نمر کوردستانی نثران ببیته لوا یی ستواتیجی شکرتی گریدستانسسی

۱۰۰ رقت لفا نگه ا ۲ دود می خوتی نوب سرکزیانه کمررمهای مختلی بیشترگ بسیر جاشفانی جهد ۱۵ به جماوری گفتکان در «به و پیکندوا و درسکاس نوتندوی روگ بیخوایی کشکسان را نگلیدین ۹ لست. مهان کانا دامهردی می گفتان بختر شدوی که جاشکانی جود به مثلی بیشترگرد و بنگیش نهشتانی اطلاعی

و پیزیملل ! ! - حقائگان جود سمیسخش سیاس شیخان بسطینان و بنیسان بدمن بیبالیکن "

۱ ـ واز بهذي له شعبتروشتن به شوش كود ستان له عدد و د يول ميزال و ليزّان *

۲ ــ لیگورد ۱۰ تاتی برترآنده پیگاییتا نی لعنکریکی جنگ اری بنگلوتو بستامیتین ۰ ۱ ــ تا وادی کاری سیاسی و حربی لم معرانستری کرید ستاندهٔ بیز همو لایتنیک تختین یکری،۹

م السرال يتمرك

اً ... لېېرميانۍ ۱۳/ ۵/ ۸۲ که مټرهکال پاکټې له ۲ تؤکره کونته پڼځ برا داکونانی ۲یواز لجــــــــا و ... جمرگوی جدیدی پاکټۍ مټرکانې بایدا دم سعیدالمان دا ۱

ئۇڭى بىكىم حاجى ستىتا

مطک*ی گوند وی*قه لخان) د

یشمارگه بوله کورس ۱۰ کے تیس ۱۲ ی سوّران له بنمالتی شعید رسمان بگی کروانیه

له نیون که ۱۸/۱۸ که له کانی سی بارد می گرس کیمسروان شعید بر

نوکی د وم

بيته احد سوّل له بالّي 1100 لخوندي (سکوان) لعدايك بيه •

له عالي ۱۹۵۵ لخوندي (ــ له ۲۱ /۲ بژنه پيتيمرگه

کمیر کازایشی و بعثنداریونی له چندین شعر رنمیزدهٔ بو به فترباند دی مغرنزه له کنرتی. ای آییسی. ۲۶ ی بالک

له ۲۲/۸/۱۳ دا له عاض خواری عمید بر

کینگی نما کی بدین ماوه بعناوی (ریگاس)

خرشكتواى قارماني كريدستان شعيد سيرد سعده وهقائي تلاشعر ومسان معدمه

ا _ گوان بحث این

له سالی ۱۹۶۱ که شاری (کرّه) که دایای بود کیمر تازایش ریمنداریوش که چند بن شور زمینرد ا بر بخاریاند ای مغرارد لنکارش ی شخصت

سیازی نیس ۱۴ ی کله

سمه ری مین ۲۰۰ ی مهد امینمالی شعید سمهاز است و شعید کامران کاکه رشد

لمعرمهاني ۲۰/۵/۱۲ دا له تاغي پارمان لمنيّان ليّوزيّا ـ بركيسكان شعميه يورا

۲ _عاريز نموحان نه کریدی (بهاروک) ی دمنش کیّه لندایک بود پیشترگ بر نکارتن و ی تحید سیازی تین ۱۲ ی کوه لبيربياني ٢١/٨/١٢ هـ الدعاش يأوهان له نيَّان لايق ـ يُؤْنِكُ - يُؤْنِكُ النَّانُ عميد يو كه سليباني لحايك بيره

لَهُ سَبَرِهَايَ ١٩٨٧ مَايُورِيهِ يَشْتَعَرُكُ لِهُ كُمِيْنِ فِي تَنِينَ ١٢ يَ كُوْمِيْ لمعربهاي ١١/٤/ ٨٢ ما له عاض باو حان له نيون ليّون أ ــ بيان الآون الروم الله عميه يو "

ع سَمام الدين ميد بناسيار به شوي له گوندی (بایله) ی لای سالتی له دایله پید

يتنسرآمر له كسمت ۱ ي نيس ۱۲ ي كهه

تبعربيماني ۱۲/ ۸/ ۸۲ دا له غاض پارجان له توان لگوگ ـ. بوليسکان عجيد بر ب له باردن فتر چند پاوندا که ميکنا جاشياني جيد له مندي غياس جياي بينه وارد طب باين چندین متیانی فالهدانهان که بو مطاعد نی نیز بوازادی متیانیاتمیک اندار جمهنگستی نیاندا دان کوابین بینگلدان متیانات جاهنگانی جهد تعمل ۱۹۸۰ کادکه یاده سند ر

زینوش نیویا و کلکر د میلا و سالانی و له موای شکاندنی میشنگیان دعیرکانی یکیلی لمکانس رأرنان ويحركونى عكره فكالوكحا موغيسيدى داء

أ _ حاجي كيري الذواحد ورسيا

malini (alla) interes ل ۱۹۲۱ بازی پیشندرگ

لعيم الزايخي و يعتد أنهون و ستركزه أيتلى دجان شتم ولميمودي كارضاناته يو يه فنهاك دى گولسى گلاڭ لە مىڭس ٧ وياغان بر يەنىياندىن كىرنى ھا لەھىيى ١٩ ي سۆران برای شمید حدد ردنه کله عکاندنی کلنگریگری چرازگی جاعظانی جیدا له راوی ۱۹۸۱ ما

له بناری جای کاری عصب بو بیای مطالی تارشو حسین کیشتانی به ل ۱۹۲٬۸۰۱ به وارومله له شکاندنی مترثی جاشکانی جودا شعید بور

> ٢ ــ ايراهيم احيد رسول له گوند علسموكان) له داولي بالميهان لعدايك بره

له ۱۹۷۸ دا چه تنسیه لبير كازارش ومحدابيش لمهندين لعبرد وشمودا يويجيكي فيهاندى كوتى الهاهيسيس

٧٤ عدائت

لَبِهُا ۗ ٨٩ / ٨٩ له واردك له عكاند تن ميّرتن جاشكاني جردا شعيد يو و سله درا توافي بالكرد دوى زيجوي جهاى بهه و ناود مشهو د مركيد دي جاشكاني جهدا ير ليسيان له بیگای ۱ برنامی دا میرکاس بخیلی ام شعبداندی دا مرکز

ا ساحد برليد جد

لسالي ۱۹۵۲ له گوندي سعركان له دوڭي بالأميهان فعايك بيد

معر بلا رنگی له تروش فعلواد ا بر به پیشمیک و له بالگایش و بعد سالگاه لمسر دیگاگا بسر و ره بعدد این جند بن شمه گنوین وگر باخهان و محد ی له عمرگانی بارزانی کرد و لنگل د سیکارد نموس دیوشی حرزمواندا بومره به یکندرگه رکوا یه شیباند دی مغربارد ملیب کا زایتان رابیاتین بر به آمیانده کوه ساربیگ لجمهان ۲ و مارمیگ له علیان ۱۴ بستر ه بعقدان دمیان شعر و مهمیه ی ریخو عنمای رطزی " مکلکی بالعیسان دعموکانی ۲۸ ی علی شدوقاس خزشتاریش و بشته فاغانی گردود و سعرگرد اینتی چند بن شعر و پؤستی سعرگریوالسیستی کرد وہ معمومیا بعد آری شعرگانی کیرہ ستانی لیّران ہوہ

> لتبتر نا زاینتی و نی وعلاویی بر به نمهاند دی تیبی ۲۸ ی کاروم له ۱/ ۹/ ۸۲ دا له گرنگوتر بیهندار بو دوای چند سدهانگه گهانی سیاید

د ر کیرو د و گیزی له باغی یعجی باین

لسال ۱۹۵۵ لگرندی (غیربرش) ی لای حاجی لیتوان لندایک پره له سالًى ۱۹۸۱ برَّت يشمرك وبعد الى جعد بن شم رنميود ي كرد وه ستشعرته بولنگرتی ۱ ی تیب ۷۸ و کاپتے لمِعربِمَاكُ ١/ ٨٣/٨ مَا لَهُ كُونِكُوُمُ مُعَيِّدُ بِرِ . ا کوری لماش پنجی باوہ ع۔آجد جنور جائے له سالی ۱۹۵۹ نیزیمی سیوان لندایک بره له ۱۹۸۲ پُژه پِلسبرگ لڪرتي ۲ ي نيس ۵۱ ي گيريان " له يعرمهاني ۱/ ۹/ ۸۲ دا لڪولڪڙير شنعيد پر ہ ۔ناری حد لسائل ۱۹۵۵ له د بيگطة) ي لاي كټيه له د ايله يوه له ۱۹۲۸ یژه پیشنه کِه و بعده اری چندین شعر رنمیره ی کرد وه ولمیرنا ژاپنی و لی رمدارمی بسو یه جگاری لعرباند دی کارتی ۲ ی تیپی ۱۹ ی سفین لمعرمهانی ۱/ ۱/ ۸۲ دا له کلک دمری برینداز بر پاش چنند سه عاتیک گیاتی سیارد تولى دوم ة _ تاظم محد عليمان لعارماً على سيءكاندا له گرندى همزارا ي نارچين شران لعدايك بره له سَأَلَّى ١٩٦٢ له سُرِّتِي لمِلولدا بر بييَّسُوله و يعتلِنني له سفيطنوه يرَّ يعسولق و فيعجــــــا فعربا تدمى يحاليون ٠ يتا ليُرتكن عصية. ناهم يكيَّك بر له بتاليِّيِّه كبره و عدره جالاككاني شرِّرشي لمِلهِل بطاييعسي له تزیای کمرکیات ۰ بعشد اری د مان تعبددی گیره و سترکرد اینتی د مان شتری گئیری سترکوتواندی کرد وه بعجیی اسای که ریزیکی تاییاتی همپر لخار همو پیشتمرککانی شورشی فیلولدا • وه لحالي كيّرندومي ليّرسرا وه عمكم عمالي منوري كوكوك و سليباني له يهّدويون له وكالسسسي تا شیخال دا ، میگریستن جراسوانی تبرنزی همیر تا عنتایه له میگوی گطبکتباندا بیشاناً زیمیره باس له د سیکارد نومی شرّیش حوزمرانده هاوگاری یعکش ر شرّیش نظرد از پعددین گسیله خسته او د رُستڪاني غزي هان دا بڙ پيزي پاڪسرگايجي بلال جلال (دائر) که تانوای براه شمری بام ریش دا جمعید بو له ۱۹۸۱ دا سترلمبری هانتره بیزی پیششرگایتی و له تبیی ۲۱ ی کترکرای بر به نمهاند دی کتری و لميدر تا رايحي و الى ومشاومين يو ينجيكري تعياند دي تيين ١٠ اي كعركوك و ياشان يو يطعها تدمي تیں ۱۲ ی سرزداش همروکو لمتیّرتی تعلولدا بحدداری یا سوگردایش دجان شعری سرگوتواندی کردوه دله شوّشی حرزمیانبشد ا بعشد اری جند بن تعمد و برستی سترکوتوانه و سترکرد ایکی جند بن شعبی گرد وه : پعشد اری شعرگانی کررد ستانی نثران بو له پای نیربرآی ۱/ ۸۲ ۸۲ م آ لیآگارد نیرس نستایرکان و بارگی دا شعید بو ۰ ۱۲ بنداگ لیاش پنجی بارن

۲ ــ ایرامیواسد ایراهیم بناسیار به (یرایس سیخی) له سائل ۱۲۲۱ کردی (نیشگاری) ی درگی بالامیهان قد دایک بیه

پیگسترگ بر لنگترتی ۲۰ علیتی ۲۸ ی کاریخ لمچمده بن عمر زمجرد ا بشد ای گردور امیدرمیانی ۲۰۰۱ م ۱۵ کوکیتر شمید. بر ۲ کو و ۱ کیپی کمانی بجبی باین ۲ سعید الرحمن حند ایین

مريد المريد

م سـ ۲ دُمْرًای پیشکس بین فارسی ۲۷ لگلا دمیان باتیی د ـ درمال بگلا و باده اشت و نامه * هـ ـ تازیقه وکطیعلی تر

نهاء کمنی دونرمن

.

آ ۔ آسیا شکاسی نے م بختریتر کے اٹنیاندنس واد ٹرکھی خرابان لیمرناسی انٹوارس ۴۰/۷ و رینیاس ۴۰/۵ ، ناوی E-1 کولواری خوانمی حرکند دو ۵۰ انداز کلواندہ اجتدین فیراندہ وسفرگود دو 1 پرسواریان تائدا ہر ب سلم جا شکالی صفح

ً ۱۸ کوراو که چندین کاه روضهاند بیان تیدایه ج ــ له جاشکانی حمکم

آ ۱ کوراو که چاند کا آدر و لیترسواریان تهدایه د سدمیان بهنداری سوای ولیرسی همو لا یعنکان که ینگیکان حصو د واسمیدی تعیادد دی گشترییان بو د کندار ۲ سامد از ۲ سامد

هِ بِـکوانِ ۲ باسدار و ـگوزنون ۲ ق بر ۱ حشیج ۱ حسائع یژینی میتوی بیشسترگ

رُ . هِيلاً عَن دمان جاعى جود و تصليم بولمونان به جاعمًاني بإيثى عبّوال

بانگرازیک در در ارق برکتی بشتمان کردستاندوه

هارمیشنا بنای می داد گرفت در این و با داد که ده مع لا بختره میآن و فقطانی ختر خواراد فدری بسط له تو تؤلیک میتان کافی میزان در این استفادهای مرال لمبرجکی باگذرده ۱ دام کافت آک دمیر چند... یکفت ۲ میزان بر بختران مرافق در این میکان بیشنان برای با در و با وارد به به به به به با در استفاد به به بیگان برای میکان بیشنان برای با بیشنان به به بیگان بیشنان برای میکان به میکان به بیشنان با برای بیگان با بیشنان با بیشنان با بیشنان بیشنان با بیشنان بیشنان بیشنان بیشنان بیشنان بیشنان با بیشنان با بیشنان بیشنان به بیشنان به با بیشنان میگان به بیشنان به بان به بیشنان بیشنان به بیشنا

م برتبره دا را آنه همیو تمولا بخانت فکفین که بنگشاهی پیکی ۲۰ ۱۸ که بان تینزا کرد و مربارس بیگهینانی بردن بنگلود درنست له بازش به پیوگرانی کوید ساین میزان یکس که ایلتراز یکات به بلیکنانی خوجه و دارای این کلک در اداری بایگلیانی اماری بیشترین باک موارط و او اکنین لکلا بر بیشوان مقرز درنستانیکان باکشتنی و لکاش کیش و حیوب و یکموارشانی کوید سان برنا بیش که برا تا بیخ سایت بین بر کابله بیمان دسالت تعابی و بیگلون لمادا و شو حیوب پیکشوانگانی کورد سالت ا جیگار بیش و

۔ هنر چی دنجانگ د گورنی مموِّ دی۔ و عورف و یا سایت ختھ اراستن باقی عصو کسی و لا یعیّلہ ، ثیثر بیٹھ موّی عمر چی دنجانگ د

سعرکرد ایجی یکیتی میششانی کورد ستان ۱۹۸۲ / ۱۹۸۲

ليبيس

عم بانگهاره له نتیاوی ۲۰ ۱۲ ۱۲ ۱۹۸۲ ما له د شکل شیخش عیّرای موه خینگواییوه



المداد فادروي الحرفات التعريبيس

اساب النماد مسطت

م و الاصاد الوطن الذره منان في أه از الناهي جميل فاشيع الشيخ الشياب خطلا لهم واحد وا مناسبا والمسوفيات من مترسي الاخراف الاخراف الاحداد الاخراف الاحداد الاحد

• ياارسم (فيمان A الصاء توبيت المنسرت بدراطي كاف بب سكن لحملة عليا السلوادية مع يديده من طريب السو أن فيسة بنائيان غيني فاضع بوارضا اطلس طبيس مارين ارب / ۲ من قبل كامين دمية منابسوا الاقصال الوطن الذي اطلس وا بالرم بالمن المعرب المعربات عن منابس (وسرة البارزامي) بالرم جائز في وكنة يفسيد كون لعلي الاصداد الوطنسي وطلسوا (11) مقدون خيسم .

دو دريما إن السيادينيَّاك

أم كان لديريتها د والكنفائي الثارة والجنار البيد الإشبران

14-87

مرى للذايســـ

ب • يوم 1171 / إلام وتوبيت من حديريت با طبق احد صادرات الفسادات المقرر حصال كالا الان التوادر البياد استيم الاتحاد الوطني الكرد سيستاني في 8طبع جمومسيسسال وقت رويتها أشبات بأن مقهبوا المنزب الادستراكسي متم الذين طلوا ذليله •

يه عني بداينة ايستان Ar وبيشا أحند حادرتنا الدرسينيد) (من آياديني زمرة الطالباني في فاطنع البليانيسينيد) للتصور فني مانهني زمرة البارزاني في قاطمت بأى سوره ثم المعل على زيادة فدة السادسيات ؛

الوثني الكروسائي قديد العدام بين الطرفيسيين و لوما المدام بين الطرفيسيين و وما المدام بين المدام بين وما المدام بين مجوسة من المدام طبقان بين المدام طبقان بين المدام الم

سرى للخايم

أومروا لصادرها العواجدين في صوره الدركات الدنريات إ يطاعب الري فهات أو كرفات) يبدّل كل الدبرسسار د للحواجة دوي فوقات هذه المعادمات وقد روا بتقليسم فيسها وضادياته مع بالمعاد مها "لهدة الغيل" -في ٣ أيار ٨٣ فعمت معرفيه خاصه تربيط يحدينهمسا الدار في صدد من معيني الحوية الحال على المارة وبرع فاكساني حرير وم قبل أحد هم والا مهاد" في ساحته وبرع فاكساني تربع معرفياته للقال اللي بلدية حرير وبرعا أذاء..." تربع معرفياته ذلك صلى مثيني الاصاد الوراني ،

سسر الاممسدات

بعد بهاهرة المدور الايراني بنا اسمى بمطبات التشرير باي كرد سطح اليران استفارا " من الدائر الشابي وتبام سيب سيب زيرة الباراني بمسامرة شرالا تجاد الوطني في بازيند سناب المسبب مسلم مفيوة الا تجاد الوطني الكرد ستاني الن داخل الاراضي المراقب وسطورا مفيي أو حداث كان المراقب بن دخيل فليلي في هذه المسلمة الجدودية و غربي الملاقبة في هذه المسلمة الجدودية منيسة بين مترسيس



هي الرائحة، طحاءة ومل الى فطع دينها وأر-:

٨٣ يحدود (٤٠٠) بغرب بن زبرة البارزاني وجرس حيس

لتعزيز موقهم في الكاطبيسيع" بطريع ١٩٠٠ أو ٢١ نيسان ٨٦ قامت زمرة الا تستسساد الوطس الكرد سطين بدن هيور كالف خي خرات زمــــــرة البارزان وتكوا عن السيطرة على طراجهم في السيسسري (باحداده د جناره د درجانه و بادانه) وطن اثر ذلك السميا مغربوا (ع ٥٠ - ١٥) المراقى بالجاه الارامسان الايرانية. يعد استالتهم للاوافر من النظام الايراني شوفسنا " بن فأم مغربي الإعماد الوطني بمعاصرتهم •

غباكر المغيين في الحادثات الحدد (٢٩) فيل ، (١١) جرے و**اللام اللہن صلی (å)** اغریسیس •

يوم ١٧ بهمان ٨٧ حدثت عمادمه يين مدرس ألا دماد الرباس س جهه واطراقتيهه (جود) من جهه ثانيه ئي لن____ة سلان مد قطع بأوهد وز وقد فكن مغربو الانحاد الوطبسس س القِس على (١٢) مغرب من (ح ٠ د ١٠) العراش والمزب الإ عمراني ألكه سأبسس •

يطريع ١٩ ليسائي أنبي كالتحاليد من الاحماد الرخي من جهه رجهه (چل کی بهه تایه کی کی صوره ، راسسا ر بسواء المراجع في الرومي الوطن و (١٢) سن Sund I page of



يوم؟ ليار حدفت معادمه في فهة ديولته في كاثل بين مفرين آلا تحاد الوطعي بن جنيم والحزب أنه رزم. جهة كأبيم • خطائر الشيوفين الهائل وجرم أخرواب المدهم الصوكول السهاسي لكأطع فلسرة أداغ أأأ أأشياء للا تماد الوطس جرج الثلق من مقريب • يوم ٧٠ ليسان ومل المشرية توفيووان بمطاق (عرص... الاحماد الوافي الكردستاني) جامرته صدد كبير ... المغربين الى مطلة لهافر بهشعه شان ومعهم عدد سلحن (م ٠ د ٥٠) الايراني للهجيم طن شارر جيها (جود) عناله ولي يوم ١ ليار ٨٣ سيطر متن.. ألا تحاد الوطن غيها يمد معادمات لهه واسالاس أسر (٢٠٠) عقرب من الحزب الغيوس يشعوم عاء اللجنة التركونة كريم أصف وأحت باني خياش ردارت انبسام وللمغربين المرب واستولوا عبلي أيبحة ر دوتكا ومهازلاماكن كبا دبر الشيوبين اذاعز أسلمتهم قبل الانسطاب من طراتهم • في يوم 1 أيام ومل ألى عار ألا عماد الوطس في ورته ا أسير بن مغيبي الحزب إلا فعرالي حراسلمتهم بعد سأ ني فطيهاليسان وتلهد سفيور الاعطاد الوطس (٨) انت. واعالها والسادية عمرة ألى لأجام فهافر هشته ١٠. (٢٠٠) مغربه . فق المائة الراقية لاتصاد الرطيب بالمرة المعيد من المرابع المرابع المرابع المرابع مان جناس ٠ رسد الدراية الدواية والما عن العان مجم الدين

الله اللهابية

ور 4 ايار اذيمت كلمة المغرب دو مرغر فيها ميطره مغيي الاحداد الوطني خر مزز الشيوي والموب الاعترابي في بشعه شان راز الشيوي السياسي والمسكون مع محتوانز ارد الشيوسي ولا سلمه القابلة والا مسعده •

حاول يمن فايمي الاحداد الوطني دينه الذات مستسخ الكيومين في فلطني في داغ جميدين اندائش والسيت مع المومين وضع ملا يمعلم محول المزار أداون أنسست. فال [أنتها ماجهاد أمر القادة بترب السفرومين عمسم مذات وماجها كروستان بعد ذاته] «

رد طبه درگیروان حطان بغرورة آبادة الثبرجین مرسا

كليف الأميس * وبه كهم لمند صفو لللهنة المركهة للمزب التابوي (بحسد للقيارشية) بداء يواحظ الدافة لا تعاد الريادي السسسي (ح * د ان) المراقي والكيومين دعاهم بعد أن أن سنا درف الدم والكيورائيل الطاورات التي ليدي لا تعاد الرئاسي المعدلة الأقلورائيل الطاورات التي ليدي لا تعاد الرئاسي

طي توجيها في يهم احد قرة وجد قوات الا تعاد الزخر، والشيخية في الإخراج والشيخية في الأخراج والشيخية والتراكز و والشيخية بين الأحداث وينادكي والقال القال لمدة ناخسة القريد وقد المساحلة في المساحلة والقراء القال لمدة ناخسة الما والاحسساد الما والاحسساد الما والمناخل المساح

بسرى للغايب

التفظيط عيمت مناصر متري (- " د لتعابد مطبات قد الرحد الايراني وأداد حرس عندسين لزميزهم 400 النظام الايراني بقامية سمرد انبارزاني -انقاد الاجواجات الذين عن عامية اميز وقواد (- " د " ت) انقاد للاجواجات الروز البارزاني فرمة ليجاد وطلسيس" قدم في القاطع الطابل لمتردت الابه خدية الطائيس صلى وقاد مثلة " في المسجل "

العراد ملى يمن المناصر القادية العنهية لا تقدر في العود الى المنافرات السبسي " و. 3 أن المنافرات العداد الوطن الكرد ساد من وي المنافرات لهم من توليا المدو الايان ورسير؟ (جو د) الجاهم و تدم بالسادات المديد وقادي والمنافرون "

القام بمبلة حدومه ومقطط لها جدا "لدرب عتر انسرن الا"ها، لـ (ج د 4) المراقي في مركد (فاخع زاسسدر : بالمعدد أم طبها للمامه يهمن سرايا للمقهر والمائدا : النسود المسلمة واعدل الجديل م الجانب المراسسين ضي ذلك •